



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

پارہٴ علیا بنی اہل بیت حصہ اول و ثانیہ

# ولایت

شرط قبولی اعمال



جلد اول و دوم

محمد امینی گلستانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ولایت شرط قبولی اعمال

نویسنده:

محمد امینی گلستانی

ناشر چاپی:

سپهر آذین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۷	ولایت شرط قبولی اعمال
۱۷	مشخصات کتاب
۱۷	جلد ۱
۱۷	اشاره
۲۲	فهرست موضوعات
۳۱	مختصری از زندگی نامه مؤلف کتاب
۳۷	تالیفات چاپ شده از مؤلف
۴۲	کتاب های آماده چاپ و در دست تألیف
۶۴	در اخبار اهل سنت چند آیه در قرآن کریم در باره
۶۴	اشاره
۶۴	۱- ۲۰۰ آیه
۶۵	۲- بیش از ۳۰۰ آیه
۷۰	۳- یک چهارم قرآن
۷۴	۴- یک سوم قرآن
۷۵	تعدادی از آیات نازل در باره علی علیه السلام از نظر
۷۵	اشاره
۷۶	۱- آیه تبلیغ:
۸۶	۲- آیه اکمال دین
۹۰	۳- آیه سأل سائل بعد از واقع
۹۲	۴- آیه ولایت:
۹۲	اشاره
۹۶	شأن نزول آیه ولایت در کتب اهل سنت
۱۰۳	اسناد نزول آیه ی ولایت در مورد حضرت امیر در

- ۱۱۱ ----- ۵- سؤال از ولایت
- ۱۱۴ ----- ۶- آیه هدايت
- ۱۱۷ ----- ۷- آیه سجده نکردن به اصنام
- ۱۱۷ ----- ۸- آیه سؤال از نعمت
- ۱۱۸ ----- ۹- آیه اولی الأمر
- ۱۲۳ ----- ۱۰- آیه حیل المتین
- ۱۲۴ ----- ۱۱- آیه مباحله
- ۱۳۶ ----- تعدادی از اخبار و روایات اهل سنت در باره ولایت
- ۱۳۶ ----- اشاره
- ۱۴۱ ----- ۱- علی جانشین و وارث من است
- ۱۴۲ ----- ۲- انگشتر به دست راست کن
- ۱۴۲ ----- ۳- شما را شاهد می گیرم
- ۱۴۳ ----- ۴- تو بعد از من رهبر و سرپرست تمام مؤمنین
- ۱۴۴ ----- ۵- علی با قرآن است
- ۱۴۴ ----- ۶- او را محور حق معرفی نمود
- ۱۴۵ ----- ۷- جدا کننده بین حق و باطل است
- ۱۴۶ ----- ۸- خلافت علی علیه السلام
- ۱۴۶ ----- ۹- عدم قبول ایمان جز با قبول ولایت او
- ۱۴۸ ----- ۱۰- همچون مشک خشک گردد
- ۱۴۹ ----- ۱۱- بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید
- ۱۵۰ ----- ۱۲- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبر اکرم (ص)
- ۱۵۱ ----- ۱۳- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبران
- ۱۵۳ ----- ۱۴- حدیث منزلت و شباهت به هارون علیه السلام
- ۱۵۶ ----- ۱۵- حق همیشه با علی است
- ۱۵۷ ----- ۱۶- علی با قرآن و قرآن با علی علیه السلام
- ۱۵۹ ----- ۱۷- علم علی (علیه السلام)

- ۱۹- آیا بعد از شما ما چنین خواهیم شد؟ ----- ۱۶۲
- ۲۰- ریش تو با خضاب سرخ خواهد شد - ----- ۱۶۳
- ۲۱- بامرگ جاهلیت مردگان ..... ----- ۱۶۴
- ۲۲- در فتنه ها علی را بگیرد ..... ----- ۱۶۶
- ۲۳- مودت علی واجب است ..... ----- ۱۶۷
- ۲۴- اظهار عمر بن خطاب در باره علی علیه السلام ..... ----- ۱۶۸
- ۲۵- دو وزنه سنگین ..... ----- ۱۶۹
- ۲۶- اعتراض مرد همدانی به عمرو عاص ..... ----- ۱۷۰
- ۲۷- مانند کشتی نوح است، ..... ----- ۱۷۱
- ۲۸- اگر دریاها مرتّب و جنگلها قلم شوند ..... ----- ۱۷۲
- ۲۹- فضائل بیشمار علی علیه السلام ..... ----- ۱۷۳
- ۳۰- استغفار فرشتگان بر نویسندگان فضائل علی ..... ----- ۱۷۴
- ۳۱- تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن ..... ----- ۱۷۵
- ۳۲- علی علیه السلام امیر و سر مؤمنان ..... ----- ۱۷۵
- ۳۳- فضائل فراوان علی علیه السلام ..... ----- ۱۷۶
- ۳۴- حدیث طیر مشوی ..... ----- ۱۷۷
- ۳۵- محبت و علاقه پیامبر(صلی الله علیه و آله) به علی(ع) ..... ----- ۱۸۱
- ۳۶- اطاعت از علی(علیه السلام) ..... ----- ۱۸۳
- ۳۷- براستی او مولا و سرپرست شماست ..... ----- ۱۸۴
- ۳۸- تو با علی حرکت کن ..... ----- ۱۸۶
- ۳۹- محبوب مرا بخوانید ..... ----- ۱۸۷
- ۴۰- علی نسبت به من مانند سر است ..... ----- ۱۸۸
- ۴۱- عبور از صراط با جواز ولایت ..... ----- ۱۸۹
- چند روایت در باره دوستی آن حضرت ..... ----- ۱۹۰
- ۱- ای علی، تو را جز مؤمن دوست نمی دارد ..... ----- ۱۹۰
- ۲- ترا دوست نمی دارد مگر مؤمن ..... ----- ۱۹۱

- ۳- منافق علی را، دوست نمی دارد ..... ۱۹۲
- ۴- معیار شناخت منافقین ..... ۱۹۳
- ۵- من با هر کس با شما بجنگد در جنگم ..... ۱۹۴
- ۶- هر کس بر محبت آل محمد از دنیا برود شهید ..... ۱۹۵
- ۷- محبت علی واجب است ..... ۱۹۷
- روایاتی از شیعه در باره ولایت و حبّ اهل بیت علیهم ..... ۱۹۹
- اشاره ..... ۱۹۹
- علی را کسی جز خدا و نبی(صلی الله علیه و آله) نشناختند ..... ۲۰۰
- (علی با انبیاء در باطن و بامن در ظاهر) ..... ۲۰۱
- ۱- این علی برادر و وصی و وزیر من است ..... ۲۰۶
- ۲- او صدیق اکبر است ..... ۲۰۷
- ۳- علی جدا کننده میان حق و باطل ..... ۲۰۷
- ۴- برادرت علی را به خلافت راضی شدم ..... ۲۰۹
- ۵- علی را برای او برگزیدم، ..... ۲۰۹
- ۶- ای علی، تو وصی و جانشین منی ..... ۲۱۱
- ۷- خلیفه و حجّت خدا ..... ۲۱۳
- ۸- ای علی تو برادر و وارث و وصی و خلیفه منی ..... ۲۱۳
- ۹- کسی را بالاتر از علی شمردن کفرست ..... ۲۱۵
- ۱۰- نبوت مرا انکار کرده ..... ۲۱۵
- ۱۱- نزدیکست از دنیا بروم ..... ۲۱۶
- ۱۲- دو وزنه سنگین ..... ۲۱۶
- ۱۳- مانند کشتی نوح است، ..... ۲۱۷
- ۱۴- ولایت سبب قبولی نماز است ؟ ..... ۲۱۹
- ۱۵- عملی برای او، بالا نمی رود ..... ۲۱۹
- ۱۶- ولایت با تقوی ..... ۲۲۰
- ۱۷- اگر بنده ای در روز قیامت عمل هفتاد پیغمبر را ..... ۲۲۱



۲۲۱	..... ۱۸- نخستین چیزی که پرسیده خواهد شد
۲۲۲	..... ۱۹- ایمان بنده ای قبول نشود مگر با قبول ولایت او
۲۲۳	..... ۲۰- عمل منکر ولایت قبول نمی شود
۲۲۴	..... ۲۱- خدا عمل کسی را نمی پذیرد تا از حبّ علی
۲۲۴	..... ۲۲- شک در علی کفر به خداست
۲۲۵	..... ۲۳- آگاه باش اگر مردی
۲۲۶	..... ۲۴- اسماء ائمه علیهم السلام
۲۳۵	..... ۲۵- نظر کردن به روی علی عبادت است
۲۳۶	..... ۲۶- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)
۲۳۷	..... ۲۷- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبران
۲۳۹	..... ۲۸- ولایت علی علیه السلام قلعه آمن خدا
۲۴۰	..... ۲۹- انکار فضایل علی (علیه السلام) کفر به خداست
۲۵۷	..... انتظار فرج هم؛ شرط قبولی اعمال است
۲۵۷	..... اشاره
۲۶۱	..... روایتی درباره ایام غیبت و دعا در آن
۲۶۸	..... رستگاران از ۷۳ ملت
۲۷۷	..... اشعاری چند در باره مولا امیر مؤمنان علی علیه السلام
۲۸۱	..... مناجات
۲۸۳	..... گزیده ای از اشعار ولایت در معراج
۳۰۱	..... منابع کتاب:
۳۳۷	..... جلد ۲
۳۳۷	..... مشخصات کتاب
۳۳۷	..... اشاره
۳۴۲	..... فهرست موضوعات
۳۵۵	..... پیشگفتار
۳۵۷	..... انتخاب جانشین نقطه پایان رسالت

- شان نزول آیه تبلیغ ----- ۳۶۲
- خلاصه جریان غدیر ----- ۳۶۷
- گفتگوها و ایرادها ----- ۳۷۶
- روز اکمال دین کدام روز است ----- ۳۹۰
- فضائل امام علی (علیه السلام) در کلام خلفا ----- ۴۰۲
- اشاره ----- ۴۰۲
- ۱- سخنان و مرویات ابوبکر بن ابی قحافه ----- ۴۰۴
- اشاره ----- ۴۰۴
- نگاه کردن به روی علی عبادت است ----- ۴۰۶
- ۲- سخنان و مرویات از عمر بن خطاب درباره علی ----- ۴۱۸
- اشاره ----- ۴۱۸
- ۱- در قبال ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از همه ----- ۴۲۶
- ۲- آفرینش یک میلیون فرشته از نور علی (علیه السلام) ----- ۴۳۴
- ۳- عمر بن خطاب پرسید علامت دوستدار اهل ----- ۴۳۵
- ۴- نگاه کردن به چهره امیرالمؤمنین علیه السلام ----- ۴۳۶
- ۵- حق با امیرالمؤمنین علیه السلام و او با حق است ----- ۴۳۶
- ۶- جوان خوش سیما به عمر چه گفت؟ ----- ۴۴۰
- ۷- امتیازهای سه گانه علی علیه السلام از زبان عمر ----- ۴۴۲
- ۸- اگر آسمانها و زمینها در کفه ترازویی نهاده شود ----- ۴۴۴
- ۹- زنان عاجزند فرزندی مثل علی بن ابی طالب به ----- ۴۴۷
- ۱۰- نام امیرالمؤمنین در عرش!!! ----- ۴۴۸
- ۱۱- نور خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام چهارده ----- ۴۴۹
- ۱۲- ای بریده آیا من از مؤمنان سزاوارتر از ----- ۴۵۰
- ۱۳- انکار علی (علیه السلام) انکار رسول خداست (صلی الله علیه و آله). ----- ۴۵۲
- ۱۴- علم نامحدود امیرالمؤمنین علیه السلام ----- ۴۵۴
- ۱۵- اعتراف عمر به برتری های علمی و قضایی امیر ----- ۴۵۵

- ۱۶- این به پیغمبر و کتابش دانتر است! ----- ۴۵۶
- ۱۷- برتری علی (علیه السلام) در قضاوت ----- ۴۵۷
- ۱۸- خداوند مرا بعد از تو نگه ندارد ای علی! ----- ۴۵۹
- ۱۹- اگر علی نبود عمر هلاک می شد! ----- ۴۶۱
- ۲۰- استواری اسلام با شمشیر علی (علیه السلام) ----- ۴۶۳
- ۲۱- هر سبب و نسبی در روز قیامت قطع می شود ----- ۴۶۳
- ۲۲- تمام اسرار قرآن در وجود از امیرالمؤمنین ----- ۴۶۴
- ۲۳- فضائلی که کسی طاقت درک آن را ندارد ----- ۴۶۵
- ۲۴- خدا با او مناجات می کرد ----- ۴۶۵
- ۲۵- مباحثات خدای متعال به امیرالمؤمنین ----- ۴۶۶
- ۲۶- امیرالمؤمنین علیه السلام مولای کل ----- ۴۶۷
- ۲۷- وای بر تو نمی دانی این مولای من است! ----- ۴۶۹
- ۲۸- اگر مردم به محبت علی جمع می شدند آتش ----- ۴۷۱
- ۲۹- تو را چشم خدا دیده و دست خدا زده ----- ۴۷۱
- ۳۰- همراه با پیامبر در بهشت ----- ۴۷۲
- ۳۱- علی برگزیده و امین پیامبر صلی الله علیه وآله ----- ۴۷۳
- ۳۲- آرزیدن علی علیه السلام آرزیدن رسول ----- ۴۷۳
- ۳۳- پدر و مادرم فدای تو ----- ۴۷۴
- ۳۴- اعترافهایی از عمر ----- ۴۷۶
- ۳۵- علی از من و ابوبکر به خلافت سزاوارتر بود ----- ۴۷۷
- ۳۶- سلام عمر به علی علیه السلام با عنوان ----- ۴۷۹
- ۳۷- امیرالمؤمنین (علیه السلام) از تمام پیامبران جز خاتم ----- ۴۸۰
- ۳۸- اطاعت و عصیان از امیرالمؤمنین (علیه السلام) همان ----- ۴۸۴
- ۳۹- ای علی! تو برادر منی در دنیا و آخرت ----- ۴۸۶
- ۴۰- علی از پیامبر و پیامبر صلی الله علیه وآله از علی ----- ۴۸۹
- ۴۱- علی محبوب ترین شخص نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) ----- ۴۹۰

- ۴۲- امیرالمؤمنین علیه السلام، ولی و سرپرست هر ..... ۴۹۵
- ۴۳- ای بریده علی از من ومن از علیم ..... ۴۹۷
- ۴۴- امیرالمؤمنین علیه السلام، فاروق اعظم و ..... ۴۹۹
- ۴۵- غصب لقب صدیق و فاروق! ..... ۵۰۲
- ۴۶- امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان او، ..... ۵۰۵
- ۴۸- دوستان علی(علیه السلام) سعده و دشمنانش اشقیامی ..... ۵۰۶
- ۴۹- وصایت علی (علیه السلام) ..... ۵۰۷
- ۵۰- حدیث منزلت ..... ۵۰۸
- ۵۱- امیرالمؤمنین علیه السلام جانشین پیامبر صلی ..... ۵۱۸
- ۴۲- محبت امیرالمؤمنین علیه السلام معیار سنجش ..... ۵۱۹
- ۵۳- هیچکس مانند علی فضیلت به دست نیاورد ..... ۵۲۰
- ۳- روایاتی از عبدالله بن عمر ..... ۵۲۲
- ۱- به تعداد موهای بدن دوستداران علی شهری ..... ۵۲۲
- ۲- چه شده گروهی را که صحبت از کسی میکنند که ..... ۵۲۳
- ۳- هر که بخواهد از عذاب قبر نجات یابد باید اهل ..... ۵۲۶
- ۴- سخنان و مرویات عثمان بن عفان: نگاه کردن به ..... ۵۲۷
- اشاره ..... ۵۲۷
- ۱ ..... ۵۲۷
- ۲-...خلیفه سوم عثمان، سه مرتبه از علی علیه ..... ۵۲۸
- ۴- سخن عثمان در خطابش به علی علیه السلام: ..... ۵۳۰
- فضائل امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) از زبان عایشه ..... ۵۳۰
- اشاره ..... ۵۳۰
- یاد کردن علی عبادت است ..... ۵۳۳
- خدا علی را رحمت کند که حقیقتا بر حق بود ..... ۵۳۵
- محبوبترین مردم نزد پیامبر اکرم که بود ..... ۵۳۵
- خداوند نیافرید کسی رانزد رسول اکرم محبوبتر از ..... ۵۳۵

- ۵۳۷ ..... خداوند مقرر نمود که هر کس بر علی، خروج کند،
- ۵۳۷ ..... دانشمند ترین مردم برستت علیست.
- ۵۳۹ ..... حبیب مرا بخوانید
- ۵۴۰ ..... رسول خدا علی را بوسید و دوبار گفت: پدرم فدای
- ۵۴۱ ..... از من درباره کسی می‌پرسی که من، کسی را که از او
- ۵۴۳ ..... من دوست داشتم هر آنچه که روی زمین است، به
- ۵۴۴ ..... آنچه که بین من و علی اتفاق افتاد، مانع از آن
- ۵۴۵ ..... عایشه وقتی که فهمید علی ذو‌نُدیه را کشته است
- ۵۴۶ ..... حدیث دق الباب
- ۵۴۷ ..... أم السلمه چه می‌گوید
- ۵۴۷ ..... اشاره
- ۵۴۹ ..... ۲- کامروایان رستاخیز
- ۵۵۰ ..... لعن آن دو نفر
- ۵۵۱ ..... روایات عبدالرحمن بن عوف
- ۵۵۴ ..... روایت انس بن مالک
- ۵۵۸ ..... روایت یکی از اولاد ابی لهب
- ۵۶۰ ..... معاذ بن جبل:
- ۵۶۰ ..... روایتی از تفسیر ثعلبی
- ۵۶۱ ..... روایات ابو هریره
- ۵۶۲ ..... روایات از ابن عباس
- ۵۶۲ ..... اشاره
- ۵۶۹ ..... علی روشنی تاریکی و چراغ هدایت و حجت بر
- ۵۷۳ ..... آن دو را دوست دارم و دوستان آنها را
- ۵۷۶ ..... گفتار و اظهار نظرهای تعدادی از بزرگان اهل سنت
- ۵۸۱ ..... ۵- عبدالله بن مسعود:
- ۵۹۲ ..... اعمال قبول نمی‌شود مگر با ولایت

- ۵۹۴ ----- بخدا قسم اگر کسی هزار سال عبادت کند قبول .....
- ۶۱۵ ----- و جوب محبت اهل بیت و پرهیز از بغض آنها .....
- ۶۲۱ ----- روایت از ابی هریره در باره محبت علی علیه السلام .....
- ۶۳۵ ----- منظور از آیه وَاِیُّ لَعْفَارٍ لَمَنْ تَاب... چیست ؟ .....
- ۶۴۱ ----- کمال دین ولایت ماست .....
- ۶۴۲ ----- خداوند مردم را به پنج کار مأمور نموده .....
- ۶۴۴ ----- سوال از چهار چیز .....
- ۶۴۵ ----- علی حجت من است بر مخلوقاتم .....
- ۶۴۶ ----- جواز عبور از صراط، ولایت علیست .....
- ۶۵۲ ----- دوستان و دشمنان خدا کیانند. ....
- ۶۵۴ ----- علی چراغ هدایت و روشنی تاریکیهاست .....
- ۶۵۵ ----- در میان امت جانشین پیامبر کیست؟ .....
- ۶۵۷ ----- طرفداران ولایت از گردنه گذشتند. ....
- ۶۵۸ ----- از جبرئیل پرسیدم این درخت از کیست؟ .....
- ۶۶۰ ----- هرکس با ولایت بمیرد شهید است. ....
- ۶۶۱ ----- امتیازاتی بر ولایتمداران .....
- ۶۶۲ ----- آنها حجت خدایند به تمام عالمیان و جمیع .....
- ۶۷۳ ----- اسماء امامان بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) .....
- ۶۸۲ ----- منظور از معرفت اهل بیت امامت آنهاست .....
- ۶۹۱ ----- اعمال کسانی قبول است که معتقد به امامت آنها .....
- ۶۹۴ ----- امسال حاجی چقدر زیاد است؟! .....
- ۷۰۳ ----- آنچه لازم است مراعاتش از نظر حفظ احترام و .....
- ۷۰۸ ----- ابدال همان ائمه علیهم السلام هستند .....
- ۷۰۹ ----- صاحب این امر محفوظ است و او به پیشگاه .....
- ۷۱۱ ----- گناهانشان بخشیده می شود اگر چه به تعداد .....
- ۷۱۳ ----- لزوم دوستی با دوستان ائمه علیهم السلام و دشمنی با .....

- ۷۲۰ ..... ثواب دوست داشتن و یاری و ولایت ائمه علیهم
- ۷۲۷ ..... چهار دسته هستند که من از آن ها شفاعت میکنم
- ۷۳۱ ..... محب و دوستدار ما منتظر رحمت است
- ۷۳۷ ..... این از شیعیان آنهاست
- ۷۴۱ ..... ای علی تو مانند قل هو الله احدى
- ۷۴۹ ..... نه بحق آن کسی که وقتی نامش را می برید گریه
- ۷۵۰ ..... یک روز دوستی با آل محمد بهتر است از عبادت
- ۷۵۰ ..... پدرم فدای پدرتان و مادرم فدای مادرتان
- ۷۵۱ ..... آن دو را دوست دارم و دوستان آنها را
- ۷۵۲ ..... از شاهراه هدایت خارج نمیکند
- ۷۵۲ ..... بخدا قسم اگر نباشید شما در زمین
- ۷۵۴ ..... این روایت را بخوانید
- ۷۵۶ ..... دست از علی بر ندارید او مولای شما است
- ۷۵۸ ..... مصافحه کننده با علی با انبیاء مصافحه کرده است
- ۷۵۹ ..... به حمزه و پسر عمویم جعفر گفتم کدام عمل را در
- ۷۶۰ ..... هر که دخترم فاطمه علیها السلام از او راضی باشد من
- ۷۶۲ ..... عبور فاطمه علیها السلام از محشر
- ۷۶۴ ..... خداوند فاطمه را به ازدواج علی در آورد
- ۷۶۶ ..... از وحشت روز قیامت در امان است
- ۷۶۶ ..... اینک برای تو جریانی را میگویم
- ۷۶۹ ..... تعهد خدا
- ۷۷۰ ..... روایات در شأن شیعیان
- ۷۷۵ ..... بخدا قسم ما بدیدار شما انس داریم
- ۷۸۴ ..... شما مردان پاک و طیب هستید
- ۷۸۷ ..... امام رضا علیه السلام در نیشابور
- ۷۸۹ ..... قبول توبه شیعیان تا دم مرگ

- ۷۸۹ ----- نهی بد گفتن به شیعیان
- ۷۹۱ ----- شیعیان در حکم شهید
- ۷۹۳ ----- سرزنش دشمن ائمه علیهم السلام و اینکه او کافر
- ۷۹۴ ----- دوست بدار دوست آل محمد را گر چه فاسق و
- ۷۹۵ ----- سعادت‌مند واقعی کسی است که ترا دوست بدارد
- ۷۹۶ ----- ای علی این شخص همان ریاح غلام آل نجار است.
- ۸۰۰ ----- من و خدا و تمام انبیاء آنها را لعنت کرده اند
- ۸۰۱ ----- دستت را در دست من بگذار من و تو از یک درخت
- ۸۰۲ ----- ما را وادار بر فحش دادن بعلی علیه السلام کرد.
- ۸۰۳ ----- مگر نمیدانی خانه من خانه تو است
- ۸۰۴ ----- دشمن ما خانواده از بت پرست بدتر است.
- ۸۰۵ ----- خداوند مرجئه را کور محشور مینماید
- ۸۱۰ ----- اعتقادات صدوق:
- ۸۱۷ ----- مختصری از زندگی نامه مؤلف کتاب
- ۸۲۱ ----- تالیفات چاپ شده از مؤلف
- ۸۲۲ ----- خواب سیده سکینه خانم طباطبائی
- ۸۲۷ ----- کتاب های آماده چاپ ودر دست تألیف
- ۸۳۱ ----- منابع کتاب
- ۸۴۸ ----- درباره مرکز



## ولایت شرط قبولی اعمال

### مشخصات کتاب

سرشناسه: امینی گلستانی، محمد، ۱۳۱۷ -

عنوان و نام پدید آور: ولایت شرط قبولی اعمال [کتاب] / محمد امینی گلستانی.

مشخصات نشر: قم: سپهر آذین، ۱۳۹۵ .

مشخصات ظاهری: ۲ ج

شابک: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۲۰-۶۲۷-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت

موضوع: \*Proof of caliphate\* -- ۶۰۰-۶۶۱, Ali ibn Abi-talib, Imam I,

موضوع: ولایت

موضوع: \*Sainthood\*

رده بندی کنگره: ۵۴/۲۲۳/BP/الف ۸۱۶ و ۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۴۵۸۹۶

ص: ۱

جلد ۱

اشاره



ولایت شرط قبولی اعمال

محمد امینی گلستانی

ص: ۳



نام: ولایت شرط قبولی اعمال

مؤلف: محمد امینی گلستانی

ناشر: سپهر آذین

نوبت و تاریخ چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۵

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

تلفن مؤلف: همراه (۰۹۱۲۳۷۹۳۹۱۵)

شابک: ۶-۲۷-۶۹۲۰-۶۰۰-۹۷۸

حقوق طبع شرعاً، قانوناً، اخلاقاً، مخصوص مؤلف است.

ص: ۵

## فهرست موضوعات

شرط قبولی اعمال ۱

محمد امینی گلستانی ۱

فهرست موضوعات ۵

مختصری از زندگی نامه مؤلف کتاب ۱۴

تالیفات چاپ شده از مؤلف. ۲۰

کتاب های آماده چاپ و در دست تألیف ۲۵

ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شرط ۲۹

قبولی اعمال است ۲۹

لازم به ذکر است ۳۰

در اخبار اهل سنت چند آیه در قرآن کریم ۴۷

در باره امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده ۴۷

است. ۴۷

۱- ۲۰۰ آیه ۴۷

۲- بیش از ۳۰۰ آیه. ۴۸

۳- یک چهارم قرآن ۵۳

۴- یک سوم قرآن ۵۷

ص: ۶

تعدادی از آیات نازلہ در بارہ ۵۸

علی علیہ السلام از نظر اہل سنت ۵۸

۱- آیه تبلیغ: ۵۹

۲- آیه اکمال دین ۶۹

۳- آیه سأل سائل بعذاب واقع ۷۳

۴- آیه ولایت: ۷۵

شان نزول آیه ولایت در کتب اہل سنت ۷۹

اسناد نزول آیه ی ولایت در مورد حضرت ۸۶

امیر در کتب اہل سنت ۸۶

۵- سؤال از ولایت ۹۴

۶- آیه ہدایت ۹۷

۷- آیه سجده نکردن بہ اصنام ۱۰۰

۸- آیه سؤال از نعمت ۱۰۰

۹- آیه اولی الامر ۱۰۱

۱۰ آیه جبل المتین ۱۰۶

۱۱- آیه مباہلہ ۱۰۷

ص: ۷

جالب ترین آیه ای که خود بزرگان اهل سنت، ۱۰۷

تعدادی از اخبار و روایات اهل سنت ۱۱۹

در باره ولایت علی علیه السلام ۱۱۹

ولایت و امامت علی (علیه السلام) ۱۲۳

۱- علی جانشین و وارث من است ۱۲۴

۲- انگشتر به دست راست کن ۱۲۵

۳- شما را شاهد می گیرم ۱۲۵

۴- تو بعد از من رهبر و سرپرست ۱۲۶

تمام مؤمنین هستی ۱۲۶

۵- علی با قرآن است ۱۲۷

۶- او را محور حق معرفی نمود ۱۲۷

۷- جدا کننده بین حق و باطل است. ۱۲۸

۸- خلافت علی علیه السلام ۱۲۹

۹- عدم قبول ایمان جز با قبول ولایت او ۱۲۹

۱۰- همچون مشک خشک گردد ۱۳۱

۱۱- بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید ۱۳۲

ص: ۸



۱۲- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبر ۱۳۳

اکرم (صلی الله علیه و آله) ۱۳۳

۱۳- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبران ۱۳۴

۱۴- حدیث منزلت و شباهت ۱۳۶

به هارون علیه السلام ۱۳۶

۱۵- حق همیشه با علی است ۱۳۹

۱۶- علی با قرآن و قرآن با علی ۱۴۰

علیه السلام ۱۴۰

۱۷- علم علی (علیه السلام) ۱۴۲

۱۹- آیا بعد از شما ما چنین خواهیم شد؟ ۱۴۵

۲۰- ریش تو با خضاب سرخ خواهد شد ۱۴۶

۲۱- بامرگ جاهلین مردگان ۱۴۷

۲۲- در فتنه ها علی را بگیرد ۱۴۹

۲۳- مودت علی واجب است ۱۵۰

۲۴- اظهار عمر بن خطاب در باره علی ۱۵۱

۲۵- دو وزنه سنگین ۱۵۲

۲۶- اعتراض مرد همدانی به عمرو عاص ۱۵۳

۲۷- مانند کشتی نوح است، ۱۵۴

۲۸- اگر دریاها مرگب و جنگلها قلم شوند ۱۵۵

۲۹- فضائل بی‌شمار علی علیه السلام ۱۵۶

۳۰- استغفار فرشتگان بر نویسندگان ۱۵۷

فضائل علی علیه السلام ۱۵۷

۳۱- تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن ۱۵۸

۳۲- علی علیه السلام امیر و سر مؤمنان ۱۵۸

۳۳- فضائل فراوان علی علیه السلام ۱۵۹

۳۴- حدیث طیر مشوی ۱۶۰

۳۵- محبت و علاقه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ۱۶۴

علی (علیه السلام) ۱۶۴

۳۶- اطاعت از علی (علیه السلام) ۱۶۶

۳۷- براستی او مولا و سرپرست شماست ۱۶۷

۳۸- تو با علی حرکت کن ۱۶۹

۳۹- محبوب مرا بخوانید ۱۷۰

ص: ۱۰

۴۰- علی نسبت به من مانند سر است ۱۷۱

۴۱- عبور از صراط با جواز ولایت ۱۷۲

چند روایت در باره دوستی آن حضرت. ۱۷۳

۱- ای علی، تو را جز مؤمن دوست ۱۷۳

نمی دارد ۱۷۳

۲- ترا دوست نمی دارد مگر مؤمن ۱۷۴

۳- منافق علی را، دوست نمی دارد ۱۷۵

۴- معیار شناخت منافقین ۱۷۶

۵- من با هر کس با شما بچنگد در جنگم ۱۷۷

۶- هر کس بر محبت آل محمد از دنیا ۱۷۸

برود شهید مرده. ۱۷۸

۷- محبت علی واجب است ۱۸۰

روایاتی از شیعه در باره ولایت و حبّ ۱۸۲

اهلیت علیهم السلام ۱۸۲

علی را کسی جز خدا و نبی (صلی الله علیه و آله) نشناختند ۱۸۳

(علی با انبیاء در باطن و بامن در ظاهر) ۱۸۴

ص: ۱۱

- ۱- این علی برادر و وصی و وزیر من است ۱۸۹
- ۲- او صدیق اکبر است ۱۹۰
- ۳- علی جدا کننده میان حق و باطل ۱۹۰
- ۴- برادرت علی را به خلافت راضی شدم ۱۹۲
- ۵- علی را برای او برگزیدم، ۱۹۲
- ۶- ای علی، تو وصی و جانشین منی ۱۹۴
- ۷- خلیفه و حجّت خدا ۱۹۶
- ۸- ای علی تو برادر و وارث و وصی و ۱۹۶  
خلیفه منی ۱۹۶
- ۹- کسی را بالاتر از علی شمردن کفرست ۱۹۸
- ۱۰- نبوت مرا انکار کرده ۱۹۸
- ۱۱- نزدیکست از دنیا بروم ۱۹۹
- ۱۲- دو وزنه سنگین ۱۹۹
- ۱۳- مانند کشتی نوح است، ۲۰۰
- ۱۴- ولایت سبب قبولی نماز است؟ ۲۰۲
- ۱۵- عملی برای او، بالا نمی رود. ۲۰۲

۱۶- ولایت با تقوی ۲۰۳

۱۷- اگر بنده ای در روز قیامت عمل هفتاد ۲۰۴

بیغمبر را بیاورد ۲۰۴

۱۸- نخستین چیزی که پرسیده ۲۰۴

خواهد شد ۲۰۴

۱۹- ایمان بنده ای قبول نشود مگر ۲۰۵

باقبول ولایت او ۲۰۵

۲۰- عمل منکر ولایت قبول نمی شود ۲۰۶

۲۱- خدا عمل کسی را نمی پذیرد تا از ۲۰۷

حبّ علی سؤال کند ۲۰۷

۲۲- شک در علی کفر به خداست ۲۰۷

۲۳- آگاه باش اگر مردی ۲۰۸

۲۴- اسماء ائمه علیهم السلام ۲۰۹

۲۵- نظر کردن به روی علی عبادت است. ۲۱۸

۲۶- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبر ۲۱۹

اکرم (صلی الله علیه و آله) ۲۱۹

ص: ۱۳

۲۷- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبران ۲۲۰

۲۸- ولایت علی علیه السلام قلعه آمن خدا ۲۲۲

۲۹- انکار فضایل علی (علیه السلام) کفر به خداست ۲۲۳

انتظار فرج هم ؛ شرط قبولی اعمال است. ۲۴۰

روایتی درباره ایام غیبت و دعا در آن. ۲۴۴

پرسش: عدم قبولی اعمال کسی که به ولایت اعتقاد ۲۴۷

پاسخ: این سؤال را قبلاً توضیح دادم مضافاً بر آن اگر ۲۴۷

رستگاران از ۷۳ ملت ۲۵۱

اشعاری چند در باره مولا امیر مؤمنان علی ۲۶۰

علیه السلام ۲۶۰

مناجات ۲۶۴

گزیده ای از اشعار ولایت در معراج ۲۶۶

منابع کتاب: ۲۸۳

ص: ۱۴

## مختصری از زندگی نامه مؤلف کتاب

نام: محمد

نام خانوادگی: امینی گلستانی

ش ۱۵

فرزند: حاج سردار مرحوم

کشور: ایران

استان: اردبیل.

تخصص: فلسفه و فقه و اصول، تفسیر، تبلیغ.

تألیفات (۲۲).

تحصیلات (خارج فقه و اصول و فلسفه).

استادان معروف (۲۱ نفر).

در سال ۱۳۲۹ شمسی از زادگاهم روستای گلستان در ۳۰ کیلومتری اردبیل به مدرسه علمیه ملا ابراهیم اردبیل وارد و پس از گذراندن دوره مقدماتی صرف و نحو و منطق از استاد سید مسلم خلخالی و شیخ سعید اصغری و غیرهما.

ص: ۱۵

در سال ۱۳۳۱ به حوزه علمیه قم وارد شده و نزد اساتید آنجا (آقایان شیخ عبدالکریم ملائی و سید جواد خطیبی و میرزا احمد پایانی و مسلم ملکوتی و میرزا محسن دوزدوزانی و غیرهم) استفاده نمودم، و در نیمه دوم سال ۱۳۳۴ به نجف اشرف وارد شده و از اساتید آنجا (آیات عظام سید ابوالقاسم خویی و سید محسن حکیم و شیخ مجتبی لنکرانی و عارف بزرگ شیخ محمد علی سرابی و آقای تسوجی و سید اسدالله مدنی آذرشهری و غیرهم دروس فقه و اصول و فلسفه و تفسیر و غیره)، استفاده نمودم. و در تاریخ ۱۳۴۰ از نجف اشرف مراجعت نموده و در شهر توریستی سرعین اردبیل با صبیح آیت الله حاج شیخ علی عرفانی از شاگردان علامه محمدحسین نائینی و هم دوره آیات عظام سید ابوالقاسم خوئی و سید محسن حکیم ازدواج کرده و به مدت یازده سال در آن شهر که آن وقت یک روستای کوچک بیش نبود اقامت نمودم. در طول این مدت مشغول کارهای تبلیغی و علمی و فرهنگی شده و بناهای مفید و مجلل از خود به یادگار گذاشتم.



۱ - مسجد مجلل و بزرگ حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مساحت ۸۰۰ متر به اضافه کتابخانه و شبستان زنانه و سایر متعلقات و فضای باز مسجد ۱۴۰۰ متر.

۲ - احداث چشمه های آب شرب چندین روستای اطراف سرعین.

۴ - تأسیس صندوق های خیریه بنام حضرت باب الحوائج ابوالفضل (علیه السلام) که اول از ۱۷ صندوق شروع و فعلاً بیشتر مناطق استان اردبیل را فرا گرفته است.

در سال ۱۳۵۱ شمسی از سرعین به اردبیل مهاجرت نموده و مقیم گشتم و در خلال مدت ۱۴ سال اقامت در اردبیل به کارهای روحانیت و تبلیغات اسلامی و ۱۱ سال سرپرستی حجاج بیت الله الحرام را ادامه دادم.

در سال ۱۳۵۷ شمسی از اردبیل به تهران مهاجرت کرده و در بجنوبه انقلاب اسلامی در نازی آباد ساکن شدم و پس از

پیروزی انقلاب. در سال ۱۳۵۹ به اردبیل برگشته مشغول کارهای روحانیت خود شده و به تدریس و تفسیر قرآن مجید اشتغال داشتم. تا اینکه در سال ۱۳۶۵ دوباره به تهران برگشته و در خانه خیابان دانشگاه جنگ ساکن گشته و مشغول تبلیغ و تفسیر و کارهای مربوط به روحانیت شدم. تا این که در سال ۱۳۷۵ از تهران به قم هجرت نموده و در بلوارامین خانه پشت صدا و سیما ساکن شدم.

در سال ۱۳۷۵ شمسی در اردبیل زلزله ویرانگر به وقوع پیوست که در اثر آن تعداد یک صد و یازده روستا را از ۲۵ درصد تا صد در صد ویران و گروه زیادی را به کام مرگ فرستاد.

در آن سال یک روز بعد از زلزله از خود را از قم همراه پسر حسین به گلستان (زادگاهم) رساندم ۷۷ نفر زن و مرد و کوچک و بزرگ، زیر آوار را با کمک مردم، بیرون می آوردند و به قریه نیار نزدیک اردبیل برده و غسل داده و کفن کرده می آوردند و من نماز میت خوانده دفن می کردیم و من در برف

(آغلار ساوالان) را سروده و نام از دست رفتگان را در شعر گنجانده و به یادگار گذاشتم.

در سال ۱۳۸۱ بنا به دعوت بزرگان سرعین جهت تبلیغ ماه مبارک رمضان، به آنجا رفته و با دیدن وضع مسجد امام زمان علیه السلام که در اثر زلزله مقاومت خود را از دست داده بود بازسازی و تقویت و توسعه داده و تعداد چهار باب مغازه برای هزینه مسجد، و ایجاد گنبد و مناره ها و کاشیکاری های آن را انجام دادم.

در این سفر باز به کارهای امور خیر شروع و ادامه دادم از جمله.

۱ - مسجد مجلل باب الحوائج حضرت ابوالفضل علیه السلام به مساحت ۱۵۰۰ متر با متعلقات آن که در سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۹۲ ادامه پیدا کرد، و الآن مورد استفاده مردم محل و ده ها هزار مسافر شهر توریستی می باشد و در نظر است که تأسیس حوزه علمیه و درمانگاه عمومی و ۱۵ باب مغازه برای

هزینه های مسجد را شروع نمایم انشاء الله.

۲- در زادگاهم روستای گلستان، که در اثر زلزله دو مسجد آنجا خراب شده بود، مسجد امیرالمومنین علیه السلام را بنا و تأسیس نموده و به پایان رساندم.

۳- در سال ۱۳۸۲ مسجد مجلل در روستای (جن قشلاقی) از دهستان های یورتچی اردبیل احداث و در سال ۱۳۸۴ تقریباً به اتمام رسید و مورد استفاده قرار گرفت.

۴- احداث غسل خانه های متعدد در روستاهای اطراف سرعین.

۵- با حصارکشی قبرستان سرعین که در وسط شهر، زیر پای حیوانات و مورد تجاوز ساکنین دور و بر قبرستان بود، محافظت نمودم.

در دوران سکونت جدید قم مشغول تألیفات متعدد گشته که تعدادی از آنها را از نظر خوانندگان عزیز می گذرانم.

ص: ۲۰

## تالیفات چاپ شده از مؤلف.

۱- سرچشمه حیات - وزیر ی یک جلد ۴۰۲ صفحه.

در این کتاب مطالب ارزنده علمی و دینی و فلسفی و طبی، درباره آب و آفرینش مخلوقات از آن از نظر قرآن و روایات و کلمات بزرگان فن که مورد استقبال دانشمندان و محققان داخل و خارج کشور قرار گرفت که در مدت کوتاه ۴ مرتبه چاپ شد و فعلاً کمیاب می باشد.

۲- سیمای جهان در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دو جلد ضخیم وزیر ی ۱۲۸۳ صفحه در باره کیفیت کشورداری و مدیریت آن حضرت کشوری به وسعت کره زمین را از نظر فرهنگی و قضائی اقتصادی و نظامی و اجتماعی و هزاران مطالب نو و متنوع در این مورد که امتیازش را به انتشارات مسجد مقدس جمکران، واگذار و آن را چاپ و نشر می کند.

۳- از مباحله تا عاشورا - در یک جلد وزیر ی ۶۸۴ صفحه در باره مباحله رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با نصارای نجران و سر انجام

ص: ۲۱

تسلیم آنها و مقایسه آن جریان با سرگذشت پنج تن آل عبا علیهم السلام و عدم تسلیم مسلمان نماهای دشت کربلا به امام حسین علیه السلام فرزند آن حضرت و شهید کردن آن امام را با مظلومیت تمام. این کتاب حاوی مطالب جالب و مفید فراوان می باشد.

۴- والدین دو فرشته جهان آفرینش - در یک جلد وزیری در ۳۲۰ صفحه در باره حقوق متقابل والدین و اولاد در برابر هم از نظر آیات و اخبار و گفتار بزرگان و مطالب فراوان در این مورد.

۵- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی - وزیری ۲۷۶ صفحه. کتابیست تحقیقی و تحلیلی درباره ازدواج جوانان عزیز و راهنمایی آنها در انتخاب همسر و کیفیت زندگی مادام العمر، از منظر آیات و اخبار و... که در واقع مکمل کتاب والدین دو فرشته جهان آفرینش می باشد.

۶- کتاب مهم اسلام فراتر از زمان - درباره پاسخ به کسانی است که ایراد نموده و اشکال می گیرند، دین اسلام

چگونه می تواند تا دامنه قیامت، دنیای رو به ترقی روزانه را اداره نماید و اساساً رهبران این دین چه جایگاهی از علم و دانش داشتند که مدیریت جهان را تا آخر دنیا به دست گیرند.

در این کتاب قسمت مهمی از پیشگوییهای بزرگان اسلام آورده شده است (مانند فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام به کمیل: یا کمیل بن زیاد هاهنا موضع قبرک ثم أشار بیده المبارکه یمیناً و شمالاً و قال ستبني من هاهنا و هاهنا دور و قصور ما من بیت فی ذلک الزمان الا و فيه شیطاناً أریل).

کلمه اریل لغت انگلیسی است که به گیرنده و آنتن اریال گویند، حضرت ۱۴۰۰ سال پیش نه انگلیسی بود و نه از صنعت آنتن اثری این بیان را داشتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سیأتی: زمان علی أمّیتی یُخربون قباب الأئمه بالبنادیقه زودی می آید زمانی بر امت من، قبه (و گنبد)های قبرهای امامان را با بندق ها (یعنی با نارنجک یا بمب) ویران سازند!!.

دقت بفرمائید این کلام در زمانی گفته شده است که نه امامی شهید شده و نه در جایی مدفون شده بود و نه از گنبد حرماها و

اختراع بمب خبری بود که پس از قرن‌ها در سامرا و قبالاً نیز در بقیع اتفاق افتاد یا روایت در مورد ازدواج همجنسها يتزوج الرجال بالرجال و يتزوج النساء بالنساء، و روایت لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال دربارہ تغییر جنسیت دهندگان و صدها امثال این روایتها، در ۶۸۸ صفحه وزیری. پیشگوئی های آیات و روایات، از بزرگان دین در باره پیشرفت علوم آیندگان و اوضاع حیرت انگیز جهان، این کتاب در نوع خود منحصر به فرد و حاوی مطالب نو آوری زیاد می باشد.

۷- آغلار ساولان - سبلان گریان یا سبلان می گرید: رقی ۵۰ صفحه. با زبان آذری در باره زلزله سال ۱۳۷۵ استان اردبیل و تخریب ۱۱۱ بخش و روستا از ۲۵ در صد تا صد در صد که یکی از آنها روستای گلستان زادگاه مؤلف و کشته شدن و زیر آوار ماندن ۷۷ نفر از نزدیکان نسبی و سببی او و بیان نام تک تک آنها.

۸- ۱۱۱ پرسش و پاسخ در بار امام زمان عجل الله تعالی فرجه



الشریف -رقعی در ۲۹۵ صفحه سوال و جواب های متنوع در طول سال های تبلیغی مؤلف در شهر توریستی و بیلاقی سرعین اردبیل و بیان مطالب نو .

۹- فلسفه قیام و عدم قیام امامان -در ۱۹۸ صفحه جیبی در باره این که چرا بعضی از آن بزرگواران قیام و اکثرشان قعود نمودند و اساسا قیامی از آنها وجود داشت یا برایشان تحمیل نمودند و مطالب متنوع و مفید دیگر.

۱۰- گلستان سخنوران شامل ۱۱۰ مجلس سخنرانی مذهبی در دو جلد وزیری ۱۵۱۱ صفحه چکیده ای از تبلیغات متنوع مؤلف.

۱۱- ولایت شرط قبولی اعمال در باره ولایت امیر مؤمنان و اولاد طاهرینش علیهم السلام و آیات و روایا مربوط به آن از سنی و شیعه، درج گردیده.

ص: ۲۵

۱- آیا و چرا - درباره زیر سؤال بردن برادران اهل سنت و علمای آنان و آوردن دلایل فراوان از کتاب های معتبر خود آنان در باره امیرمؤمنان و فاطمه زهراء علیهماالسلام و به زیر سؤال بردن آنها در عمل نکردن به این دلیلهای و اسناد خودشان.

۲- ۶۰۰ مجلس سخنرانی مذهبی از منبرهای ۵۵ ساله مؤلف و بیان مطالب متنوع دینی و اسناد و روایات فراوان در هر مقوله، که سخنرانان مذهبی و منبری های محترم را از مراجعه به کتاب های متفرقه و جمع آوری مطالب برای بیان در سخنرانی هایشان. بی نیاز می سازد در ۱۲ جلد و در دست تنظیم و آماده سازیست و بخواست خدا، بتدریج به چاپ خواهد رسید.

۳- رحمت واسعه - در باره رحمت عالمگیر و فراگیر خدای متعال و آوردن آیات و روایات متنوع و جریان های توبه کنندگان و شمول غفران الهی در باره آنها. این کتاب امید دهنده گناهکاران و دور ساختن آنان از یأس و نومیدی و جذب دور شدگان از خدا را به سوی پروردگار بخشنده و مهربان.

۴- شب - کتابیست در باره برکات و فضایل و امتیازات شب و اینکه شب مردان خدا روز جهان افروز است و شب خود از مورد توجه بزرگان عالم و خلوتگه راز و نیاز آنان با معبودشان و مطالب فراوان در این موارد.

۵- عتابات قرآن - در باره این که چرا خداوند متعال بعضی از انبیاء علیهم السلام را، مورد عتاب قرار داده و آیا این عتاب ها با عصمت آنها منافات دارد؟ مانند (عفا الله عنک لم اذنت لهم) یا مسئله چیز دیگر است.

۶- خاطرات زندگی یا سرگذشت تلخ و شیرین من - این نوشته حاوی شرح حال دوران زندگی از بدو تولد تا امروز ۱۳۹۳/۱۱/۳۰ که به ۴۰۰ صفحه رسیده است و هنوز هم خلاصه و امهات اوضاع و زوایای زندگی اش را می نویسند.

۷- دعای عرشیان برفرشیان - درباره استغفار فرشتگان و حاملان عرش خدا برای بنی آدم به استناد آیه ۷ سوره غافر و سایر آیات، نزدیک به اتمام .

۸- نشانه هائی از او - کتابیست در باره آیات بیان کننده

ص: ۲۷

نشانه های خدا شناسی و روایات پیرامون آن.

۹- مرزهای زندگی -از دید آیات و روایات و سیره پیشوایان.

۱۰- مرزخوراکی ها و نوشیدنی ها -از منظر آیات و احادیث و پزشکی.

۱۱- نوادر -روایات و سرگذشت ها و نوادر جریان های گوناگون به صورت کَشکول.

۱۲ - شیطان: علت وجودی او و پرسش و پاسخهایی درباره وی.

۱۳ -متفرقات مطالب گلچینی شده از کتاب های فراوان گوناگون.

۱۴- ۱۱۴ مقالات و یاد داشتهای من در اینترنت که در پایگاه اندیشوران حوزه (نور) پخش می گردد و ادامه دارد.

۱۵ -شرح دعاهاى روزانه ماه رمضان

۱۶ -هیچکدام از مادران ۱۴ معصوم، بیوه نبودند.

این کتاب در اصل پاسخ به آنان که غیر از عایشه ۱۷ ساله

ص: ۲۸

هنگام ازدواج را ۷ ساله قلمداد نموده و می گویند تنها عایشه زن باکره رسول خدا بود در حالی که زن اول آن حضرت (خدیجه کبری ۲۵ ساله و باکره بود) و بیان مدارک قوی این گفتار.

که از طرف حوزه قم هر روز در اینترنت، پخش شد.

و چندین کتاب دیگر ناتمام و در دست تألیف و مقاله های زیاد.

ص: ۲۹

ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شرط قبولی اعمال است

در باره قبولی اعمال و شروط آن، در کتاب های تحقیقی و فقهی و اخلاقی، نظریه ها و تحقیقات زیاد، ابراز گردیده که ما در این مختصر، به چکیده آنها و نتیجه تحقیق و پژوهش خود را، به عنوان عقیده خود، بیان می نمایم.

البته در روایات زیاد شرط قبولی اعمال را به مناسبت هائی، چند چیز معرفی نموده است، مانند: ولایت، انتظار فرج، نماز، صلّه ارحام، خدمت به خلق گناه نکردن و دل پاک و نورانی داشتن و اهل تقوا بودن و حضور قلب داشتن، و غیره.

در مورد هر تک تک اینها، تشویق ها و پاداش های زیاد، و وعده های فراوان داده شده است. مخصوصا درباره نماز

ص: ۳۰

اهمیت فوق العاده داده شده، اما از آیات و روایات استفاده می شود که ولایت امیرالمؤمنین و اولاد طاهرینش علیهم السلام شرط اصلی و بقیه بالطبع است.

پس اگر کسی ولایت علی و اولاد علی علیهم السلام را، نپذیرد تمام عمرش را روزها روزه بدارد و شبها تاصبح عبادت نماید، برایش کوچکترین اثر و نفعی نخواهد داشت.

حتی قبولی نماز که (نشانه عبودیت و اخلاص به معبود و رکن دین است)، به پذیرفتن ولایت، بستگی دارد.

پس تا نماز قبول نشود، سایر اعمال قبول نخواهد شد و خود نماز هم قبول نمی شود تا ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و اولاد او را، قبول نمایند.

لازم به ذکر است که در اینجا، این

سؤال: پیش می آید: پس عدالت خدا کجاست کسی طول

عمرش را نماز خوانده و روزه گرفته و. و بانیذیرفتن (ولایت) به همه آنها خط بطلان کشیده شود؟! در

پاسخ: می گوئیم مردم در این مورد دو گروهند،

۱- می دانند ولایت و امامتی هست و خداوند دستور داده باید به آن ایمان داشته باشند ولی با این امر مخالفت می کنند و در برابر خواست خدا می ایستند. در این صورت اعمال عبادی او و اعمالی که برای خداوند انجام می دهند طبق آیات و احادیث فراوان، مورد قبول واقع نمی شود، چون اینها در برابر خداوند گردن فرازی کرده و لجاجت می کنند و تسلیم دستور پروردگار نمی شوند، پس اعمال اینان مورد قبول نخواهد شد چون اطاعت باید طبق گفته خدا باشد نه دلخواهی.

۲- نمی دانند ولایت و امامتی هست و خداوند به پذیرش آن دستور داده، در اینصورت آنها جاهل غیر مقصرنند که در این صورت ازین جهت عقابی متوجه آنها نخواهد شد.

شهید مطهری (ره) در این باره می گوید: افرادی که ذاتاً و به



واسطه قصور فهم و یا به علل دیگر در شرایطی به سر می برند که مصداق منکر و یا مقصر به شمار نمی روند، آنان در ردیف منکران و مخالفان نیستند. ائمه اطهار بسیاری از مردم را از این طبقه می دانند. این گونه افراد دارای استضعاف و قصور هستند و امید عفو الهی درباره آنان می رود. همان طوری که ممکن است منشأ استضعاف، عدم امکان تغییر محیط باشد، ممکن است این جهت باشد که ذهن انسان متوجه حقیقت نشده باشد و به این سبب از حقیقت محروم مانده باشد. (مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۳۲۰ به بعد، ناشر صدرا).

چیزی که باعث تعجب و تأثر گردیده این است که با ذکر این همه فضیلت و کمال برای آن حضرت، چگونه شد که نزدیک به یک قرن در عالم اسلام، سب و لعن آن بزرگوار امر رایج و جاری روزگار گردید؟!

چگونه آن همه سفارش پیامبر درباره علی علیه السلام را به بازی گرفتند؟!

چطور ننگ نافرمانی از خدا و رسولش را پذیرفتند؟!

چرا منکر برتری و حقانیت او شدند؟!

چرا دیگرانی را که از فضیلت و کمال بی بهره بودند، بر بهترین مردان ترجیح دادند؟!

چرا به ندای فطرت خویش این چنین پاسخ دادند و اینگونه به داوری نشستند؟!

چرا و چرا و ده ها چراهای دیگر ....

تاریخ از مظلومیت علی علیه السلام چه بگوید؟ همان بهتر که از شرم سر به زیر افکند! بشریت از سکوت در برابر جسارت هایی که بر او روا داشتند، چگونه دفاع کند؟ بگذار تاوان این سکوت و آن جسارت ها را پردازد....

اینک از پس قرون و اعصار، و از میان ظلمت ها و سیاهی ها، این پرتو فضایل علی علیه السلام است که همچنان می تابد و روشنگری می نماید.

این نوشته مختصر، نمونه ای است از هزاران پرتوی پرفروغ برتری های مولا علی علیه السلام، برگرفته از قرآن و سنت پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و برگزیده از کتاب های دانشمندان مکتب خلفا. باشد که با ذکر این دلایل و اسناد، شاید فردی توفیق یافتن حق و حقیقت را پیدا کرده و سر به آستان ملکوتی آن مظلوم جهان بشریت سائیده و با قبول ولایت او، تمام اعمال حسنه خود را بیمه نماید.

توجه: داشته باشید در کل عبادات و اعمال عبادی، مسئله فقهی دو گونه است، یکی صحت و دومی قبولی آنها.

مثلا کسی نماز را با شرایطش بجا آورده صحیح است و نیازی به قضا کردن ندارد.

و یا اگر کسی با وجود خواندن نماز با شرایط، اهل گناه باشد و بر آن اصرار نماید (مانند غیبت و شرب خمر و زنا و منع زکات و بد اخلاقی در خانواده (زن یا مرد) و با عصبانیت به پدر و مادر نگاه کردن و مانند آنها) و از آن توبه نکند، این گناهان موجب عدم قبولی نماز می گردد هر چند از نظر شرعی نمازش صحیح باشد.

اما قبول هم هست یانه، برابر روایات وارده فراوان، (می داند ولایتی هست) تا ولایت را نپذیرد ابدا قبول درگاه ربوبیت نخواهد شد.

واما کسانی که از پیروانان مکتب خلفاء، آیات و احادیث نبوی پیرامون فضایل و مناقب حضرت علی علیه السلام، را بیان می کنند و در این باره کتاب می نویسند، تا ولایت آن حضرت را، قبول ننمایند، این کارها برایش نفعی نخواهد داشت، زیرا:

اصل پذیرفتن است نه بیان تو خالی.

چرا؟:

زیرا: خود خدای متعال، بنده مخلصش علی علیه السلام را، در این جایگاه قرار داده است که حتی خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با اینکه ۲۳ سال، شب و روز به زحمات طاقت فرسای رسالت و نبوت، تحمل کرد و کشتی اسلام را باموفقیت به ساحل نجات رساند اما از نظر درگاه الهی هنوز قبولی این همه زحمات وابسته به ابلاغ ولایت و امامت علی علیه السلام به امت بود.

ص: ۳۶

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (٦٧) مائده : ٦٧

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت (در باره ولایت علی) بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن عظمت و زحمات کمر شکن و با آن شرایط سخت که حتی فرمود: «ما أودى نبی مثل ما أودیت» هیچ پیغمبری مانند من اذیت نکشید، (این جمله حتی حضرت نوح با ۹۵۰ سال نبوت و رسالت را نیز شامل می شود) و یقیناً اغراق نگفته و بزرگ نمائی هم نکرده، اما قبولی تمام اینهارا منوط به ابلاغ ولایت علی علیه السلام قرار داد و بس.

حواسمان جمع باشد ما در هر مرحله ای از ایمان و عمل

باشیم، به گرد پای رسولخدا نمی رسیم، با او در برابر تکلیف ابلاغ، (ولایت) اینگونه برخورد و سختگیری می شود، وای به حال آنان که شب و روز در عبادت و روزه هستند اما ولایت علی و اولاد علی علیهم السلام را قبول ندارند!!!

اگر کسی از کتابهای روائی متعدد و فراوان علما و دانشمندان، برادران اهل سنت که در فضائل اهل بیت رسولخدا صلی الله علیه و آله خاصه درباره امیرمؤمنان علیه السلام نوشته و تألیف کرده اند، اطلاعی داشته باشد، در صحت این ادعا و اعتقاد ما، از نظر اهل سنت نیز، کوچکترین شک و تردید، بخود راه نمی دهد و می فهمد مسئله تقریباً اجماعیست مگر عده قلیلی که یا از روی کم اطلاعی و یا خدای نکرده، از روی دشمنی و جهالت و تعصب و لجاجت و عناد و نادانی، نوشته های آن بزرگان خود را نیز رد کند و نپذیرد.

در این نوشتار، تعدادی از نظرهای بزرگان اهل سنت و نوشته هایشان را در باره ولایت می آورم که لطفاً با دیده بی طرفی و منصفانه، در آنها دقت کرده و خود قضاوت نمایند، و

در طول مطالعه هیچوقت یک مطلب را فراموش نشود که حد اقل یک قرن (۱۰۰) سال تمام تا زمان عمر بن عبدالعزیز اموی بنا به دستور خلیفه اول و دوم (ابوبکر و عمر) کسی قدرت نوشتن حدیث و گفتن (قال رسول الله) را نداشت کتک می خورد و تبعید می گشت و از حقوق خود محروم می ماند، مانند عبدالله بن مسعود صحابی و مانند او، تا اینکه در زمان عمر بن عبدالعزیز نوشتن و نقل احادیث آزاد شد، ولی چه فایده اصحاب همنشین رسول خدا صلی الله علیه و آله از بین رفته و در زیر خاک آرمیده و فضائل شنیده شده از رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره مظلوم تاریخ «علی» را با خود برده و در زیر خروارها خاک مدفون گردیده بودند.

زیبا گفته خلیل بن احمد وقتی از او درباره فضائل علی علیه السلام پرسش شد: «کیف أصف رجلاً کتم أعادیه محاسنه حسداً و أحبائه خوفاً و ما بین الکلمتین ملأ الخائفین؛ (روضه المتقین، ج ۱۳، ص ۲۶۵).

چگونه می توانم مردی را توصیف کنم که دشمنانش از روی حسادت و دوستانش از ترس (دشمنان) محاسن او را پنهان نمودند، در بین این دو رفتار، شرق و غرب عالم محامدش را فراگرفته است.

خلیل بن احمد بالاتر از این را هم گفته است. از او پرسیدند:

«مَا الدَّلِيلُ عَلَى أَفْضَلِيهِ عَلَيَّ؟؛ دَلِيلُ أَفْضَلِ بُوْدِنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامِ چيست؟». پاسخ داد: «إِحْتِيَاجُ الْكُلِّ إِلَيْهِ فِي الْكُلِّ، وَ اسْتِغْنَاؤُهُ مِنْ الْكُلِّ فِي الْكُلِّ، دَلِيلٌ عَلَى أَنَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الْكُلِّ؛ احتیاج همه به او در تمام امور، و بی نیاز بودن او از همه در تمام امور، دلیل بر آن است که او از همه افضل و برتر است». (ر.ک: ترتیب کتاب العین، ص ۲۸).

فراموش نکنیم هنوز هم که هنوزست که پس از گذشت بیش از چهارده قرن از آن زمان، باز آن روش ادامه دارد و گویندگان فضایل آن حضرت را، از بین می برند، برای نمونه به چند جریان توجه نمائید.

۱- ذهبی یکی از علمای بزرگ اهل سنت در کتابش

ص: ۴۰



(تذکره الحفاظ) در ترجمه حافظ ابن سقا عبداللّه بن محمد واسطی می نویسد: او (حدیث طیر) را املاء کرد شنونده ها به سوی او جهیدند و او را بلند کردند و محل نشستنش را شستند.

(کتاب دلائل الصّدق شیخ محمد حسن مظفّر ج ۱ ص ۳۳ بنقل از آن).

۲- ابن خلکان در کتاب «وفیات الاعیان» در ترجمه نسائی احمد بن شعیب صاحب کتاب «السّنن» یکی از صحاح ششگانه اهل سنّت، می نویسد. او به دمشق رفت و از او در باره معاویه و فضایلش پرسیدند؟ گفت: لأعرف له فضیله الا (لأشبع الله بطنه) من فضیلتی برای او نمی دانم مگر (فرمایش رسول خدا که درباره او فرمود:) خدا شکم او را سیر نکند.

باشنیدن این جواب نسائی را گرفتند و بیضتیش را آنقدر مالیدند و انداختند روی شینزار و از دنیا رفت. کتاب دلائل الصّدق شیخ محمد حسن مظفّر ج ۱ ص ۳۳ بنقل از آن.

حافظ ابونعیم اصفهانی می گوید: لَمَّا داسوه بدمشق مات

بسبب ذالك الدوس وقتی خُصیه هایش را مالیدند بخاطر این فشار مرد.

البته مشهور است که نسائی به خاطر کتاب آخرشان (الخصائص فی فضل علی بن ابی طالب کرم الله وجهه) بقتل رسیده است. برخی از تألیفات ایشان: سنن نسائی ، الخصائص فی فضل علی بن ابی طالب کرم الله وجهه ، مسند امام علی کرم الله وجهه و... و

حال بعد از چند قرن بسبب نقل یک روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره معاویه، او را باچنین شکنجه ای کشتند!! اگر در باره خلفای اول می گفت چه می شد و چکارش می کردند.

۳- ابن حجر در کتاب «تهذیب التّهذیب» در ترجمه نصر بن علی بن صهبان از عبدالله بن أحمد بن حنبل می نویسد. وقتی که نصر این حدیث را نقل کرد که رسول خدا دست حسن و حسین را گرفت و فرمود: «من أحبّ هذین و أباهما و أمّهما، کان فی درجتی یوم القیامه» هر کس مرا و این دو و پدر و

ص: ۴۲

مادرشان را، دوست را دوست بدارد، در روز قیامت در درجه من خواهد بود.

متوکل دستور داد هزار تازیانه به او بزنند تا اینکه جعفر بن عبدالواحد (وزیر یا یکی از بزرگان) که یکی از اهل سنت است، وساطت کرد، رهایش کردند. کتاب دلائل الصدق شیخ محمد حسن مظفر ج ۱ ص ۳۴ بنقل از آن .

۴- باز ابن حجر در ترجمه ابی الازهر أحمد بن الازهر نیشابوری نقل می کند.

وقتی که ابوالانزهر از رزاق از مُعَمَّر از زهری از عبدالله (بن احمد المتوکل) از ابن عباس روایت کرد، قال «نظر النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: أَنْتَ سَيِّدٌ فِي الدُّنْيَا سَيِّدٌ فِي الْآخِرَةِ» الحديث. رسول خدا به علی نگاه کرد و فرمود: تو آقائی در دنیا و سروری در آخرت...

این گفته را به یحیی بن معین (وزیر) خبر دادند در میان مردم فریاد برداشت و گفت: این دروغ گوی نیشابوری کیست

ص: ۴۳

که این حدیث را از عبدالرزاق نقل کرده است.

أبو الازهر بلند شد و گفت: منم، یحیی لبخند زد و گفت، تو کذاب نیستی گناه گردن دیگریست. (کتاب دلائل الصدق شیخ محمد حسن مظفر ج ۱ ص ۳۴ بنقل از آن).

تمه حدیث فوق از فضائل مشهور و مسلم بین سنی و شیعه است که فرمود: من أحبک فقد أحببني و من أبغضک فقد أبغضني و حبیبک حبیب الله و بغیضک بغیض الله. هر کس ترا دوست دارد مرا دوست داشته و هر کس به تو بغض داشته به من بغض ورزیده، دوست تو دوست خداست و دشمن تو دشمن خداست. اگر بقیه روایت را ادامه می داد چه میشد؟!.

کتاب دلائل الصدق شیخ محمد حسن مظفر ج ۱ ص ۳۴.

البته از این قضایا در تاریخ فراوان است، مخصوصا در تاریخ های اخیر با تکفیر شیعیان و دوستان علی علیه السلام را در شرق عربستان و عراق و سوریه و لبنان و یمن و نیجریه و. و.

چقدر قتل عام نموده و می نمایند.

که آوردن بیش ازین، ما را از مقصد دور می سازد، اگر این

ص: ۴۴

نوشتار با دقت بررسی شود تمام مسائل برای ما روشن می شود.

با این همه سختگیری ها و شکنجه و تبعید و زندانی کردن قرن‌ها، و تأویل آیات نازل در باره مولا، باز همه کتابها و سینه ها، پر از فضایل و مناقب اوست، چون خدا با اوست و یار او. البته باید این را بدانیم که،

أَوَّلًا ... أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ. یونس آیه ۳۵ آیا آن کسی که به سوی حق هدایت می کند سزاوارتر است پیروی شود، یا آنکه خود راه یافته نیست و راه را نمی یابد مگر آنکه راهنمایی و هدایت گردد؟ پس شما را چه می شود؟ (که حقیقتی به این روشنی را در نمی یابید)، چگونه داوری می کنید؟

و ثانیاً، اهل البیت ادری بما فی البیت اهل خانه به زوایا و محتویات خانه از دیگران بلد ترند، اهل خانه ای که قرآن به آن نازل شده، مقصد و منظور آیات و زوایا و ظاهر و باطن، آن را

ص: ۴۵

خوب می دانند.

و ثالثاً دقت در گفتار و اظهار نظرهای بزرگان اهل سنت که گوشه ای و نمونه هائی از آنها را در این مختصر می آورم، و مرحوم علامه امینی رضوان الله علیه یازده جلد کتاب وزین «الغدیر» را فقط درباره جریان غدیر خم، از کتابهای بزرگان خود اهل سنت گرد آورده و ما را به حق و حقیقت، راهنمایی کرده و به مقصد می رساند و من الله التوفیق و علیه التکلان .

ابتداء تعداد آیات نازل در قرآن کریم را در باره امیرمؤمنان علی علیه السلام از نظر دانشمندان و محققان برادران اهل سنت و سپس اخبار و احادیث از صحاح سته و کتابها و نوشته های آن بزرگان را با اسنادش می آورم و در نهایت به عقیده اهل تشیع در این مورد را متعرض می شوم و قضاوت را به عهده خوانندگان عزیز و منصف می گذارم.

بعضی از بزرگان کتابهایی را از قسمتی از متن آیات نازل شده در حق امیرالمومنین علیه السلام را گرد آورده اند، مانند.

۱- کتاب «دلایل الصدق» مرحوم علامه شیخ حسن مظفر

ص: ۴۶

(ره) که در ردّ وهابیت در سه جلد نوشته شده است که، دو جلد آخر این کتاب اختصاص دارد به آیات و احادیثی که در حق امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.

اخیراً هم این کتاب را موسسه آل‌البیت علیهم السلام در قم چاپ کرده است.

۲- کتاب «ما نزل فی علیّ فی القرآن» در دو جلد توسط حضرت آیت‌الله شیرازی نوشته شده و تمام آیاتی را که در حق امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است.

این دو کتاب در سایت‌های مختلف اینترنتی هم موجود است؛ مخصوصاً کتاب دلائل الصّدق.

۳- ابوالقاسم حسکانی کتابی به نام «شواهد التنزیل»، ۲۰۰ آیه یا بیشتر جمع کرده است و کتابهای دیگر.

۴- نهج الحق و کشف الصّدق: علامه حلّی.

۵- غایه المرام: و جز اینها که زیاد است.

ص: ۴۷

## در اخبار اهل سنت چند آیه در قرآن کریم در باره

### اشاره

امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده است.

۱- ۲۰۰ آیه

۲- سیصد آیه بلکه بیشتر.

۳- یک چهارم قرآن

۴- یک سوم قرآن

و اقوال دیگر که به نمونه هائی از روایات و اظهار نظرها در این باره توجه نمائید.

### ۱- ۲۰۰ آیه

قاضی ابوالقاسم حسکانی در کتاب «شواهد التنزیل»، ۲۰۰ آیه یا بیشتر جمع کرده است که درباره حضرت علی علیه السلام

ص: ۴۸



نازل و یا تفسیر شده است.

ر. ك: آیات ولایت در قرآن ، آیه الله مكارم شیرازی

## ۲- بیش از ۳۰۰ آیه.

عبدالله بن عباس: از اصحاب و پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و از شاگردان برتر امام علی علیه السلام که تفسیر قرآن را از ایشان فراگرفته و فضل و دانش ایشان نزد شیعه و سنی از جایگاه برجسته و خاصی برخوردار است. معتقد است که ۳۰۰ آیه در مورد امام علی علیه السلام نازل شده است

بسیاری از علمای شیعه و سنی نیز این گفته او را در کتاب های خود آورده اند که ما به چند مورد آن از طریق اهل سنت، اشاره می کنیم .

قال ابن عباس : نزلت فی علی أكثر من ثلاثمائة آیه فی مدحه.

بیش از سیصد آیه از قرآن کریم ، در ستایش از علی علیه السلام

ص: ۴۹

نازل شده است .

تاریخ الخلفاء ، ص ۱۷۲، و السیره النبویّه ، زینی دحلان بهامش السیره الحلبیّه ، ج ۲ ، ص ۱۱ و الصواعق المحرّقه ، ص ۱۲۵ ط . چاپ المحمديّه و ص ۷۶ ط. المیمنه بمصر .

زینی دحلان مفتی مکّه مکرمه و متوفای ۱۳۰۵ هجری قمری در کتاب (السیره النبویه)، جلد ۲، صفحه ۱۱ از ابن عباس نقل می کند:

نزلت فی علی أكثر من ثلاثمائه آیه فی مدحه. بیش از ۳۰۰ آیه در مدح علی نازل شده است. الصواعق المحرّقه، چاپ محمديه مصر، ص ۱۲۵ و چاپ میمنه مصر، ص ۷۶-تاریخ الخلفاء، ص ۱۷۲

ابن عساکر ، از علمای بزرگ اهل سنت در تاریخ دمشق می نویسد :

عن ابن عباس ، قال : «نزلت فی علیّ ثلاثمائه آیه». ابن عباس می گوید : ۳۰۰ آیه از قرآن کریم در باره علی علیه السلام نازل شده است .

تاریخ مدینه دمشق ، ج ۴۲ ، ص ۳۶۴، تاریخ الخلفاء سیوطی، ص ۱۷۱ -

ص: ۵۰

الصواعق المحرقة ابن حجر مکی، ص ۱۹۶

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد می نویسد :

عن ابن عباس قال : نزلت فی علی ثلاثمائه آیه .تاریخ بغداد ، ج ۶ ، ص ۲۲۱ .

سیوطی از بزرگترین علمای تاریخ اهل سنت نیز می نویسد

عن ابن عباس قال : نزلت فی علی ثلاثمائه آیه .

تاریخ الخلفاء ، ص ۱۷۱ ، الصواعق المحرقة ، ص ۱۹۶ .

ابن حجر هیشمی در کتاب الصواعق المحرقة که آن را در رد عقائد شیعه نوشته است ، در این باره می نویسد :

وروی سعید بن جبیر ، عن ابن عباس ، قال : ما نزل فی أحد من کتاب الله ما نزل فی علی . در قرآن در باره هیچکس به اندازه علی ، آیه نازل نشده است .

الصواعق المحرقة ، ص ۷۶ ، الباب التاسع ، الفصل الثالث .

باز ابن حجر هیشمی در جای دیگر و نیز سیوطی در تاریخ الخلفاء می نویسند :

ص: ۵۱

آنه ما نزل فی أحد من کتاب الله کما نزل فی علی. در حق هیچ کسی، به اندازه علی علیه السلام، در قرآن نازل نشده است. تاریخ الخلفاء، ص ۱۷۱، و الصواعق المحرقة، ص ۱۲۷.

حاکم نیشابوری از استوانه های علمی اهل سنت در مستدرک الصحیحین نقل می کند از احمد بن حنبل رئیس حنبلی مذهب که می گوید:

ما جاء لأحد من أصحاب رسول الله صلى الله عليه و آله من الفضائل ما جاء لعلي بن أبي طالب رضي الله عنه. فضائلی که در حق علی بن ابی طالب خدازاد راضی باشد؛ آمده، در حق هیچ یک از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم نیامده است. (مستدرک الصحیحین للحاکم النیشابوری، ج ۳، ص ۱۰۷).

ابن جوزی در مناقب احمد بن حنبل می گوید:

ما لأحد من الصحابه من الفضائل بالأسانيد الصحاح مثل ما لعلي رضي الله عنه.

آن همه فضائلی که با سندهای صحیح در حق علی خدازاد راضی باشد؛ آمده، در حق هیچ یک از صحابه نیامده است.

مناقب احمد بن حنبل، ص ۱۶۳- تهذيب التهذيب لابن حجر العسقلاني، ج ۷، ص ۲۹۸ ج الإصابه، ج ۴، ص ۴۶۴- شواهد التنزيل للحاكم الحسكاني، ج ۱، ص ۲۷- الاستيعاب لابن عبد البر، ج ۳، ص ۵۱

الاستيعاب ج ۲ / ۶۶۴ می نویسد: احمد بن حنبل و اسماعيل بن اسحاق قاضی اظهار داشته اند،

احادیثی که به «سند حسن» درباره فضائل حضرت مولا علی علیه السلام روایت شده است، درباره هیچیک از صحابه، روایت نشده است.

و احمد بن شعيب بن علی نسائی همین موضوع را هم متذکر شده است.

و نیز در فتح الباری (۷۱ / ۸) متذکر شده اند و به سند مزبور، علاوه بر احمد حنبل و اسماعیل بن اسحاق و نسائی، ابو علی نیشابوری را اضافه کرده اند.

مستدرک الصحیحین ج ۳ / ۷۰۱ از «محمد بن منصور طوسی» روایت کرده است که از «احمد بن حنبل» شنیدم، می

ص: ۵۳

گفت: فضائلی که برای علی علیه السلام شمارش شده به اندازه ای است که، برای هیچیک از صحابه پیغمبر، آنچنان فضائلی، ذکر نشده است.

همچنین قول دیگری را (شبلنجی) به ابن عباس نسبت داده که در کتاب (نورالابصار) صفحه ۷۳ آمده است ابن عباس معتقد بود آن مقدار از قرآن که درباره علی علیه السلام نازل شده درباره هیچکس نازل نشده است.

ابن عباس در این روایات یک کمیت حداقلی قائل بوده که همان ۳۰۰ آیه است .

ولی تعدادی از علمای شیعه و سنی تا ۳۵۰ آیه را در باره علی علیه السلام برشمرده اند.

### ۳- یک چهارم قرآن

سیوطی از بزرگترین علمای تاریخ اهل سنت نیز می نویسد

بسیاری از علمای اهل سنت نقل کرده اند که

ص: ۵۴

یک چهارم قرآن در حق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است .

حاکم حسکانی از بزرگان اهل سنت می نویسد :

عن الاصبغ بن نباته ، عن علی قال : نزل القرآن أربعه أرباع :

ربع فینا ، وربع فی عدونا ، وربع حلال و حرام و ربع فرائض و أحكام و لنا کرائم القرآن .

اصبغ بن نباته از امیر مومنان نقل کرد که فرمودند: قرآن چهار قسمت نازل شد . یک چهارم در مورد ما ، یک چهارم در مورد دشمنان ما ، یک چهارم در مورد حلال و حرام و یک چهارم در مورد واجبات و احکام ؛ و آیات شاخص قرآن در مورد ماست. شواهد التنزیل ، ج ۱ ، ص ۵۹ و ص ۶۲ و تاریخ الیعقوبی ، ج ۲ ، ص ۱۳۶ و ینابیع الموده ، ج ۱ ، ص ۳۷۷.

غیاث الدین بن همام (متوفای ۹۴۲ ق ) می گوید: حافظ ابوبکر بن احمد بن موسی بن مردویه با سند خود از علی - کرم الله وجهه - نیز این حدیث را نقل کرده است. (خواند میر، غیاث الدین

ص: ۵۵

بن همام الدین، تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۱۳، تهران، خیام، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ش).

ابن مغازلی شافعی (متوفای ۴۸۳ ق) با سند خود از ابن عباس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چن ین نقل می کند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به یاران خود) فرمود: «از چه در شگفتید! قرآن چهار بخش است: یک چهارم به طور خاص درباره ما اهل بیت، یک چهارم درباره دشمنان ما، یک چهارم حلال و حرام و یک چهارم فرایض و احکام. به خدا سوگند آیات برجسته قرآن درباره علی علیه السلام نازل شده است». ابن مغازلی، علی بن محمد، مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۷۰ ج ۲۷۱، بیروت، دار الأضواء، چاپ سوم، ۱۴۲۴ ق.

روایات شیعیان نیز در این مورد فراوان است از جمله.

مرحوم کلینی رضوان الله تعالی علیه از دانشمندان شیعه نیز در کتاب اصول کافی در روایتی که سند آن صحیح است ،

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: انّ القرآن نزل أربعة أرباع، ربع

ص: ۵۶



حلال و ربع حرام، و ربع سنن و احکام و ربع خبر ما کان قبلکم و نبأ ما یكون بعدکم و فصل ما بینکم. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۷، ح ۴. به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت فرمود:

قرآن بر چهار قسمت نازل شده است: یک چهارم درباره حلال و یک چهارم درباره حرام، یک چهارم درباره سنتها و احکام، یک چهارم درباره اخبار آنان که قبل از شما بوده اند و آنان که بعد از شما خواهند آمد و حلّ و فصل مسائل جاری شما.

عن ابی الجارود، قال سمعت أبا جعفر علیه السلام یقول: نزل القرآن علی اربعة أرباع، ربع فینا و ربع فی عدونا، و ربع فرائض و احکام، و ربع سنن و امثال، و لنا کرائم القرآن. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر (معروف به تفسیر عیاشی)، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱/۹؛ مجلسی، محمد باقر،

ص: ۵۷

#### ۴- یک سوم قرآن

عن اصبع بن نباته، قال سمعت أمير المؤمنين عليه السلام يقول: نزل القرآن أثلاثاً، ثلث فينا و في عدونا، و ثلث سنن و امثال، و ثلث فرائض و احكام. « ۱ اصبع بن نباته گفت از امير مؤمنان عليه السلام شنيدم: قرآن در سه زمينه نازل شده است: يك سوم درباره ما و دشمنان ما، يك سوم درباره سنتها و امثال و يك سوم درباره فرائض و احكام. (كليني، محمّد بن يعقوب، اصول كافي، به تصحيح علي اكبر غفاري، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۲/۶۲۷).

اشاره

اهل سنت

قبلاً- گفتیم: بنا بنقل مفسرین و مورخین عامه و خاصه (بیش از سیصد آیه) در باره ولایت علی علیه السلام و فضائل و مناقب آنحضرت در قرآن کریم آمده است که نقل همه آنها از عهده این مختصر خارج است لذا ما در اینجا فقط چند مورد از کتب معتبره خود اهل سنت در باره (ولایت و امامت و زعامت) آن حضرت را می آوریم که جای چون و چرا برای آنان باقی نماند.

البته دلالت این آیات با توجه به احادیث بسیار زیاد که از رسول گرامی اسلام در شأن نزول این آیات وارد شده،(متواتر) است.

ص: ۵۹

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ . ای رسول، آنچه را که از سوی خدا به تو نازل شده است به مردم برسان، که اگر چنین نکنی رسالت خدا را انجام نداده ای. و خداوند تو را از (آسیب) مردم حفظ می نماید و مسلماً گروه کافران را هدایت نمی کند. مائده / ۶۷

آیه فوق در حجه الوداع چند مرتبه تا «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» نازل شد ولی رسول خدا صلی الله علیه وآله از اعلان آن بیم داشت. نگران دسیسه و توطئه از سوی گروهی از دور و برش بود. از این رو تا جایی که توانست اعلان آن را به تأخیر افکند.

تا هیجدهم ماه ذیحجه سال دهم هجری بود که پیامبر آخرین مراحل آیین حج ابراهیمی را به مردم آموزش داد.

سر انجام جبرئیل همراه با فرمانی بسیار مهم از جانب خداوند فرود آمد، و این ترس را به امنیت تبدیل نمود.

خداوند در پایان فرمان برای آسودگی خاطر رسولش مژده می دهد که نگران مباش، «وَاللَّهُ يَعْصِي مَمْرًا مِنَ النَّاسِ» خدایت تو را از آسیب دشمنان محفوظ می دارد.

خداوند متعال پیامبرش را با شدت هر چه تمامتر امر فرمود، که رسالت خود را که ولایت علی علیه السلام بود، ابلاغ نماید و نگذارد فرصت (جمع شدن مردم که از اکناف و بلاد مختلف گرد آمده اند) از دست برود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنبال نزول این آیه، دیگر درنگ را جایز ندانست. فرمان توقف داد. توقفگاه در همان سرزمین جُحْفَه و در کنار برکه ای به نام حُم بود، چهار راهی که مردم در آنجا پراکنده شده هرکس به سوی موطن خویش رهسپار خواهد شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله سه روز منتظر ماند تا آنها که پیشاپیش می رفتند، باز گردند و آنها که از پس می آمدند، خود

را به توقفگاه برسانند. جماعت انبوهی از مسلمانان متجاوز از یکصد هزار نفر جمع شدند. رسول خدا بر فراز بلندی که از جهاز شتران ساخته شده بود، رفت و در برابر مردم ایستاد تا آن پیام مهم را به سمع و نظر همه برساند. این پیام به نام «آیه تبلیغ» مشهور شد.

تلخیص از تفاسیر مختلف اهل سنت خاصه الدر المنثور ذیل آیه تبلیغ.

جریان غدیر در سال آخر عمر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجه الوداع اتفاق افتاد و آن حضرت، با بیان اَلَسْتُ اَوْلَى بِكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى. قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً. اَللّٰهُمَّ وَاٰلِ مَنْ وَاٰلِهٖ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ؛ آیا من به شما از جانات اولی تر نیستم؟ عرض کردند: بله. فرمود:

هر کس من به او ولایت دارم و مولای اویم، این علی علیه السلام مولای اوست. خداوندا، هر کس که او را مولای خود بداند و دوست دارش باشد دوستش بدار، و هر کس با او دشمنی ورزد دشمنش باش». (خصائص نسائی، ص ۱۰۱؛ المعجم الکبیر طبرانی، ج ۲، ص ۶۲)

به امامت و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام تصریح کرد و رسالت خود را ابلاغ نمود.

این واقعه توسط عده ی زیادی (۱۱۰ نفر) از صحابه مانند ابوسعید خدری، زیدین ارقم، جابر بن عبدالله انصاری، ابن عباس، براء بن عازب، حذیفه، ابوهریره، ابن مسعود و عامر بن لیلی، از آن جمله اند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همچنین از ۸۴ نفر از تابعین و ۳۶ نفر از دانشمندان و مؤلفین، نقل شده است. علامه امینی با مدارک و دلایل محکم از منابع معروف اسلامی (اهل سنت و شیعه)، در کتاب شریف «الغدیر» تمامی این نقل ها را آورده است.

ابو سعید خُدری که از اصحاب معروف رسول خداست می گوید:

نُزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»

علی رسول الله یوم غدیر خم فی علی بن ابیطالب. آیه یا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ... روز غدیر خم درباره اعلان جانشینی علی بن ابیطالب بر پیامبر نازل شد.

ابو اسحق ثعلبی در تفسیر خود و طبری در کتاب الولاية و ابن صباغ مالکی و همچنین دیگران نوشته اند که آیه تبلیغ یعنی آیه ۶۷ سوره مائده یا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أَنْزَلَ إِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ... در باره علی علیه السلام نازل شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی را گرفت و فرمود: من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم و ال من والاه.... شواهد التنزیل جلد ۱ ص ۱۸۹ فصول المهمه ص ۲۷.

ابن مسعود، صحابی بزرگ رسول اکرم صلی الله علیه و آله می گوید:

كُنَّا نَقْرَأُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أَنْزَلَ إِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ - اِنَّ عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ - وَ اِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»

ص: ۶۴



در زمان رسول خدا این آیه را ما اینچنین می خواندیم:

«ای رسول، آنچه را که از جانب خدا بر تو نازل شده است، که علی همانا مولا و سرپرست مؤمنان است، به دیگران ابلاغ کن، اگر این کار را نکنی رسالت خدا را به انجام نرسانده ای و خداوند تو را از آسیب مردم حفظ می کند.»

بعضی از غرض ورزان می گویند: پیامبر می خواسته تنها اعلان نماید که علی علیه السلام را دوست بدارید! لَوْ أَرَادَ الْخِلَافَةَ، لَقَالَ: عَلِيٌّ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي؛ اگر مقصود رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خلافت بود، قطعاً می فرمود: علی علیه السلام خلیفه و جانشین من است.

اینان «مولی» را به معنای دوست گرفته اند نه ولایت و سرپرست.

در پاسخ این ها می گوئیم: این همه تشریفات آسمانی و زمینی تنها برای اعلان محبت و دوستی علی علیه السلام در آن صحرای سوزان و توقف طولانی سه روزه در آنجا، نزد

ص: ۶۵

خردمندان ناپسند و بیهوده است، مسلماً پیامبر از چنین کاری منزّه و مُبْرَأ است. رسول خدا بارها پیش از این به بهانه های مختلف و در موارد گوناگون، امر دوستی و محبت نسبت به علی علیه السلام را سفارش نموده بود و دیگر نیازی به چنین تشریفات و یا دلهره و نگرانی از مردم را نداشت.

وانگهی، اعلان محبت علی علیه السلام چه ترسی داشت تا پیامبر از آن بترسد و هراس داشته باشد و از سوی خداوند تأمین امنیت شود.

در ضمن برای آنکه کسی مانند این کینه توزان و مغرضان گمان نکند مولا یا ولی در عبارت به معنی دوست می باشد، پیامبر عبارت پیشین را فرمود که: أَلَسْتُ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ یعنی آن گونه که من از سوی خداوند اُولی بنفس مؤمنینم، علی اُولی بنفس آنهاست.

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ و عَادِ مَنْ عَادَاهُ. بارالها، دوستدار هر که او را دوست بدارد و دشمن بدار هر که او را دشمن شمارد. در سنن

ابن ماجه ۱/۴۳، صحيح مسلم ۱۵/۱۸۰، المستدرک علی الصحیحین ۳/۱۱۸ این بیان آمده است.

اتفاقاً همین کلمه خلافت، که علی علیه السلام جانشین بعد از من است، را در کتاب های اهل تسنن از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نقل کرده اند: «لَا يَتَّبِعِي أَنْ أَذْهَبَ إِلَّا وَأَنْتَ خَلِيفَتِي... أَنْتَ وَليِّي فِي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؛ روا نیست که من از دنیا بروم و تو جانشین من نباشی تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن بعد از من هستی»؛

مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۱؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۳؟؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۰؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۱۳.

یا در حدیث (یوم الدار و حدیث منزلت) أَنْتَ مَنِّي بَمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي) و احادیث فراوان دیگر همین جمله و معنا، آمده است ولی گوش شنوا یا وجدان سالم!!!.

ماجرای غدیر و حدیث مربوط به آن در میان عامه از

ص: ۶۷

وثاقت و اعتبار بسیار بالایی برخوردار است و در میان شیعه هم قطعی و مسلم است که چنین حادثه ای رخ داده است.

گواهان غدیر

روزی علی علیه السلام در میدان شهر کوفه با مردم، به احتجاج برخاست. حضرت در مقابل آنها ایستاد و فرمود:

شما را به خدا سوگند می دهم که هر کس در غدیر خم از پیامبر به گوش خود درباره من چیزی شنیده است برخیزد و گواهی دهد.

سی تن از اصحاب برخاستند که دوازده تن از آنها بدری بودند. یعنی از کسانی بودند که در جنگ بدر در رکاب رسول خدا حضور داشتند، و با مشرکان می جنگیدند. آنها گفتند: ما در روز غدیر خم دیدیم، رسول خدا پس از ادای فریضه نماز، در برابر دیدگان همه قرار گرفت و خطبه خواند و فرمود:

أَلَسْتُ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ آیا من از همه مؤمنان نسبت به خودشان برتر نیستم؟ یا اینگونه فرمود: أَتَعْلَمُونَ أَنِّي أُولَىٰ

ص: ۶۸

بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ آیا می دانید که من از همه مؤمنان نسبت به خودشان برتر هستم؟ یعنی پیامبر حتی نسبت به جان مؤمنان تولیت دارد. همه پاسخ دادند: آری ای رسول خدا.

چرا که قبل از آن خطاب قرآن را به مؤمنان شنیده بودند که:

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ. احزاب / ۶

از این رو همه اقرار نمودند که ولایت پیامبر نسبت به مؤمنان از ولایت آنها نسبت به خودشان برتر است.

پس از گرفتن این اقرار، پیامبر دست علی را گرفت و بلند نمود و فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ. این جمله به گونه دیگری هم نقل شده است:

فهذا وليّ منّ أنا مولاؤه. این (علی) ولی کسی است که من مولای اویم.

ولی در میان آن جماعت، سه نفر به این ماجرا گواهی

ندادند. یکی از آن افراد، انس بن مالک بود. او گفت: من پیر شده ام و فراموشی بر من عارض گشته است.

حضرت علی علیه السلام آنها را نفرین کرد و درباره انس هم فرمود:

اگر دروغ می گویی، خداوند تو را به پیسی و برص مبتلا سازد بطوری که عمامه ات آن را نپوشاند.

انس از جای برنخاست مگر آنکه لکه های سپیدی بر پوست بدنش ظاهر شد و دچار پیسی گردید. مسند احمد بن حنبل ۴/۳۷۰.

## ۲- آیه اکمال دین

... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا ... (مائده / ۳) امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد.

ص: ۷۰

بعد از آنکه پیامبر امر مهم ابلاغ ولایت را به انجام رساند، و ارکان دین را با استمرار بخشیدن نبوت به وسیله امامت و ولایت، محکم و استوار ساخت، آیه اکمال دین نازل شد. و مشخص ساخت که، کمال دین اسلام، با ولایت و کمال هر یک از مسلمانها، با قبول ولایت امیرمؤمنان علیه السلام می باشد.

روایات زیر بیانگر این حادثه هستند: تفسیر الدر المنثور ج ۳ ص ۱۹.

ابو سعید خُدَری می گوید:

لَمَّا نَصَبَ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ فَنادى لَهُ بِالْوَلَايَةِ، هَبَطَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ بَهْدِهِ الْاِيَهُ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» وقتی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله در روز غدیر خم، علی را به جانشینی خود برگزید و ولایت و سرپرستی او را بر مسلمانان اعلام فرمود، جبرئیل این آیه را به پیغمبر آورد:

«امروز دین شما را کامل کردم...»

ابو هُرَیره نقل می کند:

لَمَّا كَانَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ وَهُوَ يَوْمٌ ثَمَانِي عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ

ص: ۷۱

قَالَ النَّبِيُّ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتِي مَوْلَاهُ» فَأَنْزَلَ اللَّهُ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» وقتی روز غدیر خم - که هجدهم ذی الحجه بود - فرا رسید پیامبر فرمود: هر کس که من مولا و سرپرست اویم، علی هم مولا و سرپرست اوست. آنگاه خداوند این آیه را نازل فرمود که: امروز دین شما را کامل کردم....

راوی نقل می کند رسول خدا صلی الله علیه وآله پس از اعلان جانشینی علی علیه السلام به مردم دستور داد: سَلِمُوا عَلَيَّ يَوْمَ الْمُؤْمِنِينَ. بر علی با عنوان امیرمؤمنان سلام دهید.

پس از آن رسول خدا بانگ تکبیر بر آورد و فرمود:

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ أَكْمَالِ الدِّينِ وَاتِّمَامِ النَّعْمَةِ وَرِضَا الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ بَعْدِي.

تفسیر الدر المنثور ذیل آیه اکمال.

اللَّهُ اكبر، بر کامل کردن دین و تمام نمودن نعمت و برخشنودی پروردگار به رسالت من و ولایت علی بن ابیطالب پس از من.



در اهمیت امر جانشینی پیامبر همین بس که خداوند، فرمان اکیدی مبنی بر ابلاغ آن به مردم صادر فرموده است. چرا که استمرار نبوت یا به تعبیر قرآن «اکمال دین و اتمام نعمت» جز با امر ولایت امکان پذیر نیست. از این رو عقل و درایت، صحت سند روایات را تقویت می کند.

خطیب بغدادی (در تاریخ بغداد ج ۶ ص ۲۹۰).

بسند خود از ابی هریره روایت کرده که گفت: هر کس روز هجدهم ذی الحجه را روزه بگیرد ثواب شصت ماه روزه را برایش می نویسد و این روز غدیر خم است که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی بن ابیطالب را گرفت و فرمود: آیا من ولی مؤمنین نبودم؟ گفتند: بله یا رسول الله فرمود: هر که من مولای اویم علی مولای اوست، پس عمر بن خطاب گفت:

بَخِّ لَكَ يَا عَلِيُّ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَا كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنِهِم بَارِكْ بَادٍ وَ مَبَارِكْ بَادٍ بَرْتُوايَ عَلِيُّ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ كَمَا مَوْلَايَ مِنْ وَ مَوْلَايَ هَرِّ مَرْدٍ مُؤْمِنٍ وَ زَنْ مُؤْمِنَةٍ شَدِي . پس خدای تعالی این

ص: ۷۳

آیه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ... ) را فرستاد

نتیجه: با در نظر گرفتن معنا و مفهوم دو آیه تبلیغ و اکمال دین، و روایات و گفتارها در باره آن دو، کاملاً روشن می شود، با ابلاغ ولایت و تأکید به رساندن آن، دین تکمیل شد و اسلام به کمال رسید والسلام.

پس عمل هیچ کسی بدون قبول ولایت علی علیه السلام مقبول در گاه الهی نخواهد بود چون کمال دین با قبول ولایت است.

### ۳- آیه سأل سائل بعذاب واقع

(سوره معارج آیه ۱).

سؤال کننده ای سؤال کرد عذابی را که واقع شد.

ثعلبی و ابن صباغ و دیگران نوشته اند که چون در روز ۱۸ ذیحجه رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را بجانشینی خود منصوب نموده و فرمود: من كنت مولاه فهذا علی مولاه.

ص: ۷۴

حارث بن نعمان پس از شنیدن این خبر خدمت آنحضرت آمد و گفت ما را بشهادت یگانگی خدا و نبوت خود از جانب خدا امر کردی قبول نمودیم و سپس به نماز و زکوه و حج و جهاد و روزه دستور دادی پذیرفتیم به اینها قناعت نکردی در آخر کار این جوان را که پسر عموی تست بولایت نصب کردی آیا این کار از جانب تست یا بدستور خدا است؟ رسول اکرم فرمود:

قسم بخدائی که جز او خدائی نیست که این امر بدستور خدا است حارث بن نعمان در حالیکه بسوی ناقه خود میرفت گفت خدایا اگر این مطلب صحیح است بر ما از آسمان سنگ بفرست یا بعذابی دردناک معذب گردان هنوز بناقه اش نرسیده بود که سنگی از آسمان بر سرش افتاد و فوراً هلاکش نمود آنگاه این آیه نازل شد که سأل سائل بعذاب واقع فصول المهمه ص ۲۶ کفایه الخصام ص ۴۸۸.

پس اگر منظور تبلیغ دوستی بود، حارث بن نعمان اعتراض نمی کرد، بلکه به زعامت و ولایت علی جوان، معترض شد و

بلای آسمانی نیز او را از میان برداشت.

#### ۴- آیه ولایت:

#### اشاره

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ . وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ . مائده / ۵۶-۵۵ سر پرست و ولیّ شما فقط خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که، نماز بر پا می دارند و در حال رکوع، زکات می پردازند. و هر کس ولایت خدا و رسول او و این مؤمنان را بپذیرد -او از حزب خداست -البته حزب خدا پیروز است.

در این آیه، ولایت حضرت علیعلیه السلام در ردیف ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه وآله قرار داده شد.

از کلمه حصر «انما» به معنی (فقط) در ابتدای آیه چنین مشخص می شود که ولایت و زعامت و سرپرستی منحصر است به خدا و رسول و مؤمنانی که در حال رکوع نماز، صدقه

ص: ۷۶

بپردازند. و البته هیچکس هم جز علی بن ابیطالب علیه السلام این ویژگی را پیدا نکرد. هر چند در آیه این مفهوم بلفظ جمع آمده است (الَّذِينَ آمَنُوا...) اما شأن نزول آیه تنها درباره یک نفر بود آنهم مظلوم تاریخ، امیرمؤمنان «علی» است. صلوات الله و سلامه علیه و علی اولاده الطَّيِّبِينَ لَطَّاهِرِينَ.

(در این زمینه به توضیحات مربوط به آیه مباحثه که می آید، مراجعه شود).

سیوطی: از دانشمندان اهل سنت در تفسیر «الدر المنثور» در ذیل این آیه از ابن عباس نقل می کند که: علی علیه السلام در حال رکوع نماز بود که سائلی تقاضای کمک کرد و آن حضرت انگشترش را به او صدقه داد، پیامبر صلی الله علیه و آله از سائل پرسید: چه کسی این انگشتر را به تو صدقه داد؟ سائل به حضرت علی علیه السلام اشاره کرد و گفت: آن مرد که در حال رکوع است، در این هنگام این آیه نازل شد. الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۳.

ص: ۷۷

همچنین از دانشمندان اهل سنت، واحدی در اسباب النزول، ص ۱۴۸. و زمخشری در تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۶۴۹.

این روایت را نقل کرده و تصریح کرده اند که آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...» درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است.

فخر رازی در تفسیر خود از عبدالله بن سلام نقل می کند، هنگامی که این آیه نازل شد، من به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم که با چشم خود دیدم که علی علیه السلام انگشترش را در حال رکوع به نیازمندی صدقه داد به همین دلیل ما ولایت او را می پذیریم! وی همچنین روایت دیگری نظیر همین روایت را از ابوذر در شأن نزول این آیه نقل می کند. تفسیر فخر رازی، ج ۱۲، ص ۲۶.

طبری نیز در تفسیر خود روایات متعددی در ذیل این آیه و شأن نزول آن نقل می کند که اکثر آنها می گویند: درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است. (تفسیر طبری، ج ۶، ص ۱۸۶).

ص: ۷۸

مرحوم علامه امینی (ره) در کتاب «الغدیر»، نزول این آیه درباره حضرت علی را با روایاتی از حدود بیست کتاب معتبر از کتاب های اهل سنت، با ذکر دقیق مدارک و منابع آن، نقل کرده است. (الغدیر، ج ۲، ص ۵۲ و ۵۳).

پس کلمه «ولّی» در آیه به معنی ولایت و زعیم و صاحب اختیار و سرپرست است نه دوست و یاور، زیرا در غیر اینصورت با کلمه (انما و حصر) در آیه سازگاری نخواهد داشت، برای اینکه یاوران اهل ایمان منحصر به همین سه گروه نیست، اهل ایمان، دوستان و یاوران دیگری نیز دارند.

مانند: ملائکه و یا مؤمنانی که دارای این نشانه هم نیستند و یا حتی افرادی غیر مسلمان همچون نجاشی که وی نیز مسیحی بود و مسلمانان را پناه داد. خداوند در سوره ممتحنه آیه ۸، دوستی مسلمانان را با کافران بی آزار، نهی نکرده است.

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» .«

ازینرو، لازم است کلمه « ولیّ » را حتی در آیات قبل و بعد از آیه ولایت، آیات ۵۱ و ۵۷ سوره مائده، به معنای زعیم و سر پرست در نظر گرفت نه دوستی.

بسیاری از مفسران و محدثان نیز گفته اند که این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است.

### **شأن نزول آیه ولایت در کتب اهل سنت**

برای اثبات نزول آیه ولایت در مورد حضرت علی از کتب اهل سنت، علاوه بر مدارك بالا، به اسنادذیل توجه فرمائید.

قاضی عضد الدین ایجی (متوفای ۷۵۶هـ) در کتاب الموافکه از مهم ترین کتاب های عقائدی اهل سنت به شمار می رود ، در باره آیه ی ولایت نقل می کند :

وأجمع أئمة التفسير أنّ المراد علی .

تمام پیشوایان تفسیر اجماع دارند بر این که این آیه در باره

ص: ۸۰



امام علی علیه السلام نازل شده است .

الإیجی ، عضد الدین عبد الرحمن بن أحمد الوفاء: ۷۵۶هـ ، کتاب المواقف ، ج ۳ ، ص ۶۰۱ ، دار النشر : دار الجیل - لبنان - بیروت - ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۷م ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : عبدالرحمن عمیره .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آنکه راهنما و هدایتگر پس از خود را هم معرفی کرده باشد، در گفتاری می فرماید:

مَنْ يَرِيدُ أَنْ يَحْيِيَ حَيَاتِي وَيَمُوتَ مَوْتِي وَيَسْكُنَ جَنَّةَ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ لَنْ يُخْرِجَكُم مِّنْ هُدًى وَلَنْ يُدْخِلَكُم فِي ضَلَالَةٍ.

المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۳۹.

هر کس که می خواهد آنگونه که من زندگی کردم زندگی کند و آنگونه که من می میرم، بمیرد، و در بهشت برینی که خدای من آن را وعده داده است، جای گزیند، باید ولایت علی را بپذیرد. چرا که او هرگز شما را از راه هدایت برون نمی برد و به گمراهی وارد نمی سازد.

ص: ۸۱

در صحاح و سنن شش گانه اهل سنت نیز روایات متعدد در این مورد آمده است؛ به طور کلی از این روایات استفاده می شود که منظور از آیه فوق علی علیه السلام است.

تفسیر «الدر المثلث فی التفسیر بالمأثور» تألیف جلال الدین السیوطی که از بزرگان تفسیر نزد اهل سنت است.

وأخرج الطبرانی فی الأوسط وابن مردویه عن عمار بن یاسر قال: وقف بعلی سائل وهو راکع فی صلاه تطوع، فنزع خاتمه فأعطاه السائل، فأتی رسول الله صلی الله علیه وسلم فاعلمه ذلك، فنزلت علی النبی صلی الله علیه وسلم هذه الآیه «إِنَّمَا وَدَّعْتُمُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» فقرأ رسول الله صلی الله علیه وسلم علی أصحابه، ثم قال: من كنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. مضمون حدیث آن است که روزی سائلی نزد حضرت امیر آمد و حضرت در حال رکوع نماز مستحبی بودند حضرت در همان حال دست خود را به سوی

ص: ۸۲

سائل بردند و انگشتر را به او بخشیدند، رسول خدا آمدند و از این موضوع آگاه شدند و به ایشان نازل شد «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» ۶۷ سوره مائده فقط ولی امر شما (حاکم شما) خداست و رسولش و کسانی که ایمان آوردند کسانی که نماز می خوانند و صدقه می دهند در حالی که در رکوعند، و بعد از آنکه برای صحابه این آیه را خواندند، سپس فرمودند:

من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه) هر کس من مولای اویم علی مولای اوست خدایا دوست بدار کسی که او را بدارد می دارد و دشمن دار کسی که او را دشمن می دارد.

(آیه ولایت در شواهد التنزیل ج: ۱ ص: ۲۲۴ و ص: ۲۲۵ حاکم حسکانی).

و منهم جابر بن عبد الله الأنصاری

حدثنا الحاكم أبو عبد الله الحافظ غير مره قال أخبرنا أبو بكر

محمد بن جعفر بن یزید الأدمی القارئ ببغداد قال حدثنا أحمد بن موسى بن يزيد الشطوي حدثنا إبراهيم بن إبراهيم هو أبو إسحاق الكوفي قال حدثنا إبراهيم بن الحسن التغلبي قال حدثنا يحيى بن يعلى، عن عبيد الله بن موسى، عن أبي الزبير عن جابر قال جاء عبد الله بن سلام و أناس معه يشكون إلى رسول الله صلى الله عليه و آله بجانبه الناس إياهم منذ أسلموا فقال النبي ابتغوا إلى سائلا. فدخلنا المسجد فوجدنا فيه مسكينا فأتينا(به) النبي صلى الله عليه و آله فسأله هل أعطاك أحد شيئا قال نعم مررت برجل يصلي فأعطاني خاتمه قال اذهب فأرهم إياه (قال جابر) فانطلقنا و عليّ قائم يصلي قال هو هذا فرجعنا و قد نزلت هذه الآية إِنَّمَا وَرِثَكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ الْآيَة .

عموم مفسرين و محدثين مانند فخر رازی و نیشابوری و زمخشری و دیگران از ابن عباس و ابوذر و سایرین نقل کرده اند که روزی سائلی در مسجد از مردم سؤال نمود و کسی چیزی به او نداد، علی علیه السلام که مشغول نماز و در حال رکوع بود با

انگشت دست راست اشاره بسائل نمود و سائل متوجه شد و آمد انگشتر را از دست او خارج نمود و آیه **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ** سوره مائده آیه ۵۵.

اگر چه مؤمنین را بصیغه جمع آورده که در حال رکوع صدقه میدهند ولی در خارج مصداق واقعی آن منحصر بفرد بوده او هم علی علیه السلام میباشد.

بعضی هم گفته اند چون ائمه دیگر و اولاد معصومین علی علیه السلام نیز دارای مقام ولایت میباشند لذا بصیغه جمع قید شده است.

در آنحال رسول اکرم صلی الله علیه و آله از سائل پرسید آیا کسی بتو چیزی داد؟ سائل ضمن اشاره بعلی علیه السلام عرض کرد این انگشتر را او بمن داد. (کفایه الطالب ص ۲۵۰ مناقب خوارزمی ص ۱۷۸ تفسیر طبری جلد ۶ ص ۱۶۵ تفسیر رازی جلد ۳ ص ۴۳۱ و کتب دیگر).

ص: ۸۵

علمای اهل سنت با اینکه به نزول این آیه در باره ولایت علی علیه السلام اقرار دارند اما بعضی از آنها مانند ابن حجر و غیره در اینجا طفره رفته مانند آیه تبلیغ، میگویند کلمه ولی بمعنی دوست و ناصر است نه بمعنی اولی بتصرف در صورتیکه قبلاً گفتیم از ظاهر و سیاق کلام کاملاً معلوم است که ولی در آیه، بمعنی زعیم و صاحب اختیار است زیرا آیه شریفه با «انما» که افاده حصر میکند شروع شده است یعنی صاحب اختیار و اولی بتصرف شما فقط خدا و رسول او و کسی است که در حال رکوع صدقه داده است اگر ولی بمعنی دوست باشد انحصار آن بخدا و رسول او و شخص راکعی که صدقه داده است بی معنی و دور از منطق خواهد بود چون در اینصورت مؤمنین جز خدا و رسول و علی علیه السلام دوست دیگری نخواهند داشت در حالیکه مؤمنین همه دوست و ناصر یکدیگرند و دوستی چیزی نیست که خداوند آنرا در انحصار خود و اولیانش قرار دهد، در این مورد حسان بن ثابت

حضرت امیر علیه السلام را مدح کرده و چنین گوید:

فأنت الذي أعطيت إذ كنت راکعاً

فدتك نفوس القوم يا خير راکع

فأنزل فيك الله خير ولايه

و بينها في محكمات الشرايع

كشف الغمه ص ۸۸.

تو آن کسی هستی موقعی که در رکوع بودی بخشش نمودی

پس جانهای مردم فدای تو باد ای بهترین رکوع کننده

خداوند هم در شأن تو بهترین ولایت را نازل کرد

و آنرا در قرآن کریم ضمن شرايع محکم دین بیان فرمود

معلوم و واضح است که مقصود از بهترین ولایت همان زعامت و رهبری است نه یاری و دوستی و معانی دیگر.

**اسناد نزول آیه ی ولایت در مورد حضرت امیر در**

کتب اهل سنت

ص: ۸۷

برای اینکه مطلب بیش ازین به طول نیانجامد فهرستی از اسناد آیه ولایت در باره علی علیه السلام را از کتاب «تجلی امامت در آیه ی ولایت» آقای محمّد رضا کریمی استخراج شده است را، می آوریم.

۱. تفسیر در المنثور / تالیف جلال الدین سیوطی / جلد ۲ / صفحه ۵۱۹ / چاپ دار الکتب علمیّه بیروت
۲. تفسیر غرائب قرآن / تالیف نظام الدین نیشابوری / جلد ۲ / صفحه ۵ و ۶ / چاپ دار الکتب علمیّه بیروت
۳. تفسیر فتح البیان / تالیف صدیق حسن قنوجی / جلد ۲ / صفحه ۳۸۳ / چاپ دار الکتب علمیّه بیروت
۴. حاشیه الصّاوی بر تفسیر جلالین / تالیف الصّاوی / جلد ۱ / صفحه ۲۹۱ / چاپ دارالتجاریّه الکبری مصر
۵. تفسیر انوار التنزیل / تالیف قاضی ناصر الدّین بیضاوی / جلد ۲ / صفحه ۱۵۶ / چاپ دار الصادر بیروت
۶. حاشیه شهاب علی تفسیر البیضاوی / تالیف قاضی شهاب الدین خفاجی



۷. تفسیر کشف و البیان / تالیف ثلعبی / جلد ۴ / صفحه ۸۰ / چاپ دار احیاء التراث العربی بیروت

۸. اسباب النزول / تالیف واحدی نیشابوری / صفحه ۱۳۳ / چاپ دار العلمیه بیروت

۹. المعجم الكبير / تالیف طبرانی / جلد ۷ صفحه ی ۱۳۰ / حدیث ۶۲۲۸

۱۰. لباب النقول / تالیف سیوطی در حاشیه تفسیر جلالین / صفحه ۲۱۳

۱۱. احکام القرآن / تالیف جصاص / جلد ۲ / صفحه ۵۵۷ / چاپ دار الکتب علمیه بیروت

۱۲. مناقب علی ابن ابی طالب / تالیف ابن مغزلی شافعی / صفحه ۳۱۱

۱۳. کفایه الطالب / تالیف کنجی شافعی / صفحه ۲۲۸، ۲۵۰ و ۲۵۱ / چاپ نجف اشرف

۱۴. ذخایر العقبی / تالیف محب الدین طبری شافعی / صفحه ۸۸ و ۱۰۲ / چاپ مصر

۱۵. تاریخ مدینه دمشق / تالیف ابن عساکر / جلد ۲ / صفحه ۳۵۷ / چاپ

۱۶. ترجمه الامام علیّ ابن ابیطالب من تاریخ دمشق / جلد ۲ / صفحه ۴۰۹ / چاپ بیروت

۱۷. الفصول المهمّه / تالیف ابن صباغ مالکی / صفحه ۱۰۸ و ۱۲۳

۱۸. فتح القدير / تالیف شوکانی / جلد ۲ / صفحه ۵۳

۱۹. التّهسیل / تالیف کلبی / جلد ۱ / صفحه ۱۸۱

۲۰. تفسیر کشف / تالیف جار الله زمخشری / جلد ۱ / صفحه ۶۴۹ / چاپ ۴ جلدی مصر ، افست نشر البلاغه

جریان عبداللّه بن سلام

عبداللّه بن سلام از دانشمندان یهودی بود که با تنی چند از دیگر یهودیان، مسلمان شده بود. یک روز او و یارانش نزدیک نماز ظهر به حضور پیامبر رسیدند و با آن حضرت به گفتگو نشستند. آنها به پیامبر گفتند:

فاصله خانه های ما از مدینه دور است، و ما در میان

ص: ۹۰

یهودیان، بی سرپرست و بی پناهم. آنها از اینکه ما مسلمان شده ایم و شما را تصدیق کرده ایم، ناراحت هستند و با ما دشمنی می ورزند، و سوگند یاد کرده اند که با ما قطع رابطه کنند. اکنون به وجود شما پشت گرمیم، و به زیارت شما دلخوشیم. اما نمی دانیم پس از شما چه کنیم؟ حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) در زمان حیاتش، یوشع بن نون را به عنوان جانشین خویش معرفی کرد، تا مردم بدانند پس از او به چه کسی مراجعه کنند و به وجود چه فردی دلگرم باشند.

اکنون شما چه کسی را به عنوان جانشین پس از خود معرفی می فرمایید؟ در این هنگام، امین وحی جبرئیل بر پیامبر فرود آمد و عرض کرد:

سرپرست و ولی شما تنها خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که نماز بر پا می دارند و در حال رکوع صدقه می دهند.

این پاسخ برای عبد الله و همراهان او واضح و روشن نبود.

چه کسانی بر پا دارنده نمازند؟ چه کسانی در حال رکوع زکات

هم می پردازند، تا ولی و سرپرست ما پس از پیامبر باشند؟ اینجاست که پیامبر باید مصداق روشنی را از این کلام بیان فرماید. از طرفی وقت ادای فریضه ظهر فرا رسیده بود. پیامبر از جا برخاست و همراه با عبدالله و یارانش به سمت مسجد آمدند.

از آن سو در مسجد هم حادثه مهمی رخ داده بود. حضرت علی علیه السلام پیش از شروع نماز ظهر، مشغول خواندن نماز نافله بود، که فقیری به مسجد آمد، و از کسانی که در مسجد بودند تقاضای کمک کرد. هیچکس حاجت او را برآورده نساخت. ناگاه متوجه شد فردی در حال رکوع نماز با دست اشاره می کند. شتابان به سوی او رفت و تقاضای خود را تکرار کرد. علی علیه السلام در همان حال رکوع، انگشتری خود را که هزار دینار ارزش داشت، از انگشت خویش بیرون آورد و به آن مرد فقیر بخشید. آن انگشتر را پیش تر، نجاشی پادشاه حبشه به پیامبر هدیه داده بود و پیامبر هم آن را به علی علیه السلام

بخشیده بود. وقتی پیامبر و همراهانش به مسجد رسیدند مرد فقیر را دیدند که با خوشحالی بسیار در حال خروج از مسجد است.

پیامبر از او پرسید: آیا کسی چیزی به تو بخشیده است؟

مرد فقیر عرض کرد: آری یا رسول الله آن مرد که در حال نماز است این انگشتر را به من بخشید.

آنگاه پیامبر آیه ای را که لحظاتی پیش بر او نازل شده بود، و از این حادثه خبر می داد، بر عبدالله بن سلام و همه مسلمانانی که در مسجد حاضر بودند، تلاوت فرمود.

و سپس افزود: «علی بن ابیطالب ولئیکم بعدی» یعنی پس از من علی بن ابیطالب ولی شماست.

پس از آن عبد الله و همراهانش که مطلوب خود را یافته بودند، به ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام شهادت دادند.

آنگاه امین وحی بار دیگر بر پیامبر نازل گشت و بشارتی برای مؤمنان به ارمغان آورد که:

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ .

دانشمندان پیرو مکتب خلفا ضمن اشاره به ماجرای عبد الله بن سلام در کتب معتبر خود، (تفسیر فخر رازی ذیل آیه ولایت).

نقل دیگری از ابوذر، صحابی رسول خدا نیز آورده اند. او نیز پس از بیان داستان انگشتی،

می گوید: پیامبر دست به دعا برداشت و عرض کرد:

خداوندا ، برادرم موسی علیه السلام از تو اینچنین درخواست نمود که:

«قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صِدْرِي ، وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي ، وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي ، وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ أَهْلِي ، هَارُونَ أَخِي ، اُشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ، وَ اَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي »

پروردگارا، سینه ام بگشای، و کارم را آسان گردان، و گره از زبانم باز کن تا سخنم را دریابند، و برای من وزیری از خاندانم تعیین فرما، هارون برادرم را برای این کار قرار ده، تا پشتم به او

گرم و استوار باشد، و در کارم وی را شریک گردان، آنگاه به او وحی کردی که ما بازوانت را به برادرت نیرومند می سازیم و برایتان قدرتی قرار می دهیم تا با شما برابری نکنند.

پروردگارا اینک من محمد پیامبر تو و حبیب تو هستم. تو نیز سینه ام را بگشای و کارم را آسان گردان و «علی» از خاندان مرا وزیر من قرار ده تا پشتم به او استوار گردد.

ابوذر می گوید: از پس این دعا بود که جبرئیل از سوی خداوند نازل شد و گفت:

ای محمد بخوان **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...**

تفسیر فخر رازی ذیل یه ولایت

## ۵- سؤال از ولایت

وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ . صافات / ۲۴

« آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند .

ص: ۹۵

ابو سعید خدری از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل میکند که آنچه مورد سؤال خواهد بود ولایت علی بن ابیطالب است شواهد التنزیل جلد ۱ ص ۱۰۷ صواعق المحرقة ص ۸۹.

در کتاب ینابیع الموده از ثمامه بن عبدالله بن انس از پدرش از جدش از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اذا کان یوم القیامه و نصب الصّراط علی جهنّم لم یجز علیه الا- من کان معه جواز فیه ولایه علی بن ابیطالب و ذالک قوله تعالی و قفوههم انّهم مسئولون عن ولایه علی. (دلائق الصدق ج ۲ ص ۱۵۱ بنقل از آن کتاب). وقتی که روز قیامت شد و پل صراط به روی جهنم نصب گردید هیچ کس از آن نمی گذرد، مگر کسی که با خود جوازی که در آن ولایت علی بن ابیطالب بوده باشد و اینست فرمایش خدایتعالی و قفوههم انّهم مسئولون .

باز در ینابیع الموده از حموینی باسندش از علی از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اذا نصب الصراط لم یجز عنه أحد الا من کانت معه برائه بولایه علی بن ابی طالب (دلائق الصدق ج ۲



زمانی که پل صراط نصب گردید از آن احدی عبور نمی کند مگر کسی که با او جواز برائتی به ولایت علی بن ابی طالب بوده باشد.

(برای اطلاع از مشروح این روایت به آدرس فوق مراجعه نمائید).

الصواعق المحرقة می گوید: چهارمین آیه که در شأن علی بن ابیطالب نازل شد آیه «وَقَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مَسْئُولُونَ» است، می گوید:

دیلمی از ابن سعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را خواند و فرمود: مسئول از ولایت علی علیه السلام هستند، آنگاه می گوید: مقصود واحدی هم که در تفسیر این آیه گفته: روایت شده که مورد سؤال، ولایت علی و اهل بیت علیهم السلام هستند، همین روایت است چون خدای تعالی به پیغمبر خود می فرماید: تا به خلق اعلام کند:

که در برابر تبلیغ رسالت به غیر از مودت اقربای او مزدی نمی

خواهد و معنای این آیه است که ایشان را می پرسند آیا اهل بیت پیغمبر را آنطور که می بایستی دوست داشتید یا نه؟ و آنطور که رسول خداصلی الله علیه و آله درباره شان سفارش کرده بود عمل کردید یا خیر، بلکه در عوض حق آنان را ضایع نموده از احقاقش مضایقه نمودید؟!.

## ۶- آیه هدایت

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ ، إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ . رعد ۷-

کافران می گویند چرا نشانه ای آشکار - که به چشم سر بینیم - بر او فرود نمی آید؟ (ای پیامبر به آنان بگو): که من فقط بیم دهنده هستم و هر گروهی، هدایت کننده ای دارد.

کافران برای آنکه پیامبر را تکذیب کنند، به بهانه های گوناگون می کوشیدند دعوت او را به خداشناسی بی ثمر

سازند. از جمله آنکه تقاضاهای عجیب و غریبی از پیامبر می کردند. مثلاً انتظار داشتند فرشته ای از آسمان فرود آید و نامه ای آسمانی به پیامبر دهد، به طوری که آنان با چشمهای ناپاک خود حقایق آن را ببینند و بخوانند، و بارها از اینگونه خواسته ها ابراز کرده بودند. اما خداوند در آیاتی چند، این تقاضاهای فریبکارانه را ردّ کرد و به پیامبر فرمود:

تو فقط باید به آنان تذکر دهی و ایشان را از آخرت بیم دهی و وظیفه ای بیش از این در قبال خواسته های آنان نداری.

بعد از تو هم، هر قوم و گروهی برای خود راهنما و هدایتگری دارد و راه تو را ادامه می دهد.

و از این رو است که علی علیه السلام فرمود:

رَسُولَ اللَّهِ الْمُنْدِرُ وَ أَنَا الْهَادِي. المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۳۹. پیامبر همان بیم دهنده است و من هدایت کننده.

زیرا او دیده بود رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی دست بر سینه خود گذارد و فرمود:

ص: ۹۹

أنا المُنذِرِ یعنی من بیم دهنده هستم آنگاه دست بر شانه علی نهاد و فرمود:

أَنْتَ الْهَادِي يَا عَلِيُّ، بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ مِنْ بَعْدِي. تفسیر کبیر فخر رازی ذیل یہ ۷ سوره رعد. ای علی تویی هادی امت، و به تو راه یافتگان پس از من هدایت می یابند.

در مورد آیه انما انت منذر و لكل قوم هاد سوره رعد آیه ۷.

از طریق اهل سنت هفت حدیث نقل شده است که مقصود از منذر پیغمبر صلی الله علیه و آله و از هادی علی علیه السلام میباشد از جمله مالکی در فصول المهمه مینویسد که چون آیه مزبور نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: انا المنذر و علی الهادی و بک یا علی یهتدی المهتدون. یعنی من انذار کننده ام و علی هدایت کننده و بوسیله تو یا علی هدایت یافتگان هدایت می یابند (فصول المهمه ص ۱۲۲).

ص: ۱۰۰

## ۷- آیه سجده نکردن به اصنام

وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ اٰمِنًا وَّ اجْنُبْنِي وَّ بَنِيَّ اَنْ نَّعْبُدَ الْاَصْنَامَ سوره ابراهيم آيه ۳۵.

زمانیکه ابراهیم (بدرگاه خدای تعالی دعا کرد) و گفت پروردگارا این شهر را (مکه) محل امن قرار بده و من و فرزندانم را از بت پرستی دور گردان.

ابن مغزلی و شافعی بسند خود از عبد الله بن مسعود نقل میکنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دعای ابراهیم که عرض کرد پروردگارا من و فرزندانم را از بت پرستی دور گردان بمن و علی منتهی شد که هیچیک از ما هرگز به بت سجده نکردیم در نتیجه خداوند مرا نبی و علی را وصی قرار داد (مناقب ابن مغزلی ص ۲۷۶).

## ۸- آیه سؤال از نعمت

ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ سوره تکوین آیه ۸.

ص: ۱۰۱

آنگاه در آنروز از نعمتها پرسیده شوند.

ابو نعیم و حاکم حسکانی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده اند که فرمود مقصود از نعیم در این آیه ولایتامیر المؤمنین و ما هستیم که از آن پرسیده خواهد شد غایه المرام باب ۴۸ شواهد التنزیل جلد ۲ ص ۳۶۸.

### ۹- آیه اولی الامر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا. نساء / ۵۹

ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا اطاعت کنید و نیز از رسول و صاحبان امر (دین) خود اطاعت ورزید. پس اگر در چیزی نزاع کردید، (داوری) آن را به خدا و رسول و انهدید، (البته) اگر به خدا و جهان آخرت ایمان دارید. این (کار برای شما) بهتر است و سرانجام نیکوتری دارد.

ص: ۱۰۲

شیخ سلیمان بلخی و دیگران نوشته اند که این آیه در باره امیر المؤمنین نازل شده و منظور از اولی الامر ائمه علیهم السلام از اهل بیت اند. ینابیع الموده ص ۱۱۴ شواهد التنزیل جلد ۱ ص ۱۴۹ غایه المرام باب ۵۸.

مثلاً «حاکم حسکانی» حنفی نیشابوری (مفسر معروف اهل سنت) در ذیل این آیه پنج حدیث نقل کرده که در همه آنها عنوان «اولی الامر» بر علی علیه السلام تطبیق شده است.

شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۸ تا ۱۵۱.

در تفسیر «البحر المحیط» نوشته «ابو حیان اندلسی مغربی» در میان اقوالی که درباره «اولی الامر» نقل کرده از مقاتل و میمون و کلبی (سه نفر از مفسران) نقل می کند که منظور از آن، ائمه اهل بیت علیهم السلام هستند. بحر المحیط، ج ۳، ص ۲۷۸.

«ابوبکر بن مؤمن شیرازی» از علمای اهل سنت (در رساله «اعتقاد» از ابن عباس نقل می کند که آیه فوق درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است. احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۲۵.

ص: ۱۰۳

گفتنی است که اولوالامر همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله می بایست از هر گونه خطا و اشتباهی مصون باشند. چرا که خداوند مردم را به پیروی و اطاعت از ایشان امر کرده است، و در جایی دیگر پیروی از فرد گنهکار و خطاکار را نهی نموده است. امر به انجام چیزی و نهی از همان چیز هیچگاه با یکدیگر جمع نمی شود. بنابراین فرمان خداوند مبنی بر اطاعت از اولوالامر حاکی از عصمت آنهاست. در غیر اینصورت، اطاعت از آنها سبب گمراهی پیروان می گردد و امر هدایت مختل می شود. که البته خداوند هیچگاه مردم را به اطاعت از فردی خطاکار و غیر معصوم که در حقیقت پیروی از شیطان است. فرمان نمی دهد.

فخر رازی مفسر بزرگ اهل سنت در تفسیر خود به همین مطلب نیز اشاره نموده است. در برخی دیگر از منابع معتبر پیروان مکتب خلفا از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که مراد از اولوالامر در این آیه تنها امیر مؤمنان علیه السلام



و امامان از فرزندان او می باشند. ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۴۲ تا ص ۳۵۱-فرائد السمطین ج ۱ ص ۳۴۱ حدیث ۲۵۰.

بیان تعابیر کلی از طرف خدا (اولو الامر، اذن واعیه، خیر البریه، الذین آمنوا الذین ...) و سپس تعیین مصداق آن توسط پیامبر، این مهم را می فهماند که برای درک معانی و تعیین مصدق آیات قرآن، تنها ظاهر آنها کافی نیست، بلکه وجود مبین و مفسری همچون پیامبر و یا فردی هم سنخ او را می طلبد.

از سوی دیگر در این آیه شریفه با سبک و سیاق واحد و عدم تکرار لفظ (اطیعوا)، اطاعت خدا و رسول و اولی الامر واجب شده است و از این جهت اولی الامر معصوم است (و الا دستور به اطاعت از آنها به نحو اطلاق معنی نداشت) همانطوریکه خدا و پیامبرش معصومند. و طبق آنچه در روایات آمده، معصومین منحصر در امامان شیعه اند.

غیر از این آیات که به صورت مختصر ذکر شد، آیات

ص: ۱۰۵

دیگری نظیر: آیه صادقین: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ توبه، ۱۱۹. در روایات بیان شده است که: منظور از صادقین حضرت علی علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشند. ینابیع الموده ص ۱۱۵ و شواهد التنزیل ج ۱ ص ۲۶۲)

اهل سنت هر رئیس و زعیمی را که نسبت بمسلمین ریاست داشته باشد را، اولو الامر گویند و اطاعت او را بموجب این آیه واجب میدانند ولی این قول بهیچوجه صحیح نمیشد زیرا در اینصورت باید اطاعت معاویه و یزید و عبد الملک و متوکل عباسی و تیمور لنگ و چنگیز خان و امثال آنها که ستمگر و فاسق بودند بر مردم واجب باشد در صورتیکه آیات دیگری هست که خداوند از اطاعت چنین اشخاصی نهی فرموده است چنانکه فرماید: وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرِكِينَ ، الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ سوره شعراء آیه ۱۵۱ ۱۵۲.

امر اسراف کنندگان را که در روی زمین فساد نموده و

ص: ۱۰۶

اصلاح نمی کنند اطاعت نکنید.

بنا بر این اطاعت آن اولوا الامری واجب است که پاک و معصوم بوده و دستورات وی همان اوامر و نواهی خدا و پیغمبر باشد و چنین کسانی جز علی علیه السلام و یازده فرزندش که جانشینان پیغمبر اکرم اند کس دیگری نمی تواند باشد چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: انا و علی و الحسن و الحسین و تسعه من ولد الحسین مطهرون معصومون (ینابیع الموده ص ۴۴۵). یعنی من و علی و حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین پاک و معصوم هستیم.

### ۱۰ آیه جبل المتین

و اعتصموا بجبل الله جميعا سورة آل عمران آیه ۱۰۳.

و همگی بریسمان خدا چنگک زنید.

صاحب کتاب مناقب الفاخره از عبد الله بن عباس روایت

ص: ۱۰۷

کرده است که ما در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم عربی آمد و عرض کرد یا رسول الله شنیدم که می فرمودی:

اعتصموا بحبل الله حبل خدا کدام است که باو تمسک جوئیم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله دست خود را بر دست علی علیه السلام زد و فرمود: باین شخص تمسک جوئید که این حبل المتین است. (کفایه الخصام ص ۳۴۳).

## ۱۱- آیه مباحله

جالب ترین آیه ای که خود بزرگان اهل سنت، آن را قوی ترین و با فضیلت ترین و مهمترین آیه در حق امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و حسنین علیهما السلام می دانند، آیه مباحله است:

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ . فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا

ص: ۱۰۸

جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ . آل عمران / ۶۱-۶۰

گروهی از نصارای نجران در مدینه خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده و در باره موضوعات متفرقه و خلقت حضرت عیسی علیه السلام از آنجناب مطالبی پرسیدند و چون در مباحثه راه مغالطه می پیمودند آیه فوق (مباهله) نازل شد

بدینطریق رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنها را بمباهله دعوت فرمود و فردای آنروز (روز ۲۴ ذی الحجه سال نهم هجرت) نصارا با علمای خود بیرون آمده و اسقف نصارا بدانها گفت:

اگر محمد صلی الله علیه و آله با نزدیکان و اقوامش بیاید مباهله نکنید (زیرا اگر او بر حق نباشد نزدیکانش را در معرض نفرین و بلا نمی آورد) و اگر با اصحاب و مسلمین بیاید مباهله کنید در آنحال پیغمبر اکرم با علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام حاضر شد اسقف پرسید اینها کیستند؟ گفتند: آن جوان پسر عم و

ص: ۱۰۹

داماد اوست و آن زن یگانه دختر مورد علاقه اوست و آندو کودک هم نواده های او هستند. اسقف گفت بخدا سوگند من چهره هائی می بینم که اگر از خدا بخواهند کوهها را از جا میکند خویست از مباحله خود داری کنید و با او مصالحه نمائید لذا گفتند یا ابا القاسم ما مباحله نمی کنیم و حاضر بمصالحه هستیم حضرت نیز پذیرفت.

زمخشری می گوید:

و فيه دليل لا شئ أقوى منه على فضل أصحاب الكساء عليهم السلام. در آن دلیل است که قوی تر از آن در فضیلت اصحاب کساء علیهم السلام (پنج تن آل عبا) نیست.

الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل للزمخشری، ج ۱، ص ۴۳۴

در کتاب صحیح مسلم - که عزیزان اهل سنت معتقدند صحیح مسلم و صحیح بخاری، صحیح ترین کتب بعد از قرآن هستند و تمام روایات این کتب را قبول دارند آمده است:

و لما نزلت هذه الآية، فقل: تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ ، دعا

ص: ۱۱۰

رسول الله صلى الله عليه و سلم عليا و فاطمه و حسنا و حسينا، فقال: اللهم هؤلاء أهلي.

وقتی آیه مباحله نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و سلم، علی و فاطمه و حسن و حسین را صدا کرد و گفت: خدایا! اینها اهل بیت من هستند.

صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰، حدیث ۶۳۷۳-مسند احمد، ج ۱، ص ۱۸۵ - مستدرک الصحیحین للحاکم النیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۰

ابن کثیر دمشقی سلفی - که هوای وهابیت دارد و وهابی ها، تفسیر ابن کثیر را در حدّ صحیح بخاری و صحیح مسلم قبول دارند در تفسیر خودش از جابر بن عبد الله انصاری نقل می کند:

أنفسنا: رسول الله صلى الله عليه و سلم و علی بن أبي طالب،

و أبناءنا: الحسن و الحسين، و نساءنا: فاطمه.

مراد از أنفسنا، رسول الله صلى الله عليه و سلم و علی بن أبي طالب هستند و مراد از أبناءنا، حسن و حسین هستند و مراد از

ص: ۱۱۱

نساءنا، فاطمه است.

تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۷۹، چاپ انتشارات دار المعرفه بیروت - الدر المنثور للسيوطی، ج ۲، ص ۳۹ - فتح القدير للشوكاني، ج ۱، ص ۳۴۸

خداوند در این آیه، علی بن ابی طالب علیه السلام را نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده است. یعنی دیگر نمی شود بالاتر از این درباره امیرالمؤمنین علیه السلام سخن گفت که امیرالمؤمنین علیه السلام جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نازل منزله نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

ابن ابی الحدید و ابن مغزلی و دیگران نوشته اند که منظور از ابناثنا حسنین و مقصود از نساءنا فاطمه و منظور از أنفسنا علی علیه السلام میباشد مناقب ابن مغزلی ص ۲۶۳ کفایه الخصام ص ۳۰۹ فصول المهمه ص ۸.

بنا بر این در این آیه خداوند حضرت امیر را از شدت اتحاد نفسانی با پیغمبر (البته بطور مجاز) نفس پیغمبر خوانده است.

بر اساس این آیه شریفه، حضرت علی علیه السلام نفس،

ص: ۱۱۲



یعنی جان پیامبر معرفی شده است. همچنین بر اساس روایات، همراهان پیامبر در جریان مباحثه، به عنوان اهل بیت ایشان شناخته می شوند.

اکنون به روایت زیر از کتاب صحیح مسلم توجه فرمایید:

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ...».

دَعَا رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا فَقَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي. صحیح مسلم کتاب الفضائل باب فضائل علی بن ابیطالب.

مستدرک ۳/۱۶۳، تفسیر کشاف، تفسیر طبری، تفسیر فخر رازی.

وقتی این آیه نازل شد، پیامبر علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند و فرمود: بار الها، اینان اهل بیت من هستند.

در جریان ابلاغ براءت پس از آنکه ابو بکر براه افتاد و قدری راه رفت جبرئیل نازل شد و ضمن ابلاغ سلام خداوند به پیغمبر صلی الله علیه و آله عرض کرد خداوند فرماید: لا- یؤدبها عنک الا أنت أو رجل منک. یعنی کسی از جانب تو اداء رسالت ننماید مگر خودت یا مردی که از خودت باشد. تفسیر الدر المنثور

ص: ۱۱۳

در این قضیه مانند آیه مباحله، علی علیه السلام را خود رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار می دهد.

بکار رفتن لفظ جمع نسائا و أنفسنا در آیه با اینکه مصداق هر کدام یک نفر بیش نیست، و همچنین آمدن لفظ أبنائا در آیه و مصداق آن که تنها دو نفرند، هیچکدام با یکدیگر منافات ندارد، چرا که اینگونه سخن گفتن حتی در زبان فارسی نیز رایج است. مثلاً معلم در بیان قانون کلی می گوید: آنها که نمره بیست گرفته اند، جایزه دارند. در حالی که تنها یک نفر نمره بیست گرفته است. یا برای ادای احترام و بزرگداشت، الفاظ را بصورت جمع بکار می برند.

مرحوم علامه امینی در کتاب «الغدیر» جلد سوم صفحه ۱۶۳ به نقل از دانشمندان پیرو مکتب خلفا، بیست آیه از قرآن را جمع آوری نموده که تمامی آنها با لفظ جمع بکار رفته اند، در حالیکه تنها یک نفر مورد نظر بوده است.

نکته دیگر: آنکه وقتی اطاعت و پیروی از شخص پیامبر لازم و واجب باشد، مسلماً اطاعت و پیروی از نفس و جان او یعنی علی علیه السلام نیز واجب و لازم است. و از آنجا که نفس و جان مایه حیات و دوام زندگی آدمی است، این تشبیه به ما می فهماند آن کسی که باعث دوام نبوت و حیات نبوی است، وجود مقدس امیرمؤمنان علی علیه السلام می باشد.

توجه: آیاتی که در باره ولایت و فضائل علی علیه السلام نازل شده خیلی بیش از اینهاست و ما برای نمونه ۱۱ آیه از آنها را فقط در باره ولایت بعنوان نمونه آوردیم ولی آیات و روایات ولایت و فضایل و مناقب و اوصاف آنحضرت، خیلی بیشتر ازینهاست، مانند آیات یوم الدار، تطهیر، برائت، مودت، خیرالبریه، شاهد، اصطفاء، لیله البریه، و من عنده علم الکتاب و.و. که هر یک ازین آیات به مقام ملکوتی آن امام مظلومان، صراحت دارد.

قبلاً به تعداد آیات نازله در باره مولای مؤمنان علی علیه

السلام از مفسرین و محدثین اشاره کردیم. چنانکه گنجی شافعی و ثعلبی بسند خود از ابن عباس نقل کرده اند که نزلت فی علی بن ابی طالب اکثر من ثلاثائه آیه کفایه الطالب ص ۲۳۱ صواعق محرقه ص ۷۶ ینایع الموده ص ۱۲۶.

برای اطلاع بیشتر می توانید به تفسیر پیام قرآن، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، جلد ۹ (امامت و ولایت در قرآن مجید، صفحه ۱۷۷ به بعد) مراجعه فرمایید.

استیعاب ج دوم ص ۴۳۶ می گوید: معاویه همواره مسائلی که برایش پیش می آمد می نوشت و از علی علیه السلامی پرسید و چون شنید که آن جناب را کشتند گفت: فقه و علم با مرگ پسر ابوطالب مُرد؛ برادرش عتبه به او گفت: اهل شام این حرف را از تو نشنوند، گفت: ول کن.

اکنون باید از آقایان (اهل سنت) پرسید با وجود اینهمه آیات که دلالت بر ولایت و برتری علی علیه السلام دارد و خود شما در صورت مراجعه بکتاب معتبره تان صحت این مطلب

ص: ۱۱۶

را خواهید پذیرفت چگونه ابو بکر را بجای علی علیه السلام خلیفه میدانید آیا سخن و عقیده شما در این مورد موضوع کوسه و ریش پهن نیست؟

در خاتمه این فصل از تذکر این مطلب ناگزیرم که ممکن است بنظر بعضی چنین برسد که خداوند چرا صریحا نام علی علیه السلام را در قرآن نیاورده که او جانشین پیغمبر است تا مسلمین دچار اختلافات نشوند؟ پاسخ این اشکال یا اعتراض اینست که اولاً: موضوع ولایت علی علیه السلام مورد آزمایش است و بایستی مردم بوسیله آن آزمایش شوند چنانکه از جمله آیاتی که مؤید این مطلب است آیه شریفه *أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ* سوره عنکبوت آیه ۱.

آیا مردم چنین پندارند که با گفتن اینکه ایمان آوردیم رها کرده شوند و آنان آزمایش نخواهند شد؟

که بنا بنقل علماء و مفسرین عامه و خاصه ولایت علی علیه السلام است که مورد آزمایش مسلمین قرار گرفته است شواهد

ثانیا: بفرض اینکه نام علی علیه السلام نیز در قرآن ذکر میشد باز گروهی از مردم از روی حب جاه و طمع دنیوی با آن مخالفت میکردند همچنانکه با برخی از آیات قرآن مخالفت نمودند.

ثالثا: قرآن کریم شامل احکام کلی است و جزئیات آن بوسیله پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله توضیح داده شده است و اصل ولایت و امامت هم چنانکه گذشت در چندین آیه با قرائن روشن گفته شده و نبی اکرم نیز طبق بیاناتی مضمون و مفاد آنها را که بر علی علیه السلام تطبیق میکرد، به مردم ابلاغ نموده است و این مطلب را علماء و مفسرین اهل سنت نیز قبول دارند ولی عملا با آن مخالفت میکنند.

رابعا: برای حفظ قرآن از تحریف و دستخوردگی و حفظ اعتبار آن که اگر نام علی علیه السلام به صراحت در آیه ای ذکر می شد، آنان که آن همه فضائل را با گوش خود و درایتاً و روبرو

از زبان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَنِيْدَه بُوْدَنْد، زِيْر پَا كُذَاشْتَنْد وَ اُوْرَا خَاْنَه نَشِيْن كَرْدَنْد، يَقِيْنًا بَلَا شَبِيْهَه، پَس از رَحْلَت رَسُوْلِ خُدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا هَنْكَاْم جَمْع اَوْرِي قُرْآن دَر زَمَانِ عَثْمَان، نَام اَنْ حَضْرَت رَا، حَذْف مِي كَرْدَنْد، اِكْر بَاوَر نَدَارِيْد بَه عَنوَان نَمُوْنَه از عِبْداللهِ بِنِ مَسْعُوْد، صَحَابِي بَزْرَك رَسُوْلِ اَكْرَمِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَه رُوَايْتِ خُوْدِ اَهْلِ تَسَنُّنِ دَر بَاْرَه آيَه تَبْلِيْغِ مِي كُوِيْد:

كُنَّا نَقْرَأُ عَلٰى عَهْدِ رَسُوْلِ اللهِ « يَا أَيُّهَا الرَّسُوْلُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - اَنْ عَلِيًّا مَوْلٰى الْمُؤْمِنِيْنَ - وَ اِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللهُ يَعْصِيْ مَكَّ مِنَ النَّاسِ » مَا دَر زَمَانِ رَسُوْلِ خُدا آيَه رَا اِيْنَكُوْنَه مِي خُوَانَدِيْم . يَا أَيُّهَا الرَّسُوْلُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - اَنْ عَلِيًّا مَوْلٰى الْمُؤْمِنِيْنَ ...

..» وَ حَالًا چَكُوْنَه مِي خُوَانِيْم.

علی علیه السلام

در مدح تو ای مظهر اضداد چه گویم

والاست مقام تو و گفتار قصیر است

با این که تویی پادشاه عالم هستی

کرباس تو را جامه و فرش تو حصیر است

درباره عظمت و فضائل و مقامات امیرمؤمنان علیعلیه السلام سخن گفتن هرچند در ابتدا سهل می نماید ولی با مقداری فرورفتن در بحر فضائل بی شمار او انسان متوجه می شود که بیان فضائل او سخت مشکل و دشوار و بیرون از نیروی ماست.

حضرت آیت الله العظمی بهجت قدس سره در بین سخنان



خویش به مناسبت های گوناگون به ذکر فضائل امیرالمومنین علی علیه السلام می پرداختند. ایشان تأکید داشتند که برای بیان فضائل و اثبات حقانیت علی علیه السلام، چه بسا نیازی به کتاب های شیعه نباشد؛ چراکه کتاب های اهل سنت پر است از این مطالب، که هر دو گروه را کفایت و برای اهل سنت الزام آور است.

واقعاً این طور است برای شخص منصف و با وجدان، در این مورد جای شک و تردید باقی نمی ماند، در خود صحاح سته و مسندها و کتاب های معتبر، آنچنان روایات ولایت و فضائل حضرت علی علیه السلام را نقل کرده اند که دریایی از آن نهفته است و احتیاج به غواص ماهری دارد که از این دریا بهره لازم را ببرد.

محمد بن ادريس شافعی (رئیس مذهب شافعی، از مذاهب چهارگانه مکتب خلفاست. او به سال ۱۵۰ ه.ق در شهر غزه در فلسطین متولد شده و به سال ۲۰۴ ه.ق در قاهره وفات یافته است).

در مدح و ستایش امیر مؤمنان علی علیه السلامی گوید:

قیل لی:

قُلْ فِي عَلِيٍّ مَدْحًا ذِكْرُهُ يُخَمِّدُ نَارًا مُؤَصَّدَةً

قُلْتُ لَا أَقْدِمُ فِي مَدْحِ امْرِئٍ ضَلَّ ذُو اللَّبِّ إِلَىٰ أَنْ عَبَدَهُ

وَ النَّبِيُّ الْمُصْطَفَىٰ قَالَ لَنَا لَيْلَةُ الْمِعْرَاجِ لَمَّا صَعَدَهُ

وَضَعَّ اللَّهُ بِظَهْرِي يَدَهُ فَأَحَسَّ الْقَلْبُ مِمَّا بَرَدَهُ

وَ عَلِيٌّ وَاضِعٌ أَقْدَامُهُ فِي مَحَلِّ وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ

به من گفتند: درباره علی ستایشی بسرای\*\* که یاد آن آتش سوزان را خاموش نماید.

گفتم: در ستایش مردی اقدام نمی کنم! که صاحبان عقل، درباره اش به حیرت افتادند و او را پرستیدند!

پیامبر برگزیده به ما فرمود\*\* شب معراج که او را به آسمان بالا بردند،

خداوند دست خویش را بر پشت من نهاد.\*\* از شیرینی آن قلب (پر آشوب و سوزان) من خنک شد (و آرام گرفت).

و علی (در ماجرای شکستن بت های کعبه) پای خود را همانجائی

گذاشت (که خداوند در شب معراج) دست خود را آنجا نهاده بود.

جریان بت شکنی آن حضرت، پس از فتح مکه، شهره آفاق و در کتاب های فریقین، متواترا آمده است که نیازی به آوردن آنها نیست. (مسند احمد حنبل ۱/۱۸۳).

بر کسی پوشیده نیست که بعد از وفات نبی صلی الله علیه و آله در جریان سیاسی سقیفه بنی ساعده راه خلفای ثلاثه و راه علی علیه السلام جدا شد. برخی با برنامه ریزی قبلی علیه السلام را کنار گذاشتند و مسیری را که به دست رسول خدا تعیین شده بود، نگرفتند و آن را ادامه دادند. اگر در این مورد، ادله و وجدان، قاضی و داور باشد نه تعصب و اغراض و دواعی دیگر، خلافت علی علیه السلام بعد از رسول خدا برای همه مسلم بود. در این صورت متخلف از آن مصداق «لاتدری ما احدثوا بعدک» خواهد شد.

در روایت فریقین آمده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من مات ولم يعرف امام زمانه، فقد مات میتة جاهلیة»

ص: ۱۲۳

هرکس بمیرد و امام خود را شناسد دقیقاً با مرگ جاهلیت مرده است.

حال برای اطلاع از امام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله به تعدادی از روایات برادران اهل سنت که در کتاب های معتبرشان، آمده و تعداد زیاد از آنها در تفسیر آیات گذشت و مضافاً بر آن روایات بعدی را (که مشت نمونه ای از خروار است) را با دقت کامل، مورد توجه قرار دهید.

ولایت و امامت علی (علیه السلام)

روایاتی که بر امامت بلافضل آن مولا در منابع اهل سنت وجود دارد بیش از آن است که منعکس گردد و از طرفی حدیث معروف ثقلین، حدیث منزلت، حدیث یوم الدار، حدیث غدیر و ليله المبيت و مباہله و امثال آن که معروف و متواترند بارها مطرح شده و در منابع فراوانی آمده است

ص: ۱۲۴

بدینجهت در اینجا متعرض نمی شویم.

آنچه در این جا می آوریم، با اینکه آنها نیز تقریباً متواترند قسمتی از روایاتی است که به ولایت و امامت و زعامت آن حضرت، دلالت صریحتری دارند و در گفته ها و نوشته ها، به آن ها اشاره شده است و هر کدام در منابع زیاد اهل سنت آمده و من فقط بعضی از آنها را برای نمونه آورده ام.

### ۱- علی جانشین و وارث من است

از ابن بریده... نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ وَ وَارِثٌ وَ اِنَّ عَلِيًّا وَصِيٌّ وَ وَارِثِي»؛ برای هر پیغمبری جانشین و وارثی است، و براستی علی جانشین و وارث من است. المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۳۱۹، حدیث ۳۲۲ «

ص: ۱۲۵

## ۲- انگشتر به دست راست کن

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به علیعلیه السلام فرمود: انگشتر به دست راست کن تا از مقربین باشی، عرض کرد یا رسول الله؟ چه انگشتری بر دست کنم. فرمود: عقیق سرخ پس برستی آن کوه و سنگی است که به وحدانیت خدا «ولی بالنبوّه ولک بالوصیّه ولولدک بالامامه...»؛ و به نبوت من و ولایت اولادت، اقرار کرده است. المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۸۵، حدیث ۸۴.

## ۳- شما را شاهد می گیرم

در روایت مربوط به عبادت آن حضرت این جمله را داریم که خداوند به ملائکه اش فرمود: «أشهدکم أنه امام خلقی و مولی بریتی»؛ شما را شاهد می گیرم که او (علی) امام مخلوقم و سرپرست آفریده های من است. ابن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه،

ص: ۱۲۶

#### ۴- توبعد از من رهبر و سرپرست تمام مؤمنین

هستی

عمر بن میمون از ابن عباس نقل نموده که رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: أنت ولی کل مؤمن بعدی؛ یا علی! توبعد از من رهبر و سرپرست تمام مؤمنین هستی. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، بیروت، دارالمعرفه، ج ۳، ص ۱۲۴، ینابیع الموده، سلیمان قندوزی، باب ۲۰، ص ۱۰۳، تاریخ الخلفاء سیوطی، باب فضائل علی علیه السلام، ص ۱۷۳.

در این حدیث با توجه به کلمه «بعدی» معنای ولی صراحت در رهبری و امامت دارد، و معنی ندارد که پیامبر بفرماید تو محبوب مؤمنان بعد از من هستی.

راستی باید گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در معرفی علی علیه السلام و بیان منزلت ها و مقامات امیرمؤمنان علیه السلام

ص: ۱۲۷

هرگز کوتاهی نکرد و با شیوه های مختلف محوریت و رهبریت او را به جامعه معرفی نمود، گاه دست او را بالا برد و فرمود:

این علی مولا و رهبر مردم است»

## ۵- علی با قرآن است

و گاه می فرمود: «علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یفترقا...؛ علی با قرآن است و قرآن با علی علیه السلام است و هرگز آن دو از هم جدا نمی شوند. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، بیروت، دارالمعرفه، ج ۳، ص ۱۲۴، فرائد السمطین، همان، ج ۱، ص ۴۳۹، ینایع الموده، همان، باب ۲۰، ص ۱۰۴، هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۵.

## ۶- او را محور حق معرفی نمود

گاه او را محور حق معرفی نمود، در حدیث متواتر این جمله آمده است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «علی

ص: ۱۲۸



مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض یوم القیامه؛ المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۱۰۵، حدیث ۱۰۸ علی با حق است و حق با علی است و هرگز آن دو از هم جدا نمی شوند تا روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»

#### ۷- جدا کننده بین حق و باطل است.

در روایت دیگر فرمود: سیکون من بعدی فتنه، فاذا کان ذلک، فالزموا علی بن ابی طالب، فأنه الفاروق بین الحقّ و الباطل؛ بزودی بعد از من فتنه(ها) پیدا می شود، پس همراه علی بن ابی طالب باشید، زیرا او(معیار) جدا کننده بین حق و باطل است. المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۱۰۵، حدیث ۱۰۹

و فرمود: کسی که از علی جدا شود از من جدا شده، و کسی

ص: ۱۲۹

که از من جدا شود از خدا فاصله گرفته است. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۲۲۱، شماره ۳۲۷۵؛ ینایع الموده، همان، باب ۴۲، ص ۱۴۸؛ تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۲، ص ۴۳۱.

#### ۸- خلافت علی علیه السلام

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است به علی علیه السلام فرمود: «لَا يَتَّبِعُنِي أَنْ أَدْهَبَ إِلَّا وَ أَنْتَ خَلِيفَتِي... أَنْتَ وَ لِي فِي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؛ روا نیست که من از دنیا بروم و تو جانشین من نباشی... تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن بعد از من هستی؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۱؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۳؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۰؛ السنن الكبرى، ج ۱، ص ۱۱۳.

#### ۹- عدم قبول ایمان جز با قبول ولایت او

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: .... و لا يقبل الله إيمان عبد

ص: ۱۳۰

إلا- بولايته و البراءه من أعدائه؛ و خداوند متعال ایمان بنده ای را قبول نمی کند، مگر اینکه ولایت او (حضرت علی علیه السلام) را داشته باشد و از دشمنان او بیزار باشد. (نام کتاب ولایت شرط قبولی اعمال از این احادیث، برداشته شده است).

کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱؛ أمالی شیخ صدوق، ص ۱۳۸؛ ارشادالقلوب، ج ۲، ص ۲۰۹، مئه منقبه، ص ۱۷۶؛ روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۱۴؛ کشف الیقین، ص ۴؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۱۲؛ بناء المقالة الفاطمیه، ص ۳۶۹؛ تأویل الآیات، ص ۸۴۴ و..).

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: ... النظر الی وجه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عبادہ و ذکرہ عبادہ و لا یقبل الله ایمان عبد الا بولايته والبرائه من أعدائه». نگاه کردن به چهره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عبادت، و یاد او عبادت است. و ایمان کسی جز با قبول ولایت و بیزاری جستن از دشمنان او پذیرفته نمی شود. (مناقب خوارزمی، ۱۹ و ۲۱۲؛ کفایه الطالب، گنجی شافعی، ۲۱۴).

ص: ۱۳۱

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده خدای عزوجل در شب معراج فرمود: یا محمد؛ لو أن عبداً من عبادي عبدني حتى ينقطع أو يصير كالشن البالي ثم أتاني جاحداً لولايتكم ما غفرت له أو يقرّ بولايتكم. ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم، مرا آن چنان عبادت کند که بمیرد یا همچون مشک خشک گردد سپس نزد من آید در حالی که ولایت شما را انکار کند او را نمی بخشم یا به ولایت شما اقرار نماید.

مناقب ابن مغازلی شافعی: ۲۹۷ ح ۲۴۰). الشهب الثاقب، ص ۶۶؛ الجواهر السنیه، ص ۳۱۲؛ الاربعین شیخ ماحوذی، ص ۲۱۲. الغیبه، ص ۹۵؛ مأه منقبه ۱۷، ص ۳۸؛ الاربعون حدیثاً، منتجب الدین بن بابویه، ص ۴؛ الطرائف، ص ۱۷۳؛ شیخ البطحاء ابوطالب (علیه السلام)، ص ۳۱؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص

۱۴۳؛ غایه المرام، ج ۷، ص ۷۸؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۶۵؛ شرح احقاق الحق، ج ۵، ص ۴۶؛ بحار، ج ۳۶، ص ۲۱۶؛ الزام  
الناصب، ج ۱، ص ۱۶۳؛ مدینه المعاجز، ج ۲، ص ۳۱۲، ح ۵۷۵؛

## ۱۱- بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید

علمای اهل سنت نقل کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی! اگر کسی به اندازه عمر (حضرت) نوح  
خدا را عبادت کند، و به اندازه کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق نماید و به اندازه ای عمرش طولانی باشد که  
بتواند هزار بار پیاده به حج برود، آنگاه در (مکه) بین صفا و مروه مظلومانه کشته شود،... ثم لم یوالیک یا علی لم یشم رائحه  
الجنة ولم یدخلها ولی، ولایت تو را «ای علی!» نداشته باشد، بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید و هرگز وارد بهشت نخواهد  
شد. (مناقب، خطیب خوارزمی، مقتل الحسین (علیه السلام)، خوارزمی،

ص: ۱۳۳

و روایات فراوان دیگر که با کمترین مراجعه به مصادر و منابع حدیثی و روایی ، مسئله مانند آفتاب درخشان روشن می شود.

## ۱۲- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبر اکرم (ص)

(

عن سفیان الثوری، قال: حدثنی أبو عبد الله جعفر بن محمد قال: قال النبی (صلی الله علیه و آله): أنه ليله اسرى بی إلى الله تعالی عرجت سماءا سماءا، و حاوزت الكرویین و الملائكة الصافین و جاوزت موضعا لم ينته إليه جبرئیل (علیه السلام)، وبلغت طوبی و سدره المنتهی فأوحى إلى ربی ما أوحى. فقالت لی حمله العرش: بم بعثت یا محمد؟. فقلت: بولایتی وولایه أخی علی بن أبی طالب.

نوادر المعجزات، محمد بن جریر، ص ۷۱، ح ۳۴.

شبی که مرا به سوی پروردگار (معراج) بردند، آسمان به

ص: ۱۳۴

آسمان بالا بردند و از مقام های فرشتگان کرویین و صافین گذشتم و از مقام جبرئیل بالاتر و به سدره المنهی رسیدم، پس حمله عرش الهی به من گفتند: ای محمد! برای چه مبعوث شدی؟ گفتم: به ولایت خودم و ولایت برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام.

### ۱۳- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبران

ما رواه أبو نعیم الحافظ: تفسیر قوله تعالی: وَ سِئَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا (زخرف: ۴۵)؛ أن النبی (صلی الله علیه و آله) ليله أسرى به إلى السماء جمع الله بينه و بين الأنبياء ثم قال له: سلهم يا محمد؛ علی ما ذا بعثتم؟ فقالوا: بعثنا علی شهادة أن لا إله إلا الله، و الإقرار بنبوتك، و الولاية لعلی بن أبی طالب (ع). شب معراج خداوند متعال تمام پیامبران را جمع کرد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای محمد! از اینان سؤال کن برای

چه شما به پیامبری مبعوث شدید؟ پس تمام پیامبران گفتند:

مبعوث شده ایم که شهادت دهیم هیچ خدایی جز الله نیست و اینکه اقرار کنیم بر نبوت تو و ولایت حضرت علی علیه السلام.

شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۳، ح ۸۵۵؛ العمده، ص ۳۵۳، ح ۶۸۰؛ خصائص الوحي المبين، ص ۱۷۰، ح ۱۱۶؛ الطرائف، ص ۱۰۱، ح ۱۴۷؛ تأویل الآيات الظاهره، ص ۵۴۶؛ نهج الحق، ص ۱۸۳؛ بحار، ج ۳۶، ص ۱۵۵؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۴۶، ح ۶۹۲؛ تفسیر اثنی عشری، ج ۱۱، ص ۴۷۸؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۸۱؛ تفسیر منهج الصادقین، ج ۸، ص ۲۴۹؛ الزام الناصب فی اثبات الحجج الغائب، ج ۱، ص ۲۰۷؛ طرائف المقال، ج ۲، ص ۲۹۹؛ الامام علی (علیه السلام)، احمد رحمانی همدانی، ص ۷۳، ح ۱۹.

ای محمد! من تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهما السلام را از سنخ نور خود خلق کردم و ولایت شما را بر اهل آسمان و زمین عرضه کردم. پس هر کس ولایت شما را قبول کند نزد من از مؤمنین خواهد بود و هر کس منکر ولایت شما شود نزد من از کافرین خواهد بود.

ص: ۱۳۶



وقتی مسلمانان برای جنگ (تبوک) با رومیان آماده حرکت شدند، پیامبر حضرت علی را در مدینہ باقی گذارد و فرمود:  
یا علی! مدینہ در این شرایط جز با وجود من یا تو سامان نمی پذیرد. دشمن منتظر است با خروج من از مدینہ، بہ شہر حملہ کند. و من ہم بہ فرمان خدا باید بہ تبوک بروم. اما اگر تو در مدینہ بمانی کسی جرأت حملہ بہ مدینہ را نخواهد داشت.  
منافقان-ہمان دشمنان علی-شایعہ پراکندند، کہ چون علی از ہمراہی با پیامبر در جنگ با رومیان سرپیچی کردہ است، پیامبر بناچار برای حفظ آبرو، او را در مدینہ گذاردہ است.

حضرت علی پس از شنیدن این شایعہ، فوری سلاح

برگرفت، لباس رزم پوشید و خود را به اردوگاه پیامبر رسانید.

خدمت حضرت شرفیاب شد و عرض کرد:

ای رسول خدا، دشمن شایع کرده است که شما بخاطر سرپیچی من از رفتن به جنگ، مرا در مدینه با کودکان و پیرمردان و بیماران باقی گذارده اید. اینک من به لشکر پیوسته ام و منتظر فرمان شما هستم.

پیامبر وقتی سخن علی را شنید فرمود: مدینه جز با وجود من یا تو سامان نمی پذیرد، و آنگاه افزود:

اما تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لِأَنْبِي بَعْدِي؟ آیا راضی نیستی که منزلت تو نزد من همانند هارون به موسی باشد، جز آنکه پس از من پیامبری نخواهد بود. (سنن ترمذی ۵/۶۳۸، صحیح بخاری ۱۴/۲۴۵). برای آگاهی بیشتر به کتاب «المراجعات» تألیف سید شرف الدین، تحقیق شده توسط شیخ حسین راضی صفحه ۳۷۶ مراجعه کنید).

حضرت علی هم در پاسخ رسول خدا عرض کرد: راضی و

ص: ۱۳۸

خشنود شدم .

و این کلام را سه بار تکرار نمود. سپس به مدینه بازگشت تا مأموریت خویش را به انجام رساند.

روایت مشهور و مورد قبول فریقین.

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛ تو نسبت به من به منزله هارون به موسی هستی، تنها با این تفاوت که بعد از من پیامبری نخواهد بود». صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰ و ۱۲۱؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۰۲؛ مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۳۳۷؛ ج ۳، ص ۱۰۹.

این ماجرا به «حدیث منزلت» شهرت یافته است. پیامبر حدیث منزلت را در مواقع دیگری غیر از تبوک نیز گفته است

بنا بر این، علی علیه السلام تا زمانی که زنده باشد، واجد مقام خلافت و جانشینی پیامبر است چه در غیبت کوتاه پیامبر مانند جنگ تبوک، و چه در غیبت دائمی ایشان پس از رحلت.

ص: ۱۳۹

وقتی که حضرت علی برای جنگ با اصحاب جمل عازم بصره بود، پیش از حرکت به نزد جناب امّ سلمه، همسر گرامی رسول خدا آمد تا از او خداحافظی کند.

جناب امّ سلمه گفت:

در حفظ و پناه خداوند حرکت کن، که سوگند به خدا، تو بر حق هستی و حق همیشه با توست. اگر نبود فرمان خدا و رسولش که به ما -همسران پیامبر- فرموده اند تا خانه نشینی اختیار کنیم، همراه تو حرکت می کردم. اما عزیزترین و بهترین کسانم را که از جانم بیشتر دوستش دارم -یعنی پسرم را -همراه تو می فرستم تا در رکاب تو بجنگد. المستدرک علی الصحیحین ۳/۱۲۹.

امّ سلمه خوب می دانست که چه می گوید. او آنچه را که

ص: ۱۴۰

گفت از پیش خود نگفت. او هم مانند بسیاری از مردم شنیده بود که پیامبر می فرمود:

رَحِمَ اللهُ عَلِيًّا، اللَّهُمَّ اِدْرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ.

خدا علی را مورد رحمت خویش قرار دهد. بار الها حق را هر طور که علی گردید، همراه با او بگردان. المستدرک علی الصحیحین ۳/۱۳۵- سنن ترمذی ۵/۶۳۳.

یعنی هر کجا که علی است، حق هم آن جاست.

## ۱۶- علی با قرآن و قرآن با علی علیه السلام

ابو ثابت، غلام ابوذر می گوید:

در جنگ جمل من در لشکر علی بودم. وقتی عایشه، همسر پیامبر را دیدم که در صف مقابل، رو در روی علی به جنگ برخاسته است، مثل عده دیگری از مردم، تردید و

ص: ۱۴۱

دودلی ذهن مرا به خود مشغول داشت. تا ظهر در این تردید باقی ماندم. هنگام ظهر تردید از دلم رخت بریست و بر حقانیت علی یقین کردم و در رکاب او جنگیدم. پس از پایان جنگ به مدینه آمدم و به حضور یکی دیگر از همسران پیامبر - ام سلمه - شتافتم، و به آن بانو عرض کردم:

نیامده ام که از شما درخواستی داشته باشم. من غلام ابوذر هستم و از جنگ جمل می آیم.

آن بانو به من خوش آمد گفت و من هم گزارش حضور خود در جبهه جنگ جمل را بیان کردم.

او به من فرمود: آن هنگام که دلها به تردید افتادند تو کجا بودی؟

من ماجرای دودلی خود را تا هنگام ظهر و سپس جنگیدن در رکاب علی را برایش تعریف کردم.

جناب ام سلمه، پس از شنیدن داستان من، فرمود: آفرین بر تو که از یاری علی دست نکشیدی. من از پیامبر شنیدم که می

فرمود: عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. علی همیشه همراه قرآن است، و قرآن هم با علی است، و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا آنکه در کنار حوض کوثر بر من فرود آیند. المستدرک علی الصحیحین ۳/۱۳۴.

## ۱۷- علم علی (علیه السلام)

علم و دانش علی اکتسابی نیست تا استاد برتر از خود و شاگردان و هم دوره هایی همسان خود داشته باشد، بلکه علم او «لدنی» است و و ریشه در علم الهی و آسمانی دارد، به این جهت علم او بر همه انسان های معمولی و غیر مرتبط با وحی آسمانی برتری و امتیاز دارد، و به همین جهت است که حتی در منابع اهل سنت نیز از او به عنوان «أعلم الناس» یاد شده است که به نمونه هایی اشاره می شود:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: أعلم امتی من بعدی

ص: ۱۴۳

علی بن ابی طالب علیه السلام؛ داناترین امت من بعد از من علی بن ابی طالب علیه السلام، است.

المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۸۲، حدیث ۶۷. فرائد السمطين، جوينی، ج ۱، ص ۹۷، کفایه الطالب، الکرخی ص ۳۳۲.

۲- عبدالله بن مسعود می گوید، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «قُسِّمَتِ الْحِكْمَةُ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ فَأَعْطِيَ عَلِيٌّ تِسْعَهُ وَ النَّاسَ جِزْءًا وَاحِدًا؛ حکمت (و دانش) به ده جزء تقسیم شده است و به علی نه قسمت آن و به (مابقی مردم) یکدهم داده شده است. المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۸۲، حدیث ۶۸. و حلیه الاولیاء، ابی نعیم، ج ۱، ص ۶۴.

تمامی علوم بشری و پیشرفت های آن جزء همان یکدهم است، و علم علی علیه السلام، نه برابر دانش تمامی بشریت است. و راز آن هم این است که ریشه در مهبط وحی الهی یعنی پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله دارد، که خود فرمود: «انا مدینه

ص: ۱۴۴



العلم و علیّ بابها، فمن أراد العلم فإت الباب؛ من شهر علم (الهی و وحیانی) هستم و علی در آن است پس هر کس اراده دانش دارد باید از درب (شهر) وارد شود. المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۹۱، حدیث ۸۴. و انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۲۴.

۳- عایشه درباره علیعلیه السلام، می گوید: «هو أعلم الناس بالسنه؛ او داناترین مردم نسبت به سنت (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد. کنز العمال، همان، ج ۱۱، ص ۶۰۵، حدیث ۳۲۹۲۶. ای کاش خود عایشه به این حدیث عمل می کرد، و به توصیه های امیرمؤمنان علیه السلام توجه می کرد و جنگ جمل را به وجود نمی آورد.

۴- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از تزویج فاطمه به علیعلیه السلام، به دختر خود فرمود: «زوّجتک خیر أهلی، أعلمهم علماً و أفضلهم حلماً و أولهم سلماً؛ ترا تزویج کردم به بهترین بستگانم و اهلیم، که از نظر دانش داناترین، و از نظر حلم

ص: ۱۴۵

و بردباری برترین، و از نظر اسلام اوّلین می باشد.

المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۳۱۹، حدیث ۳۲۲.

از جاحظ که یکی از علمای عامه است، نقل شده که: فلان خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام را چهل مرتبه مطالعه کردم و در هر بار استفاده جدید کردم. قرآن هم این گونه است، که با مطالعه و تأمل و تدبّر در آیات آن انسان برداشت ها و استفاده هایی می کند که قبلاً نکرده بود.

احمد بن حنبل می نویسد: آیاتی که در شأن علی علیه السلام در قرآن نازل شده، درباره هیچ کدام از صحابه نازل نشده است.

### ۱۹- آیا بعد از شما ما چنین خواهیم شد؟

در کتاب الموطأ حدیثی آمده که مضمونش این است:

رسول خدا به شهدای احد گفت: بر اینها من شاهد هستم و

ص: ۱۴۶

شهادت می دهم، آن وقت ابوبکر گفت: یا رسول الله! آیا ما برادران آنها نیستیم، ما هم مثل آنها اسلام آوردیم و مثل آنها جهاد کرده ایم. حضرت فرمود: بله، لکن خبر ندارم که بعد از من چه چیزهایی را به وجود می آوری. با شنیدن این پیشگویی ابوبکر گریه کرد و بعد گفت: ائنا لکائنون بعدک؟ آیا بعد از شما ما چنین خواهیم شد؟ این حدیث را در کنار احادیث ارتداد و تعبیرات آن مانند «هل تدری ما احدثوا بعدک، لاتدری ما احدثوا بعدک، لاتعلم بما عملا بعدک و...» بگذاریم، نتیجه چه خواهد شد؟

امام انس بن مالک، کتاب الموطا، ج ۲، ص ۴۶۲، ابن الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیه، ج ۱۵، ص ۳۸.

## ۲۰- ریش تو با خضاب سرخ خواهد شد

در حدیثی آمده است رسول خدا فرمود: «یا علی تغدر بک

ص: ۱۴۷

بعدي الامه؛ يا علي، امت بعد از من با تو غدر مي کنند و تو بر ملت و دين من زندگي خواهی کرد و بر ستم كشته خواهی شد. هر كس تو را دوست بدارد دوست من است و هر كس تو را دشمن بدارد مرا هم دشمن داشته و ريش تو با خضاب سرخ خواهد شد. ابو عبدالله محدثين اسماعيل بخاری، التاريخ الكبير، ج ۲، ص ۱۷۴، محمد بن محمد حاكم نشابوري، المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۰، گوید: این حدیث صحیح است؛ ابی باکر احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۲۱۶؛ ابن عساکر، علی بن حسن ابن هبه الله بن عبدالله، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیري، بی جا، دارالفکر، ج ۴۲، ص ۴۲۸۴۲۷؛ حافظ شمس الدین ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۹۹۵؛ همان، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۳۷۱؛ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه، ج ۶، ص ۲۴۴؛ متقی هندی، نزالعمال، ج ۱۱، ص ۲۹۷، ح ۳۲۹۹۷۳۱۵۶۲.

## ۲۱- بامرگ جاهلیت مردگان

ص: ۱۴۸

احادیثی با عنوانهای: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» «من نزع یده من الطاعة... مات میتة جاهلیه» و...

در کتبی مانند مسند الطیالسی ۱۰۰. طیالسی، ابن ابی داوود، سنن ابی داود، ص ۲۵۹.

مسند احمد، ۱۰۱. امام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۱۰۲۹۷؛ ج ۲، ص ۱۵۴۷۰؛ ج ۳، ص ۴۴۶۴۴۵؛ ج ۴، ص ۹۶.

صحیح بخاری، ۱۰۲. ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، کتاب الفتن، ح ۷۰۵۴۷۰۵۳، ص ۵۸۹؛ ح ۷۱۴۳، ص ۵۹۵.

صحیح مسلم، ۱۰۳. مسلم بن حجاج سجستانی، ح ۴۷۹۳۴۷۸۶، ص ۱۰۱۰.

و سنن نسائی، ۱۰۴. عبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی، ح ۴۱۱۹، ص ۲۳۵۷.

یافت می شود. مضمون این احادیث انسان را ملزم به التزام به یک امام و یک مطاع می کند و در غیر این صورت موت او مانند موت به شرک و کفر است. اگر چنین است، کسانی که

ص: ۱۴۹

بعد از رسول خدا راه دیگری رفتند و از لحاظ افکار و عقاید، گفتار و کردار با علی علیه السلام به جنگ برخاستند و علم مخالفت و دشمنی را بلند کردند، مرگ آنها چگونه خواهد بود؟ در کنار همین احادیث دیگری هم یافت می شود.

از جمله: «من مات بیغضک مات میتة جاهلیه» «من ابغضک اماته الله میتة جاهلیه» «من مات وهو بیغضک یا علی مات میتة جاهلیه». ۱۰۵. احمد بن علی بن مثنی تمیمی، مسند ابی یعلی، الموصلی.

ج ۱، ص ۴۰۳؛ طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب، المعجم الاوسط، تحقیق ابراهیم حسینی، بی جا، دارالحرمین، ج ۸، ص ۴۰؛ همان، المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۳۲۱؛ موفق بن احمد بن محمد مکی خوارزمی، المناقب، ص ۱۰۵؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰۵.

## ۲۲- در فتنه ها علی را بگیرد

احادیثی با عنوان: «ستکون بعدی فتنه فاذا کان ذلک فالزموا علی بن ابی طالب...» علی بن ابی طالب را به عنوان راه نجات و

ص: ۱۵۰

نجات دهنده معرفی می کند ۱۰۶. موفق بن احمد مکی خوارزمی، المناقب، ص ۱۰۵؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۵۰؛ ابن الاثیر، اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۸۷؛ حافظ شمس الدین ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۷، ص ۲۹۴؛ همان، لسان المیزان، ج ۲، ص ۴۱۴؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۳۲۹۶۴، ص ۶۱۲.

### ۲۳- مودت علی واجب است

در کنار این احادیث و عناوین، در جای خود ثابت شده که مودت علی به عنوان اهل بیت واجب است.

محبت به علی واجب و بغض علی منهی عنه است. «علیُّ أحبُّ الخلائق عند الله» است. علی معیار حقیقت و حق است، علی مشمول آیه تطهیرست.

به اعتراف دانشمندان اهل سنت، در قضیه قتل عمار و خوارج، علی بر حق و حقیقت و نیز «أولی و أدنی الطائفتین

ص: ۱۵۱

بالحق الى الحق» بوده است.

روایتی از ابن عباس در شواهد التنزیل آمده است: قال: «من يتولى الله (يعنى يحب الله (ورسوله) يعنى محمداً) والذين آمنوا) يعنى ويحب على بن ابي طالب (فان حزب الله هم الغالبون) يعنى شيعه الله و شيعه محمد و على هم الغالبون على جميع العباد الظاهرون على المخالفين لهم.» شيعه مساوی با شيعه خدا و رسولش هستند که بر عباد مخالف پیروزند.

#### ۲۴- اظهار عمر بن خطاب در باره علی علیه السلام

الرياض النضره ج ۲/ ۴۱۲ از «عمر بن خطاب» روایت کرده است که رسول خدا صلّى الله عليه و آله فرمود:

هیچکسی به اندازه علی علیه السلام به کسب فضائل نائل نیامده است؛ فضائل آن حضرت به اندازه ای است که هر کسی

ص: ۱۵۲



به حقیقت آنها برسد، او را به راه راست هدایت می کند و از گمراهی رهائی می بخشد.

«طبرانی» هم، این روایت را نقل کرده است.

## ۲۵- دو وزنه سنگین

زید بن أرقم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اَنْی تَارِک فِیْکُمْ (الثَّقَلِین) مَا اِنْ تَمَسَّیْکُمْ بِه لَنْ تَضَلُّوا کِتَابَ اللّٰهِ وَ عَتْرَتِیْ اَهْلِ بَیْتِی، اَنْهَمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتّٰی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ. من در میان شما دو وزنه سنگین ترک می کنم، مادام که به آنها چنگ زده اید، گمراه نمی شونید، کتاب خدا (قرآن) و عترت و اهلیتیم، آنها از همدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر، بمن وارد شوند.

کمال الدین: ج ۱ ص ۲۷۳ ح ۵۴ ب ۲۲، عیون أخبار الرضا: ج ۲ ص ۶۲ ح ۲۵۹، العمده ص ۷۲ ب ۱۱ ح ۸۹ با زیادی «أحدهما أعظم من الآخر و

ص: ۱۵۳

هو كتاب الله جبل ممدود من السماء الى الارض» یکی از دیگری بزرگتر است و آن هم کتاب خداست، ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین است. صحیح الترمذی: ج ۵ ص ۶۶۳، جامع الاصول: ج ۱ ص ۹۴۵ و ۸۷۳ و مثله ۹۴۳، ینایع الموده ص ۲۸، أنساب الاشراف: ج ۱ ص ۳۱۵ ح ۴۶، مستدرک الحاکم: ج ۳ ص ۱۰۹، مناقی الخوارزمی: ص ۹۳ ب ۱۴، تاریخ دمشق: ج ۲ ص ۳۶ ح ۵۲، الخصائص أمير المؤمنين عليه السلام ص ۹۳، ذخائرالعقبی: ص ۱۶، ب فضائل اهل البيت.

## ۲۶-اعتراض مرد همدانی به عمروعاص

الامامه و السياسه ص ۳۹ نقل کرده است، گویند:

مردی از قبيله همدان به نام «برد» بر معاويه وارد شد، در این هنگام «عمرو بن عاص» از حضرت علی علیه السّلامنكوهش می کرد، مرد همدانی خطاب به او گفت: ای عمرو! از پیرمردان خودمان شنیده ام که رسول خدا صلّی الله علیه و آله

ص: ۱۵۴

فرموده است: «من كنت مولاه فعلي مولاه» و اضافه کرد: آیا این حدیث که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است، صحیح است یا باطل، درست است یا نادرست؟ «عمرو» گفت: این حدیث صحیح و درست است. و من برای تأیید درستی آن، اضافه می کنم که مناقب و فضائل هیچیک از صحابه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، به اندازه مناقب و فضایل علی علیه السلام نیست! مرد همدانی از شنیدن آن، شگفت زده و بیمناک شد.

## ۲۷- مانند کشتی نوح است،

از ابی ذر رحمه الله علیه از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اِنَّمَا مِثْلُ أَهْلِ بَيْتِي فَيَكُمُ كَمِثْلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مِنْ رُكْبَانِهَا نَجَى وَ مِنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مِثْلُ بَابِ حَطَّةٍ مِنْ دَخَلَهُ نَجَى وَ مِنْ لَمْ يَدْخُلْهُ هَلَكَ. همانا مثل اهل بیت من در میان شما مانند کشتی

ص: ۱۵۵

نوح است، هر کس سوار آن شود، نجات می یابد و هر کس دور بماند غرق شود و مانند درِ حطه است هر کس داخل آن شود نجات یافت و هر کس داخل نشد، به هلاکت رسید.

بشاره المصطفی: ص ۱۰۶، ذخائرالعقبی: ص ۲۰، أمالی الطوسی: ج ۱ ب ۱۲ ص ۳۵۹ بدون زیاده الاخیره، و اسناد فراوان دیگر از اهل سنت در باب روایات شیعه، خواهد آمد.

## ۲۸- اگر دریاها مرکب و جنگلها قلم شوند

ابن عباس می گوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لو انّ الفياض اقلام و البحر مداد و الجنّ حُساب و الانس کُتّابٌ ما أحصوا فضائل علی بن ابی طالب؛ اگر انبوه جنگلها (درختان و باغها) قلم، و دریا مرکب، و تمام جنیان حسابگر، و تمام انسان ها نویسنده باشند قادر به شمارش فضائل علی بن ابی طالب نخواهند بود این حدیث را منابع متعدد اهل سنت

ص: ۱۵۶

مانند، عسقلانی، لسان المیزان، ج ۵، ص ۶۲، ذهبی، میزان الاعتدال، ص ۴۶۷ و... نقل نموده است. المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۳۲، ابن شاذان، مأه منقبه، قم مدرسه الامام المهدي (عليه السلام)، ص ۱۷۷، حدیث ۹۹،

## ۲۹- فضائل بی‌شمار علی علیه السلام

و در جای دیگر پیامبر اعظم فرمود: «انَّ الله تعالى جعل لآخي عليّ فضائل لا تحصى كثره فمن ذكر فضيلته من فضائله مقرّابها غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ماتأخّر؛ براستی خداوند برای برادرم علی (علیه السلام) فضائل بی شماری قرار داده است که اگر کسی یکی از آن فضایل را از روی اعتقاد و اعتراف بیان نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می بخشد.

ص: ۱۵۷

علیه السلام

و من كتب فضيلاً من فضائله لم تزل الملائكة تستغفر له ما بقى لتلك الكتابه رسم، و من استمع فضيلاً من فضائله كفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالاستماع و من نظر الى كتاب من فضائله كفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالنظر، (۶)۶- المناقب، همان ص ۳۲، حدیث ۲؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۹، ینابیع الموده، قندوزی باب ۵۶، مناقب السبعون، حدیث ۷۰.

اگر کسی یکی از فضائل آن حضرت را بنویسد، تا هنگامی که آن نوشته باقی است، ملائکه برای او استغفار می کنند و اگر کسی یکی از فضائل آن حضرت را بشنود، خداوند همه گناهیانی را که از راه گوش انجام داده است می بخشد، و اگر کسی به نوشته ای درباره فضائل علی علیه السلام، نگاه کند، خداوند تمام گناهیانی که از راه چشم کرده است می پوشاند و از

ص: ۱۵۸

### ۳۱- تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است به علی علیه السلام فرمود: «لَا يَتَّبِعُنِي إِلَّا وَأَنْتَ خَلِيفَتِي... أَنْتَ وَلِيٌّ فِي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؛ روا نیست که من از دنیا بروم و تو جانشین من نباشی... تو سرپرست برگزیده من بر هر مؤمن بعد از من هستی»؛ ر.ک: مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۱؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۳؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۰؛ السنن الکبری، ج ۱، ص ۱۱۳.

### ۳۲- علی علیه السلام امیر و سر مؤمنان

از ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده که آن حضرت فرمود:

ما انزل آیه فیها «یا أئمة الذین آمنوا» و علی رأسها و امیرها؛

آیه ای در قرآن نازل نشده که در آن «یا ایها الذین آمنوا» آمده، مگر آن که علی در رأس آن قرار دارد. یعنی تمامی این آیات در ابتدا و قبل از همه در شأن علی و مربوط به آن حضرت است. المناقب، ص ۳۱۶، حدیث ۳۱۶؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۷۸).

### ۳۳- فضائل فراوان علی علیه السلام

حاکم نیشابوری از استوانه های علمی اهل سنت است در (مستدرک الصحیحین) نقل می کند از احمد بن حنبل رئیس حنبلی مذهب ها که می گوید:

ما جاء لأحد من أصحاب رسول الله صلى الله عليه و آله من الفضائل ما جاء لعلی بن أبی طالب رضی الله عنه. فضائلی که در حق علی بن أبی طالب آمده، در حق هیچ یک از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم نیامده است. (مستدرک الصحیحین للحاکم النیشابوری، ج ۳، ص ۱۰۷).

ص: ۱۶۰



ابن جوزی در مناقب احمد بن حنبل می گوید:

ما لأحد من الصحابه من الفضائل بالأسانيد الصحاح مثل ما لعلی رضی اللہ عنہ.

در باره هیچیک از صحابه، فضائلی که با سندهای صحیح در حق علی آمده، نیامده است.

(مناقب احمد بن حنبل، ص ۱۶۳- تهذیب التهذیب لابن حجر العسقلانی، ج ۷، ص ۲۹۸ ج الإصابه، ج ۴، ص ۴۶۴- شواهد التنزیل للحاکم الحسکانی، ج ۱، ص ۲۷- الإستیعاب لابن عبد البر، ج ۳، ص ۵۱/)

قبلاً گفتیم: بسیاری از علمای اهل سنت نقل کرده اند که یک چهارم قرآن در حق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است .

### ۳۴- حدیث طیر مشوی

روایت طیر مشوی: «اللهم! آتني بِأحب خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَا كُلُّ مَعِيَ مِنْ هَذَا الطيرِ فَجَاءَ عَلِيٌّ؛ خداوند، محبوب ترین اشخاص در نزد

ص: ۱۶۱

خود را حاضر کن تا این پرنده را همراه با من بخورد... ناگاه علی علیه السلام فرارسید». المعجم الكبير ابوالقاسم طبرانی: ج ۷ ص ۸۲ ح ۶۴۳۷، مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۳۰ و ۱۳۲؛ مجمع الزوائد هيثمی، ج ۹، ص ۱۲؟ و ۱۲؟؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۹؟ و ۱۹؟.

محمد بن حجاج از کسانی بود که بر اثر تبلیغاتی که بر ضد علی علیه السلام براه افتاده بود، مرتبت علی علیه السلام را کوچک می شمرد. او همراه با عده ای دیگر، به عیادت انس بن مالک آمده بود. انس خادم پیامبر بود و مورد احترام مردم. در آن مجلس، سخن از علی علیه السلام به میان آمد و محمد بن حجاج علی علیه السلام را کوچک شمرد. انس که این سخن را شنید، پرسید این کیست که قدر و منزلت علی علیه السلام را نمی شناسد؟ او را کنار من بنشانید. وقتی پسر حجاج را کنار او نشانند، انس گفت: به خدا سوگند، آنچه را که می گویم راست است.

یک روز که من در محضر پیامبر بودم، امّ ایمن خادمه آن

ص: ۱۶۲

حضرت، مرغی بریان آورد. پیامبر پرسید این را برای چه کسی آورده ای؟ ام ایمن عرض کرد: آن را برای شما فراهم کرده ام. پیامبر فرمود:

اللَّهُمَّ جِئْنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ وَ الَّتِي يَأْكُلُ مَعِيَ مِنْ هَذَا الطَّائِرِ.

بارها! محبوبترین خلق تو نزد خودت و نزد من را برسان تا با من از این مرغ بریان بخورد.

در این هنگام صدای کوفتن در برخاست. پیامبر به من فرمود: انس، بنگر چه کسی در می زند. من پیش خود گفتم:

خدایا کاش مردی از انصار آمده باشد. وقتی در را گشودم، علی را دیدم، راستش دلم نمی خواست علی آن کسی باشد که پیامبر فرموده بود، برای همین، به علی گفتم: پیامبر مشغول کاری است و از ملاقات معذور است. این را گفتم که علی داخل خانه نشود. وقتی برگشتم، دوباره در زدند. این بار هم با خود گفتم: کاش مردی از انصار باشد. اما وقتی در را گشودم با تعجب، علی را دیدم. باز عذر او را خواستم و برگشتم. بار سوم

ص: ۱۶۳

که در را کوفتند، پیامبر به من فرمود: هر کس بود او را داخل کن، تو نخستین کسی نیستی که به قوم خود علاقمند است، او از انصار نیست، او را داخل کن.

من هم رفتم و در را گشودم. علی بود و داخل شد و به دعوت پیامبر بر سر سفره نشست و همراه آن حضرت از آن مرغ بریان خورد و مشمول دعای پیامبر شد.

محمد بن حجاج که این را شنید، گفت: ای انس به راستی تو خود حاضر بودی و دیدی که چنین ماجرای رخ داد؟

انس گفت: آری من خود شاهد این ماجرا بودم.

پسر حجاج گفت: با خدای خویش عهد می بندم که از این پس، هرگز مرتبت و منزلت علی را کوچک شمارم و هر کس که قدر و مرتبت او را نداند، علی را به او می شناسانم. (المستدرک علی الصحیحین ۳/۱۴۳).

البته حدیث طبر مشوی از اشخاص زیاد نقل شده مانند خود امیر مؤمنان علیه السلام، انس بن مالک، عبدالله بن عباس،

ابوسعید خدری، سفینه خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله، سعد بن ابی وقاص، عمرو بن عاص ابوالطفیل عامری بن واثله و یعلی بن مره از اصحاب و در کتابهای زیاد بزرگان اهل سنت ثبت گردیده است.

### ۳۵- محبت و علاقه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی (ع)

هر کس جامع کمالات باشد محبوب دلها نیز هست، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خود محبوب عالمیان و خوبان و پاکان است، عاشق شیدای علی است، چرا که به تصریح آیه مباحله، علی جان پیامبر است «أنفسنا» و جان هر کس شیرین و دوست داشتنی است.

به همین جهت بارها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود:

«من أحبَّ عليًّا فقد أحبَّني...؛ هر کس علی را دوست بدارد به من محبت ورزیده است.»

ص: ۱۶۵

کنز العمال، متقی هندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ج ۱۱، ص ۶۲۲، حدیث ۳۳۰۲۴. باز همان، روایت ۳۳۰۲۳.

و فرمود: «محبک محبّی و مبغضک مبغضی؛ دوستدار تو دوست من، و دشمن تو دشمن من است.

کنز العمال، متقی هندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ج ۱۱، ص ۶۲۲، حدیث ۳۳۰۲۳.

شخصی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: «یا رسول الله انک تحبّ علیاً؟ قال: أو ما علمت انّ علیاً منّی و أنا منه؛ ای رسول خدا علیعلیه السلام را دوست می داری؟ فرمود: مگر نمی دانی که علی از من و من از اویم.

المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۶۴.

آیا کسی جان شیرین و پاره تنش را دوست نمی دارد؟

مناقب با اسنادش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمود: «انّ الله عزّ و جلّ أمرنی بحبّ أربعه من

ص: ۱۶۶

أصحابی و أخبرنی أنه یحبهم. قلنا: یا رسول الله من هم؟ فکلنا یحب أن یكون منهم، فقال: ألا ان علیاً منهم ثم سکت، ثم قال: الا- أن علیاً منهم ثم سکت؛ براستی خدای عزیز و جلیل مرا امر کرده است به دوستی چهارنفر از اصحاب، و خبر داد مرا که خداوند(نیز) آنها را دوست می دارد، گفتم: ای رسول خدا آنها کیستند؟ پس هر یکی از ماها دوست داریم جزو آنان باشیم. پس فرمود: آگاه باشید علی از آنهاست، سپس سکوت کرد، دوباره فرمود: به راستی علی از آنهاست و سکوت کرد.»

المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۶۹، حدیث ۴۲.

### ۳۶- اطاعت از علی(علیه السلام)

وقتی علی علیه السلام امام و پیشوای مردم است و محبوب پیغمبر، و دارای علم لدنی و الهی، و در اوج طاعت و بندگی قرار دارد، و معیار حق و باطل و ثقل جدا نشدنی از قرآن

ص: ۱۶۷

بحساب می آید بر مردم است که از او و هر کس را که او تعیین نموده است اطاعت کنند، و این اطاعت لازم و ضروری است پیامبر عظیم الشان درباره اطاعت و پیروی از امیرمؤمنان تعبیرات فوق العاده ارزشمندی دارد که به نمونه هایی اشاره می شود:

### ۳۷- براستی او مولا و سرپرست شماست

سلمان با سندش به فاطمه زهرا علیهاالسلام نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «علیکم بعلی بن ابی طالب علیه السلام فانه مولاکم فاحبوه، و کبیرکم فاتبعوه، و عالمکم فاکرموه، و قائدکم الی الجنّه (فعرزوه) و اذا دعاکم فاجیبوه و اذا امرکم فاطیعوه، احبوه بحبی و اکرموه بکرامتی، ماقلت لکم فی علیّ الا ما امرنی به ربی جلّت عظمته؛ بر شما باد به (همراهی) علی بن ابی طالب علیه السلام، براستی او مولا و سرپرست شماست پس او را دوست بدارید، و بزرگ شماست پس از او

ص: ۱۶۸



پیروی کنید و دانشمند شماست پس از او اکرام کنید و پیشوای شما به سوی بهشت است پس او را عزیز دارید، هرگاه شما را (به کاری) دعوت کند اجابت کنید، و اگر دستور داد اطاعت کنید، بخاطر دوستی من او را دوست بدارید و به خاطر بزرگی من او را بزرگ شمارید. (بدانید) من چیزی درباره علی به شما نگفتم جز آنچه خدای بزرگ عظمت به آن امر کرده است.

کنز العمال، متقی هندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ج ۱۱، ص ۶۲۴، حدیث ۳۲۹۷۱.

حدیث آن قدر گویا و روشن است که نیازی به هیچ توضیحی ندارد، و بالصراحه می گوید آنچه درباره علی علیه السلام سفارش شده، تماماً اوامری است که از سوی خداوند متعال صادر شده است راستی اگر جامعه اسلامی فقط به همین حدیث عمل می کردند، این همه دچار انحراف و اختلاف و انشعاب نمی شدند.

ص: ۱۶۹

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به عمار فرمود: «یا عمار! ان رأیت علیاً قد سلک وادياً و سلک الناس وادياً غیره فاسلک مع علی ودع الناس انه لن یدلک علی ردی و لن یرجک من الهدی؛ ای عمار! اگر دیدی علی به راهی می رود، و مردم به راهی غیر از او، تو با علی حرکت کن، و مردم (دیگر) را رها کن، زیرا علی (فقط بر حق هدایت می کند و) بر بدی و پستی راهنمایی نمی کند و از هدایت خارج نمی سازد.

تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۴، ص ۴۱۰، و ابونعیم، حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۸۶.

و با تأسف باید گفت اکثریت مردم به هر راهی رفتند و سرشان به سنگ خورد، جز راه علی را. و فقط گروه خیلی در طول تاریخ با علی و راه علی و اهداف و آرمان های علی ماندند.

ص: ۱۷۰

عایشه می گوید: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وآله به حالت احتضار در آمد فرمود: ادعوا الّی حبیبی؛ محبوب مرا بخوانید، من به سراغ ابی بکر رفتم و او را احضار نمودم. وقتی ابابکر بر پیغمبر داخل شد حضرت نظری به سوی او افکند سپس از او روی گردانید و (برای مرتبه دوم) فرمود: «ادعوا الّی حبیبی؛ محبوب مرا بخوانید. آنگاه حفصه عمر را احضار کرد پیغمبر همان گونه که از ابی بکر روی گردانید از عمر نیز روی گرداند. عایشه گوید: من گفتم وای بر شما پیغمبر علی بن ابی طالب علیه السلام را می خواند، سوگند به پروردگار جز علی را نمی خواهد. پس رفتند سراغ علی علیه السلام، وقتی که پیغمبر علی را دید، او را محکم به سینه چسبانید آنگاه در گوش آن حضرت هزار حدیث بیان فرمود که هر حدیثی راهگشای هزار

حدیث بود. (در نوشته های فراوان اهل سنت).

#### ۴۰- علی نسبت به من مانند سر است

از ابن عباس نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «علیّ منی مثل رأسی من بدنی؛ علی نسبت به من مانند سر است نسبت به بدن.» المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۱۴۴، حدیث ۱۶۷.

صد البته که محبت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی صرف محبت عاطفی نیست بلکه بر اساس لیاقت ها و کمالاتی است که مولا علی علیه السلام دارا می باشد دلیل آن این است که خدا را باید از راهی که او می گوید شناخت و دستورات او را به کار بست و مسئله امامت یکی از مسائل مهم اعتقادی است که تبعیت از آن تبعیت از خدا و رسولش می باشد و کسی که به خدا و رسول او اعتقاد دارد باید سخنان و دستورات آن ها را

ص: ۱۷۲

در زندگی خود اطاعت کند و پشت کردن به دستورات آن ها که یکی از آن ها امامت است در واقع عدم تبعیت از خدا و رسولش می باشد.

#### ۴۱- عبور از صراط با جواز ولایت

از مناقب ابن المغازلی با اسنادش از انس قال: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إذا كان يوم القيامة و نصب الصِّراطِ على شفير جهنم لم يجز عليه إلاّ- من معه كتاب ولایه علی بن أبی طالب علیه السلام. (العمدة: ص ۱۹۳، بحار ج ۲۷ ص ۱۳۱ ح ۱۴۸ از آن.

زمانی که روز قیامت شد و صراط روی جهنم نصب گردید بر آن نمی گذرد مگر آن کس که نوشته ای بر ولایت علی بن ابی طالب داشته باشد.

اگر طالب روایات و مدارک و اسناد بیشتر هستید به خود کتابهای برادران اهل سنت مراجعه نمایید.

ص: ۱۷۳

## چند روایت در باره دوستی آن حضرت

### ۱- ای علی، تو را جز مؤمن دوست نمی دارد

حدثنا ابوبکر بن ابی شبيه ناوكيع و ابو معاويه عن الاعمش و حدثنا يحيى بن يحيى و اللفظ له اخبرنا ابو معاويه عن الاعمش عن عدی بن ثابت عن زرّ (بن حبيش) قال: قال علي عليه السلام والذي خلق الحبه و برأ النسمة أنه لعهد النبي الامي (الي ان لا يحبنى الا مؤمن و لا يبغضني الا منافق. اي علي، تو را جز مؤمن دوست و جز منافق دشمن نمی دارد.

مسلم بن حجاج سجستاني، صحيح مسلم، كتاب الايمان، باب الدليل على ان جب انصار و على...، ح ۲۳۹، ص ۶۹۲؛ عبدالرحمن احمد بن شعيب نسائي، سنن نسائي، كتب الايمان، علامه الايمان، ش ح ۵۰۲۱، ص ۲۴۱۱؛ قزويني، امام

ص: ۱۷۴

حافظ ابی عبداللہ محمد بن یزید الربعی ابن ماجہ، سنن ابن ماجہ، تصحیح و ترتیب، شیخ صالح بن عبدالعزیز بن محمد بن ابراہیم آل الشیخ، الرياض، دارالسلام، چ ۳، ۱۴۲۱، السنہ فضائل اصحاب، فضل علی (علیہ السلام)، ح ۱۱۴، ص ۲۴۹۲.

## ۲- ترا دوست نمی دارد مگر مؤمن

أخبرنا يوسف بن عيسى... عن زرّبن حبیب قال: قال علی علیه السلام أنه لعهد النبی الامی الیّ أنه لا یحبّیک الا مؤمن و لا یبغضک الا منافق. محمد بن عیسی ترمذی، جامع ترمذی، المناقب، باب مناقب علی علیه السلام ح ۳۷۲۶، ص ۲۰۳۶.

علی علیه السلام فرمود: پیغمبر به من عهد نمود ترا دوست نمی دارد مگر مؤمن و دشمن نمی دارد مگر منافق.

این معنا با ادات حصر و استثنای بعد از نفی آورده شده که بیشترین تأکید را می رساند. حدیث انسانها را به دو قسمت

ص: ۱۷۵

تقسیم نموده و برای شناخت نفاق از ایمان و ایمان از نفاق، در زندگی انسان ها، حضرت علی علیه السلام را معیار معرفی کرده است. مؤمن واقعی حضرت علی علیه السلام را دوست می دارد و منافق واقعی حضرت علی علیه السلام را نه فقط دوست ندارد، بلکه دشمنی دارد.

### ۳- منافق علی را، دوست نمی دارد

حضرت علی علیه السلام را منافق دوست و مؤمن دشمن نمی دارد.

حدثنا واصل بن عبد الاعلی بن محمد بن فضیل عن عبدالرحمن ابی النصر عن المساور الحمیری، من امه قالت:

دخلت ام سلمه فسمعتها تقول: كان رسول الله يقول: «لا يحب علياً منافق ولا يبغضه مؤمن». به محضرام السلمه داخل شدم پس شنیدم او می گفت رسول خدا می فرمود: منافق علی را،

ص: ۱۷۶



دوست نمی دارد و مؤمن او را دشمن نمی دارد.

سنائی، امام حافظ ابی عبدالرحمن احمد بن شعیب، سنن سنائی، کتاب الایمان، علامه الایمان، ج ۵۰۲۵، ص ۲۴۱۱.

از حدیث استفاده می شود که گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله استمرار داشته و همواره می فرموده که منافق محب حضرت علی علیه السلام و مؤمن مبغض حضرت علی علیه السلام می شود.

#### ۴- معیار شناخت منافقین

ما گروه انصار منافقین را به بغض حضرت علی علیه السلام می شناسیم.

حدثنا قتيبة بن جعفر بن سليمان بن ابي هارون العبدی عن ابي سعيد الخدری، قال: انا كنا لنعرف المنافقين نحن معشر الانصار لبغضهم علی بن ابي طالب (عليه السلام). «گفت: ما گروه انصار، منافقین را با دشمن داشتن آنها، علی را، می شناختیم.

ص: ۱۷۷

## ۵- من با هرکس با شما بجنگد در جنگم

حدثنا سليمان بن عبد الجبار البغدادي حدثنا سباط بن نصر الهذلي عن السدي عن صحيح مولى ام سلمه عن زيد بن ارقم: ان الرسول (صلى الله عليه و آله) قال لعلی (علیه السلام) وفاطمه والحسن والحسين (علیه السلام): «أنا حرب لمن حاربكم وسلم لمن سالمكم. رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام فرمود: من با هرکس با شما بجنگد، در جنگم و تسلیم شود، تسلیمم.

محمد بن عیسیٰ ترمذی، سنن ترمذی، جامع ترمذی، المناقب باب ماجاء فی فضل فاطمه بنت محمد (صلى الله عليه و آله)، ح ۳۸۷۰، ص ۲۰۴۸؛ ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، السنه، فضائل الحسن والحسين (علیه السلام)، ص ۲۴۸۶.

روایت ذیل را زمخشری در تفسیر الکشاف و فخر رازی در تفسیرش و سایر علمای اهل سنت نقل کرده اند.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً لَهُ أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَكْمِلاً الْإِيمَانِ أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَكٌ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يَزْفُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تُزْفُ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صُفِّحَ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ أَوْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ أَوْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ

آيِسْ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ بِحَارِ  
الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ٢٣ ص ٢٣٣

هر کس با محبت آل محمد از دنیا برود شهید مرده.

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد آمرزیده است توجه کنید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد با توبه از دنیا  
رفته هر کس بر محبت آل محمد بمیرد با ایمان کامل از دنیا رفته و هر کس بر محبت آل محمد بمیرد ملک الموت باو  
بشارت بهشت میدهد بعد از او نکیر و منکر هر کس بر محبت آل محمد بمیرد چنان با جلال او را به بهشت میبرند مانند  
عروسی که بخانه شوهر میرود هر کس بر محبت آل محمد بمیرد دربی از قبرش به بهشت گشوده می شود. توجه کنید هر  
کس بر محبت آل محمد بمیرد خداوند قبر او را جایگاه زیارت ملائکه رحمت قرار میدهد هر کس بر محبت آل محمد بمیرد  
بر راه و روش پیامبر و جماعت مؤمنین مرده هر کس با کینه آل

ص: ١٨٠

محمد بمیرد روز قیامت که می آید بر پیشانی او نوشته است:

مأیوس از رحمت خداست. هر کس بر بغض آل محمد بمیرد کافر از دنیا رفته و هر کس بر بغض آل محمد بمیرد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

## ۷- محبت علی واجب است

جابر از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل کرده است که پیامبر فرمود: «جبرئیل از طرف خدای عزیز و جلیل ورقه سبزی از یاس را آورد که بر روی آن (با رنگ) سفید نوشته بود:

«انی افترضت محبته علی بن ابی طالب علی خلقی عامه، فبلغهم ذلک عنی؛ المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۷۷، حدیث ۵۹ برآستی من محبت علی را بر همه مردم واجب کردم و این را از طرف من (به همه) برسان. المناقب، ص ۶۷، روایت ۴۰؛ خوارزمی مقتل الحسین، ج ۱، ص ۶۹، ینایع الموده، همان

ص: ۱۸۱

ص ۲۵۲؛ و ج ۲، ص ۷۶؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۲۱۹؛ موده القربی، شافعی همدانی، چاپ لاهور؛ ص ۶۴؛ مناقب ابن مردویه، ص ۷۳.

نیمه شب زمزمه ای هست بلند که مرا می گسلد بند از بند  
هست جانسوزتر از ناله نی کرده صد ناله به یک زمزمه طی  
چه روان بخش صدایی دارد سوز عشق است و نوایی دارد  
بس که با شور و نوا دمساز است به سماوات طنین انداز است  
آسمان ها همه با آن عظمت رفته زین حال فرو در حیرت  
دشت و صحرا همه در بهت و سکوت که بلند است نوای ملکوت  
این نوای ابدیت ازلیست شاید آهنگ مناجات علیست  
نیمه شب خلوت و رازی دارد با خدا راز و نیازی دارد

المناقب، الموفق بن احمد الخوارزمی، قم، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، ص ۳۲۶، حدیث ۳۳۵

ص: ۱۸۲

اشاره

السلام

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم

راستی این شخصیت ملکوتی جهان آفرینش کیست که انسانها در شناخت او در مانده اند، عدّه ای او را تا سر حدّ خدایی بالا برده اند، و عدّه ای حتی در بندگی او شک دارند که:

در مسجد کوفه شهیدش کردند. گفتند مگر اهل نماز است علی؟!

و آن که او را حقیقتاً شناخت خدای او و رسول خدایش بود.

ص: ۱۸۳

## علی را کسی جز خدا و نبی (صلی الله علیه و آله) نشناختند

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خطاب به علی (علیه السلام) فرمود: «یا علی ما عرف الله حق معرفته غیری و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری؛ ای علی! خداوند متعال را نشناخت به حقیقت شناختش جز من و تو، و تو را نشناخت آن گونه که حق شناخت توست، جز خدا و من. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۶۸.

و در جای دیگر فرمود: «یا علی لایعرف الله تعالی الا أنا و انت و لایعرفنی الا الله و انت و لایعرفک الا الله و انا؛ ای علی! خدا را نشناخت جز من و تو، و مرا نشناخت جز خدا و تو و تو را نشناخت مگر خدا و من. محمد تقی مجلسی، روضه المتقین، ج ۱۳، ص ۲۷۳.

صاحب فضائل بی شمار پیامبری هم که علی را شناخته، اعتراف دارد که فضائل او قابل شماره و احصاء نیست، برای

ص: ۱۸۴



نمونه به چند مطلب بعدی توجه و دقت داشته باشیم، کسی که در این مراحل قدم می زند و با بساط (حدیث بساط) در آسمان قدم می زند و با انبیاء همدوش می گردد و به جبرئیل استادی می کند و. و. را فقط خدا می شناسد و رسولش و بس.

### (علی با انبیاء در باطن و با من در ظاهر)

بعث علی مع کل نبی سرّاً و بعث معی جهراً علی با تمامی انبیاء در باطن و با من در ظاهر برانگیخته شده است. کتاب «از مباهله تا عاشوراء» ص ۳۰۲ از شرح أسماء الحسنی: ملا هادی سبزواری ۱ / ۲۸ (شرح جوشن کبیر؛ الإمام علی: أحمد رحمانی همدانی ص ۸۶.

این روایت با تعبیرهای گوناگون آمده است که به بعضی از آنها اشاره می شود.

عن النبی صلی الله علیه و آله إنه قال لعلی علیه السلام یا علی إن الله تعالی قال یا محمد بعثت علیاً مع الأنبیاء باطناً و معک ظاهراً پیغمبر

ص: ۱۸۵

فرمود: ای علی خداوند گفت: ای محمد من علی را با پیامبران در باطن فرستادم و با تو در ظاهر. (أنوار النعمانیة جزائری: ج ۱ / ۳۰؛ الإمام علی: ص ۸۶ از همان مصدر) وقال صلی الله علیه و آله ما من نبی الاّ و بعث معه علیّ باطناً و معی ظاهراً نبود پیغمبری مگر اینکه علی در باطن و با من در ظاهر بود (المجلی ابن ابی جمهور: ص ۳۶۸؛ الإمام علی: ص ۸۶). قال جبرئیل علیه السلام للنبی صلی الله علیه و آله إنّ الله بعث علیّاً مع الأنبياء باطناً و بعثه معک ظاهراً جبرئیل به پیغمبر گفت: همانا، خداوند علی را با انبیاء در باطن و با تو در ظاهر برانگیخته کرد (قصص الأنبياء جزائری ص ۱۰۵ بنقل از کتاب «القدسیات» نوشته یکی از علماء اهل سنت).

امام صادق علیه السلام: کان علیّ علیه السلام مع رسول الله فی غیبه و لم یعلم به أحد

علی با رسول خدا در پنهانی اش بود که کسی از آن اطلاعی نداشت. بحار الأنوار: ۱۸: ۱۷۶. این روایت با تعابیر گوناگون در همان مصدر آمده است.

ص: ۱۸۶

باز از امام صادق است علیه السلام «قال اکتتم رسول الله صلی الله علیه و آله بمکه مختفياً خائفاً خمس سنين (ثلاث سنين، غيبه الطوسی ۲۱۶)» لیس يظهر أمره و علیّ معه و خدیجه، ثم أمره الله أن یصدع بما أمر به ، فظهر رسول الله صلی الله علیه و آله و أظهر أمره. (همان مصدر از کمال الدین: ص ۱۹۷).

این روایت یکی از مشکلات اخبار و غوامض أسرار امیر مؤمنان علیه السلام است مانند تعلیم جبرئیل به پاسخ سؤال خداوند « من أنا و من أنت من کیم و تو کیستی؟! پس از سه بار تکرار سؤال و ناتوانی جبرئیل از جواب، علی علیه السلام از دریائی (دریای، علم یانور، یا هر دریائی که خدا می داند) ظاهر شد و به جبرئیل گفت: بگو أنت الربّ الجلیل و أنا عبدک الدلیل و إسمی جبرئیل، و روایتی که یکی از جنیان در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود امیر علیه السلام را که، دید کوچک و کوچکتر شد حضرت سبب ترس او را پرسید؟ عرض کرد ای رسول خدا ما جنیان که از اطراف سلیمان بن داود پراکنده همین جوان، مارا گرفته و با ذلت و خواری جلوی تخت سلیمان می افکند،

این گونه روایات، کاشف از مقام های ملکوتی و لاهوتی مولا امیر مؤمنان علیه السلام است که برای هر صاحب عقلی

دلیل روشن و برهان شفاف بر ولایت الهیة اوست .

برای مزید اطلاع به گوشه ای از روایت شب معراج فقال الله:

يامحمد قال لييك ربّي، قال: من لامتك من بعدك؟ قال: الله أعلم قال علي بن ابي طالب أمير المؤمنين و سيد المسلمين و قائد الغرّ المحجلين سپس امام صادق فرمود: يا أبا محمد والله ما جاءت ولايه علي عليه السلام من الارض و لكن جاءت من السماء مشافهه. اصول کافی ج ۱ ص ۴۴۳ روایت ۱۳. پس خداوند فرمود:

ای محمد، گفت لبيك خدای من، فرمود: بعد از تو کیست برای اُمتت؟ گفت: خدا می داند فرمود: علي بن ابي طالب امير مؤمنان و آقای مسلمانها و سرور بزرگان نشاندار.

ابی حمزه گفت: شنیدم آبا جعفر علیه السلام می فرمود: أوحى الله الى محمد صلّى الله عليه و آله انّی خلقتک ولم تک شیئا و نفخت فيک من روحی کرامتا منّی أکرمتک به حين أوجبت لك الطاعة على خلقی جميعا، فمن أطاعک فقد أطاعنی و من عصاک فقد عصانی و أوجبت ذالك علی و فی

ص: ۱۸۸

نسله مَمَّن اختصاصه منهم لِنَفْسِي خداوند. به محمد وحی فرستاد، من ترا چیزی نبودی آفریدم و از روح خودم، روی کرامتی از من، بتو دمیدم و ترا با آن گرامی داشتم هنگامی که اطاعت ترا به همه آفریده هایم، واجب نمودم، پس هر کس ترا اطاعت نماید مرا اطاعت کرده و هر کس به تو نافرمانی کند مرامعصیت کرده و این (مقام) را به علی و نسل او، واجب کردم از آنانکه او را برای خودم، اختصاص داده ام. اصول کافی ج ۱ ص ۴۴۰ روایت ۴.

پس، از دیدگاه قرآن و شیعه شرط اصلی پذیرش اعمال قبول ولایت است برای مزید اطلاع به نمونه هائی از آیات و روایات در این باره توجه نمائید: البته این روایات هر کدام در مدارک و اسناد زیاد، ضبط گردیده و ما فقط برای نمونه یکی، و دوتا را آورده ایم.

ص: ۱۸۹

سلمان فارسی گوید: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: یا معشر المهاجرین و الانصار ألا أدلکم علی ما ان تمسکتکم به لن تضلّوا بعدی أبدا؟ قالوا بلی یا رسول الله، قال هذا علیّ أخی، و وصیّی و وزیر و وارثی و خلیفتی، امامکم فأحبّوه لحبّی و أکرموه لکرامتی، فانّ جبرئیل أمرنی أن أقول لکم. ای گروه مهاجرین و انصار، آیا راهنمایی نکنم شما را به چیزی که اگر به آن چنگ بزنید، ابدا بعد از من گمراه نمی شوید؟ گفتند:

بلی ای رسول خدا، فرمود: این علی برادر من و وصی و وزیر و وارث و جانشین من است، امام شماست، او را دوست بدارید بخاطر دوستی من و او را گرامی بدارید برای گرامی داشتن من، همانا جبرئیل مرا امر کرد این سخنان را بشما بگویم.

أمالی الصدوق: ۳۸۵ مجلس ۲۱/۷۲، أمالی الطوسی: ج ۱ المجلس ۲۲۷/۸، نوادر الاخبار: ص ۱۲۲.

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره علی علیه السلام فرمود: **أَنَّ الصِّدِّيقَ الْكَبِيرَ وَهُوَ الْفَارُوقُ يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، مَنْ أَحَبَّهُ هَدَاهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَبْغَضَهُ، أَبْغَضَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ مَحَقَهُ اللَّهُ.** او صدیق اکبر و جدا کننده بین حق و باطل است، هر کس او را دوست بدارد، خدا او را هدایت می کند، و هر کس او را دشمن بدارد، خدا او را دشمن می دارد، و هر کس از او تخلف نماید، خدا او را ذلیل (و نابود می نماید). **أمالی الصدوق: ۱۸۰/ ب ۳۸/ ح ۳۷.**

## ۳- علی جدا کننده میان حق و باطل

در روایت ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

**مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ عَلِيًّا صَدِّيقَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ فَارُوقَهَا وَ مَحَدِّثَهَا، أَنَّهُ**

هارونها و یوشعها و آصفها و شمعونها، انه باب حطتها و سفینه نجاتها، انه طالوتها و ذوقنیها، معاشر الناس انه محنه الوری والحجه العظمی و الایه الکبری و امام أهل الدنیا و العروه الوثقی الحدیث. ای گروه مردم همانا علی راستگوی و جدا کننده میان حق و باطل و سخنگوی آن است، اوست هارون (موسی) و یوشع (بن نون) و آصف (بن برخیا) و شمعون (بن حمون عیسی) این امت است.

او در حطه (گناهریز) و کشتی نجات و طالوت (فرمان روا از سوی خدا) و ذوالقرنین (امیر) این امت است.

ای گروه مردم او بزرگ جهان و حجت عظمای خدا و نشانه کبرای و امام مردم دنیا و ریسمان محکم (خداست) تا آخر حدیث  
أمالی الصدوق: ۳۵/المجلس ۴/۸ ضمن حدیث طولانی، مشارق أنوار الیقین:

۵۶. کنزالفوائد: ۶۸/۱ با اختلاف کمی: نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص ۱۲۲ بنقل از آنها.

ص: ۱۹۲



#### ۴- برادرت علی را به خلافت راضی شدم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند در معراج بمن فرمود:...فأنتی رضیت لک عبدا، و حبیباً و رسولا و نبیا و بأخیک علی خلیفه و بابا فهو حجّتی علی عبادی و امام لخلق... من ترا برای بندگی و دوستی و فرستادگی و نبوت (خبر دهنده از سوی خودم) راضی شدم، و برادرت علی را به خلافت و دَرِ (خودم راضی شدم) پس او حجّت من است بر بندگانم و امامت خلّقم است.

أمالی الصدوق: ۵۰۴/المجلس ۴/۹۲، نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص ۱۱۹ بنقل از آن.

#### ۵- علی را برای او برگزیدم،

امام رضا از پدرانیش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله از میکائیل از اسرافیل از خدای عزّ و جلّ فرمود:  
أنتی

ص: ۱۹۳

أنا الله لا اله الا أنا خلقت الخلق بقدرتي، فاخترت منهم من شئت من أنبيائي و اخترت من جميعه محمد(صلى الله عليه و آله) حبيبا و خليلا و صفيا، فبعثته رسولا الى خلقى، واصطفيت له عليا فجعلته له أخا و وصيا و وزيرا و مؤديا عنه بعده الى خلقى و خليفتي على عبادى ليبين لهم كتابى و يسير فيهم بحكمى.... منم خدائى كه جز من خدای دیگری، وجود ندارد، مخلوقات را با قدرت خود، آفریدم پس از میان آنها، انبیایم را، اختیار کردم و از میان همه آنها محمد را به حبیبی و خلبلی صفیّ خودم اختیار کردم، پس او را فرستاده از سوی خودم، برای مخلوقاتم مبعوث نمودم، و علی را برای او برگزیدم، و او را برای او، برادر و وصی و وزیر و انجام دهنده کارها بعد از او بر مخلوقاتم و خلیفه خودم بر بندگانم، قرار دادم، تا برای آنها کتاب (قرآن) مرا بیان کند و در میان آنها با حکم من، رفتار نماید.

أمالی الصدوق: ۱۳۴/المجلس ۲۸/ح ۱۰، نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص ۱۱۹ بنقل از آن.

ص: ۱۹۴

امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی أنت منی بمنزله هبه الله من آدم و بمنزله سام من نوح و بمنزله اسحاق لبراهیم و بمنزله هرون من موسی و بمنزله شمعون من عیسی الا أنه لا نبی بعدی، یا علی أنت و صی و خلیفتی فمن جحد وصیتک و خلافتک، فلیس منی و لست منه فأنا خصمه یوم القیامه، یا علی أنت أفضل أمتی فضلا و أقدمهم سلما و اکرمهم علما و أوفرهم حلما و أشجعهم قلبا و أسخاهم کفا، یا علی أنت الامام بعدی و الامیر، و أنت الصیاحب بعدی و الوزیر، و ما لک فی أمتی من نظیر یا علی أنت قسیم الجنه و النار، بمحببتک یعرف الابرار من الفجار و یمیزین الاشرار و الاخیار و بین المؤمنی و الکفار. ای علی تو برای من بمنزله هبه الله ((وصی) از آدم و سام بن نوح برای نوح و در درجه اسحاق برای ابراهیم و مانند

هارون برای موسی و در مقام شمعون برای عیسی، هستی ولی پس از من پیغمبری وجود ندارد.

ای علی، تو وصی و جانشین منی، پس هر کس وصایت و خلافت ترا انکار نماید، پس او از من، و من از او نیستم و من دشمن او در قیامت هستم.

ای علی تو افضل امت من هستی از نظر فضل و جلوتر از آنهایی از جهت تسلیم (به حق) و بالاتری از جهت علم و حلیم تر و شجاعت‌ترین آنهایی از جهت قلب سخی‌ترین امتی از نظر گشاده دستی.

ای علی توئی، امام و امیر بعد از من، و صاحب خلافت و وزیر پس از منی، در امت من، مانند تو نیست، ای علی تو تقسیم کننده بهشت و جهنمی، با محبت تو ابرار از فجّار شناخته می‌شود، و (با محبت تو) میان اشرار و اخیار و مؤمن از کفّار، تمییز داده می‌شود. أمالی الصدوق: ۴۷/المجلس ۱۱/ح ۴، نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص ۱۱۹ بنقل از آن.

ص: ۱۹۶

## ۷- خلیفه و حجّت خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: انّ علیّاً امیر المؤمنین بولایه من الله تعالی عقدها له فوق عرشه و أشهد علی ذالک ملائکته، انّ علیّاً خلیفه و حجّه الله و أنّه لامام المسلمین.... همانا علی امیر مؤمنان است، با ولایت خدای تعالی، این مقام را برای او، در بالای عرش، گره زده و فرشتگان را، بر این امر، شاهد گرفته که علی خلیفه و حجّت خدا و امام، مسلمانهاست. أمالی الصدوق: ۱۱۳/ب ۲۷/ح ۸، معالم الزلفی: ص ۲۵.

## ۸- ای علی تو برادر و وارث و وصی و خلیفه منی

امام صادق علیه السلام از پدرانیش از علی علیهم السلام از رسول

ص: ۱۹۷

خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی أنت اخی و وارثی و وصیی و خلیفتی فی أهلی و أمّتی، فی حیاتی و بعد مماتی، محبّک محبّی و مبغضک مبغضی، یا علی أنت و أنا أبوا هذه الامّه یا علی أنت و أنا و الائمه من ولدک ساده فی الدنیا و ملوک فی الاخره، من عرفنا فقد عرف الله و من أنکرنا فقد أنکر الله عزّ و جلّ.

ای علی تو برادر و وارث و وصی و خلیفه منی در خانواده و در امّتم، در زندگی و بعد از مرگ من، دوستدار تو دوست من و دشمن تو دشمن من است، ای علی تو و من پدران این امّتیم، ای علی تو و من و امامان از فرزندان تو، سادات (و بزرگانیم) در دنیا و پادشاهانیم در آخرت، هر کس ما را بشناسد، بیقین خدا را شناخته و هر کس ما را انکار نماید، خدای عزّ و جلّ را، انکار کرده است. أمالی الصدوق: ۵۲۳/المجلس ۹۴/ح ۶، نوادر الاخبار:

فیض کاشانی ص ۱۲۱ بنقل از آن.

ص: ۱۹۸

## ۹- کسی را بالاتر از علی شمردن کفرست

ابن عمر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من فضل أحدا من أصحابی علی علی فقد کفر. هر کس احدی از اصحاب مرا، بر علی، تفضیل دهد، بتحقیق کافر شده است. (أمالی الصدوق: ۵۲۳/المجلس ۹۴/ح ۴، نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص ۱۲۱ بنقل از آن).

## ۱۰- نبوت مرا انکار کرده

ابن عباس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من أنکر امامه علی بعدی کان کمن أنکر نبوتی، و من أنکر نبوتی کمن أنکر ربوتی و عزّ و جلّ. هر کس امامت علی را بعد از من منکر شود مانند آنست که نبوت مرا انکار کرده و هر کس نبوت مرا منکر شود مانند کسی است که ربوبیت پروردگارم را انکار نموده است. (أمالی الصدوق: ۵۲۳/المجلس ۹۴/ح ۵، نوادر الاخبار:

ص: ۱۹۹

## ۱۱- نزدیکست از دنیا بروم

از امیرالمؤمنین علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اَنّی امرؤ مقبوض و اوشکک ان ادعی فأجیب، و قد ترک فیکم الثقلین أحدهما أفضل من الاخر کتاب الله و عترتی أهل بیتی، فانّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض. من مرد گرفته شده ام و نزدیک است مرا بخوانند و جواب دهم (و از دنیا بروم) و در میان شما دو وزنه سنگین، ترک می کنم یکی از دیگری، افضل است، کتاب خدا (قرآن) و عترت و اهلیتیم، آنها از همدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر، بمن وارد شوند. کمال الدین: ج ۱ ص ۲۳۶ ح ۴۹ ب ۲۲ و ۲۳۷، ذخائرالعقبی: ص ۱۶ ب فضائل أهل البیت.

## ۱۲- دو وزنه سنگین

زید بن أرقم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اَنّی

ص: ۲۰۰



تارك فيكم (الثقلين) ما ان تمسّ يكتم به لن تضلّوا كتاب الله و عترتي اهل بيتي، انهما لن يفترقا حتّى يردا علىّ الحوض. من در ميان شما دو وزنه سنگين ترك مي كنم، مادام كه به آنها چنگ زده ايد، گمراه نمي شوندد، كتاب خدا (قرآن) و عترت و اهليبتم، آنها از همدیگر جدا نمي شوند تا در حوض كوثر، بمن وارد شوند.

كمال الدين: ج ۱ ص ۲۷۳ ح ۵۴ ب ۲۲، عيون أخبار الرضاء: ج ۲ ص ۶۲ ح ۲۵۹، العمده ص ۷۲ ب ۱۱ ح ۸۹، نوادر الاخبار: فيض كاشاني ص ۱۲۳ و اسناد فراوان ديگر كه تعدادي از آنها در باب روايات اهل سنت گذشت.

### ۱۳- مانند كشتي نوح است،

از ابي ذر رحمه الله عليه از رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

انّما مثل اهل بيتي فيكم كمثل سفينه نوح، من ركبها نجى و من تخلف عنها غرق و مثل باب حطّه من دخله نجى و من لم يدخله

ص: ۲۰۱

هلك. همانا مثل اهلیت من در میان شما مانند کشتی نوح است، هر کس سوار آن شود، نجات می یابد و هر کس دور بماند غرق شود و مانند درِ حطه است هر کس داخل آن شود نجات یافت و هر کس داخل نشد، به هلاکت رسید.

أمالی الطوسی: ج ۱ ب ۱۲ ص ۳۵۹ بدون زیاده الاخیره، بشاره المصطفی:

ص ۱۰۶، ذخائرالعقبی: ص ۲۰ بدون (مابعدغرق) و اضافه «و من تعلق بها فاز و من تخلف عنها زج فی النار»، و هر کس به آن آویزان شود، رستگار شد و هر کس عقب مان به آتش سرنگون شد. جامع الاخبار: ص ۱۹۸، دعائم الاسلام: ج ۱ ص ۸۰، مناقب الامام أميرالمؤمنین علیه السلام ص ۱۳۲ ح ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷، و فی الاخیر زیاده «و من قاتلنا فی آخرالزمان فکأن قاتل مع الدجال»، الصواعق المحرقة: ص ۲۳۴، ینایع الموده: ص ۲۸، أرجح المطالب: ص ۳۳۰. خطیب در تاریخ البغداد: ج ۱۲ ص ۹۱، ابن کثیرالدمشقی در تفسیرش: ج ۹ ص ۱۱۵ الخصایص الکبری: ج ۲ ص ۲۶۶، مستدرک حاکم: ج ۳ ص ۱۵۰ و ج ۲ ص ۳۴۳، طبرانی در المعجم الکبیر: ص ۱۳۰ و ۱۳۱، المعجم الصغیر: ص ۷۸، خطیب تبریزی در

ص: ۲۰۲

مشکاه المصایح: ص ۵۷۳، حلیه الاولیاء: ج ۴ ص ۳۰۶، میزان الاعتدال: ج ۱ ص ۲۲۴ و ج ۱ ص ۴۸۲ ح ۱۸۲، المعارف ابن قتیبه: ص ۸۶ و عیون الاخبار ابن قتیبه: ج ۱ ص ۲۱۱، تاریخ الخلفاء: ص ۵۷۳، منتخب کنز العمال: ج ۵ ص ۹۱، الکنی والاسماء: للحافظ الدولابی ج ۱ ص ۷۶، نوادر الاخبار فیض کاشانی: ص ۱۲۲.

#### ۱۴- ولایت سبب قبولی نماز است؟

در حدیثی امام زین العابدین علیه السلام در پاسخ کسی که پرسید چه چیزی سبب قبولی نماز است؟ فرمودند: «وَلَا يَتَنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا» بحار الأنوار: ج ۸۱ ص ۲۴۴ ولایت ما اهل بیت، و براءت از دشمنان ما. بنابراین شرط قبولی نماز هم، ولایت است.

#### ۱۵- عملی برای او، بالانمی رود

در حدیث دیگر می خوانیم: «فمن لم يتولنا لم يرفع الله له

ص: ۲۰۳

عملاً کافی: ج ۱ ص ۴۳۰.

هر کس ولایت ما را نپذیرد، خدا عملی برای او، بالا نمی برد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: ما «باب الله» هستیم و راه خدا از طریق ما معرفی و شناخته می شود. کافی: ج ۱، ص ۱۹۳ و ۱۴۵.

## ۱۶- ولایت با تقوی

امام باقر علیه السلام می فرماید: «و ما تنال و لایتنا الا بالعمل و الورع» به ولایت ما رسیده نمی شود، مگر با عمل و تقوا. کافی، ج ۲، ص ۷۵، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۷. پس شرط قبولی کلّ عبادات هم، ولایت (با تقوا) است.

چرا کسی که ولایت امامان علیهم السلام را قبول نداشته باشد اعمال او پذیرفته نمیشود و باید پذیرش اعمال در گرو پذیرش ولایت باشد؟!.

ص: ۲۰۴

زیرا از دیدگاه قرآن و شیعه و از نظر آیات و اخبار، برای ما این دستور را داده است.

## ۱۷- اگر بنده ای در روز قیامت عمل هفتاد پیغمبر را

بیاورد

امام سجاد علیه السلام به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله که آن وجود مقدس صلی الله علیه و آله فرموده اند: ... قسم به آن کس که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست او است اگر بنده ای در روز قیامت عمل هفتاد پیغمبر را بیاورد خداوند از او نپذیرد تا خدا را به ولایت من و اهل بیتم (علیهم السلام) دیدار کند

(أمالی مفید، ص ۱۱۵، ناشر، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق).

## ۱۸- نخستین چیزی که پرسیده خواهد شد

امام صادق علیه السلام هم فرموده است: نخستین چیزی که

ص: ۲۰۵

از بنده به هنگامی که در پیشگاه خدا می ایستد، پرسیده می شود از نمازهای واجب و زکات واجب و روزه واجب و حج واجب و از ولایت ما اهل بیت علیهم السلام است که اگر اقرار به ولایت ما کرده و بر آن مرده باشد نماز و روزه و زکات و حجش پذیرفته می شود و اگر در پیشگاه خدا جل جلاله بر ولایت ما اقرار نکند خدای عزوجل چیزی از اعمالش را نخواهد پذیرفت.

(مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۶۷، نشر اسلامیه، تهران، سال چاپ، مختلف، نوبت چاپ، مکرر).

## ۱۹- ایمان بنده ای قبول نشود مگر با قبول ولایت او

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:.... و لا یقبل الله ایمان عبد إلا بولایته و البراءه من أعدائه»؛ و خداوند متعال ایمان بنده ای

ص: ۲۰۶

را قبول نمی کند، مگر اینکه ولایت او (حضرت علی علیه السلام) را داشته باشد و از دشمنان او بیزار باشد.

(امالی شیخ صدوق، ص ۱۳۸؛ ارشادالقلوب، ج ۲، ص ۲۰۹، مأه منقبه، ص ۱۷۶؛ کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۱؛ روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۱۴؛ کشف الیقین، ص ۴؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۱۲؛ بناء المقالة الفاطمیه، ص ۳۶۹؛ تأویل الآیات، ص ۸۴۴ و..).

## ۲۰- عمل منکر ولایت قبول نمی شود

خدای عزوجلّ در شب معراج فرمود: یا محمد؛ لو أن عبداً من عبادي عبدني حتى ينقطع أو يصير كالشن البالي ثم أتاني جاحداً لولایتکم ما غفرت له أو یقر بولایتکم. ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم، مرا آن چنان عبادت کند که بمیرد یا همچون مشک خشک گردد سپس نزد من آید در حالی که ولایت شما را انکار کند او را نمی بخشم یا به ولایت شما اقرار نماید. ر.ک: الجواهر السنیة، ص ۳۱۳.

ص: ۲۰۷

## ۲۱- خدا عمل کسی را نمی پذیرد تا از حبّ علی

سؤال کند

....پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بر تو باد به مودت و دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام. «و الذی بعثنی بالحق نبیاً لا یقبل الله من عبد حسنه حتی یسأله عن حب علی بن أبی طالب (علیه السلام)». «قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هیچ بنده ای حسنه ای از آن قبول نمی شود تا اینکه درباره دوستی علی علیه السلام از او سؤال می کنند و خداوند تبارک و تعالی هم خود به همه امور آگاه است.

## ۲۲- شک در علی کفر به خداست

....ای ابن عباس! اگر می خواهی خدا را ملاقات کنی در حالی که از تو راضی باشد، پس راه علی بن ابی طالب علیه السلام را طی کن و با او به هر سمتی رفت، حرکت کن. و راضی

ص: ۲۰۸



باش از کسی که علی علیه السلام را پیشوای خود قرار داده و دشمن بدار هر کس که او را دشمن می دارد و دوست بدار هر کس که علی علیه السلام را دوست می دارد.

«یا ابن عباس؛ احذر أن یدخلک شک فیہ فإن الشک فی علی (علیه السلام) کفر باللّه تعالی»؛ ای ابن عباس! بترس از اینکه در مورد علی (علیه السلام) شک کنی که همانا شک در مورد او کفر به خداوند تبارک و تعالی است.

أمالی شیخ طوسی، ص ۱۰۴؛ الثاقب فی المناقب، ص ۱۴۲، ح ۱۳۵؛ بشاره المصطفی، ص ۴۱؛ الفضایل ابن شاذان، ص ۵؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۸۰؛ کشف الیقین، ص ۴۶۲؛ تأویل الآیات، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۶؛ المحتضر، ص ۱۰۷؛ بحار، ج ۱۸، ص ۳۷۰، ح ۷۷؛ مدینه المعجز، ج ۲، ص ۹، ج ۳۵۳.

### ۲۳- آگاه باش اگر مردی

امام باقر علیه السلام می فرماید:

أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ

ص: ۲۰۹

حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَلَمْ يَعْرِفْ وَلَا يَهْ وَلِيَّ اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ وَيَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ.

(کلینی، محمد، کافی، ج ۲، ص ۱۹).

آگاه باش اگر مردی شب ها را بعبادت بپاخیزد و روزها را روزه دارد و تمام اموالش را صدقه دهد و در تمام دوران عمرش بحج رود، و امر ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، برای او از ثواب خدای جل و عز حقّی نیست.

#### ۲۴- اسماء ائمه عليهم السلام

ابی سلمی، چوپان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: شبی که به معراج برده شدم خداوند جل ثنائه به من فرمود:

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ؛ (ایمان آورد رسول به آنچه از طرف پروردگارش به سوی او نازل شد).

ص: ۲۱۰

من هم گفتم: وَ الْمُؤْمِنُونَ؛ ایمان آوردیم). خداوند فرمود:

راست گفتمی ای محمد؛ چه کسی را برای امت جانشین خود قرار داده ای؟ گفتم: بهترین از امتم را. خداوند فرمود: علی بن ابیطالب علیه السلام را. گفتم: بله.

خداوند فرمود: ای محمد! من اطلاعاتی دقیق از زمین و احوال آن دارم، پس تو را از روی آن اختیار کردم و اسمی از اسامی خودم را برای تو جدا کردم و به خاطر همین در هیچ جایی مرا یاد نمی کنند، مگر اینکه ذکر تو هم با من خواهد بود؛ من محمود هستم و تو هم محمد. و علی علیه السلام را هم انتخاب کرده و برای او هم

اسمی از اسامی خود جدا کردم؛ من اعلی هستم و او هم علی.

یا محمد؛ إني خلقتك و خلقت علياً و فاطمه و الحسن و الحسين)عليهما السلام( من سنخ نوری و عرضت ولایتکم علی أهل السماوات و الأرضين؛ فمن قبلها كان عندي من المؤمنين و

ص: ۲۱۱

من جحدها کان عندی من الکافرین.

ای محمد! من تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهما السلام را از سنخ نور خود خلق کردم و (ولایت) شما را بر اهل آسمان و زمین عرضه کردم. پس هر کس ولایت شما را قبول کند نزد من از مؤمنین خواهد بود و هر کس منکر ولایت شما شود نزد من از کافرین خواهد بود.

یا محمد؛ لو أن عبداً من عبادی عبدنی حتی ینقطع أو یصیر کالشن البالی ثم أتانی جاحداً لولایتکم ما غفرت له أو یقر بولایتکم. ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم، مرا آن چنان عبادت کند که همچون مُشک پوسیده گردد پس نزد من آید در حالی که ولایت شما را نداشته باشد او را وارد بهشت نخواهم کرد.

بعد از این خداوند متعال فرمود: ای محمد! آیا دوست می داری که اهل بیت و جانشینان خود را ببینی؟ گفتم: بله پروردگارا.

ص: ۲۱۲

پس فرمود: نگاه کن به جانب راست عرشم. من نگاه کرده و دیدم علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و المهدی علیهم السلام را که در اوج نور بودند در حالی که همگی آنها در حال نماز بودند و مهدی علیه السلام در وسط آنها مانند ستاره ای فروزان، کَوْكَبٌ دُرِّیْدِرْخَشَشِ داشت. نور، آیه ۳۵.

پس خداوند متعال فرمود: یا محمد؛ هُوَ الشَّائِرُ مِنَ عَتْرَتِكَ. و عزتی و جلالی؛ إِنَّهُ الْحَجَّهَ الْوَاجِبَةَ لِأَوْلِيَائِي وَ الْمُنْتَقِمَ مِنْ أَعْدَائِي. ای محمد! اینان حجتهای من می باشند و مهدی علیه السلام هم انقلابی ای از عترت توست که خون خواه عترت تو می باشد؛ قسم به عزت و جلالم، مهدی علیه السلام امام واجب الطاعت برای دوستان من می باشد و او کسی است از دشمنان من انتقام می گیرد.

(الغیبه، ص ۹۵؛ مآه منقبه، منقبه ۱۷، ص ۳۸؛ الربعون حدیثاً، منتجب الدین

بن بابویه، ص ۴؛ الطرائف، ص ۱۷۳؛ شیخ البطحاء ابوطالب (علیه السلام)، ص ۳۱؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۴۳؛ غایه المرام، ج ۷، ص ۷۸؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۶۵؛ شرح احقاق الحق، ج ۵، ص ۴۶؛ بحار، ج ۳۶، ص ۲۱۶؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۱۶۳؛ الشهب الثاقب، ص ۶۶؛ الجواهر السنیه، ص ۳۱۲؛ مدینه المعاجز، ج ۲، ص ۳۱۲؛ ح ۵۷۵؛ الاربعین شیخ ماحوذی، ص ۲۱۲.

در اعتبار این روایت همین بس که عالمان بزرگ حدیث، چه از شیعه و چه از اهل عامه این روایت را در کتب معتبر خود نقل کرده اند. در کتب معتبر شیعی عالمانی همچون شیخ طوسی رحمه الله، سید بن طاووس و از اهل سنت، خوارزمی و قندوزی این روایت را نقل کرده و دیگران نیز به طریق آنها، به نقل آن در کتب روایی خود اهتمام داشته اند.

شیخ حرّ عاملی رحمه الله در مورد این روایت گوید:

«دلالت این حدیث شریف بر اثبات امامت اثناعشری، واضح تر و روشن تر از همه آن ادله قبلی است (که برای اثبات امامت آوردم). (الجواهر السنیه، ص ۳۱۳).

ص: ۲۱۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا. نساء / ۵۹

ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا اطاعت کنید و نیز از رسول و صاحبان امر (دین) خود اطاعت ورزید. پس اگر در چیزی نزاع کردید، (داوری) آن را به خدا و رسول و انبیا، (البته) اگر به خدا و جهان آخرت ایمان دارید. این (کار برای شما) بهتر است و سرانجام نیکوتری دارد.

در تفسیر البرهان ده ها روایت از منابع اهل بیت علیهم السلام در ذیل این آیه آمده است که می گوید: آیه مزبور درباره علی علیه السلام یا آن حضرت و سایر ائمه اهل بیت علیهم السلام منازل شده و حتی در بعضی از روایات نام دوازده امام علیه السلام یک آمده است. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۸۱ ج ۳۸۷.

گفته اند که آیه اولی الامر درباره حضرت علی علیه السلام منازل شده است.

جابر بن عبدالله انصاری صحابی بزرگ پیامبر می گوید:

ص: ۲۱۵

وقتی این آیه بر پیامبر نازل شد، پرسیدم: ای رسول خدا، ما خدا را شناختیم و فهمیدیم رسولش کیست تا اطاعتشان کنیم، اما اولو الامری که خداوند اطاعت آنها را با اطاعت شما قرین کرده است، چه کسانی هستند؟

جابر به درستی فهمیده بود که پرسش خود را از چه کسی باید پرسد. همو که با کلام خدا و آهنگ وحی آشنایی کامل دارد و سخنی هم از سرهوی و هوس نمی گوید.

«اولوالامر» برای او کلمه ای غریب و ناآشنا بود. چرا که مصادیق بارز و مشخصی برای آن نمی شناخت و مهمتر از آن اینکه اطاعت آنها، همردیف و همدوش اطاعت از رسول خدا شمرده شده بود و هیچگونه قید و شرطی هم برای آن ذکر نگردیده بود.

پس بهترین کار را جابر انجام داد که از شخص پیامبر پرسید و از پیش خود رأی و نظری نداد. نگفت باید به سلیقه خود در آیه تدبّر کنم و تفسیری دلخواه از آن بیابم و مراد خدا را کشف نمایم. هر چند خداوند در جای دیگر به تدبّر در آیات خود



امر کرده است، امّا روشن است که این تدبیر باید به راهنمایی و دلالت راه یافتگان و هدایتگران الهی و در پرتو کلام آنها، صورت پذیرد تا از هر گونه خطا و انحرافی مصون باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مقام پاسخ به جابر فرمود:

ای جابر، آنان جانشینان من و پیشوایان مسلمانان پس از من هستند که نخستین آنها «علی بن ابیطالب» است سپس «حسن» و پس از او «حسین» صاحبان امرند. پس از آنان، «علی بن الحسین» و سپس «محمد بن علی» است که در تورات او را باقر نامیده اند، و تو به دیدار او نایل خواهی شد. آنگاه که او را ملاقات کردی سلام مرا به او برسان. پس از او «جعفر بن محمد» ملقب به صادق و سپس «موسی بن جعفر» و «علی بن موسی» هستند. آنگاه نوبت به «محمد بن علی» و پس از او به «علی بن محمد» و «حسن بن علی» خواهد رسید. سپس هم نام و هم کینه من و حجت خدا در زمین و بقیه او در میان بندگانش، فرزندان

ص: ۲۱۷

حسن بن علی، صاحب امر خواهد شد. او همان کسی است که خداوند متعال به وسیله او دین خود را در سراسر جهان فراگیر می کند. او غیبتی طولانی خواهد داشت و پیروان او در آن زمان با این امر امتحان می شوند، اما آنها بر اعتقاد و ایمانشان نسبت به امامت او پا بر جا و استوارند.

آنگاه جابر می پرسد: آیا پیروان او در آن زمان از وجود او بهره می برند؟

رسول خدا در پاسخ می فرماید:

به خدایی که مرا به پیامبری برگزید، سوگند می خورم که آنها از پرتو نور ولایت او بهره می برند همچنانکه از نور خورشید بهرمنندند، اگر چه پشت ابرها پنهان باشد... کمال الدین: ۱ / ۲۵۳ / ح ۳، أعلام الوری: ۳۹۷، مناقب ابن شهر آشوب: ۱ / ۲۴۲، کفایه الاثر: ص ۵۳، تأویل الایات الطاهره: ۱ / ۱۳۵ / ح ۱۳، نوادر الاخبار:

فیض کاشانی ص ۱۲۶، و تفاسیر روایی مانند صافی، برهان، کنز الدقائق و ... ذیل آیه اولوالامر.

ص: ۲۱۸

مشابه این روایت از سلمان فارسی مفصلاً با کمی تفاوت .

القصص ص ۵، نوادر الاخبار: فیض کاشانی ص ۱۲۸.

### **۲۵- نظر کردن به روی علی عبادت است.**

خداوند تبارک و تعالی برای برادرم علیعلیه السلام فضایی قرار داده است که به خاطر کثرت آن، قابل شمارش نیست؛ پس هرکس یک فضیلت از فضایل او را ذکر کند در حالی که به آن اقرار و اعتقاد داشته باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می بخشد؛ و هرکس یک فضیلت از فضایل او را بنویسد، ملائکه تا مادامی که، آن نوشته باقی باشد برای او استغفار می کنند؛ و هرکس یک فضیلت از فضایل او را بشنود، خداوند گناهایی که با گوشش شنیده را می بخشد؛ و هرکس نگاه کند به کتابی که فضایل علیعلیه السلام در آن نوشته شده است، خداوند تمام گناهایی را که با چشم انجام داده است را می

ص: ۲۱۹

آمرزد.

سپس پیامبر فرمودند: النظر إلى أخى على بن أبى طالب (عليه السلام) عباده و ذكره عباده و لا يقبل الله إيمان عبد إلا بولايته و البراءه من أعدائه؛ نگاه به برادرم على بن ابى طالب عليه السلام عبادت، و ذكرش عبادت است. و خداوند متعال ايمان بنده اى را قبول نمى كند، مگر اينكه (ولایت) حضرت علي عليه السلام را داشته باشد و از دشمنان او بيزار باشد.

امالى شيخ صدوق، ص ۱۳۸؛ ارشادالقلوب، ج ۲، ص ۲۰۹، مأه منقبه، ص ۱۷۶؛ كنزالعمال، ج ۱۱، ص ۱؛ روضه الواعظين، ج ۱، ص ۱۱۴؛ كشف اليقين، ص ۴؛ كشف الغمه، ج ۱، ص ۱۱۲؛ بناء المقالة الفاطمية، ص ۳۶۹؛ تأويل الآيات، ص ۸۴۴ و...

## ۲۶- ولایت علی (عليه السلام) و بعثت پیامبر اکرم (صلى الله عليه و آله)

سفیان ثوری از امام صادق عليه السلام نقل می کند که

ص: ۲۲۰

حضرت فرمودند: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: چون خداوند تبارک و تعالی مرا به سوی آسمان ها برد، و از آسمانی به آسمان دیگر می رفتم و به ملائکه مقرب الهی رسیدم و از جایگاهی عبور کردم که جبرئیل علیه السلام نیز بدانجا نرسیده بود، خداوند وحی کرد به من آنچه قرار بود وحی کند. فقالت لی حمله العرش: بم بعثت یا محمد؟. فقلت:

بولاییتی وولاییه أخی علی بن أبی طالب. پس حمله عرش الهی به من گفتند: ای محمد! برای چه مبعوث شدی؟ گفتیم: به ولایت خودم و ولایت برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام.

(نوادر المعجزات، محمد بن جریر، ص ۷۱، ح ۳۴).

## ۲۷- ولایت علی (علیه السلام) و بعثت پیامبران

أبو نعیم الحافظ: در تفسیر قوله تعالی: (وَ سِئَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا): آیه ۴۵، سوره مبارکه زخرف ای پیامبر! سؤال کن از پیامبرانی که قبل از تو بودند که برای چه چیز مبعوث شدند)

ص: ۲۲۱

آمده است که:

شب معراج خداوند متعال تمام پیامبران را جمع کرد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای محمد! از اینان سؤال کن برای چه شما به پیامبری مبعوث شدید؟ پس تمام پیامبران گفتند: «بعثنا على شهادة أن لا إله إلا الله، و الإقرار بنبوتك، و الولاية لعلی بن أبی طالب (علیه السلام)»؛ مبعوث شده ایم که شهادت دهیم هیچ خدایی جز الله نیست و اینکه اقرار کنیم بر نبوت تو و ولایت حضرت علی علیه السلام

العمده، ص ۳۵۳، ح ۶۸۰؛ خصائص الوحي المبين، ص ۱۷۰، ح ۱۱۶؛ الطرائف، ص ۱۰۱، ح ۱۴۷؛ تأویل الآيات الظاهره، ص ۵۴۶؛ شواهد التنزيل، ج ۲، ص ۲۲۳، ح ۸۵۵؛ نهج الحق، ص ۱۸۳؛ بحار، ج ۳۶، ص ۱۵۵؛ ينابيع الموده، ج ۲، ص ۲۴۶، ح ۶۹۲؛ تفسير اثني عشرى، ج ۱۱، ص ۴۷۸؛ تفسير شريف لاهيجى، ج ۴، ص ۸۱؛ تفسير منهج الصادقين، ج ۸، ص ۲۴۹؛ الزام الناصب فى اثبات الحجة الغائب، ج ۱، ص ۲۰۷؛ طرائف المقال، ج ۲، ص ۲۹۹؛ الامام على (عليه السلام)، احمد رحمانى همدانى، ص ۷۳، ح ۱۹.

ص: ۲۲۲

علاوه بر اسناد معتبر و خوب روایت، نقل منابع معتبر و کثرت آن، مؤید خوبی نیز می تواند در قبول روایت باشد.

## ۲۸- ولایت علی علیه السلام قلعه آمن خدا

به دو حدیث ذیل با دقت کامل توجه نمائید.

۱- در عیون اخبار الرضا: ج ۲ باب ۳۸ از امام رضا علیه السلام با سند خود (سند طلائیست) از آباء گرام از رسول خدا از جبرئیل از میکائیل از اسرافیل از خدای تبارک و تعالی فرمود: «ولایه علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی آمن من عذابی» ولایت علی قلعه محکم من است هر کس به قلعه من داخل شود از عذاب من در امان باشد. (بحار: ج ۳۹ ص ۲۴۶ باب ۸۷).

۲- در روایت سلسله الذهب امام رضا علیه السلام در نیشابور در برابر دوازده هزار قلم به دست فرمود: کلمه "لا اله

ص: ۲۲۳

الّا الله حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی» در آخر فرمود:

«بشرطها و شروطها و أنا من شروطها».

واضح است منظور ولایت شخصی امام رضا علیه السلام نیست بلکه مقصود ولایت همه ائمه اثنی عشر علیهم السلام که اول آن ولایت علی علیه السلام و آخرش ولایت حضرت بقیه الله الاءعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء می باشد.

پس آنجا که فرمود: «لا-اله الاالله حصنی الخ» یعنی این حصن آن وقت محکم است شامل ولایت باشد و بدون ولایت، استحکامی ندارد و حفظ توحید و شرط قبولی تمام اعمال، ولایت است و بس.

#### ۲۹- انکار فضایل علی (علیه السلام) کفر به خداست

ابن عباس می گوید از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: خداوند تبارک و تعالی به من پنج چیز عطا فرمود

و

ص: ۲۲۴



به علی علیه السلام هم پنج چیز: به من جوامع الکلم (قرآن) و به علی علیه السلام همه علوم عطا کرد. مرا نبی قرار داد و او را وصی. به من کوثر و به او سلسبیل. وحی را بر من و الهام را بر او عطا کرد. مرا به معراج و آسمانها برد و برای او درهای آسمان را باز و حجابها را برایش پاره کرد و کنار زد، تا اینکه او به من نگاه می کرد و من هم به او نگاه می کردم.

ابن عباس می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله تا اینها را برای من گفتند شروع کردند به گریه کردند! گفتم: یا رسول الله، پدر و مادرم فدای شما؛ چرا گریه می کنید؟

گفت: ای ابن عباس! اول چیزی که (شب معراج) خداوند به من فرمود این بود که: ای محمد! به پایین نگاه کن و من هم نگاه کردم. در این حین دیدم حجابها پاره و کنار زده شد و درهای آسمان هم باز شد. و علیعلیه السلام را دیدم که سرش را به طرف آسمان بلند کرده و با من صحبت می کند و من هم با او صحبت می کردم و خدا هم با من تکلم می کرد.

ابن عباس می گوید، گفتم: ای رسول خدا! در مورد چه چیزی خداوند متعال با شما صحبت می کرد؟

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمودند: خداوند به من فرمود: یا محمد؛ اینی جعلت علیاً (علیه السلام) وصیک و وزیرک و خلیفتک من بعدک فأعلمه فها هو یسمع کلامک فأعلمته و أنا بین یدی ربی عز و جل. فقال لی: قد قبلت و أطعت. ای محمد! من علیعلیه السلام را وصی، وزیر و جانشین تو قرار دادم و او را از علم خود آگاهی داده ام.

و من در حالی که در پیشگاه قرب الهی بودم، گفتم: خداوندا! قبول کردم و اطاعت می نمایم.

پس خداوند هم ملائکه را امر کرد که بر علی علیه السلام درود و سلام فرستند پس ایشان چنین کردند و بر ملائکه هم خطاب شد: و بر شما هم سلام.

و دیدم ملائکه را که به یکدیگر در مورد علی علیه السلام بشارت می دادند و من به هیچ ملکی از ملائکه آسمان عبور نکردم، مگر اینکه مرا در مورد علی(علیه السلام) تهنیت می گفتند و می

گفتند: یا محمد؛ و الذی بعثک بالحق لقد دخل السرور علی جمیع الملائکه باستخلاف اللّٰه عز و جل لک ابن عمک. ای محمد! قسم به خدایی که تو را به حق مبعوث کرده، ما ملائکه از اینکه خداوند عزوجل، علی علیه السلام را جانشین تو قرار داده است، غرق شادی و سروریم.

و دیدم تمام حمله عرش الهی، سرشان را به طرف زمین پایین انداخته اند. پس گفتم: ای جبرئیل! چرا حمله عرش چنین کرده اند؟

جبرئیل گفت: ای محمد! هیچ ملکی از ملائکه نیست، مگر اینکه با چهره ای باز به علی علیه السلام نگاه می کند بجز حمله عرش، که خداوند متعال در این لحظه به آنها اجازه داد که به علی علیه السلام نگاه کنند و آنها هم الآن چنین می کنند.

پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله در ادامه فرمودند: چون به زمین برگشتم همه وقایع معراج را برای علی علیه السلام تعریف کردم و او هم مرا از همه آن اتفاقات آگاهی داد. پس دانستم که در

هیچ جایگاهی نبودم، مگر اینکه حضرت علی علیه السلام از آن جایگاه اطلاع داشته و همه چیز را می دانسته است.

ابن عباس می گوید: کلام پیامبر صلی الله علیه و آله که به اینجا رسید عرض کردم: یا رسول الله، مرا توصیه ای بفرمایید؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: عليك بموده علی بن ابی طالب (علیه السلام). و الذی بعثنی بالحق نبیاً لا یقبل الله من عبد حسنه حتی یسأله عن حب علی بن ابی طالب (علیه السلام) و هو تعالی أعلم فإن جاءه بولایته قبل عمله علی ما کان منه و إن لم یأت بولایته لم یسأله عن شیء ثم أمر به إلى النار. بر تو باد به مودت و دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام. قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هیچ بنده ای حسنه ای از آن قبول نمی شود تا اینکه درباره دوستی علی علیه السلام از او سؤال می کنند و خداوند تبارک و تعالی هم خود به همه امور آگاه است.

پس اگر دوستی علی علیه السلام را با خود در قیامت بیاورد عملش مقبول خواهد شد و اگر ولایت علی علیه السلام را همراه

خود نداشته باشد، از هیچ چیز از او سؤال نخواهد شد و او را روانه آتش خواهند کرد.

ای ابن عباس! قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، آتش بیشترین غضب و شدت خود را بر دشمن و غضب دارنده علی علیه السلام دارد و بر کسی که قائل باشد خداوند تبارک و تعالی دارای فرزند است.

ای ابن عباس! اگر تمام ملائکه مقرب الهی و پیامبران و رسولان بر بغض و دشمنی علی علیه السلام اجتماع کنند، هر آینه خداوند تبارک و تعالی ایشان را با آتش خشم خود عذاب می کرد.

سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که به اینجا می رسد ابن عباس می گوید: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: آیا کسی هم هست که بغض حضرت علی علیه السلام را داشته باشد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا ابن عباس؛ نعم بیغضه قوم ینذكرون أنهم من أمتی لم يجعل الله لهم فی الإسلام نصیباً.

یا ابن عباس؛ إِنَّ مِنْ علامه بغضهم له تفضيلهم من هو دونه عليه. و الذي بعثنى بالحق ما بعث الله نبيا؛ أكرم عليه منى و لا وصياً أكرم عليه من وصيى على (عليه السلام). ای ابن عباس! از امت من کسانی هستند که بغض حضرت علی علیه السلام را دارند که خداوند آنها را از اسلام هیچ بهره ای نداده است.

ای ابن عباس! از نشانه های کسانی که بغض علی علیه السلام را دارند، این است که خود را بالاتر از آن می دانند.

قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، خداوند هیچ پیامبری را گرامی تر از من مبعوث نکرد و هیچ جانشینی گرامی تر از علی بن ابی طالب علیه السلام نیست.

ابن عباس می گوید: همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به دوستی حضرت علی علیه السلام امر کردند، محبت حضرت را همیشه خواهم داشت.

بعد ابن عباس می گوید: زمانی از این ماجرا گذشت تا اینکه موقع وفات پیامبر صلی الله علیه و آله شد، دوباره نزد او رفته

و گفتم: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای شما، اجل شما نزدیک است، آیا مرا به چیزی نصیحت می فرمایید؟

پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابن عباس! با من مخالفت کرده است هر کس علی علیه السلام را مخالفت کند و در روز قیامت برای چنین شخصی هیچ پشت و پناه و یآوری نخواهد بود.

پس گفتم: یا رسول الله! چرا مردم را امر نمی کنید که مخالفت حضرت علی علیه السلام را نکنند؟

ابن عباس می گوید: تا این را گفتم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شروع کردند به گریه کردن که من هم از گریه ایشان بسیار متأثر شدم.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابن عباس! قسم به خدایی که مرا به حق نبی مبعوث کرد، احدی از کسانی که مخالفت علی علیه السلام را در دنیا کرده اند و منکر حق او بوده اند، از دنیا خارج نمی شود تا اینکه خداوند تبارک و تعالی از

ص: ۲۳۱

نعمتهایی که دست او بوده همه را تغییر می دهد. و برایش تبدیل به نعمت می کند. ای ابن عباس! اگر می خواهی خدا را ملاقات کنی در حالی که از تو راضی باشد، پس راه علی بن ابی طالب علیه السلام را طی کن و با او به هر سمتی رفت، حرکت کن. و راضی باش از کسی که علی علیه السلام را پیشوای خود قرار داده و دشمن بدار هر کس که او را دشمن می دارد و دوست بدار هر کس که علی علیه السلام را دوست می دارد.

«یا ابن عباس؛ احذر أن یدخلک شک فیه فإن الشک فی علی (علیه السلام) کفر باللّه تعالی»؛ ای ابن عباس! بترس از اینکه در مورد علی علیه السلام شک کنی که همانا شک در مورد او کفر به خداوند تبارک و تعالی است.

أمالی شیخ طوسی، ص ۱۰۴؛ الثاقب فی المناقب، ص ۱۴۲، ح ۱۳۵؛ بشاره المصطفی، ص ۴۱؛ الفضایل ابن شاذان، ص ۵؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۸۰؛ کشف الیقین، ص ۴۶۲؛ تأویل الآیات، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۶؛ المحتضر، ص ۱۰۷؛ بحار، ج ۱۸، ص ۳۷۰، ح ۷۷؛ مدینه المعاجز، ج ۲، ص ۹، ج ۳۵۳.

ص: ۲۳۲



چندین طریق و اسناد برای این روایت در کتب روایی مهم نقل شده است. ابن حمزه طوسی رحمه الله (معروف به ابن الشیخ، متوفای ۵۶۰ ق)، در کتاب الثاقب فی المناقب، به دو طریق این روایت را نقل کرده است. به طریقی با استناد از معلی بن هلال، از کلبی، از اَبی صالح، از ابن عباس؛ و به طریقی دیگر از احمد بن ولید، از پدرش، از سعد، از عبدالله بن هارون، از محمد بن عبدالرحمان، از ابن عباس.

و حسن بن سلیمان رحمه الله در کتاب المحتضر و ابن شاذان در الفضایل و... نیز این روایت را با اسنادی دیگر در کتب خود نقل نموده اند.

عمادالدین محمد بن جریر طبری (متوفای ۵۲۵ ق) به نقل از محمد بن اَبی القاسم گوید:

«این روایت دلالت دارد بر اینکه هرکس دیگری را بر علیعلیه السلام مقدم بدارد و یا او را برتر از حضرت بدانند، او دشمن علیعلیه السلام است، هرچند که ادعا کند دوستدار

ص: ۲۳۳

علیه السلام می باشد. و نیز بر این مطلب گواه است که شک در برتری و تقدیم امام علی علیه السلام بر دیگران و اطاعت از آنان، محکوم به کفر است، اگرچه به ظاهر اسلام آورده باشد و بر مطالبی دیگر نیز اشاره دارد که ذکرش در این مجال مناسب نیست». بشاره المصطفی، ص ۷۹.

شهید مطهری(ره) در این زمینه می فرماید:

باید دید ایمان به نبوت و امامت از چه نظر لازم است و چرا باید شرط قبول اعمال باشد؟ به نظر می رسد دخالت ایمان به انبیاء و اولیاء خدا در پذیرش

اعمال از دو جهت است: یکی اینکه معرفت آنان برمی گردد به معرفت خدا. در حقیقت شناختن خدا و شؤن او بدون معرفت اولیاء خدا کامل نمی گردد، به عبارت دیگر شناختن خدا بطور کامل شناختن مظاهر هدایت و راهنمایی است.

دیگر اینکه شناختن مقام نبوت و امامت از این نظر لازم

ص: ۲۳۴

است که بدون معرفت آنان، بدست آوردن برنامه کامل و صحیح ممکن نیست

(مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، ص، ۳۱۰).

پس کسی نماز خوانده، زکات داده، حج و عمره بجا آورده ولی معرفت آن کس که خدا اطاعت او را واجب ساخته است را نداشته باشد، نه نماز خوانده، نه روزه گرفته چرا؟. (چون:

ولایت شرط قبولی اعمال است)

آن هنگام که خدا ابلیس را به سجده آدم امر کرد، ابلیس تکبر نموده از خدا خواست که او را از این فرمان معاف داشته در عوض، عبادتی کند که هیچ کس خدا را آن گونه عبادت نکرده باشد! خداوند در پاسخ او فرمود: عبادت آن است که من فرمان می دهم نه آن که تو می خواهی

(مضمون فوق در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار ج ۶۳، ص ۲۵۰).

یعنی عبادت، اطاعت از فرمان خدا است، و تنها به سجده

ص: ۲۳۵

رفتن و تضرع نمودن عبادت نیست. نماز و دعا به شرطی عبادت است که در اطاعت از فرمان خدا باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم اگر ابلیس پس از نافرمانی و تکبر از اطاعت دستور خدا، به مقدار عمر دنیا بر خدا سجده می کرد، برای او سودی نمی داشت و خدا از او نمی پذیرفت، مگر اینکه او طبق فرمان خدا بر آدم سجده می کرد.

وضیعت این امتی که بعد از پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم نافرمانی کرده گمراه شده است نیز چنین است. بعد از ترک گفتن پیشوایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای آنها منصوب کرد، خداوند هرگز عملی از آنها را نمی پذیرد و نیکبهای آنها را بالا نمی برد، مگر از آن جهتی که خدا امر کرده است بیایند و امامی را که خدا به ولایتش امر کرده اطاعت کنند و از بابتی که خدا و رسول برای آنها گشوده اند وارد شوند. (حر عاملی، حسین، وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۲۹، ح ۵).

ص: ۲۳۶

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمودند: خاندانی در بنی اسرائیل بودند که در پی چهل روز عبادت، هر چه از خدا طلب می کردند، خداوند به آنها مرحمت می فرمود. یکی از آنان به عبادتی چهل روزه پرداخت ولی دعای او پذیرفته نشد.

به نزد حضرت عیسی شکایت کرد. حضرت عیسی علیه السلام تطهیر نموده نماز خواند. آن گاه به درگاه حق دعا کرد.

وحی آمد:

يَا عِيسَى إِنَّ عَبْدِي أَتَانِي مِنْ غَيْرِ الْبَابِ الَّذِي أُوتِي مِنْهُ إِنَّهُ دَعَانِي وَفِي قَلْبِهِ شَكٌّ مِنْكَ فَلَوْ دَعَانِي حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنْفُهُ وَتَنْتَبِرَ أُنَامِلُهُ مَا اسْتَجَبْتُ لَهُ - فَالْتَفَتَ عِيسَى ع فَقَالَ تَدْعُو رَبِّكَ وَفِي قَلْبِكَ شَكٌّ مِنْ نَبِيِّهِ قَالَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ قَدْ كَانَ وَاللَّهِ مَا قُلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يَذْهَبَ بِهِ عَنِّي فَدَعَا لَهُ عِيسَى ع فَتَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ وَصَارَ فِي حَدِّ أَهْلِ بَيْتِهِ كَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلَ عَبْدٍ وَهُوَ يَشْكُ فِينَا.

ای عیسی این بنده ام از غیر آن دری که باید نزد من آید نزد

ص: ۲۳۷

من آمده، او مرا خوانده در حالی که در نبوت و پیغمبر بودن تو شک دارد بنا بر این اگر به اندازه ای مرا بخواند که گردش قطع و بندهایش از هم بگسلد من دعایش را مستجاب نخواهم کرد.

عیسی به وی رو کرده فرمود: پروردگارت را می خوانی و در دل خود به پیامبرش شک داری؟ گفت: ای روح و کلمه خدا، به خدا سوگند همین طور است که می فرمائی، از خداوند بخواه که این شک را از دل من بزداید. عیسی برای وی دعا کرد و خداوند از وی پذیرفت، و او در حدّ سایر افراد خاندان خویش قرار گرفت. ما خاندان نیز این چنین هستیم، خداوند عمل بنده ای را که در باره ما شک دارد قبول نمی فرماید.

(کلینی، محمد، کافی، ج ۲، ص ۴۰۰).

در عصر حاضر نیز، آن بابی که هیچ عبادتی جز از طریق ولایت او پذیرفته نیست، وجود مقدس امام زمان روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء است.

در زیارت جامعه، خطاب به این بزرگواران می گوئیم:

ص: ۲۳۸

و بموالاتکم تقبل الطاعه المفترضه. با ولایت شما است که خداوند عبادات واجب را می پذیرد.

پس کسی که خدا را از غیر این باب، بندگی کند، خدا از او نخواهد پذیرفت. نماز و روزه و حج و زکات تنها با پذیرفتن ولایت قبول است.

امام صادق علیه السلام در نامه ای به مفضل بن عمر مرقوم فرمودند:

کسی که نماز خوانده، زکات بدهد، حج و عمره بجا آورد ولی معرفت آن کس که خدا اطاعت او را واجب ساخته است نداشته باشد، نه نماز خوانده، نه روزه گرفته، نه زکات داده، نه حج و عمره بجا آورده، نه از جنابت غسل کرده و تطهیر نموده، و نه حرامی را رها کرده و نه حلالی را حلال داشته است. برای او نماز نیست هر چند که رکوع و سجود کند، و برای او زکات و حجی نخواهد بود. تمام این اعمال با شناخت آن فردی انجام می شود که خداوند بزرگ با امر به اطاعت او بر

ص: ۲۳۹

مردم منت نهاده است. (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار ج ۲۷، ص ۱۷۵).

مضمون روایات گذشته در مجامیع حدیثی شیعه آن قدر زیاد است که فقهاء شیعه در آغاز کتب فقهی خویش، بابتی تحت عنوان «ابطال العبادة بدون ولایة الائمه علیهم السلام و اعتقاد امامتہم» گشوده اند. یعنی هر عبادتی که بدون ولایت ائمه و اعتقاد به امامت آنها انجام شده باشد باطل است. محدث بزرگ شیعه، مرحوم شیخ حر عاملی باب ۲۹ جلد اول از کتاب وسائل الشیعه خویش را به این مطلب اختصاص داده و در آن ۱۹ حدیث نقل نموده و محدث نوری در مستدرک الوسائل، ۶۶ حدیث دیگر به این مجموعه در این موضوع افزوده است.

پس از آنجائی که اولین شرط قبولی و کمال حج در هر زمان، شناخت حجت آن زمان است، از این رو در دوران غیبت بر منتظران واجب است نسبت به شناخت حجت خدا

ص: ۲۴۰



یعنی امام زمان روحی و ارواح العالمین لثراب مقدمه الفداء. اقدام نموده تا حج کامل و مقبول را تجربه نمایند. زیرا بر اساس روایات بسیاری که در کتاب های حدیثی آمده، عبادت و حج بدون ولایت نه تنها حج کامل نبوده، بلکه مورد قبول درگاه حق تعالی نیز نمی باشد. بنا براین در زمان غیبت، پذیرش حجّ الهی شرط قبولی اعمال، علاوه بر قبول ولایت است.

## انتظار فرج هم ؛ شرط قبولی اعمال است.

### اشاره

برابر بعضی از روایات، انتظار فرج، شرط قبولی اعمال است، از جمله روایات ذیل است .

۱- محمد بن ابراهیم النعمانی در کتاب الغیبه روایت کرده است که روزی امام صادق علیه السلام خطاب به اصحاب خود فرمودند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ، عَزَّ وَجَلَّ، مِنْ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ

ص: ۲۴۱

(رَسُولُهُ) وَ الْاِقْرَارُ بِمَا اَمَرَ اللّٰهُ، وَ الْوَلَايَةُ لَنَا، وَ الْبِرَائَةُ مِنْ اَعْدَائِنَا - يَعْنِي الْاَيْمَةَ خَاصَّةً - وَ التَّسْلِيمُ لَهُمْ، وَ الْوَرَعُ، وَ الْاجْتِهَادُ، وَ الطَّمَانِينَةُ، وَ الْاِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ. محمد بن ابراهيم النعماني، كتاب الغيبة، ص ۲۰۰، ح ۱۶. آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای، صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی پذیرد؟ گفتم: چرا فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته پرستشی جز خداوند نیست و اینکه محمد صلی الله علیه و اله بنده و فرستاده اوست، و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما، و بیزاری از دشمنانمان - یعنی خصوص امامان - و تسلیم شدن به آنان، و پرهیزکاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم علیه السلام. (بحار الانوار، ۱۴۰ / ۵۲ حدیث ۵۰ از غیبه النعمانی)

۲ - ثقه الاسلام الكليني در كتاب الكافي روايت مي كند كه روزي مردی بر حضرت ابو جعفر امام باقر عليه السلام وارد شد و حضرت صفحه ای در دست داشت؛ حضرت باقر عليه السلام به



امر ما، و پرهیزکاری و فروتنی، و انتظار قائم ما، که ما را دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد آن را خواهد آورد.

۳- شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از «عبدالعظیم حسنی» روایت می کند که: روزی بر آقایم محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن ابی طالبعلیهم السلام وارد شدم و می خواستم که درباره قائم از آن حضرت سؤال کنم که آیا همان مهدی است یا غیر او پس خود آن حضرت آغاز سخن کرد و به من فرمود:

يا ابا القاسم، انَّ القائمِ مِنَّا هُوَ المَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ انْ يُنتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ، وَ هُوَ الثَّالِثُ مِن وُلْدِي. کمال الدین و تمام النعمه، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱.

ای ابوالقاسم! بدرستی که قائم از ماست و او است مهدی که واجب است در

(زمان) غیبتش انتظار کشیده شود و در(زمان) ظهورش اطاعت گردد، و او سومین (امام) از فرزندان من است.

ص: ۲۴۴

روایات یاد شده و بسیاری روایات دیگر- که در این مجال فرصت طرح آن ها نیست- همگی بر لزوم انتظار حضرت قائم در دوران غیبت دلالت می کند، اما حال باید دید که انتظار- که این همه بر آن تاکید شده و یکی از شرایط اساسی اعتقاد اسلامی شمرده می شود- چه فضیلتی دارد و در کلام معصومین علیهم السلام از چه جایگاهی برخوردار است.

### روایتی درباره ایام غیبت و دعا در آن.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ لِلْعَلَمَاءِ غَيْبَهُ قَبِيلَ أَنْ يَقُومَ قَالِ قُلْتُ وَلِمَ قَالِ يَخَافُ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ ثُمَّ قَالَ يَا زُرَّارَهُ وَهُوَ الْمُنتَظَرُ وَهُوَ الَّذِي يُشَكُّ فِي  
وَلَادَتِهِ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ مَاتَ أَبُوهُ بَلَا خَلْفٍ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ حَمْلٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ إِنَّهُ وُلِدَ قَبْلَ مَوْتِ أَبِيهِ بِسَنَتَيْنِ وَ هُوَ الْمُنتَظَرُ غَيْرَ  
أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ الشَّيْعَةَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ

ص: ۲۴۵

الْمُبْطِلُونَ يَا زُرَّارَهُ، قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ أَيْ شَيْءٍ أَعْمَلُ قَالَ يَا زُرَّارَهُ إِذَا أَدْرَكْتَ هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ  
بِهَذَا الدُّعَاءِ:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ  
حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي (كليني، محمد، كافي، ج ۱، ص ۲۳۷).

برای آن جوان پیش از آنکه قیام کند، غیبتی است، عرض کردم: چرا؟ فرمود: میترسد- و با دست اشاره بشکم خود کرد-  
(یعنی میترسد شکمش را پاره کنند) سپس فرمود: ای زراره! اوست که چشم براهش باشند، و اوست که در ولادتش تردید  
شود: برخی گویند: پدرش بدون فرزند مرد، و برخی گویند: در شکم مادر بود (که پدرش وفات یافت و سپس هم دنیا نیامد)  
و برخی گویند: دو سال پیش از وفات پدرش متولد شد و اوست که در انتظارش باشند ولی خدای عز و جل دوست دارد شیعه  
را بیازماید.

ص: ۲۴۶

در زمان (غیبت) است ای زراره که اهل باطل شک می کنند، زراره گوید: من عرض کردم، قربانت، اگر من به آن زمان رسیدم چکار کنم؟ فرمود: ای زراره: اگر به آن زمان رسیدی، با این دعا از خدا بخواه:

«خدایا خودت را به من بشناسان، زیرا اگر تو خودت را به من نشناسانی، من رسالت را نشناسم. خدایا تو پیغمبرت را به من بشناسان، زیرا اگر تو پیغمبرت را به من نشناسانی، من حجت تو را نشناسم. خدایا حجت خود را به من بشناسان، زیرا اگر تو حجت را به من نشناسانی، از طریق دینم گمراه می شوم».

در روایت فوق امام صادق علیه السلام از جمله وظایف مهم منتظران در دوران غیبت را ذکر دعایی می داند که در آن اشاره به شناخت امام زمان روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء. شده است. شاید اختصاص پیدا کردن این دعا به دوران غیبت به این جهت باشد که در دوران پنهان زیستی امام، معرفت به او

بخاطر فقدان ظاهری ایشان سخت تر از دوره های دیگر است.

پس این راه سخت را همه ما باید به پیمائیم.

پرسش: عدم قبولی اعمال کسی که به ولایت اعتقاد نداشته باشد با عقل جور در نمی آید. ممکنه یک فرد مسیحی یا ..... باشه یعنی اگه خوبی به کسی بکنه (مانند مخترعین) در دیدگاه خدا نادیده گرفته میشه، بر خلاف عقل و عدالت است!؟

پاسخ: این سؤال را قبلا توضیح دادم مضافا بر آن اگر یک شخص به امامت اعتقاد نداشته باشد را می توان به دو دسته تقسیم کرد.

الف: می داند ولایت و امامتی هست و خداوند گفته باید به آن ایمان داشته باشیم ولی با این همه مخالفت می کند و در برابر خواست خدا می ایستد، در این صورت اعمال عبادی او

ص: ۲۴۸



و اعمالی که برای خداوند انجام می دهد طبق آیات و احادیث مورد قبول واقع نمی شود:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا تُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ (هود: ۸) کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در همین دنیا بطور کامل به آنها می دهیم و چیزی کم و کاست از آنها نخواهد شد! (ولی) آنها در آخرت، جز آتش، (سهمی) نخواهند داشت و آنچه را در دنیا (برای غیر خدا) انجام دادند، بر باد می رود و آنچه را عمل می کردند، باطل و بی اثر می شود!

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ شُورَا : ۲۰

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می دهیم و بر محصولش می افزاییم؛ و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می دهیم اما در آخرت هیچ بهره ای ندارد!

این گونه آیات شریفه، برای ما نتیجه اعمال ما را روشن

میکند.

عمل آدمی هر طور که باشد تنها آن نتیجه ای را که منظور آدمی از آن عمل است به او می دهد، اگر منظورش نتیجه ای دنیوی باشد نتیجه اش در دنیا، عائدش می شود.

و اگر نیتش صرفاً برای به دست آوردن رضای خدا باشد، نتیجه اش را هم در دنیا و هم در آخرت خواهد دید.

به همین جهت است که در آیات و روایات اعمال را به صالح و طالح و نیک و بد، تقسیم نموده است.

ب: نمی داند ولایت و امامتی هست و در واقع جاهل غیر مقصر است و یا در محیطی زندگی می کند که ازین گونه تکالیف، به گوشش نخورده و در این مورد، از همه جا بی خبرست، در این صورت ازینجهت عقابی متوجه او نخواهد شد.

از نظر اسلام، نفس عمل به تنهایی کافی نیست، بلکه عمل اگر برای خود نمائی و حفظ موقعیت باشد، هر چند بزرگ و با

ص: ۲۵۰

عظمت باشد، برایش نفعی نخواهد داشت.

ولی به عکس اگر کسی کار کوچکی انجام دهد با اخلاص تمام و انگیزه ای صددرصد انسانی و روحانی، برایش عفو و بخش خداوندی را، در پی خواهد داشت.

دلیل این مسأله علاوه بر حکم عقل، اشاراتی است که در آیات یا روایات آمده است:

آیه فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ: زلزله/۸-۷. هر کس به اندازه سنگینی ذره ای کار نیک کند آن را می بیند- و هر کس به مقدار ذره ای کار بد کند آن را خواهد دید. به وضوح شامل چنین اشخاص می شود.

در حدیثی از علی بن یقظین از امام کاظم علیه السلامی خوانیم: در بنی اسرائیل مرد باایمانی بود که همسایه کافری داشت. مرد بی ایمان نسبت به همسایه باایمان خود نیک رفتاری می کرد. وقتی از دنیا رفت خدا برای او خانه ای بنا کرد که مانع از گرمای آتش شود ... و به او گفته شد: این به

ص: ۲۵۱

سبب نیک رفتاریت نسبت به همسایه مؤمنت می باشد(ر.ک، تفسیر نمونه ، ج ۱۰ ص ۳۳۹-۳۴۴ با دخل و تصرف ،

حال برای تأیید این اعتقاد به روایات ذیل و تعیین گروه نجات از هفتاد فرقه را توجه نمائید.

## رستگاران از ۷۳ ملت

فرقه ناجیه از ۷۳ فرقه

در باره پیشگوئیهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، روایات زیاد به دست ما رسیده است که با گذشت زمان فرد فرد آنها تحقق یافته و مصداق پیدا کرده و خواهد کرد.

هرکس به منابع و مدارک آنها مراجعه نماید، می داند که این سخنان دریافت شده از درگاه ربوبی، بتدریج محقق شده و با مرور زمان انجام می شود.

ص: ۲۵۲

برای اطلاع از این جریانها به کتاب (اسلام فراتر از زمان) که در این مورد تألیف گردیده، مراجعه نماید.

حال به تعدادی از آیات و روایات، که از کتاب (ازمباهله تا عاشورا) بخش ۲ ص ۱۵۲ بعد می آورم توجه نمائید.

۱ - وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ آل عمران : ۱۴۴ . محمد فرستاده خداست؛ و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ اگر او بمیرد و یا کشته شود؛ آیا شما به عقب بر می گردید؟! (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر باز گشت خواهید نمود؟! و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی رساند و خداوند بزودی شاکران ( و استقامت کنندگان ) را پاداش ( نیک ) خواهد داد .

۲ - وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ ، وَ لَكِنْ اِخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ ، وَ لَوْ

ص: ۲۵۳

شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ از بقره : ۲۵۳. این آیه استدلال کرده اند بر اختلاف اصحاب بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعضیها پس از اختلاف ایمان آوردند و بعضی کافر شدند چون شیعه و سنی به اتفاق

این روایات را در کتابهای خود پذیرفته اند که آنحضرت فرمود :

۳- و الذی نفسی بیده لترکبن سنن من کان قبلکم حذو النعل بالنعل و القذہ بالقذہ. قسم به کسی که جان من در دست قدرت اوست، سر گذشت پیشینان را گام به گام و مو به مو، سوار خواهید شد (همه آن سرگذشتها بر شما نیز خواهد گذشت).

۴- و قال : رسول الله صلی الله علیه و آله کلّ ماکان فی الأمم السّالفه فإِنَّه یكون فی هذه الأُمَّه مثله حذو النّعل بالنّعل و القذّه بالقذّه تمامی آنچه در امتهای گذشته بود مو به مو (مانند گذاشتن اسب پای عقبی را به جای پای جلوئی) در این امت نیز مثل آن پیش

ص: ۲۵۴

خواهد آمد .

این دو روایت را دانشمندان زیادی از اهل سنت روایت کرده اند مانند ؛ مسند أحمد : ۲ / ۵۲۷ و ۴ / ۱۲۵ ؛ صحیح بخاری : ۴ / ۱۴۴ ( ط دار الفکر ) ؛ مستدرک حاکم : ۱ / ۳۷ و ۱۲۹ ( ط دار المعرفه ) ؛ نهائیه ابن اثیر : ۱ / ۳۵۷ ص ؛ کنز العمال : ۱ / ۲۱۱ و ۱۱ / ۲۵۳ ؛ شرح نهج البلاغه : ۹ / ۲۸۶ ؛ و همان دو روایت رت در کتابهای شیعه نیز فراوان آورده اند بلکه به صحت آن حکم نموده اند مانند کتاب إعلام الوری : ص ۴۷۶ ؛ كشف الغمیه : ۲ / ۵۴۵ ؛ مختصر بصائر الدرجات : ص ۲۰۵ ؛ تأویل الایات : ص ۴۰۲ ؛ الصوارم المهرقه : ص ۱۹۵ .

۵- لاتقوم الساعة حتى تأخذ أمتي ما أخذ القرون قبلها شيراً بشير و ذراعاً بذراع. منار الهدى: ص ۴۹۷ از صحیح بخاری .

لترکبن لتتبعن سنن من كان قبلکم شيراً بشير و ذراعاً بذراع صحیح الترمذی: کتاب الفتن باب ۱۸ ؛ منار الهدی: ۴۹۸ .

رستاخیز برپا نمی شود، تا امت مرا، فراگیرد چیزهائی که امتهای را در قرن های گذشته فرا گرفت، و جب به جب و ذراع به ذراع (حتماً به شما پیش خواهد آمد و بر شما سوار خواهد

ص: ۲۵۵

شد جریانهای کسانی که پیش از شما می زیستند و جب به وجب و..

در منابع حدیثی زیاد، این روایت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله با تعابیر متفاوت آورده اند بگونه ای که مورد قبول فریقین (شیعه و سنی) قرار گرفته است .

که آن حضرت فرمود:

۶- ستفترق أمتی بعدی ثلاثه و سبعون فرقه، واحده منها ناجیه ثنتان و سبعون فی النار اتم بعد از مرگ من به ۷۳ دسته تقسیم می شود همگی در آتشند و (فقط) یک دسته از آنها رستگارانند .

الرسائل العشر شیخ طوسی: ص ۱۲۷؛ مستلثان فی النص علی علی علیه السلام شیخ مفید: ۲ / ۳۰؛ الأعلام خیر الدین زرکلی: ص ۵۳؛ کنزالفوائد کراچکی: ص ۲۹۷؛ بحار الأنوار: ۲ / ۳۱۲؛ تأویل الایات شرف الدین الحسینی: ص ۱۹۰؛ مبادئ الوصول علامه حلّی: ص ۲۱۵؛ السقیفه محمد رضاالمظفر: ص ۳۲؛

و منابع زیاد از فریقین .

ص: ۲۵۶



۷- قال صلى الله عليه و آله افترقت اليهود على احدى و سبعين فرقه و افترقت النصارى اثنتين و سبعين فرقه و تفرقت أمتي على ثلاث و سبعين فرقه كلهم فى النار الا واحده يهود بر هفتاد و يك فرقه و نصارا هفتاد و دو فرقه تقسيم شدند ، أمت من نیز به هفتاد و سه فرقه تقسيم می شوند ، همه این فرقه ها در آتشند جز يك فرقه .

مستدرک حاکم : ۱ / ۱۲۸ ؛ الفرق بين الفرق ، عبدالقادر بغدادی : ص ۷ و ۸ صحابه از دیدگاه نهج البلاغه : ص ۱۱ .

البته شناخت این گروه رستگار از هفتاد و سه ملت مسلمان برای ما بسیار حائز اهمیت است ، متأسفانه ناقلان حدیث و شارحان آنها به توضیح این قسمت ، از خود عنایتی نشان نداده اند ، تا آنجا که شیخ محمد عبده پیشوای اهل سنت انگشت حیرت به دندان گرفته می گوید: گروه رستگار تاکنون برای من معلوم نشده ، زیرا تمام فرق اسلامی بر آن ادعا دارند.

صحابه از دیدگاه نهج البلاغه : ص ۱۱ بنقل از تفسیر المنار : ۸ / ۲۲۱- ۲۲۲ .

ص: ۲۵۷

روایت فوق کدام گروه را مورد توجه قرار داده است، کسانی را که دنباله رو بنی تیم و یا بنی عدی و بنی امیه و بنی العباس و.. بودند؟! یا آنهایی که بدون میل به یمن و یسار، صرفاً دامن ذریّه صلی رسول خدا صلی الله علیه و آله را گرفته و سوار بر کشتی های نجات خاندان او شده و از امواج خطرناک دریای ژرف و مخوف، تبلیغات و افکار گمراه کننده فرزندان نوزاد سقیفه، عبور کرده و بدون توجه به فشارهای شکننده جسمی و روحی آنها در طول تاریخ، خود را به ساحل نجات رسانیدند و می رسانند و انشاء الله خواهند رساند .

۷-ستفترق أمتی ثلاثه و سبعین، فرقه منها ناجیه و الباقون هالکون، و النّاجون الّذین يتمسّکون بولایتکم و یقتبسون من علمکم و لا یعملون برأیهم فأولئک ما علیهم من سبیل وسائل الشّیعه: ۲۷ / ۵۰ و ۱۸ / ۳۱؛ بحار الأنوار: ۳۶ / ۳۳۶.

قال علیّ علیه السلام هم أنا و شیعتی مناقب آل ابیطالب ابن شهر آشوب: ۲ / ۲۷۰ . الباقین علیهما السلام قالوا نحن هم مناقب آل ابیطالب ابن شهر آشوب: ۲ /

به زودی امت من به ۷۳ فرقه متفرق می شود یک فرقه از آنها رستگار است و باقی ها به هلاکت می رسند و رستگارها کسانی اند که به ولایت شما چنگ بزند و از علم شما استفاده کنند و به رأی خود عمل نکنند، آنها ایند که (برای سوخته شدن) آنها، راهی نیست؛

در روایت دیگر علی علیه السلام فرمود: آنها یعنی فرقه ناجیه من و شیعیانم هستند، و امام باقر و صادق علیهما السلام فرمودند: ما آن فرقه ناجیه هستیم.

روایتی که متفق علیه فریقین است پیامبر فرمود:

۸- أهل بيتي كمثل سفينة نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق نورالبراهین سید نعمه الله جزائری: ۱ / ۶۲ و کتابهای فراوان دیگر.

اهل بیت من مانند کشتی نوح است، هر که سوار آن شود نجات یابد و اگر تخلف کند غرق می شود. أمثال این روایات فرقه ناجیه را دقیقاً تعیین نموده است، دیگر برای شیخ محمد

عبده و امثال او اگر منصفانه بررسی کنند ابهامی باقی نخواهد ماند؛ البته توجه داشته باشید این روایت ها مؤید روایات زیاد (ولایت امیرمؤمنان علیه السلام شرط قبولی اعمال است) می باشد اگر کسی این دو قسمت از روایات را، کنار هم گذاشته با دقت و منصفانه، مطالعه نماید، هیچ تردیدی برایش باقی نمی ماند آنهایی که دامن اهل بیت رسول خدا را گرفتند، بدون شبهه رستگار شدند.

خدایا به احترام این مقربین در گاهت ما را در دنیا و آخرت از اینها جدا نفرما آمین یارب العالمین.

وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ لَا سَيِّمًا عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَحِجَّتِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ رُوحِي وَأَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ص: ۲۶۰

## اشعاری چند در باره مولا امیر مؤمنان علی علیه السلام

شعر از سید محمد حسین شهریار

علی آن شیر خدا شاه عرب ألفتی داشت با این دل شب

شب ز اسرار علی آگاه استدل شب محرم سرالله است

شب علی دید به نزدیکی دید گرچه او نیز به تاریکی دید

شب شفته است مناجات علی جوشش چشمه عشق ازلی

شاه را دید به نوشینی خواب روی بر سینه دیوار خراب

قلعه بانی که به قصر أفلاک سر دهد ناله زندانی خاک

ص: ۲۶۱

اشگباری که چو شمع بیزار میفشاند زر و می گرید زار  
دردمندی که چو لب بگشاید در و دیوار به زینهار آید  
کلماتی چو دُر آویزه گوش مسجد کوفه هنوزش مدهوش  
فجر تا سینه آفاق شکافت چشم بیدار علی خفته نیافت  
روزه داری که به مهر اسحار بشکند نان جوین افطار  
ناشناسی که به تاریکی شب می برد شام یتیمان عرب  
پادشاهی که به شب برقع پوش می کشد بار گدایان بردوش

ص: ۲۶۲

تا نشد پردگی آن سرّ جلی نشد افشاکه علی بود علی  
شاهبازی که بیال و پر راز می کند در ابدیت پرواز  
شهبواریکه بپرق شمشیر در دل شب بشکافد دل شیر  
عشقبازی که هم آغوش خطر خفت در خوابگه پیغمبر  
آن دم صبح قیامت تأثیر حلقه دَرشد از او دامنگیر  
دست در دامن مولا زد دَر که علی بگذر و از ما مگذر  
شال شه و اشد و دامن بگرو زینبش دست به دامن که مرو

ص: ۲۶۳

شال می بست و ندائی مبهم کمر بند شهادت ببندد محکم

پیشوائی که زشوق دیدار می کند قاتل خود را بیدار

ماه محراب عبودیت حق سر به محراب عبادت منشق

می زند پس لب او کاسه شیر می کند چشم اشارت به اسیر

چه اسیری که همان قاتل اوست توخدائی مگر ای دشمن دوست

در جهانی همه شور و همه شرها علیٰ بشر کیف بشر

کفن از گریه غسل گریست پیرهن از رخ وصال گریست

ص: ۲۶۴



## مناجات

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدارا که به ما سوی فکندی همه سایه همارا  
دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من بخدا قسم خدا را  
بخدا که در دو عالم اثر از فنا ماند چو علی گرفته باشد سر چشمه بقارا  
مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ به شرار قهر سوزد همه جان ما سوی را

ص: ۲۶۵

---

۱- (۱) دیوان شهریار: ص ۶۰۴. در (ساعت ۳/۵- ۵/۱۱ / ۱۳۶۲ هجری شمسی؛ در منزل دوست عزیز آقای حاج اصغر رشیدی  
نظامی در فلکه صادقیه تهران نسخه برداری شد)

برو ای گدای مسکین درِ خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گذارا  
به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من من چو اسیر تو ست اکنون به اسیر کن مدارا  
به جز از علی که آرد پسر ابوالعجائب که علم کند به عالم شهدای کربلا را  
چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان چو علی که می تواند که به سر برد وفارا  
نه خداتوانمش خواند نه بشرتوانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را  
بدو چشم خونفشانم هله ای نسیم رحمت که ز کوی او غباری بمن آر توتیارا  
به امید آنکه شاید برسد بخاکپایت چه پیامها سپردم همه سوز دل صبارا

چوتوئی قضایگردان بدعای مستمندان که زجان دوست بگردان ره آفت قضارا  
چه زخم چونای هر دم زنوای شوق اودم که لسان غیب خوشتر بنواز داین نوارا  
همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنائی بنوازد آشنا را  
زنوای مرغ یاقق بشنو که در دل شب غم دل بدوست گفتن چه خوشست شهریارا

(۱)

### گزیده ای از اشعار ولایت در معراج

از کتاب «امام علی (علیه السلام) در آینه معراج» نوشته علیرضا زکی زاده رنانی

ص: ۲۶۷

---

۱- (۱) دیوان شهریار: ص ۶۷۶.

گفتگو داریم در معراج باز چونکه باشد مبحثش جای نیاز  
منکر آن کرده تکذیب رسول زاهل حق آن کس نمی گردد قبول  
ز اعتقادات است معراج نبی کرد مهمانی خدا او را شبی  
خواست بنماید جمال احمدی بر ملایک آن جلال سرمدی  
حق نماید بر حبیبش بس عجیب و ز جلال کبریایی بس غریب  
تا که در برگشت، ختم انبیاء کرده آنها را به امت رهنما  
جمله افزایند بر ایمان و دین از جلال و فضل ختم المرسلین

ص: ۲۶۸

نه چنانست که خدا در آسمان یا زمین باشد چوجسمی در مکان

پس توسبحان الذی أُسرى بخوان سرّ من آیاتنا را هم بدان

سیر دادش حق درعالمهای خود آگهش فرمود از بود و نبود

مقصد از معراج، تعریف علیست امرِ تأکید ولایت از ولی است

حق تعالی با زبان مرتضی هم سخن شد با حبیبش مصطفی

از همه اسرار آگاهش نمود آنچه را در شأن غیر او نبود

بس سفارش کرد در فضل علی از جلال و از کمال آن ولی

ص: ۲۶۹

آگهی دادش ز ناموس خدا آنچه بر زهرا دهد امت روا  
دید آن حضرت بهشت و نار را مزد خوبان، کیفر بدکار را  
سیر فرمود از زمین کربلا دید در آن مقتل شاه هدا  
بر گرفت از تربت اعلائی او از مزار و مرقد والای او  
آن امانت را به امّ السّلمه داد بر گرفت آنرا و در شیشه نهاد  
گفت بانو، ای رسول کردگار این چه خاک و تربتست در روزگار  
آگهی دادش رسول از ماجرا تا که باشد آن نشان کربلا

ص: ۲۷۰

بود این مطلب که تا عزم عراق کرد مولانا حسین (علیه السلام) با اشتیاق

ام سلمه می نمود در آن نظر می گرفت هر روز زان تربت خبر

تا که روزی دید آن گردیده خون زان مصیبت گشت حالش واژگون

با خبر شد از شهید نینوا که حسینش کشته گشته از جفا

از غمش شد دیده گریان دل بجوش روز و شب گردید زاه غم در خروش

تا که آمد آن خبر از کربلا در مدینه بانگ غوغا شد به پا

ص: ۲۷۱

زان مصیبت هم (مقدم) (۱) زد به سر تا مزار شاه دین گیرد به بر

در شبِ معراج خلوتگاه دوست خلوت حق باحبیبش خوش نکوست

تا بقاب قوسین او آدنی رسید نور ایزد بر همه عالم دمید

یک صدای دلربا آمد بگوش که از آن مستان همه آیند بهوش

زنده می گردد از آن دلهای پاک گر که آید یک صدا بر اهل خاک

ص: ۲۷۲

---

۱- (۱). سید محمد تقی مقدم



آشنا آمد به گوش مصطفی وه چه صوتی چون صدای مرتضی  
گفت یارب این تویی گویی سخن یا که می باشد علی در انجمن  
نیست مانندش صدایی دلنشین در همه عالم صدایی به ز این  
حق تعالی گفت این نه از منست از برای من نه جسم ونه تن است

ص: ۲۷۳

چونکه یا احمد حبیب تو علیست بر زبان او کلام حق جلیست  
دوست تر کس را نداری از علی بر صدای او سخن آمد جلی  
نی توان کردن به من کس را قیاس من ننگجم در عقول و در حواس  
چونکه بر گشتی دوباره بر زمین گشتی همره باز با حبل المتین  
می رسانی بر علی از من سلام چون ولی الله می باشد مدام  
پس علی باشد امیرالمؤمنین در سما همراه خیر المرسلین  
در زمین همواره یار و یاورش هم برادر، زوج پاک دخترش  
دوستدار اوست هر نیکو سرشت حب او باشد مسانید بهشت  
دشمن او جای دارد در سقر گرچه باطاعت رود عمرش به سر

آنچه آورده مقدم در قلم از مضامین حدیث آمد رقم

(۱)

مصطفی شاه ملک امکانی اولین موج بحر یزدانی

در شب قرب واجب از دامان چون برافشانند گرد امکانی

سم رخشش حجاب نه گردون کرد منشق ز گرم جولانی

این عجب بین ک آنبش اشیا را دادجشمش عروج روحانی

هست یعنی حقیقت هر شیء ظلّ آن جسم پاک نورانی

ص: ۲۷۵

---

۱- (۱). سید محمد تقی مقدم.

تابقوسین و قاب، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گشت عارج بجسم ربانی

سرحد آن کمال شنو کاینک من ترا گویم ار سخندانی

تا بواجب چون دوره پرگار کن تصور تو دور امکانی

جامع دوره را نبوت دان بر نبوت دو وجه ارزانی

وجه أدنی ظهور اوست بر او در رسالت بنص قرآنی

وجه اعلی بطون اوست که هست آن ولایت بصدق عرفانی

والی آن ولایت است علی وجه یزدان ولی سبحانی

ص: ۲۷۶

هستی ممکنات سر تا سرفرع جسم نبی است تا دانی  
چونکه اول بسیط در خود بود منبسط شد بخویش در ثانی  
چون شدش دوره تجلی طی هشت پا در حریم سلطانی  
عکس وجه ولایتش در دم یافت آنجا چنانکه می دانی  
اندر آن بزم الغرض چون حق کرده بُد دعوتش به مهمانی  
خوانی آندم زغیب شد حاضر از نعیم سرای سبحانی  
دستی از آستین غیب برون آمد او را برسم همخوانی

ص: ۲۷۷

دید دستی که داد با او دست بهر پیمان به امر یزدانی

پیش از ایجاد عالم و آدم بود کاخ وجود را بانی

با پیمبر علی اعلی گفت در ثنای علی عمرانی

که حقیقت به ملک هستی شاه نیست غیر از علی ولی الله

«صفی عیشاه»

کند ثابت حدیث قدسی این فرخنده معنا را که یزدان در عبودیت ربوبیت دهد ما را

ز آدم تا به خاتم چون امیرالمؤمنین حیدر طریق بندگی نسپرده کس معبود یکتا را

اگر کنه عبودیت ربوبیت بود یاران برای من کنید از بهر حق حل این معما را

ص: ۲۷۸

به قرآن آیه میمون سبحان الذی أسری نماید شمه یی از فضلش آگه مرد دانا را  
خدا فرموده تا بنمایمش آیات خود بر دم سوی معراج از روی زمین سلطان بطحا را  
امیرالمؤمنین فرموده در تفسیر این آیه نباشد آیتی اکبر ز من ایزد تعالی را  
مرحوم صغیر اصفهانی

شبی بعبادت روز شباب عیش آور شبی به سیرت صبح وصال جان پرور  
شبی زبسکه زمین روشن از فروغ نجوم و برگ لاله عیان از درون سنگ شرر  
رسول امی مشکوی ام هانی را نموده از رخ و لب رشک جنت کوثر

ص: ۲۷۹

که جبرئیل امین و خجسته پیک خدای به امر ایزد دادار حلقه زد بر در  
ز بانگ حلقه سر حلقه انام ز شوق بسان حلقه ندانست پای را از سر  
خطاب کرد به جبرئیل کای امین خدای بگو پیام چه داری ز حضرت داور  
جواب دادش جبرئیل کای پیمبر پاک تو خود پیام دهی و تو خود پیام آور  
سخن ز دل بزبان و زبان بدل گذرد در این میانه زبان منهی است فرمان بر  
اگرچه آینه خالی بود ز صورت شخص بود بواسطه شخص، شخص را مظهر  
بُراز شکوفه برون آید و شکوفه ز شاخ گمان خلق چنان کز شکوفه خیزد بر

ص: ۲۸۰



ثمر نهفته اصل است و آشکار ز فرع کنون تو اصلی و من فرع و سر و حی ثمر

گرت هوس که زمن بشنوی حکایت خویش درون آینه حق نمای من بنگر

ولی چو آینه من محیط ذات تو نیست حکایتش ز تو ناقص نماید و ابتر

من و ملایک سکان آسمان و زمین تمام مظهر ذات تویم ای سرور

کنون مجال سخن نیست بر نشین به براق کز انتظار تو بس دیده است در معبر

همی بر آمد و چون برق بر براق و نخست به بیت مقدس چون پیک و هم کرد گذر

وزان بمسجد اقصی چمید و شد زکرم خجسته روح رسل را بسوی حق رهبر

ص: ۲۸۱

فرود پایه و بخشید مایه داد فروغ به هر فرشته بر آسمان به هر اختر

بسدره ماند ز ره جبرئیل ز آنگونه که باز ماند از پیک عقل پیک نظر

رسول گفتش که ای طایر حظیره قدس سبب چه بود که کردی بشاخ سدره مقرر

جواب دادش که ای محرم حریم وصال من ار فراتر پرم بسوزدم شهپر

تویی که داری در کاخ لی مع الله جای تویی که داری از تاج لا بسر افسر

تو نیز هستی خویش اندر این محل بگذر بسیج بزم بقا کن وزین فنا بگذر

براق عقل رها کن بران به ررف عشق که عقل را نبود با فروغ عشق اثر

ص: ۲۸۲

به پشت رفر ف بر شد نبی ز پشت براق چنانکه مرغ ز شاخ نگون به شاخ زبر  
ز سدره شد به مقامی که بود بیگانه در آن مقام تن از جان و جانش از پیکر  
صعود کرد به اوجی کزان نبود هبوط رجوع یافت به ملکی کزان نبود سفر  
از سدره صد ره برتر چمید از پی آنک ز سدره آید و از جیب لا بر آرد سر  
دو قوس دایره در ملتقای نقطه او سر زد و سو بهم آورد چون خط پر گر  
به عالمی شد ک آنجا نه اسم بود و نه رسم بمحفلی شد ک آنجا نه خواب بود و نه خور  
وجود شاهد و مشهود اتحاد گرفت چو اتحاد فروغ بصر بذات بصر

شنیده ام که نبی آنشب از ورای حجاب بگوشش آمد آواز حیدر صفدر

«قآنی»

ص: ۲۸۴

## منابع كتاب:

١- قرآن كريم.

٢- نهج البلاغه.

(الف)

٣- الاربعون حديثاً، منتجب الدين بن بابويه،

٤- الأربعين في إمامه الأئمة الطاهرين: شيخ محمد طاهر قمى، يك مجلد، تحقيق، السيد مهدي رجائي، الناشر: المحقق، ١٤١٨ ق.

٥- الأربعين حديثاً في إثبات إمامه امير المؤمنين (عليه السلام): شيخ سليمان بن عبدالله الماحوزي البحراني، ، يك مجلد، تحقيق السيد مهدي رجائي، ناشر: المحقق، ١٤١٧ ق.

٦- الإحتجاج: ابو منصور احمد بن على طبرسى، يك جلد، نشر مرتضى، مشهد مقدس، ١٤٠٣ ق.

٧- الاصابه في تميز الصحابه: أحمد بن على بن حجر

ص: ٢٨٥

العسقلاني، ، دار الكتب العلميه بيروت.

٨-الأمالى: شيخ صدوق، يك جلد، انتشارات كتابخانه اسلاميه، ١٣٦٢ شمسى.

٩-الأمالى: شيخ طوسى، ، يك جلد، انتشارات دارالثقافه قم، ١٤١٤ ق.

١٠-الأمالى: شيخ مفيد، يك جلد، انتشارات كنگره جهانى شيخ مفيد قم، ١٤١٣ ق.

١١-الامام على (عليه السلام): حاج حسين شاكرى، چاپ اول ١٤٢١ ق، ناشر: مؤلف.

١٢-الامام على (عليه السلام): أحمد رحمانى همدانى، يك مجلد،

١٣-الإحتجاج: ابو منصور احمد بن على طبرسى، يك جلد، نشر مرتضى، مشهد مقدس، ١٤٠٣ ق.

١٤-الاصابه فى تميز الصحابه: أحمد بن على بن حجر العسقلانى، ، دار الكتب العلميه بيروت.

١٥-الأمالى: شيخ صدوق، يك جلد، انتشارات كتابخانه اسلاميه،

۱۶- الأمالی: شیخ طوسی، ، یک جلد، انتشارات دارالثقافه قم، ۱۴۱۴ ق.

۱۷- الأمالی: شیخ مفید، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ ق.

المنیر للطباعه و النشر تهران، الطبعه الاولی، ۱۴۱۷ق.

۱۸- الامام الثانی عشر: سید محمد سعید موسوی آل صاحب العبا، یک جلد، انتشارات مکتبه نینوی الحدیثیه کربلا.

۱۹- الامام الحسین (علیه السلام) فی احادیث الفریقین من قبل الولاده الی بعد الشهاده: سید علی موحد ابطحی اصفهانی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق، ناشر: مؤلف.

۲۰- البدایه و النهایه، ابن کثیر دمشقی، بیروت، مکتبه المعارف،

۲۱- البدایه و النهایه، متقی هندی،

۲۲- البیان فی تفسیر القرآن، ابوالقاسم خوی، .

۲۳- التاریخ الکبیر: محمد بن اسماعیل بن ابراهیم البخاری، نه

مجلد، الناشر: المكتبة الاسلاميه ديار بكر.

٢٤- التحصين: سيد على بن موسى بن طاوس، يك جلد، مؤسسه دارالكتاب، قم، ١٤١٣ ق.

٢٥- التسهيل / تاليف كلبى

٢٦- التمهيد فى علوم القرآن، محمد هادى معرفت.

٢٧- الثاقب فى المناقب؛

٢٨- الثقات: محمد بن حبان التميمى، نه مجلد، نشر مؤسسه الكتب الثقافيه الهند، الطبعة الاولى ١٣٩٣ ق.

٢٩- الجرح و التعديل، الرازى، شيخ الاسلام، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٧١.

٣٠- الجواهر السنيه فى الاحاديث القدسيه: محمد بن الحسن بن على بن الحسين الحر العاملى، منشورات مكتبه المفيد، قم ايران.

٣١- الخرائج و الجرائح، قطب الدين راوندى، سه جلد، مؤسسه امام مهدي (عج)، قم، ١٤٠٩ ق.

٣٢- الخصال، شيخ صدوق، دو جلد در يك مجلد، انتشارات

ص: ٢٨٨



جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ق.

۳۳- السیره النبویه، ابن کثیر قرشی دمشقی، ابوالفداء اسماعیل، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالمعرفه،

۳۴- الشهب الثواقب فی رجم شیاطین النواصب: شیخ محمد آل عبدالجبار، یک جلد، انتشارات الهادی قم، ۱۴۱۸ ق.

۳۵- الصراط المستقیم: علی بن یونس نباطی بیاضی، سه جلد در یک مجلد، چاپ کتابخانه حیدریه نجف، ۱۳۸۴ ق.

۳۶- الصواعق المحرقة ابن حجر مکی،

۳۷- الضعفاء الکبیر: العقیلی، چهار مجلد، تحقیق الدكتور عبدالمعطی أمين قلعجی، نشر دار الکتب العلمیه

۳۸- الطبقات الکبری: محمد بن سعد، هشت مجلد، نشر دار صادر، بیروت.

۳۹- الطرائف: سید علی بن موسی بن طاوس، یک جلد، چاپخانه خیام قم، ۱۴۰۰ ق.

۴۰- العقلیه و الفواطم: حاج حسین شاکری، یک جلد، ناشر:

ص: ۲۸۹

مؤلف.

- ٤١- العلل المتناهيه فى احاديث الواهيه: ابن جوزى، ابوالفرج عبدالرحمن، بيروت، دارالكتب العلميه،
- ٤٢- العمده: ابن بطريق يحيى بن حسن حى، يك جلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، ١٤٠٧ق.
- ٤٣- العقائد الاسلاميه: على كورانى عاملى، چهار جلد، چاپ اول، مركز المصطفى للدراسات الاسلاميه.
- ٤٤- الغدير، علامه امينى، يازده مجلد، نشر دار الكتب العربى بيروت، ١٣٧٩ ق.
- ٤٥- الغيبه: شيخ طوسى، يك جلد، مؤسسه معارف اسلامى، قم، ١٤١١ق.
- ٤٦- الغيبه، محمد بن ابراهيم النعمانى،
- ٤٧- الفايق: زمخشرى،
- ٤٨- الفصول المهمه: تاليف ابن صباغ مالكى
- ٤٩- الفضائل: شاذان بن جبرئيل قمى، يك جلد، انتشارات

ص: ٢٩٠

رضی، قم، ۱۳۶۳ شمسی.

۵۰- الفهرست: أبی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق شیخ جواد القیومی، مؤسسه نشر

۴۶-۵۱- الفقاہہ، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ ق.

۵۲- القدسیات: نوشته یکی از علماء اهل سنت .

۵۳- الکافی: ثقة الاسلام کلینی، هشت جلد، دار الکتب الإسلامیہ، تهران، ۱۳۶۵ شمسی.

۵۴- الکنی و الألقاب: شیخ عباس قمی، سه مجلد.

۵۵- المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین: محمد بن حبان البستی، سه مجلد، تحقیق محمود ابراهیم زاید.

۵۶- المهدی المنتظر (علیه السلام)، حاج حسین شاکری، دو جلد، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق، ناشر: مؤلف.

۵۷- الکامل فی ضعف الرجال، عبدالله بن عدی،

۵۸- المُستدرک علی الصّحیحین: محمد بن عبدالله، معروف به حاکم نیشابوری در گذشته به سال ۴۰۵ ه.ق. حاکم نیشابوری،

این

ص: ۲۹۱

کتاب را برای آن تألیف کرده تا بگوید، احادیث صحیح دیگری هم بوده است که بخاری و مسلم نیاورده اند، ولی باید آنها را ذکر می کردند. به هر ترتیب، کتاب مورد استفاده ما، با تحقیق مصطفی عبد القادر عطا در سال ۱۴۱۱ ه.ق بوسیله دار الکتاب العلمیه بیروت در ۴ جلد چاپ شده است.

۵۹- المصنف: کوفی، ابن ابی شیبہ، تحقیق ساعد محمد اللحام، بی جا، دارالفکر،

۶۰- المعیار والموازنه، اسکافی معتزلی، ابو جعفر محمد بن عبداللہ، تحقیق شیخ محمد باقر محمودی،

۶۱- المصنف: ابن ہمام صنعانی، عبدالرزاق، تحقیق، حبیب الرحمن الاعظمی،

۶۲- المعجم: الکبیر، علاء الدین علی بن بلبان الفارسی.

۶۳- المعجم: الکبیر طبرانی. بن احمد بن ایوب لخمی طبرانی،

۶۴- المعجم الاوسط، بن احمد بن ایوب لخمی طبرانی،

۶۵- المعجم: الصغیر، بن احمد بن ایوب لخمی طبرانی،

- ٦٦- الأنوار العلويه و أسرار المرتضويه: شيخ جعفر نقدي، يك مجلد، المطبعه الحيدريه النجف، الطبعه الثانيه، ١٣٨١ ق.
- ٦٧- العوالم الامام الحسين (عليه السلام): الشيخ عبدالله البحراني، ، تحقيق مدرسه الامام المهدي (عليه السلام)، المطبعه امير، قم، الطبعه الاولى، ١٤٠٧ ق.
- ٦٨- المراجعات، السيد عبدالحسين شرف الدين، يك مجلد، تحقيق حسين الراضي، نشر جمعيه الاسلاميه، الطبعه الثانيه ١٤٠٢ ق.
- ٦٩- المحتضر: الشيخ الجليل حسن بن سليمان الحلبي، الطبعه الاولى، منشورات المطبعه الحيدريه في النجف، ١٣٧٠ ق.
- ٧٠- المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم: محمد فؤاد عبدالباقي، مؤسسه اعلمي للمطبوعات بيروت، طبع اول، ١٤٢٠ ق.
- ٧١- المناقب: الموفق بن أحمد بن محمد الخوارزمي، مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجماعه المدرسين بقم المقدسه، الطبعه الثانيه ١٤١١ ق.
- ٧٢- اليقين: سيد علي بن موسى بن طاوس، يك جلد، مؤسسه دارالكتاب، قم، ١٤١٣ ق.

۷۳- الايضاح: فضل بن شاذان الأزدي النيسابوري، يك مجلد، تحقيق سيد جلال الدين الحسيني الأرموي؟

۷۴- آيات ولايت در قرآن: آيه الله مكارم شيرازي

۷۵- آيات الولاية: در فضائل اميرالمومنين علي علي السلام، سيد كاظم ارفع انتشارات فيض كاشاني

۷۶- آموزش علوم قرآن: محمدهادي معرفت، ترجمه ابو محمد وكيلى

۷۷- ابو تراب سايت تخصصى اميد مؤمنان عليه السلام.

۷۸- اثبات الحجة الغائب:

۷۹- احكام القرآن: رازي جصاص، ابى بكر احمد بن على، بيروت، دارالكتب العلميه،

۸۰- اختيار معرفه الرجال المعروف برجال الكشى: شيخ طوسى، دو مجلد، نشر مؤسسه آل البيت)عليهما السلام(، ۱۴۰۴ ق.

۸۱- إرشاد القلوب: حسن بن ابى الحسن ديلمى، دو جلد در يك مجلد، انتشارات شريف رضى ۱۴۱۲ ه.ق

۸۲- از مباحله تا عاشوراء: محمد امينى گلستانى.

ص: ۲۹۴

۸۳- اسباب النزول: تالیف واحدی نیشابوری چاپ دار العلمیه بیروت

۸۴- اسد الغابه: ابن الاثیر.

۸۵- اسرار الفاطمیه: شیخ محمد فاضل مسعودی، چاپ اول، ۱۴۰۲ ق، مؤسسه زائر فی الروضه.

۸۶- اشک شفق.

۸۷- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی.

۸۸- اعلام الدین: حسن بن ابی الحسن دیلمی، یک جلد، مؤسسه آل البیت (علیه السلام)، قم، ۱۴۰۸ ق.

۸۹- الزام الناصب فی اثبات الحججه الغائب: شیخ علی یزدی حائری، دو جلد در یک مجلد، تحقیق سید علی عاشور؟!

۹۰- امام شناسی: علامه مجلسی، پرتوی از غدیر، آیت مهدی حائری بنیاد فرهنگی امام مهدی (علیه السلام) تهران

۹۱- امام علی (علیه السلام) در آینه معراج نوشته علیرضا زکی زاده رنانی

۹۲- انتظار باید و نبایدها: ابراهیم شفیعی سروسستانی، (۱۳۴۳)، تهران: موعود عصر (عج)، چاپ ششم، ۱۳۸۶. و بخش قرآن

تبیان،

ص: ۲۹۵

منبع: سایت معارف قرآن

۹۳- انساب الاشراف، احمد بن یحیی بن جابر البلاذری،

۹۴- انوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد(س):

شیخ غالب سیلاوی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق، ناشر: مؤلف.

۹۵- ایضاح الاشتباه: علامه حلی، ، یک مجلد، تحقیق شیخ محمد حسون، مؤسسه نشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین قم، الطبعه الاولى، ۱۴۱۱ ق.

(ب)

۹۶- بحار الأنوار: علامه مجلسی، ۱۱۰ جلد، مؤسسه الوفاء بیروت لبنان، ۱۴۰۴ ق.

۹۷- بشاره المصطفی: عماد الدین طبری، یک جلد، چاپ کتابخانه حیدریه نجف، ۱۳۸۳ ق.

۹۸- بصائر الدرجات: محمد بن حسن بن فروخ صفار، یک جلد، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.

۹۹- بناء المقالة الفاطمیه: سید احمد بن موسی بن طاوس، یک جلد، مؤسسه آل البيت(عليهما السلام) قم، ۱۴۱۱ ق.

ص: ۲۹۶



۱۰۰ - بشاره المصطفى صلى الله عليه و آله لشيعة المرتضى : أبي جعفر محمد بن ابى القاسم محمد بن على الطبرى (از علمای قرن ۶).

(پ)

۱۰۱ - پرتوی از اسرار نماز: محسن قرائتی

(ت)

۱۰۲ - تأویل الآيات الظاهره: سيد شرف الدين حسينى استرآبادى، يك جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۹ ق.

۱۰۳ - تاريخ الخلفاء: سيوطى: -

۱۰۴ - تاريخ قرآن كريم، محمد باقر حجتى،

۱۰۵ - تاريخ قرآن، محمد هادى معرفت، .

۱۰۶ - تاريخ بغداد، الخطيب البغدادي، ابى بكر احمد بن على، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطاء، بيروت،

۱۰۷ - تاريخ سماء الثقاات، عمر بن شاهين.

۱۰۸ - تاريخ بغداد أو مدينة السلام: أبى بكر أحمد بن على الخطيب البغدادي، چهارده مجلد، نشر دار الكتب العلميه بيروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ ق.

ص: ۲۹۷

۱۰۹- تاریخ مدینه دمشق: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبه الله بن عبدالله الشافعی المعروف بابن عساكر، دراسه وتحقیق علی شیری، دار الفكر، بیروت لبنان، ۱۴۱۵ق.

۱۱۰- تحبیر التیسیر، ابن جزری، ؛

۱۱۱- ترتیب کتاب العین..

۱۱۲- ترجمه الامام علی بن ابیطالب من تاریخ الدمشق: چاپ بیروت

۱۱۳- ترجمه تفسیر المیزان

۱۱۴- ترجمه المنجد: احمد سیاح، انتشارات اسلام، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۷ شمسی.

۱۱۵- تحفه الاحوذی فی شرح سنن ترمذی: مبارکفوری، ابی العلاء محمد عبدالرحمن ابن عبدالرحیم، بیروت،

۱۱۶- تذکره الحفاظ حافظ شمس الدین ذهبی،

۱۱۷- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن: معروف به «تفسیر طبری» نوشته ابو جعفر محمد بن جریر طبری در گذشته به سال ۳۱۰ه.ق. این کتاب از مهمترین کتابهای تفسیر در جهان اسلام است، که

ص: ۲۹۸

نزد پیروان مکتب خلفا از اعتبار و اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. نسخه مورد استفاده ما در ۳۰ جلد (۱۲ مجلد) در سال ۱۴۰۶ ه.ق توسط دار المعرفه (بیروت) افست شده است.

۱۱۸- تفسیر الکشاف: تالیف جار اللّٰه محمود بن عمر، معروف به زمخشری در گذشته به سال ۵۳۸ ه.ق. کتاب مذکور از تفسیرهای مهم و مقبول نزد دانشمندان عامّه است. نسخه مورد استفاده ما بوسیله دارالمعرفه بیروت در ۴ جلد به چاپ رسیده است.

۱۱۹- تفسیر الکبیر: نوشته فخر الدین محمد بن عمر رازی در گذشته به سال ۶۰۶ ه.ق در هرات. نام اصلی این تفسیر مفاتیح الغیب است که به تفسیر کبیر مشهور شده است. این کتاب، از مهم ترین و معروفترین تفسیرهای جهان اسلام است. فخر رازی با نوشتن این تفسیر نزد پیروان مکتب خلفا، به امام مفسران شهرت یافته است. این کتاب به وسیله مرکز نشر مکتب اعلام اسلامی در ۳۲ جلد در تهران چاپ شده است.

۱۲۰- الدر المنثور فی التفسیر المأثور: نوشته جلال الدین سیوطی در گذشته به سال ۹۱۱ ه.ق. این کتاب نیز، مهم ترین تفسیر

روایی

ص: ۲۹۹

علمای عامّه به شمار می رود، که بوسیله دار الفکر بیروت در سال ۱۴۰۳ ه.ق در ۸ مجلد چاپ شده است.

۱۲۱- تفسیر ابو الفتوح رازی

۱۲۲- تفسیر غرائب قرآن: تالیف نظام الدین نیشابوری چاپ دار الکتب علمیه بیروت

۱۲۳- تفسیر فتح البیان: تالیف صدیق حسن قنوجی چاپ دار الکتب علمیه بیروت

۱۲۴- تفسیر انوار التنزیل: تالیف قاضی ناصر الدین بیضاوی چاپ دار الصادر بیروت

۱۲۵- تفسیر کشف و البیان: تالیف ثعلبی چاپ دار احیاء التراث العربی بیروت

۱۲۶- تفسیر نمونه : جمعی از نویسندگان ، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی

۱۲۷- تفسیر فرات، ۳۳- فرات بن ابراهیم کوفی، یک جلد، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ ق.

۱۲۸- تفسیر الأصفی، ۳۴- ملا محسن فیض کاشانی، دو جلد،

ص: ۳۰۰

مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸ق.

۱۲۹- تفسیر صافی، مشهد، انتشارات دارالمرتضی، چاپ اول.

۱۳۰- تفسیر برهان: سید هاشم حسینی بحرانی، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

۱۳۱- تفسیر القرآن الکریم: اَبی حمزه ثابت بن دینار الثمالی، جمعه و تألیفه عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین راجعه و قدم له سماحه العلامة الشیخ محمد هادی معرفه.

۱۳۲- تفسیر اثنی عشری: حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی، انتشارات میقات، چاپ اول، ۱۳۶۴ شمسی.

۱۳۳- تفسیر شریف لاهیجی: بهاء الدین محمد شیخ علی شریف لاهیجی، مؤسسه مطبوعات اعلمی، ۱۳۶۳ شمسی.

۱۳۴- تفسیر القمی: علی بن ابراهیم، دو مجلد، تصحیح سید طیب الجزائری، نشر مؤسسه دار الکتب قم، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۴ق.

۱۳۵- تفسیر العیاشی: محمد بن مسعود عیاشی، دو جلد، چاپخانه علمیه تهران، ۱۳۸۰ق.

۱۳۶- تفسیر گازر: ابوالمحاسن الحسین بن حسن جرجانی،

چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۳۷ شمسی.

۱۳۷- تفسیر نور الثقلین: الشيخ عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، مؤسسه اسماعیلیان، قم الطبعة الرابعة، ۱۴۱۲ ق.

۱۳۸- تفسیر المیزان: استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ شمسی.

۱۳۹- تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین: ملا فتح الله کاشانی، کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۴۴ شمسی.

۱۴۰- تهذیب التهذیب: عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، بی جا، دارالفکر،

۱۴۱- تهذیب الکمال: تحقیق أبو الحجاج یوسف المزی، الدكتور بشار عواد معروف، سی و پنج مجلد، الناشر: مؤسسه الرساله، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۶ ق.

۱۴۲- تقریب التهذیب: ابن حجر عسقلانی، دو مجلد، نشر دار الکتب العلمیه بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۱۵ ق.

ص: ۳۰۲

۱۴۳- تنبيه الغافلين عن فضائل الطالبين: شرف الاسلام بن سعيد المحسن بن كرامه، تحقيق سيد تحسين آل شبيب، نشر مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، ۱۴۲۰ق.

(ث)

۱۴۴- ثم اهتديت: محمد تيجاني سماوي، يك جلد، مؤسسه فجر لندن.

(ج)

۱۴۵- جامع ترمذی: محمد بن عيسى ترمذی،

۱۴۶- جواهر المطالب في مناقب الامام علي (عليه السلام): دمشقي شافعي، محمد بن احمد، قم، مجمع احياء الثقافه الاسلاميه،

۱۴۷- الجرح و التعديل. رازی،

(ح)

۱۴۸- حاشيه الصّاوي بر تفسير جلالين: تاليف الصاوي چاپ دارالتجاريه الكبرى مصر

۱۴۹- حاشيه شهاب علي تفسير البيضاوي: تاليف قاضي شهاب الدين خفاجي

۱۵۰- حليه الابرار في أحوال محمد و آله الأطهار: سيد هاشم

ص: ۳۰۳

بحراني، مؤسسه المعارف الاسلاميه، الطبعه الاولى، ١٤١١ ق.

١٥١- حليه الاولياء، ابى نعيم.

(خ)

١٥٢- خلاصه الأقوال فى معرفه الرجال: علامه حلى، المطبعه الحيدريه النجف، الطبعه الثانيه، ١٣٨١ ق.

١٥٣- خصال شيخ صدوق، جامعه مدرسين،

١٥٤- خصائص نسائي،

١٥٥- خصائص الوحي المبين، ؛

(د)

١٥٦- دلائل الصدق: الامام المظفر شيخ محمد الحسن.

١٥٧- دلائل الإمامه: محمد بن جرير طبرى، يك جلد، دار الذخائر للمطبوعات، قم

١٥٨- ديوان مقدم: سيد محمد تقى مقدم، چاپ پنجم، ١٣٧٦ شمسى، انتشارات مقدم، مشهد.

١٥٩- درسنامه علوم قرآنى: حسين جوان آراسته،

(ذ)

ص: ٣٠٤



١٦٠- ذخائر العقبي: تاليف محب الدين أحمد بن عبدالله الطبري شافعي، الناشر: مكتبه القدسي، يك مجلد، الطبعه ١٣٥٦ق.

(ر)

١٦١- رجال ابن داود، تقى الدين ابن داود الحلبي، المطبعه الحيدريه النجف، ١٣٩٢ق.

١٦٢- رجال الطوسي: أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسي، يك مجلد، مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المقدسه، ١٤١٥ق.

١٦٣- رجال النجاشى: فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشى الشيخ أبى العباس أحمد بن على النجاشى الكوفى مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المقدسه، الطبعه الخامسه، ١٤١٦ ق.

١٦٤- رسم الخط مصحف: غانم قدورى الحمد، ترجمه يعقوب جعفرى،.

١٦٥- روضه الواعظين: محمد بن حسن فتال نيشابورى، يك جلد، انتشارات رضى، قم.

ص: ٣٠٥

(س)

۱۶۷- سَنَنُ ابْنِ مَاجَةَ قَرْوِينِي: ابو عبد الله محمد بن يزيد ابن ماجه قزوینی، در گذشته به سال ۲۷۵ ه.ق. این کتاب از مجموعه کتابهای فقهی مورد قبول نزد دانشمندان مکتب خلفا است. کتاب مورد استفاده ما با تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي در سال ۱۳۹۵ ه.ق بوسیله دار احیاء التراث العربی بیروت در دو مجلد چاپ شده است.

۱۶۸- سَنَنُ تَرْمِذِي: نوشته محمد بن عیسی در گذشته به سال ۲۹۷ ه.ق. این کتاب هم از کتابهای مورد اعتماد علمای عامه است که با تحقیق و تعلیق ابراهیم عطوه عوض از استادان دانشگاه الازهر بوسیله دار احیاء التراث العربی بیروت در ۵ مجلد چاپ شده است.

۱۶۹- سَنَنُ نَسَائِي: نوشته ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب نسائی در گذشته به سال ۳۰۳ ه.ق. این کتاب نیز از کتابهای معتبر علمای عامه در فقه است. نسخه مورد استفاده ما به شرح دانشمند معروف آنها «جلال الدین سیوطی» است که «سندی» نیز بر آن حاشیه دارد. این کتاب در ۸ جلد (۴مجلد) به وسیله دار احیاء التراث العربی بیروت به

ص: ۳۰۶

چاپ رسیده است.

۱۷۰- سنن ابی داوود: ابی داوود سلیمان بن اشعث سجستانی،

۱۷۱- سیر أعلام النبلاء: ذهبی، بیست و سه مجلد، تحقیق شعیب الارنؤوط حسین الاسد، نشر مؤسسه الرساله بیروت، الطبعه التاسعه ۱۴۱۳ ق.

(ش)

۱۷۲- شرح تجرید الاعتقاد: علامه حلّی، جامعه مدرسین قم،

۱۷۳- شرح سنن نسائی: سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی، قاهره، مکتبه ابنتیمیه،

۱۷۴- شرح مسلم: یحیی الدین نووی.

۱۷۵- شواهد التنزیل: حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، دو جلد تحقیق شیخ محمدباقر محمودی،

۱۷۶- شرح أسماء الحسنی: ملا هادی سبزواری

۱۷۷- شرح جوشن کبیر: الإمام علی: أحمد رحمانی همدانی.

۱۷۸- شجره طوبی: الشیخ محمد مهدی الحائری، منشورات المکتبه الحیدریه فی النجف، الطبعه الخامسه، ۱۳۸۵ ق.

ص: ۳۰۷

١٧٩- شرح احقاق الحق وازهاق الباطل: آيت الله العظمى مرعشى نجفى رحمه الله، سى و دو جلد، منشورات مكتبه آيت الله العظمى مرعشى نجفى، قم ايران.

١٨٠- شرح الأخبار فى فضائل أئمة الأطهار: قاضى نعمان مغربى، تحقيق سيد محمد الحسينى الجلالى، مؤسسه النشر الاسلامى، التابعه لجماعه المدرسين قم.

١٨١- شرح نهج البلاغه: ابن ابى الحديد المعتزلى، دار احياء الكتب العربيه عيسى البابى الحلبي وشركاه، الطبعة الاولى، ١٣٧٨ق.

١٨٢- شرح أصول الكافى: مولى محمد صالح المازندراني، دوازده مجلد؟

١٨٣- شيخ البطحاء ابوطالب (عليه السلام): حاج حسين شاكري، يك جلد، ناشر: مؤلف.

(صلى الله عليه و آله)

١٨٤- صحيح بخارى، امام ابو عبد الله محمد بن اسماعيل، وفات به سال ٢٥٦ هـ.ق. تصحيح و ترتيب شيخ صالح بن عبدالعزيز بن ابراهيم آل الشيخ، الرياض، اين كتاب، معروف ترين و معتبر ترين كتاب

ص: ٣٠٨

حدیثی علمای عامّه به شمار می رود. آن را «صحیح» نامیدند، زیرا معتقدند تمام احادیث کتاب از لحاظ سند و دلالت، صحیح هستند ناشر دیگر کتاب، داراحیاء التراث العربی است که ۲۵ جلد را در ۹ مجلد به چاپ رسانده است.

۱۸۵- صحیح مسلم، امام ابوالحسین مسلم بن حجاج سجستانی، نیشابوری، در گذشته به سال ۲۶۱ ه.ق این کتاب پس از صحیح بخاری، معتبرترین و مهم ترین کتاب حدیث در میان اهل سنت است، و تمام احادیث آن را صحیح می دانند.

۱۸۶- صحیح مسلم بشرح النووی، نووی دمشقی، یحیی بن شرف، در ۱۸ جلد دار احیاء التراث العربی بیروت در ۹ مجلد چاپ گردیده است.

(ط)

۱۸۷- طرائف المقال، الامام علی (علیه السلام): احمد رحمانی همدانی،

(علیه السلام)

۱۸۸- علی (علیه السلام) در مکتب اهل سنت نوشته : محمد باقر موسوی همدانی

ص: ۳۰۹

۱۸۹- علوم القرآن عند المفسرين،

۱۹۰- علل الشرائع، شيخ صدوق يك جلد، انتشارات مكتبه الداوری، قم.

۱۹۱- عيون أخبار الرضا(عليه السلام): دو جلد در يك مجلد، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.

۱۹۲- عقائد الاسلاميه:.

۱۹۳- عون المعبود عظيم آبادی: محمد شمس الدين حق، بيروت، دارالكتب العلميه،

(غ)

۱۹۴- غايه المرام و حجه الخصام في تعيين الامام من طريق الخاص و العام: سيد هاشم بحراني، هفت جلد.

(ف)

۱۹۵- فتح القدير: تاليف شوکانی

۱۹۶- فتح الباری عسقلانی: احمد بن علی بن حجر، شرح صحیح بخاری، بیروت، دارالمعرفه بی تا

۱۹۷- فرائد السمطين: جوينی،

ص: ۳۱۰

۱۹۸- فضائل سیده النساء: عمر بن شاهین،

۱۹۹- فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت:

سید مرتضی فیروزآبادی / مترجم محمدباقر ساعدی، ج ۱، ص: ۲۸۹

۲۰۰- فیض القدير شرح الجامعه الصغير: مناوی، محمد عبدالرئوف، تحقیق احمد عبدالسلام، بیروت

(ق)

۲۰۱- قاموس قرآن: سید علی اکبر قرشی، هفت جلد در سه مجلد، انتشارات دارالکتب اسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ شمسی.

۲۰۲- قصص الأنبياء جزائری

۲۰۳- قاموس الصحيفه السجّاديه صاحب رياض السالکين اين کتاب اخيرا بوسيله جناب حجه الاسلام حاجی سید ابو الفضل حسینی بسبک جالب و زیبا در شرح لغات صحیفه سجادیه تألیف شده و تعلیقات او اضافاتی نیز از نظر نقل حدیث و مطالب سودمند با استفاده از منابع ارزنده در آن منظور گردیده است مطالعه این کتاب نفیس برای محققین و اهل علم توصیه میشود.

(ک)

ص: ۳۱۱

۲۰۴- کتاب الثقات: تمیمی بستی، محمدبن حبان احمد ابی حاتم، حیدرآباد دکن، مؤسسه الکتب الثقافیه،

۲۰۵- کتاب السنه: ابو عبدالله محمدبن یزید ابن ماجه.

۲۰۶- کتاب الموطا: امام انس بن مالک،

۲۰۷- کتاب «دلائل الصّدق» مرحوم علامه شیخ حسن مظفر (ره)

۲۰۸- کَنْزُ الْعَمَالِ فِي سُنَنِ الْأَقْوَالِ وَالْأَفْعَالِ: نوشته علامه علی متقی هندی در گذشته به سال ۹۷۵ ه.ق. از کتابهای حدیثی مورد اعتماد و مجموعه ای گرانقدر از احادیث کتابهای اهل سنت است.

کتابی که ما از آن استفاده کرده ایم، در ۱۶ جلد توسط مؤسسه الرساله (بیروت) در سال ۱۴۰۵ ه.ق چاپ شده است.

۲۰۹- کفایه الخصام:

۲۱۰- کفایه الطالب: تالیف کنجی شافعی الکرخی چاپ نجف اشرف

۲۱۱- کفایه الأثر: علی بن محمد خزاز قمی، یک جلد، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.

۲۱۲- کمال الدین: شیخ صدوق، دو جلد در یک مجلد، دار الکتب

ص: ۳۱۲



۲۱۳- كشف الغمه: على بن عيسى إربلي، دو جلد، چاپ مكتبه بنى هاشمى، تبريز، ۱۳۸۱ق.

۲۱۴- كشف الغطاء عن مبهمات شريعه الغراء: الشيخ جعفر كاشف الغطاء، دو مجلد، نشر مهدوى اصفهان.

۲۱۵- كشف اليقين: علامه حلى حسن بن يوسف، يك جلد، مؤسسه چاپ و انتشارات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۴۱۱ق.

۲۱۶- كمال الدين: ابوجعفر محمد بن على بن الحسين شيخ صدوق، دو جلد در يك مجلد، دار الكتب الإسلاميه، قم، ۱۳۹۵ق.

۲۱۷- كنز الفوائد: ابى الفتح محمد بن على الكراجكى، مكتبه المصطفى، قم، الطبعة الثانيه، ۱۴۱۰ق.

۲۱۸- كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال: على المتقى بن حسام الدين الهندى، مؤسسه الرساله بيروت، ۱۴۰۹ق.

(ل)

۲۱۹- لباب النقول: تاليف سيوطى در حاشيه تفسير جلالين

۲۲۰- لسان المیزان: ابن حجر عسقلانی، هفت مجلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات بیروت، الطبعة الثانية، ۱۳۹۰ ق.

(م)

۲۲۱- مأه منقبه فی فضایل و مناقب أمير المؤمنين والائمة من ولده)عليهما السلام: محمد بن أحمد بن الحسن بن شاذان القمی،  
(، مدرسه الامام المهدي(عليه السلام)، الطبعة الاولى، ۱۴۰۷ ق.

۲۲۲- مدینه المعاجز، بحرانی.

۲۲۳- مجموعه آثار استاد شهید مطهری،

۲۲۴- مجمع الزوائد و منبع الفوائد: هيثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی جا،

۲۲۵- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، علوم القرآن عندالمفسرین،

۲۲۶- مُسنَد احمد بن حنبل: نوشته احمد بن محمد بن حنبل در گذشته به سال ۲۴۱ ه.ق. احمد بن حنبل، رئیس مذهب حنبلی از  
مذاهب چهارگانه مکتب خلفا است. او خود شاگرد محمد بن ادريس شافعی رئیس مذهب شافعی بوده است. کتاب او هم از  
کتابهای مهم حدیث و از منابع معتبر نزد علمای عامّه است. نسخه مورد استفاده ما

ص: ۳۱۴

با ضبط و تعليق و فهرست صدقی محمد جميل العطار بوسيله دار الفكر بيروت در سال ۱۴۱۴ (چاپ سوم) چاپ شده است.

۲۲۷-مسند ابی داوود: طیالسی، ابن ابی داوود، بیروت، دارالحديث،

۲۲۸-مسند ابن جعد، جوهری: علی بن جعد بن عبید، تحقیق ابی القاسم عبدالله بن محمد بغوی، بیروت.

۲۲۹-مسند ابی یعلی: احمد بن علی بن مثنی تمیمی، الموصلی.

طبرانی،

۲۳۰-معرفه الثقات: عجلی، حافظ احمد بن عبدالله، مدینه المنوره، مکتبه الدار.

۲۳۱-مقتل الحسين: سید عبدالرزاق المقرّم.

۲۳۲-موده القربی: شافعی همدانی، چاپ لاهور؛

۲۳۳-مناقب: ابن مردویه.

۲۳۴-مناقب علی ابن ابی طالب: تالیف ابن مغزلی شافعی

۲۳۵-مستدرک سفینه البحار: حاج شیخ علی النمازی الشاهرودی، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم  
المشرفه.

ص: ۳۱۵

٢٣٦- مستدرک الوسائل: محدث نوری، هجده جلد، مؤسسه آل البيت)عليهما السلام(، قم، ١٤٠٨ق.

٢٣٧- مختصر بصائر الدرجات: حسن بن سليمان الحلبي، الطبعة الاولى، منشورات المطبعة الحيدريه في النجف، ١٣٧٠ق.

٢٣٨- مدينه معجز الاثمه الاثني عشر و دلائل الحجج على البشر:

السيد هاشم بن سليمان البحراني، مؤسسه المعارف الاسلاميه، الطبعة الاولى، ١٤١٣ق.

٢٣٩- مناقب السبعون،

٢٤٠- موعود عصر(عج): چاپ ششم، ١٣٨٦).

٢٤١- منهاج الكرامه في معرفه الامامه: علامه حلي، يك جلد، مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشوراء، قم.

٢٤٢- ما نزل من القرآن في شأن فاطمه(س: سيد محمد علي حلو، دو جلد، چاپ اول ١٤٢١، ناشر: مؤلف.

٢٤٣- مكارم الأخلاق: رضی الدين حسن بن فضل طبرسی، يك جلد، انتشارات شريف رضی، قم، ١٤١٢ق.

٢٤٤- مكيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم: سيد محمد تقی موسوی

ص: ٣١٦

اصفهانى. (م ١٣٤٨هـ.ق) چاپ دوّم ١٣٩٨ق.

٢٤٥- ميرزا محمد تقى اصفهانى، دو جلد، مؤسسه اعلمى للمطبوعات بيروت، ١٤٢١ق.

٢٤٦- معالم العلماء: ابن شهر آشوب، المطبعه قم.

٢٤٧- معرفه الثقات: أحمد بن عبدالله العجلى، دو مجلد، نشر مكتبه الدار بالمدينه المنوره، الطبعه الاولى، ١٤٠٥ق.

٢٤٨- معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواه: سيد أبوالقاسم الموسوى الخوئى، بيست و چهار مجلد، الطبعه الخامسه، ١٤١٣ق.

٢٤٩- معراج پیامبر (صلى الله عليه و آله): عليرضا زكى زاده رنانى، يك جلد، انتشارات موعود اسلام، چاپ دوم، ١٣٨٤ شمسى.

٢٥٠- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: على بن أبى بكر هيتمى، مكتبه القدسى بالقاهره دار الكتب العلميه بيروت لبنان.

٢٥١- مجمع البيان فى تفسير القرآن: فضل بن حسن طبرسى، مؤسسه اعلمى للمطبوعات بيروت، طبع اول، ١٤١٥ق.

٢٥٢- مجمع النورين و ملتقى البحرين: أبوالحسن المرندى، يك مجلد.

ص: ٣١٧

۲۵۳- مسند الامام الرضا (عليه السلام): شيخ عزيز الله عطاردى، دو مجلد، مؤسسه نشر و طبع آستان قدس الرضوى، ۱۴۰۶ق.

۲۵۴- من لا يحضره الفقيه: شيخ صدوق، چهار جلد، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ق.

۲۵۵- مناقب آل أبى طالب (عليه السلام): ابن شهر آشوب مازندرانی، چهار جلد، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق.

۲۵۶- میزان الحکمه: محمد محمدى رى شهرى، پانزده جلد با ترجمه، انتشارات دارالحديث، ویرایش سوم، ۱۳۷۷ شمسی.

۲۵۷- میزان الاعتدال: ذهبى، چهار مجلد، تحقيق على محمد البجاوى، نشر دار المعرفه بيروت، الطبعة الاولى، ۱۳۸۲ق.

(ن)

۲۵۸- نظم درر السمطين: محمد بن يوسف الزرندى الحنفى، يك مجلد، الطبعة الاولى، ۱۳۷۷ق.

۲۵۹- نفحات الازهار فى خلاصه عبقات الانوار: سيد على حسینی ميلانى، سى جلد، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ناشر: مؤلف.

۲۶۰- نقد الرجال: سيد مصطفى تفرشى، پنج مجلد، مؤسسه آل

ص: ۳۱۸

البيت)عليهما السلام (لإحياء التراث، الطبعة الاولى، ١٤١٨ق.

٢٦١- نهج الايمان: زين الدين على بن يوسف بن جبر، يك جلد، انتشارات مجتمع امام هادى (عليه السلام) مشهد، چاپ اول، ١٤٠١ق.

٢٦٢- نهج البلاغه امام على بن ابى طالب (عليه السلام): يك جلد، انتشارات دارالهجره، قم.

٢٦٣- نوادر المعجزات، محمد بن جرير الطبرى الشيعى، مؤسسه الامام المهدي (عليه السلام)، قم، الطبعة الاولى، ١٤١٠ق.

٢٦٤- نزول قرآن و رؤياى هفت حرف: سيد رضا مؤدب،

٢٦٥- نصب الرايه لاحاديث الهدايه: زينعلی، جمال الدين، تحقيق عبدالفتاح، بيروت، دار احياء التراث العربى،

٢٦٦- نظم المتناثر فى الحديث: كتانى، محمد بن جعفر، تحقيق شرف حجازى، مصر، دارالكتب السلفيه،

٢٦٧- نحو انقاذ التاريخ الاسلامى: مالكى، حسن بن فرحان، بى جا، مؤسسه اليمامه الصحيفه، ص ١٤٢.

٢٦٨- نهج الحق، و كشف الصدق: علامه حلى.

٢٦٩- نور الابصار: شبلنجى.

ص: ٣١٩

(ه)

۲۷۰- هجرالدم: يوسف بن المبرد،

(و)

۲۷۱- وسائل الشيعة: شيخ حر عاملی، بیست و نه جلد، مؤسسه آل البيت)عليهما السلام(، قم، ۱۴۰۹ ق.

(ی)

۲۷۲- ينابيع المودة لذوی القربى: نوشته شيخ سليمان ابن شيخ ابراهيم قندوزى بلخى معروف بخواجه كلان، در گذشته به سال ۱۲۹۴ ه. ق او از دانشمندان مذهب حنفى و از بزرگان فرقه نقشبنديه صوفيه بوده است. كتاب وى در مناقب اهل بيت عليهم السلام تأليف شده و از منابع حديثى معتبر نزد پيروان مكتب خلفاست. كتاب مورد استفاده مادر ۴ جلد توسط دار الأسوه للطباعه و النشر - قم در سال ۱۴۱۶ ه. ق به چاپ رسیده است.

ص: ۳۲۰



مشخصات کتاب

سرشناسه: امینی گلستانی، محمد، ۱۳۱۷ -

عنوان و نام پدیدآور: ولایت شرط قبولی اعمال [کتاب] / محمد امینی گلستانی.

مشخصات نشر: قم: سپهر آذین، ۱۳۹۵ .

مشخصات ظاهری: ۲ ج

شابک: ۱۰۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۲۰-۶۲۷-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت

موضوع: \*Proof of caliphate\* -- ۶۰۰-۶۶۱, Ali ibn Abi-talib, Imam I,

موضوع: ولایت

موضوع: \*Sainthood\*

رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۵۴/الف ۸۱۶ و ۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۴۵۸۹۶

ص: ۱

اشاره



ولایت شرط قبولی اعمال

مؤلف: محمد امینی گلستانی .

ص: ۳

نام: ولایت شرط قبولی اعمال ج ۲ .

مؤلف: محمد امینی گلستانی .

ناشر: مؤلف .

تلفن مؤلف: همراه (۰۹۱۲۳۷۹۳۹۱۵)

نوبت چاپ: اول .

تاریخ چاپ :

قطع وزیری .

تیراژ: ۲۰۰۰ .

قیمت .

چاپخانه: قم .

حقوق طبع شرعاً، قانوناً، اخلاقاً، مخصوص مؤلف است.

ص: ۴



ج ۱۲

محمد امینی گلستانی ۱

فهرست موضوعات ۵

پیشگفتار ۱۷

ولایت شرط قبولی اعمال ۲۰

انتخاب جانشین نقطه پایان رسالت ۲۰

شان نزول آیه تبلیغ ۲۴

خلاصه جریان غدیر ۲۹

گفتگوها و ایرادها ۳۷

روز اکمال دین کدام روز است ۵۱

فضائل امام علی (علیه السلام) در کلام خلفا ۶۳

۱- سخنان و مرویات ابوبکر بن ابی قحافه ۶۶

نگاه کردن به روی علی عبادت است ۶۸

۲- سخنان و مرویات از عمر بن خطاب درباره ۸۰

علی علیه السلام ۸۰

۱- در قبال ولایت امیرالمومنین علیه السلام ۸۸

از همه سؤال خواهد شد. ۸۸

۲- آفرینش یک میلیون فرشته از نور علی (علیه السلام) ۹۶



۳- عمر بن خطاب پرسید علامت دوستدار اهل ۹۷

بیت شما چیست؟! ۹۷

۴- نگاه کردن به چهره امیرالمؤمنین ۹۷

علیه السلام عبادت است. ۹۷

۵- حق با امیرالمؤمنین علیه السلام و او با حق ۹۸

است ۹۸

۶- جوان خوش سیما به عمر چه گفت؟ ۱۰۱

۷- امتیازهای سه گانه علی علیه السلام ۱۰۳

از زبان عمر. ۱۰۳

۸- اگر آسمانها و زمینها در کفه ترازویی نهاده ۱۰۶

شود و ایمان علی در کفه دیگر، ۱۰۶

ایمان علی برتر خواهد بود. ۱۰۶

۹- زنان عاجزند فرزندی مثل علی بن ابی ۱۰۹

طالب به دنیا آورند ۱۰۹

۱۰- نام امیرالمؤمنین در عرش...!!! ۱۱۰

۱۱- نور خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۱۱

چهارده هزار سال قبل از آفرینش آدم. ۱۱۱

۱۲- ای بریده آیا من از مؤمنان سزاوارتر از ۱۱۲

خودشان نیستم؟ ۱۱۲



۱۳- انکار علی (علیه السلام) انکار رسول خداست (صلی الله علیه و آله). ۱۱۵

۱۴- علم نامحدود امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۱۵

۱۵- اعتراف عمر به برتری های علمی و قضایی ۱۱۷

امیر مؤمنان علی علیه السلام. ۱۱۷

۱۶- این به پیغمبر و کتابش داناتر است! ۱۱۸

۱۷- برتری علی (علیه السلام) در قضاوت ۱۱۹

۱۸- خداوند مرا بعد از تو نگه ندارد ای علی! ۱۲۰

۱۹- اگر علی نبود عمر هلاک می شد! ۱۲۳

۲۰- استواری اسلام با شمشیر علی (علیه السلام) ۱۲۵

۲۱- هر سبب و نسبی در روز قیامت قطع ۱۲۵

می شود مگر سبب و نسب من. ۱۲۵

۲۲- تمام اسرار قرآن در وجود از ۱۲۶

امیرالمؤمنین علیه السلام است ۱۲۶

۲۳- فضائلی که کسی طاقت درک آن را ندارد ۱۲۷

۲۴- خدا با او مناجات می کرد ۱۲۷

۲۵- مباحات خدای متعال به امیرالمؤمنین علیه ۱۲۸

۲۶- امیرالمؤمنین علیه السلام مولای ۱۲۸

کل عالم است. ۱۲۸

۲۷- وای بر تو نمی دانی این مولای من است! ۱۳۱

۲۸- اگر مردم به محبت علی جمع می شدند ۱۳۲

آتش آفریده نمی شد. ۱۳۲

۲۹- تو را چشم خدا دیده و دست خدا زده ۱۳۳

۳۰- همراه با پیامبر در بهشت ۱۳۴

۳۱- علی برگزیده و امین پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۳۵

۳۲- آزردهن علی علیه السلام آزردهن رسول ۱۳۵

خداست ۱۳۵

۳۳- پدر و مادرم فدای تو ۱۳۶

۳۴- اعترافهایی از عمر ۱۳۷

۳۵- علی از من و ابوبکر به خلافت ۱۳۹

سزاوارتر بود ۱۳۹

۳۶- سلام عمر به علی علیه السلام با عنوان ۱۴۰

امیرالمومنین ۱۴۰

۳۷- امیرالمؤمنین (علیه السلام) از تمام پیامبران جز ۱۴۲

خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) افضل است ۱۴۲

۳۸- اطاعت و عصیان از امیرالمؤمنین ۱۴۶

(علیه السلام) همان اطاعت و عصیان از رسول الله ۱۴۶

(صلی الله علیه و آله) است. ۱۴۶

۳۹- ای علی! تو برادر منی در دنیا و آخرت. ۱۴۸

۴۰- علی از پیامبر و پیامبر صلی الله علیه و آله از علی ۱۵۰

۴۱- علی محبوب ترین شخص نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۱۵۲

۴۲- امیرالمؤمنین علیه السلام، ولی و سرپرست ۱۵۷

هر مؤمن ۱۵۷

۴۳- ای بریده علی از من و من از علیم ۱۵۹

۴۴- امیرالمؤمنین علیه السلام، فاروق اعظم ۱۶۱

و صدیق اکبر ۱۶۱

۴۵- غصب لقب صدیق و فاروق! ۱۶۳

۴۶- امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان او، ۱۶۷

رستگاران در قیامت. ۱۶۷

۴۸- دوستان علی (علیه السلام) سعداء و دشمنانش ۱۶۸

اشقیامی باشند. ۱۶۸

۴۹- وصایت علی (علیه السلام) ۱۶۹

۵۰- حدیث منزلت ۱۷۰

۵۱- امیرالمؤمنین علیه السلام جانشین پیامبر ۱۷۹

صلی الله علیه و آله و سلم در اولین دعوت ۱۷۹

علنی ۱۷۹

۴۲- محبت امیرالمؤمنین علیه السلام معیار ۱۸۱

سنجش نفاق و ایمان است. ۱۸۱

ص: ۱۱

۵۳-هیچکس مانند علی فضیلت به دست ۱۸۲

نیاورد، ۱۸۲

۳-روایاتی از عبدالله بن عمر ۱۸۳

۱-به تعداد موهای بدن دوستاناران علی شهری ۱۸۳

در بهشت به آنها داده می شود. ۱۸۴

۲-چه شده گروهی را که صحبت از کسی میکنند ۱۸۴

که مقامش مانند مقام من است بجز نبوت. ۱۸۴

۳-هر که بخواهد از عذاب قبر نجات یابد باید ۱۸۸

اهل بیت مرا دوست داشته باشد. ۱۸۸

۴-سخنان و مرویات عثمان بن عفان ۱۸۹

نگاه کردن به علی عبادت است. ۱۸۹

۲-...خلیفه سوم عثمان، سه مرتبه از علی علیه ۱۹۰

السلام دعوت کرد که با وی همکاری نماید، ۱۹۰

۳-در ایامی که عثمان به کشته شدن نزدیک ۱۹۱

می شد ۱۹۱

۴-سخن عثمان در خطابش به علی علیه السلام: ۱۹۱

فضائل امیرالمومنین علی (علیه السلام) از زبان عایشه ۱۹۲

یاد کردن علی عبادت است ۱۹۵

خدا علی را رحمت کند که حقیقتا بر حق بود ۱۹۶

محبوبترین مردم نزد پیامبر اکرم که بود ۱۹۷

خداوند نیافرید کسی را نزد رسول اکرم ۱۹۷

محبوبتر از علی باشد ۱۹۷

خداوند مقرر نمود که هر کس بر علی، خروج ۱۹۸

کند، کافر و در آتش دوزخ است (عایشه). ۱۹۸

دانشمند ترین مردم بر سنت علیست. ۱۹۹

حبیب مرا بخوانید ۲۰۰

رسول خدا علی را بوسید و دوبار گفت: پدرم ۲۰۲

فدای شهید تنها. ۲۰۲

از من درباره کسی می پرسى که من، کسی را که از ۲۰۲

او و زنش نزد پیامبر خدا محبوب تر باشد نمیدانم، ۲۰۳

من دوست داشتم هر آنچه که روی زمین است، ۲۰۴

به آن کارم فدیة بدهم! ۲۰۵

آنچه که بین من و علی اتفاق افتاد، مانع از آن ۲۰۶

نمی شود که حق را بگویم. ۲۰۶

عایشه وقتی که فهمید علی ذو ثدیة را کشته است، ۲۰۷

حدیث دق الباب ۲۰۸

أم السلمه چه می گوید ۲۰۹

۲- کامروایان رستاخیز ۲۱۱

لعن آن دو نفر ۲۱۲

روایات عبدالرحمن بن عوف ۲۱۳

روایت انس بن مالک ۲۱۵

روایت یکی از اولاد ابی لهب ۲۱۹

معاذ بن جبل: ۲۲۱

روایتی از تفسیر ثعلبی ۲۲۲

روایات ابو هریره ۲۲۳

روایات از ابن عباس ۲۲۴

علی روشنی تاریکی و چراغ هدایت و حجت بر ۲۳۱

مردم دنیا است. ۲۳۱

آن دو را دوست دارم و دوستان آنها را. ۲۳۵

گفتار و اظهار نظرهای تعدادی از بزرگان ۲۳۸

اهل سنت ۲۳۸

۵- عبدالله بن مسعود: ۲۴۳

اعمال قبول نمی شود مگر با ولایت ۲۵۴

بخدا قسم اگر کسی هزار سال عبادت کند قبول ۲۵۶

نیست مگر با ولایت ما اهل بیت ۲۵۶

و جوب محبت اهل بیت و پرهیز از بغض آنها ۲۷۶

روایت از ابی هریره در باره محبت علی علیه السلام ۲۸۳

منظور از آیه وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ ... چیست ؟ ۲۹۷

کمال دین ولایت ماست ۳۰۳

خداوند مردم را به پنج کار مأمور نموده ۳۰۴

سوال از چهار چیز ۳۰۶

علی حجت من است بر مخلوقاتم ۳۰۷

جواز عبور از صراط، ولایت علیست ۳۰۸

دوستان و دشمنان خدا کیانند. ۳۱۴

علی چراغ هدایت و روشنی تاریکیهاست ۳۱۶

در میان امت جانشین پیامبر کیست؟ ۳۱۷

طرفداران ولایت از گرده گذشتند. ۳۱۹

از جبرئیل پرسیدم این درخت از کیست؟ ۳۲۰

هر کس با ولایت بمیرد شهید است. ۳۲۲

امتیازاتی بر ولایتمداران ۳۲۲

آنها حجت خدایند به تمام عالمیان و جمیع ۳۲۳

مخلوقات ۳۲۴

اسماء امامان بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ۳۳۵

منظور از معرفت اهل بیت امامت آنهاست ۳۴۴

اعمال کسانی قبول است که معتقد ۳۵۳

به امامت آنها باشد. ۳۵۳

امسال حاجی چقدر زیاد است؟! ۳۵۶

آنچه لازم است مراعاتش از نظر حفظ احترام ۳۶۵

و عذاب هر کس که با آنها بجنگد . ۳۶۵

ابدال همان ائمه علیهم السّلام هستند ۳۷۰

صاحب این امر محفوظ است و او به پیشگاه ۳۷۱

پروردگار می آید با مؤمنین هر عصر ۳۷۱

گناهانشان بخشیده می شود اگر چه به تعداد ۳۷۳

ریگ های بیابان باشد. ۳۷۳

لزوم دوستی با دوستان ائمه علیهم السّلام ۳۷۴

و دشمنی با دشمنان آنها ۳۷۴

ثواب دوست داشتن و یاری و ولایت ائمه علیهم ۳۸۲

السّلام امان از آتش جهنم است ۳۸۲

تفسیر العیاشی ۲۳۳: ۲. ۳۸۴

چهار دسته هستند که من از آن ها شفاعت میکنم ۳۸۹

محب و دوستدار ما منتظر رحمت است ۳۹۳

این از شیعیان آنهاست ۳۹۹

ای علی تو مانند قل هو الله احدى ۴۰۳

نه بحق آن کسی که وقتی نامش را می برید گریه ۴۱۱

میکنید. ۴۱۱



یک روز دوستی با آل محمد بهتر است از عبادت ۴۱۱

یک سال ۴۱۲

پدرم فدای پدرتان و مادرم فدای مادرتان. ۴۱۲

آن دو را دوست دارم و دوستان آنها را. ۴۱۳

از شاهراه هدایت خارج نمیکنند ۴۱۴

بخدا قسم اگر نباشید شما در زمین ۴۱۴

این روایت را بخوانید ۴۱۶

دست از علی بر ندارید او مولای شما است ۴۱۸

مصافحه کننده با علی با انبیاء مصافحه کرده است. ۴۲۰

به حمزه و پسر عمویم جعفر گفتم کدام عمل را در ۴۲۱

آخرت بهترین اعمال یافتید؟ ۴۲۱

هر که دخترم فاطمه علیهاالسلام از او راضی باشد ۴۲۲

من از او راضیم ۴۲۲

عبور فاطمه علیها السلام از محشر ۴۲۴

خداوند فاطمه را به ازدواج علی در آورد ۴۲۶

از وحشت روز قیامت در امان است ۴۲۸

اینک برای تو جریانی را میگویم ۴۲۸

تعهد خدا ۴۳۰

روایات در شأن شیعیان ۴۳۲

بخدا قسم ما بدیدار شما انس داریم ۴۳۷

شما مردان پاک و طیب هستید ۴۴۵

امام رضا علیه السلام در نیشابور ۴۴۹

قبول توبه شیعیان تا دم مرگ ۴۵۱

نهی بد گفتن به شیعیان ۴۵۱

شیعیان در حکم شهید ۴۵۳

سرزنش دشمن ائمه علیهم السلام و اینکه او کافر ۴۵۴

است و خونش حلال و ثواب لعنت بر دشمنان ائمه علیهم ۴۵۴

دوست بدار دوست آل محمد را گر چه فاسق و ۴۵۶

زناکار باشد ۴۵۶

سعادت مند واقعی کسی است که ترا دوست بدارد ۴۵۶

ای علی این شخص همان ریاح غلام ۴۵۸

آل نجار است. ۴۵۸

من و خدا و تمام انبیاء آنها را لعنت کرده اند. ۴۶۲

دست را در دست من بگذار من و تو از یک ۴۶۳

درخت آفریده ایم. ۴۶۳

ما را وادار بر فحش دادن بعلی علیه السلام کرد. ۴۶۴

مگر نمیدانی خانه من خانه تو است ۴۶۵

دشمن ما خانواده از بت پرست بدتر است. ۴۶۶

خداوند مرجئه را کور محشور مینماید ۴۶۷

اعتقادات صدوق: ۴۷۲

مختصری از زندگی نامه مؤلف کتاب ۴۷۹

منابع کتاب ۴۷۸

### پیشگفتار

در جلد اول این کتاب، در باره ولایت مولای متقیان امیرمؤمنان صلوات الله و سلامه، علیه و علی اولاده الطَّيِّبِین الطَّاهِرِین، قسمتی از آیات و اخبار فریقین شیعه و سنی ولی اکثرا از اهل سنت، تحقیق و بررسی شد و در اختیار عزیزان قرار گرفت.

در جلد دوم تعدادی از آیات و احادیث، در مورد (ولایت) را از فریقین ولی اکثرا از اهل تشیع، به سروران عزیز، ارائه می دهیم و استدعا دارد در تفسیر هر تک تک آیات و تشریح اخبار، مخصوصا روایاتی که از مخالفین (از خلفای ثلاثه ابوبکر بن ابی قحافه و عمر بن خطاب و عثمان بن عفان و عایشه و عبدالله بن عمر و عبدالرحمن بن عوف و انس بن مالک و ابوهیریره و همچنین از عبدالله بن عباس و عبدالله بن مسعود و سمره بن جندب و تعدادی از بزرگان علما و

ص: ۱۹

دانشمندان اهل سنت و غیرهم) آورده ام با دیده انصاف و دقت خاص، پژوهش و مورد مطالعه قرار داده و خود قضاوت نمایند که، در باره امیر مظلومان علی علیه السلام، چه ستمهایی روا داشته و اعمال نموده اند و راهی را انتخاب نمایند که فردا، در برابر خدای منتقم و روز بیچارگی، بتوانند از خود دفاع نموده و جوابگو باشند.

و ضمناً بخاطر داشته باشیم که روایات این کتاب، یک هزارم اخبار و احادیثی نیست که از خدا و رسول خدا، در باره آنحضرت، به دست ما رسیده است، آنهم پس از گذشت یک قرن از ممنوعیت روایت یا نوشتن احادیث وارده از نبی مکرم و سیله خلفای ثلاثه، به وجود آمده بود، که همه اصحاب و همنشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله و بیشتر تابعین، از دنیا رفته و زیر خاک آرمیده بودند.

و چون اکثر روایات ولایت و خلافت و محبت، در باره مولا و اهل بیت علیهم السلام، قریب المضمون هستند، از تشریح آنها خود داری گردید تا حجم کتاب زیاد نشده و سبب خستگی و کسالت، بزرگواران عزیز نگردد.

اکثر قریب به اتفاق احادیث شیعی را از کتاب وزین بحار الانوار تألیف علامه بزرگوار شیخ محمد باقر مجلسی رحمه

اللّٰه عليه آورده ام و از خدای توانا برای مؤلف آن، محشور شدن با اولیاء خدا و قرار گرفتن در بهشت برین را، خواستارم آمین  
یا رب العالمین.

یا امیرالمؤمنین!

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

یا مولی الموحدین!

در پس پرده نهان بودی و قومی به ضلالت

حرمت ذات تو نشناخته گفتند خدایی

پس چه گویند گر از طلعت زیبا که تو داری

پرده برداری و آنگونه که هستی بنمایی!؟

ولایت شرط قبولی اعمال

ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شرط قبولی اعمال است یا أَيْهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ مائده ۶۷- ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است كاملاً (به مردم) برسان و اگر نكنی، رسالت او را انجام نداده ای و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می دارد، و خداوند جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی کند. تفسیر نمونه ذیل آیات.

### انتخاب جانشین نقطه پایان رسالت

این آیه لحن خاصی بخود گرفته که آنرا از آیات قبل و بعد،



مشخص می سازد ، در این آیه روی سخن ، فقط به پیامبر است ، و تنها وظیفه او را بیان می کند ، با خطاب ای پیامبر ( یا أُيُّهَا الرَّسُولُ ) شروع شده و با صراحت و تاکید دستور می دهد ، که آنچه را از طرف پروردگار بر او نازل شده است به مردم برساند (بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ) .

سپس برای تاکید بیشتر به او اخطار می کند که اگر از این کار خودداری کنی ( که هرگز خودداری نمی کرد ) رسالت خدا را تبلیغ نکرده ای ! ( وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ) .

سپس به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که گویا از واقعه خاصی اضطراب و نگرانی داشته ، دلداری و تامین می دهد و به او می گوید : از مردم در ادای این رسالت وحشتی نداشته باش ، زیرا خداوند تو را از خطرات آنها نگاه خواهد داشت (وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) .

و در پایان آیه به عنوان یک تهدید و مجازات ، به آنهایی که این رسالت مخصوص را انکار کنند و در برابر آن از روی لجاجت کفر بورزند ، می گوید : خداوند کافران لجوج را هدایت نمی کند (إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) .

جمله بندی های آیه و لحن خاص و تاکیدهای پی در پی آن و همچنین شروع شدن با خطاب یا ایها الرسول که تنها در دو

مورد از قرآن مجید آمده و تهدید پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به عدم تبلیغ رسالت در صورت کوتاهی کردن که منحصر در این آیه از قرآن آمده است، نشان می دهد که سخن از حادثه مهمی در میان بوده است که عدم تبلیغ آن مساوی بوده است با عدم تبلیغ رسالت.

بعلاوه این موضوع مخالفان سرسختی داشته که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از مخالفت آنها که ممکن بوده است مشکلاتی برای اسلام و مسلمین داشته باشد، نگران بوده و به همین جهت خداوند به او تamin میدهد.

اکنون این سؤال پیش می آید که با توجه به تاریخ نزول سوره که مسلما در اواخر عمر پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده است، چه مطلب مهمی بوده که خداوند پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را با این تاکید مامور ابلاغ آن می کند.

آیا مسائل مربوط به توحید و شرک و بت شکنی بوده که از سالها قبل برای پیامبر و مسلمانان حل شده بود؟

آیا مربوط به احکام و قوانین اسلامی بوده با اینکه مهمترین آنها تا آن زمان بیان شده بود؟ و آیا مربوط به مبارزه با اهل کتاب و یهود و نصاری بوده با اینکه می دانیم مساله اهل کتاب بعد از ماجرای بنی النضیر و بنی قریظه و بنی



قینقاع و خیبر و فدک و نجران مشکلی برای مسلمانان محسوب نمی شد .

و آیا مربوط به منافقان بوده در حالی که می دانیم پس از فتح مکه و سیطره و نفوذ اسلام در سراسر جزیره عربستان منافقان از صحنه اجتماع طرد شدند ، و نیروهای آنها در هم شکسته شد ، و هر چه داشتند در باطن بود .

راستی چه مساله مهمی در این آخرین ماههای عمر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مطرح بوده که آیه فوق این چنین در باره آن تاکید می کند؟! این نیز جای تردید نیست که وحشت و نگرانی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای شخص خود و جان خود نبوده بلکه برای کارشکنیها و مخالفتهای احتمالی منافقان بوده که نتیجه آن برای مسلمانان خطرات یا زیانهای به بار می آورد .

یا مساله ای جز تعیین جانشین برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و سرنوشت آینده اسلام و مسلمین می تواند واجد این صفات بوده باشد .

اکنون به روایات مختلفی که در کتابهای متعدد اهل تسنن و شیعه در زمینه آیه فوق وارد شده باز می گردیم تا ببینیم از آنها در زمینه اثبات احتمال فوق چه استفاده می شود؟ سپس

اشکالات و ایرادهائی را که در زمینه این تفسیر از طرف جمعی از مفسران اهل تسنن اظهار شده است مورد بررسی قرار می دهیم :

### شان نزول آیه تبلیغ

گرچه متاسفانه پیشداوریها و تعصبهای مذهبی مانع از آن شده است که حقایق مربوط به این آیه بدون پرده پوشی در اختیار همه مسلمین قرار گیرد، ولی در عین حال در کتابهای مختلفی که دانشمندان اهل تسنن، اعم از تفسیر و حدیث و تاریخ نوشته اند، روایات زیادی دیده می شود که با صراحت می گوید: آیه فوق درباره علی (علیه السلام) نازل شده است.

این روایات را جمع زیادی از صحابه از جمله زید بن ارقم و ابو سعید خدری و ابن عباس و جابر بن عبد الله انصاری و ابو هریره و براء بن عازب و حذیفه و عامر بن لیلی بن ضمیره و ابن مسعود نقل کرده اند و گفته اند که آیه فوق درباره علی (علیه السلام) و داستان روز غدیر نازل گردید.

بعضی از احادیث فوق مانند حدیث زید بن ارقم به یک طریق.

و بعضی از احادیث مانند حدیث ابو سعید خدری به یازده طریق! و بعضی از این احادیث مانند حدیث ابن عباس نیز به یازده طریق! و بعضی دیگر مانند حدیث براء بن عازب به سه طریق نقل شده است.

دانشمندانی که به این احادیث در کتب خود تصریح کرده اند، عده کثیری هستند که به عنوان نمونه از جمعی از آنها نام می‌بریم: حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب ما نزل من القرآن فی علی (بنقل از خصائص صفحه ۲۹).

و ابو الحسن واحدی نیشابوری در اسباب النزول صفحه ۱۵۰.

و حافظ ابو سعید سجستانی در کتاب الولایه (بنقل از کتاب طرائف).

و ابن عساکر شافعی (بنا بنقل در المثنور جلد ۲ صفحه ۲۹۸) و فخر رازی در تفسیر کبیر خود جلد ۳ صفحه ۶۳۶.

و ابو اسحاق حموی در فرائد المسطین.

و ابن صباغ مالکی در فصول المهمه صفحه ۲۷.

و جلال الدین سیوطی در المثنور جلد ۲ صفحه ۲۹۸.

و قاضی شوکانی در فتح القدیر جلد سوم صفحه ۵۷.

و شهاب الدین آلوسی شافعی در روح المعانی جلد ۶

ص: ۲۷

و شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده صفحه ۱۲۰ .

و بدر الدین حنفی در عمدہ القاری فی شرح صحیح البخاری جلد ۸ صفحه ۵۸۴ .

و شیخ محمد عبده مصری در تفسیر المنار جلد ۶ صفحه ۴۶۳ .

و حافظ ابن مردویه ( متوفای ۴۱۶ ) ( بنا به نقل سیوطی در در المنثور ) و جمع کثیری دیگر این شان نزول را برای آیه فوق نقل کرده اند .

اشتباه نشود منظور این نیست که دانشمندان و مفسران فوق نزول این آیه را درباره علی (علیه السلام) پذیرفته اند بلکه منظور این است که روایات مربوط به این مطلب را در کتب خود نقل کرده اند ، اگر چه پس از نقل این روایت معروف آنها به خاطر ترس از شرائط خاص محیط خود ، و یا به خاطر پیشداوریهای نادرستی که جلو قضاوت صحیح را در اینگونه مباحث می گیرد ، از پذیرفتن آن خودداری کرده اند ، بلکه گاهی کوشیده اند تا آنجا که ممکن است آن را کم رنگ و کم اهمیت جلوه دهند ، مثلاً فخر رازی که تعصب او در مسائل

خاص مذهبی معروف و مشهور است برای کم اهمیت دادن این شان نزول آن را دهمین احتمال آیه قرار داده و ۹ احتمال دیگر که غالباً بسیار سست و واهی و بی ارزش است قبل از آن آورده است ! .

از فخر رازی زیاد تعجب نمی کنیم ، زیرا روش او در همه جا چنین است ، تعجب از نویسندگان روشن فکری همچون سید قطب در تفسیر فی ظلال و محمد رشید رضا در تفسیر المنار داریم که یا اصلاً سخنی از این شان نزول که انواع کتابها را پر کرده است به میان نیاورده اند ، یا بسیار کم اهمیت جلوه داده اند به طوری که بهیچوجه جلب توجه نکند ، آیا محیط آنها اجازه بیان حقیقت را نمی داده و یا پوششهای فکری تعصب آمیز بیش از آن بوده است که برق روشنفکری در اعماق آن نفوذ کند و پرده ها را کنار زند ؟! نمی دانیم .

ولی جمعی دیگر نزول آیه را در مورد علی (علیه السلام) مسلم دانسته اند ، اما در اینکه دلالت بر مساله ولایت و خلافت دارد تردید نموده اند که اشکال و پاسخ آنها را بزودی بخواست خدا خواهیم شنید .

به هر حال همانطور که در بالا گفتیم روایاتی که در این زمینه در کتب معروف اهل تسنن - تا چه رسد به کتب شیعه

- نقل شده ، بیش از آن است که بتوان آنها را انکار کرد ، و یا به سادگی از آن گذشت نمی دانیم چرا درباره شان نزول سایر آیات قرآن به یک یا دو حدیث قناعت می شود اما درباره شان نزول این آیه اینهمه روایت کافی نیست ، آیا این آیه خصوصیتی دارد که در سایر آیات نیست ؟ و آیا برای اینهمه سختگیری در مورد این آیه دلیل منطقی می توان یافت ؟ موضوع دیگری که در اینجا یادآوری آن ضرورت دارد این است که روایاتی که در بالا ذکر کردیم تنها روایاتی بود که در زمینه نزول آیه درباره علی (علیه السلام) وارد شده است ( یعنی روایاتی مربوط به شان نزول آیه بود ) و گرنه روایاتی که درباره جریان غدیر خم و خطبه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و معرفی علی به عنوان وصی و ولی نقل شده به مراتب بیش از آن است ، تا آنجا که نویسنده محقق علامه امینی در الغدیر حدیث غدیر را از ۱۱۰ نفر از صحابه و یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و با اسناد و مدارک و از ۸۴ نفر از تابعین و از ۳۶۰ دانشمند و کتاب معروف اسلامی نقل کرده است که نشان می دهد حدیث مزبور یکی از قطعی ترین روایات متواتر است و اگر کسی در تواتر این روایت شک و تردید کند .

باید گفت که او هیچ روایت متواتری را نمی تواند بپذیرد .

چون بحث درباره همه روایاتی که در شان نزول آیه وارد شده و همچنین درباره تمام روایاتی که در مورد حدیث غدیر نقل شده نیاز به نوشتن کتاب قطوری دارد و ما را از طرز نوشتن تفسیر خارج می سازد بهمین اندازه قناعت کرده ، و کسانی را که می خواهند مطالعه بیشتری در این زمینه کنند به کتابهای الدر المنثور سیوطی و الغدیر علامه امینی و احقاق الحق قاضی نور الله شوشتری و المراجعات شرف الدین و دلائل الصدق محمد حسن مظفر ارجاع می دهیم .

### خلاصه جریان غدیر

در روایات فراوانی که در این زمینه نقل شده در عین اینکه همه یک حادثه را تعقیب می کند ، تعبیرات گوناگونی وجود دارد ، بعضی از روایات بسیار مفصل و طولانی و بعضی مختصر و فشرده است ، بعضی از روایات گوشه ای از حادثه را نقل می کند و بعضی گوشه دیگر را ولی از مجموع این روایات و همچنین تواریخ اسلامی و ملاحظه قرائن و شرائط و محیط و محل چنین استفاده می شود که : در آخرین سال عمر پیامبر مراسم حجه الوداع ، با شکوه هر چه تمامتر در

حضور پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به پایان رسید ، قلبها در هاله ای از روحانیت فرو رفته بود ، و لذت معنوی این عبادت بزرگ هنوز در ذائقه جانها انعکاس داشت .

یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) که عدد آنها فوق العاده زیاد بود ، از خوشحالی درک این فیض و سعادت بزرگ در پوست نمی گنجیدند .

نه تنها مردم به مدینه در این سفر ، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را همراهی می کردند بلکه مسلمانان نقاط مختلف جزیره عربستان نیز برای کسب یک افتخار تاریخی بزرگ به همراه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بودند .

آفتاب حجاز آتش بر کوهها و دره ها می پاشید ، اما شیرینی این سفر روحانی بی نظیر ، همه چیز را آسان می کرد ، ظهر نزدیک شده بود ، کم کم سرزمین جحفه و سپس بیابانهای خشک و سوزان غدیر خم از دور نمایان می شد .

اینجا در حقیقت چهارراهی است که مردم سرزمین حجاز را از هم جدا می کند ، راهی به سوی مدینه در شمال ، و راهی به سوی عراق در شرق ، و راهی به سوی غرب و سرزمین مصر و راهی به سوی سرزمین یمن در جنوب پیش می رود و در همین جا باید آخرین خاطره و مهمترین فصل این سفر



بزرگ انجام پذیرد ، و مسلمانان با دریافت آخرین دستور که در حقیقت نقطه پایانی در ماموریت‌های موفقیت آمیز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود از هم جدا شوند .

روز پنجشنبه سال دهم هجرت بود ، و درست هشت روز از عید قربان می گذشت ، ناگهان دستور توقف از طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به همراهان داده شد ، مسلمانان با صدای بلند ، آنتهایی را که در پیشاپیش قافله در حرکت بودند به بازگشت دعوت کردند ، و مهلت دادند تا عقب افتادگان نیز برسند ، خورشید از خط نصف النهار گذشت ، مؤذن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با صدای الله اکبر مردم را به نماز ظهر دعوت کرد ، مردم به سرعت آماده نماز می شدند ، اما هوا بقدری داغ بود که بعضی مجبور بودند ، قسمتی از عباي خود را به زیر پا و طرف دیگر آن را به روی سر بیفکنند ، در غیر این صورت ریگهای داغ بیابان و اشعه آفتاب ، پا و سر آنها را ناراحت می کرد .

نه سایبانی در صحرا به چشم می خورد و نه سبزه و گیاه و درختی ، جز تعدادی درخت لخت و عریان بیابانی که با گرما ، با سرسختی مبارزه می کردند .

جمعی به همین چند درخت پناه برده بودند ، پارچه ای بر

یکی از این درختان برهنه افکندند و سایبانی برای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ترتیب دادند ، ولی بادهای داغ به زیر این سایبان می خزید و گرمای سوزان آفتاب را در زیر آن پخش می کرد نماز ظهر تمام شد، مسلمانان تصمیم داشتند فوراً به خیمه های کوچکی که با خود حمل می کردند پناهنده شوند ، ولی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به آنها اطلاع داد که همه باید برای شنیدن یک پیام تازه الهی که در ضمن خطبه مفصلی بیان می شد خود را آماده کنند .

کسانی که از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فاصله داشتند قیافه ملکوتی او را در لابلای جمعیت نمی توانستند مشاهده کنند

لذا منبری از جهاز شتران ترتیب داده شد و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بر فراز آن قرار گرفت و نخست حمد و سپاس پروردگار بجا آورد و خود را به خدا سپرد ، سپس مردم را مخاطب ساخت و چنین فرمود : من به همین زودی دعوت خدا را اجابت کرده ، از میان شما می روم .

من مسئولم شما هم مسئولید .

شما درباره من چگونه شهادت می دهید ؟ مردم صدا بلند کردند و گفتند : نشهد انک قد بلغت و نصحت و جهدت

فجزاك الله خيرا: ما گواهی می دهیم تو وظیفه رسالت را ابلاغ کردی و شرط خیر خواهی را انجام دادی و آخرین تلاش و کوشش را در راه هدایت ما نمودی ، خداوند ترا جزای خیر دهد .

سپس فرمود: آیا شما گواهی به یگانگی خدا و رسالت من و حقانیت روز رستاخیز و برانگیخته شدن مردگان در آن روز نمی دهید؟! همه گفتند: آری ، گواهی می دهیم فرمود :

خداوندا گواه باش! ... بار دیگر فرمود: ای مردم! آیا صدای مرا می شنوید؟ ... گفتند: آری و به دنبال آن ، سکوت سراسر بیابان را فرا گرفت و جز صدای زمزمه باد چیزی شنیده نمی شد .

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: ... اکنون بنگرید با این دو چیز گرانمایه و گرانقدر که در میان شما به یادگار می گذارم چه خواهید کرد؟ یکی از میان جمعیت صدا زد ، کدام دو چیز گرانمایه یا رسول الله؟! .

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بلافاصله گفت: اول ثقل اکبر ، کتاب خدا است که یک سوی آن به دست پروردگار و سوی دیگرش در دست شما است ، دست از دامن آن برندارید تا گمراه نشوید ، و اما دومین یادگار گرانقدر من خاندان منند

و

خداوند لطیف خبیر به من خبر داده که این دو هرگز از هم جدا نشوند ، تا در بهشت به من بیوندند ، از این دو پیشی نگیرید که هلاک می شوید و عقب نیفتید که باز هلاک خواهید شد .

ناگهان مردم دیدند پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به اطراف خود نگاه کرد گویا کسی را جستجو می کند و همینکه چشمش به علی (علیه السلام) افتاد ، خم شد و دست او را گرفت و بلند کرد ، آنچنان که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و همه مردم او را دیدند و شناختند که او همان افسر شکست ناپذیر اسلام است ، در اینجا صدای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) رساتر و بلندتر شد و فرمود : ایها الناس من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم : چه کسی از همه مردم نسبت به مسلمانان از خود آنها سزاوارتر است ؟ ! .

گفتند : خدا و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) داناترند ، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) گفت : خدا ، مولی و رهبر من است ، و من مولی و رهبر مؤمنانم و نسبت به آنها از خودشان سزاوارترم ( و اراده من بر اراده آنها مقدم ) سپس فرمود : فمن کنت مولاه فعلی مولاه : هر کس من مولا و رهبر او هستم ، علی ، مولا و رهبر او است - و این سخن را سه بار و به گفته بعضی

از راویان حدیث ، چهار بار تکرار کرد و به دنبال آن سر به سوی آسمان برداشت و عرض کرد : اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و احب من احبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله و ادر الحق معه حیث دار : خداوندا ! دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار ، محبوب بدار آن کس که او را محبوب دارد ، و مبغوض بدار آن کس که او را مبغوض دارد ، یارانش را یاری کن ، و آنها را که ترک یاریش کنند ، از یاری خویش محروم ساز ، و حق را همراه او بدار و او را از حق جدا مکن .

سپس فرمود : الا فلیبلغ الشاهد الغائب : آگاه باشید ، همه حاضران وظیفه دارند این خبر را به غائبان برسانند .

خطبه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پایان رسید ، عرق از سر و روی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) و مردم فرو می ریخت ، و هنوز صفوف جمعیت از هم متفرق نشده بود که امین وحی خدا نازل شد و این آیه را بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خواند : **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ...** : امروز آئین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم ، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : **الله اكبر ، الله اكبر على اكمال الدين و اتمام النعمة و رضی الرب**





شک نیست اگر این آیه در غیر مورد خلافت علی (علیه السلام) بود -همانطور که گفتیم -به کمتر از این مقدار از روایات و قرائن موجود در خود آیه قناعت می شد ، همانطور که مفسران بزرگ اسلامی در تفسیر سایر آیات قرآن گاهی به یک دهم مدارک موجود در این آیه و یا کمتر قناعت کرده اند ، ولی متأسفانه حجاب تعصب در اینجا مانع از قبول بسیاری از واقعیات شده است .

کسانی که پرچم مخالفت در برابر تفسیر این آیه و روایات متعددی که در شان نزول آن و روایات ما فوق تواتری که درباره اصل حادثه غدیر وارد شده برافراشته اند ، دو دسته اند : آنهایی که از آغاز با روح عناد و لجاجت و حتی با هتک و توهین و بدگوئی و دشنام به شیعه ، وارد این بحث شده اند و دسته دیگری که روح تحقیق و بررسی حقیقت را تا حدودی در خود حفظ کرده و به صورت استدلالی مسأله را تعقیب کرده اند ، و به همین دلیل به قسمتی از حقایق اعتراف کرده ولی به دنبال ذکر پاره ای از اشکالات که شاید نتیجه شرائط خاص محیط فکریشان بوده است ، از آیه و روایات مربوط به آن گذشته اند .



نمونه بارز دسته اول ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه است که درست مانند کسی است که در روز روشن چشم خود را بر هم گذارد و انگشتها را محکم در گوش کند و فریاد بزند خورشید کجا است؟ نه حاضر است گوشه چشم را بگشاید و کمی از حقایق را ببیند و نه انگشت از گوش بردارد و کمی از غوغای محدثان و مفسران اسلامی را بشنود پی در پی دشنام می دهد و هتاک می کند، عذر این افراد جهل و بی خبری و تعصبهای آمیخته با لجابت و خشونت آنها است که تا

انکار بدیهیات و مسائل واضحی که هر کس آن را درک می کند پیش می رود، لذا ما هرگز زحمت نقل سخنان آنها را بخود و زحمت شنیدن پاسخ آنها به خوانندگان نمی دهیم، کسی که در برابر اینهمه دانشمندان و مفسران بزرگ اسلامی که اکثریت آنها از علمای اهل تسنند و به نزول آیه در شان علی (علیه السلام) تصریح کرده اند، با کمال وقاحت می گوید: احدی از دانشمندان در کتاب خود چنین چیزی را نقل نکرده! در مقابل او چه می توانیم بگوئیم و سخن او چه ارزشی دارد که روی آن بحث کنیم.

جالب اینکه ابن تیمیه برای تبرئه خود در برابر کتابهای معتبر فراوانی که به نزول آیه درباره علی (علیه السلام) تصریح

می کند ، با این جمله مضحک که احدی از دانشمندانی که می دانند چه می گویند ، این آیه را در شان علی (علیه السلام) نمی داند ! اکتفا کرده است .

گویا تنها دانشمندانی می فهمند چه می گویند که با تمایلات افراطی عناد آلود و لجوجانه ابن تیمیه هم صدا باشند و گر نه هر کس هم صدا نشد ، دانشمندی است که نمی فهمد چه می گوید ! این منطق کسی است که خود خواهی و لجاج بر فکر او سایه شوم افکنده است ... از این دسته بگذریم .

ولی از میان ایراداتی که دسته دوم ذکر کرده اند چند موضوع قابل بحث است که ذیلا از نظر می گذرانیم :

۱- آیا مولی به معنی اولی به تصرف است ؟

مهمترین ایرادی که در مورد روایت غدیر می شود ، این است که مولی از جمله به معنی دوست و یار و یاور آمده است ، و معلوم نیست در اینجا به این معنی نباشد .

پاسخ این سخن ، پیچیده نیست ، زیرا هر ناظر بی طرفی می داند تذکر و یادآوری دوستی علی (علیه السلام) نیاز به اینهمه مقدمات و تشکیلات و خطبه خوانی در وسط بیابان

خشک و سوزان و متوقف ساختن جمعیت و گرفتن اعترافهای پی در پی از جمعیت ، ندارد ، دوستی مسلمانان با یکدیگر یکی از بدیهی ترین مسائل اسلامی است که از آغاز اسلام وجود داشته است .

و آنگهی این مطلبی نبود که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تا آن زمان آن را تبلیغ نکرده باشد ، بارها آن را تبلیغ کرده بود .

چیزی نبود که از ابراز آن وحشت داشته باشد تا خدا به او دلداری تامین دهد .

مساله ای نبود که خداوند با این لحن که اگر ابلاغ آن را نکنی تبلیغ رسالت نکرده ای با پیامبرش سخن بگوید .

همه اینها گواهی می دهد ، مساله مافوق یک دوستی ساده و عادی بوده که جزء الفبای اخوت اسلامی از روز اول اسلام محسوب می شده است .

به علاوه اگر منظور بیان یک دوستی ساده بود ، چرا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قبلا از مردم اقرار می گیرد (ألست أولى بکم من أنفسکم)؛ آیا من نسبت به شما از خود شما سزاوارتر و صاحب اختیارتر نیستم ؟ آیا این جمله هیچ تناسبی با بیان یک دوستی ساده دارد ؟ و نیز یک دوستی ساده جای این نداشت که مردم حتی شخص عمر به علی (علیه السلام) با این

جمله اصیحت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنه : ای علی تو مولای من و مولای هر مرد و زن مسلمان شدی تبریک و تهنیت بگویند و آنرا یک موفقیت تازه بشمرند مگر علی (علیه السلام) تا آن روز به عنوان یک مسلمان عادی که دوستیش بر همه لازم است شناخته نشده بود ، مگر دوستی مسلمانان با یکدیگر چیز تازه ای بود که نیاز به تبریک داشته باشد آن هم در سال آخر عمر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) .

به علاوه رابطه ای میان حدیث ثقلین و تعبیرات آمیخته با وداع پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با مساله دوستی علی (علیه السلام) می تواند وجود داشته باشد ، دوستی ساده علی (علیه السلام) با مؤمنان ایجاب نمی کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) او را در ردیف قرآن قرار دهد .

آیا هر ناظر بی طرفی از این تعبیر نمی فهمد که در اینجا مساله رهبری مطرح است ، زیرا قرآن بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نخستین رهبر مسلمانان و بنابر این اهل بیت (علیهم السلام) دومین رهبر بوده اند .

۲- ارتباط آیات

گاهی گفته می شود آیات قبل و بعد درباره اهل کتاب و

ص: ۴۴

خلافکاریهای آنها است ، مخصوصا نویسنده تفسیر المنار در جلد ۶ صفحه ۴۶۶ روی این مساله ، یا فشاری زیادی کرده است

ولی همانطور که در تفسیر خود آیه گفتیم این موضوع اهمیت ندارد ، زیرا

اولا لحن آیه و تفاوت آن با آیات قبل و بعد ، کاملا نشان میدهد که موضوع سخن در این آیه ، موضوعی است که با آیات قبل و بعد تفاوت دارد و ثانيا همانطور که بارها گفته ایم ، قرآن یک کتاب کلاسیک نیست که مطالب آن در فصول و ابواب معینی دسته بندی شده باشد ، بلکه طبق نیازها و حوادث مختلف و رویدادها نازل گردیده است ، لذا مشاهده می کنیم قرآن در حالی که درباره یکی از غزوات بحث می کند فی المثل یک حکم فرعی را به میان می آورد ، و در حالی که درباره یهود و نصاری سخن می گوید ، روی سخن را به مسلمانان کرده و یکی از دستورهای اسلامی را برای آنها بازگو می کند ( برای توضیح بیشتر مجددا به بحثی که در آغاز تفسیر آیه داشتیم مراجعه فرمائید ) .

عجیب اینکه بعضی از متعصبان اسرار دارند که بگویند این آیه در آغاز بعثت نازل شده است ، با اینکه سوره مائده در

اواخر عمر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده و اگر بگویند: این یک آیه در مکه در آغاز بعثت نازل شده و سپس به تناسب در لابلای آیات این سوره قرار داده شده می گوئیم:

این درست ضد آن است که شما آن را می جوئید و می طلبید، زیرا می دانیم که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در آغاز بعثت نه مبارزه با یهود داشت و نه با نصاری، بنابر این پیوند این آیه و آیات قبل و بعد بریده خواهد شد (دقت کنید) اینها همه نشان می دهد که این آیه در معرض وزش طوفان تعصب قرار گرفته و به همین دلیل احتمالاتی در آن مطرح می شود که در آیات مشابه آن به هیچوجه از آن سخنی نیست، هر یک می کوشد با بهانه و یا دستاویز بی اساسی آن را از مسیرش منحرف سازد!

۳- آیا این حدیث در همه کتب صحاح نقل شده؟!!

بعضی می گویند: چگونه می توانیم این حدیث را بپذیریم، در حالی که بخاری و مسلم آن را در دو کتاب خود نقل نکرده اند.

این ایراد نیز از عجائب است زیرا اولاً بسیار است احادیث معتبری که دانشمندان اهل تسنن آنها را پذیرفته اند و در صحیح بخاری و مسلم نیست و این نخستین حدیثی نیست

ص: ۴۶

که این وضع را بخود گرفته ، ثانيا مگر کتاب معتبر نزد آنها منحصر به این دو کتاب است ، با اینکه در سایر منابع مورد اعتماد آنها حتی بعضی از صحاح سته ( شش کتاب معروف و مورد اعتماد اهل سنت ) مانند سنن ابن ماجه و مسند احمد حنبل این حدیث آمده است و دانشمندانی مانند حاکم و ذهبی و ابن حجر با تمام شهرت و تعصبی که دارند به صحیح بودن بسیاری از طرق این حدیث ، اعتراف کرده اند ، بنابر این هیچ بعید نیست بخاری و مسلم در آن جو خاص و خفقان آلود محیط خود نتوانسته و یا نخواسته اند چیزی را که بر خلاف مذاق زمامداران وقتشان بوده است ، صریحا در کتاب خود بیاورند .

۴- چرا علی (علیه السلام)

و اهل بیت به این حدیث استدلال نکردند ؟ ! بعضی می گویند : اگر حدیث غدیر با این عظمت وجود داشت ، چرا خود علی (علیه السلام) و اهل بیت او و یاران و علاقمندانش در موارد لزوم به آن استدلال نکردند ؟ ! آیا بهتر نبود که آنها به چنین مدرک مهمی برای اثبات حقانیت علی (علیه السلام) استناد بجویند ؟ این ایراد نیز از عدم احاطه به کتب اسلامی ، اعم از حدیث و تاریخ و تفسیر ، سرچشمه گرفته است ، زیرا

ص: ۴۷

در کتب دانشمندان اهل تسنن موارد زیادی نقل شده که خود علی (علیه السلام) و یا ائمه اهل بیت (علیهم السلام) و یا علاقمندان به این مکتب با حدیث غدیر استدلال کرده اند: از جمله خود علی (علیه السلام) در روز شوری طبق نقل خطیب خوارزمی حنفی در

مناقب از عامر بن واصله چنین نقل می کند: در روز شوری با علی (علیه السلام) در آن خانه بودم و شنیدم که با اعضای شوری چنین می گفت: دلیل محکمی برای شما اقامه می کنم که عرب و عجم توانائی تغییر آن را نداشته باشند: شما را بخدا سوگند آیا در میان شما کسی هست که قبل از من خدا را به یگانگی خوانده باشد (و سپس مفاخر معنوی خاندان رسالت را برشمرد تا رسید به اینجا) شما را بخدا سوگند آیا در میان شما احدی جز من هست که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حق او گفته باشد.

من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و انصر من نصره ليلغ الشاهد الغائب همه گفتند: نه این روایت را حموینی در فرائد السمطين در باب ۵۸ و همچنين ابن حاتم در دار النظيم و دارقطنی و ابن عقده و ابن ابی الحديد در شرح نهج البلاغه نقل کرده اند.



و نیز می خوانیم که علی (علیه السلام) بنا به نقل فرائد السمطين در باب ۵۸ در ایام عثمان در مسجد در حضور جمعیت به جریان غدیر استدلال کرد، و همچنین در کوفه در برابر کسانی که نص بر خلافت بلافضل او را از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) انکار میکردند صریحا به این روایت استدلال کرد.

این حدیث را طبق نقل الغدیر چهار نفر از صحابه، و چهارده نفر از تابعین طبق نقل منابع معروف اهل تسنن روایت کرده اند.

و نیز در روز جنگ جمل طبق نقل حاکم در کتاب مستدرک جلد سوم صفحه ۳۷۱ در برابر طلحه با آن استدلال فرمود.

و نیز در روز جنگ صفین طبق نقل سلیم بن قیس هلالی علی (علیه السلام) در لشکرگاه خود در برابر جمعی از مهاجرین و انصار و مردمی که از اطراف گرد آمده بودند، به این حدیث استدلال کرد، و دوازده نفر از بدریین (کسانی که

جنگ بدر را در خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درک کرده بودند) برخاستند و گواهی دادند که این حدیث را از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده اند! بعد از علی (علیه السلام) بانوی اسلام فاطمه زهرا س و امام حسن و امام حسین و عبد

الله بن جعفر و عمار یاسر و قیس بن سعد و عمر بن عبد العزیز و مامون خلیفه عباسی به آن استناد جستند و حتی عمرو بن عاص در نامه ای که به معاویه نوشت برای اینکه به او اثبات کند بخوبی از حقایق مربوط به موقعیت علی (علیه السلام) و وضع معاویه آگاه است صریحا مساله غدیر را یادآوری کرده و خطیب خوارزمی حنفی در کتاب مناقب صفحه ۱۲۴ آن را نقل کرده است ( کسانی که مایل به توضیحات بیشتر و آگاهی از منابع مختلف این روایات در زمینه استدلال علی (علیه السلام) و اهل بیت و جمعی از صحابه و غیر صحابه به حدیث غدیر هستند می توانند به کتاب الغدیر جلد اول صفحات ۱۵۹ تا ۲۱۳ مراجعه کنند ، مرحوم علامه امینی استدلال به این حدیث را از ۲۲ تن از صحابه و غیر صحابه در موارد مختلف نقل کرده است . )

۵- جمله آخر آیه چه مفهومی دارد ؟

میگویند : اگر این آیه مربوط به نصب علی (علیه السلام) به خلافت و ولایت و داستان غدیر خم است پس این جمله آخر که می گوید: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ** : خداوند قوم کافر را هدایت نمی کند چه ارتباطی با این مساله می تواند

ص: ۵۰

داشته باشد؟ برای پاسخ به این ایراد کافی است بدانیم که کفر در لغت و همچنین در لسان قرآن به معنی انکار و مخالفت و ترک است، گاهی به انکار خدا و یا نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اطلاق می شود و گاهی به انکار و یا مخالفت در برابر دستورات دیگر، در سوره آل عمران آیه ۹۷ در مورد حج می خوانیم: **وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ**: کسانی که دستور حج را زیر پا بگذارند و با آن مخالفت نمایند به خدا زبانی نمی رسانند خداوند از همه جهانیان بی نیاز است و در سوره بقره آیه ۱۰۲ درباره

تفسیر نمونه ج: ۵ ص: ۲۲

ساحران و آنها که آلوده به سحر شدند اطلاق کلمه کفر شده است ( و ما يعلمان من احد حتى يقولوا انما نحن فتنه فلا تكفر ) و نیز در آیه ۲۲ سوره ابراهیم می بینیم که شیطان در برابر کسانی که از او پیروی و اطاعت کردند در روز رستاخیز صریحا اظهار تنفر کرده و به آنها می گوید: شما در اطاعت اوامر الهی مرا شریک او ساختید و من امروز نسبت به این کار شما کفر می ورزم ( **إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ** ) بنابر این اطلاق کفر بر مخالفان مساله ولایت و رهبری جای تعجب نیست .

ص: ۵۱

بهبانه دیگری که برای سرباز زدن از این حدیث متواتر و همچنین آیه مورد بحث ذکر کرده اند این است که اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) علی (علیه السلام) را در غدیر خم به ولایت و رهبری و خلافت نصب کرده باشد ، لازمه اش وجود دو رهبر و دو پیشوا در زمان واحد خواهد بود ! ولی توجه به شرائط و اوضاع خاص زمان نزول آیه و ورود حدیث و همچنین قرائنی که در گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وجود دارد این بهانه را به کلی برطرف می کند ، زیرا می دانیم که این جریان در ماههای آخر عمر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) واقع شد ، در حالی که او آخرین دستورات را به مردم ابلاغ می کرد به خصوص اینکه صریحا فرمود : من بزودی از میان شما می روم و دو چیز گرانمایه را در میان شما می گذارم .

کسی که این سخن را می گوید پیدا است در صدد تعیین جانشین خویش است و برای آینده برنامه ریزی می کند نه برای زمان حاضر ، بنا بر این روشن است که منظورش وجود دو رهبر و دو پیشوا در زمان واحد نیست .

موضوع جالب توجه اینکه در حالی که بعضی از دانشمندان اهل تسنن این ایراد را مطرح می کنند بعضی دیگر

ایرادی درست در نقطه مقابل آن مطرح کرده اند و آن اینکه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ولایت و خلافت علی (علیه السلام) را تعیین کرد ولی

تاریخ آن را روشن نساخت چه مانعی دارد که این ولایت و خلافت بعد از سه خلیفه دیگر باشد؟! راستی حیرت آور است، بعضی از این طرف بام می افتند و بعضی از آن طرف، و تعصبها مانع می شود که روی متن قضیه تکیه کنند، باید کسی از آنها سؤال کند که اگر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می خواست چهارمین خلیفه خود را تعیین کند و در فکر آینده مسلمانان بود پس چرا خلیفه اول و دوم و سوم خود را که مقدم بر او بودند و تعیین آن لازمتر بود در مراسم غدیر بیان نکرد؟! بار دیگر گفته سابق خود را تکرار می کنیم و این بحث را پایان می دهیم که اگر نظرهای خاصی در کار نبود این همه اشکال تراشی در زمینه این آیه و این حدیث نمی شد، همانطور که در موارد دیگر نشده است.

تفسیر نمونه ج: ۵ از ص: ۲ بعد.

تفسیر نمونه ج: ۴ ص: ۲۶۳ بعد.

( الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ) .

ص: ۵۳

در اینجا بحث مهمی پیش می آید که منظور از الیوم (امروز) که در دو جمله بالا تکرار شده چیست؟ یعنی کدام روز است که این چهار جهت در آن جمع شده هم کافران در آن مایوس شده اند، و هم دین کامل شده، و هم نعمت خدا تکامل یافته، و هم خداوند آئین اسلام را به عنوان آئین نهائی مردم جهان پذیرفته است.

در میان مفسران در اینجا سخن بسیار است ولی آنچه جای شک نیست این است که چنین روزی باید روز بسیار مهمی در تاریخ زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد، نه یک روز ساده و عادی و معمولی، زیرا اینهمه اهمیت برای یک روز عادی معنی ندارد، و لذا در پاره ای از روایات آمده است که بعضی از یهود و نصاری با شنیدن این آیه گفتند اگر چنین آیه ای در کتب آسمانی ما نقل شده بود، ما آن روز را روز عید قرار می دادیم.

اکنون باید از روی قرائن و نشانه ها و تاریخ نزول این آیه و این سوره و تاریخ زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و روایاتی که از منابع مختلف اسلامی بدست ما رسیده این روز

مهم را پیدا کنیم .

آیا منظور روزی است که احکام بالا- در باره گوشت‌های حلال و حرام نازل شده ؟ قطعاً چنین نیست ، زیرا نزول این احکام واجد این همه اهمیت نیست نه باعث تکمیل دین است زیرا آخرین احکامی نبوده که بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده ، بدلیل اینکه در دنباله این سوره به احکام دیگری نیز برخورد میکنیم ، و تازه یاس کفار می شود ، فراهم ساختن پشتوانه محکمی برای آینده اسلام است ، و به عبارت دیگر نزول این احکام و مانند آن تاثیر چندانی در روحیه کافران ندارد و اینکه گوشت‌هایی حلال یا حرام باشد آنها حساسیتی روی آن ندارند .

آیا منظور از آن روز عرفه در آخرین حج پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است ؟ ! ( همانطور که جمعی از مفسران احتمال داده اند ) .

پاسخ این سؤال نیز منفی است ، زیرا نشانه های فوق بر آن روز نیز تطبیق نمیکند ، چون حادثه خاصی که باعث یاس کفار بشود در آن روز واقع نشد ، اگر منظور انبوه اجتماع مسلمانان است که قبل از روز عرفه نیز در خدمت پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در مکه بودند و اگر منظور نزول احکام

ص: ۵۵

فوق در آن روز است که آن نیز همانطور که گفتیم چیز وحشتناکی برای کفار نبود .

و آیا مراد روز فتح مکه است ( چنانکه بعضی احتمال داده اند ) با اینکه تاریخ نزول این سوره مدتها بعد از فتح مکه بوده است ؟! و یا منظور روز نزول آیات سوره براءت است که آنهم مدتها قبل از نزول این سوره بوده است ؟! و از همه عجیبتتر احتمالی است که بعضی داده اند که این روز ، روز ظهور اسلام و یا بعثت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) باشد با اینکه آنها هیچگونه ارتباطی با روز نزول این آیه ندارند و سالهای متمادی در میان آنها فاصله بوده است .

بنا بر این هیچیک از احتمالات ششگانه فوق با محتویات آیه سازگار نیست .

در اینجا احتمال دیگری هست که تمام مفسران شیعه آن را در کتب خود آورده اند و روایات متعددی آن را تایید می کند و با محتویات آیه کاملا سازگار است و آن اینکه : منظور روز (غدیر خم) است ، روزی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را رسماً برای جانشینی خود تعیین کرد ، آن روز بود که کفار در میان امواج یاس فرو رفتند ، زیرا انتظار داشتند که آئین اسلام قائم به شخص باشد ، و با از



میان رفتن پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اوضاع به حال سابق برگردد، و اسلام تدریجا برچیده شود، اما هنگامی که مشاهده کردند مردی که از نظر علم و تقوا و قدرت و عدالت بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان مسلمانان بی نظیر بود بعنوان جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) انتخاب شد و از مردم برای او بیعت گرفت یاس و نومییدی نسبت به آینده اسلام آنها را فرا گرفت و فهمیدند که آئینی است ریشه دار و پایدار.

در این روز بود که آئین اسلام به تکامل نهائی خود رسید، زیرا بدون تعیین جانشین برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و بدون روشن شدن وضع آینده مسلمانان، این آئین به تکامل نهائی نمی رسید.

آن روز بود که نعمت خدا با تعیین رهبر لایقی همچون علی (علیه السلام) برای آینده مردم تکامل یافت.

و نیز آن روز بود که اسلام با تکمیل برنامه هایش بعنوان آئین نهائی از طرف خداوند پذیرفته شد (بنابراین جهات چهارگانه در آن جمع بوده).

علاوه بر این، قرائن زیر نیز این تفسیر را تایید می کند:

الف - جالب توجه اینکه در تفسیر فخر رازی و تفسیر روح

المعانی و تفسیر المنار در ذیل این آیه نقل شده است که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلّم) بعد از نزول این آیه بیش از هشتاد و یک روز عمر نکرد .

و با توجه به اینکه وفات پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلّم) در روایات اهل تسنن و حتی در بعضی از روایات شیعه (مانند آنچه کلینی در کتاب معروف کافی نقل کرده است) روز دوازدهم ماه ربیع الاول بوده چنین نتیجه می گیریم که روز نزول آیه درست روز هیجدهم ذی الحجه بوده است .

ب- در روایات فراوانی که از طرق معروف اهل تسنن و شیعه نقل شده صریحا این مطلب آمده است که آیه شریفه فوق در روز غدیر خم و به دنبال ابلاغ ولایت علی (علیه السلام) نازل گردید ، از جمله اینکه :

۱- دانشمند معروف سنی ابن جریر طبری در کتاب ولایت از زید بن ارقم صحابی معروف نقل می کند که این آیه در روز غدیر خم در باره علی (علیه السلام) نازل گردید .

۲- حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب ما نزل من القرآن فی علی (علیه السلام) از ابو سعید خدری (صحابی معروف) نقل کرده که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلّم) در غدیر خم ، علی (علیه السلام) را به عنوان ولایت به مردم معرفی کرد و مردم

متفرق نشده بودند تا اینکه آیه الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ ... نازل شد ، در این موقع پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضی الرب برسالتی و بالولایه لعلی (علیه السلام) من بعدی ، ثم قال من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله : الله اکبر بر تکمیل دین و اتمام نعمت پروردگار و خشنودی خداوند از رسالت من و ولایت علی (علیه السلام) بعد از من ، سپس فرمود : هر کس من مولای اویم علی (علیه السلام) مولای او است ، خداوندا ! آن کس که او را دوست بدارد دوست بدار ، و آن کس که او را دشمن دارد ، دشمن بدار ، هر کس او را یاری کند یاری کن و هر کس دست از یاریش بردارد دست از او بردار .

۳- خطیب بغدادی در تاریخ خود از ابو هریره از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین نقل کرده که بعد از جریان غدیر خم و پیمان ولایت علی (علیه السلام) و گفتار عمر بن خطاب .

بخ بخ یا بن ابی طالب اصیحت مولای و مولا کل مسلم .

آیه الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ نازل گردید .

در کتاب نفیس الغدیر علاوه بر روایات سه گانه فوق سیزده روایت دیگر نیز در این زمینه نقل شده است .

در کتاب احقاق الحق از جلد دوم تفسیر ابن کثیر صفحه ۱۴ و از مقتل خوارزمی صفحه ۴۷ نزول این آیه را در باره داستان غدیر از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرده است .

در تفسیر برهان و نور الثقلین نیز ده روایت از طرق مختلف نقل شده که این آیه در باره علی (علیه السلام) یا روز غدیر خم نازل گردیده ، که نقل همه آنها نیازمند به رساله جداگانه است .

مرحوم علامه سید شرف الدین در کتاب المراجعات چنین می گوید : که نزول این آیه را در روز غدیر در روایات صحیحی که از امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) نقل شده ذکر گردیده و اهل سنت ، شش حدیث با اسناد مختلف از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در این زمینه نقل کرده اند که صراحت در نزول آیه در این جریان دارد .

از آنچه در بالا گفتیم روشن می شود که : اخباری که نزول آیه فوق را در جریان غدیر بیان کرده در ردیف خبر واحد نیست که بتوان با تضعیف بعضی اسناد آن ، آنها را نادیده گرفت بلکه اخباری است که اگر متواتر نباشد لااقل مستفیض است ، و در منابع معروف اسلامی نقل شده ، اگر چه بعضی

از دانشمندان متعصب اهل تسنن ، مانند آلوسی در تفسیر روح المعانی تنها با تضعیف سند یکی از این اخبار کوشیده اند بقیه را به دست فراموشی سپارند و چون روایت را بر خلاف مذاق خویش دیده اند مجعول و نادرست قلمداد کنند ، و یا مانند نویسنده تفسیر المنار با تفسیر ساده ای از آیه گذشته ، بدون اینکه کمترین اشاره ای به این روایات کند ، شاید خود را در بن بست دیده که اگر بخواهد روایات را ذکر کرده و تضعیف کند بر خلاف انصاف است و اگر بخواهد قبول کند بر خلاف مذاق او است ! نکته جالبی که باید در اینجا به آن توجه کرد این است که قرآن در سوره نور آیه ۵۵ چنین می گوید : وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ يَخْلِفْنَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّتْ خَلْفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ... خداوند به آنهایی که از شما ایمان آوردند و عمل صالح انجام داده اند وعده داده است که آنها را خلیفه در روی زمین قرار دهد همانطور که پیشینیان آنانرا چنین کرد ، و نیز وعده داده آئینی را که برای آن پسندیده است مستقر و مستحکم گرداند و بعد از ترس به آنها آرامش بخشد .

در این آیه خداوند می فرماید : آئینی را که برای آنها

پسندیده در روی زمین مستقر می سازد ، با توجه به اینکه سوره نور قبل از سوره مائده نازل شده است و با توجه به جمله رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا که در آیه مورد بحث ، در باره ولایت علی (علیه السلام) نازل شده ، چنین نتیجه می گیریم که اسلام در صورتی در روی زمین مستحکم و ریشه دار خواهد شد که با ولایت توأم باشد ، زیرا این همان اسلامی است که خدا پسندیده و وعده استقرار و استحکامش را داده است ، و به عبارت روشنتر اسلام در صورتی عالمگیر می شود که از مساله ولایت اهل بیت جدا نگردد .

مطلب دیگری که از ضمیمه کردن آیه سوره نور با آیه مورد بحث استفاده می شود این است که در آیه سوره نور سه وعده به افراد با ایمان داده شده است نخست خلافت در روی زمین ، و دیگر امنیت و آرامش برای پرستش پروردگار ، و سوم استقرار آئینی که مورد رضایت خدا است .

این سه وعده در روز غدیر خم با نزول آیه الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ... جامه عمل بخود پوشید زیرا نمونه کامل فرد با ایمان و عمل صالح ، یعنی علی (علیه السلام) به جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نصب شد و به مضمون جمله الْيَوْمَ يَتَسَّسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ مسلمانان در آرامش و امنیت نسبی قرار

گرفتند و نیز به مضمون وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا آئین مورد رضایت پروردگار در میان مسلمانان استقرار یافت .

البته این تفسیر منافات با روایاتی که می گوید آیه سوره نور در شأن مهدی (علیه السلام) نازل شده ندارد زیرا آمنوا منکم ...

دارای معنی وسیعی است که یک نمونه آن در روز غدیر خم انجام یافت و سپس در یک مقیاس وسیعتر و عمومی تر در زمان قیام مهدی (علیه السلام) انجام خواهد یافت ( بنابراین کلمه الارض در آیه به معنی همه کره زمین نیست بلکه معنی وسیعی دارد که هم ممکن است بر تمام کره زمین گفته شود ، و هم به قسمتی از آن ، چنانکه از موارد استعمال آن در قرآن نیز استفاده می شود که گاهی بر قسمتی از زمین اطلاق شده و گاهی بر تمام زمین ) ( دقت کنید ) .

یک سؤال لازم

تنها سؤالی که در مورد آیه باقی می ماند این است که اولاً طبق اسناد فوق و اسنادی که در ذیل آیه یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ خواهی آمد هر دو مربوط به جریان غدیر است ، پس چرا در قرآن میان آن دو فاصله افتاده ؟ ! یکی آیه ۳ سوره مائده و دیگری آیه ۶۷ همین سوره است .

ثانیا این قسمت از آیه که مربوط به جریان غدیر است

ص: ۶۳

ضمیمه به مطالبی شده که در باره گوشت‌های حلال و حرام است و در میان این دو تناسب چندانی به نظر نمی‌رسد .

در پاسخ باید گفت :

اولاً می‌دانیم آیات قرآن ، و همچنین سوره‌های آن ، بر طبق تاریخ نزول جمع آوری نشده است بلکه بسیاری از سوره‌هایی که در مدینه نازل شده مشتمل بر آیاتی است که در مکه نازل گردیده و بعکس آیات مدنی را در لابلای سوره‌های مکی مشاهده می‌کنیم .

با توجه به این حقیقت جدا شدن این دو آیه از یکدیگر در قرآن جای تعجب نخواهد بود ( البته طرز قرار گرفتن آیات هر سوره تنها به فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده است ) آری ، اگر آیات بر طبق تاریخ نزول جمع آوری شده بود جای این ایراد بود .

ثانیاً ممکن است قرار دادن آیه مربوط به غدیر در لابلای احکام مربوط به غذاهای حلال و حرام برای محافظت از تحریف و حذف و تغییر بوده باشد ، زیرا بسیار می‌شود که برای محفوظ ماندن یک شیء نفیس آن را با مطالب ساده ای می‌آمیزند تا کمتر جلب توجه کند ( دقت کنید ) .

حوادثی که در آخرین ساعات عمر پیامبر



(صلی الله علیه و آله و سلم) واقع شد ، و مخالفت صریحی که از طرف بعضی افراد برای نوشتن وصیتنامه از طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عمل آمد تا آنجا که حتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را (العیاذ بالله) متهم به هذیان و بیماری! و گفتن سخنان ناموزون کردند ، و شرح آن در کتب معروف اسلامی اعم از کتب اهل تسنن و شیعه نقل شده شاهد گویائی است بر اینکه بعضی از افراد حساسیت خاصی در مساله خلافت و جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داشتند و برای انکار آن حد و مرزی قائل نبودند! .

آیا چنین شرائطی ایجاب نمی کرد که برای حفظ اسناد مربوط به خلافت و رساندن آن به دست آیندگان چنین پیش بینی هائی بشود و با مطالب ساده ای آمیخته گردد که کمتر جلب توجه مخالفان سر سخت را کند؟! .

از این گذشته -همانطور که دانستیم -اسناد مربوط به نزول آیه **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ** در باره غدیر و مساله جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تنها در کتب شیعه نقل نشده است که چنین ایرادی متوجه شیعه شود ، بلکه در بسیاری از کتب اهل تسنن نیز آمده است ، و به طرق متعددی این حدیث از سه نفر از صحابه معروف (خلفای سه گانه) نقل شده است .

تفسیر نمونه در شرح آیات فوق.

## فضائل امام علی (علیه السلام) در کلام خلفا

### اشاره

همه صاحبان عقل و دانش می دانند فضیلت و کمال بی انتهای علی علیه السلام و خاندان پاک آن حضرت به اندازه ای درخشنده است که هیچ کس و هیچ چیز قادر به جلوگیری از پرتو افکنی آن نیست.

در طول تاریخ اسلام، گروههای زیاد با ترفندهای گوناگون خواستند، از انتشار فضایل و مناقب آنحضرت و از رسیدن روایات بیشمار، درباره آن مظلوم تاریخ، به دست نسل های بعدی، (باتحریم سردمداران باطل از نوشتن و روایت آنها، حد اقل یک قرن و تا دوران زمامداری عمر بن عبدالعزیز اموی)، جلوگیری نمایند، اما موفق نشدند.

جالب اینکه از زبانهای همین سردمداران، کلمات و عباراتی، بیرون آمده و قسمتی از آنها را، تاریخ ثبت و ضبط نموده که واقعا، جای شگفتی و برحق و با حق بودن آن بزرگوار، دلالت می نماید.

مانند کلمات و مرویات خلفای سه گانه و اتباعش می باشد

ص: ۶۶

که دانستن این مطالب از چند جهت مورد توجه و اهمیت است:

اولا مقام رفیع امیر المؤمنین علی علیه السلام را از زبان کسانی که به عنوان بعضی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مطرح بودند، و سخنان آن حضرت را شنیدند، می شناسیم. ثانیاً: به طور قطع، میزان شناخت پیروان مذاهب مختلف عامه با مطالعه این مطالب، نسبت به آن حضرت بیشتر و کاملتر خواهد شد. و تحولی نو در آنان پدید خواهد آمد. (مانند، فؤاد فاروقی، یکی از نویسندگان اهل سنت که در مورد عظمت و مقام رفیع علی علیه السلام کتب متعددی تألیف کرده، در صفحه ۲۶۰ از کتاب «بیست و پنج سال سکوت علی علیه السلام» در مورد آغاز شناخت و سیعتر خود نسبت به شخصیت برجسته اسلام یعنی علی علیه السلام چنین می نویسد: «به یاد آوردن این که چه زمانی با نام مبارک علی علیه السلام آشنا شده ام برایم ممکن نیست، اما خوب به خاطر می آورم که چه زمانی شیفته اش شدم: زمانی که اقدام به جمع آوری سخنان» (عمر بن خطاب) درباره این شخصیت ممتاز عالم اسلام، کردم. جملات سپاسمندان و ستایشگرانه عمر، سردار بزرگ سده نخستین برقراری اسلام، مرا مجذوب علی علیه السلام کرد...

ثالثاً: از این طریق، ماهیت کسانی که بعد از پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم، سفارشها و وصایای آن حضرت را در مورد خلافت و ولایت علی علیه السلام نادیده گرفته و با ایجاد شورای انحصاری، اقدام به تعیین خلیفه برای مسلمین کردند، کاملاً روشن می شود. در ادامه همین مباحث، سخنان و روایاتی که عایشه در زمینه عظمت علی علیه السلام بیان کرده است نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت و نیز گفتارها و اظهار نظرهای گروهی از بزرگان و علمای اهل سنت را در دیدگاه عزیزان قرار می دهیم تا خود به حقیقت، پی برده و منصفانه، قضاوت نمایند.

اکنون به ترتیب و به صورت جداگانه قسمتی از سخنان و مرویات آنان را مورد دقت و توجه قرار می دهیم :

## ۱- سخنان و مرویات ابوبکر بن ابی قحافه

### اشاره

۱- جواز عبور از صراط

عن قیس بن حازم قال: التقی ابو بکر الصدیق و علی بن ابی طالب، فتبسم ابو بکر فی وجه علی فقال له ما لک تبسمت؟ قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول: لا یجوز احد الصراط الا من کتب له علی الجواز. نقل از سید جواد مهری در

ص: ۶۸

مقدمه کتاب «آنگاه هدایت شدم» تألیف دکتر سید محمد تیجانی سماوی ص ۲ به نقل از: ابان السمان در الموافقه، ص ۱۳۷، و ابن حجر در الصواعق المحرقة، ص ۱۲۶ و ابن مغزلی شافعی در مناقب علی علیه السلام ص ۱۱۹

از قیس بن حازم روایت شد که: ابو بکر با علی بن ابی طالب ملاقات کرد، پس ابو بکر به چهره علی علیه السلام نگاه کرده و تبسم می نمود، علی علیه السلام به او فرمود: چرا تبسم می کنی؟ گفت: شنیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: هیچ کس بر صراط نمی گذرد، مگر کسی که علی برایش گذرنامه صادر کرده باشد.

۲- ابو بکر:

هر کس دوست دارد به مردی بنگرد که نزد رسول خدا «ص» عظیم ترین منزلت را داشت و قرابتش نیز به آن جناب نزدیک تر و دخالتش در رفع حوائج آن جناب و بی نیازی خودش از دیگران بیشتر بود به این مرد یعنی علی نگاه کند.

کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۱۵

۳- دست من و علی در عدالت، مساویست

...فقال ابو بکر: صدق الله و رسوله، قال لی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ليله الهجرة، و نحن خارجان من الغار نريد المدينة: كفى و كف على في العدل سواء.

ص: ۶۹

...ابو بکر گفت: خدا و رسولش راست گفتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در شب هجرت در حالی که بیرون از غار بودیم و اراده (رفتن) به مدینه را داشتیم به من فرمود: دست من و دست علی در عدل و داد برابر است.

(ابن مغازلی در مناقب، حدیث ۱۷۰، ص ۱۲۹، و ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۳۸، و آخر حدیث ۹۵۳) شرح محمودی (شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، باب مناقب السبعون، ص ۲۷۷، حدیث ۱۷ و ص ۳۰۰، متقی هندی در کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۴) مؤسسه الرساله بیروت، چاپ پنجم (و دیگران).

### نگاه کردن به روی علی عبادت است

جمله (النظر إلى وجه علي عبادة) در روایات از خلفای سه گانه و عایشه آمده است که در فصل مربوط به هر کدام، خواهد آمد.

۴- عن عائشه قالت: رأيت أبا بكر الصديق يكثر النظر إلى وجه علي بن أبي طالب فقلت: يا أبا عبد الله إنك لتكثر النظر إلى علي بن أبي طالب فقال لي: يا بنية سمعت رسول الله يقول: النظر إلى وجه علي عبادة. از عائشه نقل شده است که گفت: دیدم که ابوبکر زیاد به چهره امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه می کند، پس

ص: ۷۰

گفتم: ای پدر! شما زیاد به چهره علی بن ابی طالب نگاه می کنی! پس به من گفت: ای دخترم! از رسول خدا شنیدیم که می گفت: نگاه کردن به چهره علی عبادت است.

(الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقه، ج ۲، ص ۵۱۷، مؤسسه الرساله؛ المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۷۶، ح ۱۰۰۰۶، مکتبه الزهراء؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۲، ح ۴۶۸۲، دار الکتب العلمیه؛ تاریخ الخلفاء سیوطی، ج ۱، ص ۱۷۲ مطبعه السعاده. ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۵۸؛ مناقب ابن مغازلی، ص ۲۱۰، حدیث ۲۵۲ ط ۱؛ ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۳۹۱، حدیث ۱۸۹۵) به شرح محمودی (و دیگران).

نکاتی چند پیرامون این حدیث.

الف - عبادت امر مشترکی بین تمامی ادیان است:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا (آل عمران ۶۴)

بگو ای اهل کتاب بیائید به سوی امری که بین ما و شما مشترک است و آن اینکه غیر از خدا را عبادت نکنیم و چیزی را با خدا شریک قرار ندهیم.

وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ (نحل ۳۶)

و همانا در هر امتی ما رسول قرار دادیم تا عبادت خدا

کنند.

ب- حقیقت عبادت یعنی آنچه که با آن بندگی خدا انجام و رضایت خدا با آن وسیله جلب شود، مگر نگاه کردن به شخصی چه فعل عبادی است که با آن نگاه کردن رضای خدا به دست می آید و عبادت محسوب می شود.

معلوم می شود تمام وجود چنین شخصی تجلیگاه صفات الهی و مورد توجه خود ذات احدیت میباشد.

ج- از طرفی طبق دو آیه مبارکه بالا و آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات: ۵۶) هدف از خلقت «عبادت» است و ما جن و انس را خلق نکردیم مگر برای اینکه عبادت کنند.

و این عبادت به نگاه کردن به امیرالمؤمنین حاصل می شود. پس آیا جز این است که نظر و نگاه محبت آمیز به امیرالمؤمنین هدف و غایت خلقت است؟! زیرا اینها اول ما خلق الله و علت غائی آفرینشند.

پس بنا به گفته عاشقان مولای متقیان علی علیه السلام (یعنی ابوبکر و دخترش عایشه و عمر و عثمان!!! که حدیث هر دو در فصل خودش خواهد آمد) در روایت بالا «النظر الی وجه علی عبادته» نگاه کردن به چهره این شخصیت دوم جهان آفرینش، عین عبادت

ص: ۷۲



پروردگار جهان است.

البته معنای نظر تنها دیدن با چشم نیست بلکه دیدن با قلب را نیز نظر می گویند. (لسان العرب، ج ۵، ص ۲۱۵).

پس اینکه نظر قلب دائم بر امیرالمؤمنین باشد و در برابر او خاضع و ذلیل باشد و در دفاع از مظلومیت او بتپد این همان عبادت واقعی حق تعالی است.

د- در روایت فوق گفته نشده: نگاه به امیرالمؤمنین صلاه است، یا حج، بلکه گفته شده عبادت است. و از طریق مصدر از آن تعبیر کرد: «عباده». اگر امری از طریق مصدر از آن تعبیر شود یعنی مطلق و محض آن چیز است پس نگاه به امیرالمؤمنین علیه السلام مطلق و محض عبادت و عبادت مطلق است.

به عبارت دیگر هر عبادتی تأثیر خاصی بر روح و روان انسان و سیر و سلوک او به سوی حق تعالی دارد اما نگاه کردن به چهره امیرالمؤمنین علیه السلام مطلق این عبادات است و تمامی این تأثیرات را یکجا برای انسان به ارمغان می آورد.

با این عبادت است که انسان به درجه یقین می رسد:

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (حجر ۹۹) پس پروردگارت را عبادت کن تا تو را به یقینت برساند.

ص: ۷۳

از همین روست که در روایت آمده است که حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم "یقول" یعنی دائماً و مستمراً می فرمودند: نظر کردن به چهره امیرالمؤمنین علیه السلام عبادت است.

ه - این روایت عصمت امیرالمؤمنین علیه السلام را هم ثابت می کند. زیرا اگر کسی که نگاه کردن به او عبادت باشد یعنی خدا بایک نگاه کردن به او به خدایی ستایش و پرستش می شود.

چنین شخصی باید معصوم باشد زیرا اگر یک لحظه از لحظات از خدا جدا باشد و از ذکر خدا غافل باشد و خدا از او راضی نباشد دیگر شامل اطلاق روایت نمی گردد.

و - این روایت افضل بودن امیرالمؤمنین علیه السلام بر انبیاء دیگر را نیز ثابت می کند. زیرا خداوند وقتی ذکر انبیاء پیشین را می کند تمام شرف و افتخار آنها را این می داند که عبد و بنده او هستند مثلاً در مورد نوح، ابراهیم، موسی و هارون، داوود و ایوب و اسحاق چنین می فرماید: سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ... إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۸۱-۷۹ صافات)

سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ( صافات:

(۱۱۱-۱۰۹)

ص: ۷۴

سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ ... إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (صافات ۱۲۲-۱۲۰) وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا دَاوُدَ (ص ۱۷). وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا أَيُّوبَ (ص ۴۱)

وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ (ص ۴۵).

اما در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام چنین است که نه تنها او عبد الهی باشد بلکه نگاه کردن به او هم عبادت است یعنی عبادت از وجود او بوجود می آید. و این بسیار مافوق مقام عبد بودن است.

ز- جای تحیر است که این روایت، یعنی آن فضیلتی که سرسخت ترین دشمن بآن اقرار دارد و نتوانسته آن را انکار کند پس چرادر برابرش سرتعظیم فرود نیاوردند بلکه سعی در مخفی کردن فضائل و مناقب او بودند و کردند و. و. و.؟!.

۶- رعایت کنید محمد (صلی الله علیه و آله) را در اهل بیتش.

عن ابن عمر قال: قال ابو بكر الصديق: ارقبوا محمدا صلی الله علیه و آله و سلم فی أهل بيته، ای احفظوه فيهم فلا تؤذوهم . از ابن عمر روایت شده که ابو بكر گفته است: رعایت کنید محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در (مورد) اهل بیت او. یعنی حفظ کنید (حرمت) او را در میان اهل بیتش، پس اهل بیت آن

ص: ۷۵

حضرت را اذیت نکنید. شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، باب ۵۴، ص ۱۹۴ و ۳۵۶ و متقی هندی در کنز العمال، ج ۱۳ - ص ۶۳۸ مؤسسه الرساله بیروت، چاپ پنجم.

۷- به به مثل تو کجا خواهد بود ای ابو الحسن.

از حارث ابن اعور روایت شد که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در میان جمعی از یاران خود حاضر بود، پس فرمود: به شما نشان می دهم آدم علیه السلام را از جنبه علمش و نوح را از جنبه فهمش و ابراهیم را از جنبه حکمتش، پس چیزی نگذشت که علی علیه السلام آمد. ابو بکر عرضه داشت:

یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اقتست رجلا بثلاثه من الرسل، بخ بخ لهذا الرجل، من هو یا رسول الله؟ قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: أولا تعرفه یا ابا بکر؟ قال: الله و رسوله اعلم. قال صلی الله علیه و آله و سلم: هو ابو الحسن علی بن ابی طالب علیه السلام فقال ابو بکر: بخ بخ لك یا ابا الحسن و این مثلک یا ابا الحسن. بوستان معرفت تألیف سید هاشم حسینی تهرانی، ص ۴۴۷ به نقل از: مناقب خوارزمی، فصل ۷، ص ۴۵.

ابو بکر عرضه داشت: (یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلممردی را با سه نفر از پیامبران برابر کردی، به به این مرد، او کیست، ای رسول خدا؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

ص: ۷۶

فرمود: آیا او را نمی شناسی ای ابا بکر؟ ابو بکر عرض کرد: خدا و رسولش داناترند. حضرت فرمود: او ابو الحسن علی بن ابی طالب علیه السلام است. پس ابو بکر گفت: به به به تو ای ابو الحسن، مثل تو کجا خواهد بود ای ابو الحسن.

۸- نزدیک ترین مردم به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قال الشعبي: بينا ابو بکر جالس اذ طلع علی بن ابی طالب من بعيد فلما رآه ابو بکر قال: من سرّه ان ينظر الى اعظم الناس منزله و اقربهم قرابه و افضلهم داله و اعظمهم غناء عن رسول الله صلی الله علیه و آله (و سلم، فلينظر الى هذا الطالع.

شعبی گوید: «روزی ابوبکر در جایی نشسته بود، علی بن ابی طالب (علیه السلام) از دور نمایان شد. چون ابوبکر او را دید گفت: هر کس خوش دارد بنگرد به کسی که بزرگ ترین مردم در مقام و منزلت و نزدیک ترین مردم به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و برترین مردم به نام و نشان و بزرگ ترین مردم در بی نیازی از مردم که از جهت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) (به دست آورده، بنگرد به این کس که از دور نمایان شد».

بوستان معرفت «ص ۶۵۰ به نقل از: ابن عساکر در تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۳، ص ۷۰، حدیث ۱۱۰۰ و از مناقب خوارزمی فصل ۱۴، ص ۹۸، کنز العمال»، ج ۱۲، ص ۴۸۹ - مؤسسه الرساله بیروت، چاپ پنجم، مناقب

ص: ۷۷

۹- علی (علیه السلام) پیشگام ترین مسلمان

همچنین وی نقل می کند : روزی علی علیه السلام ابوبکر و همراهان او را دید و بر آنان سلام کرد و به راه خود ادامه داد .  
ابوبکر گفت : « هر کس مایل است به نخستین و پیشگام ترین مسلمان و نزدیک ترین خویشاوند رسول خدا صلی الله علیه و آلهنگرد ، باید علی بن ابی طالب را نگاه کند » . مناقب خوارزمی ، فصل ۱۴ ، ص ۱۶۱ .

۱۰- عن زید بن علی بن الحسین قال: سمعت ابي علي بن الحسين يقول: سمعت أبي الحسين بن علي يقول: قلت لأبي بكر، يا ابا بكر، من خير الناس بعد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم؟ فقال لي: ابو كك ،...از زید بن علی بن الحسین علیه السلام روایت شد که گفت: از پدرم علی بن الحسین علیه السلام، شنیدم که می فرمود: از پدرم حسین بن علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: به ابو بکر گفتم، ای ابو بکر، بهترین مردم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه کسی است؟ به من گفت: پدر تو،...

۱۱- عن معقل بن يسار المزني قال: سمعت أبا بكر الصديق

يقول: علي بن ابي طالب عتره رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم آثار الصادقين، ج ۱۳، ص ۱۱۵

از معقل بن يسار مزنی روايت شد كه گفت: از ابوبكر شنيدم كه مي گفت: علي بن ابي طالب از اهل بيت و خاندان رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم است.

۱۲- الرياض النضره ج ۲، ص ۱۶۳) قال: جاء ابو بكر و علي عليه السلام يزوران قبر النبي «صلى الله عليه (و آله) و سلم» بعد وفاته بسته أيام، قال علي عليه السلام لأبي بكر: تقدم فقال ابو بكر: ما كنت لأتقدم رجلا سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول: علي منى بمنزلة من ربى.

(در كتاب رياض النضره ج ۲، ص ۱۶۳) گوید: ابو بكر و علي عليه السلام برای زیارت قبر مطهر رسول اکرم صلى الله عليه و آله و سلمشش روز پس از رحلت حضرت مشرف شدند، علي عليه السلام به ابو بكر فرمود: پیش برو (و جلو حرکت کن) ابو بكر گفت: من هرگز بر مردی تقدم نمی جویم كه خود شنيدم رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم در باره او (می فرمود: علي نزد من منزلة را دارد كه من آن منزلة را در پیشگاه پروردگارم دارم.

( آثار الصادقين، ج ۱۴، ص ۲۷۷، به نقل از فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۲۹۷۹. رهبر، محمد تقی، علي عليه السلام ابر مرد مظلوم، ص ۱۱۴).

ص: ۷۹

۱۳... عن (معقل بن یسار المزنی یقول:

سمعت ابابکر الصدیق یقول لعلی بن ابی طالب، عقده رسول الله، صلی الله علیه و آله و سلم. ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۳، حدیث ۱۰۹۲، ص ۵۴. (العقده: کحرمه، و الجمع عقد کحرم، الولایه. البیعه المعقوده.

از معقل ابن یسار مزنی روایت شد که می گفت:

شنیدم که ابو بکر به علی بن ابی طالب علیه السلامی گفت: «عقده رسول الله» (یعنی کسی که عقد بیعتش را با مسلمین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منعقد کرد)

۱۴- ابو بکر در موارد متعدد، بالای منبر و در حضور تعداد زیادی از مسلمانان گفت:

اقیلونی، اقیلونی و لست بخیر منکم و علیّ فیکم .

مرا رها کنید، مرا رها کنید، که من بهترین شما نیستم در حالی که علی در میان شماست... چرا شیعه شدم» تألیف جناب محمد رازی، ص ۳۳۲ به نقلش از: فخر رازی در نهاییه العقول، طبری در تاریخ خود، بلاذری در انساب الاشراف، سمعانی در فضائل، غزالی در سر العالمین، سبط ابن جوزی در تذکره، قاضی فضل بن روزبهان و ابن ابی الحدید و دیگران.

- قابل ذکر است که صحت این گفتار ابو بکر در کلمات علی علیه

ص: ۸۰



السلام در نهج البلاغه كاملا روشن است، آنجا كه فرمود: فيا عجباً بينا هو يستقيلها في حياتها اذ عقدها لآخر بعد مماته «يعني» پس چقدر جاي تعجب و شكفت است كه ابو بكر استقاله مي كرد (و امتناع مي نمود) از خلافت در حال حيات خود در حالي كه گره مي زد خلافت را براي ديگري (يعني عمر) بعد از مرگش.

روزي ابوبكر درباره ي خلافت خود و بيعت مردم با او بر فراز منبر گفت: « اقبلوني و لست بخيركم و علي فيكم ؛ مرا رهايي كنيد ، در حالي كه علي عليه السلام در بين شماست من بهترين شما نيستم . فقيه ايماني ، مهدي ، الأمام امير المؤمنين علي عليه السلام از ديدگاه خلفا ، ص ۵۸ .

۱۵- بعد از آن كه اميرالمؤمنين عليه السلام در غدير خم جانشين پيامبر صلي الله عليه و آله شد ابوبكر و عمر در هنگام بيعت با امام علي عليه السلام با تعبيرات مختلفی به آن حضرت تبريك گفتند كه بعضي از آن تعبيرات عبارتند از :

« بخ بخ لك يا ابن ابي طالب ؛ بخ بخ لك يا ابالحسن و ... »

« هنيئاً لك يا بن ابي طالب اصبحت مولى كل مؤمن و مؤمنه... »

« و يا امسيت يا بن ابي طالب ، مولى كل مؤمن و مؤمنه ... »

مبارك، مباركت باد بر تو اي پسر ابوطالب ، مبارك باد ،

مبارک باد بر تو ای ابالحسن! گوارا باد بر تو ای پسر ابوطالب! صبح کردی در حالی که مولی و سرپرست هر مرد و زن با ایمان گشتی. گوارا باد بر تو ای پسر ابوطالب! ای که روز را به شب رساندی در حالی که سرپرست و پیشوای همه ی مؤمنان گردیدی. فقیه ایمانی، مهدی، الامام امیر المومنین علی علیه السلام از دیدگاه خلفا ص ۹۹-۹۷

۱۶- اظهار پشیمانی ابوبکر هنگام مرگ

ابوبکر هنگام مرگ می گفت: « به خدا قسم جز از سه کار متأسف نیستم و ای کاش مرتکب آن نمی شدم از جمله: ای کاش دست از خانه ی علی علیه السلام می کشیدم اگرچه او علیه من اعلان جنگ می داد. ابن قتیبه، الامامه و السیاسه، ص ۲۴.

## ۲- سخنان و مرویات از عمر بن خطاب درباره علی

### اشاره

علیه السلام

در آغاز به این مطلب توجه نموده و بخاطر بسپارید.

یکی از خصائص تمامی حجتهای الهی و رسول خدا صلی الله علیه و آله، اخلاق حسنه و رأفت و مهربانیست.

بنا بر این در آیات مکرر قرآن به این صفات مدح شده است:

ص: ۸۲

اِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ (قلم ۴) همانا تو بر خلق عظیم مبعوث شده ای.

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران ۱۵۹) به مرحمت خدا با خلق مهربان گشته ای و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می شدند.

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ (توبه ۱۲۸) همانا رسولی از جنس شما برای هدایت شما آمد که فقر و پریشانی و جهل شما بر او سخت است و بر هدایت شما بسیار حریص و به مؤمنان رئوف و رحیم است.

وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا - وَحْيٌ يُوحَىٰ (نجم ۴-۳) و هیچ گاه از روی هوی و هوس صحبت نمی کند هیچ نمی گوید مگر آنکه وحیی است که بر او وحی شده است.

حال سؤالی پیش می آید: آیا امیرالمؤمنین علی علیه السلام، که از خود پیامبر است و در تمامی خصال با پیامبر مشترک است و دارای کمالات بی انتها و صاحب عفو و بخش حتی نسبت به قاتل خودش بود، لایق جانشینی اوست یا کسی که بهره ای از این خصال نبرده است بلکه عکس آن در وجود

در منابع متعددی از مخالفین ذکر شده است که عمر بن الخطاب فظ و غلیظ القلب بوده است:

عن زبید قال: لما حضرت ابابکر الوفاء بعث الی عمر یستخلفه فقال الناس: استخلف علینا فظًا غلیظًا لو قد ملکنا کان أفظ و أغلظ. زبید نقل می کند: هنگامی که مرگ ابوبکر نزدیک شد، فرستاد نزد عمر تا او را خلیفه خود کند، مردم گفتند: بر ما تند خوئی بد اخلاق را خلیفه کرده است؛ اگر حاکم ما شود، تندخوتر و بد اخلاق تر می شود. (اسد الغابه: ۴/۶۹؛ تاریخ المدینه المنوره: ۲/۶۷۱؛ التمهید: ۱۹۷؛ مناقب عمر: ۵۳ و ۵۴)

حتی خود عمر نیز به این خصلت خود معترف است:

قال عمر: ... بلغنی ان الناس قد هابوا شدتی و خافوا غلظتی و قالوا: قد کان عمر یشتد علینا و رسول الله بین اظهرنا ثم اشتد علینا و ابوبکر والینا دونه فکیف الان و قد صارت الامور الیه و لعمری من قال ذلک فقد صدق، عمر (بر فراز منبر) چنین گفت: به من خبر رسیده است که مردم از شدت و تندی من واهمه و ترس دارند و از خشونت و درشتی من در بیم و هراس می باشند؛ آنها می گویند: عمر بر ما سخت می گرفت در حالی که رسول خدا میان ما بود و در زمان خلافت ابوبکر

هم همانطور رفتار می کرد، پس چگونه است که الان امور به دست اوست. به خدا قسم هر کس چنین بگوید تحقیقا راست گفته است. (حیوه الحيوان الكبرى: ۱/۷۱)

ابن ابی الحدید می گوید: «استدعی عمر امرأه لیسألها عن أمر و كانت حاملاً فلشده هیته ألقیت ما فی بطنها فأجهضت به جنیناً میتاً» عمر زن بارداری را احضار کرد و تا از او در موردی سؤال کند. آن زن از بیم، کودک خویش را سقط کرد و جنین او مرده به دنیا آمد. (شرح نهج البلاغه: ۱/۱۷۴)

همچنین نقل شده است:

(کان عمر) اول من ضرب بالدرّه، اولین کسی که با تازیانه مردم را زد، عمر بود. (حیوه الحيوان: ۱/۴۹۴؛ صفه الصفوه: ۱/۲۷۷؛ نورالابصار: ۶۷؛ تاریخ الخلفاء: ۱۳۷)

ابن ابی الحدید چنین می نویسد:

کان یقال درّه عمر أهیب من سیف الحجاج، تازیانه عمر بیم انگیزتر از شمشیر حجاج است. (شرح نهج البلاغه: ۱/۱۸۱؛ حیوه الحيوان: ۱/۷۴)

عمر نسبت به جبله بن الایهم که بزرگ طائفه غسان بود، و تازه اسلام آورده بود، چنان خوشنودی کرد که او را وادار به هجرت از مدینه و سپس هجرت از تمام سرزمین اسلام کرد و

او از آئین اسلام برگشت و مسیحی شد و پانصد نفر از طائفه اش مرتد شدند و به پادشاه روم پناه بردند. و این به مناسبت سیلی ای بود که عمر به جبله زد. (شرح نهج البلاغه: ۷۰۶۹ و ۸۱ و ۷۹؛ مروج الذهب: ۲/۸۵)

سختگیری وی تا آنجا رسید که ابی بن ابی کعب روزی به وی گفت: «لا تکن عذاباً علی اصحاب رسول الله» برای اصحاب رسول خدا عذاب نباش. (صحیح مسلم: ۶/۱۷۹ و ۱۸۰)

ابن عباس می گوید: «من برای پرسیدن یک سؤال از عمر دو سال صبر کردم. مانع من از پرسش، ترس از عمر بود. (ابن جوزی تاریخ عمر ابن خطاب: ۱۲۶)

خشونت وی به حدی رسید که اگر شخصی از معنای آیه قرآن سؤال می کرد او را شکنجه می نمود چنانچه ضبیع بن تمیمی را هنگامی که از معنای «والذاریات ذروا» را سؤال کرد به زندان انداخت و بارها او را به صد ضربه شلاق محکوم کرد و سرانجام نیز وی را به بصره تبعید نموده و مردم را از گفتگو با وی برحذر داشت. (شرح نهج البلاغه: ۱۲/۱۰۲)

آیا این است خصلت «بالمؤمنین رئوف رحیم» نسبت به مؤمنین رئوف و رحیم است؟!

همچنین رفتارهای بسیار زشتی که ابی بکر و عثمان با

اصحاب رسول خدا داشته اند بیش از آن است که در این مختصر بیان شود. به عنوان نمونه در مورد عثمان نقل شده است که:

گروهی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جمع شدند و نامه ای خطاب به عثمان نوشتند و به برخی از اعمال ناشایست او اعتراض کردند از قبیل: بخشش خمس آفریقا به مروان، اسراف در ساختمان سازی و ساختن هفت منزل برای خود و همسر، دختران و اقوامش و قصرهای مروان که از ناحیه خمس واجب ساخته شده بود، سپردن کارهای دولتی و استانداریها به خویشان و پسرعموهای خود که جوان و خام بودند و بهره ای از لیاقت و مصاحبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نداشتند و نسپردن مسئولیت ها به مهاجرین و انصار و نیز اجرا ننمودن حد بر ولید زناکار. دادن جوایز به اطرافیان خود و شکنجه مردم و چیزهای فراوان دیگر. بعد از نوشتن نامه بحث پیش آمد که چه کسی حاضر است نامه را نزد عثمان ببرد. عمّار یاسر آمادگی خود را اعلام نمود. هنگامی که عمّار بر عثمان وارد شد، بنی امیه در اطراف عثمان حاضر بودند و به دستور او عمار را به باد کتک گرفتند، خود عثمان نیز در زدن عمار شرکت نمود. سپس وی را از منزل عثمان بیرون

انداختند.

ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت: عمار را برای مداوا به منزل او ببرند.

(ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسه: ۱/۳۳؛ بلاذری، انساب الاشراف:

۵/۴۹؛ ابن عبدربه، العقد الفرید: ۲/۲۸۷)

هر چه فضائل و مناقب مولایمان امیرالمؤمنین بی حد و حساب است، فضائح و مطاعن و ردائیل این سه بی حد و حساب است.

حال باید پرسید: «هَلْ تَسْتَوِي الظُّلْمَاتُ وَ النُّورُ»؟! آیا ظلمت با نور یکسان است؟!!

روی این اصل و شایستگی های بی حد و حصر، علی علیه السلام شخصیتی یگانه در تمام زمان هاست و به این نکته نه تنها دوستان، بلکه مخالفانشان نیز اذعان کرده اند به روایات آتی توجه و دقت نمائید.

عمر بن خطاب در روز اول خلافتش به منبر رفت و گفت:

بخدا قسم دوازده فضیلت به علی بن ابیطالب (علیه السلام) داده شد که یکی از آنها برای من نیست و نه از برای احدی از مردم.

و آن دوازده تا این است:

اولین فضیلت: بدنیا آمدن آن بزرگوار در کعبه.

ص: ۸۸



دومین فضیلت: عقد حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در آسمان برای علی (علیه السلام).

سومین فضیلت: زهرا (علیها السلام) همسر علی (علیه السلام) است و این بهترین فضیلت هاست.

چهارمین فضیلت: آقا حسن و حسین (علیهما السلام) فرزندان او هستند.

پنجمین فضیلت: فرمایشات پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در حضور من، کسی که من مولای او هستم پس علی مولای اوست خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست بدارد و دشمن بدار کسی که علی را دشمن بدارد.

ششمین فضیلت: روز عید غدیر خم که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود و من حاضر بودم، یا علی منزلت تو به من مثل منزلت هارون به موسی علی نبینا و آله و علیه السّلام است یعنی تو برادر و وصی بلافصل من هستی.

هفتمین فضیلت: بسته شدن تمام درهای خانه اصحاب که به مسجد باز می شد. مگر در خانه علی (علیه السلام) که بسته نشد.

هشتمین فضیلت: قول پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله): کسی که عبادت کند در مثل مکه و مدینه نهصد و پنجاه سال مثل نوح (علیه السلام) که در ما بین قومش عبادت کرد و صبر کند بر گرمای مکه و

گرسنگی مدینه و انفاق کند مالش را که بقدر کوه احد باشد و جهاد کند مابین کوه صفا و مروه در راه خدا با اختیار خودش برای رضای خدا و نیاید روز قیامت با ولای تو یا علی پس عمل او و زهد و انفاق او قبول نمی شود.

نهمین فضیلت: فرود آمدن ستاره در خانه علی (علیه السلام).

دهمین فضیلت برگشتن خورشید برای علی (علیه السلام) دو مرتبه.

یازدهمین فضیلت: حرف زدن علی (علیه السلام) با مردگان به اذن خدای تعالی و صحبت کردن با شیر و گرگ و آهو و اژدها و ماهی و سایر حیوانات.

دوازدهمین فضیلت: علی قادر است که پنجاه هزار نفر مثل مرا با دست چپش به قتل برساند

و آقا علی (علیه السلام) در این جلسه حضور داشتند سر مبارک بلند نمود و فرمود اعتراف کرد به حق قبل از آنکه شهادت بر او بدهند...

#### **۱- در قبال ولایت امیرالمومنین علیه السلام از همه**

سؤال خواهد شد.

تعدادی از آیات نازله و روایات گوناگون، درباره علی علیه السلام را در جلد اول این کتاب از جمله آیه ذیل را آورده ام ولی اینجا کمی مشروح ترمی آورم.

ص: ۹۰

خداوند متعال در کتاب آسمانی خویش می فرماید:

وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (صافات: ۲۴)

در روز قیامت خداوند به ملائکه فرمان می دهد که آنها یعنی مردمان کفر پیشه و گمراه را متوقف سازید که در کارشان سخت مسؤل هستند و باید مورد بازپرسی قرار بگیرند.

خاصه و عامه اتفاق نظر دارد که این آیه در مورد ولایت امیرالمومنین علیه السلام است.

۱- شیخ طوسی در امالی از انس بن مالک از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

إذا كان يوم القيامة و نصب الصّراط على جهنم لم يجز عليه الا من معه جواز فيه ولايه علي بن ابيطالب، و ذلك قوله تعالى:

و قفوههم انهم مسئولون یعنی عن ولايه علي بن ابيطالب عليه السلام هنگامی که روز قیامت می شود و صراط بر روی جهنم نصب می گردد. هیچ کس نمی تواند از روی آن عبور کند مگر اینکه جوازی در دست داشته باشد که در آن ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد و این همان است که خداوند می گوید: «وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» این روایت را در کتاب ینابیع الموده از ثمامه بن عبدالله بن انس از پدرش از جدش از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است (دلایل الصدق ج ۲ ص ۱۵۱. در بسیاری از

کتاب اهل سنت، در تفسیر این آیه به سؤال شدن از ولایت امیرالمومنین علیه السلام بیان شده است.

از جمله بزرگان عامه که این حدیث را نقل کرده اند عبارتند از: ابن حجر هیثمی در صواعق المحرقة ص ۱۴۷؛ عبد الرزاق حنبلی (طبق نقل کشف الغمه ص ۹۲)؛ علامه سبط ابن جوزی در تذکره ص ۲۱؛ آلوسی در روح المعانی ذیل آیه مورد بحث؛ ابو نعیم اصفهانی (طبق نقل کفایه الخصال ص ۳۶۰) و حاکم نیشابوری با اسناد متعدد این روایت را نقل می کند:

۲- عبید الله بن محمد العائشی قال حدثنا مسلم بن إبراهيم الفراهیدی و قیس بن حفص الدارمی قالا حدثنا عیسی بن میمون عن أبي هارون العبدی عن أبي سعيد الخدری فی قوله: وَ قِفُّوْهُمْ اِنَّهُمْ مَسْئُوْلُوْنَ ، قال: عن إمامه علی بن أبي طالب.

شواهد التنزیل حاکم حسانی ج ۲ ص ۱۶۲-۱۶۱

حاکم روایت فوق را به چهار طریق ذکر می کند. همچنین روایت می کند:

۳- حدثنی أبو الحسن الفارسی حدثنا أبو الفوارس الفضل بن محمد الکاتب حدثنا محمد بن بحر الرهنی بکرمان حدثنا أبو کعب الأنصاری حدثنا عبد الله بن عبد الرحمن حدثنا إسماعیل بن موسى حدثنا محمد بن فضیل حدثنا عطاء بن السائب عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس قال قال رسول الله:

ص: ۹۲

إذا كان يوم القيامة أوقف أنا و عليّ علي الصراط فما يمرّ بنا أحد إلا سألناه عن ولايه علي، فمن كانت معه وإلا ألقيناه في النار وذلك قوله: وقفوهم إنهم مسئولون. حضرت رسول خدا صلی الله علیه واله و سلم فرمودند: هنگامی که روز قیامت شود من و علی بر صراط می ایستیم و احدی از صراط عبور نمی کند الا اینکه از او در مورد ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می پرسیم.

پس هر کس با او باشد نجات یافته و هر کس با او نباشد او را در آتش جهنم می اندازیم. و این است قول خداوند متعال که فرمود: آن ها را نگه دارید که آنها مسئولند. (شواهد التنزیل حاکم حسکانی ج ۲ ص ۱۶۳).

در منابع معتبر دیگری از علمای اهل سنت نیز این قضیه ذکر شده است:

۴- أخبرنا أبو الحسن الأهوازی أخبرنا أبو بكر البيضاوی حدثنا علي بن العباس حدثنا إسماعيل بن إسحاق حدثنا محمد بن أبي مره عن عبد الله بن الزبير عن سليمان بن داود بن داود بن حسن بن حسن عن أبيه عن أبي جعفر في قوله: وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ قَالَ: عن ولايه علي بن أبي طالب

نظم درر السمطين، الزرندي الحنفي ص ۱۰۹

و روی فی قوله تعالی: وقفوهم إنهم مسئولون (ای) عن ولايه علي والمعنى: إنهم يسئلون هل والوه حق الموالاه كما

أوصاهم النبي أم أضعوها وأهملوها. وروایت شده در مورد قول خداوند که فرمود: ایشان را نگه دارید که اینها مسئولند.

یعنی از ولایت امیرالمومنین علیه السلامو معنای آن این است که: همانا ایشان مسئولند که آیا ولایت او را پذیرفتند آنگونه که حق موالات او بود همانگونه که پیامبر به ایشان وصیت کرده بود؟ یا اینکه آن را ضایع ساختند و در مورد آن اهمال و سستی کردند؟!

كشفت الغمه عز الدين عبدالرزاق الحنبلي ص ۹۲؛ خصائص الوحي المبين، الحافظ ابن البطريق ص ۱۴۲.

۵- حتی سبط ابن جوزی نیز این روایت را در تذکره نقل کرده است: قوله تعالى: وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ، قال أبو سعيد الخدري صاحب رسول الله: مسئولون عن ولاية علي بن أبي طالب. التذکره سبط ابن الجوزی ص ۲۲. همچنین منابع دیگر:

الصواعق المحرقة ابن حجر ص ۸۹؛ ما نزل من القرآن في علي عليه السلام حافظ ابی نعیم اصبهانی، ذیل آیه شریفه؛ خطیب بغدادی در ترجمه اسماعیل بن محمد بن عبدالرحمن در شماره ۳۲۷۵ از تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۲۲۱؛ أرجح المطالب الأمر تسری ص ۶۳؛ کفایه الخصام أبو نعیم الإصبهانی ص ۳۶۰؛ آل محمد العلامة المردی الحنفی ص ۲۸۲؛ الإمام المهاجر العلامة عبدالله الجیابخوری ص ۲۱۶؛ بحر المناقب العلامة درویش برهان ص ۱۵۵،

ص: ۹۴

مخطوط؛ فردوس الأخبار، شیرویه، طبعه طهران؛ مناقب علی، علامه العینی الحیدر آبادی ص ۵۷، طبعه بریش چهار منار؛ ینابیع الموده، القندوزی الحنفی ص ۲۷۰ طبعه اسلامبول؛

۶- آلوسی در تفسیر خود همین مطلب را ذکر کرده است اما به جای ولایت امیرالمومنین ولایت اهل بیت علیهم السلام را ذکر می کند: قال: ومنها قوله تعالى: وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ، قال الواحدی: مسئولون، عن ولاية أهل البيت.

تفسیر آلوسی ص ۷۴

۷- همچنین حموی نیز آیه را به ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام تفسیر کرده است: روی، عن أبي معاوية ضرير عن الأعمش عن مسلم البطين عن سعيد بن جبير عن ابن عباس روايه مفصله وفيها يقول الله تعالى يوم القيامة: قفوهم إنهم مسئولون، عن ولاية علي وحب أهل البيت. (الحموي - فرائد السمطين - مخطوط).

۸- و نیز از بزرگان اهل سنت این آیه را به ولایت اهل بیت علیهم السلام تفسیر کرده اند: قال الحافظ جمال الدين الزرندي عقيب حديث من كنت مولاة فعلى مولاة: قال الإمام الواحدی: هذه الولاية التي أثبتها النبي وهي مسئول عنها كما في قوله تعالى: وقفوهم إنهم مسئولون، عن ولاية علي وأهل

ص: ۹۵

البیت. حافظ جمال الدین زرنندی بعد از ذکر حدیث «من كنت مولاه فعلى مولاه» می گوید امام واحدی گفته است: این ولایتی است که آن را پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم آن را ثابت کرده است و اینکه مسئولند از آن همانگونه که در قول خداوند متعال هم هست که در قرآن فرمودند: ایشان را نگه دارید که ایشان مسئولند از ولایت امیرالمومنین و اهل بیت علیهم السلام.

الحافظ محمد بن مؤمن الشیرازی - المستخرج من تفاسیر الإثنی عشر - مخطوط

۹ - علامه شهاب الدین شافعی روایت مفصل دیگری را دال بر همین مطلب ذکر کرده اند:

روی عن أبي معاوية الضرير عن الأعمش عن مسلم البطين عن سعيد بن جبير عن ابن عباس قال: إذا كان يوم القيامة أمر الله مالكا أن يسعر النيران السبع وأمر رضوان أن يزخرف الجنان الثمان ويقول: يا ميكائيل مد الصراط على متن جهنم ويقول: يا جبرائيل إنصب ميزان العدل تحت العرش وینادی یا محمد قُرب أمتك للحساب ثم يأمر الله تعالى: إن يقعد على الصراط سبع قناطر طول كل قنطره سبعة عشر ألف فرسخ وعلى كل قنطره سبعون ألف ملك قیام فیسألون هذه الأمة نساؤهم ورجالهم على القنطره

ص: ۹۶



الأولى عن ولاية أمير المؤمنين وحب أهل بيت محمد فمن أتى به جاز على القنطرة الأولى كالبرق الخاطف ومن لم يحب أهل بيت نبيه سقط على أم رأسه في قعر جهنم ولو كان معه من أعمال البر عمل سبعين صديقاً وعلى القنطرة الثانية فيسألون عن الصلاة وعلى الثالثة يسألون عن الزكاة وعلى الرابعة عن الصيام وعلى الخامسة عن الحج وعلى السادسة عن الجهاد وعلى السابعة عن العدل فمن أتى بشيء من ذلك جاز على الصراط كالبرق الخاطف ومن لم يأت عذب وذلك قوله تعالى:

وقفوهم إنهم مسئولون يعني معاشر الملائكة قفوهم يعني العباد على القنطرة الأولى عن ولاية علي وحب أهل البيت.

هنگامی که روز قیامت می شود خدا امر می کند به مالک جهنم که آتش هفتگانه را شعله ور سازد و به رضوان بهشت امر می کند که بهشت های هشتگانه را زینت دهد و می گوید:

ای میکائیل! صراط را به روی جهنم پهن کن و می گوید: ای جبرائیل! میزان عدل را زیر عرش نصب کن و ندا می دهد: ای محمد! امت را برای حساب بیاور. سپس خداوند امر می کند: که بر صراط هفت پل نصب کنند که طول هر پلی هفده هزار فرسخ است. و هر پلی هفتاد هزار ملک دارد که از زن و مرد این امت سوال می پرسند. بر پل اول از ولایت

امیرالمؤمنین علیه السلام و حب اهل بیت پیامبر می پرسند پس هر کس ولایت ایشان را داشت از پل اول عبور می کند مثل رعد و کسی که محبت اهل بیت را ندارد از سر در قعر آتش جهنم سقوط می کند اگر چه از اعمال نیک عمل هفتاد صدیق را داشته باشد. و بر پل دوم از نماز از او می پرسند و بر پل سوم از زکات و بر پل چهارم از روزه و بر پل پنجم از حج و بر پل ششم از جهاد و بر پل هفتم از عدل، پس هر کس که اینها را آورده باشد مانند برق از صراط می گذرد و کسی که اینها را نیاورده باشد عذاب می شود. و این قول خداوند متعال است که فرمود: آنها را نگه دارید که ایشان مسئولند یعنی ای گروه ملائکه! آنها را نگه دارید یعنی بندگان را بر پل اول از ولایت امیرالمؤمنین و محبت اهل البیت سوال کنید.

کتاب توضیح الدلائل، علامه شهاب الدین الشافعی ص ۱۶۵، النسخه المصوره من مخطوطه مکتبه الملی بفارس.

پس این روایت را اجلاء و بزرگان اهل سنت در معتبرترین کتب خود، ذکر کرده اند. و در وضوح و صراحت این روایت بر ولایت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ خدشه ای نیست.

**۲- آفرینش یک میلیون فرشته از نور علی (علیه السلام)**

ص: ۹۸

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ مِنْ نُورٍ وَجْهَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع سَبْعِينَ أَلْفَ أَلْفٍ مَلَكٍ يُسَبِّحُونَهُ وَيُقَدِّسُونَهُ وَيَكْتُبُونَ ذَلِكَ لِمُحِبِّهِ وَ مُحِبِّي وَ لِدِهِ . إيضاح دفاثن النواصب: ۴۸. عمر بن خطاب گفت شنیدم از پیامبر اکرم میفرمود: خداوند تبارک و تعالی از نور صورت علی بن ابی طالب هفتاد هزار هزار (یک میلیون) ملک آفریده که خدا را تسبیح و تقدیس میکنند و ثوابش را برای دوستان او و دوستان فرزندان او مینویسند.

### ۳- عمر بن خطاب پرسید علامت دوستدار اهل

بیت شما چیست؟!

بشاره المصطفی سلمان قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله لا يؤمن من رجل حتى يحب أهل بيتي و حتى يدع المرء و هو محق فقال عمر بن الخطاب ما علامه حب أهل بيتك قال هذا و ضرب بيده على بن أبي طالب ع . بشاره المصطفی: ۱۸۸.

بشاره: سلمان گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ایمان ندارد کسی که اهل بیت مرا دوست نداشته باشد و تا وقتی که بحث و جدال را رها نکند گر چه حق با او باشد عمر بن خطاب گفت علامت دوستدار اهل بیت شما چیست فرمود این، و با دست خود بر شانه علی بن ابی طالب زد.

#### ۴- نگاه کردن به چهره امیرالمؤمنین علیه السلام

عبادت است

در فصل ابوبکر از مدارک معتبر اهل سنت گذشت النظر إلى وجه علی عبادہ. ودر فصل عثمان و عایشه هم خواهد آمد. توجه کنید از زبان هر سه خلیفه و عایشه این عبارت آمده است.

عن... و عمر بن الخطاب و...، ان رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم قال: النظر الى وجه علی عبادہ. (ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۵۸. جمعی از روایان که از جمله آنها عمر بن خطاب است از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کنند که فرمود: نگاه کردن به چهره علی (علیه السلام) عبادت است. (التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۱۶۸)

#### ۵- حق با امیرالمؤمنین علیه السلام و او با حق است

۱- قرآن ملازم همیشگی امیرالمؤمنین علیه السلام است

علی مع القرآن و القرآن مع علی لا یفترقان حتی یردا علی الحوض. علی با قرآن و قرآن با علی است و هرگز از هم جدا

ص: ۱۰۰

نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

علمای اهل سنت تصریح کرده اند که «هذا حدیث صحیح الاسناد» این حدیث صحیح السندی است، چنانکه حاکم در مستدرک نقل کرده است.

۲- فَمَقَالَ سَعْدٌ: فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ لِعَلِيٍّ: أَنْتَ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَكَ حَيْثُ مَا دَارَ. سَعْدٌ كَفَتَ: مِنْ أَرَسُولَ خَدَا شَنِيدِمُ كَهْ بَهْ عَلِيٍّ مِي كَفَتَ: «تُو بَا حَقِّ هَسْتِي وَ حَقِّ بَا تُو اسْت؛ هَر كَجَا كَه بَاشِي. بَدِين مَضْمُون نَقْل شَدَه اسْت كَه:

۳- الْحَقُّ لَنْ يَزَالَ مَعَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ لَنْ يَخْتَلِفَا وَ لَنْ يَفْتَرِقَا

حق هرگز از علی جدا نمی شود و پیوسته حق با علی و علی با حق بوده و هرگز از هم جدا نخواهند شد.

برخی از دانشمندان سنی روایات دیگری در این مورد نقل کرده اند از جمله: تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۳۱۲؛ فردوس دیلمی، ج ۳، ص ۲۳۰؛ مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۲۱۲؛ الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۷۳؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۴؛ معجم الاوسط، ج ۵، ص ۱۳۵؛ مناقب خوارزمی، ص ۱۷۷؛ جامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۷؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۲۶؛ تاریخ مدینه دمشق ج ۲۰، ص ۳۶۱؛ یابیع الموده، ج ۱، ص ۱۲۴ و ۲۶۹؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۷۷؛ مناقب خوارزمی، ص ۱۷۷؛

ص: ۱۰۱

تاریخ الخلفاء، ص ۱۷۳؛ فیض القدر، ج ۴، ص ۴۷۰؛ کفایه الطالب، ص ۲۶۵).

۴- در بعضی از منابع نیز دعای حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده است که فرمودند:

رحم الله عليًا اللهم أدر الحقَّ معه حيث دار

خداوند علی علیه السلام را رحمت کند، خدایا! حق را بر مدار علی بچرخان، هر طرف که او برود.

حاکم در المستدرک علی الصحیحین ج ۳، ص ۱۳۴ می گوید: «هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم»، «این حدیث صحیح است بر شرط مسلم»

این احادیث بسیار قابل تأمل است زیرا حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: خدایا امیرالمؤمنین علیه السلام را به دور حق بگردان بلکه فرمودند خدایا حق را بر مدار امیرالمؤمنین بگردان. گویا اگر بنا باشد علی الظاهر تراحمی بین حق و امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گیرد باید امیرالمؤمنین را اختیار کرد زیرا حق حقیقی نیز بر گرد او در طواف است.

فخرالدین رازی، تصریح می کند که به صورت متواتر نقل شده است هر کس در دینش به علی بن ابی طالب اقتدا کند، هدایت خواهد شد و سپس برای اثبات به همین روایت استناد می کند:

ص: ۱۰۲

قد ثبت بالتواتر ومن اقتدى في دينه بعلي بن أبي طالب فقد اهتدى والدليل عليه قوله عليه السلام: اللهم أدر الحق مع علي حيث دار به درستی که با روایات متواتر ثابت شده است که هر کس در دینش به علی بن ابی طالب علیه السلام اقتدا کند، به راستی که هدایت شده است. دلیل بر این مطلب این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: خدایا حق را بر مدار علی بگردان، هر جا که او باشد. (التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۱۶۸)

عن عمر بن الخطاب قال: كنت أنا و أبو بكر و ابو عبيده و جماعه اذ ضرب النبي صلى الله عليه و آله و سلم منكب علي فقال: يا علي أنت أول المؤمنين ايماننا و أولهم اسلاما و أنت مني بمنزله هارون من موسى از عمر بن خطاب روایت شد که گفت: من و ابو بكر و ابو عبيده و عده ای دیگر بودیم وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر کتف علی زد، پس فرمود: ای علی تو اولین مؤمنین از نظر ایمان و اولین آنها از جهت اسلام آوردن می باشی. و تو برای من به منزله هارونی نسبت به موسی علیه السلام. شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، ص ۲۳۹ چاپ قم، س ۳۷۱۱ و متقی هندی در کنز العمال ج ۱۳، ص ۱۲۲ و ص ۱۲۳) مؤسسه الرساله بیروت، چاپ پنجم.

ص: ۱۰۳

## ۶- جوان خوش سیما به عمر چه گفت؟

عن عمر بن الخطاب قال: نصب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم علياً علماً فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، و اخذل من اخذله و انصر من نصره اللهم انت شهيدى عليهم. قال عمر: و كان فى جنبى شاب حسن الوجه، طيب الريح، فقال: يا عمر، لقد عقد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عقدا لا يحلّه الا منافق فاحذر ان تحلّه.

قال عمر: فقلت يا رسول الله انك حيث قلت فى عليّ (ما قلت) كان فى جنبى شاب حسن الوجه، طيب الريح قال كذا و كذا.

قال صلى الله عليه وآله وسلم: نعم يا عمر، انه ليس من ولد آدم، لكنّه جبرئيل أراد أن يؤكّد عليكم ما قلته فى عليّ. -شيخ سليمان قندوزى حنفى در ينابيع الموده (باب موده الخامسه) ص ۲۹۷.

ابن عساکر در شرح حال امام على عليه السلام از تاريخ دمشق ج ۲، ص ۸۰ (شرح محمودى) بنقل از بخارى در تاريخ كبير، ج ۱، ص ۳۷۵ و ديگران.

از عمر بن خطاب روايت شد كه گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، على را مهتر و بزرگ (مسلمين) قرار داد، پس فرمود: هر كس من مولای او هستم پس على مولای اوست، پروردگارا دوست بدار دوست او را و دشمن بدار



دشمن او را، و ذلیل نما کسی را که او را ذلیل می کند و یاری فرما کسی را که یاور اوست. خدایا تو گواه من بر آنان می باشی. عمر گفت: در کنار من جوان خوش سیما و خوش بویی بود، پس گفت: ای عمر به درستی که رسول خدا پیمان و بیعتی انجام داد که جز منافق آن را نقض نمی کند پس بر حذر باش که مبادا آن را نقض کنی. عمر گفت: پس عرض کردم یا رسول الله، وقتی که شما در مورد علی سخن می گفتی در کنارم جوان خوش چهره و خوش بویی بود که به من چنین و چنان گفت. حضرت فرمود: بله ای عمر، او از فرزندان آدم نبود، بلکه جبرئیل بود و خواست تا بر شما در مورد آنچه که من در مورد علی گفتم تأکید کند.

عن عمرو بن میمون قال: لما ولی عمر السسته فقاموا أتبعهم بصره ثم قال: لئن ولّوها الأجيلح لیرکبن بهم الطريق. (۴۳) - بلاذری در انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۰۳، حدیث ۳۵) چاپ بیروت، ط ۱. از عمرو بن میمون روایت شد که گفت: وقتی که عمر آن شش نفر را برای خلافت معرفی کرد، آنان برخاستند (که بروند) عمر چشم به آنها دوخت، سپس گفت: هر آئینه اگر ولایت را به اجيلح واگذار کنید مسلمین را رهبری می کند.

توضیح آنکه اجيلح به معنای اصلع است یعنی کسی که موی جلوی سرش

ریخته که از مشخصات ظاهری علی علیه السلام بوده است.

## ۷- امتیازهای سه گانه علی علیه السلام از زبان عمر.

اخبرنا محمد بن بشار قال حدثنا محمد بن جعفر قال حدثنا عوف بن میمون ابی عبدالله عن زید بن ارقم قال:

۱- کان لفر من اصحاب رسول الله ابواب شارعہ لمسجد فقال رسول الله سدوا هذه الابواب إلا باب علی

فتکلم فی ذلک اناس فقام رسول الله فحمد الله و اثنی علیه ثم قال: اما بعد فانی امرت بسد هذه الابواب غیر باب علی فقال فقه قائلکم والله ما سدده و لا فتحته و لکنی امرت بشئ فاتبعه

زید بن ارقم می گوید: درهای خانه گروهی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به مسجد گشوده می شد پس رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «تمام این درها جز در خانه علی علیه السلام را ببندید.»

برخی از مردم در این باره به بحث و جدال پرداختند، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به پاخواست و حمد و ستایش خدا را به جای آورد و سپس فرمود: اما بعد، من دستور دارم تمام این درها جز در خانه علی علیه السلام را ببندم.

برخی از شما زبان اعتراض گشوده اند، به خدا سوگند من از پیش خود دری را نبستم و نگشودم. بلکه از ناحیه خدا دستور گرفتم و پیروی کردم.

(مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۴۱، ح ۱۹۲۸۷؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۵؛ مناقب خوارزمی، ص ۳۲۷، ح ۳۲۸؛ القول المسدد، ص ۲۸)

۲- قال عمر بن الخطاب: لقد أعطى عليّ ثلاث خصال لأن تكون لي خصله منها أحبّ إليّ من أن أعطى حمر النعم، فسئل و ما هي؟ قال: تزويج النبي صلى الله عليه و آله و سلم ابنته و سكناه المسجد لا يحل لأحد فيه ما يحل لعلي و الزّايه يوم خيبر.

عمر بن خطاب گفت، به علی سه خصلت کرامت شده که اگر یک خصلت از آن به من داده می شد برای من محبوبتر از داشتن شتران سرخ مو (که دارای قیمت بسیار هستند) بود، پرسیده شد آن خصائل کدام است؟ گفت: به ازدواج در آوردن پیامبر دخترش را (برای علی علیه السلام و جای گرفتن او در مسجد که حلال نبود بر هیچ کس در مسجد آنچه که برای علی حلال بود و گرفتن پرچم در جنگ خيبر. (شيخ سليمان قندوزي حنفي در ينابيع الموده، فصل سوم، ص ۳۴۳)

و حاکم در المستدرک ج ۳، ص ۱۲۵ - هیثمی در مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۰. ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۱، ص

ص: ۱۰۷

۲۱۹، حدیث ۲۸۲ (شرح محمودی)، و دیگران.

۳- عن عبد الله بن عباس قال: سمعت عمر بن الخطاب يقول: كفوا عن ذكر علي بن ابي طالب عليه السلام فلقد رأيت من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فيه خصالا لان تكون لي واحده منهن في آل الخطاب احب الي مما طلعت عليه الشمس.

عبد الله بن عباس گوید: از عمر بن خطاب شنیدم می گفت: از بدگویی علی بن ابی طالب علیه السلام خودداری کنید که من از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره فضیلت او خصلت هایی دیدم که اگر یکی از آن خصلتها در خاندان خطاب می بود در نزد من از هر جا و هر چه که آفتاب بر آن می تابد محبوبتر می بود. (آثار الصادقین، ج ۱۴، ص ۲۱۱ به نقل از فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۲۳۹. عن كنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۳).

#### **۸- اگر آسمانها و زمینها در کفه ترازویی نهاده شود**

و ایمان علی در کفه دیگر، ایمان علی برتر خواهد بود.

۱- عن عبد الله بن ضبيعه العبدی، عن ابيه، عن جده قال: أتى عمر بن الخطاب رجلا ن سألاه عن طلاق الأمة، فقام معهما فمشى حتى أتى حلقه في المسجد، فيها رجل أصلع، فقال: أيها الأصلع ما ترى

ص: ۱۰۸

فی طلاق الأمه؟ فرغ رأسه الیه ثم أوماً الیه بالسبابه و الوسطی، فقال له عمر: تطليقتان. فقال احدهما: سبحان الله، جئناك و أنت امیر المؤمنین فمشیت معنا حتی وقفت علی هذه الرجل فسألته، فرضیت منه أن أوماً الیک؟! فقال لهما -عمر- ما تدریان من هذا؟ قال: لا. قال: هذا علی بن ابی طالب. أشهد علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لسمعتہ و هو یقول: ان السماوات السبع و الأرضین السبع لو وضعتا فی کفه -میزان- ثم وضع ایمان علی فی کفه میزان لریح ایمان علی. عبد الله بن ضبیعه عبدی از پدرش، از جدش روایت کرد که گفت: دو مرد نزد عمر بن خطاب آمدند و از او در مورد طلاق کنیز سؤال کردند؟ پس عمر به اتفاق آنها به طرف مسجد آمد، جمعی در مسجد بودند که در میان آنان مردی اصلع (اصلع: به کسی گویند که موی جلوی سرش ریخته باشد که یکی از مشخصات ظاهری علی علیه السلام است. حضور داشت. پس عمر از او پرسید نظر تو در طلاق کنیز چیست؟ پس او سرش را بلند کرد و بعد با انگشت سیابه و وسطی اشاره کرد) و پاسخ گفت (پس عمر سائل را) به مقصود متوجه کرد و (گفت: دو طلاق است. پس یکی از آن دو مرد گفت: سبحان الله، ما نزد تو آمدیم و تو امیر المؤمنین) و خلیفه ما هستی. پس تو با ما نزد این مرد آمدی و

از او می پرسی؟! و از پاسخ او که با اشاره انجام داد راضی شدی؟! پس عمر در خطاب به آنان گفت: نمی دانید که او کیست؟ گفتند: نه، عمر گفت: او علی بن ابی طالب علیه السلام است و من شهادت می دهم که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: اگر آسمانها و زمینها در کفه ترازویی نهاده شود و ایمان علی در کفه دیگر، ایمان علی برتر خواهد بود. (ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۳۶۵، حدیث ۸۷۲) شرح محمودی (ابن مغزلی در مناقب ص ۲۸۹، شماره ۳۳۰، ط ۱ و خوارزمی در فضل ۱۳ از مناقب، ص ۷۸، ط تبریز، گنجی شافعی در کفایه الطالب اواخر باب ۶۲، ص ۲۵۸ و دیگران).

۲- برتری ایمان علی (علیه السلام)

عمر هنگام مرگ شش نفر را حاضر کرد و برای هر یک عیبی یادآور شد. اما درباره ی علی (علیه السلام) در خطاب به وی چنین گفت: ای علی، اگر ایمان همه ی خلائق را با ایمان تو مقایسه کنیم، ایمان تو بر ایمان آنان برتری دارد. مظاهری، حسین، چهارده معصوم، ص ۴۳.

۳- عن ابن عباس قال: سمعت عمر بن الخطاب يقول: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: يا علي انت اول

ص: ۱۱۰

المسلمين اسلاما و اول المؤمنين ايماننا. (آثار الصادقين، ج ۱۴، ص ۴۳) به نقل از مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۶. و نیز متقی هندی در کنز العمال، در قسمت آخر یک روایت، ج ۶، ص ۳۹۵ و ابن عباس رحمه الله گفت: از عمر بن الخطاب شنیدم می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا علی، تو نخستین مسلمان و اولین مؤمن می باشی.

۴- عمر گفت: اگر آسمان های هفت گانه را در یک کفه ترازو بگذارند و ایمان علی علیه السلام را در کفه ی دیگر، ایمان علی علیه السلام از آن سنگین تر است. انصاری، عذرا، جلوه ی ولایت، ص ۲۸۴.

## ۹- زنان عاجزند فرزندی مثل علی بن ابی طالب به

دنیا آورند

۱-...فقال عمر -بن الخطاب -:عجزت النساء ان یلدن مثل علی. عمر بن خطاب گفت: زنان عاجزند فرزندی مثل علی بن ابی طالب به دنیا آورند. (شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، باب ۶۵، ص ۴۴۸ رهبر، محمد تقی، علی علیه السلام ابر مرد مظلوم، ص ۱۵۵.

۲-عجزت النساء ان تلدن مثل علی بن ابی طالب و لولا علی لهلك عمر؛ همانا که زن ها از زائیدن همانند علی علیه

ص: ۱۱۱

السلامتوان باشند و چنان چه علی علیه السلام نبود عمر هلاک شده بود». فقیه ایمانی ، مهدی ، الأمام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ، ص ۱۲۵ .

۳- عن عمر بن الخطاب، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ما اكتسب مكتسب مثل فضل علي، يهدي صاحبه الى الهدى و يرد عن الردى. عمر بن خطاب گفت: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ کس مانند علی علیه السلام فضیلتی به دست نیاورد که صاحب و همنشین خود را به هدایت، ارشاد می کند و از گمراهی باز می دارد. (آثار الصادقین، ج ۱۴، ص ۲۱۲ به نقل از الغدير، ج ۵، ص ۳۶۳ و فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۱۶۷ عن مستدرک الصحيحین).

#### ۱۰- نام امیرالمومنین در عرش...!!!

نام امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از نام خدا و پیامبر در عرش اعلا ثبت گردیده است

۱- رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مکتوب علی ساق العرش لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمد عبدي و رسولی ایدته بعلي بن ابی طالب

بر ساق عرش این کلمات مقدسه نوشته شده است: نیست

ص: ۱۱۲



خدایی مگر ذات ذو الجلال یگانه ایست که شریکی ندارد و محمد بنده و رسول من است که تأیید نمودم او را به علی بن ابی طالب علیه السلام. (تاریخ ابن عساکر، ج ۲، ص ۲۸۰؛ کفایه الطالب، ص ۲۳۴؛ حلیه الاولیاء، ج ۷، ص ۲۵۶؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۴۷). مانند همین مضمون در: (خصائص الکبری، ج ۱، ص ۱۰؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۹۹)

۲- و نیز از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه واله و سلم فرمودند: مکتوب علی باب الجنه لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله اخو رسول الله قبل ان یخلق السموات والارض بألفی عام. بر در بهشت نوشته شده است لا اله الا الله محمدرسول خدا و علی ولی خدا و برادر رسول خدا بوده پیش از آن که خلق شود آسمانها و زمین به دو هزار سال. (ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۳۷؛ موده القربی ابن مغزلی شافعی، ص ۲۰؛ مناقب خوارزمی، ص ۱۴۴؛ مناقب شافعی، ص ۲۹۰)

## ۱۱- نور خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام چهارده

هزار سال قبل از آفرینش آدم.

كنت أنا و علی بن ابی طالب نورا بین یدی الله من قبل ان

ص: ۱۱۳

يخلق آدم بربعه عشر الف عام فلما خلق الله تعالى آدم ركب ذلك النور في صلبه فلم يزل في نور واحد حتى افترقنا في صلب عبدالمطلب ففِي النبوه و في عليّ الخلافه. من وعلى بن ابي طالب (عليه السلام) نوري بوديم در اختيار قدرت خدای تعالی، چهارده هزار سال قبل از اين که خدا آدم را خلق کند.

پس وقتی آدم را خلق فرمود خدای متعال ما را که آن نور بوديم در صلب آدم قرار داد و از صلب او پيوشته با هم بوديم تا در صلب عبدالمطلب از هم جدا شديم پس در من نبوت و در اميرالمؤمنين خلافت را ظاهر ساخت.

(فضائل احمد حنبل، ج ۲، ص ۶۶۲؛ موده القری، ص ۲۶؛ مناقب ابن مغزلی، ص ۹۱؛ مطالب السؤال، ص ۳۲۰)

و همچنین در همین مضمون در کتب ذیل روایت آمده است: (شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۱۷؛ ینایع الموده ج ۱، ص ۳۰۷؛ مناقب ابن مغزلی، ص ۹۱؛ فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۱۹۱؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۴۳؛ مناقب خوارزمی، ص ۱۴۴، ح ۱۶۸)

## ۱۲- ای بریده آیا من از مؤمنان سزاوارتر از

خودشان نیستم؟

۱- اخیرنا ابوداود (سلیمان بن سیف) قال: حدثنا ابونعیم قال: حدثنا عبدالملک بن ابي غتیة قال: حدثنا الحکم (بن عتیبه) عن سعید بن جبیر عن ابن

ص: ۱۱۴

عباس عن بریده قال: خرجت مع علیّ إلى الیمن فرأیت منه جفوه فقدمت علی النبی فذکرت علیاً فتنقصته فجعل رسول الله یتغیر وجهه قال: یا بریده! أأست أولى بالمؤمنین من انفسهم؟! قلت: بلی یا رسول الله قال: «من کنت مولاه فعلی مولاه». بریده می گوید با علی (علیه السلام) به سوی یمن رفتیم من از او (به خیال خودم) ستمی دیدم نزد پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم که آمدیم از علی علیه السلام یاد کردم و بر او خرده گرفتم، پس چهره رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم دگرگون شد و فرمود:

«ای بریده آیا من از مؤمنان سزاوارتر از خودشان نیستم؟ گفتم آری ای رسول خدا! فرمود: هر کس من مولای اویم پس علی هم مولای اوست. مصنف ابن ابی شیبہ: ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۳۲۱۲۳؛ مسند احمد حنبل: ج ۵، ص ۳۴۷؛ فضائل احمد: ص ۷۶، ح ۱۱۳؛ سنن کبری نسائی:

ج ۵، ص ۴۵، ح ۸۱۴۵؛ مناقب کوفی: ج ۲، ص ۴۲۵، ح ۹۱۷ و ص ۴۴۲، ح ۹۳۷ و ص ۴۵۴، ح ۹۵۶؛ مستدرک حاکم: ج ۳، ص ۱۱۰؛ اخبار اصبهان: ج ۲، ص ۲۱۹؛ مناقب ابن مغزلی: ص ۲۴، ح ۳۶؛ مناقب خوارزمی: ص ۱۳۴، ح ۱۵۰.

۲- همین حدیث به الفاظ دیگر:

اخبرنا قتیبه بن سعید قال: اخبرنا (محمد بن ابراهیم بن) (أبی عدی عن عوف) (الاعرابی) عن میمون أبی عبدالله قال (قال): زید بن ارقم: قام رسول

ص: ۱۱۵

الله فحمدالله و اثنى عليه ثم قال: الستم تعلمون انى اولى بكل مؤمن من نفسه؟ قالوا: بلى نشهد لانت اولى بكل مؤمن من نفسه  
قال: فإنى من كنت مولاه فهذا مولاه و أخذ بيد عليّ

زيد بن ارقم مى گوید: رسول خدا صلى الله عليه واله وسلم برخاستند و سپاس و ستایش خدا را به جای آوردند و سپس فرمودند: آیا شما نمى دانید من از هر مؤمنى از خودش به او سزاوارترم؟ گفتیم: آری، گواهی مى دهیم که شما از هر مؤمنى از خودش سزاوارترید، آنگاه حضرت دست امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفت و فرمود: پس هر کس من مولای اویم پس این (علی) مولای اوست. مسند احمد حنبل: ج ۴، ص ۳۷۲، ح ۶۵؛ فضائل احمد: ص ۹۳، ح ۱۳۹؛ کتاب السنه: ص ۵۹۱، ح ۱۳۶۲؛ سنن ترمذی، ج ۶، ص ۶۳۳، ح ۳۷۱۳؛ کشف الاستار: ج ۳، ص ۱۸۹؛ مناقب کوفی: ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۸۸۳ و ص ۴۰۴، ح ۸۹۳ و ص ۴۰۴، ح ۸۸۳ و ص ۴۲۳، ح ۹۱۵؛ کامل ابن عدی: ج ۶، ص ۴۱۳، رقم ۱۸۹۵؛ معجم کبیر طبرانی: ج ۵، ص ۲۰۲، ح ۵۰۹۲؛ کنز العمال: ج ۱۳، ص ۱۰۴، ح ۳۶۳۴۲؛ الکنی و الاسماء: ج ۲، ص ۶۱.

در روایت فوق آمده است حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: هر کس من برای او مولا هستم علی علیه السلام مولای اوست. حال این سؤال را باید پرسید که مولویت

حضرت رسالت مآب تا کجاست. حضرت رسول خدا مولای ما سوی الله است. مولای جبرئیل و ملائکه مقرب و مولای انبیاء مرسل، مولای ابراهیم خلیل و موسای کلیم و .. چنانکه در آیات قرآن آمده است لیکن للعالمین نذیرا، برای عالمیان منذر است.

۳- پس من کنت مولاه فعلی مولاه سروری امیرالمؤمنین بر تمامی پیامبران غیر از خاتم الانبیاء را نیز می رساند.

### ۱۳- انکار علی (علیه السلام) انکار رسول خداست (صلی الله علیه و آله).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در مواضع متعددی فرمودند: من اطاع علیا فقد اطاعنی و من اطاعنی فقد اطاع الله و من انکر علیا فقد انکرنی و من انکرنی فقد انکر الله

هر کس از امیرالمؤمنین علیه السلام اطاعت کند از من اطاعت کرده است و هر کس از من اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است و کسی که امیرالمؤمنین علیه السلام را انکار کند مرا انکار کرده است و کسی که مرا انکار کند خدا را انکار کرده است. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۶۶؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۰۷؛ ذخائر العقبی، ص ۱۶؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۴؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۱۳؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۱.

ص: ۱۱۷

۱- احمد حنبل در مسند و ابن ابی الحدید و سلیمان بلخی نقل کرده اند که: امیرالمؤمنین علیه السلام در بالای منبر می فرمودند: سلونی قبل ان تفقدونی سلونی عن طرق السموات فإنی أعلم بها من طرق الارض. از من پرسید قبل از این که مرا نیابید سؤال کنید از من از راههای آسمانها! پس به درستی که من عالم ترم به راه های آسمانها از راههای زمین.

(مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۸۳؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۸۶ و ج ۶، ص ۱۳۶ و ج ۷، ص ۴۶ و ۵۷)

۲- همچنین محمد بن طلحه شافعی و خطیب خوارزمی روایت کرده اند که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند: «سلونی عن اسرار الغیوب فإنی وارث علوم الانبیاء و المرسلین». «از من پرسید از اسرار غیبیه پس بدرستیکه من وارث علوم انبیاء و مرسلینم.»

(مطالب السؤل محمد بن طلحه، ص ۲۶؛ مناقب خوارزمی، ص ۹۰، ح ۸۰؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۱۳ و ج ۳، ص ۲۱۱)

۳- همچنین قریب به همین مضمون در کتب زیر نقل شده است. (تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۰۸؛ الاستیعاب ابن عبدالبر، ج ۳،

ص ۸۸۹؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۵۵؛ موده القربى مسير سيد على شافعى، ص ۳۸؛ حليه الاولياء حافظ ابونعيم اصفهاني، ج ۱، ص ۶۵؛ صحيح بخارى، ج ۱، ص ۳۲؛ تاريخ الخلفاء، ص ۱۸۵؛ عمدہ القارى، ج ۱۹، ص ۱۹۰؛ رياض النضره، ج ۲، ص ۱۸۸؛ تفسير الاتقان، ج ۲، ص ۳۱۹؛ فتح البارى، ج ۱۰، ص ۲۲۱؛ تهذيب التهذيب، ج ۷، ص ۳۳۷)

## ۱۵- اعتراف عمر به برترى هاى علمى و قضايى امير

مؤمنان على عليه السلام.

۱- عمر: على اعلم الناس بما انزل الله على محمد (صلى الله عليه و آله) ؛ على عليه السلام آگاه ترين مردم است بدان چه خدا بر محمد صلى اله عليه و آله نازل فرموده ، يعنى قرآن و اسرارش . فقيه ايمانى ، مهدى ، الامام امير المومنين على عليها السلام از ديدگاه خلفا ، ص ۱۲۵ .

۲- يا اباالحسن انت لكل معضله و شده تدعى ؛ اى ابوالحسن تو ، يگانه كسى هستى ، كه براى حل و فصل هر مشكلى و سختى ، آماده اى ، و دعوت مى شوى . « . فقيه ايمانى مهدى ، الامام امير المومنين على عليها السلام از ديدگاه خلفا ، ص ۱۳۴ .

۳- يا بن ابى طالب ، فمازلت كاشف كل شبهه و موضح كل حكم ( علم ) ؛ اى پسر ابوطالب ، (على) همانا كه پيوسته پرده

ص: ۱۱۹

بردار از هر شبهه ای و توضیح دهنده هر حکمی ( علمی هستی فقیه ایمانی مهدی، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا، ص ۱۳۴.

۴- انت (یا علی) خیر هم فتوی؛ تو ای علی بهترین صحابه در امر فتوی هستی. فقیه ایمانی، مهدی، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا، ص ۱۲۳.

۵- عن عمیر بن بشر الخثعمی قال: قال عمر: علیّ أعلم الناس بما انزل الله علی محمد. (بوستان معرفت)، ص ۶۷۷، به نقل از حسکانی در شواهد التنزیل، جزء اول، ص ۳۰، حدیث ۲۹. عمیر بن بشر گفت، عمر (بن خطاب) گفت: علی (علیه السلام) داناترین مردم است به آنچه که خداوند بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل کرده است.

## ۱۶- این به پیغمبر و کتابش داناتر است!

۱- هذا أعلم بنینا و بکتاب نبینا؛ این، علیعلیه السلام، اعلم و آگاه تر (از صحابه) است به پیامبر ما و به کتاب پیامبر ما. فقیه ایمانی مهدی الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا، ص ۱۳۳.

۲- عن سعید بن المسیب قال: قال عمر ابن الخطاب: اعوذ بالله من معضله لیس لها أبو الحسن، علی بن ابی طالب. (بلاذری

ص: ۱۲۰



در انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۹، حدیث ۲۹ از شرح حال علی علیه السلام - و گنجی شافعی در کفایه الطالب باب ۵۷، ص ۲۱۷ - و سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص ۱۷۱ - و حاکم در المستدرک (کتاب المناسک) (ج ۱، ص ۴۵۷) - و ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۶ و دیگران. (سعید ابن مسیب گوید، از عمر شنیدم که گفت: به خدا پناه می برم از مشکلی که برای حل آن ابو الحسن) علی علیه السلام) نباشد.

۳ - قال عمر ابن الخطاب: اللهم لا تنزل بی شدیدة الا - و ابو الحسن الی جنبی. - آثار الصادقین، ج ۱۴، ص ۴۹۲، به نقل از امام الصادق (ج ۲، ص ۸۲۵). عمر ابن خطاب گفت: بار خدایا کار سختی بر من نازل مفرما مگر آنکه ابو الحسن (علی علیه السلام) در کنار من باشد.

## ۱۷ - برتری علی (علیه السلام) در قضاوت

۱ - قال عمر بن الخطاب: علی أفضانا. (حافظ ابی نعیم در حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۵، و سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص ۱۷۰)

ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۶۰

بلاذری در انساب الأشراف، ج ۲، ص ۹۷، حدیث ۲۱، ط ۱، و دیگران.

حلیه الاولیاء ۱ ر ۶۵ طبقات ابن سعد ۴۵۹، ۴۶۰، استیعاب ۴ ر ۳۸، ۳۹ حاشیه اصابه ریاض النضره ۲ ر ۱۹۸، ۲۴۴، تاریخ ابن کثیر ۷ ر ۳۵۹ و گفته است این کلام از عمر به ثبوت رسیده است، اسنی المطالب جزری ۱۴، تاریخ

ص: ۱۲۱

۲- عمر بن خطاب گفت: بیناترین ما در داوری و قضاوت، علی بن ابی طالب علیه السلام است. علی اقصانا، و اقصانا علی؛ علی علیه السلام در قضاوت از همه برتر است.»

فقیه ایمانی، مهدی، الأمام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا، ص ۱۴۲.

۳- نیروی داوری علی از همه ما بیشتر است. اقصانا علی

طبقات ابن سعد ۸۶۰ استیعاب ۳ ر ۴۱، تاریخ ابن عساکر ۲ ر ۳۲۵ مطالب- السؤل ۳۰

۴- قال عمر بن الخطاب: لا یفتین أحد فی المسجد و علیّ حاضر. ( آثار الصادقین، ج ۱۴، ص ۴۹۲ به نقل از «الامام الصادق علیه السلام، ج ۲، ص ۸۲۵. عمر بن خطاب گفت: تا وقتی که علی علیه السلام در مسجد حضور دارد کسی نباید فتوی دهد.

۵- قال عمر بن الخطاب: یابن ایطالب، فما زلت کاشف کل شبهه، و موضع کل علم. ( آثار الصادقین، ج ۱۴، ص ۴۹۳، به نقل از «الامام الصادق علیه السلام، ج ۲، ص ۸۲۵). عمر بن ابن خطاب (در سخن خود به علی علیه السلام گفت: ای پسر ابو طالب همیشه تو موارد شبهه را بر طرف ساخته ای و موضع و جایگاه علم بوده ای.

## ۱۸- خداوند مرا بعد از تو نگه ندارد ای علی!

۱- قال عمر: لا- أبقاني الله بعد ابن ابيطالب. (آثار الصادقين، ج ۱۴، ص ۴۹۳. به نقل از الغدير ج ۶، ص ۱۲۶. عمر) بن خطاب) گفت: خداوند پس از علی بن ابی طالب علیه السلام مرا باقی نگذارد.

۲- لا ابقایی الله بعدك يا علی ؛ باقی نگذارد خدا مرا بعد از تو ای علی « ریاض النضره ۲ ر ۱۹۷، مناقب خوارزمی ۶۰، تذکره سبط ۸۸، فیض القدير ۴ ر ۳۵۷. فقیه ایمانی ، مهدی ، الأمام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ص ۱۲۸ .

۳- عمر: لا ابقانی الله لمعضله لیس لها ابوالحسن ؛ باقی نگذارد خدا مرا در برابر مشکلی که ابوالحسن ، علی (علیه السلام) برای حل و فصلش نباشد. تذکره سبط ۸۷، مناقب خوارزمی ۵۸، مقتل خوارزمی ۱ ر ۴۵. سرزمینی که تو ای ابو الحسن نباشی، خدا مرا باقی نگذارد»

۴- لا أبقانی الله بأرض لستَ فیها أبا الحسن

ارشاد ساری ۳ ر ۱۹۵.

۵- أعوذ بالله من معضله ولا أبو حسن لها. به خدا پناه می برم از مشکلی که ابو الحسن برای گشودنش نباشد. تاریخ ابن کثیر ۷ ر ۳۵۹، فتوحات الاسلامیه ۲ ر ۳۰۲. به خدا پناه می برم که در

ص: ۱۲۳

قومی زندگی کنم و تو ای ابو الحسن در میان آنها نباشی.

۶- أعوذ بالله أن أعيش في قوم لست فيهم يا أبا الحسن.

ریاض النضره ۱۹۷، منتخب کنز العمال حاشیه مسند احمد ۲ ر ۳۵۲. فیض القدیر ۴ ر ۳۵۷ گوید دار قطنی از ابی سعید نقل کرده که

عمر وقتی پاسخ سؤالی را از علی علیه السلام می شنید می گفت .خدایا مشکلی بر من وارد مساز مگر علی در کنارم باشد.

۷- اللهم لا تنزل بی شدیدة إلّا و أبو الحسن إلى جنبی

ابن بختری بقول ریاض ۲ ر ۱۹۴ آن را آورده.

امید است در مشکلی که ابو الحسن گشاینده آن نباشد واقع نشوم

۸- لا بقیة لمعضله لیس لها أبو الحسن خدا مرا آنقدر باقی نگذارد تا در میان مردمی قرار گیرم که ابو الحسن در میان آنها نباشد» ترجمه علی بن ابیطالب ۷۹.

۹- لا أبقانی الله إلى أن أدرك قوماً لیس فیهم أبو الحسن

حاشیه شرح عزیزی ۲ ر ۴۱۷ مصباح الظلام ۲ ر ۵۶.

سعید بن مسیب گوید: عمر به خدا پناه می برد از مشکلی که برای گشودنش ابو الحسن نباشد.

۱۰- و قال سعید بن المسيّب: كان عمر يتعوذ بالله من معضله

لیس لها أبو الحسن. این حدیث را احمد در مناقب نقل کرده و در استیعاب حاشیه اصابه ۳ ر ۳۹، صفه الصفوه ۱ ر ۱۲۱، ریاض النضره ۲ ر ۱۹۴، تذکره السبط ۸۵، طبقات شافعیه شیرازی ۱۰ اصابه ۲ ر ۵۰۹، صواعق ۷۶، فیض القدیر ۴ ر ۳۵۷، الف باء ۱ ر ۲۲۲ یافت میشود.

۱۱- معاویه گوید: وقتی عمر در امری به مشکلی بر می خورد پاسخش را از او (علی) میگرفت و قال معاویه: کان عمر إذا أشکل علیه شیء أخذ منه مناقب احمد، ریاض النضره ۲ ر ۱۹۵.

### ۱۹- اگر علی نبود عمر هلاک می شد!

در جلد اول این کتاب در این باره روایاتی از عمر آوردیم و در اینجا مقداری مشروح تر می آوریم.

عمر بن خطاب ، که تاریخ حکایت های فراوان از او و علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده ، بیش از هفتاد بار گفته است که اگر علی نبود عمر هلاک می شد .

۱- قال عمر بن الخطاب فی عده مواطن: لو لا علی لهلک عمر.

شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، باب ۱۴، ص ۸۰ و نیز ص ۲۴۹. و نیز گنجی شافعی در کفایه الطالب، باب ۵۹ ص ۲۲۷. عمر بن خطاب در مواضع متعدد( گفت: اگر وجود علی علیه السلام نمی بود عمر

ص: ۱۲۵

هلاک می شد.

۲- کاد یهلک ابن الخطاب لولا- علی بن ابی طالب ؛ نزدیک بود پسر خطاب (عمر) هلاک شود اگر علی بن ابی طالب علیه السلام نبود. فقیه ایمانی مهدی الامیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ص ۱۲۶.

۳- لولا- علی لفضل عمر ؛ اگر علی علیه السلام نبود عمر گمراه شده بود « فقیه ایمانی ، مهدی ، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ص ۱۲۹.

۴- لولا علی لهلك عمر ؛ اگر علی علیه السلام نبود عمر هلاک شده بود. « فقیه ایمانی ، مهدی ، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ، ص ۱۲۸. این حدیث را احمد و عقیلی و ابن السمان نقل کرده اند، در استیعاب ۳ ر ۳۹، ریاض ۲ ر ۱۹۴، تفسیر نیشابوری در سوره احقاف، مناقب خوارزمی ۴۸، شرح جامع صغیر شیخ محمد حنفی ۴۱۷ در حاشیه سراج المنیر، تذکره سبط ۸۷. مطالب السؤل ۱۳ فیض القدیر ۴ ر ۳۵۷.

۵- لولا- ک لا- فتضحنا ؛ ) یا علی ( اگر تو نبودی هر آینه ما مفتضح و رسوا می شدیم « . فقیه ایمانی ، مهدی ، الامام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا ، ص ۱۳۲ .

حافظ بخاری ، بزرگ محدث اهل تسنن از عمر بن خطاب نقل می کند که عمر گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا

ص: ۱۲۶

رفت در حالی که از علی علیه السلام راضی و خوشنود بود .

صحیح بخاری ، ج ۱ ، ص ۱۸۱ . علامه خطیب خوارزمی با ذکر سند نقل می کند که عمر گفت : برای اصحاب محمد صلی الله علیه و آله هیچده سابقه (یعنی مایه امتیاز و برتری بر دیگران) بود که سیزده عدد آن به علی علیه السلام اختصاص داشت و در پنج امتیاز دیگر هم علی علیه السلام با ما شریک و همسان بود . فقیه ایمانی ، مهدی ، الأمام امیر المومنین معلی علیه السلام زا دیرگاه خلفا ، ص ۱۵۴-۱۵۵ .

## **۲۰- استواری اسلام با شمشیر علی ( علیه السلام )**

اگر شمشیر علی علیه السلام نبود اسلام استوار نمی گشت انصاری ، عذرا ، جلوه ی ولایت ، ص ۲۸۵ .

به خدا سوگند اگر شمشیر او نبود، اساس اسلام استوار نمی شد. و علاوه بر آن او داناترین فرد این امت در امر قضااست و با سابقه ترین و شریف ترین آنان است. طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۳۳۷

## **۲۱- هر سبب و نسبی در روز قیامت قطع می شود**

مگر سبب و نسب من .

عن عمر بن الخطاب، عن النبی صلی الله علیه و آله و

ص: ۱۲۷

سلم: كل سبب و نسب ينقطع يوم القيامة الا سببي و نسبي و كل ولد آدم فان عصبتهم لأبيهم ما خلا ولد فاطمه، فإنني أنا أبوهم و عصبتهم. شيخ سليمان قندوزي حنفي در ينابيع الموده، باب ۵۷، ص ۳۲۰

عمر بن خطاب از نبي گرامی اسلام صلی الله عليه و آله و سلم روايت کرد (که فرمود): هر سبب و نسبی در روز قيامت قطع می شود مگر سبب و نسب من. و همه فرزندان آدم پس همانا نسبت آنها به پدرشان است بجز فرزندی فاطمه عليها السلام پس به درستی که من پدر و عصبه آنان هستم.

## ۲۲- تمام اسرار قرآن در وجود از امیرالمؤمنین

عليه السلام است

در ينابيع الموده نقل می کند که صاحب درّ المنظم ابن طلحه می گوید: اعلم ان جميع اسرار الكتبي السماويه في القرآن و جميع ما في القرآن في الفاتحه و جميع ما في الفاتحه في البسملة و جميع ما في البسملة في باء البسملة و جميع ما في الباء البسملة في النقطه التي هي تحت الباء قال الامام على كرم الله وجهه انا النقطه التي تحت الباء. بدان که اسرار جميع كتب آسمانی در قرآن است و تمام اسرار و رموز قرآن در سور هفاته است و جميع حقايق که در سوره فاتحه است در بسمله

ص: ۱۲۸



(بسم الله الرحمن الرحيم) است و هرچه در بسمله است در باء بسمله است و تمام اسرار باء بسمله در نقطه زیر باء است و امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند: من آن نقطه زیر باء هستم. (ینایع الموده قندوزی، ج ۱، ص ۲۱۳)

### ۲۳- فضائلی که کسی طاقت درک آن را ندارد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: والذى نفسى بيده لولا ان تقول طوائف من امتى فيك ما قالت النصارى فى ابن مريم لقلت اليوم فيك مقالاً لا تمر بملاً المسلمين إلا اخذوا التراب من تحت قدميك للبركه. قسم به آنکه جانم در دست اوست اگر طایفه‌هایی از امت من درباره تونمی گفتند آنچه نصاری درباره عیسی گفتند هر آینه امروز در شأن تو سخنانی می‌گفتم که عبور نکنی بر جماعتی از مسلمین مگر این که خاک زیر پای تو را برای تبرک بگیرند. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۹، ص ۱۶۸ و ج ۱۸، ص ۲۸۲؛ مجمع الزوائد هیثمی، ج ۹، ص ۱۳۱؛ المعج الکبیر طبرانی، ج ۱، ص ۳۲۰

### ۲۴- خدا با او مناجات می‌کرد

قام النبى مع علىّ مليّاً من النهار فقال له ابوبكر: يا رسول الله! لقد طالت مناجاتك عليّاً منذ اليوم فقال رسول الله ما أنا

ص: ۱۲۹

ناجیته و لكن الله انتجاه» «پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم با امیرالمؤمنین علیه السلام مدت مدیدی از روز را مناجات می کرد پس ابوبکر عرض کرد: ای رسول خدا! امروز چقدر طولانی شد مناجات شما با علی! پس حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: من با علی مناجات نمی کردم بلکه خدا با او مناجات می کرد.»

(معجم الکبیر طبرانی، ج ۱، ص ۱۵۹، ح ۱۷۵۶؛ سنن ترمذی، باب ۲۰، ص ۱۰۶۵، ح ۳۷۳۴؛ مسند ابویعلی موصلی، ج ۲، ص ۴۳۴، ح ۲۱۶۰)

## ۲۵- مباحث خدای متعال به امیرالمؤمنین

علیه السلام

شبی که امیرالمؤمنین علیه السلام در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خوابیدند جبرئیل امین وحی خدا نزد ایشان آمد و میکائیل امین خزائن ارزاق خدای متعال پائین پای امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و جبرئیل ندا داد:

«بخ بخ من مثلك یابن ابی طالب یباهی الله بك الملائكة»

آفرین آفرین کیست مثل شما ای امیرالمؤمنین! خداوند متعال به تو بر ملائکه مباحث و افتخار می کند.

اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۵؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۷۴؛ شواهد

ص: ۱۳۰

## ۲۶- امیر المؤمنین علیه السلام مولای کل

عالم است.

۱- عن ابی هریره، عن عمر بن الخطاب قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: من كنت مولاه فعلى مولاه. (ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق ج ۲، ص ۷۹، حدیث ۵۸۱. شرح محمودی. و نیز ابن مغازلی در مناقب، ص ۲۲، شماره ۳۱، ط ۱

از ابو هریره روایت شد که عمر بن خطاب گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس را که من مولای او هستم، پس علی مولای اوست.

۲- عن عمار الدهنی عن ابی فاخته، قال: أقبل علیّ و عمر جالس فی مجلسه فلما رآه عمر تضعضع و تواضع و توسّيع له فی المجلس، فلما قام علیّ، قال بعض القوم: یا امیر المؤمنین انک تصنع بعلى صنيعا ما تصنعه باحد من أصحاب محمد صلى الله عليه وآله وسلم قال عمر: و ما رأيتنی اصنع به؟ قال: رأيتک کلما رأيتہ تضعضعت و تواضعت و اوسعت حتی يجلس. قال: و ما يمنعني، و الله انّه مولای و مولی کل مؤمن. ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۸۲ حدیث ۵۸۵. شرح

ص: ۱۳۱

عمار دهنی از ابی فاخته روایت کند که گفت: علی علیه السلام آمد در حالی که عمر در جایگاه خود نشسته بود چون عمر آن حضرت را دید لرزید و تواضع کرد و برای نشستن علی علیه السلام جانی باز کرد، وقتی که علی علیه السلام برخاست: شخصی به عمر گفت: ای امیر، تو با علی علیه السلام روشی به کار بردی که با هیچ یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن رفتار را انجام نداده ای عمر گفت: من چه رفتاری با او داشتم که تو دیدی؟ گفت: دیدم که چون به او نظر افکندی، لرزیدی و تواضع کردی و جای نشستن برای او گشودی تا بنشیند، عمر گفت: چه چیزی مرا از این رفتار باز می دارد قسم به خدا که او مولای من و مولای همه مؤمنین است.

۳- عن عمار الدهنی، عن سالم بن ابی الجعد، قال: قيل لعمر: انك تصنع بعلي شيئا لا تصنعه بأحد من اصحاب النبي صلی الله علیه و آله و سلم قال: انه مولای ابن عساكر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۸۲، حدیث ۵۸۴. شرح محمودی، فقیه ایمانی، مهدی، الأمام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا، ص ۱۴۶.

عمار دهنی، از سالم بن ابی جعد روایت کرد که گفت: به عمر (بن خطاب) گفته شد که همانا تو به گونه ای با علی رفتار (نیکو و شایسته) داری که با کسی از اصحاب پیامبر چنین رفتاری را نداری؟ عمر گفت: به درستی که علی مولای من است.

## ۲۷- وای بر تو نمی دانی این مولای من است!

۱- عن الحافظ الدار القطنی عن عمر، و قد جاءه اعرابیان یختصمان فقال لعلی: اقض بینهما. فقال احدهما: هذا یقضی بیننا! فوثب الیه عمر و اخذ بتلبیبه، و قال: ویحکک ما تدری من هذا؟ هذا مولای و من لم یکن مولاه فلیس بمؤمن. ( مأخوذ از پاورقی کتاب شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ابن عساکر ج ۲، ص ۸۲ شرح محمودی. حافظ دار قطنی از عمر (بن خطاب) روایت می کند که دو تن اعرابی جهت مخاصمه و دعوا نزد او (یعنی نزد عمر بن خطاب) آمدند. پس عمر به علی علیه السلام عرض کرد: بین آنها قضاوت کن. یکی از آن دو اعرابی گفت: آیا این مرد میان ما قضاوت کند؟ پس عمر به طرف آن مرد پرید و یقه او را گرفت و گفت: وای بر تو، چه می دانی که این کیست؟! او مولای من است، و هر کس که او مولایش نباشد پس مؤمن نیست.

ص: ۱۳۳

۲- عمر بن خطاب: او (علیه السلام) مولای من است. زیرا پیامبر شرف را در ولایت علی می دید. لذا می گفت: نسبت به افراد شریف و با شخصیت محبت و دوستی از خود نشان دهید و در رابطه با حفظ آبروی خود از افراد پست و بی شخصیت بپرهیزید و برحذر باشید و دانسته باشید که هیچگونه شرفی به درجه تمامیت نرسید مگر به ولایت علی. «المناقب الخوارزمی، ص ۹۷»

۳-... قال عمر بن الخطاب يوم غدیر خم: هنيئا لك يا بن ابي طالب اصبحت مولى كل مؤمن و مؤمنه. (ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۸ تا ۵۱) شرح محمودی (ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۵۰ گنجی شافعی در کفایه الطالب، باب اول، ص ۶۲) تبریک ابو بکر و عمر به علی علیه السلام. شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، باب مناقب السبعون، ص ۲۸۳، حدیث ۵۶ و باب ۴، ص ۳۳ و ۳۴. و دیگران.

۴- عمر ابن خطاب (در روز غدیر خم، بعد از آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی را به ولایت منصوب فرمود، خطاب به علی علیه السلام گفت: گوارا باد بر تو ای پسر ابی طالب که مولا و صاحب اختیار همه مردان و زنان مؤمن شدی.

ص: ۱۳۴

## ۲۸- اگر مردم به محبت علی جمع می شدند آتش

آفریده نمی شد.

۱- عمر بن الخطاب رفعه: لو اجتمع الناس علی حب علی بن ابی طالب لما خلق الله النار. ( شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، باب الموده السادسة، ص ۲۹۹. عمر بن خطاب به حدیث مرفوع روایت کرد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که: اگر مردم بر دوستی علی بن ابی طالب اتفاق و اجتماع می کردند خدا آتش را خلق نمی کرد.

۲- عن عمر بن خطاب: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: حُبُّ عَلِيٍّ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ؛ محبت علی مایه دوری از آتش دوزخ است.

۳- عمر بن خطاب گفت -: الحمد لله که خداوند در این امت کسی -یعنی علی علیه السلام- را قرار داد که هر گاه ما راه

کج برویم ما را به راه راست هدایت می کند. (بیست و پنج سال سکوت علی علیه السلام) تألیف فؤاد فاروقی، ص ۱۱۴

## ۲۹- تو را چشم خدا دیده و دست خدا زده

عمر بن خطاب در زمان خلافت خود برای حج به مکه مشرف شده در اثنای طواف نظرش به جوانی افتاد که یک

ص: ۱۳۵

طرف صورتش سیاه و چشمش قرمز و خون آلود است. عمر او را صدا زد و گفت: یا فتی من فعل بک هذا؟ ای جوان چه کسی با تو چنین کرده و چه کسی تو را زده است؟ جوان گفت: ضربنی ابو الحسن علی بن ابی طالب. علی علیه السلام مرا زده است. عمر گفت: تأمل کن تا علی بیاید. در همین حال علی بن ابی طالب رسید. عمر گفت: یا علی، انت ضربت هذا الشباب؟ یا علی آیا تو این جوان را زدی؟ علی علیه السلام فرمود: آری من او را زدم. عمر گفت: چه چیز سبب شد که او را بزنی؟ علی علیه السلام فرمود: رأیته ینظر حرم المسلمین. دیدم او را که نظر به زنان مسلمان و ناموس مردم می کرد (به دنبال ناموس مردم بود). عمر گفت: ای جوان، لعنت بر تو، بر خیز و برو. فقد رآک عین الله و ضربک ید الله. به درستی که تو را چشم خدا دیده و دست خدا زده است.

چرا شیعه شدم «تألیف محمد رازی، ص ۲۱۸، به نقل از شهرستانی در ملل و نحل و طبری در» ریاض النضره و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه.

### ۳۰- همراه با پیامبر در بهشت

عن عمر، قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول

ص: ۱۳۶



لعلِّي: يا عليّ يَدِك في يدي تدخل معي الجَنَّة حيث أدخل؛ اي علي! روز قیامت در حالی که دست تو در دست من باشد وارد بهشت می شوی و من هر کجا که داخل شدم، وارد خواهی شد.

### ۳۱- علی برگزیده و امین پیامبر صلی الله علیه وآله

واخبرني عن زكريا بن يحيى قال حدثنا محمد بن يحيى بن ابي عمر و ابومروان محمد بن عثمان بن خالد قالا حدثنا عبدالعزيز بن محمد الدارودي عن يزيد بن عبدالله بن اسامه بن الهاد عن محمد بن نافع بن عجير عن ابيه عن امير المؤمنين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه واله وسلم: أما أنت يا علي فصفتي و أميني پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: اما تو ای علی، برگزیده و امین من هستی. تاریخ کبیر بخاری، ج ۱، ص ۲۴۹؛ سنن ابن ابی داوود، ج ۲، ص ۲۸۴؛ کتاب السنه، ص ۵۸۵ ح ۱۳۳۰؛ مناقب ابن کوفی، ۲۴۵

ج ۱، ص ۴۹۷ ح ۴۱۳؛ سنن کبری بیهقی، ج ۸، ص ۶؛ مشکل الآثار، ج ۴، ص ۱۲۰، ح ۳۳۵۴

### ۳۲- آزدن علی علیه السلام آزدن رسول

خداست

علامه عینی حنفی به نقل از احمد بن حنبل می نویسد:

ص: ۱۳۷

عمر بن خطاب گفته است: هر کسی که علی علیه السلام را آزرده و اذیت کند رسول خدا صلی الله علیه و آله را آزرده و اذیت کرده است. فقیه ایمانی مهدی الامام امیر المومنین علی علیه السلام از دیرگاه خلفا ص ۱۵۷. عروه بن زبیر گفته است: مردی در حضور عمر از علی علیه السلام بدگفت: عمر به او گفت: « آیا صاحب این قبر را می شناسی؟ او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب است و علی پسر ابوطالب پسر عبدالمطلب است؛ پس جز به نیکی از علی یاد مکن که اگر او را دشمن بداری، این را که در قبر خفته است، آزرده کرده ای رشاد علی اکبر دانشنامه ی امام علی علیه السلام ج ۱۰، ص ۳۲۳.

### ۳۳- پدر و مادرم فدای تو

خطاب عمر به علی علیه السلام پدر و مادرم فدای تو، زمخشری و دیگر علمای مخالفین با ذکر سند نقل کرده اند و همچنین عبدالله بن عباس گفته: در زمان حکومت عمر وقتی که عمر در مسجد بود و امیرالمومنین نیز در آنجا حاضر بود.

شخصی از امیرالمومنین علیه السلام نزد عمر شکایت کرد.

عمر نیز برای تشکیل محکمه و قضاوت بین ایشان با اشاره به امیرالمومنین علیه السلام گفت: ای ابوالحسن! بر خیز و در کنار

خصمت بنشین. امیرالمومنینعلیه السلامبر خاست پهلوی آن مرد نشست و پس از گفتگو و قضاوت عمر و پایان قضیه و رفتن آن شخص حضرت به جای خود بازگشت. اما عمر در چهره حضرت ناراحتی و در همی را مشاهده کرد. پس گفت: ابوالحسن! از چه رو چهره ات را متغیر می بینم. مگر از آنچه گذشت ناخشنودی؟ امیرالمومنین فرمودند: آری. عمر گفت: چرا؟ امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: برای اینکه مرا در برابر شاکیم به کنیه (ابوالحسن) - که احترام آمیزتر از اسم است و مایه تبعیض بین طرفین دعوا در محکمه می تواند باشد. ج صدا زدی. چرا نگفتی: یا علی برخیز پهلوی خصمت بنشین؟! عمر که از این خرده گیری حضرت علیه خود به شکفت آمده بود. سر آن حضرت را گرفت و چشمانش را بوسید و گفت: بابی انتم و امی بکم هدانا الله و بکم اخرجنا من الظلمات الی النور پدرم و مادرم به فدای شما باد. به وسیله شما خداوند ما را هدایت فرمود و به وسیله شما ما را از تیرگی و تاریکی به نور مشرف ساخت. ربیع الابرار ج ۳، ص ۵۹۵؛ مناقب خوارزمی: ج ۷، ص ۵۱؛ شرح ابن ابی الحدید: ج ۴، ص ۱۳۳؛ نزهه المجالس صفوری ج ۲ ص ۲۱۱؛ فرائد السمطین حموینی: ج ۱، ص ۳۴۹؛ المستطرف ابشیهمی

ج ۱ ص ۹

ص: ۱۳۹

عن ابن عباس: مشیت و عمر بن الخطاب فی بعض ازقه المدینه فقال لی: ...یا ابن عباس... و الله لسمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول لعلی بن ابی طالب: من احبک احبنی و من احبنی احب الله، و من احب الله ادخله الجنة مدلا. (پاورقی کتاب در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۳۸۸) شرح محمودی

از ابن عباس روایت شد که (گفت: من و عمر بن خطاب در یکی از کوچه های مدینه می رفتیم پس عمر به من گفت: ...ای فرزند عباس... به خدا سوگند همانا شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که به علی بن ابی طالب می فرمود: کسی که تو را دوست بدارد مرا دوست داشته و کسی که مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته و کسی که خدا را دوست بدارد خداوند او را وارد بهشت می کند.

در تاریخ آمده است که عمر همراه عباس، عموی پیامبر به شام رفت. به هنگام ورود عمر به شام مردم به او تواضع می کردند و وی را امیرالمؤمنین می خواندند ...

عمر رو کرد به عباس و گفت: می خواهی به تو خبر دهم

که چه کسی از من و تو افضل و بالاتر است و او امیرالمؤمنین می باشد . عباس گفت : بلی ، عمر گفت : « آن مردی است که او را در مدینه گذاشتیم ، یعنی علی علیه السلام عباس گفت : اگر چنین است پس چرا تو و رفیق تو ( ابوبکر ) با او چنین کردید ، عمر گفت : « او را افضل می شناسیم و به آن هم اعتراف می کنیم و لیکن او را به این جهت مقدم نساختیم ، که قریش کینه او را در دل داشتند و ترسیدیم که اعراب با او بیعت نکنند و این کار از دست ما بیرون رود » . مقدس اردبیلی ، حدیقه الشیعه ، ص ۳۱۴ .

### ۳۵- علی از من و ابوبکر به خلافت سزاوارتر بود

- عن ابن عباس قال: كنت أسير مع عمر بن الخطاب في ليلة، و عمر علي بغل و انا علي فرس، فقرأ آية فيها ذكر علي بن ابي طالب فقال: أما والله يا بني عبدالمطلب لقد كان عليّ فيكم أولى بهذا الأمر منّي و من أبي بكر،... -الي ان قال -والله ما نقطع امرا دونه، ولا نعمل شيئا حتى نستأذنه. ( راغب در محاضرات، ج ۷، ص ۲۱۳. از ابن عباس روایت شد که گفت: در یکی از شبها من و عمر بن خطاب سیر می کردیم ) همسفر بودیم ( و عمر بر قاطر و من بر اسب بودم، پس آیه ای قرائت شد که در آن آیه نام

ص: ۱۴۱

علی بن ابی طالب یاد آوری می شد. پس) عمر بن خطاب (گفت: آگاه باشید به خدا سوگند ای فرزندان عبدالمطلب، به تحقیق که علی در میان شما سزاوارترین است به این امر) خلافت (از من و ابو بکر... ) تا آنکه گفت (به خدا سوگند هیچ کاری را بدون او تمام نمی کنم. و عملی بدون اجازه او انجام نمی دهم.

ابن ابی الحدید جریان مفصلی از یک ملاقات و گفتگویی که میان ابن عباس و عمر (بن خطاب) واقع گردیده است نقل می کند که در ضمن آن گفتگو و مصاحبه، خود عمر بدین حقیقت اعتراف کرده و می گوید: «آری رسول خدا خواست که در حال بیماری، به نام علی تصریح کند (و بنویسد) ولی من از این کار مانع گردیدم».

«و لقد أراد ان یصرّح باسمه فمنعت من ذلك»

ابن ابی الحدید سپس می گوید: این جریان را احمد بن ابی طاهر، مؤلف تاریخ بغداد در کتاب خود با اسنادش نقل نموده است. (سیری در صحیحین «تألیف محمد صادق نجمی، ج ۲، ص ۲۷۳،) به نقل از شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۲۱ و مشابه آن در ص ۷۸)

البته حدیث منع عمر، از این وصیت از مسلمات بین شیعه و سنی است که بخاری در صحیح خود و احمد در مسند و

ص: ۱۴۲

ابن حجر در صواعق و دیگران آن را نقل کرده اند .

### ۳۶- سلام عمر به علی علیه السلام با عنوان

امیرالمومنین

۱- ابن مردویه از سالم ، غلام علی علیه السلام نقل می کند ، که با علی علیه السلام در زمینی زراعتی که ملک حضرت بود کار می کردیم . ابوبکر و عمر به آنجا آمدند و گفتند : «السلام علیک یا امیرالمؤمنین و رحمه الله و برکاته » بعضی از همراهانشان از آن دو نفر سؤال کردند : آیا شما این سلام را در حیات رسول الله صلی الله علیه و آله نیز گفتید ، عمر گفت : « پیامبر صلی الله علیه و آله ما را به این موضوع امر کرده است » فقیه ایمانی ، مهدی ، الأمام امیر المومنین علی علیه السلام از دیدگاه خلفا ، ص ۶۱۲- همچنین نقل شده است که روزی عمر در مسجد نشسته بود و جمعی از مردم هم دور از جمع شده بودند ، حرفی از علی (علیه السلام) به میان آمد ، یکی از آنها برای این که عمر خوشش آید گفت : علی انسان مغروری است . عمر سریعاً واکنش نشان داد و او را منع کرد از تکرار چنین حرف هایی ، سپس عمر گفت : « به خدا قسم اگر شمشیر علی (علیه السلام) نبود ، عمود اسلام استحکام نمی یافت . او

ص: ۱۴۳

حاکم ترین امت است و در دین بر همگان سبقت دارد، و دارای شرف و بزرگی در دین است.»

وقتی که آن شخص این جملات را از عمر شنید گفت:

پس چرا او را مقدم نداشتید. عمر در پاسخ آن شخص گفت:

به دو جهت «یکی به جهت کمی سن او. و دیگر آن که بنی عبدالمطلب او را دوست می داشتند». ابن ابی الحدید، شرح البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۲.

### ۳۷- امیرالمؤمنین (علیه السلام) از تمام پیامبران جز خاتم

الانبياء (صلی الله علیه و آله) افضل است

فخر رازی، می گوید: و یؤید الاستدلال بهذه الآیه الحدیث المقبول عند الموافق والمخالف، و هو قوله علیه السلام: من أراد أن یری آدم فی علمه و نوحاً فی طاعته و ابراهیم فی خلته و موسی فی هیبته و عیسی فی صفوته فلینظر إلی علی بن أبی طالب در تأیید این استدلال به آیه شریفه حدیثی است که مورد قبول موافق و مخالف است و آن سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود: «هر که می خواهد به علم آدم، طاعت نوح، محبوبیت ابراهیم، هیبت موسی و برگزیدگی عیسی بنگرد باید به علی بن ابی طالب بنگرد. التفسیر الکبیر فخر رازی ج ۸ ص ۷۲ دارالکتب العلمیه. نکات این

ص: ۱۴۴



روایت.

الف - اعتراف فخر رازی به برتری امیرالمؤمنین علیه السلام بر پیامبران. فالحديث دلّ علی أنّه اجتمع فیہ ما کان متفرقاً فیہم، وذلك یدل علی أن علیاً رضی الله عنه أفضل من جمیع الأنبياء سوی محمد صلی الله علیه و آله (و سلم... زیرا این حدیث دلالت دارد که همه این صفاتی که در این پیامبران به طور پراکنده موجود است یکجا در علی علیه السلام گرد آمده است، و همین دلیل است که علی علیه السلام از همه پیامبران جز محمد صلی الله علیه و آله و سلم افضل است. التفسیر الکبیر فخر رازی، ج ۸، ص ۷۲ دار الکتب العلمیه.

پس فردی که از همه پیامبران غیر از خاتم الانبیاء افضل است، و صاحب برتری و فضل همه پیامبران می باشد؛ چنین فردی لایق جانشینی سرور رسل می باشد.

ب - دلالت روایت به ضمیمه آیات قرآن

۱. حدیث فرمود: «من أراد أن یری آدم فی علمه» «هر کس می خواهد آدم را در علم ببیند، به امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه کند. علم آدم چیست؟ برای اینکه اندکی از این فراز را متوجه شویم این آیات را باید متذکر شد:

ص: ۱۴۵

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّىْ جَاعِلٌ فِى الْاَرْضِ خَلِيْفَةً قَالُوْا اَتَجْعَلُ فِىْهَا مَنْ يُّفْسِدُ فِىْهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ اِنِّىْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ \* وَ عَلَّمَ اٰدَمَ الْاَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلٰى الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ اَنْبِئُوْنِىْ بِاَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ \* ... قَالَ يَا اٰدَمُ اَنْبِئْهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ فَلَمَّآ اَنْبَاَهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَكُمْ اِنِّىْ اَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ اَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُوْنَ \* وَ اِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْنٰىسَ اٰبٰى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ (بقره ۳۴-۳۰) و هنگامی که پروردگار تو به ملائکه گفت: همانا من در زمین خلیفه قرار می دهم، گفتند: آیا قرار می دهی کسی را در زمین فساد کند و خون بریزد در حالی که ما برای تو تسبیح و تقدیس می کنیم. پروردگارت گفت: همانا من چیزی می دانم که شما نمی دانید! به آدم، علم تمامی اسماء را دادیم.

آنچه که از این روایات به دست می آید خدا آدم را خلیفه قرار داد. اما ممیزه و مشخصه آدم که سبب شد خلیفه شود علم الهی بود، چنانکه خداوند متعال در جواب به اعتراض ملائکه می گوید: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید.

از طرفی این علم را به آدم تعلیم داد: وَ عَلَّمَ اٰدَمَ الْاَسْمَآءَ كُلَّهَا، و وقتی آدم در مقام معلّمی ملائکه قرار گرفت، و ملائکه آن علمی را که سبب شد آدم خلیفه خدا باشد را دانستند و

بعد از آنکه حکمت و علم را یافتند خدا به آنها گفت سجده کنند. آدم به خاطر علم الهی، مسجود ملائکه قرار گرفت. و این همان علمی بود که به آدم داده شد.

طبق روایت فوق امیرالمؤمنین علیه السلام علم آدم را دارد.

همان علمی که آدم را خلیفه ساخت و سپس مسجود ملائکه قرار داد. پس خلافت امیرالمؤمنین از این روایت به ضمیمه آیه قرآن ثابت شد.

۲. فراز دیگر حدیث این بود که «من أراد أن یری... إِبْرَاهِيمَ فِی خَلَّتِهِ... فَلَیَنْظُرْ إِلَى عَلِی بْنِ أَبِي طَالِبٍ» کسی که می خواهد ابراهیم را در مقام خلشش ببیند پس نگاه کند به علی بن ابی طالب علیه السلام. مقام خلت چیست؟ خداوند در قرآن می فرماید:

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (نساء ۱۲۵)

دین چه کسی بهتر از آن کسی است که خود را تسلیم خدا نموده و هم نیکوکار است و پیروی از آیین ابراهیم حنیف نموده است آن ابراهیمی که خدا او را به مقام دوستی خود برگزیده است؟ آیه فوق می فرماید: خدا ابراهیم را به عنوان دوست خود برگزید. آن وصفی که ابراهیم دارد و از او تبعیت

می شود، خلت و مقام دوستی با خداست. و باتبعیت از ابراهیم خلیل، بهترین دین نصیب انسان می شود.

در فراز مورد بحث، امیرالمؤمنین دارای مقام خلت و دوستی ویژه با خداست. پس به حکم قرآن تبعیت از او بهترین دین و آئین است. مقام خلت مقامی است که خداوند دوستی فرد را بر می گزیند.

### ۳۸- اطاعت و عصیان از امیرالمؤمنین (علیه السلام) همان

اطاعت و عصیان از رسول الله (صلی الله علیه و آله) است.

أخبرنا أبو أحمد محمد بن محمد الشيباني من أصل كتابه ، ثنا- علي بن سعيد بن بشير الرازي بمصر ، ثنا الحسن بن حماد الحضرمي ، ثنا يحيى بن يعلى ، ثنا بسام الصيرفي عن الحسن بن عمرو الفقيمي ، عن معاوية بن ثعلبه ، عن أبي ذر قال قال رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَطَاعَكَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاكَ فَقَدْ عَصَانِي

ابوذر غفاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

هر کس از من اطاعت کند، به راستی که از خداوند اطاعت

کرده است، و هر کس از من سرپیچی کند، به راستی که از خداوند سرپیچی کرده است، هر کس از تو اطاعت کند به راستی که از من اطاعت کرده، هر کس تو سرپیچی کند، از من سرپیچی کرده است.

هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یخرّجاه

این حدیثی است که اسناد آن صحیح می باشد ولی بخاری و مسلم تخریج نکرده است. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۱، ح ۴۶۴۱؛ ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ج ۱، ص ۶۶؛ با الفاظ مشابه در: صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۶۶؛ من حدیث خیثمه بن سلیمان، ج ۱، ص ۷۲، الرياض النضرة فی مناقب العشرة طبری، باب ۴ فصل ۶ ذکر اختصاصه آن من آذاه؛ ذخائر العقبی، ج ۱۱، ص ۶۱۴؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۱۳؛ تاریخ دمشق، ج ۲۲، ص ۳۰۷. ذهبی نیز در تلخیص مستدرک در مورد این روایت چنین می گوید: صحیح است. المستدرک علی الصحیحین و بذیلہ التلخیص للحافظ الذهبی، ج ۳، ص ۱۲۱ - کتاب معرفه الصحابه، باب ذکر اسلام امیر المؤمنین.

تصحیح ذهبی بر این روایت بسیار حائز اهمیت است زیرا ذهبی فردی است بسیار متعصب که بسیاری از احادیث فضایل امیرالمومنین علیه السلام را به راحتی رد می کند تا جایی که احمد بن صدیق مغربی در (فتح الملک العلی) ص ۵۰ چنین می

ص: ۱۴۹

گوید:

ولكن الذهبى اذا رأى حديثا فى فضل على عليه السلام بادر الى انكاره بحق و بباطل حتى كانه لا يدري ما يخرج من رأسه

ولى ذهبى زمانى كه حدیثى در فضیلت على عليه السلام مى بیند ، مبادرت به انكار آن مى كند (چه صحیح و چه غلط) تا جایی كه نمى داند كه از سرش چه مى گذرد .

شوكانى در(درّالسحابه) نیز این روایت را به نقل از حاكم نیشابورى بیان مى كند و تصحیح حاكم را نیز آورده و در مورد آن سكوت مى كند . درّ السحابه فى مناقب القرابه و الصحابه، ص ۲۲۷.

### ۳۹- ای علی! تو برادر منی در دنیا و آخرت

حدیث مؤاخاه یا همان برادری بین حضرت رسول صلی الله علیه واله و امیرالمؤمنین به صورت متواتر نقل شده است از جمله از عبدالله بن عمر روایت شده است كه: لما ورد رسول الله المدینه آخى بين الصحابه فجاء علىّ تدمع عیناه، فقال: یا رسول الله آخیت بین اصحابك و لم تواخ بینى و بین أحد؟ فقال رسول الله: یا علی أنت أخی فى الدنيا و الآخرة

هنگامی كه پیامبر خدا صلی الله علیه واله وسلم وارد مدینه شدند بین صحابه برادری و اخوت ایجاد کردند پس

ص: ۱۵۰

امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند در حالیکه چشمانشان پر از اشک بود و عرض کردند: ای رسول خدا! بین اصحاب خود برادری ایجاد کردی و بین من و هیچ کس دیگر برادری برنگزیدی؟ حضرت فرمودند: ای علی! تو برادر من در دنیا و آخرت هستی. (المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۰۰؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۹؛ البدایه و النهایه، ج ۷؛ ص ۳۷۱؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۲؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۲۱۱؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۲۶۳؛ نظم درالسمطین، ص ۹۴-۹۵؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۴۰؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۱۸ و ۵۳ و ۶۱؛ انساب الاشراف، ص ۱۴۵؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۹۲؛ تحفه الاحوذی، ج ۱۰، ص ۱۵۲)

این اخوت دلالت بر رفعت مقام امیرالمؤمنین علیه السلامی کند. زیرا خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» «تنها مؤمنین برادر یکدیگر هستند.» زیرا برادری و اخوت به قدر منزلت و مقام آنهاست همانگونه که ابی بکر و عمر برادر یکدیگر بودند و عثمان و عبدالرحمن بن عوف برادر یکدیگر شدند. حال کسی که برادر اشرف ولد آدم و خاتم الانبیاء هست اوست که در تمامی مراتب و مقامات با رسول خدا شریک است چنانکه خداوند متعال در آیه مباحله حضرت امیرالمؤمنین را نفس پیامبر صلی الله علیه واله و سلم

معرفی می کند.

از طرفی حضرت رسول الله صلی الله علیه واله و سلم فرمودند: أنت أخي في الدنيا و الآخرة

ای علی تو برادر من در دنیا و آخرت هستی.

باید دید مقامات حضرت رسول در دنیا و آخرت چیست تا بتوان مقام امیرالمؤمنین علیه السلام که برادر و هم‌رتبه ایشان در مقامات هستند مشخص شود.

مقام «أخوت» و برادری امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت صریحی بر خلافت و جانشینی ایشان بعد از حضرت رسول خدا را دارد چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام در روز شوری فرمود:

أفیکم من أخي رسول الله غیری؟!!

آیا در بین شما کسی غیر من هست که با رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم برادر شده باشد؟! (لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۵۷؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۵۲؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۷۲۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم به عمّار فرمود:

یا عمّار! ان رأیت علیاً قد سلک وادياً و سلک الناس وادياً غیره فاسلک مع علی و دع الناس. ای عمّار! اگر دیدی علی (علیه السلام) به راهی می رود، و همه مردم به راهی دیگر، تو

ص: ۱۵۲



با علی علیه السلام حرکت کن، و همه مردم را رها کن. تاریخ بغداد خطیب بغدادی، ج ۴، ص ۴۱۰؛ حلیه الاولیاء ابونعیم، ج ۱، ص ۸۶

#### ۴۰- علی از پیامبر و پیامبر صلی الله علیه وآله از علی

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خطاب به مولی امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: یا علی! أنت منی و أنا منکای علی تواز منی و من از تو. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۶۸، کتاب الصلح و ج ۴، ص ۲۰۷، باب مناقب علی بن ابی طالب و ج ۵، ص ۸۵، باب عمره القضاء؛ مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۹۸ و ۱۱۵، ج ۵، ص ۲۰۴؛ صحیح ابن حیان، ج ۱۱، ص ۲۲۹ و ۲۳۰؛ السنن الکبری بیهقی، ج ۸، ص ۵؛ مجمع الزوائد هیثمی، ج ۹، ص ۲۷۵، المصنف عبدالرزاق، ج ۱۱، ص ۲۲۷؛ مصنف ابن ابی شیبہ ج ۷، ص ۴۹۹؛ السنن الکبری نسائی، ج ۵، ص ۱۲۷ و ۱۴۸ و ۱۶۸ و ۱۶۹؛ خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۸۸ و ۸۹ و ۱۲۲ و ۱۵۱؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۵۷۹ و ج ۱۱، ص ۵۹۹ و ۶۳۹ و ۷۵۵ و ج ۱۳، ص ۲۵۵؛ معانی القرآن، ج ۵، ص ۴۰؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۴۳؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۳، ص ۶۰ و ج ۱۵، ص ۲۱۵؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۴۷۵ و ج ۴، ص ۲۱۸؛ تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۶۴؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۹، ص ۳۶۲ و ج ۴۲، ص ۵۳، ۶۳ و ۱۷۹؛ تهذیب الکمال، ج ۵، ص ۵۴؛ البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۲۶۷.

طبق این روایت امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر و پیامبر از

ص: ۱۵۳

ایشان است. پس در تمامی صفات و مراتبی که خاتم الانبیاء دارند امیرالمؤمنین نیز با ایشان شریکند.

جای آن دارد که در درک این حدیث، تمام فضائل و اوصافی که خداوند در قرآن برای پیامبرش می شمارد بررسی شود زیرا در همه آنها امیرالمؤمنین از ایشان است. و آن اوصاف را دارند.

اما اگر اشکال شود «من» در کلامی که فرمود: «علیّ منّی» شاید بعضی از خصال حضرت را برساند، پاسخ می دهیم:

بله، اگر تنها می فرمود «علیّ منّی» شاید اشکال موجه می بود اما در ادامه فرمود «و أنا منک» من از توأم و این خود این را می رساند که هر چه خصلت پسندیده در وجود خاتم الانبیائی است در وجود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام موجود است.

#### ۴۱- علی محبوب ترین شخص نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله)

۱- اخبرنی عن زکریا بن یحیی قال حدثنا ابراهیم بن سعید قال: حدثنا (اسود بن عامر) شاذان عن جعفر بن زیاد الاحمر عن عبدالله بن عطاء عن ابن بریده قال: جاء رجل إلى أبي فسأله أیّ الناس كان أحبّ إلى رسول الله؟ فقال: كان أحبّ الناس إلى رسول الله من النساء فاطمه و من الرجال علیّ. ابن بریده می گوید: مردی از پدرم پرسید: چه

کسی محبوبترین مردم نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بود؟ گفت: محبوبترین زنان نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و محبوبترین مردان نزد ایشان، امیرالمؤمنین علیه السلام بود. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۹۸، ح ۳۸۶۸؛ مسند رویانی، ص ۲۶، ح ۴۱؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۵؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۷۹؛ ترجمه الامام علی من تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۶۴۹.

سؤال اینست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم با چه معیاری امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست دارند؟! آیا پناه بر خدا، از روی هوای نفس و امور مادی و دنیوی است؟

یا دوستی حضرت و اینکه محبوبترین فرد نزد خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم است از روی حکمت و به معیار قرب پروردگار و مراتب ایمانی و ارزشهای معنوی و اسلامی است. اینگونه است که چون امیرالمؤمنین علیه السلام در تمام مراتب ایمان و در تمامی آنچه که در لسان قرآن به عنوان ارزش حساب می شود سرآمد همه است. افضل الناس در جمیع فضائل می باشد. از این روست که وقتی احببت ثابت شد، افضلیت نیز ثابت می شود.

به برادران اهل تسنن باید گفت وقتی امر دایر شود بین

امیرالمؤمنین و عمر و ابی بکر و عثمان در امر خلافت چه کسی مقدم است؟! آیا او که احب است یا کسی که رسول خدا او را دوست نداشته؟!

و این اعتراف خود عایشه است که می گوید رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم امیرالمؤمنین را بیش از پدر او دوست می داشته است: والله لقد علمتُ أنّ علیاً أحبّ إلیک من أبی، به خدا قسم بدون تردید می می دانم که علی علیه السلام نزد تو از پدر من محبوب تر است. (مسند احمد، ج ۳۰، ص ۳۴۱، ح ۱۸۳۹۴ و ص ۳۷۲، ح ۱۸۴۲۱؛ سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۳۰۰، ح ۴۹۹۹؛ سنن کبری نسائی، ج ۵، ص ۳۶۵، ح ۹۱۵۵؛ مسند بزار، ج ۸، ص ۲۲۳، ح ۳۲۷۵؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۷؛ کشف الاستار، ج ۳، ص ۱۹۴). آیا در جنگ جمل که امر دایر می شود بین امیرالمؤمنین و عایشه چه کسی را باید انتخاب کرد؟ آیا امیرالمؤمنین علیه السلام را یا عایشه ای که پیامبر انتظار مرگ او را می کشید؟

عایشه می گوید: رسول خدا آرزومند مرگ من بود و میگفت: دوست داشتم تا زنده هستم پیش بیاید که بر تو نماز بخوانم و تو را دفن کنم. (الطبقات ابن سعد ج ۲ ص ۲۰۶).

در روایتی دیگر عایشه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله بر من وارد شد در حالی که سر درد داشت و من نیز از سر

درد شکایت کردم و گفتم: ای وای سرم. پیامبر اکرم فرمودند:

بلکه به خدا این من هستم که باید بگویم ای وای سرم. سپس فرمود: چه می شد ای عایشه اگر قبل از من می مردی و من کارهای تو را به عهده می گرفتم و بر تو نماز می گذاشتم و تو را دفن می کردم. (السیره النبویه ابن کثیر دمشقی ۴/۴۴۶ و البدایه و النهایه ابن کثیر ۵/۲۴۴)

امیرالمؤمنین علیه السلام بر اساس تاویل قرآن می جنگد همانگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر اساس تنزیل قرآن می جنگید.

۲- اخبرنا اسحاق بن ابراهیم ابن راهویه و محمد بن قدامه و اللفظ له عن جریر ابن عبدالحمید عن الاعمش عن اسماعیل بن رجاء بن ربیع الزبیدی، عن ابیه عن ابی سعید الخدری، قال: کُنَّا جلوساً ننتظر رسول الله فخرج إلینا قد انقطع شسع نعلیه فرمی بها إلی علی فقال إنَّ منکم من یقاتل علی تأویل القرآن کما قاتلت علی تنزیله فقال ابوبکر: أنا، قال: لا، قال عمر: أنا قال لا و لکن صاحب النعل. ابوسعید خدری می گوید: ما به انتظار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بودیم.

حضرت که بند نعلینشان پاره شده بود به نزد ما آمدند نعل را به امیرالمؤمنین علیه السلام دادند تا وصله بزنند سپس فرمودند:

از شما کسی است که بر اساس تأویل قرآن می جنگد

همانگونه که من بر اساس تنزیل قرآن می جنگم. ابوبکر گفت:

آن کس منم؟ فرمود: نه. عمر گفت: منم؟ فرمود: نه، او کسی است که هم اکنون نعل را وصله می زند. مسند احمد؛ ج ۱۷، ص ۳۶۰، ح ۱۱۲۵۸ و ص ۳۰، ح ۱۱۲۸۹ و ج ۱۸، ص ۲۹۶، ح ۱۱۷۷۳؛ فضائل احمد، ص ۱۳۰، ح ۱۹۳ و ص ۲۰۵؛ مسند ابویعلی، ج ۲، ص ۳۴۱، ح ۱۰۸۶؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۸۵، ح ۶۹۳۷؛ کامل ابن عدی، ج ۳، ص ۳۲۷؛ مناقب کوفی، ج ۲، ص ۵۵۲-۵۵۴، ح ۱۰۶۴-۱۰۶۵؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۲؛ حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷؛ دلائل النبوه بیهقی، ج ۶، ص ۴۳۶-۴۳۵؛ مناقب خوارزمی، ص ۲۶۰، ح ۲۴۳؛ ترجمه الامام علی من تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۱۱۸۰-۱۱۷۹ و ص ۱۶۷-۱۶۹، ح ۱۱۸۷-۱۱۸۲ و ص ۱۷۰، ح ۱۱۹۰-۱۱۸۹؛ شرح السنه بغوی، ج ۱۰، ص ۲۳۳، ح ۲۵۵۷.

از این روایت به دست می آید که امیرالمؤمنین علیه السلام بر اساس تأویل قرآن می جنگید. آنگونه که پیامبر با تنزیل قرآن جنگیدند. پس به نص روایت فوق، جنگیدن با عایشه و معاویه و خوارج بر اساس تأویل قرآن است.

۳- نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله و سلم به منزل عایشه اشاره کردند و فرمودند: فتنه اینجاست فتنه اینجاست. از اینجا شاخ شیطان بیرون می آید. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۲۵، باب ما جاء فی بیوت ازواج النبی من کتاب الجهاد و السیر.

ص: ۱۵۸

۴- همچنین در صحیح مسلم آمده است خرج رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من بيت عائشه فقال رأس الكفر من هاهنا حيث يطلع قرن الشيطان پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم از منزل عایشه خارج شدند و فرمودند: رأس کفر اینجاست. از اینجا شاخ شیطان بیرون می آید. صحیح مسلم ج ۲ ص ۵۰۳، کتاب الفتن و اشراط الساعه.

#### ۴۲- امیر المؤمنین علیه السلام، ولی و سرپرست هر

مؤمن

اخبرنا قتيبه بن سعيد قال حدثني جعفر بن سليمان عن يزيد عن مطرف بن عبد الله عن عمران بن حصين، قال: بعث رسول الله جيشاً فاستعمل عليهم علي بن ابي طالب فمضى في السريه فأصاب جاريه فأنكروا عليه و تعاقدوا اربعة من اصحاب رسول الله إذا لقينا رسول الله اخبرناه بما صنع و كان المسلمون إذا رجعوا من السفر بدؤا برسول الله فسلموا عليه ثم انصرفوا إلى رحالهم فلما قدمت السريه سلموا على النبي فقام احد الاربعه فقال يا رسول الله ألم تر إلى علي بن ابي طالب صنع كذا و كذا؟ فأعرض عنه رسول الله ثم قام يعنى الثانى فقال مثل ذلك ثم قام الثالث فقال مثل مقالته ثم قام الرابع فقال مثل ما قالوا. فأقبل إليهم رسول الله والغضب) يبصر ( فى وجهه فقال: ما تريدون

ص: ۱۵۹

من علی؟! إن علیاً منی و أنا منه و هو ولی کل مؤمن من بعدی. عمران بن حصین می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم، سپاهی را با فرماندهی علی بن ابی طالب فرستادند پس وی (امیرالمؤمنین) وارد نبرد شد و (اسیرانی گرفت) در این میان کنیزکی را برای خود برداشت پس (برخی) کار او را نپسندیدند و بر آن ایراد گرفتند و چهار نفر از اصحاب، پیمان بستند که همین که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را ملاقات کنند، حضرت را از کار ایشان آگاه کنند. عادت مسلمانان این بود که هرگاه از سفر برمی گشتند در آغاز خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب می شدند و بر ایشان سلام می کردند سپس به سوی بار و بینه خود می رفتند.

پس چون سپاه از راه رسید خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیدند و سلام کردند آنگاه یکی از آن چهار نفر برخاست و گفت: یا رسول الله! آیا علی بن ابی طالب را نمی نگرید که چه کرده است؟ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از آن شخص روی برگرداند آنگاه نفر دوم برخاست و همان را گفت سپس نفر سوم برخاست و همان سخن را تکرار کرد و همین طور نفر چهارم برخاست و همان که دیگران گفتند، گفت. رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم روی به آنان کردند و در حالی که خشم در



چهره مبارکشان نمودار بود فرمودند: از علی چه می خواهید؟! علی علیه السلام از من و من از علی ام و او ولی هر مؤمنی پس از من است. مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۶، ص ۳۷۵، ح ۳۲۱۱۲؛ مسند احمد حنبل، ج ۴، ص ۴۳۷ و ج ۳۳، ص ۱۵۴، ح ۱۹۹۲۸؛ فضائل احمد، ص ۱۰۴، ح ۱۵۷ و ص ۱۲۳، ح ۱۸۲؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۲، ح ۳۷۱۲؛ کتاب السنه، ص ۵۵۰، ح ۱۱۸۷؛ سنن کبری نسائی، ج ۵، ص ۴۵، ح ۸۱۴۶؛ امالی عبدالرزاق، ص ۷۹، ح ۱۰۹؛ مسند طیالسی، ص ۱۱۱، ح ۸۲۹؛ مسند رویانی، ج ۱، ص ۶۲، ح ۱۱۹؛ مناقب کوفی، ج ۱، ص ۴۴۹، ح ۳۵۱ و ۳۵۴ و ص ۴۹۰، ح ۳۹۷؛ کامل ابن عدی، ج ۲، ص ۱۴۵؛ معجم کبیر طبرانی، ج ۱۸، ص ۱۲۸، ح ۲۶۵؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۱۰؛ حلیه الاولیاء، ج ۶، ص ۲۹۴؛ مناقب خوارزمی، ص ۱۵۳، ح ۱۸۰.

مانند این جریان در روایت دیگر در کتب اهل تسنن روایت شده است:

### ۴۳- ای بریده علی از من و من از علی

اخبرنا واصل بن عبدالاعلی عن محمد بن فضیل عن الاجلح عن عبدالله بن بریده عن ابیه قال: بعثنا رسول الله إلى الیمن مع خالد بن الولید و بعث علیاً علی جیش آخر و قال: ان التقیتما فعلی علی الناس و إن تفرقتما فکل واحد منكما علی حدته فلقینا بنی زبید من اهل الیمن و ظهر المسلمون علی المشرکین فقتلنا المقاتله و سینا

ص: ۱۶۱

الذريه فاصطفى علي جارّيه لنفسه من السبي فكتب بذلك خالد بن الوليد إلى النبي و أمرني أن أنال منه فقال: فدفعت الكتاب إليه و نلت من عليّ فتغيّر وجه رسول الله فقلت: هذا مكان العائد بعثني مع رجل و أمرتني بطاعته فبلغت ما أرسلت به فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): لا تقعنّ يا بريده في عليّ فإن عليّاً مني و أنا منه و هذا وليكم بعديريده مي گوید:

رسول خدا صلی الله عليه و آله و سلم ما را با فرماندهی خالد بن ولید و سپاهی دیگر را با فرماندهی امیرالمؤمنین به یمن فرستاد و فرمود: اگر دو سپاه هم دیگر را ملاقات کردید، علی (علیه السلام) فرمانده همه است و اگر جدا بودید هر کدام با فرماندهی خود. ما با طایفه بنی زبید از یمن روبه رو شدیم و پس از نبرد، مسلمانان بر مشرکان چیره شدند، افراد جنگجو را کشتیم و فرزندانشان را به اسارت گرفتیم. امیرالمؤمنین علیه السلام کنیزکی را از میان اسیران برای خود برداشت. خالد بن ولید (از سر شکایت) این ماجرا را برای پیامبر صلی الله عليه و آله و سلم نوشت و به من مأموریت داد درباره امیرالمؤمنین علیه السلام گلایه کنم.

من نامه را به حضرت پیامبر دادم و درباره امیرالمؤمنین علیه السلام گلایه کردم در این هنگام رنگ چهره رسول خدا صلی

الله عليه وآله وسلم دگرگون شد پس گفتم: این مکان پناه آورنده است (کنایه از اینکه من بی تقصیرم) شما من را با خالد بن ولید فرستادید و دستور دادید اطاعتش کنم من تنها مأموریتم را می رسانم، رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمودند:

ای بریده! درباره علی عیب جوئی مکن. علی علیه السلام از من است و من از علی ام و این علی ولیّ شما پس از من است.

مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۶، ص ۳۷۵، ح ۳۲۱۱۰؛ مسند احمد، ج ۳۸، ص ۱۱۸، ح ۲۳۰۱۲؛ فضائل احمد، ص ۲۱۹، ح ۲۹۸؛ مناقب کوفی، ج ۱، ص ۴۷۹، ح ۳۸۸ و ص ۴۸۷، ح ۳۹۷ و ج ۲، ص ۳۸۸، ح ۸۶۳، ص ۳۹۰، ح ۹۰۳؛ مناقب ابن مغزلی، ص ۲۲۵، ح ۲۷۱؛ ترجمه الامام علی من تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۴۰۱-۴۰۰، ح ۴۶۸-۴۶۶ و ص ۴۰۶-۴۰۲، ح ۴۷۸-۴۷۰.

#### ۴۴- امیرالمؤمنین علیه السلام، فاروق اعظم و

صدیق اکبر

روایات زیادی در منابع اهل سنت موجود است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علیه السلام را ملقب به لقب فاروق و صدیق فرموده بودند از جمله:

۱- أخذ رسول الله بيد علي فقال إن هذا أول من آمن بي و هو أول من يصفحني يوم القيامة و هذا الصديق الأكبر و هذا

ص: ۱۶۳

فاروق هذه الأمه، يفرق بين الحق و الباطل و هذا يعسوب المؤمنين و المال يعسوب الظالمين. حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم دست اميرالمؤمنين عليه السلام را گرفته و فرمودند: اين اولين فردى است كه به من ايمان آورد و اولين كسى است كه در روز قيامت با من مصافحه خواهد كرد و اين صديق اكبر و فاروق (جدا كنده حق از باطل) اين امت مى باشد و جدا مى كند بين حق و باطل را و اين ثروت مؤمنين است و مال ثروت ظالمين مى باشد. (معجم كبير طبرانى، ج ۶، ص ۲۶۹؛ اسد الغابه لابن اثير جزرى، ج ۵، ص ۲۸۷؛ كنز العمال متقى هندی، ج ۱۱، ص ۶۱۶؛ مجمع الزوائد للهيثمى، ج ۹، ص ۱۰۲؛ تاريخ مدینه دمشق لابن عساكر، ج ۴۲، ص ۴۱).

۲- رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: پس از من فتنه اى خواهد بود. وقتى آن فتنه اتفاق افتاد همراه على بن ابى طالب باشيد؛ زيرا او اولين كسى است كه فرداى قيامت مرا مى بيند و اولين كسى است كه با من مصافحه مى كند. او صديق اكبر و فاروق اين امت است كه حق را از باطل جدا مى سازد. و او سرور مؤمنين است. تاريخ مدینه دمشق ابن عساكر، ج ۴۲، ص ۴۵۰؛ المناقب خوارزمى، ص ۱۰۵؛ اسد الغابه ابن اثير، ج ۶، ص ۲۶۵؛ الاستيعاب ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۳۰۷؛ الاصابه، ج ۷، ص ۲۹۴.

ص: ۱۶۴

۳- ابن عباس و ابوذر نقل کرده اند که ما از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم شنیدیم که خطاب به علی علیه السلام می فرمود:

انت الصديق الاكبر، و انت الفاروق الذي يفرق بين الحق و الباطل. تویی صدیق اکبر و تویی فاروق که حق و باطل را از هم جدا خواهی کرد. الموافق قاضی ایجی، ص ۴۰۹؛ الرياض النضرة محب الدین طبری، ج ۳، ص ۹۶؛ الاربعین المنتقی احمد بن اسماعیل طالقانی، ح ۲۸، باب ۲۱؛ مسند شمس الاخبار قرشی، ج ۱، ص ۹۴؛ فرائد السمطین شیخ الاسلام حموئی، ج ۱، ص ۱۴۰، ح ۱۰۲ و ۱۰۳؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۲۸، خطبه ۲۳۸؛ نزهة المجالس صفوری، ج ۲، ص ۲۰۵.

۴- ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل کرده که فرمود: الصّدّيقون ثلاثة: حزقیل مؤمن آل فرعون، و حبیب النّجار صاحب آل یاسین، و علی بن ابی طالب راستگویان سه نفرند: حزقیل، مؤمن آل فرعون، حبیب نجار صاحب آل یاسین، و امیرالمؤمنین علیه السلام (مناقب علی علیه السلام از احمد حنبل، ص ۱۳۱، ح ۱۹۴؛ الرياض النضرة محب الدین طبری، ج ۳، ص ۹۴؛ کفایه الطالب گنجی شافعی، ص ۱۲۴، باب ۲۴؛ کنز العمال متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۰۱، ح ۳۲۸۹۷؛ صواعق المحرقة ابن حجر هیثمی، ص ۱۲۵).

ص: ۱۶۵

از جمله کارهای ناشایست اهل سنت، اطلاق لقب صدیق را به ابی بکر و لقب فاروق را نیز به عمر است.

البته از کسانی که غصب خلافت خلیفه الهی امیرالمؤمنین علیه السلام را می کنند توقع بیش از این نیز نمی توان داشت که القاب ایشان را نیز غصب کرده و به خود بدهند.

لذا کتب اینان پر است از روایات جعلی در مورد فضائل دشمنان امیرالمؤمنین از جمله این دو لقب. اما جالب این جاست که برخی از علمای خودشان به کذب و جعل این حدیث معترفند از جمله: ابن جوزی از علمای نامدار مخالفین، حدیث صدیق نامیدن ابوبکر توسط پیامبر صلی الله علیه واله وسلم را می آورد، می گوید: این روایت ضعیف و باطل و جعلی است. الموضوعات لابن جوزی، ج ۱، ص ۳۲۷ تاریخ بغداد للخطیب البغدادی، ج ۷، ص ۴۳۷

نقل می کنند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفته است که من در معراج، رفته بودم به عرش و دیدم که نوشته اند: لا إله إلا الله، محمد رسول الله، ابو بکر الصدیق، عمر الفاروق. نیست

خدایی جز الله و محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرستاده خدا و ابوبکر صدیق و عمر فاروق است. ابن حبان می گوید: هذان خیران باطلان موضوعان لا شک فیہ. این دو روایت، باطل است و جعلی و هیچ شکی هم نیست. المجروحین لابن حبان، ج ۲، ص ۱۱۶

جالب این است که بسیاری از علمای اهل سنت نقل کرده اند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: أنا عبد الله و اخو رسوله و انا الصديق الاكبر لا يقولها بعدى الا كذاب مفرّ، لقد صلّيت قبل الناس سبع سنين. من بنده خدا و برادر رسول خدايم، و من صدیق اکبرم، کسی بعد از من این ادعا را به جز بسیار دروغگو و افترا زننده نمی کند. به تحقیق من هفت سال قبل از مردم نماز به جای آوردم. (المصنّف ابن ابی شیبہ، ج ۱۲، ص ۶۵، ح ۱۲۱۳۳؛ خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۲۵، ح ۷؛ السنن الکبری نسائی، ج ۵، ص ۱۰۷، ح ۸۳۹۵؛ السنه ابن ابی عاصم، ص ۵۸۴، ح ۱۳۲۴؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۱، ح ۴۵۸۴؛ معرفه الصحابه ابونعیم، ج ۱، ص ۳۰۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴، ح ۱۲۰؛ تاریخ الامم و الملوک طبری، ج ۲، ص ۳۱۰؛ الکامل فی التاریخ ابن اثیر، ج ۱، ص ۴۸۴؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۰، خطبه ۲۳۸؛ الرياض النضره محب الدین طبری، ج ۳، ص ۹۶ و ۱۰۰ و ۱۱۱؛

ص: ۱۶۷

فرائد السمطين حموئی، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۱۹۲؛ کنز العمال متقی هندی، ج ۱۳، ص ۱۲۲، ح ۳۶۳۸۹؛ الطبقات الکبری ابن سعد، ج ۲، ص ۶۰، رقم ۳۱۵؛ الطبقات الشعرانی، ج ۲، ص ۵۵).

همچنین معاذه می گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که بر منبر بصره خطبه می خواند شنیدم که می فرمود:

انا الصدیق الاکبر، آمنت قبل ان يؤمن ابوبکر، و أسلمت قبل أن یسلم ابوبکر. من صدیق اکبرم، قبل از آن که ابوبکر ایمان آورد ایمان آوردم و قبل از آن که ابوبکر اسلام آورد اسلام آوردم. المعارف ابن قتیبه، ص ۱۶۹؛ الرياض النضره محب الدین طبری، ج ۳، ص ۹۵ و ۹۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحددی، ج ۱۳، ص ۲۰۰ و ۲۲۸، خطبه ۲۳۸؛ کنز العمال متقی هندی، ج ۱۳، ص ۱۶۴.

از طرفی دیگر، جماعت زیادی از علمای سنیان به این مطلب تصریح کرده اند که: یهودیان کلمه فاروق را برای عمر انتخاب کردند. الطبقات الکبری لابن سعد، ج ۳، ص ۲۷۰ تاریخ مدینه دمشق لابن عساکر، ج ۴۴، ص ۵۱ تاریخ مدینه لابن شبه النمیثی، ج ۲، ص ۶۶۲ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۶۷.

جالب اینکه ابن کثیر دمشقی که مورد تائید تمام فرق مخالفین است می گوید: الملقب بالفاروق قیل لقبه بذلك اهل الکتاب. گفته اند که عمر را اهل کتاب، ملقب به فاروق کرده اند.

ص: ۱۶۸



البدایه و النهایه لابن کثیر الدمشقی، ج ۷، ص ۱۵۰ أسد الغابه لابن اثیر، ج ۴، ص ۵۷.

پس روشن شد که لقب فاروق و صدیق اکبر، جز بر نور وجود مولی الموحدين امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلیناطلاق نمی شود و هر که ادعا کند که برای فرد دیگری است جز کذاب و افترا گو، نیست.

#### ۴۶- امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان او،

رستگاران در قیامت.

وأخرج ابن عساکر عن جابر بن عبد الله قال كنا عند النبي صلى الله عليه وسلم فأقبل على فقال النبي صلى الله عليه وسلم: والذي نفسي بيده إن هذا وشيعته لهم الفائزون يوم القيامة ونزلت «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» فكان أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم إذا أقبل على قالوا: جاء خير البرية ابن عساکر از جابر بن عبد الله روایت کرده است که گفت: ما نزد پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودیم که علی از راه رسید، پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

سوگند به آن که جانم به دست او است، این و شیعیان اویند که در روز قیامت رستگارند. و این آیه نازل شد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا...» و یاران رسول خدا هر گاه امیرالمؤمنین از راه می

ص: ۱۶۹

رسید می گفتند: بهترین رستگاران آمد.

(الدر المنثور، ج ۸، ص ۵۸۹) همچنین این روایت و مضمون آن در (تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۷۱؛ تفسیر آلوسی، ج ۳۰، ص ۲۰۷؛ شواهد التنزیل حاکم الحسکانی، ج ۲، ص ۴۶۰ ۴۶۱ و ص ۲۷۱ ۲۷۲؛ فتح القدیر شوکانی، ج ۵، ص ۴۷۷؛ کنز العمال متقی الهندی، ج ۱۳، ص ۱۵۷۱۵۶؛ نظم درر السمطین الزرنندی الحنفی، ص ۹۲). لغت نامه نویسان از اهل سنت نیز در توضیحاتشان در مورد کلمه «شیعه» همین شان نزول را در کتاب هایشان ذکر نموده اند. (لسان العرب، ابن منظور، ج ۲، ص ۵۶۶؛ تاج العروس زبیدی، ج ۴، ص ۱۷۶)

#### ۴۸- دوستان علی (علیه السلام) سعاد و دشمنانش اشقیامی

باشند.

از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل شده است که فرمودند: در شام عرفه پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نزد ما بیرون آمد و فرمودند: ان الله عزوجل باهی بکم الملائکه عامه و غفر لکم عامه و لعلی خاصه و انی رسول الله غیر محابّ لقرابتی ان السعید کل السعید من احبّ علیاً فی حیاته و بعد موتہ و ان الشقی من ابغش علیاً فی حیاته و بعد مماته. خدای عزوجل مباحات می کند به شماها بر ملائکه عموماً و شما را آمرزیده عموماً و امیرالمؤمنین علیه السلام را

ص: ۱۷۰

خصوصاً و من که رسول خدایم بدون اینکه نظر محبت و دوستی به خویشانم داشته باشم به درستی که سعید با تمام سعادت کسی است که دوست بدارد علی علیه السلام را در حیات و بعد از وفاتش و شقی با تمام شقاوت کسی است که دشمن بدارد علی علیه السلام را در حیات و بعد از مماتش. (المعجم الکبیر طبرانی، ج ۲، ص ۴۱۵؛ مطالب السؤل، ۹۵-۸۳؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۱۰۷؛ فضائل احمد، ج ۲، ص ۶۵۸؛ موده القربی میر سید علی همدانی، ص ۲۸؛ مناقب خوارزمی، ص ۷۹؛ شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۵۴؛ فصول المهمه ابن صباغ، ج ۱، ص ۵۸۵؛ معالم العتره النبویه، ص ۵۳)

#### ۴۹- وصایت علی (علیه السلام)

۱- انس بن مالک گفت به سلمان گفتم: از پیامبر صلی الله علیه واله وسلم سؤال کن که وصی او کیست؟

فقال سلمان: یا رسول الله من وصیک؟ فقال یا سلمان من کان وصی موسی؟ فقال: یوشع بن نون قال: ان وصی و وارثی دینی و ینجز موعدی علی بن ابی طالب. سلمان گفت: ای رسول خدا! چه کسی وصی شماست؟ پس حضرت فرمودند: ای سلمان وصی موسی چه کسی بود؟ عرض کرد:

یوشع بن نون حضرت فرمودند: همانا وصی من و وارث دین

ص: ۱۷۱

من و کسی که وعده های مرا منجز می کند، علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد. (ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۳۵؛ تذکره الخواص، ص ۴۸)

۲- همچنین موفق بن احمد اخطب الخطباء خوارزم از بریده نقل می کند که رسول اکرم صلی الله علیه واله وسلم فرمود:

ل کل نبی وصی و وارث و ان علیا وصی و وارثی

برای هر پیامبری وصی و وارثی هست و بدون هیچ تردیدی علی علیه السلام وصی و وارث من می باشد

کفایه الطالب، ص ۲۶۰، باب ۶۲؛ مناقب خوارزمی، ص ۱۴۷، ح ۱۷۱)

۳- شیخ الاسلام حموینی از ابی ذر غفاری نقل می کند که: قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم:

أنا خاتم النبیین و أنت یا علی خاتم الوصیین إلى یوم الدین

من خاتم الانبیاء هستم و تو یا علی خاتم اوصیا هستی تا روز قیامت. (فرائد السمطین، ج ۱، ص ۱۴۷)

## ۵۰- حدیث منزلت

۱- منزلت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

عن سوید بن غفله، قال: رأی عمر رجلا یخاصم علیا، فقال له

ص: ۱۷۲

عمر: انى لأظنك من المنافقين! سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: عليّ منى بمنزله هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدى. (آثار الصادقين، ج ۱۴، ص ۲۸۶ به نقل از شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۱، ص ۳۶۰

از سوید بن غفله روایت شد که گفت، عمر مردی را دید که با علی علیه السلام خصومت می کند عمر به وی گفت: گمان دارم که تو از منافقان باشی! زیرا من از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: علی در نزد من منزلت و جایگاه هارون در نزد موسی علیه السلام را دارد جز آنکه پیغمبری پس از من نباشد

۲- اخیرنا بشرین هلال قال حدثنا جعفر و هو ابن سلیمان قال حدثنا حرب بن شداد عن قتاده عن سعید بن مسیب عن سعد بن ابی وقاص قال:

لما غزا رسول الله غزوة تبوك خلف علياً بالمدينة فقالوا فيه: مله و كره صحبته فتبع (النبى حتى لحقه فى الطريق فقال يا رسول الله! خلفتى فى المدينة مع الذرارى و النساء حتى قالوا: مله و كره صحبته. فقال له النبى: يا على إنما خلفتك على أهلى أما ترضى أن تكون منى بمنزله هارون من موسى غير أنه لا نبي بعدى. سعد بن ابى وقاص گفت: چون رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم عازم جنگ تبوک شدند، امیرالمؤمنین

ص: ۱۷۳

علیه السلام را در مدینه جانشین خود کرد مردم در این باره می گفتند: پیامبر از امیرالمؤمنین به ستوه آمده و همراهی اش را نمی پسندد. پس امیرالمؤمنین علیه السلام به دنبال پیامبر روانه شد و در راه به ایشان رسید و فرمود: ای رسول خدا! آیا من را در مدینه با کودکان و زنان وامی گذارید تا بگویند: از او به ستوه آمده، همراهی اش را نمی پسندد! پس پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به ایشان فرمودند: ای علی من تو را بر اهل خود جانشین کردم. آیا تو خشنود نیستی برای من بمنزله هارون برای موسی باشی جز آنکه پیغمبری پس از من نخواهد بود؟. کتاب السنه، ص ۵۸۷، ح ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳؛ مسند بزار، ج ۳، ص ۲۸۴، ح ۱۰۷۶؛ مناقب کوفی، ج ۱، ص ۵۲۰، ح ۴۲۲ و ۴۴۲ و ۴۶۳ و ۵۲۲، ح ۴۵۸ و ۴۶۶ و ۵۲۳، ح ۴۶۷ و ۴۶۸؛ سنن کبری، ج ۵، ص ۴۴، ح ۸۱۳۸؛ مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۱۳۶ ح ۷۳۸؛ کامل ابن عدی، ج ۲، ص ۴۱۶، ح ۱۶۴؛ معجم اوسط طبرانی، ج ۵، ص ۱۳۶، ح ۴۲۶۰؛ تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲۲۷؛ مناقب ابن مغازلی، ص ۳۵، ح ۵۳.

۳- در برخی دیگر از منابع اهل سنت تنها این کلام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را نقل کرده اند: أن النبی قال لعلی «اما ترضی منی بمنزله هارون من موسی یا خشنود نیستی که تو برای من بمنزله هارون برای موسی هستی؟!». سنن ترمذی، ج ۵،

ص ۶۴۱، ح ۳۷۳۱؛ معج صغیر طبرانی، ج ۲، ص ۲۲، ح ۸۲۴؛ طبقات المحدثین، ج ۴، ص ۲۶۴، ح ۱۰۲۰؛ حلیه الاولیاء، ج ۷، ص ۱۹۶؛ مسند طیالسی، ج ۱، ص ۲۸، ح ۲۰۵؛ صحیح بخاری، ج ۶، ص ۳، ح ۶؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۲، ح ۱۱۵.

۴- در مصادر دیگر از سعید بن مسیب روایت را اینگونه ذکر کرده اند: قال النبی لعلی: أما ترضی أن تکون منی بمنزله هارون من موسی إلا أنه لا نبوه قال سعید: فلم ارض حتی أتیت سعدا فقلت شیئا حدّثنی به ابنک عنک؟ قال و ماهو؟ وانتهرنی، فقلت: شیئا حدّثنی: أما علی هذا فلا. فقال: ما هو یابن اخی؟ فقلت:

هل سمعت النبی یقول لعلی کذا و کذا؟ قال: نعم، و اشار إلی اذنیه و إلا فاسکتنا لقد سمعته یقول ذلک. سعید بن مسیب می گوید از ابراهیم بن سعد بن ابی وقاص شنیدم که از پدرش چنین شنیده است، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

آیا تو خشنود نیستی برای من بمنزله هارون برای موسی باشی جز پیغمبری. سعید بن مسیب می گوید: به این خبر اکتفا نکردم تا به نزد سعد بن ابی وقاص آمدم و گفتم: فرزندات از تو چیزی برای من گفته است. گفت: چه چیزی؟ آیا مرا سرزنش کرد؟ گفتم: نه در این مورد نیست. گفت پس چه گفته

ص: ۱۷۵

ای برادرزاده ام؟ گفتم: آیا تو از پیامبر شنیده ای که درباره امیرالمؤمنین چنین و چنان گفته است؟ گفت: آری و به دو گوش خود اشاره کرد و گفت: و إلاّ- این دو گوش کر شود من خودم شنیده ام. فضائل احمد، ص ۱۳۶، ح ۲۰۱؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۰، ح ۲۴۰۴؛ کتاب السنه، ص ۵۷۸، ح ۱۳۳۵؛ مسند بزار، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۷۴۴؛ مناقب کوفی، ج ۱، ص ۵۱۲، ح ۴۳۵ و ص ۵۲۲ و ۵۲۳، ح ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۵۳۴-۵۳۵، ح ۴۸۴-۴۸۳؛ سنن کبری نسائی، ج ۵، ص ۴۴، ح ۸۱۴۰؛ مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۸۶، ح ۷۳۹ و ص ۹۹، ح ۷۵۵؛ معج شیوخ ابویعلی، ص ۲۳۰، ح ۱۸۸؛ الکنی و الاسماء دولابی، ج ۱، ص ۱۹۲؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۶۹، ح ۶۹۲۶؛ مناقب ابن مغزلی، ص ۲۷، ح ۴۲-۴۰ و ص ۳۴، ح ۵۱؛ مناقب خوارزمی، ص ۱۳۳، ح ۱۴۸؛ ترجمه الامام علی من تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۳۵۰ و ص ۳۱۸، ح ۳۵۳-۳۵۱.

حال سؤال اینست که: منازل هارون نسبت به موسی چه بوده است؟ آیات زیادی در مورد حضرت موسی و هارون علی نبینا و آله و علیهماالسلام در قرآن آمده است از جمله این آیات:

وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ اَهْلِيْ \* هَارُوْنَ اَخِيْ \* اَشْدُدْ بِهٖ اَزْرِيْ \* وَ اَشْرِكْهُ فِيْ اَمْرِيْ (طه: ۳۲-۲۹) موسی گفت: خدایا برای من وزیری از اهل من قرار بده\* برادرم هارون را\* پشت مرا به او محکم کن\* و او را در امر من، شریک ساز.

ص: ۱۷۶



وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (اعراف: ۱۴۲)

و موسی به برادرش هارون گفت: خلیفه من در قوم من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو راه اهل فساد نباش.

در دو آیه فوق چند مقام هارون نسبت به موسی بیان شده است که عبارتند از:

الف -مقام وزارت

آنچه که نص آیه است اینکه حضرت موسی فرمود:

«وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا» «خدایا برای من وزیری قرار بده.

در آیات قرآن «وزر» به معنای پناه آمده است:

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُجُ \* كَلَّا لَا وَزَرَ (قیامه ۱۱-۷)

در آن روز انسان گوید کجا مفرّ و پناهگاهی است \* هرگز مفرّ و پناهگاهی نیست.

در کتاب لغت چنین معنا شده است: الوزر: الملجأ، و اصل الوزر الجبل المنيع... قال ابواسحاق: الوزر في كلام العرب الجبل الذي يلتجأ إليه. و كل ما التجأت إليه و تحصنت به فهو وزر. وزر به معنای ملجأ و پناهگاه است و اصل وزر، کوه بلند است و هر پناهگاهی است ابواسحاق گفته است: وزر در کلام عرب کوهی است که بدان پناه می برند. و هر آنچه که به سوی آن پناهنده می شوند و

ص: ۱۷۷

توسط آن محافظت می شوند و زر است. (لسان العرب، ج ۵، ص ۲۸۲، ماده و زر).

پس وقتی کسی ملجأ و پناهگاه حضرت سرور انبیاء صلی الله علیه و اله و سلم باشد عظمت آن روشن می شود.

حضرت رسولی که خود پشت و پناه دین خدا و پشت و پناه مسلمین است، ملجأ او امیرالمؤمنین می شود، این واضح و روشن است که تنها این وجود مقدس می تواند جانشین و رهبر امت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد.

البته باید تأکید کرد که تنها این روایت نیست که مقام وزارت را برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت کرده است، بلکه در منابع ذیل نیز روایاتی وارد شده است که صراحتاً مقام وزارت را برای ایشان بیان کرده است: تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱۲، ص ۲۶، الطبقات الکبری، ج ۳ ف

ص ۲۳؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۵۷ و ۵۲؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۵۸ و ج ۲، ص ۱۵۳ و ۲۸۸.

ب - مقام اهل بیت بودن (من اهلی)

همانگونه که هارون از اهل بیت موسی بود، امیرالمؤمنین علیه السلام نیز از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، یعنی برادر و داماد و پسر عم ایشان است. در منابع زیاد اهل سنت

ص: ۱۷۸

آمده است. دعا رسول الله عليا و فاطمه و الحسن و الحسين فقال اللهم هؤلاء اهلي. پیامبر اکرم حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیه السلام را طلبیدند پس فرمودند: خداوندا این ها اهل من هستند.

صحیح مسلم، ص ۱۱۹۸، ح ۶۱۱۴، باب فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام.

ج -مقام أخوت (هارون أخی).

غیر از اینکه حدیث منزلت مقام برادری حضرت رسول را برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت می کند. در بسیاری از منابع اهل سنت ذکر شده است که: آخی رسول الله بین اصحابه فجاء علی تدمع عیناه فقال: یا رسول الله! آخیت بین اصحابک و لم تواخ بنی و بین احد فقال رسول الله أنت آخی فی الدنيا و الآخرة رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بین اصحاب خود عقد اخوت و برادری بست. پس امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که چشمانشان گریان بود نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و فرمودند: ای رسول خدا! بین اصحابتان عقد اخوت بستید و بین من و احدی دیگر عقد برادری نبستید.

پس حضرت رسول خدا فرمودند: تو برادر من در دنیا و آخرت هستی.

سنن ترمذی، باب مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۱۰۶۳، ح ۴۷۴۱)

ص: ۱۷۹

#### د- پشت و پناه بودن (أشدد به أزرى)

در این هیچ تردیدی نیست که رسالت خاتم، اعظم مسئولیاتی است که خداوند آن را به دوش هیچ کسی غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه واله وسلم قرار نداده است. آن هم بر دوش و بر کمر کسی که خود ظهر و پشت و پناه انبیاء بوده است.

وقتی موسی دعا می کند و خداوند اجابت می کند، این دلیلی است بر اینکه انجام وعده رسولش متحقق نمی شود مگر اینکه هارون ظهیر و پشت و پناه او باشد، همینطور در مورد حضرت رسالت مآب چنین است. یعنی انجام عهد و رسالت ختم الانبیائی در گرو پشت و پناه بودن امیرالمؤمنین علیه السلام برای رسول خداست.

#### ه-مقام شرکت در امر (و أشركه فی أمری)

طبق این فراز از کلام حضرت موسی در مورد هارون، هر چه در مورد حضرت رسول الله صلی الله علیه واله وسلم بتوان تصور نمود؛ امیرالمؤمنین علیه السلام در آن با رسول خدا شریک می باشند. چه مشارکت در صناعات نفسانیه و چه مشارکت در مراتب ایمانیه و همچنین مشارکت در قرب پروردگار عالم، و مشارکت در تمام صفات پسندیده و اخلاق

حمیده و .. است.

و-مقام اصلاح (وَأَصْلِح)

همانگونه که هارون مصلح و نایب مناب حضرت موسی در اصلاح امت بود، همینگونه این منزلت برای امیرالمؤمنین علیه السلام در امت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است.

ز-مقام خلافت (أَخْلَفَنِي)

در مورد خلافت به حدیث منزلت به ضمیمه آیه قرآن که موسی به هارون فرمود: (أَخْلَفَنِي فِي قَوْمِي) می توان استناد کرد. نصوص صریح تری نیز موجود است که صریحا لفظ خلافت را در مورد امیرالمؤمنین به کار برده شده است.

ح-مقام أَحَبِّيَّت

یکی از وجوهی که در حدیث منزلت غالبا از آن غفلت می شود این است که هارون برای موسی از همه محبوبتر است.

وقتی حضرت موسی دعا می کند. نه برای بنی اسرائیل و نه برای پدر و مادر و نه برای اهل و عیال و نه حتی برای شعیب پیغمبر پدر زن خود، برای احدی از آنها دعا نمی کند بلکه تنها و تنها برای حضرت هارون دعا می کند. و این نشان می دهد که هارون در نزد موسی محبوبترین افراد بوده است. همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین

ص: ۱۸۱

## ۵۱- امیرالمؤمنین علیه السلام جانشین پیامبر صلی

الله علیه و آله و سلم در اولین دعوت علنی

هنگامی که آیه « و انذر عشیرتک الاقربین » نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور یافت تا اولین دعوت علنی خود را از خویشان شروع فرماید. حضرت در آن مجلس فرمودند: ای فرزندان عبدالمطلب سوگند به خداوند من جوانی در عرب سراغ ندارم که چیزی برای قوم خود آورده باشد، بهتر از آنچه من برای شما به ارمغان آورده ام. من برای شما خیر دنیا و آخرت را آورده ام. خداوند تعالی به من امر فرموده است که شما را به سوی او دعوت کنم. سپس فرمودند: فأیکم یؤازرنی هذا الامر و أن یکون أخی و وصیی و خلیفتی فیکم. کدام یک از شما شریک رنج های من و کمک کار در ادای رسالت من می شود تا او برادر و وصی و خلیفه من در میان شما باشد. همه سکوت کردند و تنها امیرالمؤمنین علیه السلام که کم سن تر از همه آنها بود ایستاده و فرمودند: أنا یا نبی الله اکون وزیرک علیه؛ من ای پیامبر خدا! وزیر و مددکار تو می شوم در تحمل بار رسالت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم،

امیر المؤمنین علیه السلام را گرفت و فرمود: اِنَّ هَذَا اَخِي وَ وصِيي وَ خَلِيفَتِي فَاَسْمَعُوا لَهُ وَ اطِيعُوا. این برادر و وصی و خلیفه من در میان شماست از او فرمان برید و به گفته و دستورش گوش دهید. پیرمردان بنی هاشم و بزرگان قوم از جای برخاستند در حالی که از سر تمسخر و استهزاء می خندیدند؛ به ابوطالب گفتند: این برادرزاده ات امر می کند که از کودک خردسالت فرمان بری! (با این که تو شیخ و رئیس قریش هستی)

(تاریخ الرسل و الملوك طبری، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۱۹؛ تفسیر طبری، ج ۱۹، ص ۷۵-۷۴؛ الکامل فی التاریخ ابن اثیر، ج ۲، ص ۴۲-۴۱)

خداوند متعال امیر المؤمنین علیه السلام را بر محضر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم وارد می کند

#### ۴۲- محبت امیر المؤمنین علیه السلام معیار سنجش

نفاق و ایمان است.

أخبرنا أبو كريب (محمد بن العلاء) الكوفي (قال: حدثنا ابو معاوية عن الأعمش عن عدی بن ثابت عن زر بن حبیش، عن امیر المؤمنین علیه السلام: والذی فلق الحبه و برأ النسمة لعهد النبی الأمی إلی أن لا- یحبنى إلا- مؤمن و لا- یبغضنی إلا المنافق. سوگند به خدایی که

ص: ۱۸۳

دانه را می شکافد و هستی را می آفریند، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با من چنین در میان گذاشت و سفارش فرمود:

جز مؤمن من را دوست ندارد و جز منافق به من کینه نمی ورزد. (مصنف ابن ابی شیبه، ج ۶، ص ۳۶۸ ح ۳۲۰۵۵؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۸۶ ح ۱۳۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۱۴؛ کتاب السنه، ص ۵۴۸، ح ۱۳۲۵؛ سنن کبری نسائی، ج ۵، ص ۴۷ ح ۸۱۵۳؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۷۶ ح ۶۹۲۴؛ مناقب کوفی، ج ۲، ص ۴۷۹ ح ۹۷۸؛ ترجمه الامام علی من تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۱۹۵ ح ۶۸۹ و ۶۹۰)

مانند آن در مسند احمد حنبل، ج ۲، ص ۱۳۶؛ فضائل احمد، ص ۴۵، ح ۷۱؛ کنزالفوائد، ج ۲، ص ۸۳؛ مناقب ابن مغزلی، ص ۱۹۳ ح ۲۲۸ و ص ۱۹۵ ح ۲۳۱.

### ۵۳- هیچکس مانند علی فضیلت به دست نیاورد

محب الدین طبرانی و دیگران به روایت از طبرانی صاحب معجم های سه گانه از عمر بن خطاب نقل کرده اند که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم فرمودند:

ما اکتسب مکتسب مثل فضل علی یهدی صاحبه الی الهدی و

یرده علی الردیهیچ به دست آورنده ای همانند علی فضیلت به دست نیاورد، او همراهش را به راه راست هدایت

ص: ۱۸۴



کند و از گمراهی برگرداند. ذخائر العقبی: ص ۶۱؛ ریاض النضره: ج ۲، ص ۲۱۴؛ ینابیع الموده: ص ۲۰۳؛ ارجح المطالب: ص ۹۸؛ وسیله الم آل باکثیر حضر می: ص ۱۱۰ (مخطوط) ملحقات احقاق الحق: ج ۱۷، ص ۲۹؛ مناقب سیدنا علی، عینی حیدرآبادی: ص ۴۰-۴۱؛

قابل توجه است که بر خلاف نقل و نوشته های قاطعانه نامبردگان که بدون شک از روی یک یا چند نسخه خطی معجم این حدیث را عینا نقل کرده اند متصدی چاپ معجم صغیر طبرانی ص ۲۸۶ شماره ۶۷۷ با استفاده از متن تحریفی مجمع الزوائد: ج ۱، ص ۱۲۱ به جای کلمه علی کلمه علم را جایگزین و ثبت نموده است. وجود مقدسی که خود ایشان برای هدایت نیازمند احدی نیست؛ و اگر کسی بخواهد هدایت شود باید مصاحب ایشان باشد؛ تنها چنین فردی می تواند خلیفه بعد از پیامبر باشد. و تنها از چنین فردی باید تبعیت شود طبق آیه: أَمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (یونس: ۳۵) آیا کسی که به حق هدایت می کند، به پیروی کردن از او سزاوارتر است یا کسی که خود از هدایت بی بهره است مگر آن که (توسط دیگری) هدایت شود؛ پس چگونه داوری می کنید؟

عمر گوید: توسط امیرالمومنین، خدا ما را هدایت می کند و

ص: ۱۸۵

### ۳- روایاتی از عبدالله بن عمر

#### ۱- به تعداد موهای بدن دوستان علی شهری

در بهشت به آنها داده می شود.

وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا قَبْلَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْهُ صِيَامَاتُهُ وَصِيَامَتُهُ وَقِيَامَتُهُ وَاشْتِجَابَ دُعَاءَهُ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ عِرْقٍ فِي يَدَيْهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ وَالصَّرَاطِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَأَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ أَلَا وَ مَنْ أَبْغَضَ آلَ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٍ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ .

ایضاح دفاثن النواصب: ۵۶. ابن عمر گفت پیامبر اکرم فرمود: هر که علی را دوست بدارد خداوند نماز و روزه و قیام و دعایش را می پذیرد. هر کس علی را دوست بدارد خداوند بتعداد هر رگی که در بدن دارد شهری در بهشت باو میدهد. بدانید هر کس دوست بدارد آل محمّد را از حساب و میزان و صراط در امان است و هر که بمیرد با حب آل محمّد من ضامن بهشت برای او هستم با انبیاء بدانید هر کس دشمن بدارد آل محمّد را روز قیامت می آید در حالی که در پیشانیش نوشته است

مایوس از رحمت خدا است.

## ۲- چه شده گروهی را که صحبت از کسی میکنند که

مقامش مانند مقام من است بجز نبوت.

این روایت ایضاح دفائن النواصب: ۲۶-۲۴ را مطالعه کنید مهم است از پسر عمر نقل میکند که گفت: ما از پیامبر اکرم سؤال کردیم راجع بعلی بن ابی طالب علیه السلام آن جناب خشمگین شده فرمود: چه شده گروهی را که صحبت از کسی میکنند که مقامش مانند مقام من است بجز نبوت.

آگاه باشید هر کسی علی را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و هر که مرا دوست داشته باشد خدا از او خوشنود است و هر که خدا از او خوشنود باشد او را پاداش بهشت میدهد آگاه باشید هر که علی را دوست داشته باشد ملائکه برای او استغفار میکنند و درب های بهشت برای او باز می شود که از هر درب خواست وارد شود بدون حساب.

آگاه باشید هر که علی را دوست داشته باشد خداوند نامه عملش را بدست راستش میدهد و حساب او را مانند انبیاء میکشد بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد از دنیا خارج نمیشود مگر اینکه از کوثر می آشامد و از درخت طوبی میل میکند و مقام خود را در بهشت می بیند بدانید هر کس

ص: ۱۸۷

علی را دوست داشته باشد خداوند سكرات مرگ را بر او آسان میکند و قبرش را باغی از باغهای بهشت قرار میدهد.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد خداوند باو عنایت خواهد کرد در مقابل هر رگی که در بدن دارد حوریه ای در بهشت و او را شفیع قرار میدهد در باره هشتاد نفر از خانواده اش و مقدار موی های بدنش باو باغ در بهشت میدهد بدانید هر کس علی را بشناسد و او را دوست بدارد خداوند ملك الموت را پیش او می فرستد همان طوری که بسوی انبیاء میفرستد و وحشت نکیر و منکر را از او برطرف مینماید و قبرش را نورانی مینماید و آن را وسعت میدهد باندازه هفتاد سال و صورتش را در قیامت سفید میکند.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد خدا او را در سایه عرش خود با صدیقین و شهداء و صالحین قرار میدهد و او را از وحشت بزرگتر و وحشتهای روز قیامت در امان خواهد نمود بدانید هر کس علی را دوست داشته باشد خداوند حسنات او را قبول میکند و از گناهانش میگذرد و در بهشت رفیق حمزه سید الشهداء خواهد بود بدانید هر کس علی را دوست داشته باشد خداوند حکمت را در دلش قرار میدهد و بر زبان او واقعیت را اجرا میکند و درهای رحمت را برویش

میگشاید بدانید هر کس علی را دوست بدارد مطیع خدا نامیده می شود در زمین و خدا با ملائکه و حاملین عرش بواسطه او مباحات میکند.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد فرشته ای از زیر عرش او را صدا میزند: ای بنده ی خدا کار خود را از سر بگیر خداوند تمام گناهانت را آمرزیده بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد روز قیامت خواهد آمد در حالی که صورتش چون ماه میدرخشد بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد

این حدیث از طریق اهل سنت نقل شده.

خداوند بر سر او تاج کرامت و بر پیکرش لباس عزت می پوشاند آگاه باشید هر کسی علی را دوست داشته باشد از صراط رد می شود مانند برق جهنده و هیچ مشکلی را نخواهد دید. بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد برای او برات آزادی از جهنم و آزادی از نفاق و عبور از صراط و امان از عذاب مینویسند. بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد نامه عملش باز نمیشود و برایش ترازوی حساب نمیگذارند باو گفته می شود داخل بهشت بشو بدون حساب.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد از حساب و

میزان و صراط در امان است بدانید هر کسی بمیرد با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله ملائکه باو دست میدهند و ارواح انبیاء بیدار او می آیند و هر حاجتی که در نزد خدا داشته باشد خداوند برایش برآورده میکند بدانید هر کس بمیرد با دشمنی آل محمد کافر از دنیا میرود بدانید هر کسی بمیرد با دوستی آل محمد بر ایمان مرده و من کفیل او خواهم بود به بهشت.

### ۳- هر که بخواهد از عذاب قبر نجات یابد باید با اهل

بیت مرا دوست داشته باشد.

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَرَادَ التَّوَكُّلَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجُوَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَلْيَحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيَحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَمَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَلْيَحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي فَوَاللَّهِ مَا أَحَبَّهُمْ أَحَدٌ إِلَّا رَبِحَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . إِبْطَاحُ دَفَائِنِ النُّوَاصِبِ : ٣٥ .

ابن عمر گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر کسی میخواهد توکل بر خدا کند باید اهل بیت مرا دوست داشته باشد و هر که بخواهد از عذاب قبر نجات یابد باید اهل بیت مرا دوست داشته باشد و هر که جویای حکمت باشد اهل-بیتم را دوست بدارد و هر که مایل است داخل بهشت

ص: ۱۹۰

بدون حساب شود اهل بیت مرا دوست داشته باشد بخدا قسم دوست ندارد آنها را کسی مگر اینکه سود برده در دنیا و آخرت.

۴- عبدالله بن عمر:

از دنیا هیچ اندوه و تاسفی ندارم جز اینکه چرا به همراه علی با فئه باغیه (گروه سرکش) نجاتم. (۷(۷). المستدرک، جلد ۳، ص ۱۱۵

۵- ابو هارون عبدی گفت من پیش عبد الله بن عمر نشسته بودم که نافع بن ازرق آمد. گفت بخدا قسم من علی را دشمن میدارم. عبد الله بن عمر سر بلند کرده گفت خدا ترا دشمن بدارد. دشمنی میکنی با کسی که یکی از سوابق او بهتر از تمام دنیا و آنچه در دنیا است میباشد. (المسندالجامع، جلد ۱۰، ص ۷۷۱

۴- سخنان و مرویات عثمان بن عفان: نگاه کردن به

اشاره

علی عبادت است.

۱-

... رجع عثمان الی علی فسأله المصیر الیه، فصار الیه فجعل یحد النظر الیه، فقال له علی: مالک یا عثمان؟ مالک تحد

ص: ۱۹۱

النظر الی؟ قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول: النظر الی علیّ عباده... عثمان به سوی علی بازگشت و از آن حضرت درخواست کرد که به سوی او برگردد. حضرت به طرف او آمد. پس) در این وقت (عثمان شروع کرد به نگاه کردن (و تماشای) آن حضرت. علی علیه السلام فرمود: تو را چه شده است ای عثمان؟ چه شده تو را که اینگونه به من خیره شده و نگاه می کنی؟ عثمان گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: نگاه کردن به علی عبادت است.

(ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۵۸، باب فضائل علی علیه السلام.

ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۳۹۳، شرح محمودی. سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص ۱۷۲،

## ۲-... خلیفه سوم عثمان، سه مرتبه از علی علیه

السلام دعوت کرد که با وی همکاری نماید

مرتبه اول در سال ۲۲ هجرت، یعنی در همان سالی که خلیفه شد آن دعوت به عمل آمد، و مرتبه دیگر در سال ۲۷ هجری، و سومین مرتبه در سال ۳۲ بعد از هجرت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، (اما) علی علیه السلام هیچ

ص: ۱۹۲





#### ۴- سخن عثمان در خطابش به علی علیه السلام:

«...به خدا اگر بمیری، دوست ندارم بعد از تو زنده بمانم، زیرا جانشینی پس از تو نمی بینم. و اگر باقی بمانی هیچ سرکشی را نمی بینم که تو را به عنوان نردبان و وسیله یآوری انتخاب کرده باشد و تو را پناهگاه و ملجأ شمرده باشد..نسبت من به تو مانند فرزندی است که از طرف پدرش عاق شده...». (امام علی بن ابی طالب علیه السلام) روزگار عثمان (تألیف: عبد الفتاح عبد المقصود، ص ۲۰۲

محمد ابراهیم سراج- امام علی (علیه السلام) خورشید بی غروب- ص ۲۲۷ اندیشه قم

سراج ، محمد ابراهیم ، امام علی علیه السلام خورشید بی غروب ، ص ۲۵۴ ، نقل از عبد الفتاح عبد المقصود ، امام علی بن ابی طالب علیه السلام ، ۲۰۲ .

#### فضائل امیرالمومنین علی (علیه السلام) از زبان عایشه

##### اشاره

عایشه دختر ابی بکر بن ابی قحانه ، یکی از همسران پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بر اساس تواریخ معتبر ، میانه ی خوبی با علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و فرزندان ارجمند آنان نداشت . و این بغض ، کینه و خصومت

ص: ۱۹۴

در جنگ جمل کاملاً ظاهر شد . و او همه سفارش هایی را که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد لزوم پیروی و اطاعت از علی (علیه السلام) بیان فرموده بود ، نادیده گرفت و آشکارا با هم دستی طلحه و زبیر در مقابل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اقدام به مبارزه کرد .

اما کمال بی پایان علی (علیه السلام) و خاندان پاک آن حضرت به اندازه ای درخشندگی و نورافشانی دارد ، که بسان خورشید تابان ، هیچ کس و هیچ چیز قادر به جلوگیری از پرتو افکنی آن نیست . به طوری که حتی عایشه با چنین تفکری هرگز نتوانست فضایل و کمالات آن ها را کتمان کند .

مانند: عبادت بودن یاد علی، وارد بودن حدیث کساء و آیه تطهیر در حق علی و اهل بیتش، بر مدار حق بودن علی و محبوب ترین بودن علی و فاطمه نزد پیامبر و... را در حق آن حضرت بیان نمود.

اکنون به چند مورد از مواردی که وی بر زبان آورده است اشاره می کنیم .

۱- علی علیه السلام داناترین شخص به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله.

۲- حاکم حسکانی به نقل از عایشه می نویسد: « از میان

اصحاب پیامبر علی علیه السلام نسبت به آن چه بر پیامبر نازل شده داناترین اصحاب است.» حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۷.

۳- بزرگواری علی علیه السلام از قول عایشه « ما ازدت مع ابن ابی طالب الا- کرامه؛ در برخورد با علی بن ابی طالب علیه السلام چیزی جز بزرگواری نیافتم.» احمدی میانجی، علی، مواقف الشیعه، ج ۳، ص ۳۰۰.

۴- علیعلیه السلام بهترین انسان.

۵- عطا پسر ابی رباح گفت: از عایشه در مورد علی علیه السلام سؤال کردم، عایشه گفت: « او علی علیه السلام بهترین انسان است، و در این مطلب شک و تردید نمی کند مگر کافر.

سراج، محمد ابراهیم، امام علی علیه السلام خورشید بی غروب، ص ۲۵۸.

۶- عطا از عایشه روایت کرد که گفت: عالم ترین شما به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السلام است.» سراج، محمد ابراهیم، امام علی علیه السلام خورشید بی غروب، ص ۲۵۹.

۷- داناترین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله

همچنین از عطا روایت شد که عایشه گفت: « داناترین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله علی علیه السلام است.» سراج،

محمد ابراهیم ، امام علی علیه السلام خورشید بی غروب.

۸- محبوب ترین مردم در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از عایشه روایت شده است که از او پرسیدند که محبوب ترین مردم در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله که بود ؛ گفت : « علی علیه السلام و پرسید از زنان چه کسی گفت : فاطمه ) علیها السلام .

مقدس اردبیلی ، حدیقه الشیعه ، ص ۲۰۸ .

۹- عایشه می گوید : « خداوند کسی را خلق نکرد که محبوب تر از علی علیه السلام پیش رسول خدا باشد. ابن عساکر ، ترجمه الأمام علی بن ابی طالب ، ج ۲ ، ص ۱۶۲ .

### یاد کردن علی عبادت است

۱۰- عن عایشه و ابن عباس: قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ذکر علیّ عبادت؛ یاد کردن از علی عبادت است.

۱۲- عن هشام بن عروه، عن ابيه، عن عائشه قالت: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ذكر علي عبادت هشام بن عروه از پدرش، از عایشه روایت می کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یاد کردن علی عبادت است.

(ابن مغزلی در حدیث ۲۴۳ از مناقب، ص ۲۰۶، ط. ۱. ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۰۸، حدیث ۹۱۴ شرح

ص: ۱۹۷

محمودی. ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۵۸، و متقی هندی در کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۱ سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص ۱۷۲. شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، باب مناقب السبعون، ص ۲۸۱، حدیث ۴۶ و نیز ص ۳۱۲.

۱۳- عن عائشه أنّ رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) خرج و علیه مرط مرجل من شعر أسود، فجاء الحسن فأدخله، ثم جاء الحسين فأدخله، ثم فاطمه، ثم علی، ثم قال:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» (زمخشری در تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۳۶۹، ذیل آیه ۶۱ از سوره آل عمران، فمن حاجك...،

(از عایشه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیرون آمد در حالی که عبای منقوش را که از موی سیاه بود، برتن خود داشت. پس حسن علیه السلام آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را داخل آن کساء کرد. سپس حسین علیه السلام آمد و آن حضرت او را نیز داخل کساء نمود، آنگاه فاطمه علیها السلام (و بعد علیعلیه السلام آمدند و داخل کساء شدند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این جملات قرآن کریم را بیان فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ»؛) خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

## خدا علی را رحمت کند که حقیقتا بر حق بود

۱۴ - عن عائشه... قالت: رحم الله علينا لقد كان عليّ الحق...

(ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۰۵، حدیث ۱۴.)

(عایشه گفت: خدا علی را رحمت کند که حقیقتا بر حق بود...)

## محبوبترین مردم نزد پیامبر اکرم که بود

۱۵ - عن جمیع بن عمیر قال دخلت علی عائشه، فقلت لها:

من كان احب الناس الى رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، قالت: أما من الرجال فعليّ، و أما من النساء ففاطمه (حاکم در المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۴ و ۱۵۷. شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده باب ۵۵، ص ۲۰۲ و ۲۴۱. ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۱۶۷، شرح محمودی. ابن کثیر در البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۵۵ و دیگران.)

(جمیع بن عمیر گوید که بر عایشه وارد شدم، پس به او گفتم: محبوبترین مردم نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چه کسی است؟ گفت: از مردان علی و از زنان فاطمه نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) محبوبترند.)

## خداوند نیافرید کسی را نزد رسول اکرم محبوبتر از

علی باشد

ص: ۱۹۹

۱۶- عن شريح بن هاني، عن ابيه، عن عائشه، قالت: ما خلق الله خلقا كان أحب الي رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) من علي (ابن عساكر در شرح حال امام علي عليه السلام از تاريخ دمشق، ج ۲، ص ۱۶۲، حديث ۶۴۸، شرح محمودي).

شريح بن هاني از پدرش روايت مي کند که عايشه گفت:

خلق نکرد خداوند آفریده ای را که نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم محبوبتر از علی علیه السلام باشد.

۱۷- (عن عطاء، قال: سألت عائشه عن علي (عليه السلام)، فقالت: ذاك خير البشر لا يشك فيه الا كافر (ابن عساكر در شرح حال امام علي عليه السلام از تاريخ دمشق، ج ۲، ص ۴۴۸، حديث ۹۷۲. شيخ سليمان قندوزي حنفي در ينابيع الموده باب موده، الثالثه، ص ۲۹۳).

(عطا گفت از عايشه در مورد علي (عليه السلام) سؤال کردم، عايشه گفت: او بهترين انسان است، و در اين مطلب شك و ترديد نمی کند مگر كافر).

۱۸- (حدثنا جعفر بن برقان قال: بلغني ان عائشه كانت تقول: زينوا مجالسكم بذكر علي (عليه السلام)»؛

(جعفر بن برقان روايت کرد که با خبر شدم که عايشه می گفت: مجالس و محافل خود را با ياد علي (عليه السلام) زيبايي ببخشيد).

ص: ۲۰۰



## خداوند مقرر نمود که هر کس بر علی، خروج کند،

کافر و در آتش دوزخ است (عایشه).

۱۹- عایشه رفعت: ان الله قد عهد إلي من خرج علي عليّ فهو كافر في النار، قيل: لم خرجت عليه؟! قالت: أنا نسيت هذا الحديث يوم الجمل حتى ذكرته بالبصره و أنا استغفر الله (شيخ سليمان قندوزي حنفی در ینابیع الموده، باب موده الثالثه، ص. ۲۹۴).

(عایشه به حدیث مرفوع) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (روایت کرد که: همانا خداوند مقرر نمود که هر کس بر علی، خروج کند، کافر و در آتش دوزخ است. (وقتی عایشه این حدیث را بیان کرد به او) گفته شد: چرا تو بر علی خروج کردی؟ عایشه گفت: من این حدیث را در جمل فراموش کرده بودم تا آنکه در بصره به یادم آمد و توبه کردم).

## دانشمند ترین مردم بر سنت عیست.

۲۰. در التاریخ الکبیر بخاری (به نقل از عایشه) آمده است:

«أَعْلَمُ النَّاسِ بِإِسْنَةِ عَلِيٍّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)»؛ آگاه ترین مردم به سنت، علی بن ابی طالب علیه السلام است. التاریخ الکبیر، ج ۳، ص ۲۲۸، الرقم ۷۶۸؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰۸؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۰۶، الرقم ۱۸۷۵؛ مناقب خوارزمی، ص ۹۱، ح ۸۴.

ص: ۲۰۱

۲۱- شواهد التنزیل از عایشه نقل می کند که: «عَلِيٌّ (علیه السلام) أَعْلَمُ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله) بِمَا أَنْزَلَ عَلِيَّ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله)»؛ عایشه: علی علیه السلام آگاهترین یارانِ محمّد صلی الله علیه وآله (است بر آنچه که بر محمّد صلی الله علیه وآله نازل شد. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۷، ح ۴۰).

۲۲- (عن عطاء بن ابي رباح، عن عائشه، قالت: علی بن ابی طالب اعلمکم بالسنه) سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص ۱۷۱، و شیخ سلیمان قندوزی حنفی در ینابیع الموده، فصل سوم ص ۳۴۳، و ابن عبد البر در استیعاب، اواسط شرح حال علی علیه السلام ج ۳، ص ۱۱۰۴، روایت ۱۸۵۵) به همین مضمون (و ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۳، حدیث ۱۰۷۹، ص ۴۸) شرح محمودی (و بلاذری در حدیث ۸۶ از شرح حال علی علیه السلام از انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۲۴ ط ۱ بیروت و دیگران).

عطا پسر ابی رباح، از عایشه روایت کرد که گفت:

عالمترین شما به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی بن ابی طالب است.

۲۳) عن عطاء عن عائشه قالت: عَلِيٌّ اعلم اصحاب محمد) صلی الله علیه و آله و سلم (حسکانی در شواهد التنزیل جزء اول، ص ۳۵، حدیث ۴۰). (از عطا روایت شد که عایشه

ص: ۲۰۲

گفت: داناترین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم، علیعلیه السلام است.

### حبیب مرا بخوانید

۲۴- عن عائشه، قالت: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، وهو في بيتها لما حضره الموت: ادعوا لي حبيبي (قالت) فدعوت له ابو بكر فنظر اليه ثم وضع رأسه ثم قال:

ادعوا لي حبيبي، فدعوا له عمر، فلما نظر اليه وضع رأسه، ثم قال: ادعوا لي حبيبي، فقلت: ويلكم ادعوا له علي بن ابي طالب، فوالله ما يريد غيره (فدعوا عليا فأتاه) فلما أتاه أفرد الثوب الذي كان عليه ثم أدخله فيه فلم يزل يحتضنه حتى قبض و يده عليه («ابن كثير در البدايه و النهايه، ج ۷، ص ۳۶۰») عن عبد الله بن عمر. (نيز ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاريخ دمشق، ج ۳، ص ۱۴، حديث ۱۰۲۷) شرح محمودی (عين روايت. حاکم در المستدرک، ج ۳، ص ۱۳۸ و ۱۳۹) اشارتی به این موضوع (. ذهبي در میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۸۲، در شماره. ۴۵۳۰ سیوطی در اللئالی المصنوعه، ج ۱، ص ۱۹۳، ط ۱، و مناقب خوارزمی، ج ۱، ص ۳۸، فصل ۴.

از عایشه روایت است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام رحلت و احتضار در خانه او بود و فرمود:

حبیب مرا نزد من فرا خوانید پس ابو بکر را فرا خواندیم،

ص: ۲۰۳

حضرت نگاهی به او کرد و سپس سر خود را برگرداند آنگاه فرمود: حبیب مرا نزد من فراخوانید، پس عمر را فراخواندیم، وقتی حضرت به او نگاه کرد سر خود را برگرداند آنگاه فرمود:

حبیب مرا نزد من فراخوانید، پس من گفتم: وای بر شما، علی بن ابی طالب را برای او فراخوانید، به خدا سوگند غیر از علی را اراده نفرموده است، پس علی را فراخواندند وقتی آن حضرت آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پارچه ای را که روی خود داشت، کنار زد و علی علیه السلام را داخل آن پارچه نمود، و او را از خود جدا نکرد تا رحلت نمود، در حالی که دست پیامبر بر بدن علی علیه السلام بود.

### رسول خدا علی را بوسید و دوبار گفت: پدرم فدای

شهید تنها.

۲۵- عن عائشه قالت: رأیت النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) التزم علیاً و قبّله و (هو) یقول: بابی الوحید الشهید، بابی الوحید الشهید («هیثمی در مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۸، و ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۲۸۵، حدیث ۱۳۷۶) شرح محمودی. (و نیز قندوزی در ینابیع الموده، باب ۵۹، ص ۳۳۹)... یقول: یا ابا الوحید الشهید،... (متقی هندی در کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۷) بیروت، چاپ پنجم («یأتی الوحید الشهید». عایشه گوید که پیامبر

ص: ۲۰۴

اکرمصلی الله علیه و آله و سلم را دیدم ملتزم و همراه علی بود و او را بوسید و می فرمود: پدرم فدای شهید تنها، پدرم فدای شهید تنها.

### از من درباره کسی می پرسی که من، کسی را که از او

و زنش نزد پیامبر خدا محبوب تر باشد نمیدانم،

۲۶- تاریخ دمشق از جمیع بن عمیر نقل می کند که:

«دَخَلْتُ مَعَ أُمِّي عَلِيَّ عَائِشَةَ، فَسَأَلْتُهَا تَسْأَلُهَا مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام)، فَقَالَتْ: تَسْأَلِينِي عَنْ رَجُلٍ مَا أَعْلَمُ أَحَدًا كَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مِنْهُ وَلَا أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ امْرَأَتِهِ؟!» (جمیع بن عمیر: همراه مادرم به خانه عایشه رفتیم. از پشت پرده شنیدم که مادرم درباره علی علیه السلام از وی می پرسد. گفت: از من درباره کسی می پرسی که من، کسی را که از او و زنش نزد پیامبر خداصلی الله علیه و آله محبوب تر باشد، نمی شناسم؟! (خصائص امیرالمؤمنین للنسائی، ص ۲۱۱، ح ۱۱۱ و ۱۱۲؛ مناقب خوارزمی، ص ۷۹، ح ۶۳).

۲۷- اخبارنی محمد بن آدم بن سلیمان المصیصی قال حدثنا (یحیی بن عبدالملک بن حمید) بن ابی غتیة عن ابیه عن ابی اسحاق الشیبانی عن جُمیع و هو ابن عمیر قال: دخلت مع أُمِّي عَلِيَّ عَائِشَةَ و أَنَا غَلَامٌ فَذَكَرْتُ لَهَا عَلِيًّا فَقَالَتْ مَا رَأَيْتُ رَجُلًا أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ مِنْهُ وَلَا امْرَأَةً أَحَبَّ

ص: ۲۰۵

الی رسول الله من امرأته. جمیع بن عمیر می گوید: نوجوان بودم با مادرم نزد عایشه رفتیم مادرم نزد وی سخن از امیرالمؤمنین علیه السلام به میان آورد، عایشه گفت: هیچ مردی را نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم محبوب تر از او و هیچ زنی را نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم محبوبتر از همسر او (حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها) ندیدم. مسند احمد، ج ۴۳، ص ۱۷۰، ح ۲۵۰۴۶؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۷۰۱، ح ۳۸۷۴؛ مسند ابویعلی، ج ۸، ص ۲۷۰، ح ۴۸۵۷؛ مناقب کوفی، ج ۲، ص ۱۱، ح ۵۷۷ و ص ۱۳۲، ح ۶۱۷ و ص ۹۴، ح ۶۶۶ و ۴۷۰، ح ۹۶۴؛ معجم کبیر طبرانی، ج ۲۲، ص ۴۰۳، ح ۱۰۰۸؛ تاریخ جرجان، ص ۲۱۳، رقم ۳۲۹؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۹۷؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۶۲، ح ۶۸۴؛ مناقب خوارزمی، ص ۷۰، ح ۶۳؛ فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۲۹۶. همچنین در برخی دیگر از منابع اهل تسنن با سندی دیگر، اینگونه روایت شده است که جمیع بن عمیر گفت: دخلت مع امی علی عائشه تسألها من وراء الحجاب عی علی؟ فقالت: تسألینی عن رجل ما أعلم أحداً كان أحبّ إلی رسول الله منه ولا أحبّ إلیه من امرأته. با مادرم نزد عایشه رفتیم از پشت پرده شنیدم مادرم درباره امیرالمؤمنین از عایشه پرسید، عایشه گفت: از مردی می پرسی که هیچ کسی را محبوبتر از او و همسرش (حضرت

فاطمه زهرا سلام الله علیها (نزد رسول خدا) صلی الله علیه و آله وسلم (نمی شناسم. شرح الاخبار، ج ۱، ص ۱۴۰، ح ۷۰ و ۷۲؛ مسترشد طبری، ص ۴۴۹، ح ۱۴۶؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۴.

### من دوست داشتم هر آنچه که روی زمین است، به

آن کارم فدیة بدهم!

۲۸- تاریخ دمشق عن صدقه بن سعید عن جمیع بن عمیر: «إِنَّ أُمَّهُ وَ خَالَتَهُ دَخَلَتَا عَلَيَّ عَائِشَةَ، فَقَالَتَا: يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، أَخْبِرِينَا عَن عَلِيٍّ (عليه السلام). قَالَتْ: أَيُّ شَيْءٍ تَسْأَلْنَ؟! عَن رَجُلٍ وَضَعَ يَدَهُ مِن رَسولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَوْضِعًا فَسَأَلَتْ نَفْسُهُ فِي يَدِهِ فَمَسَحَ بِهَا وَجْهَهُ، وَاخْتَلَفُوا فِي دَفْنِهِ، فَقَالَ: إِنَّ أَحَبَّ الْبِقَاعِ إِلَى اللَّهِ مَكَانٌ قُبُضَ فِيهِ نَبِيِّهِ؟! قَالَتَا: فَلِمَ خَرَجْتَ عَلَيْهِ؟ قَالَتْ: أَمْرٌ قُضِيَ؛ لَوَدِدْتُ أَنْ أُفَدِيَهُ بِمَا عَلَى الْأَرْضِ!؛» (صدقه بن سعید به نقل از عمیر: مادر و خاله عمیر وارد خانه عایشه شدند و گفتند: ای مادر! از علی (عليه السلام) به ما خبر بده عایشه گفت: از چه چیزی می پرسید؟! از مردی که دستش را در جایی از بدن رسول خدا (صلى الله عليه وآله) گذاشت که جان پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) را از دست او گذشت و آن را به صورتش کشید. در محل دفن پیامبر (صلى الله عليه وآله)، اختلاف کردند. فرمود: محبوب ترین مکان برای خدا،

ص: ۲۰۷

جایی است که در آن جا پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) قبض روح شده است. گفتند: پس چرا بر وی علیعلیه السلامخروج کردی؟ گفت: حادثه ای بود که روی داد و من دوست داشتم همه آنچه را که روی زمین است، به عنوان تاون آن کار، می پرداختم! (تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۹۴؛ مسند اَبی یعلی، ج ۴، ص ۴۲۲، ح ۴۸۴۵).

### آنچه که بین من و علی اتفاق افتاد، مانع از آن

نمی شود که حق را بگویم.

۲۹- نییط بن شریط اشجعی می گوید: هنگامی که علی بن ابی طالب(علیه السلام) از جنگ با نهروانیان فارغ شد، ابو قتاده انصاری با شصت یا هفتاد نفر از انصار برگشتند. نخست به دیدار عایشه رفت.

ابو قتاده می گوید: وارد خانه عایشه شدم، پرسید: چه خبر؟

به وی گفتم: هنگامی که حکمیت خواهان از لشکر امیر مؤمنان جدا شدند، با آنان روبه رو شدیم و آنان را کشتیم....

عایشه گفت: آنچه که بین من و علی(علیه السلام) اتفاق افتاد، مانع از آن نمی شود که حق را بگویم. از پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) شنیدم که می فرمود: «آمت من، دو

ص: ۲۰۸



گروه می شوند و بین آن دو، گروهی) از دین (جدا می شوند که سر هایشان را می تراشند، سیل هایشان را می چینند، دامن هایشان تا نیمه ساقشان است، قرآن می خوانند؛ اما قرآن از گلویشان تجاوز نمی کند، محبوب ترین مرد امت نزد من و خدای متعال، آنان را می کشد». گفتم: ای مادر مؤمنان! با این که موضوع را می دانی، چرا آن کارها از تو سرزد؟ گفت:

ای ابو قتاده! تقدیر الهی بود و سرنوشت، اسبابی دارد. (تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۶۰).

### عایشه وقتی که فهمید علی ذو ثدیّه را کشته است

۳۰- مسروق می گوید: عایشه وقتی که فهمید علی (علیه السلام) ذو ثدیّه را کشته است، به وی گفت: خدا عمرو بن عاص را لعنت کند! وی به من نوشت و خبر داد که ذو ثدیّه را در اسکندریه کشته است. آنچه در دل دارم مانع از آن نمی شود که چیزی را که از پیامبر خدا شنیدم، بگویم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «او را بهترین امت من پس از من، خواهد کشت». (شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۶۸؛ و رجوع شود به مناقب ابن مغازلی، ص ۵۶، ح ۷۹ و کشف الغمّه، ج ۱، ص ۱۴۷ و شرح الأخبار، ج ۱، ص ۱۴۲، ح ۷۴).

(از کتاب: دانش نامه امیرالمومنین (علیه السلام)، محمد محمدی ری شهری، ناشر:

۳۱-جناب عایشه:

به خدا قسم بین من و علی در قدیم مطلبی جز آنچه که بین زن و خویشان شوهرش می باشد وجود نداشته است... و در نظر من او از نیکان است... (کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۹۷)

### حدیث دق الباب

۳۲-عایشه میگوید روزی با رسول الله(صلی الله علیه و آله) در منزل نشسته بودیم که صدای دق الباب آمد رسول الله(صلی الله علیه و آله) به من اشاره کرد فرمود برخیز و بین چه کسی پشت در است.

عایشه میگوید رفتم و پدرم ابوبکر بود و وارد شد، پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله) همان جای که نشسته بود جواب سلامش را داد و گوشه خانه را اشاره کرد و فرمود آنجا بنشین. دومین بار صدای دق الباب آمد پیغمبر فرمود عایشه برخیز و در را باز کن. رفتم و دیدم عمر پشت در است،

وارد شد و به پیغمبر سلام کرد و جواب شنید و پیغمبر فرمود کنار ابوبکر بنشین. عایشه میگوید سومین بار صدای دق الباب آمد. خودم برخاستم که در را باز کنم رسول الله(صلی الله علیه و آله)

فرمود بنشین خودم در را باز میکنم، پیغمبر در را باز کرد و

ص:۲۱۰

علی (علیه السلام) وارد شد پیغمبر لب او، چشم او و گردن او را بوسید و جایی را که خودش نشسته بود به او داد نشست.

تعجب مرا فرا گرفت پیغمبر فرمود تعجب نکن من خودم ارحم الراحمینم و نمی گذارم زخم در را باز کند. اولین بار که در زده شد جبرئیل نازل شد و فرمود بنشین دوم بار هم همین طور. سوم بار که در زده شد برادرم جبرئیل آمد و فرمود برخیز صد و بیست و دو هزار ملک پشت در درگیرند و دعوا میکنند که چه کسی در را به روی علی باز کند. خودم رفتم و آنها را آرام کردم و در را به روی علی باز کردم.

صحیح بخاری ج ۲ ص ۶۲۱)

صحیح مسلم ج ۳ ص ۴۵۲)

ابن حجر عسقلانی ج ۱ ص ۱۹۸)

نویسنده: سیدحسین طباطبائی.

**أم السلمه چه می گوید**

**اشاره**

۱- اخبرنا محمد بن قدامه قال حدثنا جریر بن عبدالحمید عن مغیره بن مقسم عن ام موسی قالت: قالت ام موسی قالت ام سلمه: والذی تحلف به ام سلمه إن كان أقرب الناس عهداً برسول الله علیّ قالت: لَمَّا كان غداه قبض رسول الله فأرسل إليه رسول الله و كان أرى في

ص: ۲۱۱

حاجه أَظَنَّهُ بَعَثَهُ فَجَعَلَ يَقُولُ: جَاءَ عَلِيٌّ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَتْ: فَجَاءَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ عَرَفْنَا أَنْ لَهُ إِلِيهِ حَاجَةٌ فَخَرَجْنَا مِنَ الْبَيْتِ وَكُنَّا عِدْنَا رَسُولَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ فِي بَيْتِ عَائِشَةَ فَكُنْتُ فِي آخِرِ مَنْ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ ثُمَّ جَلَسْتُ أَدْنَاهُمْ مِنَ الْبَابِ فَأَكَبَّ عَلَيْهِ عَلِيٌّ فَكَانَ آخِرَ النَّاسِ بِهِ عَهْدًا جَعَلَ يَسَارُهُ وَيُنَاجِيهِ. ام سلمه می گوید: سوگند به آن که ام سلمه به او سوگند می خورد نزدیکترین مردم به رسول خدا، امیرالمؤمنین علیه السلام بود.

می گوید: در صبحگاهی که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم از دنیا رفتند به دنبال امیرالمؤمنین علیه السلام فرستادند به گمانم برای حاجتی بود. ما آن روز در اتاق عایشه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را عیادت کردم حضرت سه بار می فرمودند:

علی بیاید.

پس چون آمد و پیش از طلوع آفتاب بود دانستیم با ایشان سخنی دارند. از اتاق بیرون آمدم، من پشت در کنار دیگر همسران حضرت نشستم. امیرالمؤمنین علیه السلام به خدمت حضرت شتافت و بر ایشان گوش سپرد. حضرت با ایشان راز می گفت و نجوا می کرد و ایشان آخرین کسی بود که با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود. طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۲۶۳-۲۶۲؛ مصنف ابن ابی شیبه، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۳۲۰۵۷؛ مسند احمد، ج ۴۴، ص ۱۹۰،

ص: ۲۱۲

ح ۲۶۵۶۵؛ فضائل احمد، ص ۲۱۵، ح ۲۹۳؛ مسند ابویعلی، ج ۱۲، ص ۳۶۴، ح ۶۹۳۴؛ مناقب کوفی، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۳۵۸ و ج ۲، ص ۸۷، ح ۵۷۳؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۳۸؛ اخبار اصبهان، ج ۱، ص ۲۵۰؛ مقتل الحسین خورازمی، ج ۱، ص ۳۸؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۱۷۹.

در این هیچ تردیدی نیست که اقرب الناس به حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم، اقرب الناس به خدای تبارک و تعالی است. احمد حنبل به سند خود از ابن عباس آورده است که گفت: وقتی آیه «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» نازل شد، گفتند: ای رسول خدا! نزدیکان تو کیانند که موذیشان بر ما واجب گردیده است؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزند ایشان.

فضائل صحابه لابن حنبل: ۲/۶۴۴/۱۱۴۱؛ المعجم الکبیر: ۳/۴۷/۲۶۴۱؛ الکشاف: ۳/۴۰۲؛ المستدرک علی الصحیحین: ۳/۱۷۲؛ صواعق المحرقة: ۱۷۰؛ المناقب ابن مغزلی: ۱۱۲؛ ذخائر العقبی: ۱/۲۵؛ الدر المنثور: ۷/۴۸؛ نقلاً عن علی بن المنذر وابن ابی حاتم والطبرانی و ابن مردویه.

## ۲- کامروایان رستاخیز

وَ يَسْنَدُهُ عَنْ أُمِّ سَلْمَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

ام سلمه گفت شنیدم پیامبر اکرم می فرمود علی و

ص: ۲۱۳

شیعیانش در روز قیامت رستگارانند.

### ۳- علی علیه السلام و قرآن

عن أم سلمه، قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عليٌّ مع القرآن، والقرآن مع عليٍّ، لا يفترقان حتى يردا على الحوض؛ علي با قرآن است، و قرآن با علی است، و از یکدیگر جدا نمی شوند تا آنکه در روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

### لعن آن دو نفر

۱- سعید بن عبدالله عن فلفله (قَلْقَلَةَ) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ جَبَلًا مُحِيطًا بِالْأَرْضِ مِنَ زَبَرَجَدِهِ خَضِرَاءَ وَإِنَّمَا خَضِرُهُ السَّمَاءُ مِنْ خَضِرِهِ ذَلِكَ الْجَبَلِ وَ خَلَقَ خَلْفَهُ خَلْقًا لَمْ يَفْتَرِضْ عَلَيْهِمْ شَيْئًا مِمَّا افْتَرَضَهُ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ صِيَامٍ وَ زَكَاةٍ وَ كُفٍّ يَلْعَنُ رَجُلَيْنِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ سَيِّمَاهُمَا. مختصر البصائر: ۱۱ و ۱۲. و يوجد أيضا في المحتصر: ۱۶۰ از کتاب بصائر: سعید بن عبد الله از قلقله از حضرت باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود:

خداوند کوهی محیط بر دنیا آفریده از زبرجد سبز و سبزی آسمان نیز از سبزی همین کوه است و گروهی را در پشت آن کوه آفریده که هیچ یک از چیزهایی که بر مردم واجب نموده از قبیل نماز و زکات بر آنها واجب نکرده همه آنها دو نفر از این امت را لعنت میکنند نام آن دو را برد.

ص: ۲۱۴

۲- ... لَا يَدْرُونَ أَخْلَقَ اللَّهُ آدَمَ أَمْ لَمْ يَخْلُقْهُ يَتَّبِعُونَ مِنْ فُلَانٍ وَفُلَانٍ وَفُلَانٍ وَهُمْ لَا يَدْرُونَ أَخْلَقَ اللَّهُ آدَمَ أَمْ لَمْ يَخْلُقْهُ فَقَالَ لِلسَّائِلِ أَتَعْرِفُ إِبْلِيسَ قَالَ لَا إِلَّا بِالْخَبْرِ قَالَ فَأَمَرَتْ بِاللَّعْنَةِ وَالبَرَاءَةِ مِنْهُ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَكَذَلِكَ أُمِرَ هَؤُلَاءِ .

عجلان ابی صالح گفت از حضرت صادق علیه السلام

... نمیدانند خدا آدم را هم آفریده یا نه از فلانی و فلانی بیزاری میجویند. عرضکردند چگونه ممکن است از فلان و فلان تبری بجویند با اینکه آنها نمیدانند خدا آدم را خلق کرده یا نه. در جواب آنها فرمود: تو شیطان را می شناسی جوابداد نه، جز از راه خبر فرمود دستور داده اند بتو او را لعنت کن و از او بیزاری جو گفت آری. فرمود همین طور بآنها نیز دستور داده اند به تبری.

### روایات عبدالرحمن بن عوف

۱- المجالس للمفید عبد الرزاق بن همام بن نافع عن أبيه قال: أَخْبَرَنِي مِينَا مَوْلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ قَالَ قَالَ لِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ يَا مِينَا أَلَيْدُكَ بِحَدِيثِ سَيِّمَعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْتُ بَلَى قَالَ سَيِّمَعْتَهُ يَقُولُ أَنَا شَجَرَةٌ وَفَاطِمَةٌ ع فَرَعُهَا وَعَلِيٌّ ع لِقَاحُهَا وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ ع ثَمَرَتُهَا وَ

عبد الرزاق بن همام بن نافع از پدر خود نقل کرد که مینا غلام عبد الرحمن بن عوف بمن گفت: عبد الرحمن بمن گفت نمیخواهی حدیثی را که از پیامبر اکرم شنیده ام برایت نقل کنم گفتم چرا. گفت شنیدم که میفرمود من درخت هستم و فاطمه علیها السلام شاخه آن است و علی شکوفه آن و حسن و حسین میوه آن درخت و دوستان آنها از امتم برگ آن درخت هستند.

۲- المجالس للمفید بهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا يَزُولُ قَدَمُ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَسْأَلَهُ عَنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ عُمْرِكَ فِيمَا أَفْنَيْتَهُ وَجَسَدِكَ فِيمَا أَبْلَيْتَهُ وَ مَالِكَ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبْتَهُ وَ أَيْنَ وَضَعْتَهُ وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ وَ مَا عَلَامَةُ حُبُّكُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مَحَبَّتُهُ هَذَا وَ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع . مجالس المفيد: ۲۰۹ و ۲۱۰.

مجالس مفيد: با همین اسناد گفت پیامبر اکرم فرمود بنده در پیشگاه پروردگار روز قیامت قدم برنمیدارد مگر اینکه از او راجع بچهار چیز سؤال میکنند. عمرت را در چه راه از بین برده ای و پیکرت را در چه راه فرسوده نموده ای. و مالت را از کجا بدست آورده ای و کجا خرج کرده ای و از محبت ما اهل



بیت. مردی از حاضرین گفت علامت دوستی شما چیست؟.

فرمود: دوستی با این، دست خود را گذاشت بر سر علی بن ابی طالب علیه السلام.

۳- بشاره المصطفی عبید الرحمن بن عوفٍ أَنَّهُ قَالَ: أَلَا أُحَدِّثُكَ حَدِيثًا قَبْلَ أَنْ تُشَابَّ الْأَحَادِيثُ بِأَبَاطِيلٍ إِنَّهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَا شَجَرَةٌ وَفَاطِمَةُ وَ عَلِيٌّ فَرْعُهَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا وَ مُحِبُّهُمْ مِنْ أُمَّتِي وَ رَقُّهَا وَ حَيْثُ نَبَتَ أَصْلُ الشَّجَرِ نَبَتَ فَرْعُهَا فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ . بشاره المصطفی: ۱۸۳ و ۱۸۴. بشاره المصطفی: عبد الرحمن بن عوف گفت مایلی حدیثی را برایت نقل کنم قبل از اینکه احادیث در هم مخلوط شود با گفتارهای باطل. آن حدیث این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

من درختی هستم و فاطمه و علی شاخه آن و حسن و حسین میوه درخت و دوستان آنها از امتم برگ درخت هر جا ریشه درخت بروید شاخه اش نیز میروید در بهشت عدن. قسم بکسی که مرا به پیامبری برانگیخت.

توضیح: شاید منظور از روئیدن درخت در جنت عدن گرفتن طینت و سرشت آنها از آنجا بوده تا کنایه از رسیدن ایشان به جنت عدن باشد یا اشاره بارزش زیبایی و طراوت و بلندی مرتبه آنها باشد یا تشبیه بدرخت بهشت عدن ممکن است نیز در بهشت عدن درختی باشد که در آن مبتداء آنها شاخه و برگ

باشد چنانچه بعضی از اخبار شاهد آنست.

## روایت انس بن مالک

۱- إيضاح دفتائن النواصب: ۴۷ و ۴۸.

ایوب سجستانی گفت من مشغول طواف بودم که انس بن مالک با من روبرو شد گفت: ترا مژده ای ندهم که خوشحال شوی. گفتم چرا گفت در مسجد مدینه خدمت پیامبر اکرم بودم او در صحن مسجد نشسته بود بمن فرمود برو و علی بن ابی طالب را بیاور رفتم علی و فاطمه علیها السلام را دیدم باو گفتم پیامبر اکرم شما را صدا میزند. علی علیه السلام آمد پیامبر فرمود: یا علی بجبرئیل سلام کن علی علیه السلام گفت سلام علیک جبرئیل! جبرئیل جواب سلامش را داد پیامبر اکرم فرمود جبرئیل میگوید خداوند بتو سلام می‌رساند و میگوید خوشا بحال تو و شیعیان و محبینت وای وای بر دشمنانت.

وقتی روز قیامت شد یک منادی از دل عرش فریاد میزند کجا هستند محمد و علی شما را با آسمان می‌برند تا در پیشگاه پروردگار می‌ایستید به پیامبر می‌فرماید علی را ببر بر لب حوض و این جامی است باو بده تا دوستان و شیعیان خود را سیر آب

ص: ۲۱۸

کند مبادا بدشمنان خود بدهد و امر میکند از دوستان علی حساب ساده و آسانی بکشند و آنها را روانه بهشت میکند.

۲- وَ بَسِيْدٍ آخَرَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدْخُلُ مِنْ أُمَّتِي الْجَنَّةَ سَبْعُونَ أَلْفًا لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ التَّفَتَ إِلَى عَلِيٍّ ع فَقَالَ هُمْ مِنْ شِيعَتِكَ وَ أَنْتَ إِمَامُهُمْ . العمده: ۱۹۳.

و با سند دیگر از انس نقل میکند که گفت پیامبر اکرم فرمود:

داخل بهشت میشوند از امت من هفتاد هزار نفر که حسابی بر آنها نیست سپس متوجه علی بن ابی طالب علیه السلام شده فرمود: آنها از شیعیان تو هستند و تو امام آنهائی.

۳- أنس بن مالك قال : رجعنا مع رسول الله (صلى الله عليه و آله) قلقين من تبوك فقال لي في بعض الطريق ألقوا لي الاحلاس والاقتاب ، ففعلوا فصعد رسول الله (صلى الله عليه و آله) فخطب فحمد الله وأثنى عليه بما هو أهله. ثم قال : معاشر الناس مالي إذا ذكر آل إبراهيم عليه السلام تهللت وجوهكم وإذا ذكر آل محمد كأنما يفتأ في وجوهكم حب الرمان؟ فوالذي بعثني بالحق نبيا لوجاء أحدكم يوم القيامة بأعمال كأمثال الجبال ولم يجئ بولايه علي بن أبي طالب عليه السلام لا كبه الله عزوجل في النار. (امالی ابن الشیخ : ۱۷). انس بن مالک گفت در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از تبوک بر میگشتیم نگران و

ص: ۲۱۹

ناراحت، در بین راه بمن فرمود: پالان‌های شتر و پلاس‌ها را بیاندازید. این عمل را انجام دادند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ بر فراز آنها رفت و سخن رانی کرد. حمد و سپاس خدا را نمود و چنانچه شایسته اوست ثنا گفت سپس فرمود: مردم! چه شد وقتی سخن از آل ابراهیم علیه السَّلام می‌شود چهره‌های شما گشاده و خندان است ولی وقتی صحبت از آل محمّد می‌شود چنان ناراحت میشوید و از خشم بر افروخته می‌گردید مثل اینکه دانه انار بر صورت شما پاشیده‌اند. قسم ب آن کسی که مرا به پیامبری برانگیخته اگر هر یک از شما روز قیامت بیاید با اعمالی بمقدار کوهها ولی بدون ولایت علی بن ابی طالب برو او را در جهنم می‌افکنند.

بیان: الفقأ: الشق، وهو كناية عن شده احمرار الوجه للغضب.

۴- وَ مِنْ مَنَاقِبِ ابْنِ الْمَغَازِلِيِّ، يَأْتِيَنَاهُ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ نُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ لَمْ يَجْزُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ كِتَابٌ وَ لَآيَةٌ عَلَيْهِ بِنِ أَبِي طَالِبٍ ع. از مناقب ابن مغازلی باسناد خود از انس نقل میکند که گفت پیامبر اکرم فرمود روز قیامت صراط را بر کنار جهنم نصب میکنند از روی آن رد نمیشود مگر کسی که با خود نوشته‌ی ولایت علی بن ابی طالب را داشته باشد.

۵- وَ بَسْنَدٍ آخَرَ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ يَقُولُ وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع. العمده: ۱۹۳.

با سند دیگری از زهری نقل کرد که گفت از انس بن مالک شنیدم می فرمود قسم بخدائی که جز او خدائی نیست از پیامبر اکرم شنیدم می فرمود: عنوان نامه عمل مؤمن حب علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۶- حجت خدا بر بندگان

عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : أنا وعلی حجّة الله علی عباده؛ من و علی حجت خدا بر بندگان می باشیم.

۷- عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ثلاثة تشتاق إليهم الجنّة: علی وعمار و سلمان؛ بهشت در آرزوی دیدار سه تن به سر می برد: علی، عمار و سلمان.

۸- عن أنس: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : علی بن أبی طالب یزهر فی الجنه ککوکب الصبح لأهل الدنيا؛ علی بن ابی طالب در بهشت می درخشد چنان که ستاره صبحگاهی بر اهل دنیا می درخشد.

۹- امالی: انس گفت پیامبر اکرم فرمود هر که با علی دشمنی ورزد با خدا بجنگ پرداخته و هر که در باره علی شک

ص: ۲۲۱

کند کافر است.

## روایت یکی از اولاد ابی لهب

الأمالی للشیخ الطوسی أمالی الشیخ: ۵۳ و ۵۴.

مجالس مفید: حنان بن سدیر گفت من و پدرم بمردی از اولاد ابی لهب گذشتیم که عبد الله بن ابراهیم نام داشت مرا صدا زد و گفت ابو الفضل! این مرد ترا حدیث میکند- اسم مرد حدیث گو را که سدیف نام داشت و در آخر حدیث نقل کرده ولی اینجا نگفته از حضرت باقر علیه السلام. ما نزدیک آنها شدیم و سلام کردیم باو گفت حدیث را برایش نقل کن. او چنین نقل کرد:

حضرت باقر علیه السلام که از اولاد پیامبر شخصی را نظیر او ندیده بودم فرمود: جابر بن عبد الله انصاری گفت پیامبر اکرم تشریف آورد و بر منبر رفت مهاجر و انصار با سلاح اجتماع کردند فرمود: مردم هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی محشور میکند جابر گفت من حرکت کرده گفتم یا رسول الله گر چه شهادت بلا اله الا الله و رسالت شما بدهد فرمود آری.

این شهادت موجب حفظ خون او و ندادن جزیه (مالیات اهل کتاب) با کمال خواری می شود.

ص: ۲۲۲

سپس فرمود: مردم!! هر که ما خانواده را دشمن بدارد روز قیامت یهودی محشور می شود و اگر دجال را درک کند باو ایمان می آورد و اگر درک نکند در زمان دجال از قبر خارج می شود تا بدجال ایمان آورد خداوند عزیر امت مرا برایم بصورت گل نشان داد، اسمای آنها را بمن آموخت همان طوری که بآدم اسماء را آموخت از جلو من رد شدند صاحب پرچم ها، برای علی و شیعیانش استغفار کردم.

حنان گفت پدرم بمن گفت این حدیث را بنویس من نوشتم. فردا بجانب مدینه رفتیم وارد مدینه شدیم و خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدیم من گفتم فدایت شوم مردی از اهالی مکه بنام سدیف از پدرتان حدیثی نقل کرد فرمود:

حدیث را حفظ داری گفتم آن را نوشته ام فرمود بمن بده.

تقدیم کردم همین که رسید باین جمله که پیامبر اکرم فرمود امتم برای من مجسم شدند بصورت گل و اسم آنها را بمن آموخت همان طور که بآدم تمام اسماء را آموخت. حضرت صادق علیه السلام فرمود: چه وقت این حدیث را آن مرد از پدرم برای تو نقل کرد. گفتم امروز هفت روز است که از پدرتان نقل کرد فرمود من گمان داشتم این حدیث از پدرم بهیچ کس





اکرم شکایت کردم از حسادت مردم نسبت بخودم فرمود راضی نیستی چهارمی چهار نفر باشی اول کسی که داخل بهشت می شود من و تو و حسن و حسین هستیم همسران ما در طرف راست و چپ ما هستند و ذریه ما پشت سر همسران ما آیند و شیعیان ما پشت سر ذریه ما.

### روایات ابو هریره

۱- وَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَقَالَ أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ وَ سَلَّمَ لِمَنْ سَالَمْتُمْ. العمده: ۲۵ و ۲۶ و فيه: الى علي و فاطمه و الحسن و الحسين.

ابو هریره گفت پیامبر اکرم نگاه بعلی و حسن و حسین صلوات الله عليهم کرده فرمود: من جنگ دارم با کسی که با تو جنگ کند و با کسی که راه مسالمت با تو پیش گیرد مسالمت پیشه ام.

۲- عن ابی هریره، عن عمر بن الخطاب قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: من كنت مولاه فعلى مولاه. (ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق ج ۲، ص ۷۹، حدیث ۵۸۱. شرح محمودی. و نیز ابن مغازلی در مناقب، ص ۲۲، شماره ۳۱، ط ۱

از ابو هریره روایت شد که عمر بن خطاب گفت: رسول

ص: ۲۲۵

خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس را که من مولای او هستم، پس علی مولای اوست.

۳- سند را بابتی هریره می‌رساند که گفت خدمت پیامبر اکرم بودم که علی علیه السّلام وارد شد پیامبر اکرم فرمود میدانم این شخص کیست؟ عرض کردم علی بن ابی طالب فرمود دریای خروشان، خورشید درخشان، بخشنده تر از نهر- فرات و گشاده دلتر از دنیا هر که با او دشمنی ورزد لعنت خدا بر او باد.

۴- ابن شاذان از ابی هریره نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود بهترین ای امت پس از من علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین است هر کسی جز این سخن را بگوید بر او باد لعنت خدا.

## روایات از ابن عباس

### اشاره

چند روایت از روایات فراوان درباره امیر مؤمنان علیه السلام از ابن عباس که در کتابهای حدیثی فریقین آمده است را در اینجا جدا گانه می آوریم تا مطالعه آنها در دسترس و مشخص باشد و تعدادی نیز در متون ج ۱ و ج ۲ این کتاب گذشت.

۱- عن ابن عباس قال: كنت أسير مع عمر بن الخطاب في

ص: ۲۲۶

لیله، و عمر علی بغل و انا علی فرس، فقراً آیه فیها ذکر علی بن ابی طالب فقال: أما و الله یا بنی عبد المطلب لقد کان علی فیکم  
أولی بهذا الأمر منی و من أبی بکر،... -الی ان قال -و الله ما نقطع امرنا دونه، و لا -نعمل شیئا حتی نستأذنه. ( راغب در  
محاضرات، ج ۷، ص ۲۱۳ از ابن عباس روایت شد که گفت: در یکی از شبها من و عمر بن خطاب سیر می کردیم (همسفر  
بودیم) و عمر بر قاطر و من بر اسب بودم، پس آیه ای قرائت شد که در آن آیه نام علی بن ابی طالب یاد آوری می شد. پس  
(عمر بن خطاب) گفت: آگاه باشید به خدا سوگند ای فرزندان عبد المطلب، به تحقیق که علی در میان شما سزاوارترین است به  
این امر (خلافت) از من و ابو بکر... ) تا آنکه گفت: (به خدا سوگند هیچ کاری را بدون او تمام نمی کنم. و عملی بدون اجازه  
او انجام نمی دهم.

## ۲- علی علیه السلام در آمرزش الهی

عن ابن عباس: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: علی بن ابی طالب باب حطه، من دخل منه کان مؤمناً، و من خرج منه کان  
کافراً؛ علی بن ابی طالب باب حطه بنی اسرائیل است کسی که از آن در وارد شود مؤمن است و کسی که از او خارج گردد  
کافر است.

ص: ۲۲۷

۳- عن عبد الله بن عباس قال: سمعت عمر بن الخطاب يقول: كفوا عن ذكر علي بن ابي طالب عليه السلام فلقد رأيت من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فيه خصالا لان تكون لي واحده منهن في آل الخطاب احب الي مما طلعت عليه الشمس.

(آثار الصادقين، ج ۱۴، ص ۲۱۱ به نقل از فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۲۳۹. عن كنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۳. عبد الله بن عباس گوید: از عمر بن خطاب شنیدم می گفت: از بدگویی علی بن ابي طالب عليه السلام خودداری کنید که من از رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم درباره فضیلت او خصلت هایی دیدم که اگر یکی از آن خصلتها در خاندان خطاب می بود در نزد من از هر جا و هر چه که آفتاب بر آن می تابد محبوبتر می بود.

۴- عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لو اجتمع الناس على حبّ علي بن أبي طالب لما خلق الله عزّوجلّ النار؛ اگر مردم بر محبت علی بن ابي طالب اتفاق داشتند خدای بزرگ، آتش دوزخ را نمی آفرید.

۵- عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: حبّ عليّ بن ابي طالب يأكل الذنوب كما تأكل النار الحطب؛ دوستی علی بن ابي طالب گناهان را می خورد چنانچه آتش، هیزم را.

دوستی امام علی علیه السلام برائت از آتش

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنا المنذر وعلي هادي وأشار بيده إلى علي وقال: بك يهتدى المهتدون؛ من بيم دهنده ام و علی هدایت کننده و با دستش به علی علیه السلام اشاره کرده، فرمودند: به واسطه تو هدایت شوندگان راه می یابند و هدایت می شوند.

۷- ورود به شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله

عن عليّ عليه السلام و ابن عباس و جابر بن عبدالله: قال صلى الله عليه وآله: أنا مدينة العلم و عليّ بابها، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ؛ من شهر علمم و علی دروازه آن، پس هر کس طالب علم باشد از دروازه آن وارد شود.

۸- عن ابن عباس قال: سمعت عمر بن الخطاب يقول: قال رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم: يا علي انت اول المسلمين اسلا ما و اول المؤمنين ايماننا. (آثار الصادقين، ج ۱۴، ص ۴۳) به نقل از مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۶. و نیز متقی هندی در کنز العمال، در قسمت آخر یک روایت، ج ۶، ص ۳۹۵. ابن عباس رحمه الله گفت: از عمر بن الخطاب شنیدم می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا علی، تو نخستین مسلمان و اولین مؤمن می باشی.

۹- ابن عباس قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ أَلْزَمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بَوَدَّنا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا، فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَنْفَعُ عَبْدًا عَمَلُهُ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا وَوَلَايَتِنَا. امالي المفيد: ۸۲.

ابن عباس گفت پیامبر اکرم فرمود: در راه محبت و علاقه بما اهل بیت پایدار باشید زیرا هر کس بملاقات خدا برود با محبت ما بشفاعت ما داخل بهشت می شود قسم ب آن کسی که جان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در دست اوست هیچ بنده ای را عملش سود نمی بخشد مگر با معرفت و ولایت ما.

۱۰- وَبِسَيِّدَيْنِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَ عَلِيُّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الْحَوْضِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ جَاءَ بِجَوَازٍ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. العمده: ۱۵۷.

و با دو سند از ابن عباس پیامبر اکرم فرمود: علی علیه السَّلام روز قیامت کنار حوض کوثر است داخل بهشت نخواهد شد احدی مگر با اجازه عبور از علی بن ابی طالب علیه السَّلام.

۱۱- وَبِإِسْنَادِهِ إِلَى سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْذُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعْمِهِ وَ لِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ أَحِبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي ابْن

عباس گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدا را دوست بدارید بواسطه نعمتهائی که بشما عنایت کرده و چون شایسته ی دوست داشتن است و مرا دوست بدارید برای دوستی خدا و اهل بیت را دوست بدارید بواسطه دوستی من.

بیان: قوله أن يسائل و فی بعض النسخ يسأل لعله من السيلان فإن لين الوجه كناية عن طلاقته و غلظته عن عبوسه قوله نجت بالجيم المشددة من قولهم نج إذا أسرع أو المخففه من نجا إذا أسرع أو خلص أي خلصت من العيوب.

۱۲- كِتَابُ فَضَائِلِ الشَّيْخِ، لِلصَّدُوقِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ تَأْكُلُ السَّيِّئَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ . فضائل الشيعة: ۱۱.

کتاب فضیلت الشیعه صدوق از ابن عباس نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود حب علی علیه السلام گناهان را از بین می برد چنانچه آتش هیزم را نابود می کند.

۱۳- ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَلَآئِي وَوَلَآئِيهِ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ مِنَ النَّارِ . أمالی الصدوق: ۲۸۳ و ۲۸۴.

امالی صدوق: ابن عباس گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ولایت من و اهل بیت امان از آتش جهنم است.

۱۴- کنز جامع الفوائد و تأویل الآيات الظاهره ابن عباس قال قال رسول الله ص إذا كان يوم القيامة أمر الله مالكا أن يسعز النيران السبع و أمر رضوان أن يزخرف الجنان الثمان و يقول يا ميكائيل ميد الصراط على متن جهنم و يقول يا جبرئيل انصب ميزان العدل تحت العرش و يقول يا محمد قرب أمتك للحساب ثم يأمر الله تعالى أن يعقد على الصراط سبع قنطرة طول كل قنطره سبعه عشر ألف فرسخ و على كل قنطره سبعون ألف ملك يسألون هذه الأمة نساءهم و رجالهم على القنطره الأولى عن ولایه امیر المؤمنین و حب أهل بیت محمد ع فمن أتى به جاز القنطره الأولى كالبرق الخاطف و من لا يحب أهل بیته سقط على أم رأسه فی قعر جهنم و لو كان معه من أعمال البر عمل سبعين صدقاً. کنز جامع الفوائد: ۲۷۶ و ۲۷۷ من النسخه الرضويه.

(۳) الشوری: ۲۲. کنز الفوائد: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت خداوند بمالک دستور میدهد که جهنم هفتگانه را بیافروزد و برضوان امر میکند بهشت هشت گانه را بیاراید و بمیکائیل دستور میدهد که صراط را بر روی جهنم بکشد و بجبرئیل می فرماید که ترازوی عدل را برقرار نماید در زیر عرش و میفرماید ای محمد امت را برای حساب بیاور.

ص: ۲۳۲



بعد دستور میدهد خدا که بر صراط هفت پل قرار دهند طول هر پل هفده هزار فرسخ است و بر روی هر پل هفتاد هزار ملک از مرد و زن این امت بر پل اولی میرسند از ولایت علی بن ابی طالب و حب اهل بیت محمد. هر کس ولایت و حب او درست باشد از پل اولی چون برق جهنده میگذرد و هر که اهل بیت پیامبر را دوست نداشته باشد بسر در قعر جهنم می افتد اگر چه اعمال نیکوی او برابر با هفتاد صدیق باشد.

### علی روشنی تاریکی و چراغ هدایت و حجت بر

مردم دنیاست.

۱۵- ابن عباس قال قال رسول الله ص يا علي إن جبرئيل أخبرني عنك بأمر قرت به عيني و فرح به قلبي قال يا محمد قال الله عز وجل أقرئ محمداً مني السلام و أعلمه أن علياً إمام الهدى و مضي باح الدجى و الحجة على أهل الدنيا و أنه الصديق الأكبر و الفاروق الأعظم و أنى آليت و عزتى و جلالى أن لا أدخل النار أبداً توالاه و سلم له و للأوصياء من بعده حق القول منى لأئمان جهنم و أطباقها من أعدائه و لأئمان الجنة من أوليائه و شيعته

ابن عباس گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود یا

ص: ۲۳۳

علی جبرئیل در مورد تو برایم خبری آورد که چشمم روشن شد و دلم شاد گشت گفت یا محمد خداوند سلامت رسانده و فرموده است باو بگو علی امام هدی و چراغ تاریکی ها و حجت بر اهل دنیا و

صدیق اکبر و فاروق اعظم است من سوگند بعزت و جلالم یاد کرده ام که داخل آتش نکنم کسی که او را دوست داشته باشد و تسلیم او و جانشینان بعدش باشد این یک واقعیت است که جهنم و طبقه های آن را پر از دشمنان او خواهم کرد و بهشت را پر از دوستان و شیعیانش می کنم.

۱۶- كِتَابُ الْمَنَاقِبِ، لِابْنِ شَادَانَ أُسْتَاذِ الْكِرَاجِكِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ إِنَّ جِبْرِئِيلَ أَخْبَرَنِي فِيكَ بِأَمْرٍ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي وَفَرِحَ بِهِ قَلْبِي قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِي أَقْرَأُ مُحَمَّدًا مِنِّي السَّلَامَ وَاعْلَمُهُ أَنَّ عَلِيًّا إِمَامٌ الْهُدَى وَ مَضِي بَاحُ الدُّجَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَ إِنِّي آلَيْتُ بِعِزَّتِي أَنْ لَا أُدْخِلَ النَّارَ أَحَدًا تَوَلَّاهُ وَ سَلَّمَ لَهُ وَ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعِيدِهِ وَ لَا أُدْخِلَ الْجَنَّةَ مَنْ تَرَكَ وَ لَأَيَّتَهُ وَ التَّسْلِيمَ لَهُ وَ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعِيدِهِ وَ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ وَ أَطْبَقَهَا مِنْ أَعْدَائِهِ وَ لَأَمْلَأَنَّ الْجَنَّةَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ . إيضاح دفائن النواصب: ۲۰.

کتاب مناقب ابن شاذان: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا علی جبرئیل مرا خبر داد بامری در باره تو که موجب روشنی چشم و شادی قلبم شد. بمن گفت یا محمد خداوند بمن فرمود محمد را از جانب من سلام برسان و باو اعلام کن که علی پیشوای هدایت و چراغ تاریکی و حجت بر اهل دنیا است او صدیق اکبر و فاروق اعظم است من بذات خود سوگند خورده ام داخل جهنم نکنم کسی که او را دوست داشته باشد و تسلیم او و اوصیای بعد از او باشد و داخل بهشت نمیکنم کسی را که ولایت او را رها نماید و تسلیم او و اوصیای پس از او نشود، این یک واقعیت است که میگویم جهنم و طبقات آن را پر خواهم کرد از دشمنان او و بهشت را پر از دوستان و شیعیانش میکنم.

۱۷- ابن عباس أن رسول الله صلی الله علیه و آله قال : یا بنی عبدالمطلب إني سألت الله عزوجل ثلاثا : أن یثبت قائلکم ، وأن یهدی ضالکم ، وأن یعلم جاهلکم ، وسألت الله تعالی أن یجعلکم جودآء نجباء رحماء ، فلو أن امرء صف بین الرکن والمقام فصلی وصام ثم لقی الله عزوجل وهو لاهل بیت محمد صلی الله علیه و آله مبغض دخل النار .امالی ابن الشیخ : ۱۴. ابن عباس گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود ای فرزندان عبد

المطلب من از خدا سه چیز خواسته ام شخص معتقد شما را ثابت قدم بدارد و گمراه شما را هدایت کند و نادان شما را تعلیم نماید و از خداوند خواسته ام که شما را شخصیت برجسته و نجیب و مهربان قرار دهد اگر شخصی پیا ایستد بین رکن و مقام نماز بخواند و روزه بگیرد ولی دشمن اهل بیت محمد باشد داخل آتش می گردد.

ابن عباس مثله کشف الغمه.

۱۸- ابن عباس قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا بَنِي عَبْدِ الْمَطْلَبِ إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ لَكُمْ أَنْ يَعْلَمَ جَاهِلُكُمْ وَأَنْ يَثْبُتَ قَائِمُكُمْ وَأَنْ يَهْدِيَ ضَالَّكُمْ وَأَنْ يَجْعَلَ لَكُمْ نَجْدَاءً جُودَاءَ رَحْمَاءَ، وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا صَلَّى وَصَفَ قَدَمِيهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَلَقِيَ اللَّهَ بَبِغْضِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ دَخَلَ النَّارَ. إمامي ابن الشيخ:

۷۳. و امامي ابن الشيخ: ۱۳ و امامي المفيد: ۱۴۸

۱۹- ابن عباس گفت: زعموا أنهم على الرشد من غيرهم، وإلى من يفرع خلف هذه الامه وقد درست أعلام المله ودانت الامه بالفرقه والاختلاف، يكفر بعضهم بعضا؟! والله تعالى يقول: « ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءتهم البينات آل عمران: ۱۰۱. فمن الموثوق به على إبلاغ الحجه وتأويل الحكمه إلا أهل الكتاب وأبناء أئمه الهدى ومصايح الدجى الذين

ص: ۲۳۶

احتج الله بهم على عباده ، ولم يدع الخلق سدى من غير حجه؟ هل تعرفونهم أو تجدونهم إلا من فروع الشجره المباركه ، وبقايا الصفوه الذين أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا وبرأهم من الآفات وافترض مودتهم فى الكتاب؟ هم العروه الوثقى وهم معدن التقى وخير جبال العالمين ونيقها (كشف الغمه : ٢٠٥).

٢٠- وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ.

ابن عباس در تفسیر این آیه میگوید: سبیل الله در این آیه علی بن ابی - طالب است.

### آن دو را دوست دارم و دوستان آنها را

٢١- بشاره المصطفى ابن عباس قال: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَ وَمَعَهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ هَذَا عَلَى عَاتِقٍ وَهَذَا عَلَى عَاتِقٍ وَهُوَ يَلْتَمِسُ هَذَا مَرَّةً وَهَذَا مَرَّةً فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ إِنَّكَ تُحِبُّهُمَا قَالَ إِنِّي أُحِبُّهُمَا وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمَا فَإِنَّ مَنْ أَحَبَّهُمَا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي . بشاره المصطفى: ٦٣. بشاره المصطفى: ابن عباس گفت پیامبر اکرم از خانه خارج شد با حسن و حسین یکی را روی شانه و دیگری را روی شانه دیگر یک مرتبه او را

میوسید و یک مرتبه این را جبرئیل باو گفت آیا این دو را دوست دارید فرمود دوست دارم این دو را و کسی که آنها را دوست داشته باشد هر که آنها را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و هر که با آنها دشمن باشد با من دشمن است.

۲۲- عن عایشه و ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ذكر عليّ عباده؛ یاد کردن از علی عبادت است.

۲۳- امالی شیخ: ابن عباس گفت بحضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم مرا سفارشی فرما.

فرمود بتو سفارش میکنم دوستی با علی را از دست ندهی قسم بآن کسی که مرا بحق برانگیخت خداوند از بنده ای کار نیک نمی پذیرد مگر اینکه از او سؤال میکند راجع بحبّ علی بن ابی طالب علیه السّلام با اینکه خداوند خود بهتر میداند اگر دارای ولایت بود عملش را می پذیرد بهر طور که باشد. و اگر دارای ولایت نباشد دیگر از چیزی پرسش نمیکند دستور میدهد او را در آتش اندازند. ای پسر عباس! قسم بآن کس که مرا به نبوت مبعوث کرد آتش خشمش بر دشمن علی بیشتر است از کسی که معتقد است خدا دارای فرزند است. ای پسر عباس! اگر ملائکه مقربین و تمام انبیای مرسل اجتماع بر

دشمنی علی نمایند و حال اینکه چنین کاری را نمی کنند همه را خداوند ب آتش جهنم می افکند. عرض کردم یا رسول الله آیا کسی با او دشمنی میورزد. فرمود آری پسر عباس! گروهی که مدعی هستند از امت منند با او دشمنی میورزند با اینکه از اسلام بهره ای نبرده اند.

ای پسر عباس از علامت دشمنی با آنها مقدم داشتن کسانی است که از آنها پائین ترند قسم بخدائی که مرا بحق مبعوث کرده پیامبری از من گرامی تر نفرستاده و نه وصی از علی وصی من گرامی تر ابن عباس گفت پیوسته دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در مورد محبت علی بجا می آوردم و این بزرگترین عمل من است ...

۲۴- بررسی در مشارق الانوار از کتاب واحده از ابن عباس نقل میکند که گفت دشمن علی از قبر خارج می شود در گردش طوقی از آتش است و بر گرد سرش شیطانهای هستند که او را لعنت میکنند تا وارد صحرای محشر شود.

۲۵- کتاب بصائر از ابن جبیر از ابن عباس نقل شده که پیامبر اکرم فرمود مخالف علی بعد از من کافر است و شک کننده در باره او مشرک و حيله گر است و دوست دار او مؤمن صادق و دشمن او منافق و جنگ کننده با او از دین

برگشته و ردکننده او نابود و منحرف و پیرو او بههدف رسیده است.

۲۶- در کتاب فضائل الصحابه سمعانی باسناد خود از جابر بن عبد الله انصاری نقل میکند از ابن عباس گفت پیامبر اکرم فرمود هر که علی راسب و ناسزا گوید مرا سب نموده و هر که مرا سب کند خدا را ناسزا گفته و هر که خدا را ناسزا گوید داخل جهنم می شود و بعدابی شدید گرفتار می گردد.

۲۷- کنز الفوائد: از ابن عباس نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود:

خداوند باران را از بنی اسرائیل جلوگیری کرد بواسطه اعتقاد بدی که در باره پیامبران خود داشتند و باران را از این امت حبس میکند بواسطه دشمنی آنها با علی بن ابی طالب علیه السلام.

### **گفتار و اظهار نظرهای تعدادی از بزرگان اهل سنت**

۱- سعد بن ابی وقاص:

عامر پسر سعد بن ابی وقاص نقل می کند: معاویه پس از

ص: ۲۴۰



طواف کعبه در دارالندوه پدرم را پهلوی خود بر تخت نشانند و به پدرم گفت چه چیز تو را باز می دارد که به پسر ابوطالب ناسزا نمی گویی؟ پدرم از معاویه ناراحت شد و گفت: به خدا قسم مادام که من سه جمله از رسول خدا درباره او به یاد دارم او را ناسزا نمی گویم. برای اینکه اگر یکی از آن سه را درباره من فرموده بود از تمامی نعمتهای ارزنده بیشترش ارج می نهادم.

اول اینکه شنیدم درباره علی که در بعضی از جنگ ها که او را جانشین خود کرد و به جنگ نبرد، علی غمناک شد و گفت:

آیا مرا از فیض جهاد محروم می فرمایی؟ پیامبر فرمود: آیا راضی نیستی که نسبت به من به منزله هارون باشی نسبت به موسی، با این تفاوت که دیگر بعد از من نبوتی نیست؟

دوم اینکه شنیدم در روز فتح خیبر درباره او فرمود: فردا بیرق جنگ را به دست کسی می دهم که رسول خدا را دوست دارد و خدا و رسول نیز او را دوست دارند. و چون فردا شد همه گردن کشیدیم شاید ما را صدا بزند و نزد خود بخواند ولی ناگهان فرمود: علی را نزد من بخوانید و چون او را خواندند درد چشم داشت. پس آب دهان در دیدگان او انداخت و رایت جنگ به دست او داده و در نتیجه خدا

قلعه را به دستش گشود.

سوم اینکه وقتی آیه «أَنْتُمْ يُرِيدُ اللَّهُ...» نازل شد علی و فاطمه و حسنین را نزد خود خواند و گفت: بارال ها اینان اهل بیت منند.  
( صحیح مسلم، جلد ۷، ص ۱۲۰ )

۲- اخیرنا بشرین هلال قال حدثنا جعفر و هو ابن سلیمان قال حدثنا حرب بن شداد عن قتاده عن سعید بن مسیب عن سعد بن ابی وقاص قال: لما غزا رسول الله غزوه تبوك خلف علياً بالمدينة فقالوا فيه: مله و كره صحبته فتبع (علي) النبي حتى لحقه في الطريق فقال يا رسول الله! خلفتني في المدينة مع الذراري و النساء حتى قالوا:

مله و كره صحبته. فقال له النبي: يا علي إنما خلفتك على أهلي أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى غير أنه لا نبي بعدي. سعد بن ابی وقاص گفت: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عازم جنگ تبوک شدند، امیرالمؤمنین علیه السلام را در مدینه جانشین خود کرد مردم در این باره می گفتند:

پیامبر از امیرالمؤمنین به ستوه آمده و همراهی اش را نمی پسندد. پس امیرالمؤمنین علیه السلام به دنبال پیامبر روانه شد و در راه به ایشان رسید و فرمود: ای رسول خدا! آیا من را در مدینه با کودکان و زنان و امی گذارید تا بگویند: از او به ستوه آمده، همراهی اش را نمی پسندد! پس پیامبر صلی الله

ص: ۲۴۲

علیه وآله وسلم به ایشان فرمودند: ای علی من تو را بر اهل خود جانشین کردم. آیا تو خشنود نیستی برای من بمنزله هارون برای موسی باشی جز آنکه پیغمبری پس از من نخواهد بود؟.

کتاب السنه، ص ۵۸۷، ح ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳؛ مسند بزار، ج ۳، ص ۲۸۴، ح ۱۰۷۶؛ مناقب کوفی، ج ۱، ص ۵۲۰، ح ۴۲۲ و ۴۴۲ و ۴۶۳ و ۵۲۲، ح ۴۵۸ و ۴۶۶ و ۵۲۳، ح ۴۶۷ و ۴۶۸؛ سنن کبری، ج ۵، ص ۴۴، ح ۸۱۳۸؛ مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۷۳۸؛ کامل ابن عدی، ج ۲، ص ۴۱۶، ح ۱۶۴؛ معجم اوسط طبرانی، ج ۵، ص ۱۳۶، ح ۴۲۶۰؛ تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲۲۷؛ مناقب ابن مغزلی، ص ۳۵، ح ۵۳.

۳- در برخی دیگر از منابع اهل تسنن تنها این کلام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را نقل کرده اند: «أن النبی قال لعلی «اما ترضی منی بمنزله هارون من موسی» «آیا خشنود نیستی که تو برای من بمنزله هارون برای موسی هستی؟!». سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۴۱، ح ۳۷۳۱؛ معجم صغیر طبرانی، ج ۲، ص ۲۲، ح ۸۲۴؛ طبقات المحدثین، ج ۴، ص ۲۶۴، ح ۱۰۲۰؛ حلیه الاولیاء، ج ۷، ص ۱۹۶؛ مسند طیالسی، ج ۱، ص ۲۸، ح ۲۰۵؛ صحیح بخاری، ج ۶، ص ۳، ح ۶؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۲، ح ۱۱۵.

۴- خدای متعال، امیرالمؤمنین علیه السلام را بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم وارد و از نزد ایشان خارج می کند

قرأت علی محمد بن سلیمان لوین عن ابن عتیبه عن عمرو بن دینار عن ابی جعفر محمد بن علی عن ابراهیم بن سعد بن ابی وقاص عن ایبه و لم یقل مرّه عن ایبه قال: کنا عند النبی و عنده قوم جلوس فدخل علیّ فلما دخل خرجوا فلما خرجوا تلاوموا فقالوا: والله ما أخرجنا و أدخله فرجعوا فدخلوا فقال: والله ما أنا أدخلته و أخرجتکم بل الله أدخله و أخرجکم

سعد بن ابی وقاص می گوید: نزد پیامبر خدا صلی الله علیه واله وسلم با گروهی نشسته بودیم چون امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد دیگران بیرون رفتند (یا حضرت رسول به دیگران فرمود بیرون شوید) چون بیرون آمدند یکدیگر را سرزنش کردند و گفتند به خدا قسم روا نیست ما را بیرون کند و وی را بپذیرد. پس برگشتند و داخل شدند. پس رسول خدا فرمودند:

به خدا سوگند من از پیش خود، او را وارد و شما را بیرون نکردم، بلکه خدا او را وارد و شما را بیرون کرد.

مسند بزار، ج ۴، ص ۳۴؛ ح ۱۱۹۵؛ علل دارقطنی، ج ۴، ص ۲۶۳، ح ۶۲۹؛ طبقات محدثین، ج ۲، ص ۱۴۵-۱۶۵؛ تاریخ ابونعیم، ج ۲، ص ۱۴۷-۱۳۲۸؛ تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۹۳ و ۲۹۴؛ سنن کبری نسائی، ج ۵، ص ۴۶؛ تاریخ مدین؟ دمشق، ج ۲، ص ۳۱۲  
ح ۸۲۳ و ۸۲۴)

ص: ۲۴۴

۲- طلحه بن عبدالله

علامه خوارزمی از ابی عامر انصاری روایت می کند که در لحظات آخر جان کندن طلحه در جنگ جمل نزد او رسیدم.

او گفت: تو که هستی؟ گفتم از یاران امیرالمومنین علی. گفت دستت را بده تا با تو با امیرالمومنین بیعت کنم. من دست دراز کرده و او بیعت کرد. (المناقب للخوارزمی، ۱۱۲)

۳- ابوسعید خدری:

ما منافقین انصار را با دشمنی آنان با علی می شناختیم.

(فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۵۷۹)

۴- جابر بن عبدالله انصاری:

۱- او بهترین انسان است. ( فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۵۶۴)

۲- ما منافقین را به نشانی دشمنی با علی می شناختیم.

فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۳۹

۳- زاهدتر از علی بن ابیطالب در دنیا ندیده ام (مناقب للخوارزمی، ص ۷۱)

**۵- عبدالله بن مسعود:**

۱- افضل اهالی مدینه علی بن ابی طالب است. (فضائل

ص: ۲۴۵)

۲- ردّ عمر بن الخطاب و ابابكر و تعيين امير المؤمنين عليه السلام به عنوان جانشين توسط پيامبر صلى الله عليه و آله

عبدالله بن مسعود، قال: كنت مع رسول الله «صلى الله عليه و آله» وقد اصحر فتنفس السعداء، فقلت: يا رسول الله ما لك تتنفس؟ قال: يا ابن مسعود نعت الى نفسي. قلت: استخلف يا رسول الله. قال: «من؟» قلت: ابابكر. فسكت، ثم تنفس، فقلت: ما لك تتنفس فدتك نفسي يا رسول الله؟ قال: «نعت الى نفسي «قلت استخلف يا رسول الله؟ قال: «من؟» قلت: عمر بن الخطاب.

فسكت، ثم تنفس ثالثا، فقلت: فداك ابي و امي ما لي اراك تتنفس يا رسول الله؟ قال: «نعت الى نفسي». قلت: استخلف يا رسول الله؟ قال: «من؟» قلت: علي ابن ابي طالب، فبكي و قال: «اوه و لن تفعلوا، فوالله لو اطعمتوه ليدخلنكم الجنة، و ان خالفتموه ليحبطن اعمالكم.

عبدالله بن مسعود گوید: روزی در خدمت پيامبر اکرم «صلى الله عليه و اله» به صحرا رفته بودم، دیدم ان حضرت به تندی نفس می زند، عرض کردم: ای رسول خدا! شما را چه می شود که به تندی نفس می زنی فرمود:

ای ابن مسعود! انفسم به من خبر مرگ می دهد، عرض

کردم: ای رسول خدا، جانشینی برای خود معلوم نما، فرمود:

چه کسی را؟ عرض کردم: ابابکر را، پیامبر اکرم «صلی الله علیه و اله» ساکت شد.

دوباره دیدم ان حضرت به تندی نفس می زند، عرض کردم: فدایت شوم شما را چه میشود؟ فرمود: نفسم به من خیر مرگ می دهد، عرض کردم رسول خدا جانشینی برای خود قرار بده، فرمود: چه کسی را؟ عرض کردم عمر بن الخطاب را، بار دیگر ان حضرت ساکت شد دوباره دیدم به تندی نفس می زند، باز عرض کردم پدر و مادرم به فدای تو باد چرا نفس میزنی؟ فرمود: نفسم به من خیر مرگ می دهد، عرض کردم: علی بن ابی طالب. در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و اله گریست و آهی کشید و فرمود: چنین نمی کنید (یعنی نمی گذارید او به خلافت برسد) به خدا قسم اگر از او اطاعت کنید، خداوند همه شما را داخل بهشت می نماید و اگر با او مخالفت کنید همه اعمالتان نابود می شود. (خوارزمی، مناقب ص ۱۱۴، فرائد السمطين ج ۱ ص ۲۷۶) حموی

۶- حسن بصری:

خدا علی را رحمت کند. به خدا سوگند که او برای دشمنانش همچون تیری صائب و به هدف خورده از جمله

ص: ۲۴۷

تیره‌های الهی بود و از همه داناستر و از همه به پیامبر نزدیک تر و درویش این امت بود. چنانکه به مال دنیا رغبتی نداشت و در فرمان‌پذیری امر الهی نیز سستی به خرج نداد و از ملامت نکوهش‌گران باک نداشت و قرآن محور هدف و دانش و عمل او بود و از این راه بر بهشتی زیبا دست یافت. (البدایه و النهایه، جلد ۸، ص ۶)

۷- امام ابوحنیفه:

در جنگ میان علی و مخالفان او حق به جانب علی بود. (الاصابه ابن حجر، ج ۲، ص ۵۰)

۸- امام شافعی:

ایشان در جواب فردی که به او گفت: در این مسأله با علی بن ابی طالب مخالفت نموده‌اید، گفت: این مسئله را از علی با سند و دلیل ارائه کن تا پیشانی بر خاک بگذارم و اظهار خطا کنم و از رایم برگردم و به رای علی تمسک جویم. (الائمه الاربعه، ج ۴، ص ۱۱۴)

۹- امام احمد بن حنبل:

عبدالله فرزند احمد بن حنبل از ایشان نقل می‌کند: «علی بن ابی طالب از اهل بیت است و کسی با آن‌ها قابل مقایسه نیست.» عبدالله همچنین نقل می‌کند: در حق علی باید

ص: ۲۴۸



بگویم که خلافت علی را مقام و منزلت نداد، بلکه علی به خلافت منزلت بخشید.» (الائمہ الاربعہ، ج ۴، ص ۱۱۷)

امام حنبله به این موضوع اعتراف کرده و می گوید: «ما لأحد من الصحابه من الفضائل بالأسانيد الصحاح مثل ما لعلی رضی الله عنه. مناقب احمد، احمد بن حنبل، محقق: عبد الله بن سلمان، ناشر: دار طيبة للنشر و التوزیع، مکه مکرمه، ص ۱۶۲

آن فضائلی که با سندهای صحیح برای علی است، برای هیچ یک از صحابه چنین فضائلی نیست.» اگر دنبال افضلیت می گردند، چطور این گفته احمد بن حنبل را به عنوان افضلیت نمی گیرند؟

۱۰- امام بخاری:

ایشان در کتاب صحیح بخاری به نقل مناقب حضرت علی «ع» پرداخته که از آن جمله روایات مربوط به کنیه ابوتراب، دادن پرچم پیروزی در روز خیبر به علی و حدیث منزلت است. او از خلیفه دوم نقل می کند: پیامبر رحلت فرمود در حالی که از علی راضی بود. (صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۲ ج ۲۴

۱۱- امام مسلم بن حجاج:

ایشان در کتاب مناقب صحیح مسلم به نقل روایاتی در

ص: ۲۴۹

منقبت علی «ع» از پیامبر «ص» می پردازد. او روایاتی همچون دادن پرچم پیروزی را در روز خیبر به علی با اسناد مختلف، ابوتراب خواندن علی «ع» از جانب پیامبر «ص»، و سفارش پیامبر در رعایت حرمت اهل بیت و همچنین سخنان سعد بن ابی وقاص را در مقابل معاویه نقل می کند. (صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰ ج ۱۲۴)

۱۲- امام نسائی:

ایشان با نوشتن کتاب خصائص امیرالمومنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه، حدود ۱۷۸ روایت در مناقب آن حضرت ذکر می کند. خوارزمی نقل می کند که امام نسائی گفته است در فضیلت هیچ یک از یاران پیامبر «ص» به اندازه فضیلت علی «ع» روایت وجود ندارد. (المناقب للخوارزمی، ص ۶)

۱۳- ابن عبدالبر:

۱- ابن عبدالبر - از استوانه های علمی اهل سنت - می گوید: «لم یرو فی فضائل أحد من الصحابه بالأسانید الحسان ما روی فی فضائل علی بن أبی طالب. الاستیعاب، ابن عبدالبر، ناشر: دارالجیل، بیروت، لبنان، ج ۳، ص ۱۱۱۵ / تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، دار صادر، بیروت، لبنان، ج ۷، ص ۲۹۸ / الإصابه، ابن حجر

ص: ۲۵۰

روایاتی که با بهترین سند، در فضیلت علی بن ابی طالب آمده است، در فضیلت اُحدی از صحابه نیامده است.

«طبق ادبیات عرب افعال تفضیل، برترینی است که باید از همه بالاتر و بهتر باشد شامل یک نفر می شود. و طبق روایات بالا و نظر علمایی چون احمد بن حنبل و ابن عبد البر افضلیت فقط شامل علی (علیه السلام) می شود و لا غیر.

۲- فضائل علی در میان برگ ها نمی گنجد... بنی امیه علی را به باد ناسزا می گرفتند و از او بدگویی می کردند اما این حرکات جز بلندی مرتبه و شان و محبت در نزد علما چیز دیگری بر علی نمی افزود (استیعاب در حاشیه اصابه، ج ۳، ص ۲۶

۱۴- امام فخر رازی:

هر که علی «رض» را پیشوای دینی خود قرار دهد حقا به دستاویز محکمی در دین و دنیای خود چنگ زده است.

(تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۰۵

هر که در دین خود به علی بن ابی طالب اقتدا کند حقا هدایت یافته است به دلیل آنکه پیامبر «ص» فرمود: خداوند حق را بر همان محوری بگردان که علی می گردد. (تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۰۷

ص: ۲۵۱

۱۵- ابن حجر عسقلانی:

نزد اکثر اهل علم علی «رض» اولین کسی است که اسلام آورد و در دامان پیامبر اکرم «ص» پرورش یافت و هیچگاه از او جدا نشد. در تمام جنگ‌ها یار و همراه پیامبر «ص» بود مگر در تبوک. در این جنگ پیامبر «ص» به خاطر تاخیر علی «رض» به او فرمود: آیا نمی‌خواهی نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی باشی. (الاصابه، ج ۲، ص ۵۰۷)

۱۶- جلال الدین عبدالرحمن سیوطی:

ایشان در کتاب حدیثی معروف خود «جامع الاحادیث» حدود ۳۱۵۸ روایت در مسند علی «ع» نقل می‌کنند. (جامع الاحادیث، ج ۱۵ و ۱۶)

۱۷- شیخ عبدالحق دهلوی حنفی:

مناقب علی «رض» بسیارند و خارج از حد و حصر و احصا مذکور است. (مناقب علی بن ابی طالب «رض»، ص ۳۵۴)

۱۸- شیخ محمد عبده:

در میان دانشمندان و سخن‌شناسان زبان و ادبیات عرب کسی نیست که به عظمت علی «رض» اعتراف نکند. کلام امام علی بن ابی طالب پس از کلام خدا و پیغمبرش، شریف‌ترین و برترین سخن و محتوا را دارد. هنگامی که

ص: ۲۵۲

پاره ای از عبارات نهج البلاغه را با دقت می خواندم صحنه هایی در نظرم مجسم می گشت که شاهد زنده ای برای پیروزی نیروی سخن و بلاغت بود. آنجا که دل ها با برهان حقایق آمیخته می گشت، و سپاه سخنان محکم و نیرومند، چنان به درهم شکستن باطل و یاری حق به پا می خواست که هر شک و باطلی را نابود می کرد. قهرمان میدان که پرچم پیروزی را به اهتزاز در آورده بود، امیرالمومنین علی بن ابی طالب بود. ( شرح نهج البلاغه عبده، ص ۳

۱۹- ابراهیم نظام معتزلی:

علی «رض» در جنگ های خود بر حق بود و کسانی که با او جنگیدند بر خطا رفتند. (تاریخ اندیشه های کلامی، ج ۱، ص ۲۲۹ به نقل از مقالات الاسلامیین، ج ۲، ص ۱۳۰

۲۰- ابوجعفر محمد بن عبدالله اسکافی معتزلی:

نادانی و کوردلی بزرگ تر این است که معاویه را قابل سنجش با علی بدانند و این همان چیزی است که پاره ای از عوام سرگردان و فرومایگان از حشویه که با حقیقت فاصله دارند به آن معتقد شده اند. (المعیار و الموازنه، ص ۳۷

۲۱- عزالدین ابوحامد ابن ابی الحدید معتزلی:

اگر علی را در مورد خصائص اخلاقی و فضائل نفسانی و

ص: ۲۵۳

دینی بنگری، او را سخت درخشان و بر اوج شرف خواهی دید. اما در مورد شجاعت چنان است که نام همه شجاعان پیش از خود را از یاد مردم برده است و نام همه کسانی را که پس از او آمده اند را محو کرده است... اما از نظر جود و سخاوت، حال علی «رض» در آن آشکار است. روزه می گرفت و با آنکه از گرسنگی سست می شد، باز خوراک و توشه خود را ایثار می فرمود و آیات نهم و دهم سوره انسان درباره او نازل شده است که می فرماید: «و خوراک را با آنکه دوست دارندش به درویش و یتیم و اسیر می خوراند، جز این نیست که می خورانیم شما را برای رضای خدا و از شما پاداش و سپاسگذاری نمی خواهیم» (مقدمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۵)

۲۲- ابن میثم بحرانی:

پیشوای بزرگ ما امیرالمومنین صاحب نشانه های آشکار و نورهای درخشان علی بن ابی طالب «رض» در تمام آنچه از سخنانش به ما رسیده است و آنچه از کارها و دستورالعمل ها که از آن بزرگوار صادر شده، مقصود و منظورش این است که آنچه شریعت ارزشمند از اغراض و اهداف دربردارد و آنچه قرآن از قوانین و قواعد داراست همه را توضیح و تشریح کند.

ص: ۲۵۴

به گونه ای که حتی یک جمله در غیر این منظور از آن حضرت یافت نشده است. چون سخنان آن حضرت این ویژگی را دارد، ناگزیر سخن او سخنی است که رنگ و نمودی از کلام خدا دارد. در عین حال دارای بوی خوش کلام پیغمبر «ص» است. ( شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۱، ص ۳۳

۲۳- صبحی صالح:

هیچ مسلمانی نیست که خویشاوندی نزدیک و منزلت ویژه پسرعموی پیامبر اکرم «ص» حضرت علی کرم الله وجهه را نزد آن حضرت نداند... علی کرم الله وجهه در حمایت از پیامبر «ص» قدمهایی برداشت که پهلوانان از آن عاجزند و قدم ها می لغزند... بارزش ترین مقام ها در تاریخ به نام او ثبت شد. جنگاوری روز بدر، کشتن عمرو بن عبدود در غزوه خندق، پایداری و وفا در غزوه احد و حنین و پرچمداری روز خیبر امتحان خوبی بود. ( مقدمه شرح نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۲-۱

لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

هست عنوانی که از حق خواجه قنبر گرفت

ای خوش آن نیک اختری کز روی ایمان و خلوص

در دو عالم دامن آن مظهر داور گرفت

ص: ۲۵۵

کی نشیند تا ابد گرد کدورت بر دلی

کز ولایش روشنی چون خسرو خاور گرفت

می شود سیراب از چشمه فیض خدای

هر کسی جامی ز دست ساقی کوثر گرفت

### اعمال قبول نمی شود مگر با ولایت

الایات :

۱- مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ  
الْبَعِيدُ. (ابراهیم آیه ۱۸).

۲- وَ إِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ . (طه ۸۲)

۳- وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَ لَا هَضْمًا (طه آیه ۱۱۲).

در آیه اول خداوند حکم نموده به بطلان اعمال کافرین و اخبار زیاد و مستفیضه داریم که کافر را به مخالفین اطلاق کرده چون آنها نص های وارده در باره امامان علیهم السلام را، انکار

ص: ۲۵۶



می نمایند و علی بن ابراهیم در تفسیر آن آیه روایت کرده : من لم یقرّ بولایه أمير المؤمنین بطل عمله ، مثل الرماد الذی تجیّ الريح فتحمله . تفسیر القمی : ۳۴۵.

هر کس به ولایت امیر مؤمنان اقرار نکند، عملش باطل می شود، مانند خاکستر که باد می آید بر میدارد (و به هوا می پاشد).  
و اهداء را در آیه دوم در اخبار زیاد به «ولایت» تفسیر نموده است.

و اما ایمان در آیه سوم شکی نیست که «ولایت» داخل در آن است، پس خداوند شرط بودن ایمان در اعمال صالحه را سبب نترسیدن از منع ثوابی که مستحق آنست می داند.

در تفسیر قمی آمده، واعلم أن الامامیه أجمعوا علی اشتراط صحه الاعمال و قبولها بالایمان الذی من جملته الاقرار بولایه جمیع الائمة : وإمامتهم ، والاخبار الداله علیه متواتره بین الخاصه والعامه. بدانکه امامیه (شیعیان) اجماع دارند بر مشروط بودن صحت اعمال و قبوا آن، بر ایمانی که از جمله آن اقرار کردن به ولایت تمام امامان علیهم السلام و امامت آنهاست و اخبار دلالت کننده بر آن متواترست میان شیعه و اهل سنت.

ص: ۲۵۷

در جلد اول این کتاب، قسمتی از آیات و اخبار مربوط به ولایت را، از کتابها و بزرگان اهل سنت در اختیار عزیزان قرار دادیم، اینک در جلد دوم کتاب تعدادی از روایات فراوان شیعه، می آوریم و از سروران بزرگوار استدعا دارد به تک تک اخبار آتی و مفاد آن، خود دقت و بررسی دقیق و تأمل کامل و منصفانه نمایند تا در ذیل هر حدیث گفتار و نظر ما تکرار نشود.

۱- در روایت اَبی الجارود از اَبی جعفر علیه السلام در تفسیر (آیه ۱۱۲ طه) خدای تعالی می فرماید: « فلا یخاف ظلما ولا هضما » یعنی از ناقص شدن و از بین رفتن عملش نمی ترسد .

(تفسیر القمی : ۴۲۵).

### **بخدا قسم اگر کسی هزار سال عبادت کند قبول**

نیست مگر با ولایت ما اهل بیت

۱- روی عن الصادق عن ابيه عن جده : قال : مر أمير المؤمنين عليه السلام في مسجد الكوفة وقبر معه فرأى رجلا قائما يصلي فقال : يا أمير المؤمنين ما رأيت رجلا أحسن صلاة من هذا ، فقال أمير المؤمنين : يا قنبر فوالله لرجل علي يقين من

ص: ۲۵۸

ولایتنا أهل البيت خیر ممن له عبادہ ألف سنہ ، ولو أن عبدا عبد الله ألف سنہ لا يقبل الله منه حتی يعرف ولایتنا أهل البيت ، ولو أن عبدا عبد الله ألف سنہ وجاء بعمل اثنين وسبعين نبيا ما يقبل الله منه حتی يعرف ولایتنا أهل البيت وإلا أكبه الله علی منخریه فی نار جهنم . جامع الاخبار : ۲۰۷ ، ط نشر الكتاب .

از حضرت صادق علیه السّلام از پدر بزرگوارش از جد عزیزش نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام با قنبر در مسجد کوفه بمردی برخوردند که ایستاده و نماز میخواند قنبر گفت یا امیر المؤمنین شخصی را ندیده ام که بهتر از این مرد نماز بخواند امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود ای قنبر کسی که یقین بولایت ما اهل - بیت داشته باشد بهتر است از کسی که هزار سال عبادت کند اگر شخصی هزار سال خدا را عبادت کند و عمل هفتاد و دو پیامبر را انجام دهد خداوند از او نمی پذیرد مگر اینکه عارف بولایت ما باشد و گر نه او را بسر در آتش جهنم می افکند.

۲- سلیمان الاعمش از جعفر بن محمد عن آبائه : قال : قال رسول الله صلّى الله عليه وآله : يا علی أنت أمير المؤمنین وإمام المتقین ، يا علی أنت سید الوصیین ووارث علم النبیین وخیر الصدیقین وأفضل السابقین ، يا علی أنت زوج سیده نساء

العالمين وخليفه المرسلين. يا على أنت مولى المؤمنين ، يا على أنت الحجه بعدى على الناس أجمعين استوجب الجنه من تولاك واستحق دخول النار من عاداك ، يا على والذى بعثنى بالنبوه واصطفانى على جميع البريه لو أن عبدا عبدالله ألف عام (ثم ألف عام). ما قبل الله ذلك منه إلا بولايتك وولايه الائمه من ولدك ، وإن ولايتك لا تقبل إلا بالبراءه من أعدائك وأعداء الائمه من ولدك ، بذلك أخبرنى جبرئيل عليه السلام فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر . ايضاح دفائن النواصب : ٦ و ٧ ، كنز الكراجكى : ١٨٥.

سليمان اعمش از حضرت صادق عليه السلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود يا على تو امير المؤمنين و امام متقين و سرور اوصياء و وارث علم پیامبران و بهترین صدیقان و برتر از همه گذشتگان هستی يا على تو همسر بهترین زنان عالم و جانشین پیامبر خاتمی.

يا على تو مولای مؤمنین و حجت خدا بر مردم پس از منی سزاوار بهشت است هر که ترا دوست بدارد و سزاوار جهنم است هر که با تو دشمن باشد.

يا على قسم ب آن کس که مرا به پیامبری برگزید و از تمام مردم برترم نمود اگر بنده ای خدا را هزار سال عبادت کند از او

نخواهد پذیرفت مگر با ولایت تو و ولایت ائمه از فرزندان و ولایت تو پذیرفته نمیشود مگر با بیزاری از دشمنان و دشمنان ائمه از فرزندان این خبر را برایم جبرئیل آورد هر که مایل است ایمان آورد و هر که میخواید کافر شود.

۳-أبی سعید الخدری قال : كان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جالسا وعنده نفر من أصحابه وفيهم علي بن أبي طالب عليه السلام فقال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : من قال : لا إله إلا الله دخل الجنة ، فقال رجلان من أصحابه :

فنحن نقول : لا إله إلا الله ، فقال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : إنما تقبل شهادة لا إله إلا الله من هذا وشيعته ، ووضع رسول الله (صلى الله عليه و آله) يده على رأس علي عليه السلام وقال لهما : من علامه ذلك أن لا تجلسا مجلسه ولا تكذبا قوله.

وقال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : من أبغضنا أهل البيت بعثه الله يهوديا ، ولو أن عبدا عبد الله بين الركن والمقام ألف سنة ثم لقي الله بغير ولايتنا أكبه الله على منخريه في النار ، ومن مات لا يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهلية ، والله ما ترك الله الأرض منذ قبض آدم إلا وفيها إمام يهتدى به حجه على العباد من تركه هلك ومن لزمه نجا.

وقال الله تعالى في بعض كتبه : لا عذبنا كل رعية أطاعت إمام جائرا وإن كانت بره تقيه ، ولا عفون عن كل رعية أطاعت

إماما هاديا وإن كانت ظالمه مسيئه ومن ادعى الامامه وليس بامام فقد افتري على الله وعلى رسوله . اعلام الدين : مخطوط.

اعلام دين ديلى از ابو سعيد خدرى گفت پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم با چند نفر از اصحاب نشسته بود كه در ميان آنها على بن ابى طالب عليه السلام نيز حضور داشت پيامبر فرمود هر كس بگويد لا اله الا الله

داخل بهشت مى شود دو نفر از اصحاب گفتند پس ما لا اله الا الله را كه ميگوئيم پيامبر اكرم فرمود:

لا اله الا الله قبول مى شود از اين و شيعيانش، دست خود را روى سر على عليه السلام گذاشت و ب آن دو فرمود از نشانه هاى اين مطلب آن است كه جاى او را نگيريد و سخنش را تكذيب ننمائيد.

و پيامبر اكرم فرمود: هر كسى ما اهل بيت را دشمن بدارد خداوند او را يهودى مبعوث ميكند اگر بنده اى خدا را بين ركن و مقام هزار سال پرستش كند بعد بملاقات خدا برود بدون ولايت ما خداوند او را با سر در آتش جهنم مياندازد و هر كه بميرد بى آنكه امام زمانش را بشناسد بنوع مردم جاهليت مرده بخدا قسم خداوند زمين را از موقعى كه آدم قبض روح شد خالى از امام و رهبرى كه مردم بوسيله او

هدایت یابند و حجت بر مردم باشد نگذاشته هر که او را رها کند هلاک است و هر که پیروش باشد رستگار.

و خداوند در یکی از کتابهای خود فرموده البته عذاب خواهم کرد هر شخصی که پیرو رهبر و امام ستمگری باشد گر چه آدم نیکوکاری و پرهیز- کاری باشد و میبخشم هر که پیرو امام هادی و رهنمای واقعی باشد گر چه خود آن ستمگر و بدکار باشد هر که مدعی امامت شود بدروغ بر خدا و پیامبر تهمت زده.

این روایت در امالی نیز نقل شده.

۴- میسر بیاع الزطی قال : دخلت علی ابي عبدالله علیه السلام فقلت له :

جعلت فداک ان لی جاراً لیست أنتبه إلا بصوته (انتبه الاعلی صوته اما تالیا کتابا).

إما تالیا کتابه یکرره ویبکی ویتضرع ، وإما داعیا ، فسألت وسألت عنه.

فقال : یامیسر یعرف شیئا مما أنت علیه؟ قال : قلت : الله أعلم. قال : فحججت من قابل فسألت عن الرجل فوجدته لا یعرف شیئا من هذا الامر فدخلت علی ابي عبدالله علیه السلام فأخبرته بخبر الرجل ، فقال لی مثل ما قال فی العام الماضي : یعرف شیئا مما أنت علیه؟ قلت : لا.

قال : یامیسر أی البقاع أعظم حرمه؟ قال : قلت : الله ورسوله

وابن رسوله أعلم.

قال : ياميسر ما بين الركن والمقام روضه من رياض الجنه وما بين القبر والمنبر روضه من رياض الجنه ، ولو أن عبدا عمره الله فيما بين الركن والمقام وفيما بين القبر والمنبر يعبده ألف عام ثم ذبح على فراشه مظلوما كما يذبح الكبش الاملح ثم لقي الله عزوجل بغير ولايتنا لكان حقيقا على الله عزوجل أن يكبه على منخريه في نار جهنم .(ثواب الاعمال : ٢٠٢ و ٢٠٣).

بيان : الاملح : الذي بياضه أكثر من سواده ، وقيل : هو النقى البياض ، ولعل صرعه كأكبه.

ميسر گفت خدمت حضرت صادق عليه السلام رسیدم.

گفتم فدایت شوم مرا همسایه ای است که پیوسته از صدای او بیدار میشوم قرآن میخواند و مکرر ادا میدهد و مشغول دعا و گریه و زاری است پنهان و آشکارا در

باره او جستجو کردم از تمام کارهای حرام خودداری میکند.

فرمود ميسر بگو ببینم چیزی از راهی که تو در آن قدم بر میداری اعتقاد دارد؟. گفتم خدا میداند. گفت سال بعد بحج رفتم از خود او در این مورد سؤال کردم دیدم اعتقادی

ص: ٢٦٤



بامامت ندارد. خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیده گفتم. باز پرسیدند آیا اعتقادی باین راه که بر میداری دارد.

گفتم نه.

فرمود میسر کدام محل احترامش از همه جا در نزد خدا

بیشتر است عرض کردم خدا و پیامبر و پسر پیامبرش میدانند.

فرمود میسر! بین رکن و مقام است که باغی از باغهای بهشت است و ما بین قبر و منبر پیامبر که باغی از باغهای بهشت اگر بنده ای را خداوند عمر طولانی بدهد و او را عبادت کند بین رکن و مقام و بین قبر و منبر هزار سال و بعد او را د

رختخوابش مظلوم بکشند مثل کشتن گوسفند سفید سپس

بملاقات پروردگار رود بدون ولایت ما بر خدا لازم است او را با سر میان آتش جهنم اندازد.

توضیح: شاید اختصاص بگوسفندی که سفید باشد که بعضی معنی اصلی را چنین گفته اند یا گوسفندی که سفیدی او بیشتر از سیاهش باشد بجهت آن است که زودتر کشته می شود.

ص: ۲۶۵

۵- معلى بن خنيس قال : قال أبو عبدالله عليه السلام : يا معلى لو أن عبداً عبد الله مائة عام ما بين الركن والمقام يصوم النهار ويقوم الليل حتى يسقط حاجباه على عينيه وتلتقى تراقيه هرما ، جاهلاً لحقنا لم يكن له ثواب . (ثواب الاعمال : ۱۹۷).

معلى بن خنيس گفت حضرت صادق عليه السلام فرمود ای معلى اگر بنده ای خدا را صد سال عبادت کند بین ركن و مقام روزها روزه بگیرد و شبها بشب زنده داری مشغول باشد تا ابروهایش روی چشمش بیفتد و از پیری استخوانهای سینه اش بهم برسد در صورتی که جاهل بحق ما باشد ثوابی برای او نیست. از و شاء مانند آن در المحاسن : ۹۰.

۶- از ساباطی از أبی عبدالله عليه السلام فرمود : إن أول ما يسأل عنه العبد إذا وقف بين يدي الله جل جلاله عن الصلوات المفروضات وعن الزكاه المفروضه وعن الصيام المفروض وعن الحج المفروض وعن ولايتنا أهل البيت ، فان أقرّ بولايتنا ثم مات عليها قبلت منه صلاته وصومه وزكاته وحجّه ، وإن لم يقرّ بولايتنا بين يدي الله جلّ جلاله لم يقبل الله عزّوجلّ منه شيئاً من أعماله . (امالی الصدوق : ۱۵۴ و ۱۵۵).

بنده وقتى که در پیش خدای جلّ جلاله می ایستد اولین چیزی که از آن سؤال می شود: نمازها و زکات ها و روزه و

حج های واجب و از ولایت ما اهل بیت خواهد شد.

پس اگر به ولایت ما اقرار نماید و با آن عقیده مرده باشد، نماز و روزه و زکات و حجش قبول می شود، و اگر در پیشگاه خدا جلّ جلاله، به ولایت ما اقرار نکند خدای عزّ و جلّ هیچ عملی را از او، قبول نخواهد کرد.

۷- محمد بن جعفر بن محمد از پدرش از پدرانش فرمود:

نزل جبرئیل علی النبی (صلی الله علیه و آله) فقال: یا محمد السلام یقرئک السلام ویقول: خلقت السماوات السبع و ما فیهن و الارضین السبع و من علیهن و ما خلقت موضعا أعظم من الرکن و المقام، ولو أن عبدا دعانی هناک منذ خلقت السماوات و الارضین ثم لقینی جا حدا لولایه علی لاکبته فی سقر. (امالی الصدوق: ۲۹۰).

محمد بن جعفر بن محمد از پدرش از آباء گرامش نقل کرد که جبرئیل بر پیامبر اکرم نازل شد گفت یا محمد خداوند سلام میرساند و میگوید آسمانهای هفتگانه و آنچه در آنها است و زمین های هفتگانه و هر چه در آنها است آفریدم محلی را عظیم تر از رکن و مقام نیافریده ام اگر بنده ای از اول خلقت آسمانها و زمین ها مرا در آنجا بخواند ولی بملاقات من بیاید با انکار ولایت علی او را برو میاندازم در آتش جهنم.

۸- حفص از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود:

ص: ۲۶۷

إن عليًا عليه السلام كان يقول : لا خير في الدنيا إلا لأحد رجلين :

رجل يزاد كل يوم إحسانا ، ورجل يتدارك سيئته (منيته) (المحاسن ، و در خصال : ذنبه). بالتوبه! وأنتى له بالتوبه؟ والله لو سجد حتى ينقطع عنقه ما قبل الله منه إلا بولایتنا أهل البيت. (امالی الصدوق : ۳۹۵ و ۳۹۶).

علی علیه السلام میگفت بهره ای در دنیا نیست مگر برای یکی از دو نفر. شخصی که هر روز بر کارهای نیکش بیفزاید و کسی که گنااهش را با توبه جبران کند کجا میتواند توبه کند.

بخدا قسم اگر سجده کند تا گردنش قطع شود خداوند از او نخواهد پذیرفت مگر با ولایت ما اهل بیت.

این روایت در الخصال : ج ۱ ص ۲۲. والمحاسن : ص ۲۲۴ فیه : الا بمعرفه الحق آمده است.

۹- مفضل : « یا محمد لو أن عبداً یعدنی حتی ینقطع ویصیر كالشن البالی ثم أتانی جاحداً لولایتهم ما اسکنته جنتی ولا أظلمته تحت عرشی » ای محمد اگر بنده ای مرا چنان عبادت کنند تا نفس قطع شود و مانند مشک فرسوده شود و سپس پیش من آید بانکار ولایت شما، من او را در بهشت خود ساکن نمی کنم و در سایه عرش خود قرار نمی دهم.

۱۰- محمد بن یعقوب النهشلی از امام رضا از پدرانش علیهم لسلام

ص: ۲۶۸

«قال الله تعالى : لا أقبل عمل عامل منهم إلا بالاقرار بولايته مع نبوه أحمد رسولى». خداوند فرمود: عمل هیچکدام آنها پذیرفته نخواهد شد مگر با اقرار به ولایت او (علی علیه السلام) و احمد فرستاده من.

۱۱- عبدالجبار از علی بن الحسین علیه السلام قال : قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : ما بال أقوام إذا ذكر عندهم آل ابراهيم عليه السلام فرحوا واستبشروا ، وإذا ذكر عندهم آل محمد اشمأزت قلوبهم ، والذي نفس محمد بيده لو أن عبدا جاء يوم القيامة بعمل سبعين نبيا ما قبل الله ذلك منه حتى يلقاه بولايته وولايه أهل بيتى. (امالى ابن الشيخ : ۸۷).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چشده برای گروههائی وقتى که نزد آنها از آل ابراهيم عليه السلام سخنى مى رود خوشحال و شاد مى شوند اما اگر از آل محمد صحبتى شود دلهايشان پیچیده (و گرفته) مى شود، سوگند به كسى که جان محمد در دست اوست اگر بنده اى روز قیامت با عمل هفتاد پیغمبر آید، از او پذیرفته نمى شود تا خدا را با ولایت من و اهل بیتم، ملاقات نماید.

بیان : قال الفيروزآبادى : اشمأز : انقبض واقشعر أو ذعر ، والشئ : كرهه.

۱۲- أبى حمزه الثمالى قال : قال لنا على بن الحسين زين

العابدين عليه السلام : أى البقاع أفضل؟ فقلنا الله ورسوله وابن رسوله أعلم : فقال : إن أفضل البقاع ما بين الركن والمقام ، ولو أن رجلا عمّر ماعمر نوح فى قومه ألف سنه إلا خمسين عاما يصوم النهار ويقوم الليل فى ذلك الموضع (المقام) ثم لقي الله بغير ولايتنا لم ينفعه ذلك شيئا. (امالى ابن الشيخ : ٧٢). ابو حمزه از على بن الحسين عليه السلام نقل کرد که پرسید از ما کدامیک از سرزمین ما بهتر است. گفتیم خدا و پیامبر و پسر پیامبر بهتر می دانند. فرمود بهترین مکان ها ما بین رکن و مقام است اگر مردی باندازه نوح در میان مردم عمر کند نهصد و پنجاه سال روزها روزها بدارد و شبها شب زنده دار باشد در همین محل بعد خدا را ملاقات کند بدون ولایت ما این اعمال او را ذره ای سود نمی بخشد.

این روایت در کتاب ثواب الاعمال : ١٩٧ و المحاسن : ص ٩١ نیز آمده است.

١٣- ساباطی قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : إن أبا امیه یوسف بن ثابت حدث عنک أنك قلت : لا یضر مع الايمان عمل ، ولا یمنع مع الکفر عمل؟ فقال : إنه لم یسألنی أبوامیه عن تفسیرها ، إنما عنیت بهذا أنه من عرف الامام من آل محمد ، ویتولاه ثم عمل لنفسه بما شاء من عمل الخیر قبل منه ذلك

ص: ٢٧٠

وضوعف له أضعافا كثيرة فانتفع بأعمال الخير مع معرفه ، فهذا ما عنيت بذلك وكذلك لا يقبل الله من العباد الاعمال الصالحه التي يعملونها إذا تولوا الامام الجائر الذي ليس من الله تعالى.

فقال له عبدالله ابن أبى يعفور : أليس الله تعالى قال : « من جاء بالحسنه فله خير منها وهم من فزع يومئذ آمنون » فكيف لا ينفع العمل الصالح ممن تولى أئمه الجور؟ فقال له أبو عبدالله عليه السلام : وهل تدرى ما الحسنه التي عناها الله تعالى فى هذه الآية؟ هى والله معرفه بالامام وطاعته ، وقد قال الله عزوجل ومن جاء بالسيئه فكُتِبَ وجوههم فى النار هل تجزون إلا ما كنتم تعملون (النمل : ٩١ و ٩٢). وإنما أراد بالسيئه إنكار الامام الذى هو من الله تعالى ، ثم قال أبو عبدالله عليه السلام : من جاء يوم القيامة بولايه إمام جائر ليس من الله وجاءه منكرا لحقنا جاحدا لولايتنا أكبه الله تعالى يوم القيامة فى النار. (امالى ابن الشيخ :

١٩٣ و ١٩٤).

ساباطى گفت بحضرت صادق عليه السلام عرض کردم ابو اميه يوسف بن ثابت از شما نقل کرد که فرموده ای: با ایمان عمل زیان بخش نیست و با کفر عمل سودی نمی بخشد.

فرمود ابو اميه از تفسیر این مطلب نپرسید. همانا مقصودم

ص: ٢٧١

این است که هر کس امام از آل محمد را بشناسد و او را دوست بدارد آنگاه بنفع خود هر کار نیک انجام دهد از او قبول می شود و چندین چندین برابر می شود از اعمال نیک با معرفت بهره مند می شود مقصودم این بود.

همچنین خداوند از بندگان اعمال صالح را اگر امام ستمگری را که خدا قرار نداده دوست داشته باشند نخواهد پذیرفت.

عبد الله بن ابی یعفر گفت: مگر خداوند نمی فرماید مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرْعِ يَوْمِنَا آمِنُونَ چگونه عمل صالح سودمند نیست از کسی که دوستدار پیشوایان جور باشد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: میدانی حسنه ای که خداوند در این آیه می فرماید چیست. معرفت امام و اطاعت از اوست خداوند می فرماید وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبُتْ وَ جُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ منظور از سیئه در این آیه انکار امامی است که از جانب خدا تعیین شده سپس فرمود هر کس روز قیامت بیاید با ولایت امام ستمگری که از جانب خدا تعیین نشده و منکر حق و ولایت ما باشد خداوند او را برو در آتش جهنم میافکند.



١٤- قال الصادق عليه السلام : أعظم الناس حسره يوم القيامة . رجل جمع مالا عظيما بكد شديد ومباشره الاهوال وتعرض  
الاخطار ثم أفنى ماله فى صدقات ومبرات وأفنى شبابه وقوته فى عبادات وصلوات وهو مع ذلك لا يرى لعلى بن أبى طالب عليه  
السلام حقه ولا- يعرف له من الاسلام محله ويرى أن من لا- يعشره ولا يعشر معشاره أفضل منه عليه السلاميوافق على  
الحجج فلا- يتأملها ويحتج عليها بالآيات والاخبار فيأبى إلا- تماديا فى غيه فذاك أعظم حسره من كل من يأتى يوم القيامة  
وصدقاته ممثله له فى مثال الافاعى تنهشه وصلواته وعباداته ممثله له فى مثال الزبانيه تتبعه حتى تدعه إلى جنهم دعا ، يقول :  
ياويلي ألم أك من المصلين؟ ألم أك من المزكين؟ ألم أك عن أموال الناس ونسائهم من المتعففين؟ فلماذا ذهبت بما  
ذهبت؟ فيقال له : يا شقى مانفحك ما عملت وقد ضيعت أعظم الفروض بعد توحيد الله والايمان بنبوه محمد رسول الله صلى الله  
عليه وآله و ضيعت مالزمك من معرفه حق على ولى الله ، عليك من الايتمام بعدو الله ، فلو كان لك بدل أعمالك هذه عباده  
الدهر من أوله إلى آخره وبدل صدقاتك الصدقه بكل أموال الدنيا بل بملء الارض ذهباً لما زادك ذلك من رحمه الله إلا بعدا  
ومن سخط الله إلا قربا .التفسير المنسوب إلى الامام العسكرى ١٤ : ٧ و

حضرت صادق علیه السلام فرمود: اندوهناکترین مردم کسی است که ثروت زیادی را با رنج فراوان و برخورد با هول و هراس های زیاد و خطرهای عظیم جمع کرده باشد بعد این ثروت را در راه صدقه و انفاق در کارهای نیک صرف کند و جوانی و نیروی خود را در عبادت و نماز بپایان رساند با این کارها حقی برای علی بن ابی طالب علیه السلام قائل نباشد و موقعیت او را در اسلام نشناسد و چنین به پندارد کسی که یکدهم و یک دهم از یک دهم های او ارزش و مقام ندارد از علی علیه السلام بهتر است برخورد به براهین مینماید ولی دقت نمیکند با آیات و اخبار بر او استدلال می شود ولی بیشتر در گمراهی خود فرو میرود این چنین شخصی از هر کسی در روز قیامت حسرت و اندوهش بیشتر.

انفاق های او بصورت افعی ها برایش مجسم میشوند و او را میگزیند و نمازها و عباداتش بصورت شعله های آتش پیکرش را فرا میگیرند و او را به جهنم

میکشند. میگوید ای وای مگر من نمازخوان نبودم مگر من زکات نمیدادم مگر من از مال و ناموس مردم پرهیز نداشتم چرا چنین گرفتار و مبتلا شده ام.

باو میگویند ای بدبخت اعمال هیچ سودی برایت نخواهد داشت در صورتی که بزرگترین واجب را بعد از توحید و ایمان به پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ضایع کرده باشی. آنچه بر تو لازم بود از معرفت بحق علی علیه السلام ولی خدا نابود کردی و پیرو دشمن خدا شدی که بر تو حرام بود اگر بجای اعمالی که انجام داده ای از اول دنیا تا آخر آن عبادت میکردی و بجای صدقه هایت تمام روی زمین پر از طلا- را انفاق می کردی جز فاصله و دور شدن از رحمت خدا چیزی نصیب نمیشد و پیوسته بخشم خدا نزدیک تر میشدی.

۱۵- مرآزم از امام صادق علیه السلام قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): ما بال أقوام من امتی إذا ذکر عندهم إبراهیم وآل إبراهیم استبشرت قلوبهم وتهللت وجوههم، وإذا ذکرت و أهل بیتی اشمأزت قلوبهم وکلحت وجوههم، والذی بعثنی بالحق نبیا لو أن رجلا لقی الله بعمل سبعین نبیا ثم لم یأت.

بولایه اولی الامر منا أهل البیت ما قبل الله منه صرفا ولا عدلا امالی المفید: ۶۷.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چشده برای گروههایی وقتی که نزد آنها از ابراهیم و آل ابراهیم علیه السلام

سخنی می رود دل‌هایشان خوشحال و رو‌هایشان شاد می شوند اما اگر از من و آل بستم صحبتی شود دل‌هایشان پیچیده و رو‌هایشان گرفته می شود، سوگند به کسی که مرا به حق به پیغمبری مبعوث نموده است، اگر مردی روز قیامت با عمل هفتاد پیغمبر با خدا ملاقات نماید، از او پذیرفته نمی شود تا سپس با ولایت صاحبان ولایت از ما هل بیت نیاید از او هیچ عملی پذیرفته نخواهد شد.

۱۶- عن یوسف بن ثابت عن أبی عبد الله علیه السلام قال : قیل له لما دخلنا علیه : إنا أحببناکم لقربائکم من رسول الله صَلَّى اللهُ عليه وآله ولما أوجب الله من حقکم ، ما أحببناکم لدنیا نصیبها منکم إلا لوجه الله والدار الآخرة ویصلح لامرئ منادینه فقال أبو عبد الله علیه السلام : صدقتم صدقتم ، من أحبنا جاء معنا یوم القیامه هكذا ، ثم جمع بین السبائین ، وقال : والله لو أن رجلا صام النهار وقام اللیل ثم لقی الله بغير ولایتنا للقیه وهو غیر راض أو ساخط علیه.

ثم قال : وذلك قول الله: « وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ » إلى قوله: « وَ هُمْ كَافِرُونَ » التوبه : ۵۴ و ۵۵. ثم قال : وكذلك الايمان لا يضر معه عمل كما أن الكفر لا ينفع معه عمل . تفسير العياشي ۸۹ : ۲.

یوسف بن ثابت از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد وقتی ما خدمت ایشان رسیدیم یک نفر گفت ما شما را دوست میداریم بواسطه خویشاوندی که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارید و بواسطه حقی که خداوند برای شما واجب نموده هرگز برای رسیدن بمنافع دنیوی نیست فقط برای خدا و روز قیامت و اصلاح امر دین مان امام صادق علیه السلام فرمود راست میگوئید هر که ما را دوست بدارد با ما خواهد آمد در روز قیامت مانند این دو انگشت من بین نشانه خود

جمع کرد و فرمود بخدا قسم اگر یک نفر روز را روزه بدارد و شب شب زنده دار باشد و بملاقات خدا برود بدون ولایت ما خدا از او ناراضی خواهد بود یا بر او خشم می گیرد سپس فرمود! این آیه همان مطلب را میفرماید وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ تَا اینجا که وَ هُمْ كَافِرُونَ سپس فرمود، همین طور است ایمان که با داشتن عملی زیان نمیرساند و با نداشتن ایمان عملی سود نمی بخشد.

این روایت را دیلمی در کتاب أعلام الدین نیز آورده است.

۱۷- حبيب السجستاني از أبي جعفر عليه السلام قال : قال الله

ص: ۲۷۷

عزوجل: لاعذبين كل رعيه في الاسلام دانت بولايه كل إمام جائر ليس من الله، وإن كانت الرعيه في أعمالها بره تقيه، ولا عفون عن كل رعيه في الاسلام دانت بولايه كل إمام عادل من الله، وإن كانت الرعيه في أعمالها ظالمه مسيئه. غيبه النعماني: ٦٤ و ٦٥.

حبيب سجستانی از حضرت باقر عليه السلام نقل کرد که خداوند بزرگ فرموده واقعا عذاب خواهم کرد هر جمعیتی را در اسلام که معتقد بولایت امام ستمگری باشد که از جانب خدا تعیین نشده گر چه آن جمعیت از نظر عمل نیکوکار و متقی باشند و بطور قطع میبخشم هر جمعیتی را در اسلام که معتقد بولایت امام عادل باشد که از جانب خدا تعیین شده گر چه آن جمعیت از نظر عمل ستمکار و گنه کار باشند.

١٨-المجالس للمفيد مُحَمَّدِ بْنِ شُرَيْحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ وَلاَئِنَّا وَ أَوْجَبَ مَوَدَّتِنَا وَ اللَّهُ مَا نَقُولُ بِأَهْوَانِنَا وَ لَمَّا نَعْمَلُ بِ آرائِنَا وَ لَمَّا نَقُولُ إِلَّا مَا قَالَ رَبُّنَا عَزَّ وَ جَلَّ . مجالس المفيد:

٣٧ و ٣٨. مجالس مفيد: محمد بن شريح از حضرت صادق عليه السلام نقل کرد که فرمود: خداوند ولایت ما را لازم دانست و محبت ما را واجب نمود بخدا قسم ما از روی هوای نفس حرف نمی زنیم و نه از روی رای و خواست خود کار میکنیم جز آنچه پروردگارمان بگوید نمی گوئیم.

ص: ٢٧٨

۱- جابر از اَبی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) :

لو أن عبدا عبد الله ألف عام ثم ذبح كما يذبح الكبش ثم أتى الله ببغضنا أهل البيت لرد الله عليه عمله (المحاسن : ۱۶۸).

جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: اگر بنده ای خدا را عبادت کند هزار سال و بعد او را مثل گوسفند بکشند سپس با بغض و دشمنی ما اهل بیت بیاید، خداوند عملش را بخودش رد میکند.

۲- اَبی سعید الخدری قال : سمعت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : لو أن عبدا عبد الله ألف عام ما بين الركن والمقام ثم ذبح كما يذبح الكبش مظلوما لبعثه الله مع النفر الذين يقتدى بهم ويهتدى بهداهم ويسير بسيرتهم إن جنة فجنة وإن نارا فنار المحاسن : ۶۱. ابو سعید خدری گفت از پیامبر اکرم شنیدم اگر بنده ای خدا را هزار سال بین رکن و مقام عبادت کند آنگاه او را بکشند چنانچه گوسفند را میکشند مظلوم وار خداوند او را مبعوث خواهد کرد با کسانی که ب آنها اقتداء کرده و از هدایت ایشان پیروی می نموده و روش خود آنها را از پیش

گرفته است اگر بهشتی باشند بهشت و اگر جهنمی باشند جهنم:

۳- میسر عن أبيه النخعي قال : قال لي

أبو عبدالله عليه السلام : ياميسر أي البلدان أعظم حرمة ، قال :

فما كان منا أحد يجيبه حتى كان الراد علي نفسه فقال : مكة ، فقال : أي بقاعها أعظم حرمة؟ قال : بين الركن إلى الحجر ، والله لو أن عبداً عبد الله ألف عام حتى ينقطع علباؤه هراماً ثم أتى الله ببغضنا أهل البيت. لرد الله عليه عمله (المحاسن : ۱۶۸).

میسر از پدر خود نخعی. گفت حضرت صادق علیه السّلام بمن فرمود: میسر! کدام یک از شهرها بنظر تو احترام زیادت‌تر دارد هیچ کس نتوانست جواب بدهد. خود امام علیه السّلام فرمود مکه. بعد پرسید کدام قسمت مکه حرمت بیشتر دارد کسی جوابش را نداد خود امام علیه السّلام فرمود: بین رکن تا حجر الاسود بخدا قسم اگر بنده ای هزار سال خدا را عبادت کند تا عصب گردنش قطع شود از پیری بعد با بغض و کینه ما وارد قیامت شود خداوند عمل او را رد میکند.

۴- ومن مناقب الخوارزمي عن علي عليه السلام عن النبي (صلى الله عليه و آله) قال : يا علي لو أن عبداً عبد الله مثل ما قام نوح فقومه وكان له مثل احد ذهباً فأنفقه في سبيل الله ومد في عمره حتى حج ألف



عام علی قدمیه ثم قتل بین الصفا والمروه مظلوما ثم لم یوالکک یا علی لم یشم رائحه الجنه ولم یدخلها . کشف الغمه : ۳۰.

در مناقب خوارزمی از علی علیه السلام از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود یا علی اگر بنده ای عبادت کند خدا را باندازه عمر نوح و برای او مانند (کوه) أحد طلا باشد و آن را در راه خدا انفاق نماید و عمرش دراز شود تا هزار سال پیاده به حج رود و سپس میان صفا و مروه مظلومانه کشته شود و ترا دوست نداشته باشد، بوی بهشت را استشمام نکرده و به آن داخل نخواهد شد.

۵- ورو عن النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ : اَمْتِي اَمْتِي إِذَا اِخْتَلَفَ النَّاسُ بَعْدِي وَصَارُوا فِرْقَةً فِرْقَةً فَاجْتَهِدُوا فِي طَلْبِ الدِّينِ الْحَقِّ حَتَّى تَكُونُوا مَعَ أَهْلِ الْحَقِّ ، فَإِنَّ الْمَعْصِيَةَ فِي دِينِ الْحَقِّ تَغْفِرُ ، وَالطَّاعَةَ فِي دِينِ الْبَاطِلِ لَا تَقْبَلُ . جامع الاخبار : ۲۰۸ ، ط نشر الكتاب.

از پیامبر اکرم نقل شده که فرمود امت من . امت من . زمانی که پس از من مردم اختلاف ورزند و گروه گروه شوند. در چنین موقعی سعی کنید در جستجوی راه واقعی دین با اهل حق باشید زیرا گناه با دین حق و واقعی آمرزیده می شود ولی اطاعت در دین باطل پذیرفته نیست.

ص: ۲۸۱

۶- الثمالي قال : خطب أمير المؤمنين عليه السلام فحمد الله وأثنى عليه ثم قال إن الله اصطفى محمدا بالرساله وأنباه بالوحي فأنال في الناس وأنال ، وفينا أهل البيت معاقل العلم وأبواب الحكمة وضياء الامر ، فمن يحبنا منكم نفعه إيمانه ويقبل منه عمله ، ومن لم يحبنا منكم لم ينفعه إيمانه ولا يتقبل منه عمله بصائر الدرجات : ۱۰۷. ثمالي گفت امير المؤمنين عليه السلام سخنرانی کرد برای مردم پس از حمد و ثنای خدا فرمود: خداوند محمد مصطفی صلی الله علیه و آله را برسالت برگزید و او را بوحی مطلع گردانید مردم را از علم بهره مند گردانید ولی در میان ما خانواده گنجینه علم و درب های حکمت و روشنائی و نور واقعی است هر که ما را دوست بدارد از ایمان خود بهره می برد و عملش قبول می شود هر که از شما ما را دوست نداشته باشد ایمان او را سودی نمی بخشد و عملش را نمی پذیرد.

۷- حضرت زین العابدین علیه السلام گروهی از این امت پس از جدا شدن از ائمه دین و شجره نبوت مدعی اخلاص دینی شدند و خویشان را طرفدار رهبانیت و کناره گیری از دنیا که بر خلاف سنت پیغمبر است نشان میدهند و پیشرفت و ترقی در علوم کرده ایمان را به نیکوترین صورت توصیف

میکنند و خود را آراسته به بهترین روش و سنت مینمایند تا مدتی میگذرد و سفر بطول میانجامد و آزمایش میشوند با گرفتاریهای رادمردان دینی بعقب بر میگردند و از راه هدایت و رستگاری کناره گیری میکنند چنان شانه از زیر بار دیانت خالی میکنند بمانند بچه شترهائی که طاقت بارهای سنگین را ندارند.

و لا تحرز السبق الروایا و ان جرت و لا یبلغ الغایات الا سبوقها

مبادا شترهای آبکش را بمیدان مسابقه ببری گر چه تند رو باشند هرگز بههدف و نشانه ای که در انتهای مسابقه هست نخواهند رسید مگر شترهای تیزرو و آماده مسابقه.

و گروهی دیگر در مورد ما کوتاهی میکنند از متشابهات قرآن دلیل می آورند و با نظر خود آن آیات را تاویل میکنند و اخبار را طبق صلاحدید توجیه مینمایند فرو میروند در گردابههای مسائل مبهم و تاریکی های شدید بی آنکه چراغی روشنی بخش از قرآن بهمراه داشته باشند و معلوماتی از خاندان علم فرا گرفته باشند مردم را با این کار خود از پی حق و واقعیت رفتن باز میدارند و سرگرم این شبها و مبهمات میکنند از گمراهی خود، خیال میکنند واقعیت را آنها کشف کرده اند (و دیگران بر باطلند).

وقد درست أعلام المله ودانت الامه بالفرقه والاختلاف ، يكفر بعضهم بعضا؟! والله تعالى يقول: (ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءتهم البينات) (آل عمران : ١٠١). فمن الموثوق به على إبلاغ الحجه وتأويل الحكمة إلا- أهل الكتاب وأبناء أئمة الهدى ومصايح الدجى الذين احتج الله بهم على عباده ، ولم يدع الخلق سدى من غير حجه؟ هل تعرفونهم أو تجدونهم إلا- من فروع الشجره المباركه ، وبقايا الصفوه الذين أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا وبرأهم من الآفات وافترض مودتهم فى الكتاب؟ هم العروه الوثقى وهم معدن التقى وخير جبال العالمين ونيقها (كشف الغمه : ٢٠٥).

اینک که راهنمایان ملت از بین رفته اند و مردم افتراق و اختلاف را وظیفه خود میدانند و هر دسته دسته دیگر را بکفر نسبت میدهد باید به چه کس پناه برد خداوند تبارک و تعالی می فرماید **وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ** مبادا چون آن دسته از مردم شوید که باختلاف و جدائی روی آوردند بعد از اینکه دلائل آشکار برای ایشان آمد.

به چه کس میتوان اعتماد کرد که حجت را برساند و حکمت را توجیه و تاویل کند؟ جز باهل کتاب و فرزندان ائمه

هدی و چراغهای روشنی بخش تاریکی. همان کسانی که خداوند بوسیله ایشان حجت را بر مردم تمام کرده و مردم را مهمل وانگذاشته بی آنکه راهنمایی داشته باشند. آیا ایشان را میشناسید و آیا جز شاخه های درخت تناور نبوت و بازماندگان خاندان بر- گزیده رسالت هستند که خداوند ایشان را از هر پلیدی بدور داشته و پاک و پاکیزه شده اند و از آفات دورشان داشته و محبت با آنها را در کتاب خود واجب نموده.

هم العروه الوثقی و هم معدن التقی و خیر جبال العالمین و نیقها

آنها دستاویز محکم و پایگاه تقوی و پرهیزکاریند بهترین افراد جهان و بلندپایه ترین مردم دنیا هستند.

### روایت از ابی هریره در باره محبت علی علیه السلام

۸- بالاسناد یرفعه إلی ابی هریره قال : مرّ علی بن ابی طالب علیه السلام بنفر من قریش فی المسجد فتغامزوا علیه فدخل علی رسول الله (صلی الله علیه و آله) فشکاهم إلیه فخرج علیه السلام وهو مغضب فقال لهم : أیها الناس مالکم إذا ذکر إبراهیم و آل إبراهیم أشرقت وجوهکم ، وإذا ذکر محمد و آل محمد قست قلوبکم ، وعبست

ص: ۲۸۵

وجوهکم؟ والذی نفسی بیده لو عمل أحدکم عمل سبعین نبیا لم یدخل الجنة حتی یحب هذا أخی علیا وولده ، ثم قال علیه السلام :

إن لله حقا لا یعلمه إلا أنا وعلی ، وإن لی حقا لا یعلمه إلا الله وعلی ، وله حق لا یعلمه إلا الله وأنا(الفضائل. الروضه : ۱۴۷).

سند را میرساند به ابو هریره گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام از کنار چند نفر قریشی رد شد در مسجد الحرام. آنها با چشم بر او خورده گرفتند.

خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسید و شکایت آنها را خدمت ایشان نمود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خارج شد با خشم. بآنها فرمود: مردم شما را چه می شود وقتی اسم ابراهیم و آل ابراهیم را میشنوید چهره تان شاد و خندان است وقتی نام محمد و آل محمد را میشنوید دلهایتان تیره میگردد و چهره تان در هم می شود. قسم بکسی که جانم در دست اوست اگر یکی از شما عمل هفتاد پیامبر را انجام دهد داخل بهشت نمیشود مگر اینکه دوست داشته باشد این برادرم علی و فرزندانش را سپس فرمود خداوند را حقی است که جز من و علی نمیداند و مرا حقی است که نمیداند آن را جز خدا و علی و از برای علی حقی است که نمیداند آن را جز خدا و من.

۹- حبيب السجستاني از أبي جعفر الباقر عن آباءه عن علي عليه السلام عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) عن جبرئيل عن الله عزوجل قال: وعزتي وجلالي لاعذبن كل رعيه في الاسلام دانت بولايه إمام جائر ليس من الله عزوجل وإن كانت الرعيه في أعمالها بره تقيه، ولا عفون عن كل رعيه دانت بولايه إمام عادل من الله تعالى وإن كانت الرعيه في أعمالها طالحه مسيئه امالي الشيخ:

۴۶

حبيب سجستاني از امام باقراز پدراناش از علي عليهم السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله از جبرئيل از خدای عز وجل فرمود: فسم به عزت و جلالم البته عذاب خواهم کرد تمام افراد مسلمانهاى را که، به ولايت امام ستمگر که از سوى خدای عز وجل نباشد، نزدیک شود اگرچه آن افراد در عملهايشان نيکی کننده و پرهيزکار باشند و البته می بخشم تمام کسانی را که به ولايت امام عادل (تعيين شده) از جانب خدای تعالى، باشد نزدیک شوند اگرچه آنها در اعمالشان بد و طالح باشند.

۱۰- قال عبدالله بن أبي يعفور: سألت أبا عبدالله الصادق عليه السلام: ما العله أن لا دين لهؤلاء وما عتب لهؤلاء قال: لان سيئات الامام الجائر تغمر حسنات أوليائه وحسنات الامام

ص: ۲۸۷

عبد الله بن ابی یغفور گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم بچه علت اینها دین ندارند و آنها را کسی سرزنش نمیکند فرمود: برای اینکه کارهای بد امام ستمگر نیکی های پیروانش را نابود میکند و حسنات امام عادل موجب چشم پوشی از گناهان پیروانش میگردد.

۱۱- یزید بن فرقد النهدی قال : قال جعفر ابن محمد علیهما السلام فی قوله تعالی : « یا أئیها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و لا تُبطلوا أعمالکم » یعنی إذا أطاعوا الله و أطاعوا الرسول ما یبطل أعمالکم ، وقال : عداوتنا تبطل أعمالهم تفسیر فرات : یزید بن فرقد نهدی گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود: در مورد آیه یا أئیها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و لا تُبطلوا أعمالکم وقتی اطاعت از خدا و پیامبر بکنند اعمالشان باطل نمیشود. و فرمود دشمنی با ما اعمال آنها را باطل میکند.

۱۲- ابی حمزه قال : سمعت أبا عبدالله علیه السلام یقول :

من خالفکم وإن تعبد (عبد). واجتهد منسوب إلی هذه الآیه:

وَجُوهٌ یَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ . عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلٰی نَارًا حَامِیَةً .

(غاشیه آیات ۴-۲) (تفسیر القمی : ص ۷۲۳).



ابو حمزه گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: هر کس مخالف شما باشد گر چه پیوسته عبادت کند و کوشش نماید مشمول این آیه می شود و جَوْهٌ یَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ . عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً .

غاشیه : ۲ چهره هایی در آن روز خاشع و ذلت بارند،

غاشیه : ۳ آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده اند (و نتیجه ای عایدشان نشده است)، غاشیه : ۴ و در آتش سوزان وارد می گردند؛

۱۳- عبد الرحمان بن کثیر از ابي عبدالله عليه السلام در باره آیه: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا (الانعام : ۱۶۰). قال :

هی للمسلمین عامه ، والحسنه الولایه ، فمن عمل من حسنه کتبت له عشرافان لم یکن ولایه دفع عنه بما عمل من حسنته فی الدنیا وماله فی الآخره من خلاق . (تفسیر القمی : ۴۸۰ و ۴۸۱).

عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السلام در مورد آیه مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا فرمود: این آیه مربوط بعموم مسلمین است و حسنه عبارت از ولایت است هر کسی کار نیکی بکند برای او ده برابر نوشته می شود اگر ولایت نداشته باشد پاداش او را در مقابل عمل نیکش در دنیا میدهند و در آخرت او را بهره ای نیست.

اخبار با سندهای زیادی در ابواب تفسیر آیات مربوط به ولایت و امامت در مجلدات امامت و نصوص بر امامت امیر مؤمنان علیه السلام بحار الانوار وجود دارد طالبین به آنجا مراجعه نمایند.

۱۴- میسر (میسره). قال : كنت عند أبي جعفر عليه السلام وعنده في الفسطاط نحو من خمسين رجلا فجلس بعد سكوت منا طويلا ، فقال : مالكم (لاتنطقون) لعلكم ترون أنى نبي الله؟ والله ما أنا كذلك ، ولكن لى قرابه من رسول الله صلى الله عليه وآله و ولاده. فمن وصلنا وصله الله ، ومن أحبنا أحبه الله عزوجل ، ومن حرمانا حرمه الله أفقدرون أى البقاع أفضل عند الله منزله؟ فلم يتكلم أحد منا ، فكان هو الراد على نفسه قال :

ذلك مكة الحرام التي رضيها الله لنفسه حرما وجعل بيته فيها. ثم قال : أتدرون أى البقاع أفضل فيها عند الله حرمه فلم يتكلم أحد منا فكان هو الراد على نفسه فقال : ذلك المسجد الحرام ، ثم قال : أتدرون أى بقعه فى المسجد الحرام أفضل عند الله حرمه؟ فلم يتكلم أحد منا فكان هو الراد على نفسه فقال :

ذاك بين الركن والمقام وباب الكعبه ، وذلك حطيم إسماعيل عليه السلام ذاك الذى كان يزود فيه غنيماته ويصلى فيه ، والله لو أن عبدا صف قدميه فى ذلك المكان قام

اللیل مصلیا حتی یجیئه النهار وصام النهار حتی یجیئه اللیل ولم یعرف حقنا وحرمتنا أهل البیت لم یقبل الله منه شیئا أبدا. ثواب الاعمال : ۱۹۷ و ۱۹۸).

میسر گفت خدمت حضرت باقر علیه السّلام در خیمه حدود پنجاه نفر بودند امام علیه السّلام در حالی که ما مدتی سکوت کرده بودیم نشسته بود فرمود شما را چه شده شاید خیال میکنید من پیامبرم. بخدا قسم من چنین نیستم.

ولی من با پیغمبر خویشاوندی دارم و از اولاد اویم هر که با ما به پیوندد خدا با او می پیوندد و هر که ما را دوست بدارد خدا او را دوست میدارد و هر که ما را محروم نماید خدا محرومش میکند آیا شما میدانید کدامیک از محل ها در نزد خداوند با ارزشتر است هیچ کدام از ما سخنی در پاسخ نگفت. خود آن جناب فرمود آن محل مکه است که آنجا را برای خود حرم قرار داده و خانه اش را آنجا قرار داده.

سپس فرمود: آیا میدانید چه محلی در نزد خدا احترام بیشتر دارد.

هیچ کدام از ما در جواب سخنی نگفتیم خود آن جناب در جواب خویش فرمود: آن محل بین رکن و مقام و درب کعبه است و این محل همان محلی است که اسماعیل علیه السّلام

ص: ۲۹۱

گوسفندان خود را علوفه میداد و نماز میخواند. قسم بخدا اگر بنده ای بپا بایستد در این محل شب را تا بصریح نماز بخواند و روز را تا شب روزه بدارد ولی عارف بحق و حرمت ما اهل بیت نباشد خداوند هرگز از او چیزی را قبول نخواهد کرد.

تفسیر فرات: حسین بن سعید باسناد خود از امام باقر علیه السلام همان خبر را نقل کرده و در آخر آن افزوده است پدر ما ابراهیم خلیل از چیزهایی که با خدا قرار گذاشت. این بود که گفت خدایا دلهای مردم را متوجه و علاقمند بخاندان و فرزندان من بگردان. منظور ابراهیم همه مردم نبود. شما اولیا ما و کسانی که شبیه شمایند اولیای او هستید. شما در میان مردم مانند یک موی سیاه در پیکر گاوی سفید و مانند موی سفیدی در گاو سیاهی هستید. سزاوار است مردم حج خانه خدا را بجا آورند و ما را احترام و تعظیم کنند بواسطه عظمتی که خدا بما عنایت کرده و با ما برخورد کنند با مقامی که ما داریم ما راهنمایان بسوی خدا هستیم.

در المحاسن : ۹۱ و ۹۲. نیز این روایت آمده است.

۱۵- ابن مسکان أبی عبدالله عن آبائه : قال : مر موسى بن عمران عليه السلام برجل رافع يده إلى السماء يدعو فانطلق موسى في حاجته فغاب عنه سبعة أيام ثم رجع إليه وهو رافع

ص: ۲۹۲

یدیه یدعو ویتضرع ویسأل حاجته ، فأوحی الله عزوجل إلیه :

یاموسی لو دعانی حتی تسقط لسانه ما استجبت له حتی یأتینی من الباب الذی امرته به قصص الانبیاء : المخطوط.

ابن مسکان از حضرت صادق از آباء گرامش علیهم السّلام نقل کرد که موسی بن عمران بمردی گذشت که دست بسوی آسمان بدعا برداشته بود موسی بدنبال کار خود رفت هفت روز گذشت که ب آن محل نیامد پس از هفت روز برگشت دید دستش را بلند کرده و دعا میکند و زاری و تضرع دارد و حاجت خود را از خدا میخواهد خداوند بموسی وحی کرد که ای موسی اگر آنقدر دعا کند که زبانش قطع شود دعایش را مستجاب نمی کنم مگر اینکه بدر خانه من بیاید از راهی که باو دستور داده ام.

توضیح: یعنی از راه ولایت انبیاء و اوصیای آنها و پیروی از ایشان.

۱۶- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس زکات را به مستحق آن برساند و نماز را طبق شرایطش بجا آورد و کار ناشایستی هم انجام ندهد که موجب بطلان نماز و زکاتش گردد روز قیامت که می آید هر کس در محشر است بر مقام او حسرت میخورد و ببالاترین غرفه های بهشتی و عالی ترین درجات آن میرسد در حضور خاندان پیامبر اکرم

ص: ۲۹۳

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ و آله و سَلَّمَ است که آنها را دوست میداشت.

و هر کس در پرداخت زکات بخل ورزد ولی نماز بجای آورد. نماز او را در بین آسمان نگه می دارند تا موقعی که زکاتش را پردازد اگر پرداخت کرد آن زکات بصورت بهترین مرکب برای نماز می شود و آن را بطرف عرش بالا می برد.

خداوند می فرماید بجانب بهشت برو در میان بهشت بتاز تا روز قیامت بهر کجا که تاختن تو منتهی شد تمام آن ها از کسی است که ترا فرستاده.

آن مرکب در بهشت میدود هر دویدن او باندازه یک سال راه است بمقدار دید چشمش از آن روز تا روز قیامت بالاخره تا روز قیامت بهر کجا خدا بخواهد منتهی می شود تمام این مقامات متعلق باو است برابر همین مقدار از طرف راست و چپ و پیش رو و عقب و بالا و پائین باو می دهند.

اگر نسبت به پرداخت زکات بخل ورزد و پردازد نمازش را باو رد میکنند

و چون جامه کهنه ای درهم می پیچند و بصورتش میزنند باو می گویند ای بنده خدا با این نماز بدون زکات چه میکنی اصحاب پیامبر صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ و آله گفتند چقدر بد- بخت و بیچاره است بخدا قسم این شخص. پیامبر اکرم فرمود

میخواهید بدبخت تر از او را معرفی کنم. گفتند آری .. فرمود مردی که در جهاد و پیکار راه خدا شرکت کند و در این راه کشته شود در حال حمله بدشمن نه فرار. حوران بهشتی و خزینه داران آنجا انتظار آمدن روح او را دارند و فرشته های زمین پیوسته انتظار آمدن حوران بهشتی را دارند که بسوی او بیایند با ملائکه و خزان بهشت، اما نمی آیند.

فرشته های زمین که اطراف این مقتول هستند میگویند چرا حوران بهشتی پیش این شخص نیامدند و چرا خازنان بهشت نمی آیند. از بالای آسمان هفتم بان ها می گویند: ای ملائکه بافق آسمان ها و پائین آن تماشا کنید. توحید و ایمان به پیامبر و نماز و زکات و صدقه و اعمال نیکوی او را می بینید در آسمان نگه داشته شده درهای آسمان بروی آنها بسته است همچون قافله ای بزرگ شرق و غرب و شمال و جنوب را فرا گرفته اند ملائکه ای که مأمور حمل این اعمال هستند فریاد میزنند چه شده که درب های آسمان را نمی گشایند تا داخل شویم با اعمال این شهید.

خداوند دستور میدهد درب های آسمان باز می شود.

سپس ندائی میرسد ای ملائکه اگر می توانید داخل شوید بال و پر آنها توان ندارد و نمی توانند با آن اعمال بالا روند.

میگویند خدایا ما نمی توانیم با این اعمال بالا بیائیم منادی پروردگار فریاد میزند ای ملائکه شما نمی توانید این اعمال سنگین را بالا بیاورید باید مرکب های مخصوص آن ها این اعمال را بیاورند و در بهشت قرار دهند.

ملائکه میگویند مرکب مخصوص آن ها چیست؟

فیقول الملائکه : یاربنا ما مطایاها؟ فیقول الله تعالی : وما الذی حملتم من عنده؟ فیقولون : توحیده لک وإیمانہ بنبیک ، فیقول الله تعالی : فمطایاها موالاه علی أخی نبیی ، وموالاه الائمه الطاهرین ، فان أتت فهی الحامله الرافعه الواضعه لها فی الجنان ، فیظنرون فاذا الرجل مع ماله من هذه الاشياء لیس له موالاه علی والطیبین من آله ومعاده أعدائهم ، فیقول الله تبارک وتعالی للاملاک الذین کانوا حاملیها : اعتزلوها والحقوا بمراکزکم من ملکوتی لیأتیها من هو أحق بحملها ووضعه فی موضع استحقاقها ، فتلحق تلك الاملاک بمراکزها المجعوله لها.

ثم ینادی منادی ربنا عزوجل : یا أیتها الزبانیه تناولیها وحطیها إلی سواء الجحیم لان صاحبها لم یجعل لها مطایا من موالاه علی علیه السلام والطیبین من آله ، قال :

کله له ومثله عن یمینه وشماله وأمامه وخلفه وفوقه وتحتہ ، فان بخل بزکاته ولم یؤدها امر بالصلاه فردت إلیه ولفت کما



يلف الثوب الخلق ثم يضرب بها وجهه ويقال له : يا عبد الله مات صنع بهذا دون هذا؟

قال : فقال له أصحاب رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : ما أسوأ حال هذا والله قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أولاً انبئكم بأسوأ

حالا من هذا؟ قالوا : بلى يا رسول الله قال : رجل حضر الجهاد في سبيل الله فقتل مقبلاً غير مدبر والحوار العين يطلعن إليه وخزان الجنان يتطلعون ورود روحه عليهم ، أملاك السماء وأملاك الأرض . يتطلعون نزول حور العين إليه ، والملائكة وخزان الجنان لا يردون عليه فلا- يأتونه فتقول ملائكة الأرض حوالى ذلك المقتول : ما بال الحور العين لا ينزلن إليه؟ وما بال خزان الجنان لا يردون عليه ، فينادون من فوق السماء السابعة :

يا أيتها الملائكة انظروا إلى آفاق السماء ودوينها ، فينظرون فإذا توحيد هذا العبد وإيمانه برسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وصلاته وزكاته وصدقته وأعمال بره كلها محبوسات دوين السماء قد طبقت آفاق السماء كلها كالقافلة العظيمة قد ملات ما بين أقصى المشارق والمغارب ومهاب الشمال والجنوب ، تنادى أملاك تلك الاثقال الحاملون لها الواردون بها : ما بالنا لا تفتح لنا أبواب السماء لندخل إليها بأعمال هذا الشهيد. وهو يشك فينا .امالى المفيد : ٢.

ص: ٢٩٧

می فرماید: چه عملی از او آورده اید. می گویند اعتقاد بوحدانیت تو و ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خداوند

میفرماید: مرکب این اعتقادهای دوستی علی برادر پیامبر است و دوستی ائمه طاهرين عليهم السلام اگر این موالات را دارد میتواند این اعمال را به بهشت برساند وقتی دقت میکنند می بینند با تمام این اعمالی که دارد موالات با علی و ائمه طاهرين و دشمنی با دشمنان آن ها را ندارد. خداوند بملائکه می فرماید این اعمال را رها کنید و بروید بمحل خود از ملکوت تا آنها که شایسته حمل و بردن این اعمال هستند بیایند و آنها را بجائی که شایسته است ببرند آن فرشته ها میروند بمحلی که مخصوص آنها است.

سپس خداوند به شراره های آتش دستور میدهد آنها را فرا می گیرند و بداخل جهنم می کشانند زیرا صاحب این اعمال دارای مرکب ولایت علی و ائمه طاهرين عليهم السلام نیست.

آن ملائکه این اعمال را بدل بگناه و بلا میکنند بواسطه نداشتن محبت علی امیر المؤمنین علیه السلام خداوند این ملائکه را بر آن اعمال بصورت شیرها مسلط می گرداند و آن اعمال شبیه کلاغ و سوسک هستند از دهان این شیرها شراره هائی خارج می شود و آن اعمال را می سوزاند تمام

اعمالش از بین می‌رود فقط می‌ماند دوستی او با دشمنان علی علیه السلام و انکار ولایت علی علیه السلام این عمل را در وسط جهنم قرار می‌دهند. در این موقع اعمالش نابود شده و گناهانش افزون گردیده این شخص بدتر است از کسی که مانع زکات باشد با انجام دادن نماز.

این روایت در کتابهای کتزالدقائق و جامع الفوائد: عده الداعی نیز از محمد بن مسلم آمده است.

بیان: إنما مثلنا، أي مثل أصحابنا وأهل زماننا، أو المراد بمثل أهل البيت مثل صاحب أهل بیت.

### منظور از آیه وَاِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ... چیست؟

۱- اَبی ذر الغفاری قدس سرّه فی قول الله تعالی: (وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى) قال: آمن بما جاء به محمد (صلی الله علیه و آله) وعمل صالحا قال: أداء الفرائض، ثم اهتدى إلى حب آل محمد.

وسمعت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَا يَنْفَعُ أَحَدَكُمْ الثَّلَاثَةُ حَتَّى يَأْتِيَ بِالرَّابِعَةِ، فَمَنْ شَاءَ حَقَّقَهَا وَمَنْ شَاءَ كَفَّرَ بِهَا، فَانَا مَنَازِلُ الْهَدَى (منار الهدى).

وأئمه التقى وبنا يستجاب الدعاء ويدفع البلاء وبنا ينزل الغيث من السماء ودون علمنا تكل ألسن العلماء ونحن باب حطه وسفينه نوح ، ونحن جنب الله الذى ينادى من فرط فينا يوم القيامة بالحسره والندامه ، ونحن جبل الله المتين الذى من اعتصم به هدى إلى صراط مستقيم ، ولا- يزال محبنا منفيا مؤذيا منفردا مضروبا مطرودا مكذوبا محزونا باكى العين حزين القلب حتى يموت ، وذلك فى الله قليل (تفسير فرات : ٩٤).

تفسير فرات: ابو ذر غفارى در آيه وَ اِنِّى لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ اٰمَنَ وَ عَمِلَ صٰلِحًا ثُمَّ اهْتَدٰى گفت: يعنى ايمان ب آنچه پيامبر اكرم آورده بياورد و عمل صالح يعنى انجام واجبات (ثم اهتدى) يعنى هدايت بحب و علاقه ب آل محمد صلى الله عليه و آله پيدا کند.

گفت از پيامبر اكرم شنيدم ميفرمود: قسم ب آن كس كه مرا به پيامبرى برگزيد آن سه قسمت اول برايتان سودى نخواهد بخشيد مگر اينكه چهارمى را بجا آوريد. هر كه مايل است پذيرد و هر كه مايل نيست كفر ورزد ما پاىگاه هاى هدايت و پيشواى پرهيزكاران هستيم دعا بوسيله ما مستجاب مى شود و بلا بوسيله ما دفع ميگردد باران از آسمان بوسيله ما مى بارد در مقابل علم ما زبان دانشمندان لال است ما درب حطه و

کشتی نوح هستیم ما جنب الله میباشیم که در روز قیامت هر کسی کوتاهی در مورد ما کرده باشد با حسرت و پشیمانی روبرو است. ما ریسمان محکم پروردگاریم که هر کسی ب آن چنگ زند براه مستقیم هدایت یافته پیوسته دوست ما در حال انزوا و آزار و کتک و تبعید و تهمت و حزن و اشک و اندوه بسر می برد تا از دنیا برود و این پیش آمدها در راه خدا چیز اندکی است.

۲- جعفر بن موسی معننا عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله تعالى : (وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى ) قال : إلى ولايتنا . تفسير فرات : ۹۱.

جعفر بن موسی سند را بحضرت باقر میرساند که در باره آیه وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى فرمود هدایت بولایت ما بیابند.

۳- کتاب فضائل الشیعه للصدوق ؛ عن داود الرقی قال : دخلت علی

أبي عبدالله عليه السلام فقلت له : جعلت فداك قوله تعالى :

(وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى ) فما هذا الهدى بعد التوبه والايمان والعمل الصالح؟ قال : فقال : معرفه الائمه والله إمام بعد إمام . فضائل الشیعه : ۲۶ و ۲۷.

کتاب فضائل الشیعه صدوق رحمه الله علیه: داود رقی

گفت خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم عرض کردم فدایت شوم در مورد آیه وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى این هدایت چیست که بعد از توبه و ایمان و عمل صالح قرار گرفته فرمود معرفت ائمه است بخدا قسم امام ها یکی پس از دیگری.

۴- یعقوب بن شعیب قال : سألت أبا عبدالله عليه السلام عن قول الله تبارك وتعالى: « وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى قال : ومن تاب من ظلم و آمن من كفر و عمل صالحا ثم اهتدى إلى ولايتنا ، وأوماً بیده إلى صدره . (بصائر الدرجات : ۲۳).

یعقوب بن شعیب گفت: از حضرت صادق علیه السلام راجع ب آیه وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى پرسیدم فرمود هر کس توبه از ظلم کند و ایمان آورد از کفر و عمل صالح انجام دهد سپس هدایت یابد بولایت ما با دست اشاره بسینه خود کرد.

۵- عبید بن کثیر معننا عن أبي جعفر محمد بن عليهما السلام قال : قال الله تعالى في كتابه: « وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى » قال : والله لو أنه تاب و آمن و عمل صالحا ولم يهتد إلى ولايتنا و مودتنا و يعرف فضلنا ما

حضرت باقر عليه السلام فرمود: خداوند در قرآن میفرماید وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى فرمود: بخدا قسم اگر توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و هدایت بولایت و محبت ما نیابد و مقام ما را نشناسد این اعمال او را سودی نخواهد بخشید.

٦- سعد بن طریف قال : كنت جالسا عند أبي جعفر عليه السلام فجاءه عمرو بن عبید فقال : أخبرني عن قول الله تعالى :

«وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى \* وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى » قال له أبو جعفر عليه السلام : قد أخبرك أن التوبه والایمان والعمل الصالح لا يقبل إلا بالاهتداء أما التوبه فمن الشرك بالله ، وأما الايمان فهو التوحيد لله ، وأما العمل الصالح فهو أداء الفرائض ، وأما الاهتداء فبولاه الامر ونحن هم فإنما على الناس أن يقرأوا القرآن كما انزل ، فاذا احتاجوا إلى تفسيره فالاهتداء بنا وإلينا ياعمر و تفسير فرات : ٩١ و ٩٢. سعد بن طریف گفت خدمت حضرت باقر عليه السلام بودم که عمرو بن عبید آمده گفت در مورد آیه وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى . وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى

توضیح بفرمائید حضرت باقر فرمود: خداوند میفرماید که توبه و ایمان

و عمل صالح را نمی پذیرد مگر با هدایت یافتن اما توبه یعنی از شرک توبه نمودن اما ایمان یعنی نسبت بیکتائی خدا و توحید اما عمل صالح انجام واجبات است ولی هدایت یافتن یعنی اعتقاد بولایت امر و ما آن اولو الامر هستیم مردم باید قرآن را آن طور که نازل شده بخوانند در هر مورد احتیاج به تفسیر آن پیدا کردند راهنمایی بوسیله ما است و بما بر میگردد ای عمرو!

۷- حارث بن یحیی از اَبی جعفر علیه السلام فی قول الله:

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى « طه :

۸۴. قال : ألا ترى كيف اشترط ولم تنفعه التوبة أو الايمان والعمل الصالح حتى اهتدى ، والله لو جهد أن يعمل بعمل ما قبل منه حتى يهتدى قال : قلت : إلى من ؟ جعلني الله فداك ، قال : إلينا.

(تفسیر القمی : ص ۴۲۰).

حارث بن یحیی از حضرت باقر علیه السلام در باره آیه وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى فرمود دقت میکنید چگونه شرط شده، توبه و ایمان و عمل صالح برایش سودی ندارد مگر وقتی که هدایت یابد.

ص: ۳۰۴



قسم بخدا اگر کوشش خود را بکار برد که عمل کند از او نمی پذیرند مگر وقتی هدایت یابد. گفتم هدایت بسوی چه کس؟ فرمود بسوی ما.

این روایت با سندهای دیگر نیز آمده است .

### کمال دین ولایت ماست

۱- وَ رَوَى عَنِ الرَّضَاعِ أَنَّهُ قَالَ: كَمَالُ الدِّينِ وَ لَابِتْنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ عِدُونِنَا ثُمَّ قَالَ الصَّفْوَانِيُّ وَ اعْلَمَ أَنَّهُ لَا يَتِمُّ الْوَلَايَةُ وَ لَا تَخْلُصُ الْمَحَبَّةُ وَ لَا تَثْبُتُ الْمَوَدَّةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا بِالْبِرَاءَةِ مِنْ عِدُوِّهِمْ قَرِيباً كَانَ أَوْ بَعِيداً فَلَا تَأْخُذُكَ بِهِ رَأْفَةٌ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لَا تَجِدُ قَوْماً يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ الْآيَةَ. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: کمال دین با ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما است.

سپس صفوانی مینویسد باید توجه داشت که ولایت تکمیل نمیشود و همچنین محبت و مودت خاندان نبوت خالص نیست مگر با بیزاری از دشمنانشان چه خویشاوند او

ص: ۳۰۵

باشد یا غیر خویشاوند مبدا دلسوزی در این مورد موجب ضعف برائت و بیزاری شود، زیرا خداوند در این آیه میفرماید: لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ .

نخواهی یافت گروهی را که ایمان بخدا و پیامبر و روز قیامت دارند دوست داشته باشند دشمنان خدا و پیامبر را گرچه پدر یا فرزند یا برادر یا خویشاوند آن ها باشد.

### خداوند مردم را به پنج کار مأمور نموده

۱- المجالس للمفید أبی ہارون العبدی قال: کُنتُ أَرَى رَأَى الْخَوَارِجِ لَمَّا رَأَى لِي غَيْرُهُ حَتَّى جَلَسْتُ إِلَى أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ أَمَرَ النَّاسُ بِخَمْسٍ فَعَمِلُوا بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا وَاحِدَةً فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا بَا سَعِيدٍ مَا هَذِهِ الْأَرْبَعُ الَّتِي عَمِلُوا بِهَا قَالَ الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالْحَيْجَّ وَصَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ قَالَ فَمَا الْوَاحِدَةُ الَّتِي تَرَكُوهُمَا قَالَ وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ الرَّجُلُ وَإِنَّهَا الْمُفْتَرَضَةُ مَعَهُنَّ قَالَ أَبُو سَعِيدٍ نَعَمْ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ قَالَ الرَّجُلُ فَقَدْ كَفَرَ النَّاسُ إِذْ قَالَ أَبُو سَعِيدٍ فَمَا ذَنْبِي . مجالس المفید: ۸۲.

مجالس مفید: ابو هارون عبدی گفت من عقیده ی خوارج

را داشتیم جز این رای را نمی پسندیدیم تا با ابو سعید خدری رحمه الله علیه برخورد کردم شنیدم میگفت مردم را خداوند به پنج کار مأمور نموده که چهار عمل را انجام میدهند و یکی را رها کرده اند. شخصی گفت آن چهار چیز که انجام میدهند چیست؟

گفت نماز زکات حج، و روزه ماه رمضان و آنچه ترک کرده اند چیست؟ گفت: ولایت علی بن ابی طالب. آن مرد گفت ولایت نیز مثل آن چهار چیز واجب است. ابو سعید گفت آری قسم پروردگار کعبه. آن مرد گفت پس در این صورت مردم کافر شده اند. ابو سعید جواب داد مرا چه گناهی است.

۲-المجالس للمفید الثمالی عن أبي جعفر قال: بِنَى الْإِسْلَامِ عَلَى خَمْسِهِ دَعَائِمٌ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ حَجُّ الْبَيْتِ وَ الْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ .

مجالس المفید: ۲۰۹.

مجالس مفید: ثمالی از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود اسلام بر پنج پایه نهاده شده. نماز خواندن و زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و ولایت ما اهل بیت.

۳-المحاسن علی بن عثمان بن رزین عمن رواه عن أمير

ص: ۳۰۷

الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: سِتُّ خَصِيَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَا نَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ عَن يَمِينِهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ الَّذِي يُحِبُّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ يَكْرَهُ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ وَ يُنَاصِحُهُ الْوَلَايَةَ وَ يَعْرِفُ فَضْلِي وَ يَطَأُ عَقْبِي وَ يَنْتَظِرُ عَاقِبَتِي. المحاسن: ٩ و ١٠.

محاسن: علی بن عثمان بن زرین از دیگری روایت کرد که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود شش امتیاز است هر که دارای آن باشد در پیشگاه پروردگار است و در طرف راست او است (یعنی خیلی مورد توجه خدا است).

: خداوند دوست دارد مسلمانی را که برای برادر خود دوست بدارد آنچه را برای خود دوست میدارد و ناپسند شمارد برای او آنچه برای خود ناپسند می‌شمارد و ولایت را به او سفارش دهد و آشنا بمقام من باشد و پیروی از من کند و منتظر عاقبت من باشد.

شاید منظور حضرت از عاقبتی انتظار دولت خود و فرزندان در رجعت و یا منتظر ظهور امام غائب روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء باشد.

### سوال از چهار چیز

١- الأمالی للشیخ الطوسی أبی بُرْدَةَ الْأَسْلَمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ

ص: ٣٠٨

اللَّهُ صَ يَقُولُ لَا يَرْوُلُ قَدَمٌ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ جَسَدِهِ فِيمَا أَتْلَاهُ وَعَنْ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِمَّا اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ . أمالی الشيخ: ۲۵ و ۲۶.

مجالس مفید: ابو برده اسلمی گفت از پیامبر اکرم شنیدم می فرمود: قدم بر نمی دارد بنده در روز قیامت مگر اینکه از چهار چیز از او بازخواست میکنند. از بدن و پیکرش که در چه راه آن را فرسوده کرده و از عمرش که در چه راه فانی کرده و از مالش که از چه راه بدست آورده و در چه راه خرج کرده و از حب ما اهل بیت.

### علی حجت من است بر مخلوقاتم

۱- وَ بِإِشْنَادِهِ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَاعَ يُحَدِّثُ عَنْ آبَائِهِ عَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي وَ نُورِي فِي بِلَادِي وَ أَمِينِي عَلَى عِلْمِي لَا أُدْخِلُ النَّارَ مَنْ عَرَفَهُ وَ إِنْ عَصَانِي وَ لَا أُدْخِلُ الْجَنَّةَ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ إِنْ أَطَاعَنِي . إيضاح دفاثن النواصب: ۳۲.

با همان سند از ابا صلت هروی نقل میکند که گفت از حضرت رضا شنیدم که از آباء گرام خود از امیر المؤمنین

صلوات الله عليه از پیامبر اکرم نقل میکرد که میفرمود از خداوند تبارک و تعالی شنیدم میفرمود علی بن ابی طالب حجت من بر مردم و نور من در بلادم و امین من در علم من است. داخل آتش نمیکنم کسی که او را بشناسد گر چه معصیت مرا کرده باشد و داخل بهشت نمیکنم کسی را که منکر او باشد گر چه اطاعت مرا نموده باشد.

### جواز عبور از صراط، ولایت علیست

در فصل عمر بن خطاب روایاتی در تفسیر آیه مبارکه «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُلُونَ» روایاتی از خلفاء و بزرگان اهل سنت گذشت منظور سؤال از ولایت علی علیه السلام و هر کس از آنحضرت جواز عبور نداشته باشد، با سر به قعر جهنم خواهد افتاد، برای مزید اطلاع به روایات ذیل توجه نمائید.

۱- وَبَسَّيْنَدَيْنِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيُّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الْحَوْضِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ جَاءَ بِجَوَازٍ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ . العمدة: ۱۵۷.

و با دو سند از ابن عباس پیامبر اکرم فرمود: علی علیه السلام روز قیامت کنار حوض کوثر است داخل بهشت نخواهد شد احدی مگر با اجازه عبور از علی بن ابی طالب

علیه السلام.

۲- وَ مِنْ مَنَاقِبِ ابْنِ الْمَعَاذِلِيِّ، يَأْتِيَنَاهُ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ نُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ لَمْ يَجُزْ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ كِتَابٌ وَلَا يَهْ عَلَيْهِ بِنِ أَبِي طَالِبٍ ع. از مناقب ابن مغازلی باسناد خود از انس نقل میکند که گفت پیامبر اکرم فرمود روز قیامت صراط را بر کنار جهنم نصب میکنند از روی آن رد نمیشود مگر کسی که با خود نوشته ی ولایت علی بن ابی طالب را داشته باشد.

۳- عبدالله بن عمر از رسول خداصلی الله علیه و آله ... آگاه باشید هر کسی علی را دوست داشته باشد از صراط رد می شود مانند برق جهنده و هیچ مشکلی را نخواهد دید.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد برای او برات آزادی از جهنم و آزادی از نفاق و عبور از صراط و امان از عذاب مینویسند.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد نامه عملش باز نمیشود و برایش ترازوی حساب نمیگذارند باو گفته می شود داخل بهشت بشو بدون حساب.

بدانید هر کسی علی را دوست داشته باشد از حساب و میزان و صراط در امان است...ایضاح دفائن النواصب: ۲۶-۲۴.

ص: ۳۱۱

۴- ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله ... ثُمَّ يَا مُرَّ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُعَقِّدَ عَلَيَّ الصِّرَاطِ سَبْعَ قَنَاطِرَ طُولُ كُلِّ قَنْطَرَةٍ سَبْعَةَ عَشَرَ أَلْفَ فَرْسَخٍ وَعَلَى كُلِّ قَنْطَرَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْأَلُونَ هَذِهِ الْأُمَّةَ نِسَاءَهُمْ وَرِجَالَهُمْ عَلَى الْقَنْطَرَةِ الْأُولَى عَنْ وَلِيَّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ فَمَنْ أَتَى بِهِ حِزَاةَ الْقَنْطَرَةِ الْأُولَى كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ وَمَنْ لَا يُحِبُّ أَهْلَ بَيْتِهِ سَقَطَ عَلَيَّ أُمَّ رَأْسِهِ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ وَلَوْ كَانَ مَعَهُ مِنْ أَعْمَالِ الْبِرِّ عَمَلٌ سَبْعِينَ صِدْقًا. کنز جامع الفوائد: ۲۷۶ و ۲۷۷ من النسخه الرضويه. بعد دستور ميدهد خدا که بر صراط هفت پل قرار دهند طول هر پل هفده هزار فرسخ است و بر روی هر پل هفتاد هزار ملک از مرد و زن این امت بر پل اولی میرسند از ولایت علی بن ابی طالب و حب اهل بیت محمد. هر کس ولایت و حب او درست باشد از پل اولی چون برق جهنده میگذرد و هر که اهل بیت پیامبر را دوست نداشته باشد بسر در قعر جهنم می افتد اگر چه اعمال نیکوی او برابر با هفتاد صدیق باشد.

۵- وَ بِسْنَدٍ آخَرَ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ يَقُولُ وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع. العمده: ۱۹۳.

با سند دیگری از زهري نقل کرد که گفت از انس بن مالک



شنیدم می فرمود قسم بخدائی که جز او خدائی نیست از پیامبر اکرم شنیدم می فرمود: عنوان نامه عمل مؤمن حب علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۶- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَقْعُدُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَى الْفِرْدَوْسِ وَهُوَ جَبَلٌ قَدْ عَلَا عَلَى الْجَنَّةِ وَفَوْقَهُ عَرْشُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مِنْ سَفْحِهِ تَنْفَجِرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ وَ تَتَفَرَّقُ فِي الْجَنَانِ وَ هُوَ جَالِسٌ عَلَى كُرْسِيِّ مِنْ نُورٍ تَجْرِي بَيْنَ يَدَيْهِ التَّسْنِيمُ لَا يَجُوزُ أَحَدٌ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَّا وَ مَعَهُ بَرَاءَةٌ بَوْلَايَتِهِ وَ وَلَايَةٌ أَهْلِ بَيْتِهِ يُشْرَفُ عَلَى الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُ مُحِبِّهِ الْجَنَّةَ وَ مُبْغِضِهِ النَّارَ. إِيضاح دفائن النواصب: ۳۵: فيه: الا و من معه.

ابن مسعود گفت پیامبر اکرم فرمود: وقتی روز قیامت شود علی بن ابی طالب بر فردوس می نشیند که کوهی مشرف بر بهشت و بالای آن عرش خدای جهان است از پائین آن کوه نهرهای بهشت خارج می شود و در اطراف بهشت جاری می گردد روی تختی از نور نشسته از جلو آن جناب نهر تسنیم جاری است از صراط عبور نمیکند احدی مگر اینکه با او نوشته ای از ولایت علی و اهل بیتش باشد مشرف به بهشت می شود محبین خود را داخل بهشت و دشمنان خود را داخل جهنم می نماید.

۷- امالی: برادر دعبل از حضرت رضا علیه السلام از آباء گرامش نقل کرد که پیامبر اکرم این آیه را تلاوت نمود لا یَسْتَوِی أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ فرمود: اصحاب بهشت کسانی هستند که مرا اطاعت کنند و تسلیم علی بن ابی طالب علیه السلام پس از من باشند و اقرار بولایت او نمایند یک نفر پرسید اصحاب جهنم کیانند.

فرمود کسی که مخالف ولایت باشد و پیمان شکنی کند و با علی علیه السلام پس از من بجنگ پردازد.

۸- وَ بَسَّیْنِدِ آخَرَ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ يَقُولُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع. العمده: ۱۹۳.

با سند دیگری از زهری نقل کرد که گفت از انس بن مالک شنیدم می فرمود قسم بخدائی که جز او خدائی نیست از پیامبر اکرم شنیدم می فرمود: عنوان نامه عمل مؤمن حب علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۹- ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَلَآئِي وَ وَلَآئِهِ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ مِنَ النَّارِ . أمالی الصدوق: ۲۸۳ و ۲۸۴.

امالی صدوق: ابن عباس گفت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود ولایت من و اهل بیتم امان از آتش جهنم

است.

۱۰- بصائر: جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که چون این آیه نازل شد یَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ مسلمانان گفتند یا رسول الله مگر شما امام تمام مردم نیستی.

پیامبر اکرم فرمود: من رسول خدا برای تمام مردم ولی پس از من امام هائی برای مردم از جانب خدا تعیین شده از اهل بیتم در میان مردم قیام بحق میکنند ولی آنها را تکذیب مینمایند و مورد ستم قرار میدهند پیشوایان کفر و گمراهی و پیروان آنها بدانید هر کسی آنها را دوست بدارد و پیرو ایشان باشد و تصدیق کند ایشان را او از من است و بزودی مرا ملاقات خواهد نمود و بدانید هر کسی بآنها ستم کند و یا همکاری با ظالم بنماید و تکذیب کند آنها را او از من نیست و نه با من خواهد بود و من از او بیزارم.

۱۱- الأمالی للصدوق أبی حمزه الثمالی عن أبی جعفر محمد بن علی الباقر عن آباءه ع قال: قال رسول الله ص لعلی ع یا علی مایا ثبت حُبک فی قلب امرئ مؤمن فزلت به قدم علی الصراط إلا ثبت له قدم حتی یدخله الله عز و جل بحُبک الجنة. أمالی الصدوق:

۳۴۷ و ۳۴۸. ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر از پدرانش علیهم السلام، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: ای علی محبت تو

ص: ۳۱۵

در قلب مؤمنی که ثابت شد، پس اگر یک پای او در صراط متزلزل شد، پای دیگرش ثابت می ماند تا او را، خدای عز و جل بخاطر محبتش بر تو، به بهشت داخل نماید.

و احادیث زیاد که در ضمن روایات این کتاب و کتاب های روایی فراوان دیگر، آمده است.

## دوستان و دشمنان خدا کیانند.

۱- تفسیر العیاشی عن اَبی حَمْزَةَ الثَّمَالِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عِ یَا اَبَا حَمْزَةَ اِنَّمَا یَعْبُدُ اللّٰهَ مَنْ عَرَفَ اللّٰهَ وَ اَمَّا مَنْ لَا یَعْرِفُ اللّٰهَ کَانَ مَا یَعْبُدُ غَیْرَهُ هَکَذَا ضَالًّا قُلْتُ اَصْلَحَكَ اللّٰهَ وَ مَا مَعْرِفَةُ اللّٰهِ قَالَ یُصَدِّقُ اللّٰهَ وَ یُصَدِّقُ مُحَمَّدًا رَسُوْلَ اللّٰهِ ص فِی مُوَالَاهِ عَلِیٍّ وَ الْاِیْتِمَامِ بِهٖ وَ بِاَیْمِهِ الْهُدٰی مِنْ بَعْدِہٖ وَ الْبِرَاءَةُ اِلٰی اللّٰهِ مِنْ غَیْرِہُمْ وَ کَذٰلِکَ عَرَفَانُ اللّٰهِ قَالَ قُلْتُ اَصْلَحَكَ اللّٰهَ اٰی شَیْءٍ اِذَا عَمِلْتَهُ اَنَا اَسْتَكْمِلْتُ حَقِیْقَةَ الْاِیْمَانِ قَالَ تُوَالِیْ اَوْلِیَاءَ اللّٰهِ وَ تُعَادِیْ اَعْدَاءَ اللّٰهِ وَ تَكُوْنُ مَعَ الصّٰدِقِیْنَ کَمَا اَمَرَکَ اللّٰهُ قَالَ قُلْتُ وَ مَنْ اَوْلِیَاءُ اللّٰهِ فَقَالَ اَوْلِیَاءُ اللّٰهِ- مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ ثُمَّ اَنْتَهٰی الْاَمْرُ اِلَیْنَا ثُمَّ اِنْبِیَ جَعْفَرٌ وَ اَوْمًا اِلٰی جَعْفَرٍ وَ هُوَ جَالِسٌ فَمَنْ وَاٰی هُوَ لَآءٍ فَقَدْ وَاٰی اَوْلِیَاءَ اللّٰهِ وَ کَانَ مَعَ الصّٰدِقِیْنَ کَمَا اَمَرَهُ اللّٰهُ قُلْتُ وَ مَنْ اَعْدَاءُ اللّٰهِ اَصْلَحَكَ اللّٰهُ قَالَ

ص: ۳۱۶

الْأَوْثَانُ الْأَرْبَعَةُ قَالَ قُلْتُ مَنْ هُمْ قَالَ أَبُو الْفَصِيلِ وَ رُمُعٌ وَ نَعْتَلٌ وَ مُعَاوِيَةُ وَ مَنْ دَانَ دِينَهُمْ فَمَنْ عَادَى هَؤُلَاءِ فَقَدْ عَادَى أَعْدَاءَ اللَّهِ.

المجادله: ۲۳. تفسیر العیاشی ۱۵۶: ۱. تفسیر العیاشی ۱۱۶: ۲. ابو حمزه ثمالی گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود ای ابا حمزه خدا را کسی پرستیده که او را بشناسد، کسی که خدا را نشناخته باشد گویا دیگری را پرستیده. این چنین گمراه می شود. عرض کردم شناخت خدا چیست؟

فرمود تصدیق کند خدا و پیامبرش محمد مصطفی را در باره ولایت علی و پیروی از او و ائمه بعد از آن جناب و بیزاری از دشمنان آنها شناخت خداوند این طوری است.

گفت: عرض کردم چکار بکنم ایمان واقعی را تکمیل نمایم؟ فرمود:

دوست داشتن دوستان خدا و دشمنی با دشمنان او و با صادقین باشی آن طور که خدا دستور داده.

عرض کردم: اولیای خدا کیانند؟ فرمود: محمد رسول الله و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین سپس منتهی بما شد، بعد پسر جعفر در این موقع اشاره بفرزندش جعفر کرد که نشسته بود گفتم دشمنان خدا کیانند فرمود بتهای چهارگانه

گفتم آن چهار بت کیانند فرمود ابو الفیصل و رمع و نعثل و معاویه و هر کس پیرو آنها باشد. هر که دشمن اینها باشد دشمنی با دشمنان خدا کرده.

### علی چراغ هدایت و روشنی تاریکیهاست

۱- کِتَابُ الْمَنَاقِبِ، لِابْنِ شَازَانَ أُسَيْتَادِ الْكِرَاجِكِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ إِنَّ جَبْرَيْلَ أَخْبَرَنِي فِيكَ بِأَمْرٍ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي وَفَرِحَ بِهِ قَلْبِي قَالَتْ لِي يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِي أَقْرَبُ مُحَمَّدًا مِنِّي السَّلَامَ وَ أَعْلَمُهُ أَنَّ عَلِيًّا إِمَامٌ الْهُدَى وَ مَصِيبٌ بَاحُ الدُّجَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَ إِنِّي آلَيْتُ بِعِزَّتِي أَنْ لَا أُدْخِلَ النَّارَ أَحَدًا تَوَلَّاهُ وَ سَلَّمَ لَهُ وَ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعِيدِهِ وَ لَا أُدْخِلُ الْجَنَّةَ مَنْ تَرَكَ وَ لَأَيْتَهُ وَ التَّسْلِيمَ لَهُ وَ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعِيدِهِ وَ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ وَ أَطْبَقَهَا مِنْ أَعْدَائِهِ وَ لَأَمْلَأَنَّ الْجَنَّةَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ. إيضاح دفائن النواصب: ۲۰.

کتاب مناقب ابن شاذان: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

یا علی جبرئیل مرا خبر داد بامری در باره تو که موجب روشنی چشم و شادی قلبم شد. بمن گفت یا محمد خداوند بمن فرمود محمد را از جانب من سلام برسان و باو اعلام کن که علی پیشوای هدایت و چراغ تاریکی و حجت بر اهل دنیا است او صدیق اکبر و فاروق اعظم است من بذات خود سوگند خورده ام داخل جهنم نکنم کسی که او را دوست داشته باشد و تسلیم او و اوصیای بعد از او باشد و داخل بهشت نمیکنم کسی را که ولایت او را رها نماید و تسلیم او و اوصیای پس از او نشود، این یک واقعیت است که میگویم جهنم و طبقات آن را پر خواهم کرد از دشمنان او و بهشت را پر از دوستان و شیعیانش میکنم.

### در میان امت جانشین پیامبر کیست؟

۱- وَ عَنْ الرُّضَا عَنْ آيَاتِهِ عَنِ الْحَسَنِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمَّا أُسْرِى بِي إِلَى السَّمَاءِ لَقِينِي أَبِي نُوحٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ خَلَفْتَ عَلَى أُمَّتِكَ فَقُلْتُ عَلِيٌّ بَنَ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ نَعَمْ الْخَلِيفَةُ خَلَفَتْ ثُمَّ لَقِينِي أَخِي مُوسَى فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ خَلَفْتَ عَلَى أُمَّتِكَ فَقُلْتُ عَلِيًّا فَقَالَ نَعَمْ الْخَلِيفَةُ خَلَفَتْ ثُمَّ لَقِينِي أَخِي عِيسَى فَقَالَ لِي

ص: ۳۱۹

مَنْ خَلَفْتَ عَلَى أُمَّتِكَ فَقُلْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ نِعَمَ الْخَلِيفَةَ خَلَفْتَ قَالَ فَقُلْتُ لِحَبْرَيْلُ يَا حَبْرَيْلُ مَا لِي لَا أَرَى إِبْرَاهِيمَ قَالَ فَعَدَلَ بِي إِلَى حَظِيرِهِ فَإِذَا فِيهَا شَجَرَةٌ لَهَا ضَرْعٌ كَضَرْعِ الْغَنَمِ كُلَّمَا خَرَجَ ضَرْعٌ مِنْ فَمٍ وَاحِدٍ رَدَّهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ خَلَفْتَ عَلَى أُمَّتِكَ فَقُلْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ نِعَمَ الْخَلِيفَةَ خَلَفْتَ إِنِّي يَا مُحَمَّدُ سَأَلْتُ اللَّهَ رَبِّي أَنْ يُؤَلِّمَنِي عِزَّةَ أَطْفَالِ شَيْعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَأَنَا أُغَذِّيهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . إيضاح دفائن النواصب: ۵۷ و ۵۸.

بیان: الداره ما أحاط بالشىء و هاله القمر و زخ به فى مكان أى دفع و رمى فحبوا على بناء المفعول من الحبوه و هى العطيه.

از حضرت رضا از آباء گرامش از حسین بن علی علیه السلام نقل کرد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

وقتی مرا بجانب آسمان بردند پدرم نوح مرا دید پرسید محمد! چه کسی را در میان امت خود جانشین قرار داده ای گفتم علی بن ابی طالب را. گفت خوب جانشینی است بعد برادرم موسی مرا دید گفت چه کسی را در میان امت بجانشینی تعیین کرده ای گفتم علی را گفت خوب جانشینی است سپس با عیسی برخورد کردم او نیز پرسید چه کسی را جانشین خود قرار داده ای گفتم علی را گفت خوب جانشینی است.

ص: ۳۲۰



بجبرئیل گفتم چرا ابراهیم را نمی بینم مرا بجانب باغی برد که در آن درختی بود دارای پستان هائی مانند پستان گوسفند هر وقت پستان از دهان یکی از آنها خارج میشد خداوند آن را بر میگردداند ابراهیم باو گفت ای محمد چه کسی را جانشین میان امت قرار داده ای گفتم علی را گفت خوب جانشینی است یا محمد صلی الله علیه و آله من از خدا درخواست کردم مرا مامور غذا دادن اطفال شیعه علی بن ابی طالب بگرداند تا روز قیامت ب آنها غذا خواهم داد.

۲- الأمالی للشیخ الطوسی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَلَايَتُنَا وَلَايَةُ اللَّهِ الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيٌّ قَطُّ إِلَّا بِهَا .

أمالی الشیخ: ۶۳.

مجالس مفید: محمد بن عبد الرحمن گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود ولایت ما ولایت خدا است آن ولایتی که هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر باین ولایت.

### طرفداران ولایت از گذشته گذشتند.

۱- وَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ

ص: ۳۲۱

فَقَالَ مَنْ انْتَحَلَ وَلَايَتَنَا فَقَدْ جَاَزَ الْعَقَبَةَ الْبَلَدُ: ۱۱ و ۱۴.

البلد: ۱۱ و ۱۴. فَخَنُّنُ تِلْكَ الْعَقَبَةُ الَّتِي مَنِ اقْتَحَمَهَا نَجَا ثُمَّ مَهَلًا أُفِيدُكَ حَرْفًا هُوَ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا قَوْلُهُ تَعَالَى فَكُ رَقَبَةٍ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَكُ رِقَابِكُمْ مِنَ النَّارِ بَوْلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَأَنْتُمْ صِدْقُوهُ اللَّهُ وَ لَوْ أَنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ يَأْتِي بِذُنُوبٍ مِثْلِ رَمْلِ عَالِجٍ لَشَفَعْنَا فِيهِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى فَلَكُمْ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

از حضرت صادق علیه السلام در باره آیه فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ فرمود هر کس طرفدار ولایت ما باشد از گردنه گذشته است ما همان گردنه ای هستیم که هر کس از آن بگذرد نجات یابد اینک توجه کن برایت حرفی میزنم که بهتر از دنیا و آنچه در دنیا است باشد در این آیه می فرماید فَكُ رَقَبَةٍ خداوند

شما را از آتش جهنم بواسطه ولایت ما رهانید شما برگزیده خدائید اگر مردی از شما بمحشر آید با گناهی باندازه انبوهی شن ما شفیع او خواهیم بود نزد خداوند شما را بشارت باد در دنیا و آخرت تغییری در کلمات خدا نیست اینست آن رستگاری بزرگ.

**از جبرئیل پرسیدم این درخت از کیست؟**

ص: ۳۲۲

۱- وَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ عَنِ آيَاتِهِ عَنِ الْبَاقِرِ عَنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عَنِ أَبِيهَا وَ عَمَّهَا الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمَّا أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ رَأَيْتُ فِيهَا شَجْرَةً تَحْمِلُ الْحُلِيَّ وَالْحُلَّلَ أَسْفَلَهَا خَيْلٌ بُلُقٌ وَأَوْسَاطُهَا الْجُورُ الْعَيْنُ وَ فِي أَعْلَاهَا الرِّضْوَانُ قُلْتُ لِعَبْرَائِيلَ لِمَنْ هَذِهِ الشَّجْرَةُ قَالَ هَذِهِ لِمَنْ عَمَّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع إِذَا أَمَرَ اللَّهُ الْخَلِيقَةَ أَنْ تَدْخُلَ الْجَنَّةَ يُؤْتَى بِشَيْعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع حَتَّى يَنْتَهِيَ بِهِمْ إِلَى هَذِهِ الشَّجْرَةِ فَيَلْبَسُونَ الْحُلِيَّ وَالْحُلَّلَ وَ يُرَكَّبُونَ خَيْلَ الْبُلُقِ وَ يُنَادَى مُنَادٍ هَوْلَاءِ شَيْعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَبَرُوا فِي الدُّنْيَا عَلَى الْأَذَى فَحُبُّوا الْيَوْمَ. إيضاح دفائن النواصب: ۵۶ و ۵۷ فيه:

فجوزوا اليوم.

حضرت جواد از آباء گرام خود از حضرت باقر از فاطمه دختر حسین علیه السلام از پدرش و عمویش حسن بن علی از امیر المؤمنین صلوات الله علیه نقل کرد که فرمود: وقتی مرا داخل بهشت کردند دیدم درختی زیور و زینت هائی دارد پائین درخت مرکب های سفید و سیاهند و در وسط آن حور عین هستند و در بالای درخت رضوان است.

بجبرئیل گفتم این درخت از کیست؟ گفت متعلق به پسر

ص: ۳۲۳

عمویت امیر- المؤمنین است وقتی خداوند دستور دهد مردم داخل بهشت شوند شیعیان علی بن ابی طالب را می آورند تا باین درخت میرسند آنگاه لباسهای زینتی و حله های بهشتی را میپوشند و سوار بر مرکبهای سیاه و سفید بهشتی میگردند منادی فریاد میزند اینها شیعیان علی بن ابی طالب هستند که در دنیا بر آزار و اذیت صبر کردند امروز ب آنها این کرامت بخشیده شده.

### هر کس با ولایت بمیرد شهید است.

۱- وَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قَالَ لِي الصَّادِقُ ع يَا بَا مُحَمَّدٍ إِنَّ الْمَيِّتَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ شَهِيدٌ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ قَالَ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ فَإِنَّهُ حَتَّى يُرْزَقُ . كنز جامع الفوائد:

۴۱۹ من النسخه الرضويه.

ابو بصیر گفت حضرت صادق بمن فرمود ای ابا محمد! کسی که با ولایت ما بمیرد شهید است گفتم فدایت شوم گر چه در رختخواب از دنیا رود. فرمود گر چه در رختخواب از دنیا رود او زنده است و باو روزی می بخشد.

۲-... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ

ص: ۳۲۴

## امتیازاتی بر ولایتمداران

۱- المحاسن: ۱۵۲. جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد پیامبر اکرم فرمود:

رحمت و آسایش و رستگاری و پیروزی و آسودگی و برکت و آمرزش و سلامتی و تندرستی و بی نیازی از مردم و بشارت و شادمانی و خشنودی و نزدیکی بخدا و خویشاوندی با ائمه و یاری و ظفر و تمکین قدرت و سرور و محبت از جانب خداوند تبارک و تعالی اختصاص بکسی دارد که علی بن ابی طالب را دوست بدارد و او را ولی امر بدانند و از او پیروی کنند و بمقامش اقرار نمایند و جانشینانش را پس از او دوست بدارد و بر من لازم است که آنها را مشمول شفاعت خود کنم و بر

خداوند لازم است دعای مرا در باره آن ها مستجاب نماید ایشان پیروان من هستند و هر که پیرو من باشد از من است. در باره من و جانشینانم پس از من مثل ابراهیم جاری است زیرا من از ابراهیم و ابراهیم علیه السلام از من است دین او دین

من و سنت او سنت من است و من از او برتر و افضلم و فضل او از فضل من است سخن مرا سخن پروردگارم تصدیق می نماید

## آنها حجت خدایند به تمام عالمیان و جمیع

مخلوقات

۱- عَنِ الْعِبَادِيَّ عَبِيدِ الْخَالِقِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبِيدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ عَالَمٍ كُلُّ عَالَمٍ مِنْهُمْ أَكْبَرُ مِنْ سَبْعِ سَيِّمَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ مَا يَرَى عَالَمٌ مِنْهُمْ أَنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَالَمًا غَيْرَهُمْ وَ إِنِّي الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ. الْخِصَالُ ١٧١: ٢ و ١٧٢، بحارالانوار: ٥٧، ٣٢٠ و ج ٢٧ از آن و از منتخب البصائر از محمد بن سنان از مفضل از ابی عبدالله علیه السلام.

عبادی عبد الخالق از دیگری نقل کرد که او از حضرت صادق علیه السلام روایت کرد که فرمود: خداوند را دوازده هزار عالم است، هر عالمی بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین است هیچ کدام از این عوالم برای خدا عالمی غیر خود نمیدانند و من حجت (خدا) بر آنها هستم.

٢- ابو حمزه ثمالی از علی بن الحسین علیهما السلام قال:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ وَ أَقَامَهُمْ أَشْبَاحًا قَبْلَ الْمَخْلُوقَاتِ، ثُمَّ قَالَ: أَتَظُنُّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ

ص: ٣٢٦

خلقا سواکم؟ بلی واللہ لقد خلق اللہ ألف؟ لف آدم و ألف ألف عالم، و أنت واللہ فی آخر تلک العوالم. بحار الانوار ج ۵۷ ص ۳۳۱ از مشارق الانوار: برسی .

فرمود: همانا خداوند محمد و علی و پاکان از نسل آنها را، قبل از مخلوقات از نور عظمتش آفرید و آنها را به صورت اشباح پایدار نمود، سپس فرمود: آیا چنین گمان می کنی خداوند جز شما خلقی نیافریده؟ بلی بخدا قسم یقینا خدا هزار هزار آدم و هزار هزار عالم آفرید به خدا قسم تو در آخر آن عالم ها هستی.

۳- محمد بن سنان گوید نزد ابی جعفر دوم (امام محمد تقی) علیه السلام بودم، اختلاف شیعه را پیش کشیدم فرمود:

یا محمد انّ اللّٰه لم یزل متفردا بوحدانیتہ ثمّ خلق محمّدا و علیا و فاطمه فمکتوا ألف دهر، ثمّ خلق جمیع الاشیاء فأشهدهم خلقها، و أجرى طاعتهم علیها و فوّض أمرها الیهم فهم یحلّون ما یشائون و یحرّمون ما یشاؤون ولن یشاؤا الاّ أن یشاء اللّٰه تبارک و تعالی، ثمّ قال: هذه الدیانة الّتی من تقدّمها مرق و من تخلّف عنها محق، و من لزمها لحق، خذها الیک یا محمد. اصول کافی: ج ۱ ص ۴۴۰، بحار الانوار: ج ۵۷ ص ۱۹۵ از آن.

ای محمد همانا خداوند در وحدانیتش تنها بود سپس

ص: ۳۲۷

محمد و علی و فاطمه را آفرید پس هزار دوران ماندند سپس تمام اشیاء را آفرید و آنها را به آفرینش آنها شاهد گرفت و اطاعت آنها را به همه اشیاء واجب نمود و کارهای آن اشیاء را به آنها سپرد، پس آنها را هر چه را بخواهند حلال می کنند و حرام می کنند هر چه بخواهند و ابدا چیزی را نمی خواهند تا خدای تبار و تعالی بخواهد سپس فرمود: اینست دیانتی که هر کس بر آن پیشی گیرد، دور انداخته شده و اگر تخلف نماید، نابود می گردد و هر کس به آن چنگ زند، به حقیقت رسیده است، بگیری ای محمد (این گفته ها را نجات در آن است).

۴- بصائر الدرجات ابنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ مَدِينَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا بِالْمَشْرِقِ وَ الْأُخْرَى بِالْمَغْرِبِ عَلَيْهِمَا سُورَانِ مِنْ حَدِيدٍ وَ عَلَى كُلِّ مَدِينَةٍ أَلْفُ أَلْفِ مِصْرَاعٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ فِيهَا سَبْعُونَ أَلْفَ أَلْفٍ لُغَةٍ يَتَكَلَّمُ كُلُّ لُغَةٍ بِخِلَافِ لُغَةِ صَاحِبِهِ وَ أَنَا أَعْرِفُ جَمِيعَ اللُّغَاتِ وَ مَا فِيهَا وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا عَلَيْهِمَا حُجَّةٌ غَيْرِي وَ الْحُسَيْنِ أَخِي . بصائر الدرجات: ۹۸.

ابو عمیر از رجال خود از حضرت صادق علیه السلام نقل



کرد و حدیث را بحسن بن علی علیه السلام نسبت داد فرمود:

خدا را دو شهر است یکی در مشرق و دیگری در مغرب آن دو شهر دو دروازه از آهن دارد و بر هر شهر یک میلیون درب از ذهب است و در آن هفتاد میلیون لغت است که هر زبانی بر خلاف دیگری صحبت میکند من تمام آن زبانها را میدانم و آنچه در آن شهرها است و آنچه بین آنها است در آن دو شهر حجتی غیر من و برادر من نیست.

۵- اَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ع إِنَّ

لِلَّهِ مَدِينَةٌ بِالْمَشْرِقِ وَ مَدِينَةٌ بِالْمَغْرِبِ عَلَيَّ كُلِّ وَاحِدَةٍ سُوْرٌ مِنْ حَدِيدٍ فِي كُلِّ سُوْرِ سَبْعُونَ أَلْفَ مِصْرَاعٍ مِنْ ذَهَبٍ يَدْخُلُ مِنْ كُلِّ مِصْرَاعٍ سَبْعُونَ أَلْفَ لُغَةٍ آدَمِيَّةٍ وَ لَيْسَ فِيهَا لُغَةٌ إِلَّا أَلْفٌ لِلْمَأْخُزِيِّ وَ مَا مِنْهَا لُغَةٌ إِلَّا وَ قَدْ عَلِمْتُهَا وَ لَافِيهِمَا وَ لَا بَيْنَهُمَا ابْنُ نَبِيِّ غَيْرِي وَ غَيْرُ أَخِي وَ أَنَا الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ . بصائر الدرجات: ۱۴۵ المحتضر: ۱۰۳ و ۱۰۴

ابی الجارود از ابی سعید گفت: (امام) حسن بن علی علیهما السلام فرمود: همانا برای خدا شهریست در مشرق و شهریست در مغرب، برای هر کدام دیوار قلعه ایست از آهن و در هر دیوار هفتاد هزار لنگه دریست از طلا، و از هر مصراع هفتاد هزار لغت آدمیست و در آن نیست مگر مخالف لغت

ص: ۳۲۹

دیگر و نیست در آن دوشهر لغتی مگر اینکه من آنها را می دانم و نیست در آن دوشهر و نه در میان آن دو فرزند پیغمبری غیر از من و برادرم (حسین) و منم حجت (خدا) برای آنها.

روایت فوق را در مختصر بصائرالدرجات ص ۱۰ و ۱۱ نیز با سندهای دیگر آورده .

۶- هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْمَشْرِقِ مَدِينَةً اسْمُهَا جَابَلْقَا لَهَا اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ بَابٍ مِنْ ذَهَبٍ بَيْنَ كُلِّ بَابٍ إِلَى صَاحِبِهِ فَرْسُخٌ عَلَى كُلِّ بَابٍ بُرْجٌ فِيهِ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ مُقَاتِلٍ يَهْلُبُونَ الْخَيْلَ وَيَشْهَرُونَ السَّيْفَ وَالسَّلَاحَ يَنْتَظِرُونَ قِيَامَ قَائِمِنَا وَإِنِّي الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ . المحتضر: ۱۰۲.

از هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: خداوند را در مشرق شهری بنام جابلقا است که دارای دوازده هزار درب است از طلا بین هر درب تا درب دیگر یک فرسخ فاصله است بر کنار هر درب برجی است در آن دوازده هزار جنگجو است آماده جنگ با شمشیر آخته و سلاح لازم، منتظر قیام قائم ما هستند من حجت خدا بر آنهایم.

۷- بصائرالدرجات: ۱۴۴ و ۱۴۵.

هشام جوالیقی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که

ص: ۳۳۰

فرمود خدا را شهری است پشت دریا وسعت آن باندازه مسیر چهل روز خورشید در آنجا گروهی هستند که هرگز خدا را معصیت نکرده اند و شیطان را نمی شناسند و نمیدانند که خدا ابلیس را آفریده ما در هر روز آنها را ملاقات میکنیم و نیازهای خود را از ما سؤال میکنند از ما تقاضای دعا مینمایند بآنها می آموزیم و می پرسند قائم ما کی ظهور خواهد کرد.

آنها دارای عبادت و کوشش شدیدی هستند شهر آنها را درب هائی است که بین هر لنگه درب تا لنگه دیگر صد فرسخ است دارای تقدیس و کوشش زیادی هستند اگر آنها را مشاهده کنید عمل خویش را حقیر خواهید شمرد.

یک مرد از آنها یک ماه در سجده است که سر برنمیدارد غذای آنها تسبیح و لباس ایشان برگ، پوست چهره های آنها میدرخشد وقتی یکی از ما را مشاهده میکنند اطرافش را می گیرند و از رد پای او برای برکت برمیدارند. هنگام نماز صدائی دارند شدیدتر از صدای باد تند، در میان آنها گروهی هستند که از ابتدا هنوز سلاح را بزمین نگذاشته انتظار قائم ما را دارند دعا میکنند او را مشاهده نمایند هر کدام هزار سال عمر میکنند وقتی آنها را مشاهده کنی مجسمه ای از خشوع و تواضع و درخواست نزدیکی بخدا خواهی دید.

وقتی ما دیرتر پیش آنها برویم خیال میکنند این تاخیر از خشم و ناراحتی بوده پیوسته انتظار آن ساعتی را دارند که ما بیائیم نه کسل می شوند و نه خسته. کتاب خدا را همان طور که ب آنها آموخته ایم میخوانند در بین آنچه ما بایشان آموخته ایم چیزهایی است که اگر بر مردم بخوانند آن را انکار میکنند و نخواهند پذیرفت وقتی اشتباهی داشته باشند راجع بقرآن از ما می- پرسند، برای آنها که توضیح میدهیم شرح صدر پیدا میکنند از شنیدن توضیح ما تقاضای طول زندگی میکنند که ما را از دست ندهند میدانند منت از جانب خدا است بر آنها در باره تعلیمی که بآنها میدهیم.

آنها با امام قیام خواهند کرد وقتی ظهور کند اسلحه داران ایشان جلوتر خواهند بود دعا میکنند خداوند آنها را از کسانی قرار دهد که دین خدا را یاری میکنند، در میان ایشان پیر و جوان وجود دارد وقتی جوانی پیرمردی را مشاهده میکند مانند بنده ای در مقابل او می نشیند از جای حرکت نمیکند تا باو دستور دهد. آنها خود بطریقی با امام ارتباط دارند که خواسته امام را از همه مردم بهتر میدانند وقتی امام بآنها دستوری دهد پیوسته آن کار را انجام میدهند تا خود امام ایشان را بکار دیگری مامور نماید اگر آنها بجمعیتی که بین

مشرق و مغرب را فرا گرفته باشند حمله کنند در فاصله یک ساعت همه را از بین می برند، آهن در آنها اثر نمی گذارد.

دارای شمشیرهایی از آهن هستند غیر از این آهنها اگر مردی از ایشان با شمشیر بکوهی فرود آورد آن را دو نیم میکند. امام بهمراهی آنها با هند و دیلم کرد و ترک و روم و بربر و ما بین جابرسا و جابلقا که دو شهر هستند یکی در مشرق و دیگری در مغرب جنگ خواهد کرد باهل هر دین که برخورد کنند آنها را دعوت بخدا و دین اسلام می کنند و اقرار بمحمد صلی الله علیه و آله و هر کس اقرار باسلام نکند و نپذیرد او را می کشند تا هر که در شرق و غرب و تمام دنیا هست اقرار آورد.

توضیح: ظاهرا در صورت ثابت شدن حدیث، آن در عالم دیگر غیر از زمین است و گرنه لازم می آید یک قطعه از زمین، چهل برابر تمام زمین، شود.

۸- عَجَلَمَانَ أَبِي صَالِحٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَيَا عِبِيدِ اللَّهِ عَ عَنْ قُبَّةِ آدَمَ فَقُلْتُ لَهُ هَيْدِهِ قُبَّةُ آدَمَ فَقَالَ نَعَمْ وَ لِلَّهِ قِيَابٌ كَثِيرَةٌ أَمَّا إِنَّ خَلْفَ مَغْرِبِكُمْ هَيْدًا تِسْعَةَ وَ ثَلَاثِينَ مَغْرِبًا أَرْضًا بَيْضَاءَ مَمْلُوءَةً خَلْقًا يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِنَا لَمْ يَعْصُوا اللَّهَ طَرْفَةَ عَيْنٍ لَا يَدْرُونَ أَخْلَقَ اللَّهُ آدَمَ أُمَّ لَمْ يَخْلُقْهُ يَتَبَرَّءُونَ مِنْ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ قِيلَ لَهُ كَيْفَ هَذَا يَتَبَرَّءُونَ مِنْ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ هُمْ لَا يَدْرُونَ أَخْلَقَ اللَّهُ آدَمَ أُمَّ لَمْ

يَخْلُقُهُ فَقَالَ لِلسَّائِلِ أَ تَعْرِفُ إِيليسَ قَالَ لَا إِلَّا بِالْخَبْرِ قَالَ فَأَمْرَتْ بِاللَّعْنَةِ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْهُ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَكَذَلِكَ أَمَرَ هُوَلَاءِ .

عجلان ابی صالح گفت از حضرت صادق علیه السلام راجع بقبه آدم پرسید عرض کردم این قبه آدم است؟ فرمود:

آری خداوند را قبه های زیادی است پشت این مغرب شما سی و نه مغرب است سرزمین سفید که پر از مخلوق است و از نور ما استفاده می نمایند یک چشم بهم زدن معصیت خدا را نکرده نمیدانند خدا آدم را هم آفریده یا نه از فلانی و فلانی بیزاری میجویند.

عرض کردند چگونه ممکن است از فلان و فلان تبری بجویند با اینکه آنها نمیدانند خدا آدم را خلق کرده یا نه. در جواب آنها فرمود تو شیطان را می شناسی جوابداد نه، جز از راه خبر فرمود دستور داده اند بتو او را لعنت کن و از او بیزاری جو گفت آری. فرمود همین طور ب آنها نیز دستور داده اند به تبری.

۹- جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ مِنْ وَرَاءِ شَمْسِكُمْ هَذِهِ أَرْبَعِينَ عَيْنَ شَمْسٍ مَا بَيْنَ شَمْسٍ إِلَى شَمْسٍ أَرْبَعُونَ عَامًا فِيهَا خَلْقٌ كَثِيرٌ مَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ أَوْ لَمْ يَخْلُقْهُ وَ إِنَّ مِنْ وَرَاءِ قَمَرِكُمْ هَذَا أَرْبَعِينَ قَمَرًا مَا بَيْنَ قَمَرٍ إِلَى قَمَرٍ

ص: ۳۳۴

مَسِيرَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فِيهَا خَلِقَ كَثِيرٌ مَّا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ أَوْ لَمْ يَخْلُقْهُ قَدْ أَلْهَمُوا كَمَا أَلْهَمَتِ النَّحْلُ لَعْنَهُ الْأَوَّلِ وَالثَّانِي فِي كُلِّ وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَقَدْ وُكِّلَ بِهِمْ مَلَائِكَةٌ مَتَى لَمْ يَلْعَنُوهُمَا عَذَّبُوا. مختصر البصائر: ۱۰۴. بصائر الدرجات: ۱۴۵.

جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که می فرمود بجز این خورشید چهل خورشید است که فاصله هر خورشید تا خورشید دیگر چهل سال است در آن ها گروه زیادی هستند که نمیدانند خداوند آدم را آفریده یا نه و بجز این ماه شما چهل ماه است که فاصله هر ماه تا ماه دیگر چهل روز راه است در آنها گروه زیادی هستند که نمیدانند خداوند آدم را آفریده یا نه، بآنها الهام شده همان طور که بزبور عسل الهام گردیده لعنت بر اولی و دومی در هر وقت ملائکه هائی مامورند که هر وقت آنها را لعنت نکردند ایشان را عذاب کنند.

توضیح: مجلسی (قده) می فرماید: اخبار زیادی در این مورد در باب عوالم از کتاب السماء و العالم نقل کرده ام.

۱۰- السرائر من جامع البرنطی عن سلیمان بن خالد قال سمعت ابا عبد الله ع يقول ما من شیء و لا من آدمی و لا انسی و لا جنی و لا ملک فی السماوات اِلا و نحن الحجاج علیهم و ما خلق الله خلقا اِلا و قد عرض و لا یتنا علیه و احتج بنا علیه

ص: ۳۳۵

فَمُؤْمِنٌ بِنَا وَكَافِرٌ وَجَاهِدُ حَتَّى السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَالجِبَالِ الآيَةَ . السرائر: ۴۷۳. سليمان بن خالد گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم میفرمود: هیچ چیز نه از آدم و نه انس و نه جن و نه ملک در آسمانها نیست مگر ما حجت بر آنها هستیم هیچ آفریده ای را خدا نیافرید مگر اینکه ولایت ما را بر او عرضه داشت و بوسیله ما بر او حجت تمام کرد. بعضی ایمان بما دارند و بعضی کافر و منکرند حتی آسمانها و زمین و کوهها تا آخر آیه.

۱۱- الإختصاص علی بن حسان عن عمه عبد الرحمن قال:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ فَسَلَّمَ فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ لَهُ عِنْدَكُمْ عُلَمَاءُ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَمَا بَلَغَ مِنْ عِلْمِ عَالِمِكُمْ قَالَ يَزْجُرُ الطَّيْرَ وَ يَقْفُو الأَثْرَ فِي السَّاعَةِ الْوَاحِدَةِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ لِلرَّاكِبِ الْمُحِثِّ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ عَالِمَ الْمَدِينَةِ أَعْلَمُ مِنْ عَالِمِكُمْ قَالَ وَمَا بَلَغَ مِنْ عِلْمِ عَالِمِ الْمَدِينَةِ قَالَ إِنَّ عَالِمَ الْمَدِينَةِ يَنْتَهِي إِلَى أَنْ لَا يَقْفُو الأَثْرَ وَ لَا يَزْجُرُ الطَّيْرَ وَ يَعْلَمُ فِي اللُّحْظَةِ الْوَاحِدَةِ مَسِيرَةَ الشَّمْسِ يَقْطَعُ اثْنَيْ عَشَرَ بُرُوجاً وَ اثْنَيْ عَشَرَ بَرّاً وَ اثْنَيْ عَشَرَ عَالِماً فَقَالَ لَهُ الْيَمَانِيُّ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا ظَنَنْتُ أَنْ أَحَدًا يَعْلَمُ هَذَا وَ مَا أَدْرِي مَا هُنَّ وَ خَرَجَ . الإختصاص: ۳۱۹.

ص: ۳۳۶



(اختصاص: علی بن حسان از عموی خود عبد الرحمن نقل کرد که گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم که مردی از اهالی یمن وارد شد سلام کرد امام علیه السلام باو جواب داد باو فرمود: آیا در شهر شما دانشمندان هستند جوابداد آری. فرمود علم عالم شما چقدر است جوابداد عالم ما از حرکت و صدای پرندگان و اوضاع ستارگان در یک ساعت باندازه یک ماه برای یک سوار تندرو اطلاع میدهد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود عالم مدینه از عالم شما داناتر است. پرسید علم عالم مدینه چقدر است فرمود عالم مدینه بدون اینکه توجه بصدا و حرکت پرندگان داشته باشد در یک چشم بهم زدن بقدر حرکت خورشید در دوازده برج و دوازده بیابان و دوازده دریا و دوازده عالم اطلاع دارد مرد یمانی گفت: فدایت شوم خیال نمیکنم کسی این قدر اطلاع داشته باشد و نمیدانم اینها چیست؟ این را گفت و خارج شد.

روایات در این موارد زیاد است و به جلد امامت و السماء و العالم بحار الانوار و سایر منابع مراجعه شود.

**اسماء امامان بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)**

ص: ۳۳۷

در جلد اول این کتاب در فصل ۲۴-اسماء ائمه عليهم السلام دو روایت مفصل در این مورد، نوشتم و این هم روایات دیگر در این باره.

۱- وَ يَأْسِرُنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آيَاتِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَدَّثَنِي جَبْرِئِيلُ عَنْ رَبِّ الْعِزَّةِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ لِي إِلَهًا إِلَّا أَنَا وَحْدِي وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدِي وَ رَسُولِي وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَتِي وَ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجِي أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي وَ نَجَّيْتُهُ مِنَ النَّارِ بِعَفْوِي وَ أَبْحَثُ لَهُ جَوَارِي وَ أَوْجِبُ لَهُ كَرَامَتِي وَ أَتَمِّمُ عَلَيْهِ نِعْمَتِي وَ جَعَلْتُهُ مِنْ خَاصَّتِي وَ خَالِصَتِي إِنْ نَادَانِي لَبَيْتُهُ وَ إِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي ابْتَدَأْتُهُ وَ إِنْ أَسَاءَ رَحِمْتُهُ وَ إِنْ فَرَّ مِنِّي دَعَوْتُهُ وَ إِنْ رَجَعَ إِلَيَّ قَبِلْتُهُ وَ إِنْ قَرَعَ بَابِي فَتَحْتُهُ وَ مَنْ لَمْ يَشْهَدْ أَنَّ لِي إِلَهًا إِلَّا أَنَا وَحْدِي أَوْ شَهِدَ بِذَلِكَ وَ لَمْ يَشْهَدْ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدِي وَ رَسُولِي أَوْ شَهِدَ بِذَلِكَ وَ لَمْ يَشْهَدْ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَتِي أَوْ شَهِدَ بِذَلِكَ وَ لَمْ يَشْهَدْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجِي فَقَدْ جَحَدَ نِعْمَتِي وَ صَغَّرَ عَظَمَتِي وَ كَفَرَ بِآيَاتِي وَ كُتِبِي وَ رُسُلِي إِنْ قَصَدَنِي حَاجَبْتُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي حَرَمْتُهُ وَ إِنْ نَادَانِي لَمْ أَسْمَعْ نِدَاءَهُ وَ إِنْ دَعَانِي لَمْ أَسْتَجِبْ دُعَاءَهُ وَ إِنْ رَجَانِي خَيَّبْتُهُ وَ ذَلِكَ جَزَاؤُهُ مِنِّي وَ مَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ فَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ يَا

ص: ۳۳۸

رَسُولَ اللَّهِ وَ مِنْ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ فِي زَمَانِهِ عَلِيُّ  
بْنِ الْحُسَيْنِ ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ سَيِّدُكُمْ يَا حَبِيبُ فَإِذَا أَدْرَكَتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْكَاطِمُ  
مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ النَّبِيُّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الزَّكِيُّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ ابْنُهُ  
الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِيُّ أُمَّتِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا هَؤُلَاءِ يَا حَبِيبُ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَاءِي وَ أَوْلَادِي وَ  
عِترتي مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي

وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ  
وَ بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا . إيضاح دفتان النواصب: ۵۵- ۵۳. این حدیث از روایات سنی هاست غف لت نکن.

با همان اسناد از حضرت صادق علیه السلام از آباء گرامش فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

جبرئیل مرا خبر داد از جانب پروردگار عزیز که فرمود هر کس بداند خدائی جز من نیست و محمد بنده و پیامبر من و علی بن  
ابی - طالب خلیفه من و ائمه از فرزندان او حجت‌های منند او را برحمت خود داخل بهشت میکنم و با عفووم از آتش

نجات میدهم و همسایگی خود را باو میبخشم و مستوجب لطف خویش میگردانم و نعمتم را بر او تکمیل میکنم و او را از برجسته ها و شخصیت‌های مخصوص خود می گردانم اگر مرا بخواند جوابش را میدهم و اگر درخواستی بکند باو عنایت می نمایم اگر ساکت باشد پیش از سؤال باو می دهم اگر خطا کند می بخشم و اگر از من فرار نماید صدایش میزنم. اگر برگردد او را می پذیرم. اگر درب خانه مرا بکوبد برایش میگشایم.

و هر که گواهی بیکتائی من ندهد یا گواهی بدهد و گواهی به بندگی و رسالت پیامبرم ندهد یا این را قبول داشته باشد اما گواهی بخلافت علی بن ابی طالب ندهد یا این گواهی را بدهد و گواهی باینکه ائمه از فرزندان او حجت منند ندهد نعمت مرا منکر و عظمت مرا تحقیر و آیات و کتابها و پیامبران من کافر شده اگر بجانب من آید راهش نمی دهم اگر تقاضا کند تقاضایش را بر نمی آورم اگر مرا بخواند بحرفش گوش نمی دهم اگر دعا کند دعایش را مستجاب نمیکنم اگر بمن امیدی داشته باشد ناامیدش میکنم، اینست کیفر او از جانب من، من هرگز ستم به بندگان روا نمی دارم.

جابر بن عبد الله انصاری از جای حرکت کرده گفت: یا

رسول الله ائمه از فرزندان علی بن ابی طالب کیانند؟! فرمود:

حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت بعد از او زینت بخش عبادت کنندگان در زمان خود علی بن الحسین سپس باقر، محمد بن علی در آینده او را خواهی دید اگر او را دیدی سلام مرا باو برسان. پس از او صادق: جعفر بن محمد. آنگاه کاظم:

موسی بن جعفر. بعد رضا: علی بن موسی. سپس تقی: محمد بن علی بعد نقی: علی بن محمد بعد زکی: حسن بن علی سپس پسری قائم بحق مهدی امت من که زمین را پر از قسط و عدل میکند همان طوری که پر از ظلم و جور شده.

جابر! اینها خلفاء و اوصیا و اولاد و عترت من هستند هر که از آنها اطاعت کند مرا اطاعت نموده و هر که با آنها مخالفت کند معصیت مرا نموده و هر کس منکر یک نفر از آنها باشد منکر من است بواسطه آنها خدا نگه میدارد آسمان را که بر زمین نیفتد مگر با اجازه خودش و بوسیله آنها خداوند نگه میدارد که زمین اهلش را نلرزاند.

۲- وروی ابن شاذان باسناده قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليله اسرى بي إلى الجليل جل جلاله أوحى إلي: آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه، قلت: والمؤمنون، قال: صدقت يا محمد، من خلفت في امتك؟ قلت: خيرها، قال: علي بن أبي طالب؟ قلت:

ص: ۳۴۱

نعم يارب ، قال : يا محمد إني اطلعت إلى الارض اطلعه فاخترتك منها فشقت لك اسما من أسمائي فلا اذكر في موضع إلا ذكرت معي فأنا المحمود وأنت محمد صَلَّى اللهُ عليه وآله ، ثم اطلعت الثانيه فيها فاخترت منها عليا وشقت له اسما من أسمائي فأنا الـاعلى وهو علي . يا محمد إني خلقتك و خلقت عليا وفاطمه والحسن والحسين والأئمه من ولده من سنخ نور من نوري ، وعرضت ولـايتكم على أهل السماوات وأهل الارضين فمن قبلها كان عندي من المؤمنين ، ومن جحدتها كان عندي من الكافرين ، يا محمد لو أن عبدا من عبيدي عبدني حتى ينقطع ويصير كالشن البالي ثم أتاني جاحدا لولايتكم ماغفرت له حتى يقر بولايتكم ، يا محمد تحب أن تراهم؟ قلت : نعم يارب ، فقال لي : التفت عن يمين العرش . فالتفت : فاذا أنا بعلي وفاطمه والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والمهدي في ضحضاح من نور قيام يصلون وفي وسطهم المهدي يضيء كأنه كوكب دري ، فقال : يا محمد هؤلاء الحجج والقائم من عترتك وعزتي وجلالي له الحجه الواجبه لاوليائي وهو المنتقم من أعدائي ، بهم يمسك الله السماوات أن تقع على الارض إلا باذنه . ايضاح دفائن النواصب : ١١ و ١٢ .



عبادت کند که همچون مشکی خشک گردد بعد بیاید پیش من با انکار ولایت شما هرگز او را نمی آمرزم مگر اقرار بولایت شما نماید.

ای محمد مایلی آنها را تماشا کنی؟ عرض کردم آری پروردگارا! فرمود نگاه نگاه بر است عرش کن نگاه کردم علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی را در توده ای از نور دیدم که ایستاده اند و نماز میخوانند در وسط آنها مهدی همچون ستاره ای درخشان میدرخشد فرمود ای محمد اینها حجت های منند با قائم از عترت تو بعزت و جلالم این حجت لازم برای اولیای من است و او انتقام گیرنده از دشمنانم.

بوسیله آنها خدا آسمان ها

را نگه داشته که بر زمین فرو نریزند مگر با اجازه خودش.

۳- کِتَابُ صَفْوَةِ الْأَخْبَارِ.

کتاب صفوه الاخبار از ابراهیم بن محمد نوفلی از پدرش که خادم حضرت رضا علیه السلام بود نقل میکند که حضرت موسی بن جعفر از آباء گرام خود از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه نقل کرد که فرمود: برادر و دوستم پیامبر

ص: ۳۴۴



اکرم فرمود: هر کس مایل است خدا را ملاقات نماید در حالی که باو توجه داشته باشد و از او روی نگرداند باید ترا دوست داشته باشد یا علی و هر که دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی که از او راضی باشد باید دوست

بدارد فرزندان حسن را هر که میخواهد خدا را ملاقات نماید در حالی که ترسی نداشته باشد باید دوست داشته باشد فرزندان حسین را و هر که بخواید خدا را ملاقات نماید در حالی که گناهانش از بین رفته باشد باید علی بن الحسین را دوست بدارد زیرا او از کسانی است که خداوند در باره آنها فرموده سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ الشُّجُودِ.

و هر که دوست دارد خدا را ملاقات کند با چشم روشن باید دوست داشته باشد محمد بن علی حضرت باقر را و هر که مایل است خدا را ملاقات نماید در حالی که نامه عملش را بدست راستش بدهند دوست بدارد جعفر بن محمد علیه السلام را و هر که دوست دارد خدا را ملاقات نماید پاک و پاکیزه باید دوست بدارد موسی بن جعفر علیه السلام را و هر که مایل است خدا را شاد و خندان دوست بدارد علی بن موسی الرضا علیه السلام را و هر که دوست دارد خدا را ملاقات کند با درجات بلند و گناهانش تبدیل بحسنه شده

باشد باید دوست بدارد محمد بن علی حضرت جواد را.

و هر که مایل است خدا را ملاقات نماید و از او بسادگی حساب بکشند و داخل بهشت عدنی شود که عرض آن باندازه آسمانها و زمین است که آماده پذیرائی برای پرهیزگاران است باید دوست بدارد علی بن محمد حضرت هادی علیه السلام را.

و هر که میخواهد خدا را ملاقات کند در حالی که از رستگاران باشد باید دوست بدارد حسن بن علی حضرت عسکری را و هر که مایل است خدا را ملاقات کند با ایمان کامل و اسلام نیکو باید دوست بدارد حجه بن حسن امام منتظر صلوات الله علیه را اینها را پیشوایان هدایت و راهنمای تقوی هر که آنها را دوست بدارد من بهشت را ضامن میشوم برای او از جانب خدا.

### منظور از معرفت اهل بیت امامت آنهاست

۱- ابي لیلی عن الحسين ابن علی علیه السلام قال : قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : أَلْزَمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَانَهُ مِنْ لِقَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ يُوَدُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَنْفَعُ عَبْدًا

ص: ۳۴۶

عمله إلا بمعرفة حقنا. (امالی ابن الشیخ : ۲۶۶ و ۲۶۷).

ابو لیلی از حسین بن علی علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود پایدار باشید در راه محبت ما اهل بیت زیرا هر کس خدا را در قیامت ملاقات کند با دوستی ما بشفاعت ما داخل بهشت می شود قسم ب آن کس که جانم در دست اوست هیچ کس از عمل خود بهره ای نخواهد برد مگر با شناختن حق ما.

۲- فضیل ابن عثمان قال : سئل أبو عبد الله عليه السلام فقیل له : إن هؤلاء الأجانب (الاجانب) یروون عن أبیک یقولون : إن أباک علیه السلام قال : إذا عرفت فاعمل ماشئت ، فهم یستحلون من بعد ذلك کل محرّم فی نسخه : یستحلون بذلك کل محرّم.

قال : مالهم لعنهم الله؟ إنما قال أبی علیه السلام : إذا عرفت الحق فاعمل ماشئت من خیر یقبل منک المعانی ص ۱۸۱ و ۱۸۲.

معانی الاخبار: فضیل بن عثمان گفت از حضرت صادق علیه السّلام پرسیدند که آقا این ناپاکان از پدرت حدیثی نقل می کنند. که فرموده: وقتی عرفان یافتی هر چه میخواهی بکن بهمین دلیل هر کار حرامی را حلال میدانند فرمود خدا آنها را لعنت کند اینها را چه شده؟ پدرم فرمود وقتی حق را شناختی

ص: ۳۴۷

هر عمل خیری که مایلی انجام ده که از تو خدا قبول میکند.

۳- عن المفضل بن عمر أن أبا عبد الله عليه السلام كتب إليه كتابا فيه : إن الله عز وجل لم يبعث نبيا قط يدعو إلى معرفه الله ليس معها طاعه فى أمر ولا نهى ، وإنما يقبل الله من العباد العمل بالفرائض التى افترضها الله على حدودها مع معرفه من دعا إليه ، ومن أطاع حرم الحرام ظاهره وباطنه وصلى وصام وحج واعتمر وعظم حرمان الله كلها لم يدع منها شيئا وعمل بالبر كله ومكارم الاخلاق كلها وتجنب سيئها.

ومن زعم أنه يحل الحلال ويحرم الحرام بغير معرفه النبي صلى الله عليه وآله لم يحل لله حلالا ولم يحرم له حراما وإن من صلى وزكى وحج واعتمر وفعل ذلك كله بغير معرفه من افترض الله عليه طاعته فلم يفعل شيئا من ذلك لم يصل ولم يصم ولم يزك ولم يحج ولم يعتمر ولم يغتسل من الجنابه ولم يتطهر ولم يحرم لله حراما ولم يحل لله حلالا ، ليس له صلاه وإن ركع وإن سجد ، ولا له زكاه ولا حج ، وإنما ذلك كله يكون بمعرفه رجل من الله عزوجل على خلقه بطاعته وأمر بالاخذ عنه.

فمن عرفه وأخذ عنه أطاع الله ، ومن زعم أن ذلك إنما هى المعرفه وأنه إذا عرف اكتفى بغير طاعه فقد كذب وأشرك ، وإنما

ص: ۳۴۸

قیل : اعرف واعمل ماشئت من الخیر فانه لایقبل منک ذلک بغیر معرفه ، فاذا عرفت فاعمل لنفسک ماشئت من الطاعه قل أو کثر فانه مقبول منک.(علل الشرائع : ۹۱).

مفضل بن عمر گفت حضرت صادق علیه السلام نامه ای نوشت که در آن چنین نوشته بود: خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده که دعوت بمعرفت خدا کند ولی اطاعت از امر و نهی در دعوت او نباشد خداوند از بندگان قبول میکند عمل بواجباتی را که قرار داده با حفظ حدودی که معین کرده با معرفت کسی که دعوت بخدا می نماید هر کسی اطاعت کند حرام میدانند ظاهر و باطن حرام را نماز میخواند و روزه میگیرد و حج و عمره انجام میدهد و تعظیم تمام دستورات خدا را مینماید هیچ یک را وانگذارد و تمام خوبی ها را عمل کند و تمام اخلاق پسندیده را و از هر بدی پرهیز کند.

و هر کسی گمان نکند حلال پیامبر را حلال و حرام را حرام دانسته بدون معرفت پیامبر حلالی را حلال و حرامی را برای خدا حرام ندانسته و هر که نماز بخواند و زکات دهد و حج و عمره بجا آورد تمام این کارها بدون معرفت کسی که خدا اطاعت او را واجب نموده انجام دهد هیچ کاری را انجام نداده نه نماز و نه روزه و نه زکات و حج و عمره بجا آورده و نه

غسل از جنابت کرده و پاک نشده نه حرامی را حرام و نه حلالی را حلال دانسته اهل نماز نبوده گر چه رکوع و سجود کرده و نه زکات و حج انجام داده تمام اینها در صورتی صحیح است که بشناسد کسی را که خداوند بر مردم منت نهاده با اطاعت کردن و پیروی از او.

هر که او را بشناسد و اطاعت کند خدا را اطاعت نموده و هر کسی خیال کند که فقط معرفت کافی است بدون اطاعت دروغ گفته و مشرک است گفته شده بشناس آنگاه هر چه میخواهی کار نیک انجام ده زیرا از تو نمی پذیرند کار نیک را مگر با معرفت. وقتی معرفت پیدا کردی آنگاه هر چه مایلی بنفع خود اطاعت و فرمانبرداری کن چه کم و چه زیاد مقبول و پذیرفته است.

۴- إسحاق بن غالب از أبي عبدالله عليه السلام قال: عبدالله حبر من أجبّار بنی إسرائيل حتی صار مثل الخلال فأوحى الله عزوجل إلی نبی زمانه: قل له: وعزتی وجلالی وجبروتی لو أنك عبدتنی حتی تذوب كما تذوب الالیه فی القدر ما قبلت منك حتی تأتینی من الباب الذی أمرتک. (ثواب الاعمال: ۱۹۶).

اسحاق بن غالب از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود یکی از احبار بنی اسرائیل آنقدر عبادت کرد که

همچون خلایلی) نازک ( شد خداوند به پیامبر زمان او وحی کرد که باو بگو بعزت و جلال و جبروت سوگند اگر آنقدر مرا عبادت کنی که همچون چربی در دیگ آب شوی از تو نخواهم پذیرفت مگر از آن راهی بیایی که بتو دستور داده ام.

این روایت در المحاسن : ص ۹۸ نیز آمده است.

۵- باسناده عن زریق عن أبي عبدالله عليه السلام قال : قلت له :

أى الاعمال هو أفضل بعد المعرفة؟ قال : ما من شئ بعد المعرفة يعدل هذه الصلاة ولا بعد المعرفة والصلاة شئ يعدل الزكاه ، ولا بعد ذلك شئ يعدل الصوم ، ولا بعد ذلك شئ يعدل الحج ، وفاتحه ذلك كله معرفتنا ، وخاتمه معرفتنا. الخبر. امالى الشيخ :

۷۴.

بااسناد خود از زریق از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که عرض - کردم چه عملی بعد از معرفت از همه اعمال افضل است. فرمود هیچ کاری بعد از معرفت معادل نماز نیست بعد از معرفت و نماز چیزی برابر زکات نیست و بعد از آن چیزی برابر روزه نیست و بعد از آن چیزی برابر حج.

و پیش آهنگ تمام اینها معرفت ما است و پایان تمام آنها نیز معرفت ما است .... در صحیفه الرضا: نیز همین روایت آمده است

۶- الأمالی للصدوق أبی قدامه الفدائی قال قال رسول الله

ص: ۳۵۱

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَةِ أَهْلِ بَيْتِي وَوَلَايَتِهِمْ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ. أمالی الصدوق: ۲۸۳ و ۲۸۴.

أمالی الصدوق: ۲۸۳ و ۲۸۴.

امالی صدوق: ابو قدامه گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس خدا بر او منت نهد بمعرفت اهل بیت من و ولایت آنها برایش خداوند تمام خیر و نیکی را جمع نموده.

۶- المجالس المفید للمفید عَبدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الزُّمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ يُحِبُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا . مجالس المفید: ۷.

مجالس مفید: عبد الرحمن بن ابی لیلی از حسین بن علی علیه السلام نقل کرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود محبت ما را از دست ندهید زیرا هر کس خدا را با محبت ما اهل بیت ملاقات کند بشفاعت ما داخل بهشت می شود قسم ب آن کسی که جانم در دست اوست هیچ بنده ای از عمل خود بهره مند نمیشود مگر با معرفت ما.

۷- المحاسن ابنِ أَبِي لَيْلَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الزُّمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ يُوَدُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا

ص: ۳۵۲



يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفِهِ حَقًّا. المحاسن: ٦١.

محاسن: ابن ابی لیلی از حسین بن علی علیه السلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: در راه محبت اهل بیت پایدار باشید زیرا هر که بملاقات خدا با مودت ما اهل بیت برود داخل بهشت می شود بشفاعت ما، قسم ب آن کسی که جانم در دست اوست هیچ کس بهره مند از عمل خود نمیشود مگر با شناخت حق ما.

٨- وَ سَأَلَهُ أَبُو بَصِيرٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا مِمَّا عَنِ بِذَلِكَ فَقَالَ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ وَ اجْتِنَابَ الْكِبَائِرِ وَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي رَقَبَتِهِ نَبِيٌّ لِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ لَا يُعَذَّرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ فَمَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ فَكَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ لَا بَلْ كَمَنْ قَاتَلَ مَعَهُ ثُمَّ قَالَ لَا بَلْ وَ اللَّهُ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص.

ابو بصیر از امام علیه السلام سؤال کرد راجع باین آیه وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا منظورش چیست؟ فرمود منظور از حکمت معرفت امام است و اجتناب کبائر. هر کس بمیرد و بر گردن او تعهد امامی نباشد بنوع جاهلیت مرده.

بهانه ای از مردم نمی پذیرند در راه شناسائی امامشان هر که با

عرفان امام خویش بمیرد او را زبانی نخواهد رسید که ظهور پیش افتد یا تاخیر شود او مثل کسی است که با قائم بوده در خیمه اش. راوی گفت مختصری مکث نمود سپس فرمود نه بلکه مانند کسی است که در رکابش بجنگ پردازد سپس فرمود: نه بخدا مانند کسی است که در سپاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بشهادت رسیده باشد.

۹- تفسیر فرات بن ابراهیم: الحسین بن سعید باسناده عنه علیه السلام مثله وزاد فی آخره :

ألا إن أبانا إبراهيم خليل الله كان ممن اشترط على ربه قال :

« فاجعل أفتده من الناس تهوی ابراهیم : ۴.

إليهم » إنه (اما انه). لم يعن الناس كلهم فأنتم أولياؤه رحمكم الله ونظراؤكم ، وإنما مثلكم في الناس مثل الشعره السوداء في الثور الابيض ومثل الشعره البيضاء في الثور الاسود ، ينبغى

للناس أن يحجوا هذا البيت ويعظمونا (في المصدر : يعظموها لتعظيم الله اياه وان يلقونا). لتعظيم الله وأن تلقونا حيث كنا ، نحن الادلاء على الله تعالى . تفسیر فرات : ۸۰.

تفسیر فرات: حسین بن سعید باسناد خود از امام باقر علیه السلام همان خبر را نقل کرده و در آخر آن افزوده است پدر ما ابراهیم خلیل از چیزهایی که با خدا قرار گذاشت. این بود که

گفت خدایا دل‌های مردم را متوجه و علاقمند بخاندان و فرزندان من بگردان. منظور ابراهیم همه مردم نبود. شما اولیا ما و کسانی که شبیه شمایند اولیای او هستید. شما در میان مردم مانند یک موی سیاه در پیکر گاوی سفید و مانند موی سفیدی در گاو سیاهی هستید. سزاوار است مردم حج خانه خدا را بجا آورند و ما را احترام و تعظیم کنند بواسطه عظمتی که خدا بمان عینیت کرده و با ما برخورد کنند با مقامی که ما داریم ما راهنمایان بسوی خدا هستیم.

سن : أبی عن حماد بن عیسی فیما أعلم عن یعقوب بن شعیب قال : سألت أبا عبد الله علیه السلام عن قول الله عزوجل : « إلا من تاب وآمن وعمل صالحا ثم اهتدی » طه : ۸۴. قال : إلی ولایتنا والله ، أما ترى کیف اشترط الله عزوجل . المحاسن : ۱۴۲.

### اعمال کسانی قبول است که معتقد به امامت آنها

باشد.

۱- عبید الله بن علی الحلبي قال : قال أبو عبد الله علیه السلام : ما أردت أن أحدثکم ولا حدثکم ولا نصحن لکم ، وکیف لا أنصح لکم وأنتم والله جند الله ، والله ما یعبد الله عزوجل أهل دین غیرکم ، فخذوه ولا تذیعوه ولا تحبسوه عن أهله ، فلو حبست عنکم

ص: ۳۵۵

یحسب عنی .المحاسن : ۱۴۵ و ۱۴۶. عید الله بن علی حلبی گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود: نمیخواهم برایتان حدیث بگویم برای شما حدیث خواهم گفت و نصیحت خواهم کرد چگونه شما را نصیحت نکنم با اینکه شما بخدا قسم سپاه خدا هستید بخدا سوگند خدا را نپرسیده دینداری جز شما این را بگیریید و از بین نبرید و از اهل آن جلوگیری نکنید اگر از شما جلوگیری کنم از من جلوگیری می شود.

۲- زراره قال : سئل أبو عبد الله عليه السلام وأنا جالس عن قول الله: (من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها) (الانعام : ۱۶۱). یجری لهؤلاء ممن لا يعرف منهم هذا الامر؟ فقال : لا إنما هذه للمؤمنين خاصة قلت له : أصلحك الله أرأيت من صام وصلى واجتنب المحارم وحسن ورعه ممن لا يعرف ولا ينصب؟ فقال : إن الله يدخل أولئك الجنة برحمته .المحاسن : ۱۵۸. زراره گفت از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند من نیز حضور داشتم از این آیه مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا شامل کسانی که اعتقاد بامامت نداشته باشند می شود؟ فرمود: نه این اختصاص بمؤمنین دارد عرض کردم آیا کسی که روزه بدارد و نماز بخواند و از کارهای حرام پرهیز کند و پرهیز - کار باشد اما اعتقاد بامامت نداشته باشد ولی ناصبی و دشمن هم نباشد. فرمود:

خداوند آن‌ها را برحمت خود وارد بهشت میکند.

۳- عمر بن حنظله قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: إن آیه فی القرآن تشککنی، قال: وماهی؟ قلت: قول الله:

«إنما يتقبل الله من المتقين» قال: أي شيء شككت فيها؟ قلت:

من صلی وصام وعبده قبل منه، قال: إنما يتقبل الله من المتقين العارفين، ثم قال: أنت أزهدي في الدنيا أم الضحاک بن قیس؟ قلت: لا، بل الضحاک بن قیس، قال: فان ذلك. لا يتقبل منه شيء مما ذكرت. المحاسن: ۱۶۸. عمر بن حنظله گفت بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم یک آیه در قرآن مرا بشک انداخته فرمود: کدام آیه. عرض کردم: إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ فرمود:

در چه چیز این آیه مشکوک شده ای گفتم: هر کس نماز بخواند و روزه بگیرد و خدا را پرستد از او می پذیرد. فرمود: خداوند از پرهیزکاران عارف می پذیرد.

بعد فرمود: تو پارسا و زاهدتر هستی یا ضحاک بن قیس.

گفتم نه ضحاک بن قیس فرمود: از او هیچ یک از عبادتهائی که ذکر کردی نمی پذیرند.

۴- أمير المؤمنين عليه السلام در نامه ای که با محمد بن ابی بکر به اهل مصر نوشت: يا عباد الله إن اتقيتم الله وحفظتم نبيكم في أهل بيته فقد عبدتموه بأفضل ما عبد، و ذكرتموه

بأفضل ما ذكر، وشكرتموه بأفضل ما شكر، وأخذتم بأفضل الصبر والشكر واجتهدتم أفضل الاجتهاد، وإن كان غيركم أطول منكم صلاه وأكثر منكم صياماً فأنتم أتقى لله منه وأنصح لاولي الامر (امالی ابن الشيخ : ۱۱۷).

در ضمن نامه ای که امیر المؤمنین علیه السلام بوسیله محمد بن ابی بکر برای مردم مصر فرستاد نوشت ای بندگان خدا اگر از خدا پرهیزید و مراعات پیامبر خود در راه اهل بیتش بنمائید با بهترین وجه خدا را پرستیده اید و با بهترین صورت او را یاد کرده اید و بهترین سپاسگزاری را کرده اید و بهترین صبر و شکر را نموده اید و عالی ترین کوشش را کرده اید گر چه دیگران از شما نماز بیشتر و روزه زیادتری داشته باشند شما پرهیزگارتر و خیرخواه تر برای ائمه و پیشوایان دین خود هستید.

### امسال حاجی چقدر زیاد است؟!

۱- عبدالرحمان یعنی ابن کثیر (در مصدر: عبدالکریم).

قال: حججت مع أبي عبدالله عليه السلام فلما صرنا في بعض الطريق صعد علي جبل فأشرف فنظر إلى الناس فقال: ما أكثر الضجيج وأقل الحجيج؟ فقال له داود الرقي: يابن رسول

ص: ۳۵۸

الله هل يستجيب الله دعاء هذا الجمع الذي أرى؟ قال: ويحك يا أبا سليمان إن الله لا يغفر أن يشرك به، الجاحد لولايه على كعابد وثن. قال: قلت: جعلت فداك هل تعرفون محبكم ومبغضكم؟ قال: ويحك يا أبا سليمان إنه ليس من عبد يولد إلا كتب بين عينيه: مؤمن أو كافر، وإن الرجل ليدخل إلينا بولائتنا وبالبراءه من أعدائنا فنرى مكتوبا بين عينيه: مؤمن أو كافر، قال الله عزوجل: « إن في ذلك لآيات للمتوسمين » الحجر: ٧٥.

نعرف عدونا من ولينا بصائر الدرجات: ١٠٥. عبد الرحمن بن كثير: گفت با حضرت صادق عليه السلام بحج رفتم در بین راه امام علیه السلام بر فراز کوهی رفت و مردم را از نظر گذرانید.

فرمود چقدر سر و صدا زیاد است ولی حاجی کم است. داود رقی عرضکرد یا ابن رسول الله آیا خداوند دعای این جمعیت را مستجاب میکند. فرمود وای بر تو ای ابا سلیمان خداوند نمی آموزد کسی را که برایش شریک قرار دهد و منکر ولایت علی مانند بت پرست است.

عرضکرد: که آیا شما دوست و دشمنان را میشناسید.

فرمود: وای بر تو ابا- سلیمان هیچ کس متولد نمیشود مگر اینکه در پیشانی او نوشته می شود. مؤمن یا کافر است.

شخصی پیش ما می آید با ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان ما

می بینیم در پیشانیش نوشته است مؤمن است یا کافر، خداوند در قرآن میفرماید إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ما دشمنانمان را از دوست مان باز میشناسیم.

۲- معاذ بن کثیر قال : نظرت إلى الموقف والناس فيه كثير فدنوت إلى أبي عبدالله عليه السلام فقلت : إن أهل الموقف كثير ، قال : فضرب ببصره فأدراه فيهم ثم قال : ادن مني يا ابا عبدالله ، فدنوت منه فقال : غناء يأتي به الموج من كل مكان ، والله ما الحج إلا لكم ، لا والله ما يتقبل الله إلا منكم. (امالی الشيخ : ۱۱۶).

معاذ بن کثیر گفت در عرفات تماشا کردم جمعیت زیادی دیدم نزدیک بحضرت صادق علیه السلام رفتم عرض کردم در عرفات جمعیت کثیری شرکت کرده اند. چشم باطراف انداخت سپس فرمود نزدیک من بیا خدمت آن جناب رفتم.

پس گفت: خار و خاشاکی است که موج از این طرف و آن طرف می آورد بخدا قسم حج نیست مگر برای شما نه بخدا قسم قبول نمیکند خدا مگر از شما.

۳- عمر الکلبی قال : كنت أطوف مع أبي عبدالله عليه السلام وهو متكئ على إذ قال : يا عمر ما أكثر السواد يعني الناس ، فقلت : أجل جعلت فداك ، فقال : أما والله ما يحج لله غيركم ولا يؤتى أجره مرتين غيركم ، أنتم والله رعاة الشمس والقمر ،



وَأَنْتُمْ وَاللَّهِ أَهْلُ دِينِ اللَّهِ ، مِنْكُمْ يُقْبَلُ وَلَكُمْ يَغْفِرُ الْمُحَاسِنُ : ۱۴۵.

عمر الکلبی گفت با حضرت صادق علیه السّلام طواف خانه کعبه میکردم او بر من تکیه کرده بود فرمود عمر! چقدر جمعیت زیاد است عرض کردم آری فدایت شوم فرمود بخدا قسم حج بجا نمی آورد غیر شما و دو چندان پاداش نمی دهند بکسی جز شما، بخدا قسم شما مورد عنایت خورشید و ماه هستید و شما بخدا قسم اهل دین خدا هستید از شما قبول میکنند و شما را می آمرزند.

۴-أبی الجارود قال أبو جعفر عليه السلام : يا أبا الجارود أما ترضون أن تصلوا فيقبل منكم ، وتصوموا فيقبل منكم ، وتحجوا فيقبل منكم؟ والله إنه ليصلي غيركم فما يقبل منه ، ويصوم غيركم فما يقبل منه ، ويحج غيركم فما يقبل منه بشاره المصطفى : ۸۲ ج ۸۴. ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد فرمود: ای اباجارود آیا راضی نمی شوید نماز گذارید از شما پذیرفته شود؟! و روزه بدارید قبول شود و حج بجا آورید از شما قبول شود؟ بخدا قسم غیر از شماها نماز می خوانند و روزه می دارند و حج بجا می آورند از آنها قبول نمی شود.

(چون به ولایت و امامت اهل بیت عقیده ندارند).

ص: ۳۶۱

۵-أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام قال : قلت له بمكة أو بمنى : يابن رسول الله ما أكثر الحاج؟ قال : ما أقل الحاج ما يغفر الله، إلا لك ولاصحابك ولا يتقبل إلا منك ومن أصحابك بشاره المصطفى : ۸۸. با همین اسناد از ابو الجارود از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که عرض کردم بایشان در مکه یا منی یا ابن رسول الله چقدر حاجی زیاد است:

فرمود چقدر حاجی کم است نمی آمرزند مگر شما و دوستانتان را پذیرفته نمیشود مگر از شما و یاران.

۶-عمر بن أبان الكلبي قال : قال لي أبو عبد الله عليه السلام : ما أكثر السواد : قلت : أجل يابن رسول الله قال : أما والله ما يحج الله غيركم ولا- يصلى الصلاتين غيركم ، ولا يؤتى أجره مرتين غيركم ، وإنكم لرعاه الشمس والقمر والنجوم وأهل الدين ، ولكم يغفر ومنكم يقبل (المحاسن : ۱۶۷. عمر بن أبان كلبي گفت:

حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود چقدر جمعیت زیادی هستند. عرض کردم آری یا ابن رسول الله فرمود: بخدا قسم بجز شما کسی حج برای خدا انجام نمیدهد و نماز نمیخواند و پاداش دو چندان را نمیدهند مگر بشما و مراقبین ماه و خورشید و ستارگان (یعنی مراقب برای انجام نمازها و اوقات آنها) و اهل دین شما هستید و شما را می آمرزند و از شما

می پذیرند.

۷- وباسناده عن منصور الصيقل قال : كنت عند أبي عبدالله عليه السلام في فسطاطه بمنى ، فنظر إلى الناس فقال : يأكلون الحرام ويلبسون الحرام وينكحون الحرام وتأكلون الحلال وتلبسون الحلال وتنكحون الحلال ، لا والله ما يحج غيركم ولا يتقبل إلا منكم (فضائل الشيعة : ۳۹).

با همان سند از منصور صیقل نقل کرده که گفت در منی خدمت حضرت صادق در خیمه آن جناب بودم نگاهی بمردم نموده فرمود غذایشان حرام و لباسشان حرام و ازدواج آنها حرام است اما شما غذایتان حلال و لباستان حلال و ازدواجتان حلال است بخدا قسم جز شما حج را انجام نمیدهد و از غیر شما پذیرفته نخواهد شد.

۸- ابن ابي عمير عن بعض أصحابه از ابي عبدالله عليه السلام قال :

قیل له : إن أبا الخطاب يذكر عنك أنك قلت له : إذا عرف الحق فاعمل ماشئت ، فقال : لعن الله أبا الخطاب والله ما قلت له هكذا ولكني قلت له : إذا عرف الحق فاعمل ماشئت من خير يقبل منك ، إن الله عز وجل يقول : « من عمل صالحا من ذكر أو أنثى وهو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب » المؤمن :

۴۳. ويقول تبارك وتعالى : من عمل صالحا من ذكر أو أنثى وهو

ص: ۳۶۳

مؤمن فلنحیینه حیاہ طیبه».(النحل : ۹۹). (معانی الاخبار : ۳۸۸ و ۳۸۹. ابن ابی عمیر از یکی از اصحاب و یاران خود نقل کرد از حضرت صادق علیه السلام که بآن جناب عرض کردند ابو الخطاب از قول شما نقل کرده که فرموده اید وقتی حق را شناختی هر عملی مایلی انجام بده فرمود:

خدا لعنت کند ابو الخطاب را بخدا قسم این طور باو نگفته ام من باو گفتم وقتی حق را شناختی هر عمل خیری که میخواهی انجام بده خداوند می پذیرد خداوند می فرماید مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ

و در این آیه می فرماید: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً .

۹- معانی الاخبار: فضیل بن عثمان گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آقا این ناپاکان از پدرت حدیثی نقل می کنند. که فرموده: وقتی عرفان یافتی هر چه میخواهی بکن بهمین دلیل هر کار حرامی را حلال میدانند فرمود خدا آنها را لعنت کند اینها را چه شده؟ پدرم فرمود وقتی حق را شناختی هر عمل خیری که مایلی انجام ده که از تو خدا قبول میکند.

۱۰-أبي سعيد الخدري قال : سمعت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : لو أن عبدا عبد الله ألف عام ما بين الركن والمقام ثم ذبح كما يذبح الكبش مظلوما لبعثه الله مع النفر الذين يقتدى بهم ويهتدى بهداهم ويسير بسيرتهم إن جنه فجنه وإن نارا فنار المحاسن : ۶۱. ابو سعيد خدري گفت از پیامبر اکرم شنیدم اگر بنده ای خدا را هزار سال بین رکن و مقام عبادت کند آنگاه او را بکشند چنانچه گوسفند را میکشند مظلوم وار خداوند او را مبعوث خواهد کرد با کسانی که ب آنها اقتداء کرده و از هدایت ایشان پیروی می نموده و روش خود آنها را از پیش گرفته است اگر بهشتی باشند بهشت و اگر جهنمی باشند جهنم:

۱۱-علا از محمد از أحدهما علیه ما السلام قال : قلت له : إنا نرى الرجل من المخالفين عليكم له عبادة واجتهاد وخشوع ، فهل ينفعه ذلك شيئا؟ فقال : يا محمد إنما مثلنا أهل البيت مثل أهل بيت كانوا في بني إسرائيل وكان لا يجتهد أحد منهم أربعين ليلة إلا دعا فاجيب وإن رجلا منهم اجتهد أربعين ليلة ثم دعا فلم يستجب له ، فأتى عيسى بن مريم عليه السلام يشكو إليه ما هو فيه ، ويسأله الدعاء له ، فتطهر عيسى وصلى ثم دعا فأوحى الله إليه : يا عيسى إن عبدى أتانى من غير الباب الذى أوتى منه ،

إنه دعانی وفي قلبه شك منك ، فلو دعانی حتی ینقطع عنقه وتنتشر أنامله ما استجبت له.

التفت عیسی فقال : تدعو ربك وفي قلبك شك من نبیه؟ فقال : یا روح الله وكلمته قد كان والله ماقلت ، فاسئل الله أن یذهب به عنی ، فدعا له عیسی علیه السلام فتقبل الله منه وصار فی حد أهل بیته كذلك نحن أهل البیت لا یقبل الله عمل عبدوهو یشك فینا (امالی المفید : ۲. علا از محمد از حضرت صادق یا باقر علیهما السّلام نقل کرد که گفت من خدمت ایشان عرض کردم ما مشاهده می کنیم مردی از مخالفین شما را که دارای عبادت و کوشش و خشوع است آیا این اعمال برای او نفعی دارد فرمود مثل ما اهل بیت مانند خانواده ایست که در بنی اسرائیل بود که هر کدام از این خانواده اگر چهل شب عبادت میپرداخت دعائی که می کرد مستجاب می شد.

یکی از آنها چهل شب عبادت کرد بعد دعا کرد ولی مستجاب نشد خدمت عیسی بن مریم رسید و شکایت از حال خود کرد و تقاضای دعا برای خود نمود عیسی وضو گرفت و نماز خواند سپس دعا کرد. خداوند باو وحی نمود:

ای عیسی این بنده من از دری که باید نیامده او دعا کرد ولی در دل نسبت بتو مشکوک بود اگر آنقدر دعا کند که

گردنش بشکند و بندهای انگشتش از هم بپاشد دعایش را مستجاب نخواهم کرد.

عیسی رو باو نموده فرمود خدا را میخوانی با اینکه در دل نسبت به پیامبرش شک داری گفت ای روح الله و ای کلمه الله بخدا قسم این مطلب در دلم بود از خدا بخواه از دلم بزداید عیسی برایش دعا کرد خداوند پذیرفت و مانند سایر خانواده خود شد همچنین است وضع ما اهل بیت عمل کسی را که در باره ما مشکوک باشد خدا پذیرد.

این روایت از کنز الفوائد ۳۸ و ۳۹ و عده الداعی از محمد بن مسلم نیز نقل شده.

### **آنچه لازم است مراعاتش از نظر حفظ احترام و**

عذاب هر کس که با آنها بجنگد

۱- داود بن سلیمان عن الرضا عن آبائه عن أمير المؤمنين : قال : قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : حرمت الجنة على من ظلم أهل بيتي وقتلهم وعلى المتعرض عليهم والساب لهم اولئك لاخلاق لهم فى الآخرة ولا يكلمهم الله يوم القيامة ولا ينظر اليهم. يوم القيامة. (آل عمران : ۷۱). ولايزكيهم ولهم عذاب أليم. (امالی ابن الشيخ :

۱۰۲. پیامبر در مورد ائمه عليهم السلام و کيفر قاتل و ظالم و

ص: ۳۶۷

خوارکننده آنها و کسی که بایشان کمک نکرده

امالی: داود بن سلیمان از حضرت رضا علیه السلام از آباء گرامش از امیر- المؤمنین نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهشت حرام شده بر کسی که ستم باهل بیت من نماید و با آنها جنگ کند و کسی که با ایشان برخورد بد داشته و ناسزا ب آنها بگوید آنها را در آخرت بهره ای نیست و خداوند با ایشان روز قیامت سخن نخواهد گفت و نه پاکشان میکند و دچار عذابی سخت میشوند.

در صحیفه الرضا: همین روایت نقل شده پس از جنگ کننده با آنها آمده است و کسی که همکاری با ستمگر آنها نماید و کسی که ناسزا بایشان بگوید.

۲- امالی: با همین اسناد از علی بن ابی طالب علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که این آیه را تلاوت نمود فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ عرض کردند یا رسول الله اصحاب آتش کیانند فرمود هر کسی پس از من با علی علیه السلام جنگ کند اینها اصحاب آتشند با کافران. اینها کافر بحق شده اند وقتی برای آنها حق آمد. بدانید علی پاره تن من است هر کس با او جنگ کند با من جنگ کرده و خدا را بخشم در آورده سپس علی علیه السلام را صدا زده فرمود یا علی جنگ تو

ص: ۳۶۸



جنگ من و سازش تو سازش من و تو راهنمای مردم بعد از من برای امتم هستی.

۳- امالی مفید: زیاد بن احمر از زید بن علی بن الحسین نقل کرد که این آیه را تلاوت کرد وَ أُمَّ الْجِدَارِ فَكَانَ لِعُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ سِيسٍ گفت خداوند آن دو بچه را حفظ کرد چون پدرشان مرد صالحی بود چه کسی از ما سزاوارتر به حفظ است جدّ ما پیامبر و دخترش سرور زنان بهشت، مادر ما است و اولین کسی که ایمان بخدا آورد و موحد شد و نماز خواند پدر ما است.

۴- امالی: ابو العباس بن شیبب از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: مراعات کنید در باره ما آنچه را عبد صالح در باره آن دو یتیم مراعات کرد که پدرشان مرد صالحی بود (اشاره بداستان خضر است).

۵- ثواب الاعمال: عمرو بن قیس مشرقی گفت خدمت حضرت حسین رسیدم من و پسر عمویم، امام علیه السلام در محلی بنام قصر بنی مقاتل بود سلام کردیم پسر عمویم عرض کرد: یا ابا عبد الله آنچه در چهره مبارکتان می بینم خضاب است یا رنگ موی شما است؟ فرمود خضاب است پیری بسرعت بما خانواده روی می آورد آنگاه بما توجه نموده

فرمود آمده اید برای نصرت و یاری من. عرض کردم من مردی پیر و قرض دار و عیالوارم و مقداری مال مردم در اختیار من است و نمی دانم چه می شود و مایل نیستم امانتها از بین برود پسر عمویم نیز شیه همین حرف را زد، فرمود: پس بروید تا صدای گرفتاری مرا نشنوید و چشمتان بسیاهی جمعیت ما نیفتد زیرا هر کس صدای گرفتاری ما را بشنود یا سیاهی جمعیت ما را ببیند و ما را اجابت نکند و بداد ما نرسد بر خداست که او را با سر در آتش جهنم افکند.

۶- عیون اخبار الرضا: از حضرت رضا علیه السّلام از آباء گرامش نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود خداوند و پیامبرش شدت خشم می گیرند بر کسی که خون مرا بریزد و مرا آزار نماید در باره عترتم.

عیون: با همین سند پیامبر اکرم فرمود وای بر ستمگر اهل بیت من گویا می بینم که آنها فردا در پائین ترین درجه آتش جهنم هستند.

۷- عیون: با همین سند پیامبر اکرم فرمود هر کسی به همراه ما قتال نماید در آخر الزمان مثل این است که قتال بهمراهی ما نموده با دجال.

۸- عیون اخبار الرضا: حسین بن علی علیه السّلام از پیامبر

اکرم از جبرئیل از خداوند بزرگ نقل میکند که فرمود: هر کسی با اولیای من دشمنی ورزد با من بمبارزه جنگی پرداخته و هر کس با اهل بیت بجنگ پردازد عذاب من او را فرا می گیرد و هر که غیر آنها را دوست بدارد مشمول غضب من می شود و هر که عزیز شمارد غیر ایشان را مرا آزرده و هر که مرا بیازارد اهل آتش است.

توضیح: منظور از اینکه دیگری را عزیز بدارد یعنی کاری بکند که موجب خواری ائمه بشود با این عزیز داشتن.

۹- امالی: عمرو بن خالد گفت زید بن علی در حالی که موی خود را بدست داشت از زین العابدین پدر خود نقل کرد که موی را بدست داشت گفت شنیدم پدرم حسین بن علی در حالی که موی خود را بدست داشت فرمود پدرم امیر المؤمنین در حالی که موی خود را در دست داشت فرمود پیامبر اکرم در حالی که موی خود را در دست داشت فرمود هر که یک موی مرا بیازارد مرا آزرده و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده و هر که خدا را بیازارد او را اهل آسمانها و زمین لعنت میکنند و این آیه را تلاوت نمود إِنَّ الدِّينَ يُؤدُّونَ اللَّهُ وَ رَسُوْلَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً مُّهِيناً.

۱۰- تفسیر عیاشی: ابو سعید خدری گفت پیامبر اکرم

فرمود خداوند سخت خشم گرفت بر یهود که گفتند عزیر پسر خدا است و سخت خشم گرفت بر نصرانیان که گفتند عیسی مسیح پسر خدا است و سخت غضبناک است بر کسی که خون مرا بریزد و آزارم نماید در مورد عترتم.

### ابدال همان ائمه علیهم السلام هستند

۱- ج، الإحتجاج رُوِيَ عَنِ الْخَالِدِ بْنِ الْهَيْثَمِ الْفَارِسِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاعِ إِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّ فِي الْأَرْضِ أَبْدَالَ فَمَنْ هَؤُلَاءِ الْأَبْدَالُ قَالَ صَدَقُوا الْأَبْدَالُ الْأَوْصِيَاءُ جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ بَدَلَ الْأَنْبِيَاءِ إِذْ رَفَعَ الْأَنْبِيَاءَ وَخَتَمَهُمْ مُحَمَّدٌ ص .

احتجاج طبرسی: هیثم فارسی گفت: بحضرت رضا علیه السلام گفتم: مردم معتقدند که در زمین ابدالی وجود دارد این ابدال کیانند فرمود راست میگویند ابدال همان اوصیا هستند خداوند آنها را در زمین بدل و بجای انبیاء قرار داده، چون انبیاء از دنیا رفته اند و حضرت محمد صلی الله علیه و آله خاتم است.

توضیح: ظاهر دعائی که از ام داود از حضرت صادق علیه السلام نقل شده در نیمه رجب که میفرماید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَالسُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَأَيُّمِهِ الْهُدَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْلَادِ وَالسِّيَاحِ وَالْعِبَادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَادِ وَأَهْلِ الْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ.

احتجاج الطبرسی: ۲۴۰. تا آخر دعا.

حاکمی است ابدال با ائمه علیهم السلام فرق دارند ولی صراحت ندارد ممکن است حمل بر تاکید شود ممکن است منظور از ابدال در دعا خواص اصحاب ائمه باشند.

ظاهر خبر نفی میکند ادعای صوفیه اهل سنت که خود را ابدال میدانند چنانچه متتبع و محقق خود این مطلب را دریافت میکند .

### صاحب این امر محفوظ است و او به پیشگاه

پروردگار می آید با مؤمنین هر عصر

۱- تفسیر العیاشی سُلَيْمَانَ بْنِ هَارُونَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ بَعْضَ هَذِهِ الْعَجَلِيَّةِ يَقُولُونَ إِنَّ سَيْفَ رَسُولِ اللَّهِ ص عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا رَأَاهُ هُوَ وَ لَمَّا أَبَوْهُ بِوَأَحِدِهِ مِنْ عَيْنَيْهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ رَأَاهُ أَبَوْهُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ ع وَ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مَحْفُوظٌ لَهُ فَلَا تَذْهَبَنَّ يَمِينًا وَ لَا

ص: ۳۷۳

شِمَالًا فَإِنَّ الْأَمْرَ وَاللَّهَ وَاضِحٌ وَاللَّهُ لَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ اجْتَمَعُوا عَلَىٰ أَنْ يَحْوِلُوا هَذَا الْأَمْرَ مِنْ مَوْضِعِهِ الَّذِي وَضَعَهُ اللَّهُ فِيهِ مَا اسْتِطَاعُوا وَلَا أَنَّ النَّاسَ كَفَرُوا جَمِيعًا حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ أَحَدٌ لِحِجَاءِ اللَّهِ لِهَذَا الْأَمْرِ بِأَهْلِ يَكُونُونَ مِنْ أَهْلِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ الْمَائِدَةُ: ٥٩. حَتَّىٰ فَرَّغَ مِنَ الْآيَةِ وَقَالَ فِي آيَةِ أُخْرَىٰ فَإِنَّ يَكْفُرُ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ الْأَنْعَامُ: ٨٩. ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَهْلَ هَذِهِ الْآيَةِ هُمْ أَهْلُ تِلْكَ الْآيَةِ . تفسیر العیاشی ٣٢٦: ١.

تفسیر عیاشی: سلیمان بن ہارون گفت بامام علیہ السلام گفتیم بعضی از عجلین می گویند شمشیر پیامبر اکرم پیش عبد اللہ بن حسن است فرمود بخدا قسم آن را ندیده و نه پدرش با یک چشمش مگر اینکه پدرش در نزد حضرت حسین علیہ السلام دیده باشد. صاحب این امر محفوظ است برای او نگهداری می شود بطرف راست و چپ نرو مطلب بخدا قسم واضح است.

بخدا قسم اگر اهل آسمان و زمین اجتماع کنند بر تغییر مقام امامت و قرار دادن آن را از محلی که خدا قرار داده بدیگری قدرت نخواهند داشت اگر همه مردم کافر شوند



يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ عَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ وَ زَبَدِ الْبَحْرِ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ . أمالی ابن الشيخ: ۹۷ (الإحنه بالكسر الحقد).

امالی ابن شیخ: حسین بن مصعب گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم. می فرمود هر که ما را دوست داشته باشد برای خدا و دوست داشته باشد دوست ما را نه بجهت هدفی مادی که از او چشم دارد و دشمن بدارد دشمن ما را نه بواسطه اختلافی که بین او و دشمن ما است. در صورتی که وارد قیامت شود با اینکه دارای گناهی باشد باندازه ریگ انبوه و کف دریا خداوند او را می آمرزد.

۲- ثواب الأعمال صالح بن سهل عن أبي عبد الله ع قال: مَنْ أَحَبَّنَا وَ أَبْغَضَ عَدُوَّنَا فِي اللَّهِ مِنْ غَيْرِ تَرَهٍ وَ تَرَهَا إِيَّاهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا ثُمَّ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ فَلَقِيَ اللَّهَ وَ عَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ زَبَدِ الْبَحْرِ غَفَرَهَا اللَّهُ لَهُ . ثواب الأعمال: ۱۶۵.

ثواب الاعمال: صالح بن سهل از حضرت صادق نقل کرد که فرمود: هر که ما را دوست بدارد و دشمن ما را دشمن بی آنکه اختلافی با او داشته باشد در امور دنیا بعد با همین وضع بمیرد اگر باندازه کف دریا گناه داشته باشد خدا او را می آمرزد.



۱- تفسیر القمی فی روایه ابی الجارود عن ابی جعفر ع فی قوله ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه فیحب بهذا و یبغض بهذا فأما محبتنا فیخلص الحب لنا كما یخلص الذهب بالنار لا یدر فیہ من أراد أن یعلم حبتنا فلیمتحن قلبه فإن شارکه فی حبتنا حب عدونا فلیس منا و لسننا منه و الله عدوهم و جبرئیل و میکائیل و الله عدو للكافرین. تفسیر القمی: ۵۱۴.

المصدر و نسخه من الكتاب خال عن قوله: ينظر إلى الله و.

تفسیر قمی: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السلام در آیه ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه نقل کرد که فرمود دوست داشته باشد با این قلب و دشمن داشته باشد با همان قلب، اما محبت ما دوستی را خالص میکند چنانچه طلا بوسیله آتش خالص می شود که دیگر کدورتی در آن نیست هر که مایل است آزمایش محبت ما را نماید بقلب خود مراجعه کند اگر در قلب خود با محبت ما محبت با دشمنان ما را نیز یافت از ما نیست و ما نیز از او نیستیم خدا با آنها دشمن است و جبرئیل و میکائیل و خداوند دشمن کافران است.

۲- قرب الإسناد ابن عیسی عن البرنطی قال: کتب إلى الرضا ع قال أبو جعفر علیه السلام من سره أن لا یكون بیته و بین الله

حِجَابٌ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى اللَّهِ وَ يَنْظُرَ اللَّهُ إِلَيْهِ فَلْيَتَوَلَّ آلَ مُحَمَّدٍ وَ يَبْرَأْ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ يَأْتَمَّ بِالْإِمَامِ مِنْهُمْ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ

نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ نَظَرَ إِلَى اللَّهِ . قرب الإسناد: ۱۵۳.

قرب الاسناد: بزنی گفت حضرت رضا علیه السلام بمن نوشت حضرت باقر علیه السلام فرموده است هر که مایل است بین او و خدا حجابی نباشد تا بسوی خدا تماشا کند و خدا باو توجه نماید، دوست بدارد آل محمد را و از دشمنان آن ها بیزاری جوید و پیرو ائمه از آل محمد باشد وقتی چنین بود توجه بخدا نموده و خدا نیز متوجه اوست.

توضیح: نگاه کردن بخدا کنایه از کمال معرفت است بحسب طاقت و قابلیت او و نگاه خداوند به بنده کنایه از کمال لطف و مرحمت است.

۳- الخصال فی خبر الأعمش عن الصادق ع قال: حُبُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَاجِبٌ وَ الْوَلَايَةُ لَهُمْ وَاجِبَةٌ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَاجِبَةٌ...

الخصال: ۱۵۳: ۲ و ۱۵۴. خصال: در خبر اعمش از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود:

دوستی اولیای خدا واجب است و لایت آنها لازم است و بیزاری از دشمنان آنها واجب است و هم از کسانی که ستم به آل محمد صلی الله علیه و آله کرده اند و حجاب ایشان را هتک نموده و از فاطمه زهرا علیها السلام فدک را گرفته اند و او را از

میراثش بازداشته و حق او و شوهرش را غصب کرده اند و کوشش برای سوختن خانه اش کردند و بنیاد ظلم را نهاده سنت پیامبر را تغییر دادند و بیزاری از پیمان شکنان و ستمگران و منحرفین لازم است و بیزاری از شقی ترین فرد گذشتگان و آیندگان همتای پی کننده شتر ثمود کشنده امیر المؤمنین علیه السّلام لازم است همچنین بیزاری از تمام کشندگان اهل بیت واجب است.

و ولایت مؤمنینی که تغییر و تبدیلی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بوجود نیاورده اند لازم است مانند سلمان فارسی و ابو ذر غفاری و مقداد بن اسود کنندی و عمار بن یاسر و جابر بن عبد الله انصاری و حذیفه بن یمان و ابی الهیثم بن التیهان و سهل بن حنیف و ابو ایوب انصاری و عبد الله بن صامت و عباد بن صامت و خزیمه بن ثابت ذو الشهادتین و ابی سعید خدری و هر کس از راه اینها رفته باشد و کردارش شبیه آنها و ولایت پیروان و اقتداکنندگان بایشان و هدایتشان لازم و واجب است.

توضیح: از حضرت رضا علیه السّلام شبیه این روایت با مختصر تغییری در نامه ای که آن جناب برای مامون می نویسد راجع باصول و فروع دین، آمده است.

۴- الأمالی للصدوق هشام بن سالم عن الصادق جعفر بن محمد ع قال: من جالس لنا عائياً أو مدح لنا قالياً أو واصل لنا قاطعاً أو قطع لنا واصلًا أو والى لنا عدواً أو عادى لنا ولياً فقد كفر بالذي أنزل السبع المثاني و القرآن العظيم . أمالی الصدوق:

۳۴ و ۳۵. امالی صدوق: هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود هر کس با عیبجوی ما بنشیند یا تعریف کند از دشمن و کینه توز ما و همبستگی داشته باشد با کسی که از ما قطع نموده یا قطع نماید از کسی که با ما پیوسته است یا دشمن ما را دوست بدارد و یا دوست ما را دشمن بدارد کافر شده است بخدائی که سبع مثانی و قرآن کریم را نازل نموده.

۵- المجالس للمفید ، الأمالی للشیخ الطوسی المفید حبیش بن المعتمر قال: دخلت علی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ع فقلت السلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمه الله و برکاته کیف أمسیت قال أمسیت محباً لمحبتنا و مبغضاً لمبغضتنا... مجالس المفید: ۱۹۷. حبیش بن معتمر گفت: خدمت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب رسیده گفتم سلام علیک و رحمه الله و برکاته شب را چگونه گذرانده اید فرمود شب کردم در حالی که دوست دارم دوستان خود را و دشمنم با دشمنان خود و

دوست ما شب کرد در حالی که مورد حسرت است از رحمتی که خدا باو عنایت کرده و انتظار آن را میکشد اما دشمن ما شب کرد در حالی که پای بر کنار گودالی پر از آتش نهاده که این کناره او را ب آتش جهنم سقوط می دهد گویا درهای رحمت برای اهل آن باز شده گوارا باد رحمت برای اهل آن مرگ بر اهل جهنم و سزاوار آتشند.

یا حبیبش هر کس دوست دارد بفهمد دوست یا دشمن ما است دل خود را آزمایش کند اگر دوست ما را دوست داشته باشد دشمن ما نیست و اگر دشمن بدارد دوستی از ما را دوست ما نیست خداوند پیمان گرفته از دوستانمان بر

محبت و دوستی ما و در ذکر نام دشمن ما را نوشته. ما نجیبانیم و فرزندان ما فرزندان انبیاء هستند.

۶- التفسیر العسکری: ۱۸، معانی الأخبار: ۱۱۳، عیون الأخبار: ۱۶۱، علل الشرائع: ۵۸.

امام حسن عسکری از آباء گرام خود نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یکی از اصحاب خود فرمود ای بنده خدا دوست بدار برای خدا و دشمن بدار برای خدا و محبت داشته باش در راه خدا و دشمنی را براه خدا اختصاص بده هرگز بولایت خدا نخواهی رسید مگر بهمین کار و شخص

ص: ۳۸۱

طعم ایمان را نخواهد چشید اگر چه نماز و روزه زیاد داشته باشد مگر چنین باشد مدار دوستی مردم حالا بیشتر در مسائل دنیوی است هدف های دنیوی موجب دوستی و دشمنی می شود اما این مطلب آنها را از جانب خدا بی نیاز نمیکند.

عرض کرد بچه وسیله بدانم دوستی و دشمنی من در راه خدا است و دوست خدا کیست تا او را دوست بدارم و دشمن خدا کیست تا او را دشمن بدارم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره بعلی علیه السلام نمود فرمود این را می بینی عرض کرد آری فرمود دوست او دوست خدا است او را دوست بدار و دشمن او دشمن خدا است او را دشمن بدار فرمود دوست علی را دوست بدار گر چه قاتل پدر فرزندان باشد و دشمن بدار دشمن او را اگر چه پدر یا فرزندان باشد.

۷- الأمالی للصدوق الثمینی عن ابن جُبَیر عن ابن عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي وَ لِيُؤَالَ أَوْلِيَاءَهُ وَ لِيُعَادِ أَعْدَاءَهُ. أمالی الصدوق: ۲۸۳.

امالی صدوق: ابن عباس گفت پیامبر اکرم فرمود هر که دوست دارد خداوند برایش تمام خیر را فراهم کند باید علی

را بعد از من دوست داشته دوستانش را دوست بدارد و دشمنانش را دشمن.

۸- ثواب الأعمال: جابر عن أبي جعفر قال: مَنْ لَمْ يَعْرِفْ سُوءَ مَا أَتَىٰ إِلَيْنَا مِنْ ظُلْمِنَا وَ ذَهَابِ حَقِّنَا وَ مَا رَكِبْنَا بِهِ فَهُوَ شَرِيكَ مَنْ أَتَىٰ إِلَيْنَا فِيْمَا وُلِّينَا بِهِ . ثواب الأعمال: ۲۰۰.

ثواب الاعمال: جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود هر کس شناسد زشتی ستمی که بما وارد شده و حق ما را که از بین رفته و آنچه ما دیده ایم، او شریک کسی است که بما آن ستم را روا داشته در این حکومت ستمگرانه ای که بما داشته.

۹- تفسیر العیاشی سعدان عن رجل عن أبي عبد الله ع في قوله و إن تَبَدُّوا ما في أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ قَالَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُدْخَلَ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ حُبِّهِمَا .

تفسیر عیاشی: سعدان از مردی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که در باره آیه و إن تَبَدُّوا ما في أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ فرمود:

سزاوار است که خداوند داخل بهشت نکند کسی را که در دل باندازه یک دانه خردل محبت آن دو را داشته باشد.

بیان: من حیہما اى من حب أبى بكر و عمر فالمراد بقوله لَمَنْ يَشَاءُ الشيعة كما ورد فى الأخبار الكثیره.

۱۰- السرائر مِنْ كِتَابِ أَنْسِ الْعَالَمِ لِلصَّفْوَانِيِّ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا قَدِمَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أُحِبُّكَ وَ أُحِبُّ فُلَانًا وَ سَيَّمَى بَعْضَ أَعْدَائِهِ فَقَالَ عَ أَمَّا الْآنَ فَأَنْتَ أَعُوْرُ فَإِمَّا أَنْ تَعْمَى وَ إِمَّا أَنْ تُبَصِّرَ. السرائر: ۴۸۸. از كتاب انس العالم صفوانى مى نويسد مردى خدمت حضرت امير المؤمنين عليه السلام رسیده گفت يا امير المؤمنين من ترا دوست دارم و فلانى را هم دوست دارم يکى از دشمنان على را نام برد فرمود اکنون تو يک چشم سالم دارى يا کور باش و يا بينا.

۱۱- وَقِيلَ لِلصَّادِقِ عَ إِنَّ فُلَانًا يُؤَالِيكُمْ إِلَّا أَنَّهُ يَضْعُفُ عَنِ الْبِرَاءَةِ مِنْ عِدُوِّكُمْ فَقَالَ هَيْهَاتَ كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَّبِعْ مِنْ عِدُوْنَا. بحضرت صادق عليه السلام عرضکردند فلان کس شما را دوست میدارد ولى در بيزارى از دشمنانتان ضعيف است فرمود: هيهات دروغ ميگويد کسى که مدعى است ما را دوست میدارد ولى از دشمنان ما بيزارى نميجويد.

### ثواب دوست داشتن و يارى و ولايت ائمه عليهم

السلام امان از آتش جهنم است

ص: ۳۸۴



إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ إِبْرَاهِيمَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

تفسیر: منظور از (الَّذِينَ آمَنُوا) در هر دو آیه ائمه علیهم السَّلام هستند و بزودی اخبار متواتر از طریق شیعه و سنی در این مورد خواهیم آورد. وجوب دوست داشتن و محبت آنها و اعتقاد بامامتشان ثابت شده اما آیه دوم در اخبار زیاد مورد اعتماد خواهد آمد که مقصود از ذریه، آنهایند در دعای ابراهیم علیه السَّلام. ابراهیم دعا کرد برای شیعیان آنها دعا کرد که دلهایشان متمایل بائمه گردد.

از حضرت باقر علیه السَّلام در روایت عیاشی نقل شده که فرمود: در دعای خود، ابراهیم همه مردم را در نظر نگرفته بود بلکه شما و هم عقیده های شما مورد نظر ابراهیم هستید مثل شما مانند موی سفیدی است بر پیکر گاوی سیاه.

در کافی از امام باقر علیه السَّلام نقل میکند که فرمود: ابراهیم خانه کعبه را مورد نظر نگرفته اگر نه باید میگفت دلهای مردم

را متوجه آن بکن. بخدا قسم ما مقصود از دعای ابراهیم هستیم آنجا که میگوید: دلهای مردم را متمایل بآنها بگردان.

در بصائر: از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: دلهای مردم را متمایل بما گردانید.

علی بن ابراهیم از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود: خداوند از این آیه و آرزویشان من الثمرات منظور از ثمرات، ثمرات دلها است یعنی دوستی ایشان که موجب توجه مردم بآنها شود اخبار در این مورد خواهد آمد.

تفسیر العیاشی ۲: ۲۳۳

۱- الأمالی للصدوق عبّادِ الْكَلْبِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْفَاطِمَةِ الصُّغْرَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَتْ خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَشِيَّتَهُ عَرَفَهُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَاهِي بِكُمْ وَ غَفَرَ لَكُمْ عَامَهُ وَ لِعَلِيٍّ خَاصَّهُ وَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَابٍ لِقَرَابَتِي هَذَا جَبْرئيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ وَ أَنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ. أمالی الصدوق: ۱۰۹ و ۱۱۰. امالی صدوق: علی بن الحسین از فاطمه

ص: ۳۸۶

صغری از حسین بن علی از مادرش فاطمه زهرا علیها السلام نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم پیش ما آمد در شب عرفه، فرمود:

خداوند عزیز مباحات و افتخار کرد بتمام شما و شما را آمرزید بطور عموم و علی را خصوصا مورد عنایت قرار داد. من پیامبر خدایم بسوی شما بی آنکه حمایت از خویشاوندانم کنم اینک جبرئیل بمن خبر میدهد که سعادت‌مند یعنی بتمام معنی سعادت‌مند و سعید واقعی کسی است که علی را دوست داشته باشد در زمان حیاتش و بعد از درگذشت او. و شقی شقاوت‌مند کامل و واقعی کسی است که با علی علیه السلام دشمنی ورزد در حیات و بعد از درگذشتش.

۲- الأمالی للصدوق جابر الجعفی عن أبي جعفر عن آبائه ع قال: جاء رجل إلى النبي ص فقال يا رسول الله أكل من قال لا إله إلا الله مؤمن قال إن عداوتنا تلحق باليهود والنصارى إنكم لا تدخلون الجنة حتى تحبوني و كذب من زعم أنه يحبني ويغض هذا يعني علياً ع. أمالی الصدوق: ۱۶۱ و ۱۶۲.

جابر جعفی از حضرت صادق علیه السلام از آباء گرام خود نقل کرد که مردی خدمت پیامبر اکرم آمده گفت یا رسول الله آیا هر کس بگوید لا اله الا الله مؤمن است؟ فرمود: دشمنی ما شامل یهود و نصاری می شود شما داخل بهشت نخواهید شد

مگر اینکه مرا دوست داشته باشید و دروغ میگوید کسی که گمان میکند مرا دوست میدارد ولی با این یعنی علی علیه السلام دشمن باشد.

۳- الإختصاص عُبَيْدِ الرَّحْمَنِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ عَمِّي الْحُصَيْنُ بْنُ عُبَيْدِ الرَّحْمَنِ عَلَى أَبِي عُبَيْدِ اللَّهِ ع فَأَذْنَاهُ وَ قَالَ مَنْ هَذَا مَعَكَ قَالَ ابْنُ أَخِي إِسْمَاعِيلَ فَقَالَ رَحِمَ اللَّهُ إِسْمَاعِيلَ وَ تَجَاوَزَ عَنْهُ سَيِّئِ عَمَلِهِ كَيْفَ خَلَفْتُمُوهُ قَالَ بِخَيْرٍ مَا أَبْقَى اللَّهُ لَنَا مَوَدَّتْكُمْ فَقَالَ يَا حُصَيْنُ لِمَا تَسْتَضِيغُرُوا مَوَدَّتْنَا فَإِنَّهَا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا اسْتَضِيغُرْتَهَا وَ لَكِنْ أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَيْهَا. الإختصاص: ۸۵ و ۸۶. عبد الرحمن جعفی گفت من و عمویم حصین بن عبد الرحمن خدمت حضرت صادق رسیدیم، امام عمویم را نزدیک خود خوانده پرسید این کیست؟ جوابداد پسر برادرم اسماعیل است. فرمود خدا اسماعیل را رحمت کند و از کردار زشتش درگذرد. حالش چطور است. عرضکردیم خوب بود و ما نیز خوب هستیم تا موقعی که افتخار مودت شما را داشته باشیم.

فرمود: حصین مبادا مودت ما را کوچک شماری چون مودت ما از باقیات الصالحات است. عمویم گفت من هرگز کوچک نمی شمارم خدا را بر این نعمت سپاسگزارم.

۴- الأمالی للصدوق مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَ عِتْرَتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِتْرَتِهِ وَ ذَاتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ قَالَ فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ الْقَوْمِ يَا بَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ مَا تَزَالُ تَجِيءُ بِالْحَدِيثِ يُحِبِّي اللَّهُ بِهِ الْقُلُوبَ . أمالی الصدوق: ۲۰۱.

امالی: محمد بن عبد الرحمن بن ابی لیلی از پدر خود نقل کرد که گفت پیامبر اکرم فرمود ایمان ندارد شخص مگر مرا از خود بیشتر دوست داشته باشد و خانواده مرا از خانواده خود و عترت مرا از عترت خود و ذات مرا (یعنی هر چه بمن انتساب دارد غیر از چیزهایی که قبلاً ذکر شد) از ذات خود و گفت یکی از مردم گفت ای عبد الرحمن پیوسته برای ما احادیثی را نقل میکنی که باعث زنده شدن دلها می شود.

۵- الأمالی للصدوق مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَعْذُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعْمِهِ وَ أَحِبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي . أمالی الصدوق: ۲۱۹. عبد الله بن عباس از پدرش نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدا را دوست بدارید بواسطه نعمت هایی که بشما عنایت کرده و مرا دوست بدارید بواسطه دوستی خدا و اهل بیت مرا دوست بدارید بواسطه دوستی

من. این حدیث در الخصال و الأمالی للشیخ الطوسی نیز آمده است.

۶- علل الشرائع، الأمالی للصدوق زید بن ثابت قال قال رسول الله ص من أحبب علياً في حياته و بعد موته كتب الله عز و جل له من الأمن و الإيمان ما طلعت عليه شمس و غربت و من أبغضه في حياته و بعد موته مات موته جاهلياً و حوسب بما عمل . علل الشرائع: ۵۹، زید بن ثابت گفت پیامبر اکرم فرمود هر کس علی را دوست داشته باشد در زمان حیات و بعد از فوتش خداوند برای او مقرر میدارد امن و ایمان بمقدار فاصله طلوع خورشید و غروب آن و هر کس او را دشمن بدارد در حیات و بعد از مرگش بمثل جاهلیت خواهد مرد و مورد محاسبه قرار میگیرد بواسطه اعمالی که انجام داده.

۷- امالی: ابو حمزه ثمالی از حضرت باقر علیه السلام از آباء گرام خویش نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعلی علیه السلام فرمود: یا علی محبت تو در دل هر مرد مؤمنی که ثابت شود اگر یک قدم او بلغزد پای دیگرش ثابت می شود تا با محبت تو وارد بهشت گردد.

۸- قرب الإسناد ابن سید عن الأزدی قال قال أبو عبد الله ع من أحبنا نفعه الله بذلك و لو كان أسيراً في يد الدليل و من أحبنا لغير الله فإن الله يفعل به ما يشاء إن أحبنا أهل البيت ليحط

الذُّنُوبَ عَنِ الْعِبَادِ كَمَا تَحُطُّ الرِّيحُ الشَّدِيدَةُ الْوَرَقَ عَنِ الشَّجَرِ .

قرب الاسناد: ازدی گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس ما را دوست داشته باشد خداوند از آن دوستی بهره مندش میکند گر چه اسیر در دست دیلمیان باشد و هر که ما را برای غیر خدا دوست داشته باشد خداوند با او هر چه بخواهد انجام میدهد. محبت ما خانواده گناهان را از بندگان میزداید همان طوری که باد شدید برگ را از درخت میریزد.

### چهار دسته هستند که من از آن ها شفاعت میکنم

۹- عیون أخبار الرضا علیه السلام و الخصال داؤد بن سلیمان عن الرضا عن آبائه ع قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله أربعة أنا الشفيع لهم يوم القيامة ولو أتوني بذنوب أهل

الأرض معين لأهل بيتي والقاضي لهم حوائجهم عند ما اضطروا إليه والمحب لهم بقلبه ولسانه والدافع عنهم بيده عيون أخبار الرضا: ۱۴۳ الخصال ۹۱: ۱. داود بن سلیمان از حضرت رضا از آباء گرامش نقل میکند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چهار دسته هستند که من از آن ها شفاعت میکنم روز قیامت گر چه با گناه تمام اهل زمین بیایند.

۱- کمک کننده باهل بیتم.

ص: ۳۹۱

۲- برآورنده نیازهای آنها هنگام اضطراب ایشان بآن.

۳- دوست دار ایشان با دل و زبان.

۴- دفاع کننده از آنها با دستش.

۱۰- رَوَى ابْنُ شَيْرَوَيْهِ فِي الْفَرْدَوْسِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُكْرِمُ لِذُرِّيَّتِي وَالْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ وَالسَّاعِي لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ .

ابن شیرویه در فردوس از علی علیه السلام روایت میکند که پیامبر اکرم فرمود چهار نفرند که من از آنها روز قیامت شفاعت میکنم.

۱- کسی که بازماندگان مرا گرمی بدارد.

۲- برآورنده حوائج آنها.

۳- سعی کننده در کارهای ایشان هنگامی که راهی ب آن نداشته باشند.

۴- و دوستدار ایشان با دل و زبان.

۱۱- الخصال ۹۹: ۲.

ابو سعید خدری گفت: پیامبر اکرم فرمود: هر کس به او روزی شود حبّ ائمه از اهل بیت من بخیر دنیا و آخرت

ص: ۳۹۲



رسیده، نباید شکی داشته باشد در اینکه بهشتی است همانا در محبت اهل بیت من بیست امتیاز است. ده امتیاز آن در دنیا است و ده امتیاز در آخرت.

اما در دنیا: زهد و اشتیاق بعمل ورع در دین و علاقه بعبادت و توبه قبل از مرگ و آمادگی و شوق برای شب زنده داری بعبادت و قطع امید از آنچه در دست مردم است و حفظ دستور خدا و نهی او نهم دشمنی دنیا و دهم سخاوت.

و اما در آخرت، نامه عملش گشوده نمیشود و برای حساب اعمال ترازو نمی نهند و نامه عملش را بدست راستش میدهند و باو برات آزادی از آتش جهنم خواهند داد و چهره اش سفید می شود و از زیورهای بهشت میپوشد و در باره صد نفر از فامیل خود میتواند شفاعت کند. خداوند با دیده رحمت باو توجه میکند و از تاجهای بهشت بر سر میگذارد دهم وارد بهشت می شود بدون حساب خوشا بحال دوستداران اهل بیت من.

۱۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام بالأسانید الثلثه عن الرضا عن آبائه ع قال قال رسول الله ص يا علي إن الله قد غفر لك و لأهلك و لشيعةك و محبي شيعةك فابشر

ص: ۳۹۳

فَإِنَّكَ الْأَنْزِعُ الْبَطِينُ مَنْزُوعٌ مِنَ الشُّرُوكِ بَطِينٌ مِنَ الْعِلْمِ . عيون أخبار الرضا: ۲۱۱.

از حضرت رضا علیه السلام از آباء گرامش نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود: یا علی خداوند آمرزید تو و خانواده و شیعه ات را و دوستان شیعیانت و دوست دوست شیعه ترا مژده باد که تو انزع البطین هستی (انزع یعنی) از شرک جدا شده ای و پر از علم هستی (معنی بطین).

۱۳- عيون أخبار الرضا عليه السلام بِإِسْنَادِ التَّمِيمِيِّ عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فَلْيَتَمَسَّكَ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِي .

عيون أخبار الرضا: ۲۲۰. عيون: باسناد تمیمی از حضرت رضا از آباء گرام خود نقل میکند که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و سلم فرمود هر که دوست دارد که چنگ بزند بعروه الوثقی باید چنگ بزند بمحبت علی و اهل بیت من.

۱۴- عيون أخبار الرضا عليه السلام بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَشَرَهُ اللَّهُ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

عيون أخبار الرضا: ۲۲۰. عيون: با همین اسناد پیامبر اکرم فرمود: هر که ما اهل بیت را دوست بدارد خداوند او را روز قیامت با امان محشور میکند.

۱۵- عیون أخبار الرضا علیه السلام وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص لِعَلِيِّ ع مَنْ أَحَبَّكَ كَانَ مَعَ النَّبِيِّ فِي دَرَجَتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ يُبَغِّضُكَ فَلَا يُبَالِي مَا تَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا .

عیون أخبار الرضا: ۲۲۰. عیون با همین اسناد پیامبر اکرم بعلی علیه السلام فرمود: هر کس ترا دوست داشته باشد با پیامبران خواهد بود در درجه ایشان روز قیامت، و هر کس بمیرد در حال دشمنی با تو باکی نیست که یهودی بمیرد یا نصرانی.

۱۶- عیون أخبار الرضا علیه السلام بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص وَ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ ع مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ لَا يُحِبُّ هَذَا فَقَدْ كَذَبَ .

عیون أخبار الرضا: ۲۲۱. عیون: پیامبر اکرم در حالی که دست علی را گرفته بود فرمود هر کس گمان کند مرا دوست میدارد و حال اینکه این شخص را دوست نمیدارد دروغ گفته.

۱۷- عیون أخبار الرضا علیه السلام وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ . عیون أخبار الرضا: ۲۲۲ و ۲۲۳. عیون: با همین اسناد پیامبر اکرم فرمود: اول چیزی که از بنده میپرسند حب ما اهل بیت است. مجالس المفید: ۱۵۸ و ۱۵۹، و امالی ابن الشیخ، ۲۰.

### محَب و دوستدار ما منتظر رحمت است

۱۸. مجالس مفید و امالی شیخ: ابو اسحاق سبعی گفت

ص: ۳۹۵

رفتیم پیش مسروق اجدع، میهمانی داشت که او را نمی شناختیم مشغول غذا خوردن بودند، میهمان گفت من با پیامبر اکرم بودم در خیبر همین که این حرف را زد فهمیدیم که از اصحاب پیامبر بوده.

گفت: صفیه دختر حی بن اخطب خدمت پیامبر اکرم آمده گفت یا رسول الله من مثل سایر زنان تو نیستم پدر و برادر و عمویم کشته شده اگر برای شما پیش آمدی بکنند مرا بکه میسپاری. پیامبر اکرم فرمود: باین، اشاره بعلی بن ابی - طالب کرد.

سپس گفت: مایل نیستید برای شما حدیثی که حارث بن اعور برایم نقل کرده بگویم گفتیم چرا گفت خدمت علی بن ابی طالب رسیدم فرمود: برای چه آمده ای اعور! عرض کرد محبت تو یا امیر المؤمنین. فرمود ترا بخدا؟ گفتم بخدا سوگند سه مرتبه مرا قسم داد سپس فرمود بنده ای از بندگان خدا نیست که دلش را بایمان خداوند آزمایش کرده باشد مگر اینکه محبت ما را در قلب خود می یابد او ما را دوست میدارد.

و بنده ای نیست از بندگان خدا که مورد خشم خدا قرار گرفته باشد مگر اینکه او بغض ما را در قلب خود می یابد و ما

را دشمن میدارد.

محب و دوستدار ما منتظر رحمت است درهای رحمت بروی او گشوده شده و دشمن ما در کنار گودالی از آتش جهنم است گوارا باد اهل رحمت را رحمتشان و مرگ بر دوزخیان باد در جایگاهشان.

روایت فوق در بشاره المصطفی و کشف الغمه ۴۰ از کفایه الطالب

نیز آمده است.

۱۹- الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَنَا وَ لِقُرَيْشٍ إِذَا تَلَقَّوْنَا تَلَقَّوْنَا بِوُجُوهِ مُشْتَبِسِرَةٍ وَإِذَا لَقَّوْنَا لَقَّوْنَا بِغَيْرِ ذَلِكَ فَغَضِبَ النَّبِيُّ ص ثُمَّ قَالَ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَدْخُلُ قَلْبَ رَجُلٍ الْإِيمَانَ حَتَّى يُحِبَّكُمْ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ . أمالی ابن الشيخ: ۳۰.

امالی ابن شیخ: عباس بن عبد المطلب (رضی الله عنه) گفت عرض کردم یا رسول الله ما را با قریش چکاری است که هر وقت با یک دیگر روبرو میشوند با صورتهای شاد و شادمان هستند ولی وقتی ما را می بینند بر خلاف اینست.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خشمگین شد سپس فرمود قسم بآن کسی که جانم در دست اوست ایمان وارد قلب کسی نمیشود مگر اینکه شما را بواسطه خدا و پیامبر دوست داشته باشد.

ص: ۳۹۷

كُنْتُ أَنَا وَعُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ جَالِسَيْنِ عِنْدَ النَّبِيِّ ص وَ عَلِيٌّ جَالِسٌ إِلَيَّ جَنْبِهِ إِذْ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَمْرًا يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ الشُّوَاءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَيْ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ النمل: ٦٤ قَالَ فَانْتَقَضَ عَلِيٌّ ع انْتِقَاضَ الْعُصْفُورِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص مَا شَأْنُكَ تَجْزَعُ فَقَالَ وَ مَا لِي لَا أَجْزَعُ وَ اللَّهُ يَقُولُ إِنَّهُ يَجْعَلُنَا خُلَفَاءَ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص لَا تَجْزَعُ وَ اللَّهُ لَا يُجِبُكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَمَّا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ. مجالس المفيد: ١٨١، امالی ابن الشيخ: ٤٧. عمران بن حصين گفت: من و عمر بن خطاب خدمت پیامبر اکرم نشسته بودیم علی علیه السلام نیز پهلویش نشسته بود. پیامبر این آیه را خواند اَمْرًا يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ

...

امیر المؤمنین علیه السلام چون گنجشکی بلرزه افتاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ترا چه شد که ناراحت شدی. عرضکرد چگونه ناراحت نشوم که خداوند میفرماید:

ما را خلیفه زمین قرار میدهد پیامبر اکرم فرمود ناراحت نشو بخدا سوگند ترا دوست نمیدارد مگر مؤمن و دشمنی با تو نمی کند مگر منافق.

۲۱-لأمالی للشيخ الطوسی جابر عن أبي جعفر عن آبائه ع قال:

لَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ص مَنَاسِكَهُ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ رَكِبَ رَاحِلَتَهُ وَ

أَنْشَأَ يَقُولُ لَمَّا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْإِسْلَامُ فَقَالَ عَ الْإِسْلَامُ عَزِيَانٌ وَ لِبَاسُهُ التَّقْوَى وَ زِينَتُهُ الْحَيَاءُ وَ مَلَائِكَةُ الْوَرَعِ وَ كَمَالُهُ الدِّينُ وَ ثَمَرَتُهُ الْعَمَلُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ عِ آسَاسٌ وَ آسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ . امالی ابن الشیخ: ۵۲.

جابر از حضرت باقر از آباء گرام خود نقل کرد که فرمود وقتی پیامبر اکرم اعمال حج خود را در حجه الوداع انجام داد سوار بر مرکب خود شد و این چنین میفرمود: داخل بهشت نمیشود مگر کسی که مسلمان باشد.

ابو ذر از جای حرکت کرده گفت یا رسول الله اسلام چیست؟ فرمود:

اسلام عریان است لباس او تقوی است و زینت آن حیاء و ملائک و قوامش ورع و کمال آن دین و ثمره آن عمل و برای هر چیزی اساسی است و اساس اسلام محبت ما خانواده است.

۲۲- الأمالی للشیخ الطوسی زَادَانَ قَالَ سَمِعْتُ سَلْمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ يَقُولُ لَمَّا أزالُ أَحَبُّ عَلَيَّ عِ فَبِئْسَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَضْرِبُ فِخْذَهُ وَ يَقُولُ مُحِبُّكَ لِي مُحِبٌّ وَ مُحِبِّي لِلَّهِ مُحِبُّ وَ مُبْغِضُكَ لِي مُبْغِضٌ وَ مُبْغِضِي لِلَّهِ تَعَالَى مُبْغِضٌ . امالی ابن الشیخ: ۸۲ و ۸۳.

زادان گفت از سلمان شنیدم میگفت من پیوسته علی را

دوست میدارم پیامبر اکرم را دیدم که بر ران علی میزد و میفرمود دوستدار تو دوستدار من است و دوستدار من دوست خداست و دشمن تو دشمن من است و دشمن من دشمن خداست.

۲۳- المحاسن بشر بن غالب عن الحسين بن علي عليه السلام قال: قال لي يا بشر بن غالب من أحبنا لا يُحِبُّنا إِلَّا لِلَّهِ جِئْنَا نَحْنُ وَهُوَ كَهَاتَيْنِ وَقَدَّرَ بَيْنَ سِبَابَتَيْهِ وَ مَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنا إِلَّا لِلدُّنْيَا فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعِدْلِ وَسِعَ عَدْلُهُ الْبِرَّ وَالْفَاجِرَ. المحاسن: ۶۱. محاسن: بشر بن غالب از حسین بن علی علیه السلام نقل کرد که فرمود یا بشر بن غالب! هر که ما را دوست بدارد فقط برای خدا ما و او خواهیم آمد مانند بین این دو انگشت سبابه خود را جمع نمود. و هر که ما را دوست داشته باشد فقط برای دنیا زمانی که امام قیام نماید عدالت او شامل نیکوکار و تبهکار هر دو می شود.

۲۴- ما، الأمالی للشیخ الطوسی عیسی بن أحمد عن أبي الحسن الثالث عن آبائه عن أمير المؤمنين ع قال قال النبي ص أربعة أنا لهم شفيع يوم القيامة المحب لأهل بيتي و الموالی لهم و المعادی فیهم و الفاضی لهم حوائجهم و الساعی لهم فیما ینوبهم من أمورهم. أمالی ابن الشیخ: ۱۹۷.



مجالس المؤمنین: عیسی بن احمد از حضرت امام علی النقی از آباء گرام خود از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود چهار دسته هستند که من شفیع آنها هستم در روز قیامت. دوستدار اهل بیت و علاقمند ب آنها. دشمن با دشمنان ایشان و برآورنده نیازهای آنها و کوشش کننده در راه گرفتاری ایشان.

۲۵- علل الشرائع الحکم بن ابی لیلی قال قال رسول الله ص لا يؤمن عبيد حتى اكون احب اليه من نفسه و يكون عترتي احب اليه من عترته و يكون اهلي احب اليه من اهله و تكون ذاتي احب اليه من ذاته. علل الشرائع: ۵۸ و ۱۳۳ طبعه قم.

حکم بن ابی لیلی گفت پیامبر اکرم فرمود ایمان ندارد شخص مگر اینکه مرا از خود بیشتر دوست داشته باشد و عترتم را بیشتر از عترت خود و خانواده ام را بیشتر از خانواده خود و ذات مرا (آنچه بمن انتساب دارد غیر از آنچه ذکر شد) بیشتر از ذات خود.

روایت فوق در کتاب بشاره المصطفی ۶۳-۶۲ نیز آمده است.

**این از شیعیان آنهاست**

ص: ۴۰۱

۱- الصَّبَّاحِ بْنِ سَيَّابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحِبُّكُمْ وَ مَا يَدْرِي مَا تَقُولُونَ فَيَدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيُبْغِضُكُمْ وَ مَا يَدْرِي مَا تَقُولُونَ فَيَدْخِلُهُ اللَّهُ النَّارَ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَمْلَأُ صَ حَيْفَتَهُ مِنْ غَيْرِ عَمَلٍ قُلْتُ فَكَيْفَ قَالَ يَمُرُّ بِالْقَوْمِ يَنَالُونَ مِنَّا وَ إِذَا رَأَوْهُ قَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ مِنْ شَيْعَتِهِمْ وَ يَمُرُّ بِهِمُ الرَّجُلُ مِنْ شَيْعَتِنَا فَيَرْمُونَهُ وَ يَقُولُونَ فِيهِ فَيَكْتُبُ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ حَسَنَاتٍ حَتَّى يَمْلَأَ صَ حَيْفَتَهُ مِنْ غَيْرِ عَمَلٍ . فضائل الشيعة: ۳۸ و ۳۹. باسناد صدوق از صباح بن سيابه از حضرت صادق عليه السلام نقل کرد که فرمود شخص شما را دوست میدارد اما از عقیده شما اطلاعی ندارد با همین حب خداوند او را وارد بهشت میکند و شخص با شما دشمن است و نمیداند عقیده شما چیست بواسطه همین دشمنی با شما خدا او را بجهنم می برد و مرد نامه عملش پر از ثواب می شود بدون اینکه عملی انجام داده باشد. عرض کردم چگونه چنین - چیزی ممکن است.

فرمود: از کنار گروهی رد می شود که بدگویی از ما می کنند همین که چشمشان باو می افتد بیکدیگر میگویند این مرد از شیعیان آنها است و مردی از شیعیان ما از کنار آنها رد می شود او را هدف قرار می دهند و باو بد میگویند خداوند بواسطه این مطلب آنقدر باو ثواب می دهد که نامه عملش پر می شود

۲- معانی الأخبار تَعْلَبَهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: إِنَّ الرَّحِيلَ لَيُخْرَجُ مِنْ مَنْزِلِهِ إِلَى حَاجَتِهِ فَيَرْجِعُ وَ مَا ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَتَمَلَّأُ صَحِيفَتَهُ حَسَنَاتٍ قَالَ فَقُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ يَمُرُّ بِالْقَوْمِ وَ يَذْكُرُونَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَيَقُولُونَ كُفُّوا فَإِنَّ هَذَا يُحِبُّهُمْ

فَيَقُولُ الْمَلِكُ لِصَاحِبِهِ اكْتُبْ هَيْبَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي فَلَانِ الْيَوْمِ. معانی الأخبار: ۵۶ و ۵۷.

ثعلبه از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که شخصی از منزل خود خارج می شود برای کاری که دارد بر میگردد با اینکه سخنی از خدا بر زبان نیاورده (و یادی از خدا نکرده) اما نامه عملش پر از حسنه میگردد.

گفت عرض کردم چگونه چنین می شود. فرمود بگروهی میگردد که حرف ما اهل بیت را میزنند. تا او را مشاهده میکنند میگویند حرف نزنید که این شخص دوستدار آنها است ملک موکل بر او بملک دیگر میگوید بنویس حمایت کرد از آل محمد در فلان روز و موجب وحشت دشمنان ما شد.

۳۰- الأمالی للصدوق أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع مَنْ أَقَامَ فَرَائِضَ اللَّهِ وَ اجْتَنَبَ مَحَارِمَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ

الْوَلَايَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ تَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلْيَدْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الشَّمَانِيَةِ شَاءَ. أمالی الصدوق: ۲۸۵.

امالی صدوق: ابو بصیر گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس واجبات را بجا آورد و از محرمات پرهیز نماید و در ولایت اهل بیت پیامبر طریق احسن را به پیماید و از دشمنان خدا بیزاری جوید از هر درب هشت گانه بهشت که مایل است وارد می شود.

۳۱- علل الشرائع زید بن ثابت قال قال رسول الله ص من أحب علياً في حياتي و بعيد موتي كتب الله عز و جل له الأمان و الأيمان ما طلعت شمس أو غربت و من أبغضه في حياتي و بعد موتي مات ميتة جاهليته و حوسب بما عمل . علل الشرائع: ۵۹.

زید بن ثابت گفت پیامبر اکرم فرمود هر که دوست بدارد علی را در حیات من و بعد از مرگم خداوند برای او امن و ایمان را مینویسد در طول عمر و هر که او را دشمن بدارد در حیات من و بعد از مرگم بمرگ جاهلیت مرده و نسبت بکردارش محاسبه خواهد شد.

۳۲- المحاسن المفضّل عن أبي عبد الله ع قال: من أحب أهل البيت و حقّق حُبّاً في قلبه جرى ينابيع الحكمة على لسانه و جدّد الأيمان في قلبه و جدّد له عمل سبعين نبياً و سبعين

صِدِّيقاً وَ سَيِّعِينَ شَهِيداً وَ عَمَلُ سَبْعِينَ عَابِداً عَبْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ سَنَةً. المحاسن: ۶۱. مفضل از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود هر که اهل بیت را دوست داشته باشد و محکم کند حب ما را در دل خویش سرچشمه های حکمت از زبانش جاری می شود، ایمان در دلش تجدید می گردد و برای او عمل هفتاد پیامبر را می نویسند با هفتاد صدیق و هفتاد شهید و عمل هفتاد عابدی را که هفتاد سال عبادت خدا را کرده باشد.

### ای علی تو مانند قل هو الله احدى

۱- المحاسن عمرو بن ابی المقدم عن ابی عبد الله ع قال: قال رسول الله ص لأمير المؤمنين ع إنما مثلك مثل قل هو الله أحد فإنه من قرأها مرة فكأنما قرأ ثلث القرآن و من قرأها ثلاث مرات فكأنما قرأ القرآن و كذلك من أحبك بقلبه كان له مثل ثلث ثواب أعمال العباد و من أحبك بقلبه و نصرَكَ بلسانه كان له مثل ثلثي ثواب أعمال العباد و من أحبك بقلبه و نصرَكَ بلسانه و يده كان له مثل ثواب ثواب العباد. المحاسن: ۱۵۳. عمرو بن ابی المقدم از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود مثل تو مانند قل هو

اللَّهُ أَحَدٌ است هر که یک بار بخواند مثل این است که یک سوم قرآن را خوانده و هر که دو بار بخواند دو سوم قرآن را و هر که سه مرتبه بخواند مثل این است که تمام قرآن را خوانده.

همچنین هر کس ترا با دل دوست داشته معادل ثواب یک سوم از اعمال بندگان باو میدهند و هر که ترا با دل دوست داشته باشد و با زبان یاریت کند باو دو سوم از ثواب اعمال بندگان را میدهند و هر کس ترا با دل دوست داشته باشد و با زبان و دست خود یاری کند معادل ثواب تمام بندگان باو میدهند.

۲- در کتاب مشارق الانوار از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که به علی علیه السلام فرمود: ای علی؛ مثل تو در میان امت من مثل (قل هو الله احد) است، هر کس آن را یک بار بخواند یک سوم قرآن را خوانده است و کسی که دو بار بخواند مانند آن است که دو سوم قرآن را خوانده است، و آنکه سه بار بخواند مانند آن است که همه قرآن را خوانده است. سپس فرمودند: فمن احبک بلسانه فقد کمل ثلاث الايمان، و من احبک بلسانه و قلبه فقد کمل ثلثی الايمان، و من احبک بیده و قلبه و لسانه فقد کمل الايمان. والذی بعثنی بالحق نبیاً لو احبک اهل الارض کمحبته اهل السماء لما عذب الله احداً

بالنار. کسی که تو را به زبان دوست داشته باشد یک سوم ایمان را احراز کرده است، و کسی که تو را به زبان و قلبش دوست داشته باشد دوسوم ایمان را به دست آورده، و آنکه تو را به دست خود و قلب و زبانش دوست داشته باشد ایمان او کامل است. و قسم به حق آنکه مرا به پیغمبری به راستی برانگیخت اگر اهل زمین تو را همانند آسمان دوست داشته باشند خداوند یکی از آن ها را به آتش دوزخ وارد نمی کند. ای علی؛ جبرئیل از طرف پروردگار عالم به من بشارت داده و فرموده است: یا محمد بَشِّرْ اخاک علیاً علیه السلام إنی لا اعدب من تولاه و لا ارحم من عاداه. ای محمد به برادرت علی علیه السلام مژده بده که من اهل ولایت و محبت او را عذاب نمی کنم و به دشمنان او رحم نخواهم کرد.

۳- الخصال ۱۶۴: ۲ و ۱۶۵ و ۱۶۸.

خصال: از جمله احادیث اربعمائه (چهارصدتا) امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هر که بما چنگ زند به هدف میرسد و هر که از غیر راه ما برود غرق می شود برای محبین و دوستان ما فوجهایی از رحمت خدا است و برای دشمنان ما نیز فوجهایی از خشم خدا.

و فرمود: هر که ما را با دل دوست داشته باشد و با زبان

ص: ۴۰۷

کمک کند و بکمک ما با دشمنانمان با دست خود بجنگد با ما خواهد بود در درجه ی ما و هر که با دل ما را دوست داشته باشد و بزبان کمک کند ولی بهمراه ما با دشمنانمان نجنگد او یک درجه کمتر از اولی است و هر که ما را با دل دوست بدارد ولی با زبان کمک نکند و نه با دست، او در بهشت است و هر که ما را با دل دشمن بدارد و با زبان دوست بر ضرر ما کار کند او با دشمن ما در جهنم است و هر که با دل دشمن بدارد و بر ضرر ما بوسیله دست و زبان کمک نکند در جهنم است.

فرمود: من پشتیبان مؤمنینم و مال پشتیبان ستمکاران.

بخدا سوگند دوست نمیدارد مرا مگر مؤمن و دشمن نمیدارد مرا مگر منافق.

۴-المجالس للمفید ابن ابی المقدم عن ابیه عن الحسن بن علی ع أنه قال: مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَ رَنَا بِیَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْغُرْفَةِ الَّتِي نَحْنُ فِيهَا وَ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَ رَنَا بِلِسَانِهِ فَهُوَ دُونَ ذَلِكَ بِدَرَجَةٍ وَ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ كَفَّ بِیَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ .مجالس المفید: ۲۰ و ۲۱.

مجالس مفید: ابن ابی المقدم از پدر خود از حسن بن علی علیه السلام نقل کرد که فرمود: هر که ما را با دل دوست داشته باشد و با دست و زبان یاری کند با ما خواهد بود در غرفه ای



که ما در آن هستیم و هر که ما را بدل دوست داشته باشد و با زبان یاری کند او یک درجه پائین تر خواهد بود و هر که با دل دوست داشته باشد اما دست و زبان خود را نگه دارد او اهل بهشت است.

۳۶- تفسیر العیاشی اَبی عُبَیْدَةَ الْحِذَاءِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَقُلْتُ بِأَبِي أَنْتَ رَبِّمَا خَلَمَا بِي الشَّيْطَانُ فَخَبَسَتْ نَفْسِي ثُمَّ ذَكَرْتُ حُبِّي إِيَّاكُمْ وَانْقِطَاعِي إِلَيْكُمْ فَطَابَتْ نَفْسِي فَقَالَ يَا زِيَادُ وَيَحْكُكَ وَمَا الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ أَلَا تَرَى إِلَى قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ . آل عمران: ۲۹.

تفسیر العیاشی ۱۶۷: ۱. ابو عبیده حذاء گفت خدمت حضرت باقر علیه السلام رسیدم. عرض کردم فدایت شوم گاهی که شیطان مرا تنها یابد نفس مرا آلوده میکند بعد بیاد دوست داشتنم شما را می افتم و اینکه خدمت شما میرسم باز خوشحال میشوم فرمود: ای زیاد مگر دین جز حب است مگر این آیه را نشنیده ای **إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ** اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست داشته باشد.

توضیح: شاید استشهاد بآیه یا به جهت این است که دوستی با آنها دوستی با خدا است یا باینکه حب تکمیل نمیشود مگر با متابعت.

۳۷- تفسیر العیاشی برید بن معاویہ العجلی قال: کُنتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ قَادِمٌ مِنْ خُرَاسَانَ مَاشِيًا فَأَخْرَجَ رِجْلَيْهِ وَ قَدْ تَغَلَّفَتَا وَ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَا جَاءَ بِي مِنْ حَيْثُ جِئْتُ إِلَّا حُبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَاللَّهِ لَوْ أَحَبَّنَا حَجْرٌ حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَ قَالَ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ تفسیر العیاشی ۱۶۷: ۱ و ۱۶۸ و الآیه فی آل عمران: ۳۱.

برید بن معاویہ عجلی گفت خدمت حضرت باقر علیه السلام بودم که یک نفر تازه وارد از خراسان داخل شد که پیاده آمده بود پاهای خود را نشان داد که پینه بسته بود گفت بخدا قسم مرا از این راه دور خدمت شما نیاورده مگر محبت شما اهل بیت. حضرت باقر علیه السلام فرمود بخدا قسم اگر ما را سنگی دوست داشته باشد خداوند او را با ما محشور میکند هل الدین الا الحب مگر دین غیر حب و دوستی است خداوند فرموده: إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَ يَعْفُو لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ.

۳۸- تفسیر العیاشی عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّا نَسِيحِي بِأَسْمَائِكُمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِكُمْ فَيَنْفَعُنَا ذَلِكَ فَقَالَ إِي وَاللَّهِ وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ قَالَ اللَّهُ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ

اللَّهُ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبِكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ .

ربعی پسر عبد الله گفت بحضرت صادق عرضکردند فدایت شویم ما بچه های خود را بنام شما و پدران گرامتان می نامیم آیا این کار برای ما سودمند است. فرمود آیا دین جز محبت است خداوند میفرماید إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ .

توضیح: جواب این است که نام نهادن فرزندان بنام ائمه علیهم السلام از حبّ و دوستی سرچشمه میگیرد.

۳۹-التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (علیه السلام).

تفسیر امام: ثوبان غلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جای حرکت کرده گفت پدر و مادرم فدایت یا رسول الله کی قیامت بر پا می شود. پیامبر اکرم فرمود:

چه چیز برای قیامت آماده کرده ای که می پرسی گفت یا رسول الله من عمل زیادی آماده نکرده ام جز اینکه خدا و پیامبرش را دوست میدارم پیامبر اکرم فرمود چقدر پیامبر را دوست میداری؟ گفت قسم بآن کسی که ترا بحق به پیامبری مبعوث نموده در دل من آنقدر محبت شما جای گرفته که اگر مرا با شمشیر قطعه قطعه کنند و با اژه ببرند و با مقرّاض ریز ریزه کنند و با آتش بسوزانند و با آسیاب سنگ نرم کنند برایم

ص: ۴۱۱

بہتر و سادہ تر است از اینکہ در دل خود غلّ و غشی یا کینہ ای بیابم نسبت بشما یا یکی از اہل بیت و اصحابت.

و محبوب ترین شخص نزد من بعد از شما کسی است کہ او را بیشتر دوست میداری و دشمن ترین شخص نزد من کسی است کہ ترا دوست نداشته باشد و دشمن تو یا یکی از اصحابت باشد عرضکرد این بود مقدار علاقہ من بشما و علاقہ ام بدوستانت و دشمنی با دشمنان شما یا کسی کہ دشمن باشد با یکی از دوستان شما اگر این مقدار از من قبول شود سعادت مند ہستم اگر عمل دیگری غیر از این از من خواستہ باشید چیزی کہ آمادہ کردہ باشم و بتوان بر آن اعتماد داشت ندارم ہمہ شما را دوست میدارم با اصحابت گر چہ عمل آنها را ندارم.

فرمود بتو بشارت میدہم همانا در روز قیامت شخص محشور می شود با کسی کہ او را دوست میدارد ای ثوبان اگر آنقدر گناہ داشتہ باشی بمقدار فاصلہ بین زمین تا عرش با این موالاتی کہ داری تمام آنها از بین می رود با سرعتی زیادتر از رفتن سایہ از روی سنگ صاف هنگامی کہ آفتاب بر آن بتابد و مانند رفتن نور خورشید از روی ہمین سنگ وقتی خورشید غروب کند.

۴۰- تفسیر الإمام علیه السلام مَنْ أَدْمَنَ مَحَبَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَتَحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِنَ الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِهَا وَ أَبَا حَهُ جَمِيعَهَا يَدْخُلُ مِمَّا شَاءَ مِنْهَا وَ كُلُّ أَبْوَابِ الْجَنَانِ يُنَادِيهِ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَلَمْ تَدْخُلْنِي أَلَمْ تَخْصِنِي مِنْ بَيْنِهَا. التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (علیه السلام): ۲۴۳.

تفسیر امام: فرمود هر کس پیوسته دوستدار ما اهل بیت باشد، خداوند هشت درب بهشت را بروی او می‌گشاید و او را اجازه میدهد که از هر درب مایل است داخل شود هر یک از درب‌ها او را صدا می‌زنند: ای ولی الله از من داخل

نمیشوی مرا از بین سایر درب‌ها باین امتیاز مفتخر نمیکنی؟

**نه بحق آن کسی که وقتی نامش را می‌برید گریه**

میکند.

۴۱- رجال الکشی علی بن عقیبه عن ابيه قال: قلت لأبي عبد الله ع إن لنا خادماً لا نعرف ما نحن عليه فإن أذنب ذنباً و أرادت أن تحلف يميناً قالت لا و حق الذي إذا ذكرتموه بكم قال فقال رحمكم الله من أهل بيت. رجال الکشی: ۲۲۰.

علی بن عقبه از پدر خود نقل کرد بحضرت صادق علیه السلام گفتیم من یک کنیز و کارگر زنی دارم که اطلاع از اعتقاد ما ندارد وقتی کار بدی میکند و بخواهد قسم بخورد میگوید نه

ص: ۴۱۳

بحق آن کسی که وقتی نامش را می برید گریه میکنید. امام علیه السلام فرمود: خداوند شما را رحمت کند پیاداش محبتی که با اهل بیت دارید.

### یک روز دوستی با آل محمد بهتر است از عبادت

یک سال

۴۲- کشف الغمه ابن مسعود عن النبي ص قال: حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ يَوْمًا خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ وَ مَنْ مَاتَ عَلَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ. كَشَفَ الْغَمَّةَ:

۳۹. کشف الغمه: ابن مسعود از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود:

یک روز دوستی با آل محمد بهتر است از عبادت یک سال هر که بر محبت اهل بیت بمیرد داخل بهشت می شود.

۴۳- أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي. ابو هريره از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود:

بهترین شما کسی است که بهتر باشد برای خانواده من.

### پدرم فدای پدرتان و مادرم فدای مادرتان.

۴۴- کتاب الروضه، الفضائل لابن شاذان

فضائل الشيعه: جابر بن عبد الله انصاری گفت: پیامبر اکرم در مسجد نشسته بود که علی در حالی که حسن طرف راست و حسین طرف چپش بود، وارد شد، پیامبر از جای حرکت

ص: ۴۱۴

کرد علی را در بغل گرفت و حسن را روی زانوی چپش نشاند پیوسته آن دو را می بوسید و لبان آنها را می مکید و میفرمود پدرم فدای پدرتان و مادرم فدای مادرتان.

سپس فرمود: مردم خداوند تبارک و تعالی مباحات کرد باین دو و پیدر و مادرشان و به نیکوکاران از فرزندان این دو بر تمام ملائکه. بعد فرمود: خدایا گواه باش من اینها را دوست میدارم و هر کس اینها را دوست داشته باشد خدایا هر کس مرا اطاعت کند در مورد اینها و وصیت مرا حفظ نماید او را رحمت فرما برحمت خود یا ارحم الراحمین اینها خانواده من و پیاداران دین من و زنده کنندگان سنتم و خواننده کتاب پروردگارم، اطاعت از آنها اطاعت من و مخالفت با آنها مخالفت با من است.

### آن دو را دوست دارم و دوستان آنها را.

۱- بشاره المصطفی ابن عباس قال: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَ وَمَعَهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ هَذَا عَلِيٌّ عَاتِقٌ وَ هَذَا عَلِيٌّ عَاتِقٌ وَ هُوَ يَلِيكُمْ هَذَا مَرَّةً وَ هَذَا مَرَّةً فَقَالَ لَهُ جِبْرِئِيلُ إِنَّكَ تُحِبُّهُمَا قَالَ إِنْ أُحِبُّهُمَا وَ أَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمَا فَإِنَّ مَنْ أَحَبَّهُمَا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي . بشاره المصطفی: ۶۳.

بشاره المصطفی: ابن عباس گفت پیامبر اکرم از خانه خارج

شد با حسن و حسین یکی را روی شانه و دیگری را روی شانه دیگر یک مرتبه او را میبوسید و یک مرتبه این را جبرئیل باو گفت آیا این دو را دوست دارید فرمود دوست دارم این دو را و کسی که آنها را دوست داشته باشد هر که آنها را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و هر که با آنها دشمن باشد با من دشمن است.

### از شاهراه هدایت خارج نمیکند

۴۵- بشاره المصطفی زید بن مطرف قال قال رسول الله ص من اراد ان يحيا حياتي و يموت موتي و يدخل الجنة التي وعدني ربي فليتول علي بن ابي طالب و ذريته فانهم لن يخرجوكم من باب هدى و لم يدخلوكم في باب ضلاله. بشاره المصطفی:

۱۰۸. بشاره المصطفی: زید بن مطرف گفت: پیامبر اکرم فرمود:

کسی که میخواهد بزندگی من زنده باشد و بنوع مردن من بمیرد و داخل بهشتی که خدایم وعده داده شود علی بن ابی طالب و ذریه اش را دوست بدارد همانا ایشان شما را از شاهراه هدایت خارج نمیکند و بوادی گمراهی نمیکشاند.

### بخدا قسم اگر نباشید شما در زمین

۴۶- تفسیر فرات بن ابراهیم: ۲۰۸ و ۲۰۹.

تفسیر فرات: جعفر بن احمد از حضرت صادق علیه السلام

ص: ۴۱۶



نقل کرد که فرمود: من با پدرم روزی رفتیم بجانب مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله دیدیم گروهی از اصحاب بین منبر و قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته اند پدرم بر آنها سلام کرد سپس فرمود اما و الله انی لا حب ریحکم و ارواحکم فاعینونی علی ذلک بورع و اجتهاد، من ائتم بعد فلیعمل بعمله.

توجه داشته باشید بخدا قسم من دوست دارم بوی شما و ارواحتان را مرا کمک کنید بر این محبت با پارسائی و کوشش هر کسی پیرو شخصی باشد باید پیرو عمل او باشد شما شیعه آل محمد و پاسدار خدا و یاران خدا و شما سبقت گیران از گذشتگان و سبقت گیران هستید از آیندگان در دنیا و سبقت گیران هستید در آخرت بسوی بهشت ما بهشت را برای شما تضمین کرده ایم از جانب خدا و پیامبر و اهل بیت آن جناب.

شما طیبین هستید و زنان شما طیب اند هر زن و مرد مؤمنی صدیق است.

چند مرتبه امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بقبر فرمود قنبر! مژده باد ترا و مژده بده بدیگران و خوشحال باش بخدا قسم پیامبر اکرم از دنیا رفت در حالی که بر تمام امت خشم داشت بجز شیعه برای هر چیزی شرفی است شرف دین اسلام شیعه است باید بدانی که هر چیزی را دست

آویزی است دست آویز دین اسلام شیعه است هر چیزی را امامی است امام زمین زمینی است که شیعه در آن ساکن است هر چیزی سروری دارد سرور مجالس مجلس شیعه است هر- چیزی بجهت و سرور دنیا و لذت او بجهت سکونت شیعه است در آن.

بخدا قسم اگر نباشید شما در زمین مخالفین شما از خوبیهای زندگی خود بهره نمی برند و در آخرت نصیبی ندارند هر دشمن ناصب اگر چه پارسا باشد مشمول این آیه است وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلِي نَارًا حَامِيَةً تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ . الغاشية: ۵-۲.

### این روایت را بخوانید

۴۷- وَ رَوَى صَاحِبُ الْكُشَافِ وَ النَّعَلَبِيُّ فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا الْآيَةَ.

بِإِسْنَادِهِ إِلَى جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً لَهُ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَكْمِلاً الْإِيمَانَ

ص: ۴۱۸

أَلَمَّا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ أَلَّا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يُرْفَقُ إِلَى الْجَنَّةِ  
كَمَا تُرْفَقُ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا أَلَمَّا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ زُورَ قَبْرِهِ الْمَلَائِكَةَ بِالرَّحْمَةِ أَلَّا وَمَنْ مَاتَ عَلَى  
حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ أَلَّا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ  
اللَّهِ أَلَّا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ .

صاحب کشف و ثعلبی در تفسیر این آیه قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا\* باسناد خود تا جریر بن عبد الله بجلی نقل میکند که پیامبر  
اکرم فرمود هر که بمیرد با حب آل محمد شهید مرده و هر که بمیرد با حب آل محمد آمرزیده مرده.

بدانید هر که بمیرد با حب آل محمد با توبه مرده و هر که بمیرد با حب آل محمد مؤمن مرده با ایمان کامل.

هر که بمیرد با حب آل محمد ملک الموت او را بشارت بهشت میدهد. بعد از ملک الموت منکر و نکیر. بدانید هر که با حب  
آل محمد بمیرد چنان روانه بهشت می شود مثل عروسی که بحجله داماد می رود بدانید هر که با حب آل محمد بمیرد ملائکه  
رحمت بدستور خدا در قبر زیارت می آیند بدانید هر کس بمیرد با حب آل محمد بر سنت و جماعت

بوده و هر که بمیرد بر بغض آل محمد روز قیامت می آید در حالی که بر پیشانی او نوشته شده مایوس از رحمت خدا است بدانید هر که با بغض آل محمد بمیرد بوی بهشت را نمی شنود.

### دست از علی بر ندارید او مولای شما است

۴۸- كُنْزُ الْفَوَائِدِ لِلْكَرَاجِكِيِّ، ابْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: سَيَّلَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيُّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ مَوْلَاكُمْ فَأَحِبُّوهُ وَكَبِّرُوهُ وَأَعْلَمُواكُمْ وَأَعْلَمُواكُمْ وَأَعْلَمُواكُمْ وَأَعْلَمُواكُمْ وَإِذَا دَعَاكُمْ فَأَجِيبُوهُ وَإِذَا أَمَرَكُمْ فَأَطِيعُوهُ أَجِبُوهُ لِحُبِّي وَأَكْرِمُوهُ لِكِرَامَتِي مَا قُلْتُ لَكُمْ فِي عَلِيٍّ إِلَّا مَا أَمَرَنِي بِهِ رَبِّي . كنز الكراجكي: ۲۰۸ و ۲۰۹.

ابن نباته گفت از سلمان فارسی راجع به علی بن ابی طالب علیه السلام پرسیدند گفت: شنیدم پیامبر اکرم میفرمود دست از علی بر ندارید او مولای شما است او را دوست بدارید او بزرگ شما است از او پیروی کنید او عالم شما است گرامی بدارید و رهبر شما بسوی بهشت است احترامش کنید هر گاه شما را دعوت کرد اجابتش نمایید اگر فرمانی داد اطاعت کنید او را دوست بدارید برای دوستی من و گرامی بدارید بواسطه گرامی داشت من چیزی در باره علی علیه السلام بشما

نمیگویم مگر اینکه خدا بمن دستور داده.

۴۹- کنز الکرّاجکئی: ۲۱۴ و ۲۱۵.

سهل بن سعد گفت ابا ذر با گروهی از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشستند بود من نیز از آن جمله بودم علی بن ابی طالب علیه السلام آمد ابا ذر چشم بآن جناب دوخت و بعد برگشت و رو بجمعیت نموده گفت که میتواند معرفی کند مردی را که محبت او گناهان را چنان میزداید همچون بادی شدید و سخت که برگ را از درخت میریزد؟ من از پیامبر اکرم شنیدم در باره او چنین میفرمود گفتند آن کیست؟ فرمود همین مردی که بجانب شما می آید پسر عموی پیامبرتان شنیدم میفرمود علی باب علم من روشنگر تمام چیزهایی است که من از جانب پروردگار برای امت آورده ام پس از من.

حب علی ایمان و دشمنی با او نفاق است تماشای او با مهربانی و علاقه عبادت است.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم میفرمود: مثل اهل بیت من در امتم مانند کشتی نوح است هر که سوار آن شد نجات یافت و هر که فاصله گرفت غرق شد و مانند باب حطه در بنی اسرائیل است.

سپس فرمود: یا ابا ذر هر که عمل برای آخرت خود کند

ص: ۴۲۱

خداوند امور دنیا و آخرتش را کفایت خواهد کرد و هر که بین خود و خدا به نیکی پردازد خداوند آنچه بین او و مردم است برایش درست میکند و هر که قلبش را اصلاح نماید خداوند ظاهر او را نیکو مینماید. لقمان حکیم بفرزندش در حالی که او را پند میداد گفت پسرم چه کسی جوایب خدا شد او را نیافت و چه کسی بخدا پناه برد خدا از او دفاع نکرد و چه کس بخدا توکل کرد، خداوند کار او را درست نکرد.

سپس علی علیه السلام رد شد ابو ذر جمعیت را مخاطب قرار داده گفت قسم بآن کس که جان ابا ذر در اختیار اوست هیچ امتی نیست که پیشوا قرار داد (یا گفت پیروی کرد از شخصی) و حال اینکه در میان آنها دانایان از آن شخص بخدا و دین وجود دارد مگر اینکه کار آنها تباه شده.

### **مصافحه کننده با علی با انبیاء مصافحه کرده است.**

۱ وَ بِإِشْرَانِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ صَافَحَ عَلِيًّا فَكَأَنَّمَا صَافَحَنِي وَ مَنْ صَافَحَنِي فَكَأَنَّمَا صَافَحَ أَرْكَانَ الْعَرْشِ وَ مَنْ عَانَقَهُ فَكَأَنَّمَا عَانَقَنِي وَ مَنْ عَانَقَنِي فَكَأَنَّمَا عَانَقَ الْأَنْبِيَاءَ كُلَّهُمْ وَ مَنْ صَافَحَ مُجِبًّا لِعَلِيٍّ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ



شما خوابی دیده؟ یک روز پیامبر اکرم فرمود در خواب عمویم حمزه و پسر عمویم جعفر را دیدم نشسته اند و جلو آنها ظرفی از انجیر است مشغول خوردن هستند انجیر تبدیل بخرمای شد از آن نیز خوردند به آن دو گفتم کدام عمل را در آخرت بهترین اعمال یافتید گفتند نماز و دوست داشتن علی بن ابی طالب و پنهان صدقه دادن.

### هر که دخترم فاطمه علیها السلام از او راضی باشد من

از او راضیم

۱- وَ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِيَ وَمَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ يَا سَلْمَانُ حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ فِي مَائِهِ مَوْطِنٍ أَيْسَرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصِّرَاطُ وَالْمُحَاسَبَةُ فَمَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ رَضِيَتْ عَنْهُ وَمَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَمَنْ غَضِبَتْ عَلَيْهِ فَاطِمَةُ غَضِبَتْ عَلَيْهِ وَمَنْ غَضِبْتُ عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَا سَلْمَانُ وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُهَا وَيَظْلِمُ

دُرِّيَّتَهَا وَ شَيْعَتَهَا . سلمان فارسی گفت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: ای سلمان هر که فاطمه را دوست بدارد او در بهشت با من خواهد بود و هر که دشمن بدارد در جهنم.

ص: ۴۲۴



سلمان! دوستی فاطمه در صد جایگاه سود میبخشد که ساده ترین این جایگاه ها مرگ و قبر و میزان و محشر و صراط و محاسبه است هر که دخترم فاطمه از او راضی باشد من از او راضیم و هر که من از او راضی باشم خدا از او راضی است و هر که فاطمه بر او خشم بگیرد من بر او خشم میگیرم و هر کس من بر او خشم بگیرم خدا بر او خشمگین است. سلمان ای بر کسی که او را ستم نماید و ستم بر ذریه و شیعیانش کند.

۲- أَعْلَامُ الدِّينِ، لِلدَّيْلَمِيِّ مِنْ كِتَابِ الْحَسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَحَبَّنَا وَ لَقِيَ اللَّهَ وَ عَلَيْهِ مِثْلُ زَيْدِ الْبُحْرِ ذُنُوبًا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ.

اعلام الدین: صفوان از حضرت صادق نقل میکند که فرمود هر کس ما را دوست بدارد و خدا را ملاقات کند با اینکه باندازه کف دریا گناه داشته باشد سزاوار است که خدا او را ببامرزد.

۳- حُبَيْشِ بْنِ الْمُعْتَمِرِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيٍّ ع وَ هُوَ فِي الرَّحْبِ مُتَّكِنًا فَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ كَيْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ وَ رَدَّ عَلَيَّ وَقَالَ أَصْبَحْتُ وَ اللَّهُ مُجِبًّا لِمُحِبِّبِنَا صَابِرًا عَلَى بُغْضِ مُبْغِضِنَا إِنَّ مُحِبِّبِنَا يَنْتَظِرُ الرَّوْحَ وَ

الْفَرَجِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلِهِ وَ إِنَّ مُبَغِضَنَا بَنِي بُنِيَانًا فَأَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَيَّ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَكَأَنَّمَا بُنْيَانُهُ قَدْ أَنهَارَ .

حیث بن معتمر گفت خدمت علی علیه السلام رسیدم او در صحن مسجد تکیه کرده بود عرض کردم سلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمه الله و برکاته حال شما چطور است. آن جناب سر بلند نمود و جواب مرا داد فرمود هم اکنون در حالی هستم که دوست دارم دوستدار خود را و صبر میکنم بر دشمنی دشمنانم دوستان ما منتظر آسایش و فرج در هر شب و روز هستند و دشمنان ما بنیانی را بنا نهاده بر کنار گودالی سرایشب که هر آن انتظار سرازیر شدن آنها است.

### عبور فاطمه علیها السلام از محشر

۴- کتذ جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره فاطر: ۳۱ و ۳۲: ۲۵۳ و ۲۵۴. ابو ذر رحمه الله علیه گفت سلمان و بلال را مشاهده کردم خدمت پیامبر اکرم می آیند سلمان خود را بر پاهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انداخت و شروع ببوسیدن کرد پیامبر اکرم او را از این کار منع کرد باو فرمود سلمان نسبت بمن آن کاری که ایرانیان نسبت پادشاهان خود میکنند نکن! من بنده ای از بندگان خدایم مانند بندگان غذا میخورم و مانند آنها

ص: ۴۲۶

سلمان گفت مولای من شما را بخدا سوگند می دهم مرا از مقام فاطمه علیها السّلام در روز قیامت اطلاع دهید. پیامبر اکرم با چهره ای خندان و شاد توجه نموده فرمود قسم بکسی که جانم در دست اوست فاطمه دختری است که از صحرای قیامت می گذرد سوار بر شتری است که سر او از خشیت خدا و چشمانش از نور خدا است آرایش آن از جلال خدا است و گردنش از بهاء الله و کوهانش از رضوان الله و دم او از قدس الله و پاهایش از مجد خدا است اگر راه رود تسبیح میکند و اگر سرعت بگیرد تقدیس میکند بر روی آن هودجی از نور است که در آن هودج دختری از نسل انسان ولی حوریه ای بس ارجمند که آفرینش او از سه چیز جمع و ساخته شده اول آن مشک ناب و سطرش عنبر الشهب و آخر آن زعفران قرمز است که با آب حیات آمیخته شده اگر آب دهان در هفت دریای شور بیاندازد شیرین می شود و اگر ناخن انگشت کوچک خود را بطرف دنیا خارج کند خورشید و ماه را میپوشاند. جبرئیل طرف راست و میکائیل طرف چپ علی علیه السّلام جلو و حسن و حسین پشت سرش خداوند او را نگه میدارد و حفظ میکند.

از صحرای قیامت رد می شود در این موقع ندائی از جانب خدا بلند می شود مردم! چشم ببوشید و سر بزیر اندازید این دختر پیغمبر شما است و همسر علی امامتان مادر حسن و حسین از صراط رد می شود چادری سفید دارد وقتی وارد بهشت شود و نگاه میکند آنچه خداوند برایش آماده کرده از جاه و جلال این آیه را میخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . \*اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَكُوْرٌ الَّذِیْ اَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيْهَا نَصَبٌ وَا لَا يَمَسُّنَا فِيْهَا لُغُوْبٌ خداوند باو وحی میکند: ای فاطمه از من بخواه تا بتو عطا کنم و از من درخواست کن تا خشنودت کنم.

او میگوید الهی تو آرزوی من و بالاتر از آرزوی منی از تو درخواست میکنم که دوست من و دوست عترتم را عذاب نکنی خداوند باو وحی میکند: ای فاطمه بعزت و جلال و مقام ارجمندم و بذات خود سوگند خورده ام دو هزار سال قبل از آفرینش آسمانها و زمین که عذاب نکنم دوستان تو را و دوستان عترت ترا با آتش.

### خداوند فاطمه را به ازدواج علی در آورد

۵- وَ يٰۤاَشِيْنَاْدِهٖ عَنِ بِلَالِ بْنِ حَمَّامَةَ قَالَ: طَلَعَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ ص ذَاتَ يَوْمٍ وَ وَجْهُهُ مُشْرِقٌ كَدَارِهِ الْقَمَرِ فَقَامَ عَبْدُ اللّٰهِ بِنُ عَوْفٍ وَ قَالَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا هَذَا النُّوْرُ

ص: ۴۲۸

فَقَالَ بِشَارَهُ أَتَنِي مِنْ رَبِّي فِي أَخِي وَابْنِ عَمِّي وَابْنَتِي وَ أَنَّ اللَّهَ زَوَّجَ عَلِيًّا بِفَاطِمَةَ وَ أَمَرَ رِضْوَانَ خَازِنَ الْجَنَانِ فَهَزَّ شَجَرَهُ طُوبَى  
فَحَمَلَتْ رِقَاعًا يَعْنِي صِكَاكَ بَعْدَ مُجِئِي أَهْلِ بَيْتِي وَ أَنْشَأَ مِنْ تَحْتِهَا مَلَائِكَةً مِنْ نُورٍ وَ دَفَعَ إِلَى كُلِّ مَلَكٍ صَكًّا فَإِذَا اسْتَوَتْ الْقِيَامَةُ  
بِأَهْلِهَا نَادَتْ الْمَلَائِكَةُ فِي الْخَلَائِقِ فَلَا تَلْقَى مُجِيبًا لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا دَفَعَتْ إِلَيْهِ صِكَّا فِيهِ فَكَأَكُهُ مِنَ النَّارِ بِأَخِي وَ ابْنِ عَمِّي وَ ابْنَتِي  
فَكَأَكُ رِجَالٍ وَ نِسَاءٍ مِنْ أُمَّتِي مِنَ النَّارِ. إيضاح دفائن النواصب:

۳۹ فیه: ویل لمن یظلمها و یظلم بعلها امیر المؤمنین علیا ویل لمن یظلم ذریتها و شیعتها.

با همان سند از بلال بن حمامه گفت: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با چهره ای درخشان همچون ماه تابان  
پیش ما آمد عبد الله بن عوف از جای حرکت کرده گفت یا رسول الله این چه نوری است؟ فرمود: بشارتی است که از جانب  
خدا در مورد برادر و پسر عمو و دخترم آمده. خداوند بازدواج علی در آورده فاطمه را و دستور داد برضوان نگهبان بهشت  
که درخت طوبی را تکان دهد تکه های کاغذی بارور گردید بتعداد دوستان اهل بیتم و از زیر درخت طوبی ملائکه ای از نور  
بوجود می آید و در اختیار هر ملکی یکی از نوشته ها قرار میگیرد وقتی قیامت برپا می شود ملائکه در

میان خلائق فریاد میزنند بهر یک از دوستان ما اهل بیت میرسند یکی از آن نامه ها را که آزادی از جهنم است باو می دهند بوسیله برادر و پسر عمویم و دخترم آزاد میشوند گروهی از اتم از آتش جهنم.

### از وحشت روز قیامت در امان است

۶۲- وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِسْدَاوَدَ الرَّقِّي أَلَا أُحَدِّثُكَ بِالْحَسَنِهِ الَّتِي مَنْ جَاءَ بِهَا أَمِنَ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَبِالسَّيِّئَةِ الَّتِي مَنْ جَاءَ بِهَا أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ قَالَ قُلْتُ بَلَى قَالَ الْحَسَنِهِ حُبُّنَا وَالسَّيِّئَةُ بُغْضُنَا. حضرت صادق علیه السلام بدادود رقی گفت برای توضیح ندهم حسنه ای را که هر کس انجام دهد از وحشت روز قیامت در امان است و آن سیئه ای که هر کس انجام دهد خداوند او را بصورت در آتش میاندازد؟ گفتم چرا.

فرمود:

حسنة حب ما است و سيئه دشمني با ما است.

### اینک برای تو جریانی را میگویم

۶۳- وَعَنْ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ: أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ مَا جَاءَ بِكَ فَقُلْتُ حُبُّكَ فَقَالَ اللَّهُ اللَّهُ مَا جَاءَ بِكَ إِلَّا حُبِّي فَقُلْتُ نَعَمْ

ص: ۴۳۰

فَقَالَ أَمِيَا إِنِّي سَأَحَدُكَ بِشُكْرِهَا إِنَّهُ لَمَّا يَمُوتُ عَبْدٌ يُحِبُّنِي حَتَّى يَرَانِي حَيْثُ يَكْرَهُهُ. حَارِثُ اعْوِرْ كَفَتِ خِدْمَتُ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسِيدَمُ فَرَمُودُ: بِرَأْيِ چِه آمَدِه اِي. كَفْتَمُ عِلَاقَه بِشَمَا مِرَا اِيِنجَا آوَرْدِه فَرَمُودُ: تَرَا بِخَدَا رَاسِتْ بَگُو فِقْطُ مَحَبَّتْ تَرَا آوَرْدِه كَفْتَمُ آرِي. فَرَمُودِ اِيِنكُ بِرَأْيِ تُو جَرِيَانِي رَا مِيكَوِيْمُ كِه پَادَاشِ آن رَا بِيِنِي. هِيچِ بِنْدِه اِي نَمِي مِيرِدُ كِه مِرَا دُوسْتِ دَاشْتِه بِاشِدُ جَزِ اِيِنكِه مِرَا خَوَاحِدُ آن طُورِ دُوسْتِ دَارِدُ وَ نَخَوَاحِدُ مَرْدِ بِنْدِه اِي كِه بَا مَنِ دُشْمَنِ اسْتِ جَزِ اِيِنكِه مِرَا مِي بِيِنْدِ آن طُورِ كِه مَوْجِبُ نَارَاحَتِي اُو مِي شُودُ.

۶۴- وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ لِعُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ يَا بَا صَاحِرٍ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا لِمَنْ يُحِبُّهُ وَ يُبْغِضُ وَ لَا يُعْطِي هَذَا الْأَمْرَ إِلَّا أَهْلَ صِفْوَتِهِ أَنْتُمْ وَ اللَّهُ عَلَي دِينِي وَ دِينِ آبَائِي.

حضرت صادق عليه السلام بعمر بن حنظله فرمود ای ابا صخر خداوند دنیا را هم بکسی که او را دوست میدارد و هم بکسی که با او دشمن است ولی مسأله ولایت را نمیدهد مگر به برگزیدگانش بخدا قسم شما بر دین من و دین آبای من هستید.

۶۵- وَقَالَ ع وَ اللَّهُ لَنُشْفَعَنَّ وَ اللَّهُ لَنُشْفَعَنَّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى

يَقُولَ عَدُوْنَا فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ إِنَّ شَيْعَتَنَا يَأْخُذُونَ بِحُجْرِنَا وَنَحْنُ آخِذُونَ بِحُجْرِهِ نَبِيِّنَا وَنَبِيِّنَا آخِذٌ بِحُجْرِهِ اللَّهُ.

فرمود بخدا قسم شفاعت خواهم کرد بخدا قسم شفاعت خواهم کرد البته سه مرتبه تکرار کرد تا جایی که دشمن ما میگوید ما شفاعت کننده و دوست مهربانی نداریم شیعیان ما دامن ما را می گیرند و ما دامن پیامبران را میگیریم و او چنگک بلطف خدا میزند.

۶۶- وَقَالَ لَهُ زِيَادُ الْمَأْسُودِ إِنِّي أُلِمُّ بِالذَّنُوبِ فَأَخَافُ الْهَلَكَةَ ثُمَّ أَذْكَرُ حُبَّكُمْ فَأَرْجُو النَّجَاهَ فَقَالَ ع وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَقَالَ إِنَّ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَقَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ ص إِنِّي أُحِبُّكَ فَقَالَ إِنَّكَ لَتُحِبُّنِي فَقَالَ الرَّجُلُ إِي وَ اللَّهُ فَقَالَ النَّبِيُّ ص أَنْتَ مَعَ مَنْ أُحِبِّتَ.

زیاد اسود بامام عرضکرد من متوجه گناهامن میشوم میترسم که هلاک شوم بعد بیاد محبت شما می افتم امیدوار بنجات می شوم امام علیه السلام فرمود آیا دین جز حب است خداوند می فرماید حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ و فرموده إِنَّ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ و مردی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضکرد من شما را دوست دارم فرمود: تو مرا



دوست میداری عرضکرد آری بخدا فرمود تو با آن کسی خواهی بود که او را دوست میداری.

## تعهد خدا

۶۷- جابر جعفی از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود: مؤمن نزد خدا بیست امتیاز دارد که خداوند برایش وفا خواهد کرد: یکی این است که نفریبد او را و گمراهش نکند و او را عریان نکند و گرسنه اش نکند و او را خوار نگرداند و عزیزش کند و اینکه خدا او را بغرق و یا سوختن نکشد و اینکه بر روی چیزی نیفتد و چیزی بر روی او نیفتد و اینکه او را از حيله حيله گران نگه دارد و از ستم ستمگران و اینکه خداوند او را با ما قرار دهد در دنیا و آخرت و اینکه خداوند بر او مسلط نکند بیماری هائی را که شکل او را بد و زشت میکند.

و او را بر گناه کبیره نمیراند و اینکه خداوند او را نفراموشاند از گناهان تا تجدید توبه نماید و او را از دانش خود مانع نشود و او را عارف بحجت خود نماید و اینکه باطل را از دلش بیرون کند و اینکه خداوند او را روز قیامت محشور نماید در حالی که نورش پیشاپیش می درخشد و او را موفق

ص: ۴۳۳

برای هر کار نیک کند و دشمنش را بر او مسلط نکند تا خوار و ذلیلش نماید و عاقبت او را با من و ایمان ختم کند و او را با ما قرار دهد در رفیقِ اعلیٰ اینست تعهد خدا برای مؤمنین.

## روایات در شأن شیعیان

۱- وَ مِنْ كِتَابِ فَرْجِ الْكَرْبِ،

از کتاب فرجِ الكرب از ابی بصیر نقل کرده که گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای ابا محمد مردم بدسته های مختلف متفرق شدند شما دل بستید باهل بیت پیامبران آنچه خدا میخواست خواستید و آن کس را که خدا دوست میدارد شما دوست دارید و کسی را که خدا انتخاب نموده شما انتخاب نمودید بشارت باد شما را شاد باشید، شما بخدا قسم آمرزیده هستید و حسنات شما را قبول میکنند و از گناهان شما می گذرند آیا موجب شادی تو شدم عرض کردم آری.

فرمود: ای ابا محمد گناه ها از پشت شیعیان ما میریزد چنانچه برگ ها بوسیله باد از درخت می ریزد این آیه همان است که می فرماید: وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ الزمر: ۷۵.

ص: ۴۳۴

فرمود: بخدا قسم ای ابا محمد خداوند در این آیه جز شما را اراده نکرده.

(شبهه این آیه در سوره غافر آیه ۷ اینگونه است. الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا).

آیا ترا مسرور کردم گفتم آری اضافه بفرمائید.

فرمود خداوند شما را در کتاب کریمش ذکر کرده رجالٌ صدقوا ما عاهدوا الله عليه احزاب ۲۳.

منظور این است که شما وفا کرده اید به پیمانی که در مورد ولایت ما از شما گرفته شده و دیگری را بجای ما نگرفتید و فرموده است الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ الزخرف: ۶۷.

بخدا قسم از متقین جز شما را اراده نکرده آیا ترا مسرور کردم عرض کردم آری اضافه بفرمائید.

فرمود خداوند در این آیه شما را ذکر نموده إخواناً على سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ الحجر: ۴۷

بخدا قسم جز شما را اراده نکرده آیا شادت کردم.

عرض کردم آری ولی بیشتر بفرمائید فرمود: در این آیه خداوند از شما یاد کرده فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ النساء: ۶۹،

پیامبر اکرم در این آیه نبیین است ما صدیقین و شهداء هستیم و شما صالحین هستید بخدا قسم شما شیعیان ما هستید آیا مسرورت کردم؟ گفتم: آری اضافه بفرمائید.

خداوند شما را از تسلط شیطان استثناء کرد فرموده إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ الْحَجْر: ۴۲.

بخدا قسم جز شما را از این آیه اراده نکرده آیا مسرورت کردم گفتم آری اضافه بفرمائید.

فرمود خداوند می فرماید: يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا الزمر: ۵۳.  
بخدا قسم جز شما را اراده نکرده آیا مسرورت کردم ای ابا محمد؟ گفتم آری بیشتر بفرمائید فرمود ای ابا محمد هیچ یک از پیامبران و پیروان آنها را استثناء نفرموده جز شیعیان ما را فرموده است يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَن مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ إِلَّا مَن رَّحِمَ اللَّهُ الدخان: ۴۱ و ۴۲.

آنها که مورد رحمت خدا قرار میگیرند شیعیان ما هستند آیا ترا مسرور کردم؟ عرض کردم:

آری اضافه بفرمائید یا ابن رسول الله فرمود: خداوند شما را در کتاب خود یاد کرده در این آیه هَلْ يَسْتَتِيهِمُ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ الزمر: ۹ ما کسانی

هستیم که میدانیم و دشمنان ما آنها را نمی دانند و شیعیان ما اولو الالباب هستند عرض کردم بیشتر بفرومائید.

فرمود: یا ابا محمد چند برابر شدن ثواب اعمال شما از حدّ شماره بیرون است. ای ابا محمد هر آیه ای که معنی آن برگشت به بهشت میکند و اهل بهشت را به نیکی یاد میکند در باره ما و شما است و هر آیه ای که اشاره بجهنم دارد در باره دشمن ما و مخالفین ما است بخدا قسم بر دین محمد و ملت ابراهیم جز ما و شما نیست سایر مردم از شما بیزارند ای ابا محمد آیا ترا مسرور کردم گفتم آری یا ابن رسول الله فدایت شوم بعد با شادی و خوشحالی از خدمت امام مرخص شدم.

۲- میسر گفت من و علقمه پسر حضرمی و ابو حسان عجلی و عبد الله بن عجلان منتظر حضرت باقر بودیم خارج شدند و فرمودند خوش آمدید شاد باشید بخدا قسم من بوی شما و ارواح شما را دوست می دارم شما بر دین خدا هستید علقمه گفت هر کس بر دین خود باشد شما برای او گواهی بهشت می دهید مختصری امام علیه السلام توقف نمود سپس فرمود خود را بیازمائید اگر مرتکب کبائر نباشید من گواهی می دهم عرض کردیم کبائر چیست؟ فرمود شرک بخدای بزرگ و خوردن مال یتیم و نسبت ناشایست دادن بزنان شوهردار و

نافرمانی پدر و مادر و آدم کشی و ربا و فرار از جنگ.

گفت هیچ یک از ما فاعل یکی از اینها نبوده فرمود در این صورت نجات می یابید این ولایت خود را برای خدا قرار دهید مبادا برای مردم باشد زیرا هر چه برای مردم باشد بمردم بر میگردد و هر چه برای خدا باشد ارتباط بخدا پیدا میکند. با مردم بنزاع پردازید راجع بدین خود زیرا خصومت دل را بیمار میکند خداوند به پیامبرش می فرماید إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ فرموده أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ .

۳- وَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ شِيعَتُنَا أَقْرَبُ الْخَلْقِ مِنْ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَالَ أَنْتُمْ أَهْلُ تَحِيَّةِ اللَّهِ بِالسَّلَامِ وَ أَهْلُ أَثَرِهِ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَ أَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ بِعِصْمَتِهِ وَ أَهْلُ دَعْوَتِهِ بِطَاعَتِهِ لَا- خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا- أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ أَشْيَاءَ مَاؤُكُمْ عِنْدَنَا الصَّالِحُونَ الْمُضِيِّحُونَ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ الرِّضَا لِرِضَائِهِ عَنْكُمْ وَ الْمَلَائِكَةُ إِخْوَانُكُمْ فِي الْخَيْرِ فَإِذَا اجْتَهَدْتُمْ ادْعُوا وَ إِذَا أذُنْتُمْ اسْتَغْفِرُوا وَ أَنْتُمْ خَيْرُ الْعِبْرِيِّهِ بَعِيدَنَا دِيَارُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ وَ قُبُورُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ- لِلْجَنَّةِ خُلُقْتُمْ وَ فِي الْجَنَّةِ نَعِيمُكُمْ وَ إِلَى الْجَنَّةِ تَسِيرُونَ. ابو حمزه گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود شیعیان ما نزدیکترین خلق بعرش خدا هستند در روز قیامت و فرمود شما را خداوند تحت بسلام

میگوید و شما برگزیده رحمت خدائید و کسانی هستید که خداوند توفیق بآنها داده برای جلوگیری از گناه و شما را دعوت باطاعت نموده هیچ باکی بر شما نیست و نه محزون میشوید. اسامی شما در نزد ما صالحین خیرخواه هستید شما اهل رضا هستید بواسطه خشنودی خدا از شما ملائکه برادران شما هستند

در نیکی هر وقت کوشش نمودید دعا کنید و اگر گناهی کردید استغفار نمائید شما بهترین مردم هستید بعد از ما، شهر و دیار شما برایتان بهشت است.

و قبرهای شما برایتان بهشت است برای بهشت آفریده شده اید و در بهشت نعمتهای شما است و بسوی بهشت در حرکت هستید.

### بخدا قسم ما بدیدار شما انس داریم

۴- وَ رَوَى خَالِدُ بْنُ نَجِيحٍ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَزِيدِ اللَّهِ ع فَقَالَ مَرْحَبًا بِكُمْ وَ أَهْلًا وَ سَيْهَلًا وَ اللَّهُ إِنَّا لَنَسْتَأْنِسُ بِرُؤْيَيْكُمْ إِنَّكُمْ مَا أَحْبَبْتُمُونَا لِقَرَابِهِ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ وَ لَكِنْ لِقَرَابَتِنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَالْحُبُّ لِرَسُولِ اللَّهِ ص عَلَى غَيْرِ دُنْيَا أَصَبْتُمُوهَا مِنَّا وَ لَا مَالٍ أُعْطِيتُمْ عَلَيْهِ أَحْبَبْتُمُونَا فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ حُدَّةِ لَا شَرِيكَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ

ص: ۴۳۹

قَضَى عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ فَقَالَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا وَجْهَهُ وَ لَيْسَ يَبْقَى إِلَّا اللَّهُ وَ خِيَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُمَّ كَمَا كَانُوا مَعَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الدُّنْيَا فَاجْعَلْهُمْ مَعَهُمْ فِي الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ كَمَا كَانَ سِرُّهُمْ عَلَى سِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتُهُمْ عَلَى عَلَانِيَتِهِمْ فَاجْعَلْهُمْ فِي ثِقَلِ مُحَمَّدٍ وَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ. خالد بن نجیح گفت: خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدیم فرمود: خوش آمدید شاد باشید و موفق، بخدا قسم ما بدیدار شما انس داریم شما ما را بواسطه خویشاوندی که بینمان باشد دوست نمیدارید ولی برای خویشاوندی ما با پیامبر است این علاقه شما بواسطه پیامبر است نه برای بهره ای دنیوی که از ما ببرید و نه مالی بر این محبت بشما پرداخت شده شما دعوت ما را در راه یکتائی خدا که شریک ندارد پذیرفتید خداوند در باره ساکنین آسمانها و زمین حکمی مقرر نموده فرموده كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا وَجْهَهُ همه چیز از بین میرود جز وجه پروردگار چیزی باقی نمی ماند مگر خدای یکتا که شریک ندارد خدایا همان طوری که اینها در دنیا با آل محمد بوده اند در آخرت نیز ایشان را با آل محمد قرار ده خدایا همان طوری که پنهان و آشکار آنها مانند پنهان و سر آل محمد است ایشان را در گروه آل محمد در قیامت قرار ده.



۵- حارث بن احوّل گفت از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم می فرمود پیامبر اکرم بعلی علیه السّلام فرمود شبی که مرا با آسمان بردند در بهشت نهری سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل دیدم کنار نهر آفتابه هائی بتعداد ستارگان آسمان بود بر کنارش قبه های یاقوت قرمز و درّ سفید بود جبرئیل با پر خود زد بیک طرف آن ناگاه مشک ناب مشاهده شد.

سپس فرمود قسم بآن کس که جان محمّد (صلی الله علیه و آله) در دست اوست در آن بهشت درختی است صدائی به تسیح بلند میکند که پیشینیان و آیندگان مانند آن صدا را نشنیده اند میوه هائی مانند انار میدهد. میوه آن فرو می ریزد برای شخص آن را میشکافد دارای هفتاد زیور است. یا علی مؤمنین بر روی تخت هائی از نور نشسته اند و آنها دارای چهره ای درخشانند و تو امام آنها هستی شخص دارای کفشی است که بند کفش او چنان می درخشد که راهش را روشن میکند هر جای بهشت را که بخواهد. در همین موقع زنی از بالای سر آنها مشرف می شود و میگوید: سبحان الله ای بنده خدا ما را مفتخر نمیفرمائی باو میگوید تو که هستی. جواب میدهد من از آن بانوانی هستم که خداوند در قرآن میفرماید در نزد ما افزون هست (و لدینا من مزید) در همین موقع زن دیگری بر او

مشرف می شود از بالای سرشان و میگوید سبحان الله ای بنده خدا آیا مرا مفتخر نمی فرمائی.

میگوید تو که هستی جواب میدهد من از آن نعمت هائی هستم که خداوند میفرماید فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ هیچ کس نمیداند چه چیزها برای آنها ذخیره شده است از چیزهائی که موجب روشنی چشمش می گردد در مقابل اعمالی که انجام داده اند.

سپس فرمود قسم ب آن کسی که جان محمد در دست اوست هفتاد هزار فرشته پیش او می آیند او را بنام خود و پدرش می نامند.

۶- كِتَابُ الْمُحْتَضَرِّ، لِلْحَسَنِ بْنِ سُلَيْمَانَ: ۱۰۱ و ۱۰۲.

حسن بن سلیمان سند را می‌رساند به سلمان فارسی رضی الله عنه گفت در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم که مرد عربی از بنی عامر وارد شد سلام کرده گفت یا رسول الله از طرف شما پیکی آمد و ما را دعوت باسلام نمود مسلمان شدیم بعد ما را به نماز و روزه و جهاد دعوت کرد دیدیم کار خوبی است بعد ما را از زنا و دزدی و غیبت و کار زشت باز داشت ما هم این کارها ترک کردیم پیک شما بما گفت بر ما واجب است داماد شما علی بن ابی طالب علیه السلام را

ص: ۴۴۲

دوست بداریم سرّ این چیست با اینکه عبادت شمرده نمیشود.

پیامبر اکرم فرمود: بواسطه پنج امتیاز. اول اینکه من در روز بدر پس از تمام شدن جنگ نشسته بودم که جبرئیل نازل شده گفت خداوند سلامت میرساند.

و میگوید من مباحثات کردم امروز بواسطه علی با ملائکه آن موقعی که در بین صفوف جنگ در نبرد بود و الله اکبر میگفت ملائکه با او تکبیر میگفتند.

قسم بعزت و جلالم حب او را ارزانی میدارم بکسی که دوست او باشد و بغضش را بکسی که با او دشمن باشد.

دوم من روز جنگ احد نشسته بودم کار تجهیز عموم حمزه تمام شده بود که جبرئیل بر من نازل شد. گفت یا محمد خداوند می فرماید نماز را واجب کردم.

و آن را از مریض برداشتم و روزه را واجب نمودم اما از مریض و مسافر برداشتم و حج را واجب نمودم اما از ناتوان فقیر برداشتم و زکات را واجب نمودم اما از کسی که مالک نصاب نباشد برداشتم ولی دوستی علی بن ابی طالب را برایش راه فراری نگذاشتم.

سوم. خداوند هیچ کتابی را نفرستاده و نه خلقی را آفریده

جز اینکه برایش سروری قرار داده قرآن سرور کتابهای آسمانی است و جبرئیل سرور ملائکه یا فرمود اسرافیل. و من سرور انبیاء هستم و علی سرور اوصیاء، هر چیزی سروری دارد دوستی من و دوستی علی بهترین چیزی است که بنده مطیع میتواند بوسیله آن بخدا تقرب جوید.

چهارم. خداوند در دلم انداخت که حبّ علی درخت طوبی است که خداوند در بهشت آن را بدست خویش کاشته.

پنجم. جبرئیل گفت روز قیامت برای تو منبری نصب می شود طرف راست عرش و تمام پیامبران در طرف چپ عرش و جلو آن هستند و برای علی یک تخت قرار داده می شود در طرف پهلوی تو بجهت احترام او کسی که دارای چنین امتیازهایی باشد واجب است او را دوست بدارید مرد عرب گفت بدیده می پذیرم و اطاعت میکنم.

۷-المحتضر: ۹۷ و ۹۸. و الآیه فی القمر: ۵۵.

جابر بن عبد الله گفت روزی در مسجد مدینه اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفته بودیم یکی از اصحاب صحبت از بهشت کرد. ابو دجانة گفت یا رسول الله از شما شنیدم می فرمودی بهشت حرام است بر پیامبران و سایر امت تا وقتی شما داخل شوی- فرمود ابو دجانة! مگر نمیدانی

ص: ۴۴۴

خداوند پرچمی از نور و ستونی از نور دارد که آن دو را دو هزار سال قبل از آفرینش آسمان ها آفرید بر روی آن پرچم نوشته است »

لا اله الا الله. محمد رسول الله. آل محمد خیر البریه»

صاحب پرچم علی علیه السلام که پیشوای مردم است ابو دجانة گفت خدا را ستایش میکنیم که ما را بوسیله تو هدایت نمود و مفتخر فرمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود نمیدانی هر کس ما را دوست داشته باشد و محبت ما را پذیرفته باشد خداوند او را با ما ساکن میکند و این آیه را خواند فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر.

۸- یَعْقُوبُ بْنُ مِيثِمٍ أَنَّهُ وَجَدَ فِي كِتَابِ أَبِيهِ أَنَّ عَلِيًّا ع قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ثُمَّ التَفَتَ إِلَى عَلِيٍّ ع فَقَالَ نَعَمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَشَيْعَتُكَ وَمِيعَادُكَ وَمِيعَادُهُمُ الْخَوْضُ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مَكْحَلِينَ مُتَّوَجِينَ قَالَ يَعْقُوبُ فَحَدَّثْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع بِهَذَا فَقَالَ هَكَذَا هُوَ عِنْدَنَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ ع

ثُمَّ قَالَ وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ فِي كِتَابِهِ نَحْوَ خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ حَدِيثًا فِي تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ مِثْلُ مَا ذَكَرَهُ فِي هَذَا الْحَدِيثِ أَنَّ خَيْرَ الْبَرِيَّةِ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع

وَشِيعَتُهُ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ هُمْ عَدُوُّهُ وَ شِيعَتُهُمْ . المحتضر: ۱۲۶.

رواه صاحب الكنز في ص ۴۰۰ و الآية في البينه: ۶.

يعقوب بن ميثم در نوشته های پدر خود چنین دید که علی بن ابی طالب علیه السلام گفت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود خداوند فرموده: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ کسانی که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند بهترین مردمند.

در این موقع روی بجانب علی علیه السلام نموده فرمود آری تو یا علی و شیعیانت هستید وعده گاه تو و آنها حوض کوثر است با چهره ای درخشان چشمهای زیبا و قدم های آراسته با تاج مرصع بر سر.

يعقوب گفت من حدیث را برای حضرت باقر علیه السلام نقل کردم فرمود در نوشته های حضرت علی علیه السلام همین طور نوشته شده است. سپس گفت و محمد بن عباس در کتاب بیست و پنج در تفسیر این آیه نقل میکنند شبیه آنچه در همین حدیث نقل شده بود: بهترین مردم امیر المؤمنین و شیعیان اویند و تفسیر الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ کسانی که کافرند از اهل کتاب.

دشمنان علی و پیروان آنهایند.

ص: ۴۴۶

از کتاب منهج التحقيق روایت کرده از کتاب آل ابن خالویه حدیث را بجابر انصاری میرساند که پیامبر اکرم می فرمود خداوند من و علی و فاطمه و حسن و حسین را از یک نور آفرید آن نور را فشرده از فشرده آن نور شیعیان ما خارج شدند ما خدا را تسبیح کردیم آنها تسبیح کردند ما تقدیس کردیم پس آنها تقدیس کردند ما تهلیل کردیم بعد آنها تهلیل کردند ما تمجید کردیم پس آنها تمجید کردند و خدا را بیگتائی ستودیم آنها نیز ستودند.

سپس خداوند آسمانها و زمین و ملائکه را آفرید ملائکه صد سال بود که نه تسبیح و نه تقدس را می دانستند ما تسبیح نمودیم بعد شیعیانمان بعد ملائکه تسبیح کردند همچنین در سایر چیزها پس ما موحدینی هستیم که موحدی غیر ما نبوده، بر خدا شایسته است همان طوری که بما و شیعیانمان امتیاز بخشیده ما و شیعیانمان را در اعلیٰ علین جای دهد خداوند ما و شیعیانمان را برگزید قبل از اینکه بصورت بدن باشیم ما را خواند جواب دادیم ما و شیعیانمان را آمرزید پیش از اینکه استغفار کنیم.

۱۰- أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِرَجُلٍ مِنَ الشَّيْعَةِ أَنْتُمْ الطَّيِّبُونَ وَ نِسَاؤُكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ كُلُّ مُؤْمِنٍ صِدِّيقٌ وَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ شَيِّعَتُنَا أَقْرَبُ الْخَلْقِ مِنْ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَعْدَنَا وَ مَا مِنْ شَيِّعَتِنَا أَحَدٌ يَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ إِلَّا اكَتَفَتْهُ فِيهَا عَدَدٌ مِنْ خَالَفَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ جَمَاعَةً حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ وَ إِنَّ الصَّائِمَ مِنْكُمْ لَيُرْتَعَفُ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ تَدْعُو لَهُ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُفِطِرَ . المحتضر: ۱۵۶.

ابو حمزه از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که شنیدم بمردی از شیعیان می فرمود. شما مردان پاک و طیب هستید و زنانان طیبات هستید و هر مؤمنی صدیق است و شنیدم شیعیان ما نزدیکترین خلق خدا هستند بعرض خدا در روز قیامت بعد از ما. هر یک از شیعیان ما که بنماز می ایستد بتعداد مخالفین عقیده ی او ملائکه اطرافش را می گیرند بر او درود می فرستند دسته جمعی تا از نماز فارغ شود و روزه دار شما در باغ های بهشت می خرامد و ملائکه برایش دعا می کنند تا افطار کند.

۱۱- عیسی بن ابی منصور گفت ما در خدمت حضرت صادق بودیم من و ابن ابی یعفور و عبد الله بن طلحه امام



علیه السلام بدون سؤال قبلی فرمود ای پسر ابی یعفر هر که دارای شش امتیاز باشد در پیش خدا در طرف راست او قرار خواهد گرفت.

ابن ابی یعفر گفت فدایت شوم آنها چیست؟ فرمود: مرد مسلمان برای برادر خود بخواهد آنچه برای عزیزترین فرد خانواده خود میخواهد و ناپسند شمارد برای برادر خود آنچه برای عزیزترین فرد خانواده خود ناپسند می‌شمارد.

و در راه ولایت خیرخواه او باشد. ابن ابی یعفر گریه کرده گفت چگونه خیرخواه او باشد در ولایت.

فرمود ای ابن ابی یعفر اگر با او آنقدر همبستگی داشته باشد اندوه او اندوه اینست و شادی او شادی این در صورتی که دوستش شاد شود. و محزون می شود بواسطه حزن او اگر بتواند گره از کارش بگشاید میگشاید و گرنه دعا برایش میکند. سپس حضرت صادق فرمود سه چیز را باید شما انجام دهید و سه چیز را ما. شما فضل و مقام ما را بشناسید و در مورد فرزندان ما نیز مراعات کنید و انتظار عاقبت ما را داشته باشید. هر کسی چنین باشد در نزد خدا طرف راست او خواهد بود و کسی که در نزد خدا طرف راست باشد از نورش کسانی که پائین از او باشند استفاده خواهند کرد و اما آن کس

که در طرف راست خداست دیگران اگر او را ببینند که در چه ناز و نعمت است زندگی برای آنها خوش نمیگذرد بواسطه فضل و مقامی که از آنها می بینند.

ابن ابی یعفر گفت چرا آنها را نبیند با اینکه طرف راست خدا هستند فرمود آنها پوشیده در نور خدایند مگر این حدیث پیامبر اکرم را نشنیده ای فرموده خداوند را خلقی است طرف راست و در مقابلش صورتشان از برف سفیدتر و از خورشید تابان درخشان تر است سؤال میکنند اینها کیانند؟ گفته می شود اینها کسانی هستند که دوستی آنها در راه خدا بود.

۱۲- نَوَادِرُ الرَّاَوْنِدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أُنْبِتُكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي وَ لِأَصْحَابِي. نوادر الراوندي.

نوادر راوندی باسناد خود از حضرت صادق علیه السلام نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود ثابت ترین شما در صراط کسی است که بیشتر اهل بیت و اصحاب مرا دوست داشته باشد.

۱۳- محمد بن مسلم از جعفر بن محمد از پدرش از آباء گرامش از علی بن ابی - طالب علیه السلام از پیامبر اکرم صلی

اللَّهُ عليه و آله فرمود: یا علی شیعیان ما از قبرهای خود روز قیامت خارج میشوند با عیب‌ها و گناههایی که دارند صورتهای آنها مانند ماه شب چهارده می‌درخشد ناراحتی‌ها از آنها دور شده و شدائد برای ایشان ساده گردیده بآنها امن و امان عنایت شده و حزن و اندوه از آنها برطرف گردیده مردم می‌ترسند اما آنها ترسی ندارند مردم محزون هستند آنها اندوهی ندارند بند کفش‌های آنها از نور می‌درخشد سوار بر شترهای سفیدی هستند که دارای بال هستند رام و آرامند بی آنها مرا بیازاری و سرعت می‌گیرند بدون ناراحتی و زحمت گردن آنها از طلای قرمز است و نرم تر از حریر این الطاف بواسطه قدر و منزلت آنها است در نزد خدا.

### امام رضا علیه السلام در نیشابور

۱۴- الأمالی للشیخ الطوسی أمالی الشیخ: ۲۴.

مجالس مفید: ابا صلت هروی گفت با حضرت رضا علیه السلام بودم وقتی داخل نیشابور شد سوار قاطر خاکستری رنگ بود علمای نیشابور باستقبالش خارج شده بودند همین که رسید بسر چهار راه دانشمندان لجام قاطرش را گرفته گفتند

ص: ۴۵۱

یا ابن رسول الله شما را بحق آباء طاهرینت سوگند می دهیم که ما را حدیثی از آباء گرام خود صلوات الله علیهم نقل فرما.

امام علیه السلام سر از هودج بیرون آورد و تن پوشی از خز داشت فرمود پدرم موسی بن جعفر از پدرش جعفر بن محمد از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن الحسین از پدرش حسین بن علی سرور جوانان بهشت از امیر المؤمنین از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود جبرئیل بمن خبر داد از روح الامین از خداوند پاک و بزرگ فرمود: من خداوند یکتایم که جز من خدائی نیست بندگانم مرا بپرستید! بدانید هر که بدیدن من آید با گواهی دادن بلا اله الا الله با اخلاص داخل دژ و حصار من شده و هر که داخل حصار من شود از عذابم در امان است عرضکردند اخلاص شهادت لا اله الا الله چیست؟ فرمود: اطاعت خدا و پیامبرش و ولایت اهل بیت او.

۱۵- وَ رَوَى الْبُرَيْدِيُّ فِي كِتَابِ مَشَارِقِ الْأَنْوَارِ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص أَخَذَ لَدَا بِيَدِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ع وَ هُوَ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا ابْنُ عَلِيٍّ فَأَعْرِفُوهُ فَوَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إِنَّهُ لَفِي الْجَنَّةِ وَ مُحِبُّوهُ فِي الْجَنَّةِ وَ مُحِبُّوهُ فِي الْجَنَّةِ .

مشارق الأنوار. برسی در کتاب مشارق الانوار از حذیفه بن

یمان نقل میکند که گفت دیدم پیامبر اکرم دست حسن بن علی علیهما السّلام را گرفته و می فرماید مردم! این پسر علی است او را بشناسید سوگند ب آن کس که جان من در دست اوست او و دوستانش در بهشت هستند و دوستان دوستانش در بهشت هستند.

### قبول توبه شیعیان تا دم مرگ

۱- کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لِعَلِيٍّ ع يَا عَلِيُّ إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا يَحْرِمَ شِيعَتَكَ التَّوْبَةَ حَتَّى تَبْلُغَ نَفْسُ أَحَدِهِمْ حَنْجَرَتَهُ فَأَجَابَنِي إِلَى ذَلِكَ وَ لَيْسَ ذَلِكَ لِغَيْرِهِمْ . کنز جامع الفوائد: ۳۰۴.

کنز الفوائد: از پیامبر اکرم نقل شده که بعلی علیه السّلام فرمود یا علی من از خداوند درخواست کردم که شیعیان ترا از توبه محروم نکند تا جانشان بگلو میرسد این درخواست مرا پذیرفت این امتیاز را بدیگری نداده اند.

### نهی بد گفتن به شیعیان

۱- کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره: ۳۰۴ و ۳۰۵.

ص: ۴۵۳

کنز الفوائد: یونس شحام گفت بحضرت موسی بن جعفر علیه السلام گفتم بعضی از دوستان شما گنه کارند شراب میخورند و گناهان زشتی مرتکب میشوند که ما از آن بیزاریم فرمود از کارش بیزار باشید ولی از خوبی او بیزار نباشید عملش را دشمن بدارید. گفتم میتوانیم باو بگوئیم فاسق فاجر؟

فرمود نه. فاسق فاجر کافر و منکر ولایت ما است خدا امتناع دارد از اینکه ولی ما فاسق و فاجر باشد گر چه آن کارها را انجام دهد ولی بگوئید فاسق العمل و فاجر العمل و فاجر العمل است اما مؤمن النفس و بدکار است پیکر و روان پاک دارد.

بخدا قسم نه، دوست ما خارج نمیشود از دنیا مگر اینکه خدا و پیامبر و ما از او راضی هستیم خداوند او را با همان گناهی که دارد با چهره ای درخشان محشور میکند عیب هایش پوشیده و دلش آسوده است ترس و اندوهی ندارد.

و این جریان چنین است که از دنیا خارج نمیشود مگر اینکه از آلودگی های گناه پاک می شود یا بمصیبتی در مال یا جان یا فرزند یا بیماری و کمترین کاری که خداوند نسبت

بدوست ما انجام می دهد خواب وحشتناکی می بیند و صبح میکند اندوهگین از این خواب همین کفاره گناهش می شود یا ترس و وحشتی که از طرف دولت باطل بر او وارد می شود و یا بر او سخت گرفته می شود هنگام مرگ بعد بملاقات خدا می رود پاک از گناه با دلی آسوده بواسطه محمد و امیر المؤمنین صلی الله علیهما و آلهما بعد در پیش روی خود با یکی از دو امر روبرو می شود. رحمت خدا که وسیع تر از تمام مردم جهان است یا شفاعت محمد و امیر المؤمنین علیهما السلام بعد مشمول رحمت وسیع خدا می شود که شایسته آن است و از مزایای آن بهره مند می شود.

### شیعیان در حکم شهید

۱- کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره رَوَى صَاحِبُ كِتَابِ الْبِشَارَاتِ مَرْفُوعاً إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ كَبِرَ سِنِّي وَ دَقَّ عَظْمِي وَ اقْتَرَبَ أَجَلِي وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ يُدْرِكَنِي قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ الْمَوْتُ قَالَ فَقَالَ لِي يَا بَا حَمَزَةَ أَوْ مَا تَرَى الشَّهِيدَ إِلَّا مَنْ قُتِلَ قُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ لِي يَا بَا حَمَزَةَ مَنْ آمَنَ بِنَا وَ صَدَّقَ حَدِيثَنَا وَ انْتَهَرَنَا كَانَ كَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ

ص: ۴۵۵

رَأَيْهِ الْقَائِمِ بَلِّ وَاللَّهِ تَحْتَ رَأْيِهِ رَسُولِ اللَّهِ ص . كنز جامع الفوائد:

۳۳۲ و ۳۳۳.

صاحب کتاب بشارات سند را به حسین بن حمزه میرساند از پدرش نقل میکند که گفت بحضرت صادق عرض کردم فدایت شوم سَنَم زیاد شده و استخوانم نازک شده و اجلم نزدیک است می ترسم پیش از شناختن امام از دنیا بروم فرمود ای ابا حمزه مگر عقیده ات این نیست که شهید کسی است که کشته شود. گفتم فدایت شوم همین طور است.

فرمود ابا حمزه! هر کس ایمان بما آورد و تصدیق کند حدیث ما را و انتظار ما را داشته باشد مثل کسی است که زیر پرچم قائم است بلکه زیر پرچم پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

محل این دو در بالا پیدا شود

برای این حدیث اولی دارد یا مصنف مختصر کرده یا از نسخه او ساقط شده است اول این است: قال: قلت لابی عبد الله عليه السلام: جعلت فداك أرايت الراد على هذا الامر فهو كالراد عليكم؟ فقال: يا با محمد من رد عليك هذا الامر فهو كالراد على رسول الله صَلَّى الله عليه وآله و على الله تبارك و تعالى، يا با محمد المیت منكم. و فيه: فقال: ای و الله و ان مات اه.

ص: ۴۵۶



## سرزنش دشمن ائمه عليهم السلام و اینکه او کافر

است و خونس حلال و ثواب لعنت بر دشمنان ائمه

عليهم السلام

۱- ثواب الاعمال: محمد بن مروان از حضرت صادق عليه السلام از آباء گرامش نقل کرد: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود هر کس ما اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی بر می انگیزاند عرض شد یا رسول الله گر چه گواهی بدو شهادت بدهد ( گواهی بلا اله الا الله و محمد رسول الله است).

فرمود آری چون او با اعتراف باین دو گواهی جان خود را حفظ کرده یا جلو پرداخت جزیه را با کمال خواری گرفت.

سپس فرمود هر کسی اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی بر می انگیزاند عرض شد یا رسول الله چگونه چنین چیزی ممکن است فرمود اگر او دجال را درک کند باو ایمان می آورد.

۲- امالی: از حضرت صادق عليه السلام شنیدم میفرمود اگر دشمن علی بیاید کنار نهر فرات در حالی که آب موج میزند و تمام اطراف رود را پر کرده و از آن یک کف بیاشامد و بگوید بسم الله. و پس از آشامیدن بگوید الحمد لله این

ص: ۴۵۷

آشامیدن او مردار یا خون ریخته شده و یا گوشت خوک است.

توضیح: منظور اینست با اینکه آب این قدر فراوان و زیاد است و احتمال اسراف و غصب و سختگیری در آن نیست وقتی از آن آب می آشامد با حفظ آداب مستحب این آب برای او حرام است چون کافر است زیرا نعمتهای دنیا برای مؤمنین حلال شده است نه بر کافران.

### دوست بدار دوست آل محمد را گر چه فاسق و

زناکار باشد

۳- امالی شیخ: یعقوب بن میثم تمار غلام زین العابدین علیه السلام گفت خدمت حضرت باقر علیه السلام رسیدم گفتم فدایت شوم یا ابن رسول الله من در نوشته های پدرم میثم دیدم نوشته است که علی علیه السلام پیدرم فرموده است: دوست بدار دوست آل محمد را گر چه فاسق و زناکار باشد و دشمن بدار دشمن آل محمد را گر چه روزه- گیر و شب زنده دار باشد من از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم میفرمود الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ در این موقع متوجه من شده فرمود بخدا قسم اینها تو و شیعیان تو هستید وعده گاه تو و آنها فردا در کنار حوض است در حالی که چهره ای درخشان و امتیاز دارند و بتاج کرامت

ص: ۴۵۸

امام باقر علیه السلام فرمود این مطلب عینا در نوشته های حضرت علی هست.

### **سعادت‌مند واقعی کسی است که ترا دوست بدارد**

۴- امالی شیخ: قاسم بن ولید از پیرمردی از ثماله نقل کرد که گفت پیش پیره زنی بس پیر از قبیله بنی تمیم رفتم که برای مردم صحبت میکرد گفتم مرا حدیثی از فضائل علی علیه السلام بفرما گفت برایت حدیث نقل کنم با بودن این پیرمرد که مشاهده میکنی؟! گفتم این پیرمرد کیست؟ گفت ابو الحمراء خادم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است جلو پیرمرد رفتم همین که احساس کرد من آمده ام از جای حرکت کرد و نشست. گفتم خدا ترا رحمت کند مرا حدیثی بگو از آنچه دیده ای پیامبر اکرم نسبت بعلی علیه السلام انجام میدهد و خداوند از آن بازخواست خواهد کرد گفت بسیار خوب پیش شخص واردی آمده ای. روز عرفه پیامبر اکرم خارج شد و پیش ما آمد در حالی که دست در دست علی داشت فرمود ای جمعیت! خداوند افتخار کرد بشما در این روز تا پیامرزد همه شما را بطور عموم در این موقع روی بعلی علیه السلام نموده فرمود: خداوند ترا آمرزید بطور خصوصی.

بعد فرمود یا علی نزدیک من بیا. علی علیه السلام نزدیک رفت فرمود سعادت مند واقعی کسی است که ترا دوست بدارد و از تو اطاعت کند و بدبخت واقعی کسی است که با تو دشمن باشد و کینه بورزد و دشمنی ترا شعار خود قرار دهد یا علی دروغ گفته کسی که خیال میکند مرا دوست میدارد در حالی که با تو دشمن است هر که با تو جنگ کند با من جنگ کرده و هر که با من جنگ کند با خدا جنگ کرده یا علی هر که با تو دشمنی بورزد با من دشمنی کرده و هر که با من دشمنی کند با خدا دشمن است نصیب و بهره او هلاک است و خداوند او را در آتش جهنم می افکند.

### **ای علی این شخص همان ریح غلام آل نجار است.**

شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا در میان جمعی از اصحاب نشستند بودند که ناگهان چهار نفر از سیاهان جنازه سیاه چهره ای را به دوش گرفته و در حالی که او را میان پارچه ای پیچیده بودند به طرف قبرش حمل می کردند. رسول خدا فرمود او را نزد من آورید. وقتی جنازه را آوردند در مقابل خود به زمین گذاشت و صورتش را باز کرد سپس به علی علیه السلام فرمود ای علی،

این شخص همان ریاح غلام آل نجار است. علی علیه السلام فرمود: به خدا قسم هرگاه مرا می دید تو اضع می کرد و خجالت می کشید و می گفت ای علی، تو را دوست دارم. بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد او را غسل دادند و در لباسی از لباس های خودش او را کفن کرد و به همراه مسلمانان تا کنار قبرش تشییع نمود و مردم زمزمه شدیدی را در آسمان می شنیدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آنه قد شیعه سبعون الف قبيله من الملائکه، کل قبيله سبعون الف ملک، والله ما نال ذلك الا- بمحبتک یا علی. هفتاد هزار گروه از فرشتگان او را مشایعت کردند که هر گروهی هفتاد هزار نفر بودند، و به خدا قسم جز به محبت و دوستی علی علیه السلام به این مرتبه نرسید. سپس رسول خدا با دست خود او را در میان قبر نهاد و بعد از آنکه از او برای مدتی روی خود را برگردانید خاک ها را روی آن ریخت. اصحاب فرمودند ای رسول خدا! دیدیم شما مدتی از او روی برگرداندی، سپس قبر را با خاک پوشاندی. علتش چه بود؟ یغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: این بنده فرمانبردار خدا تشنه از دنیا رفته بود. همسران بهشتی او یعنی حورالعین با شتاب برایش از بهشت آب آوردند و او چون

غیرتمند است دوست نداشتم با نگاه کردن به همسرانش او را محزون سازم، مدتی از او روی برگرداندم تا آب آشامید.

۵- امالی شیخ: محمد بن حنفیه از پدر خود نقل کرد که فرمود خداوند چیزی از سنگ بدتر نیافریده ناصبی از او هم بدتر است.

۶- مجالس مفید و امالی شیخ: ابی صیرفی گفت از حضرت باقر علیه السلام شنیدم می فرمود: خدا بیزار باشد از کسی که کناره گیری از ما میکند و لعنت کند کسی را که ما را لعنت میکند خدا هلاک کند شخصی را که با ما دشمن است خدایا تو میدانی ما واسطه هدایت آنهائیم ما را در راه تو دشمن میدارند پس خود به- تنهائی ایشان را عذاب فرما.

۷- تفسیر قمی: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد در مورد آیه وَ مِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَ رَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ فرمود کسانی که ایمان نمی آورند باو دشمنان آل محمدند و منظور از فساد در آیه مخالفت با خدا و پیامبر است.

۸- عیون اخبار الرضا: با سه سند از حضرت رضا علیه السلام از آباء گرامش نقل میکنند که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود بهشت حرام شده است بر کسی که اهل بیت مرا

ستم کند و بر کسی که با آنها جنگ نماید و بر کسی که بر ضرر آنها قدم بر- دارد و بر کسی که بآنها ناسزا گوید اینها را در آخرت بهره ای نیست و با آنها خدا سخن نمی گوید و نه بآنها توجه می نماید در روز قیامت و نه پاکشان میکند و دچار عذابی سخت میشوند.

۹- تفسیر منسوب بامام: حضرت صادق علیه السلام در آیه اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ فرمود یعنی ما را راهنمایی کن براه راست. یعنی براهی دار که ما را برساند بمحبت تو و مانع شود از پیروی هوای نفس که موجب نابودی ما است و با متکی شدن ب آراء خود هلاک میشویم.

سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود خوشا بحال کسانی که مطابق فرموده پیامبر اکرمند.

آن جناب فرمود بار این علم را بدوش می گیرند از هر جمعیتی بازماندگان پاک و عادلانی که مانع از تحریف و تغییر دادن سرکشان و ادعای یاوه سرایان و تاویل و توجیه نادانان میشوند.

مردی از حاضرین عرضکرد یا ابن رسول الله من عاجزم از اینکه با بدن خود شما را یاری کنم جز بیزاری از دشمنان شما و لعنت بر آنها کاری از دستم نمی آید حال من چگونه است؟

ص: ۴۶۳

حضرت صادق علیه السلام در جواب او فرمود پدرم از پدرش از جدش از پیامبر اکرم صلوات الله علیه نقل کرد که فرمود هر کس ناتوان باشد از یاری ما اهل بیت ولی در خلوت دشمنان ما را لعنت کند خداوند صدای او را بتمام ملائکه جهان از زمین تا عرش میرساند هر وقت او لعنت کند با او هم زبان میشوند و کسی را که او لعنت میکند آنها نیز لعنت میکنند بعد او را میستایند و میگویند خدایا درود فرست از جانب خود بر این شخصی که باندازه قدرت خود خدمت کرد اگر بیشتر میتوانست انجام میداد. ندائی از جانب پروردگار بر می آید که دعای شما را پذیرفتم و صدایتان را شنیدم درود بر روح او فرستادم در میان ارواح و او را در نزد خود از برگزیدگان نیک سیرت قرار دادم.

### من و خدا و تمام انبیاء آنها را لعنت کرده اند

۱۲- تفسیر فرات: حضرت صادق علیه السلام فرمود هر دشمن ما و ناصبی منسوب باین آیه است **وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ . عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ . تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً . تُشَقَّى مِنْ عَيْنِ آئِنِهِ .**

مجلسی میگوید: در فردوس ابن شیرویه نقل میکند از ابن عباس که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود چهار نفرند که من و خدا و تمام انبیای دارای مقام اجابت آنها را



لعنت کرده اند.

۱- کسی که در کتاب خدا بیفزاید ۲- تکذیب قدر خدا را نماید. ۳- کسی که خویشتن را با جبروت بزرگ شمارد تا خوار کند آن کسی را که خدا عزیز کرده و عزیز نماید کسی را که خدا ذلیل کرده ۴- و کسی که حلال شمارد در باره عترتم آنچه را خدا حرام نموده.

۱۳- ابن بطریق در عمده از تفسیر ثعلبی در باره آیه **عُلِّمْنَا مَنَاطِقَ الطَّيْرِ** نقل میکند که گفت چکاوک در صدای خود میگوید خدایا لعنت کن دشمن آل محمد صلی الله علیه و آله را.

### **دست را در دست من بگذار من و تو از یک درخت**

آفریده ایم

۱۴- و نیز در کتاب فضائل الصحابه سمعانی باسناد خود از جابر بن عبد الله انصاری نقل میکند که من و علی در خدمت پیامبر اکرم بودیم در عرفات. پیامبر اکرم اشاره بعلی علیه السلام نموده فرمود: دستت را در دست من بگذار من و تو از یک درخت آفریده شده ایم من اصل آن هستم و تو تنه آن و حسن و حسین شاخه های آن هستند هر کس چنگ یکی از شاخه های آن بزند داخل بهشت شده یا علی اگر امت من روزه

ص: ۴۶۵

بگیرند تا همچون کمان خمیده شوند و نماز بخوانند تا چون نخی باریک گردند ولی ترا دشمن بدارند خداوند آنها را برو در آتش میافکند.

۱۵- در کتاب فضائل الصحابه: از کتاب فردوس. از جابر بن عبد الله. گفت پیامبر اکرم فرمود سه چیز است که هر کس دارای یکی از آنها باشد نه از من محسوب می شود و نه من از او. هر که علی را دشمن بدارد و برای اهل بیت من علم مخالف بپا کند و ناصبی باشد. و هر که بگوید ایمان فقط اقرار با زبان است.

۱۶- ابن شاذان از موسی بن جعفر از آباء گرامش نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود وارد بهشت شدم دیدم بر در آن نوشته است.

لا اله الا الله محمد حبيب الله علي بن ابي طالب ولي الله فاطمه امه الله و الحسن و الحسين صفوه الله بر دشمنان ایشان لعنه الله.

### **ما را وادار بر فحش دادن بعلي عليه السلام کرد.**

۱۷- عبد الرحمن بن سائب از پدرش نقل کرد که زیاد ما را در میدان جلو قصر خود جمع کرد داخل قصر و میدان پر از جمعیت بود و ما را وادار بر فحش دادن بعلي عليه السلام و

ص: ۴۶۶

بیزاری از او کرد مردم گرفتار ناراحتی بزرگی شدند.

پدرم گفت من در همان حال مختصر چرتی زدم در خواب دیدم شخصی گردن دراز که مژه های چشمش دراز بود مویهایش ریخته بود و لبهای بزرگی داشت از آسمان بزمین سرازیر شد. من ترسیدم و گفتم تو کیستی. گفت من نقاد ذو الرقبه هستم خدا مرا فرستاده پیش صاحب این قصر. از خواب بیدار شدم و جریان را بدوستان گفتم. گفتند تو دیوانه شده ای. هنوز متفرق نشده بودیم که مأموری آمد و گفت بخانه های خود بروید که امیر گرفتار ناراحتی شده.

متوجه شدیم که گرفتار سگته گردیده عبد الرحمن این شعر را سرود:

ما کان منتهیا عما اراد بنا حتی تناوله النقاد ذو

الرقبه

فاسقط الشق منه بضربه ثبتت کما تناول منه صاحب الرقبه

از ما دست برداشت تا نقاد ذو الرقبه گریانش را گرفت با یک ضربت کارش را ساخت همان طوری که او امیر المؤمنین علیه السلام را بباد ناسزا گرفت.

**مگر نمیدانی خانه من خانه تو است**

۲۳- زید بن علی از پدر خود و از جدده خویش از امیر

ص: ۴۶۷

المؤمنین علیہ السّلام نقل کرد که گفت وارد خدمت پیامبر اکرم شدم در یکی از خانه هایش اجازه ورود خواستم اجازه داد همین که داخل شدم فرمود: مگر نمیدانی خانه من خانه تو است چرا اجازه میخواهی. گفتم یا رسول الله من مایلم این کار را بکنم. فرمود آنچه را خدا میخواهد تو خواستی و بآداب خداوند پرداختی مگر نمیدانی یا علی خداوند و خالق و رازق من امتناع ورزیده از اینکه من سرّ و رازی داشته باشم که تو مطلع نباشی یا علی وصی من هستی پس از من تو مظلوم و مغلوب هستی بعد از من، یا علی کسی که در راه تو ثابت قدم باشد با من خواهد بود و کسی که از تو جدا شود از من جدا شده یا علی دروغ گفته کسی که گمان کرده مرا دوست میدارد ولی با تو دشمن باشد چون خدا من و ترا از یک نور آفریده.

### **دشمن ما خانواده از بت پرست بدتر است.**

۳۰- ثواب الاعمال: ابو بصیر گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود شراب خوار مثل بت پرست و دشمن ما خانواده از او بدتر است. عرض کردم فدایت شوم چه کس از بت پرست بدتر است؟ فرمود شراب خوار را ممکن است روزی شفاعت فرا- گیرد اما دشمن ما خانواده را اگر تمام اهل

آسمانها و زمین شفاعت کنند شفاعت آنها پذیرفته نمیشود.

۳۱- ثواب الاعمال: حمران از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود اگر تمام ملائکه ای که خدا آفریده و همه انبیای فرستاده شده و هر صدیق و همه شهیدان شفاعت کنند در باره ناصبی و دشمن ما اهل بیت که از آتش جهنم خارج شود خداوند هرگز او را خارج نخواهد کرد خداوند در قرآن میفرماید مَا كُنْتُمْ فِيهِ أَبْدًا در آنجا خواهند بود همیشه.

توضیح: این آیه در مورد اهل بهشت است ولی ممکن است استدلال بواسطه مفهوم آیه باشد که دلالت میکند غیر مؤمن صالح در بهشت نخواهد بود چه رسد به کسی که ایمان ندارد شاید بر راوی اشتباه شده زیرا آیه وَ نَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ فِيهِ أَشْتَبَاهُ در لفظ مکث شده.

### خداوند مرجئه را کور محشور مینماید

۳۲- ثواب الاعمال: علی بن سلیمان سند را بامیر المؤمنین علیه السّلام میرساند که فرمود خداوند مرجئه را کور محشور مینماید و امام آنها نیز کور است بعضی از مردم که آنها را می بینند میگویند ما امت محمد را جز کور ندیدیم بآنها میگویند اینها امت محمد نیستند اینها تغییر دادند. خداوند هم آنها را تغییر داد.

چون موجب تغییر شدند خدا هم وضع آنها را دگرگون

کرد.

۳۳- ثواب الاعمال: ابو سعید گفت حضرت ابو الحسن علیه السّلام فرمود خداوند در موقع هر نماز که مردم میخوانند آنها را لعنت میکند عرض کردم فدایت شوم چرا فرمود بواسطه انکار کردن حق ما و تکذیب نمودن ما.

۳۴- ثواب الاعمال: حنان بن سدیر گفت حضرت باقر علیه السّلام فرمود دشمن علی از دنیا خارج نخواهد شد مگر اینکه جرعه ای از حمیم جهنم می آشامد فرمود برای کسی که مخالف امامت باشد مساویست چه نماز بخواند و چه زنا کند.

۳۵- در حدیث دیگر حضرت صادق علیه السّلام میفرماید دشمن و ناصب اهل - بیت فرقی ندارد روزه بدارد یا نماز بخواند زنا کند یا دزدی نماید او در آتش است او در آتش است.

۳۶- ثواب الاعمال: ابو سعید مکاری از مردی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که حضرت علی علیه السّلام فرمود دشمن ما بر کنار گودالی از آتش است او را سراشیب آتش جهنم نموده مرگ بر اهل جهنم باد در جایگاهشان.

خداوند میفرماید فَلَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ هیچ کس تقصیر از

ص: ۴۷۰

حب و دوستی ما ندارد بواسطه چیزی که خدا در او قرار داده (که چون شخص خوبی است در محبت ما تقصیر کند).

۳۷- ثواب الاعمال: علی صائغ گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود مؤمن شفاعت میکند دوستش را مگر اینکه ناصبی باشد اگر در باره ناصبی تمام پیمبران مرسل و تمام ملائکه شفاعت کنند شفاعت آنها پذیرفته نمیشود.

۳۸- ثواب الاعمال: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که نوح در کشتی سگ و خوک قرار داد ولی ولد زنا را راه نداد و ناصبی از او بدتر است.

۳۹- ثواب الاعمال: عبد الحمید گفت بحضرت باقر علیه السلام عرض کردم همسایه ای دارم که تمام کارهای زشت را انجام میدهد تا جایی که نماز نمیخواند تا چه رسد بدیگر اعمال فرمود سبحان الله چه کار بزرگی. فرمود بتو اطلاع ندهم از کسی که بدتر از اوست گفتم چرا فرمود ناصبی و دشمن ما بدتر از اوست.

۴۰- محاسن: محمد بن علی یا دیگری میگوید بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم آیا حذیفه بن یمان منافقین را می شناخت مردی گفت او دوازده نفر را می شناخت و شما دوازده هزار نفر را میشناسی خداوند تبارک و تعالی میفرماید:

لَتَعْرِفَهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ مِیدانی بد زبانی چیست.

عرضکردم نه بخدا فرمود بغض علی بن ابی طالب پروردگار کعبه قسم.

توضیح: یعنی کفر و نفاق آنها از آنچه خارج می شود از دهنشان راجع

به بغض و دشمنی با علی علیه السّلام معلوم می شود.

و در مجمع از خدري روایت کرده که گفت (لحن القول) دشمنی با علی بن ابی طالب علیه السّلام است گفت ما منافقین را در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم میشناختیم با همین کینه و دشمنی که با علی بن ابی طالب علیه السّلام است. گفت ما منافقین را در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله میشناختیم با همین کینه و دشمنی که با علی بن ابی طالب علیه السّلام داشتند.

شبهه همین روایت از جابر نیز نقل شده و انس گفت هیچ منافقی بعد از نزول این آیه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله پنهان نبود.

۴۱- محاسن: ابو بصیر گفتم آیا بنظر شما کسی که رد کند این امر را مثل کسی است که شما را رد کرده باشد فرمود ای ابا محمّد هر کس بر تو این امر را (منظور اعتقاد بامامت است) رد کند او مانند کسی است که بر پیامبر اکرم رد کرده.

۴۲- محاسن: ابو بصیر گفت بحضرت صادق علیه السّلام



عرض کردم آیا کسی که با علی آغاز جنگ کند مثل کسی است که با پیامبر جنگ نموده فرمود آری بخدا کسی که با تو ستیز کند این کار او بواسطه اعتقاد تو است او نیز مثل کسی است که جنگ با پیامبر اکرم کرده.

۴۳- محاسن: جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده است کسانی که ترک ولایت علی را کنند و منکر فضل او باشند و کسانی که دشمنان او را کمک کنند از اسلام خارجند هر کدام بر همین عقیده از دنیا روند.

۴۴- مناقب: از حضرت باقر علیه السلام راجع باین آیه سؤال کردند وَ قَفُوهُمْ إِِنَّهُمْ مَسْئُؤُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ (در متن حدیث خود آیه نقل نشده بلکه نقل بمعنی شده است).

فرمود آنها را نگه میدارند و سؤال میکنند چطور شد حالا در آخرت با یکدیگر همدستان و همکار نمیشوید در راه مخالفت با علی چنانچه در دنیا این کار را میکردید خداوند میفرماید: بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسِيمُونَ . وَ أَقْبَلْ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ تَا (مجرمین) امروز دیگر تسلیم هستند بعضی بعض دیگر را سرزنش میکنند.

۴۵- تفسیر عیاشی: طیالسی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که سؤال کردم از این آیه **وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ** فرمود آیا دیده ای کسی خدا را فحش دهد عرض کردم فدایت شوم پس چگونه است؟

فرمود هر کس ولی خدا را فحش دهد خدا را ناسزا گفته.

(مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بخش امامت).

### اعتقادات صدوق:

اعتقاد ما در باره ظالمین این است که آن ها مورد لعنت خدایند و بیزاری از آن ها واجب است خداوند میفرماید: **وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ . الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ .**

ابن عباس در تفسیر این آیه میگوید: سبیل الله در این آیه علی بن ابی - طالب است.

امام در قرآن دو نوع است

۱- امام هدایت کننده

ص: ۴۷۴

۲- امام گمراه کننده. خداوند در قرآن میفرماید وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا السَّجْدَةَ: ۲۴. و در مورد امامان گمراه کننده میفرماید وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ . القصص: ۴۱ و ۴۲.

وَ اتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ .

چون این آیه نازل شد: وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً الْأَنْفَالَ: ۲۵. پیامبر اکرم فرمود: هر کس علی علیه السلام را مورد ستم قرار دهد که جانشین من بعد از مرگم هست مثل کسی است که منکر پیامبری من و پیامبران قبل از من است هر که دوست بدارد ظالمی را او خود ظالم است خداوند میفرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ التوبة: ۲۳.

و در این آیه می فرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الممتحنه: ۱۳.

و در این آیه می فرماید لا- تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ المجادله: ۲۳.

و در این آیه میفرماید وَ لَا تَزْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ. هود: ۱۱۳.

ظلم عبارت است از قرار دادن چیزی در غیر محل خودش. پس کسی که ادعای امامت کند با اینکه امام نباشد او ظالم و ملعون است و هر که امامت را نسبت دهد بکسی که شایسته آن نیست او نیز ظالم و ملعون است. پیامبر اکرم فرمود: هر کس منکر امامت علی بعد از من بشود منکر نبوت من شده و هر که نبوت مرا منکر شود منکر خدا شده است.

پیامبر اکرم بعلی علیه السلام فرمود: یا علی تو پس از من مظلوم خواهی بود هر که بتو ستم روا دارد بمن ستم روا داشته و هر که حق ترا مراعات کند حق مرا مراعات نموده و هر که منکر تو شود منکر من شده هر کس ترا دوست داشته باشد مرا دوست داشته و کسی که دشمن تو باشد دشمن من شده و هر که پیرو تو باشد پیروی از من نموده و کسی که با تو مخالفت کند با من مخالفت نموده.

اعتقاد ما اینست که منکر امامت علی بن ابی طالب و امامان پس از او مانند کسی است که منکر نبوت انبیاء باشد.

و اعتقاد ما در باره کسی که اقرار بامیر المؤمنین داشته باشد ولی منکر یکی از ائمه پس از او باشد مانند کسی است

که ایمان بتمام انبیاء داشته باشد ولی منکر نبوت پیامبر ما باشد. حضرت صادق علیه السلام فرمود: کسی که آخرین نفر ما را منکر شود مثل کسی است که منکر اولی ما باشد.

وَقَالَ النَّبِيُّ ص الْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ طَاعَتُهُمْ طَاعَتِي وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي.

وَقَالَ الصَّادِقُ ع مَنْ شَكَّ فِي كُفْرِ أَعْدَائِنَا وَ الظَّالِمِينَ لَنَا فَهُوَ كَافِرٌ. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ائمه علیهم السلام بعد از من دوازده نفرند که اولی آنها امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و آخری آنها قائم است اطاعت از آن ها اطاعت از من و مخالفت با آنها مخالفت با من است و هر کس منکر یکی از آنها باشد منکر من شده.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس شک در کفر دشمنان و ظالمین ما داشته باشد او کافر است.

امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: من پیوسته از زمان تولد مظلوم بوده ام بطوری که گاهی عقیل بدرد چشم مبتلا میشد میگفت من نمیگذارم دوا بچشم من بکنید مگر اینکه اول بچشم علی بنمائید با اینکه من مبتلا به درد چشم نبودم.

وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع مَا زِلْتُ مَظْلُومًا مُنْذُ وَلَمَدْتَنِي أُمِّي حَتَّىٰ إِنَّ عَقِيلًا كَانَ يُصِيبُهُ رَمِدٌ فَقَالَ لَا تَذُرُونِي حَتَّىٰ تَذُرُوا عَلِيًّا فَيَذُرُونِي وَ مَا بِي رَمِدٌ .

وَاعْتِقَادُنَا فِيمَنْ قَاتَلَ عَلِيًّا ع كَقَوْلِ النَّبِيِّ ص مَنْ قَاتَلَ عَلِيًّا فَقَدْ قَاتَلَنِي وَ قَوْلِهِ مَنْ حَارَبَ عَلِيًّا فَقَدْ حَارَبَنِي وَ مَنْ حَارَبَنِي فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ .

وَ قَوْلِهِ ص لِعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ سَلَمٌ لِمَنْ سَأَلَهُمْ .

وَ أَمَّا فَاطِمَةُ ص لَمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَاعْتِقَادُنَا أَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَ الْأَخِيرِينَ وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَغْضَبُ لِعُصْبِهَا وَ يَرْضَىٰ لِرِضَاهَا وَ أَنَّهَا خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا سَاخِطَةً عَلَىٰ ظَالِمِهَا وَ غَاصِبِهَا وَ مَانِعِي إِرْثِهَا .

وَ قَالَ النَّبِيُّ ص فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ غَاطَهَا فَقَدْ غَاطَنِي وَ مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّرَنِي امير المؤمنين علي بن ابی طالب عليه السلام فرمود: من پیوسته از زمان تولد مظلوم بوده ام بطوری که گاهی عقیل بدرد چشم مبتلا میشد میگفت من نمیگذارم دوا بچشم من بکنید مگر اینکه اول بچشم علی بنمائید با اینکه من مبتلا به درد چشم نبودم.

اعتقاد ما در باره کسی که با علی علیه السلام جنگ کند

مانند فرمایش پیامبر است که فرموده هر که با علی جنگ کند مثل کسی است که با من جنگ کند و فرمایش دیگر پیامبر: که هر کس با علی جنگ کند با من جنگ کرده و با خدا جنگ نموده.

و فرمایش دیگر پیامبر بعلی علیه السّلام و فاطمه و حسن و حسین که من جنگ دارم با کسی که با آنها جنگ کند و در حال صلح هستم با کسی که با آن ها مسالمت نماید.

اما در باره حضرت فاطمه علیها السلام معتقد هستیم که بهترین زنان جهان است از گذشتگان و آیندگان خداوند بواسطه خشم او خشمگین می شود و با خشنودی او خشنود میگردد فاطمه علیها السلام از دنیا رفت در حالی که خشم داشت بر ستمگران خود و غاصبین حقش و کسانی که مانع ارث او شدند.

و قَالَ ص فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي يَسُوفُنِي مَا سَاءَهَا وَ يَسِيرُنِي مَا سَرَّهَا وَ اعْتَقَادُنَا فِي الْبِرَاءَةِ أَنَّهَا وَاجِبَةٌ مِنَ الْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ وَ الْإِنَائِثِ الْأَرْبَعِ وَ مِنْ جَمِيعِ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ أَنَّهُمْ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا يَتِيمُ الْإِقْرَارُ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِالْأَيْمَةِ عِلاَّ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ. اعتقادات الصدوق:

۱۱۴-۱۱۱.

ص: ۴۷۹

پیامبر اکرم فرموده: فاطمه پاره تن من است هر که او را بیازارد مرا آزرده و هر که او را بخشم آورد مرا خشمگین نموده و هر که او را مسرور نماید مرا مسرور کرده.

و فرموده: فاطمه پاره تن من و او روح من است که در کالبد من است مرا ناراحت میکند هر چه او را ناراحت کند و مرا مسرور می نماید هر چه او را مسرور کند.

اعتقاد ما در مورد بیزاری از دشمنان آنها اینست که برائت واجب است از آن چهار بت و چهار زن و از تمام پیروان و یاران آنها و اعتقاد داریم که آنها بدترین خلق خدایند. اقرار بخدا و پیامبر و ائمه تکمیل نمیشود مگر با بیزاری از دشمنان آنها.

ص: ۴۸۰



نام: محمد نام خانوادگی: امینی گلستانی ش ش ۱۵ فرزند:

حاج سردار مرحوم کشور: ایران، استان: اردبیل روستای گلستان.

تخصیص: فلسفه و فقه و اصول، تفسیر، تبلیغ. تألیفات (۳۳). تحصیلات (خارج فقه و اصول و فلسفه). استادان معروف از مراجع و غیرهم (۲۱ نفر).

در سال ۱۳۲۹ شمسی از زادگاهم قریه گلستان در ۳۰ کیلومتری اردبیل نزدیک شهرستان (نیر) به مدرسه علمیه ملا ابراهیم اردبیل وارد و پس از گذراندن دوره مقدماتی صرف و نحو و منطق از استاد سید مسلم خلخالی و شیخ سعید اصغری و غیرهما.

در سال ۱۳۳۱ به حوزه علمیه قم وارد شده و نزد اساتید آنجا (آقایان شیخ عبدالکریم ملانی و سید جواد خطیبی و میرزا احمد پایانی و مسلم ملکوتی و میرزا محسن دوزدوزانی و غیرهم) استفاده نموده است، و در نیمه دوم سال ۱۳۳۴ به نجف اشرف وارد شده و از اساتید آنجا (آیات عظام سید ابوالقاسم خویی و سید محسن حکیم و مراجع دیگر و شیخ مجتبی لنگرانی و عارف بزرگ شیخ محمدعلی سرابی و آقای

تسوجی وسید اسدالله مدنی آذرشهری و غیرهم دروس فقه و اصول و فلسفه و تفسیر و غیره)، استفاده نموده ام. و در تاریخ ۱۳۴۰ از نجف اشرف مراجعت نموده و در شهر توریستی سرعین اردبیل با صبیبه آیت الله حاج شیخ علی عرفانی از شاگردان علامه محمدحسین نائینی و هم دوره آیات عظام سید ابوالقاسم خوئی و سید محسن حکیم ازدواج کرده و به مدت یازده سال در آن شهر که آن وقت یک روستای کوچک بیش نبود اقامت نموده ام. در طول این مدت مشغول کارهای تبلیغی و علمی و فرهنگی شده و بناهای مفید و مجلل از خود به یادگار گذاشته ام.

مانند.

۱- مسجد مجلل و بزرگ حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مساحت ۸۰۰ متر به اضافه کتابخانه و شبستان زنانه و سایر متعلقات و فضای باز مسجد ۱۴۰۰ متر.

۲- احداث چشمه های آب شرب چندین روستای اطراف سرعین.

۴- تأسیس صندوق های خیریه بنام حضرت باب الحوائج ابوالفضل (علیه السلام) که اول از ۱۷ صندوق شروع و

ص: ۴۸۲

فعالاً بیشتر مناطق استان اردبیل را فرا گرفته است.

۵- اگر عمری باقی باشد در فضای حیاط آن حوزه علمیه خواهران، تأسیس نمایم انشاءالله.

در سال ۱۳۵۱ شمسی از سرعین به اردبیل مهاجرت نموده و مقیم گشته و در خلال مدت ۱۴ سال اقامت در اردبیل به کارهای روحانیت و تبلیغاتی اسلامی و ۱۱ سال سرپرستی حجاج بیت الله الحرام را ادامه داده ام.

در سال ۱۳۵۷ شمسی از اردبیل به تهران مهاجرت کرده و در بجنوبه انقلاب اسلامی در نازی آباد ساکن شده و پس از پیروزی انقلاب .

در سال ۱۳۵۹ به اردبیل برگشته مشغول کارهای روحانیت خود شده و به تدریس و تفسیر قرآن مجید اشتغال داشته ام. تا اینکه در سال ۱۳۶۵ دوباره به تهران برگشته و در خانه خیابان دانشگاه جنگ ساکن گشته و مشغول تبلیغ و تفسیر و کارهای مربوط به روحانیت شده ام. تا این که در سال ۱۳۷۵ از تهران به قم هجرت نموده و در خانه پشت صدا و سیما ساکن شدم.

در سال ۱۳۷۵ شمسی در اردبیل زلزله ویرانگر به وقوع پیوست که در اثر آن تعداد یک صد و یازده روستا را از ۲۵

ص: ۴۸۳

درصد تا صد در صد ویران و گروه زیادی را به کام مرگ فرستاد.

در سال ۱۳۸۱ بنا به دعوت بزرگان سرعین جهت تبلیغ ماه مبارک رمضان، دوباره به آنجا رفته و با دیدن وضع مسجد امام زمان (علیه السلام) که در اثر زلزله مقاومت خود را از دست داده بود بازسازی و تقویت و توسعه داده و تعداد چهار باب مغازه برای هزینه مسجد، و ایجاد گنبد و مناره ها و کاشیکاریهای آنرا انجام دادم.

در این سفر باز در سرعین و اطراف، به کارهای امور خیر شروع و ادامه دادم از جمله.

۱- مسجد مجلل باب الحوائج حضرت ابوالفضل علیه السلام به مساحت ۱۵۰۰ متر با متعلقات آن که در سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۹۲ ادامه پیدا کرد، و الان مورد استفاده مردم محل و دهها هزار مسافر شهر توریستی می باشد و در نظر است که اگر عمری باقی باشد، تأسیس حوزه علمیه برادران و درمانگاه عمومی و ۱۵ باب مغازه برای هزینه های مسجد را شروع نمایم انشاءالله.

۲- در زادگاهم روستای گلستان، که در اثر زلزله دو مسجد آنجا خراب شده بود، مسجد امیرالمومنین (علیه السلام) را بنا و

تأسیس نموده و به پایان رساندم.

۳- در سال ۱۳۸۲ مسجد مجلی در روستای (جن قشلاقی) از دهستان های یورتچی احداث و در سال ۱۳۸۴ تقریباً به اتمام رسید و مورد استفاده قرار گرفت.

۴- احداث غسل خانه های متعدد در روستاهای اطراف سرعین.

۵- با حصارکشی قبرستان سرعین که در وسط شهر، زیر پای حیوانات و مورد تجاوز ساکنین دور و بر قبرستان بود، محافظت نمودم.

در دوران سکونت جدید قم مشغول تألیفات متعدد گشته ام، که تعدادی از آنها را از نظر خوانندگان عزیز می گذرانم.

### تالیفات چاپ شده از مؤلف

۱- سرچشمه حیات -وزیری یک جلد ۴۰۲ صفحه.

در این کتاب مطالب ارزنده علمی و دینی و فلسفی و طبی، درباره آب و آفرینش مخلوقات از آن از نظر قرآن و روایات و کلمات بزرگان فن که مورد استقبال دانشمندان و

ص: ۴۸۵

محققان داخل و خارج کشور قرار گرفت که در مدت کوتاه ۴ مرتبه چاپ شد و فعلاً کمیاب می باشد.

۲- سیمای جهان در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دو جلد ضخیم وزیری ۱۲۸۳ صفحه در باره کیفیت کشورداری و مدیریت آن حضرت کشوری به وسعت کره زمین را از نظر فرهنگی و قضائی اقتصادی و نظامی و اجتماعی و هزاران مطالب نو و متنوع در این مورد که امتیازش را به انتشارات مسجد مقدس جمکران، واگذار و آن را چاپ و نشر می کند.

### **خواب سیده سکینه خانم طباطبائی**

در ۲۹ ماه صفر سال ۱۳۸۶ در روز آخر مجالس روضه دخترم امینه خانم در شهر قدس من صحبت کردم و برای خانمها مسائل گفته و موعظه کرده و در نهایت چون روز شهادت امام رضا علیه السلام بود، به امام رضا علیه السلام توسل نمودم ، چند روز بعد دخترم امینه گفت: بابا یک نفر سیده خانم هست به نام سکینه طباطبائی که آن روز در مجلس روضه حضور داشت باگریه شدید گفت : از مجلس شما که رفتم شب خوابیدم در خواب دیدم در مجلس روضه شما هستم ، ناگهان

ص: ۴۸۶

یک نفر سید نورانی که من تا آن روز شخصیت چنانی با آن نورانیت ندیده بودم وارد شد و مستقیماً رفت پیش حاجی آقا (یعنی من) روبرو نشست و حاجی آقا در دستش دو جلد کتاب بود و با زبان عربی باهم صحبت زیاد نمودند و من هم پشت سر آن آقا نشسته گریه می کردم و به من متوجه شده و فرمود: زیاد گریه نکن چشمهایت خراب می شود تو که هر هفته نزد من هستی، دوباره با حاجی آقا به صحبت ادامه دادند و می دانستم راجع به آن کتاب صحبت می کردند، حاجی آقا آن دو جلد کتاب را به آن آقا تحویل داد و ایشان هم تحویل گرفتند و چون آش شما را من تقسیم می کردم آن آقا به من فرمود: به هر کس که از آش می دهید هم نامش را بنویسید و هم آن را مهر نموده به من دهید و ما هم به این دستور عمل کردیم و تمامی آنها را لای کتاب حاجی آقا گذاشت و با خود برد، در این حال من به صدای گریه خودم از خواب بیدار شدم.

البته آن دو جلد کتاب (سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام) است که در باره حالات و نحوه مدیریت و حکومت آن حضرت بعد از ظهور نوشته ام که انشاء الله مورد قبول آن آخرین امید شیعیان، قرار گرفته است و امتیاز آن را مسجد

مقدس جمکران قم از من گرفت و خودشان چاپ کردند که خدا را شکر مورد قبول اقشار مختلف جامعه قرار گرفته است که در مدت یک سال دوبار با تیراژ بالا ۱۶ هزار جلد چاپ شده است والحمدلله.

۳- از مباحثه تا عاشورا - در یک جلد وزیری ۶۸۴ صفحه در باره مباحثه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با نصارای نجران و سرانجام تسلیم آنها و مقایسه آن جریان با سرگذشت پنج تن آل عبا علیهم السلام و عدم تسلیم مسلمانان نماهای دشت کربلا به امام حسین علیه السلام فرزند آن حضرت و شهید کردن آن امام را با مظلومیت تمام. این کتاب حاوی مطالب جالب و مفید فراوان می باشد.

۴- والدین دو فرشته جهان آفرینش - در یک جلد وزیری در ۳۲۰ صفحه در باره حقوق متقابل والدین و اولاد در برابر هم از نظر آیات و اخبار و گفتار بزرگان و مطالب فراوان در این مورد.

۵- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی - وزیری ۲۷۶ صفحه. کتابیست تحقیقی و تحلیلی درباره ازدواج جوانان عزیز و راهنمایی آنها در انتخاب همسر و کیفیت زندگی مادام

ص: ۴۸۸



العمر، از منظر آیات و اخبار و... که در واقع مکمل کتاب والدین دو فرشته جهان آفرینش می باشد.

۶- کتاب مهم اسلام فراتر از زمان - درباره پاسخ به کسانی است که ایراد نموده و اشکال می گیرند، دین اسلام چگونه می تواند تا دامنه قیامت، دنیای رو به ترقی روزانه را اداره نماید و اساساً رهبران این دین چه جایگاهی از علم و دانش داشتند که مدیریت جهان را تا آخر دنیا به دست گیرند.

در این کتاب قسمت مهمی از پیشگوئیهای بزرگان اسلام آورده شده است (مانند فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام به کمیل: یا کمیل بن زیاد هاهنا موضع قبرک ثم أشار بیده المبارکه یمیناً و شمالاً و قال ستبني من هاهنا و هاهنا دور و قصور ما من بيت في ذلك الزمان الا و فيه شيطاناً أریل).

کلمه اریل لغت انگلیسی است که به گیرنده و آنتن اریال گویند، حضرت ۱۴۰۰ سال پیش نه انگلیسی بود و نه از صنعت آنتن اثری این بیان را داشتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سیأتی: زمان علی اُمّتی یُخرّبون قباب الأئمّه بالبنادیقه زودی می آید زمانی بر امت من، قبه (و گنبد)های قبرهای امامان را با بندق ها (یعنی با نارنجک یا بمب) ویران سازند!!

دقت بفرمائید این کلام در زمانی گفته شده است که نه امامی

شهید شده و نه در جائی مدفون شده بود و نه از گنبد حرما و اختراع بمب خبری بود که پس از قرن‌ها در سامرا و قبلاً نیز در بقیع اتفاق افتاد یا روایت در مورد ازدواج همجنسها يتزوج الرجال بالرجال و يتزوج النساء بالنساء، و روایت لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال درباره تغییر جنسیت دهندگان و صدها امثال این روایتها، در ۶۸۸ صفحه وزیری. پیشگوئی‌های آیات و روایات، از بزرگان دین در باره پیشرفت علوم آیندگان و اوضاع حیرت‌انگیز جهان، این کتاب در نوع خود منحصر به فرد و حاوی مطالب نوآوری زیاد می‌باشد.

۷- آغلار ساولان - سبلان گریان یا سبلان می‌گرید: رقعی ۵۰ صفحه. با زبان آذری در باره زلزله سال ۱۳۷۵ استان اردبیل و تخریب ۱۱۱ بخش و روستا از ۲۵ در صد تا صد در صد که یکی از آنها روستای گلستان زادگاه مؤلف و کشته شدن و زیر آوار ماندن ۷۷ نفر از نزدیکان نسبی و سببی ام و بیان نام تک تک آنها.

۸- ۱۱۱ پرسش و پاسخ در بار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - رقعی در ۲۹۵ صفحه سوال و جواب‌های متنوع در طول سال‌های تبلیغی مؤلف در شهر توریستی و بیلاقی

سرعین اردبیل و بیان مطالب نو .

۹- فلسفه قیام و عدم قیام امامان - در ۱۹۸ صفحه جیبی در باره این که چرا بعضی از آن بزرگواران قیام و اکثرشان قعود نمودند و اساساً قیامی از آنها وجود داشت یا برایشان تحمیل نمودند و مطالب متنوع و مفید دیگر.

۱۰- گلستان سخنوران شامل ۱۱۰ مجلس سخنرانی مذهبی در دو جلد وزیری ۱۴۸۰ صفحه چکیده ای از تبلیغات متنوع مؤلف.

۱۱- جلد اول «ولایت شرط قبولی اعمال» در ۳۲۰ صفحه در باره ولایت امیر مؤمنان و ساید ائمه علیهم السلام بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله.

۱۲- شرح دعا‌های روزانه ماه مبارک رمضان در ۳۲۸ صفحه که طی مصاحبه نشریه حوزه علمیه قم با اینجانب ضبط و هر روز در انترنت پخش گردید.

۱۳- جلد دوم «ولایت شرط قبولی اعمال» در ۵۱۰ صفحه زیر چاپ.

۱۴- کتاب «اسلام دین صلح و گفتگو با ادیان» در ۲ جلد (همین کتاب) که برای چاپ آماده می شود.

**کتاب های آماده چاپ و در دست تألیف**

ص: ۴۹۱

۱- آیا و چرا - درباره زیر سؤال بردن برادران اهل سنت و علمای آنان و آوردن دلایل فراوان از کتاب های معتبر خود آنان در باره امیرمؤمنان و فاطمه زهراء علیهماالسلام و به زیر سؤال بردن آنها در عمل نکردن به این دلایلها و اسناد خودشان.

۲- ۶۰۰ مجلس سخنرانی مذهبی از منبرهای ۵۵ ساله مؤلف و بیان مطالب متنوع دینی و اسناد و روایات فراوان در هر مقوله، که سخنرانان مذهبی و منبری های محترم را از مراجعه به کتاب های متفرقه و جمع آوری مطالب برای بیان در سخنرانی هایشان. بی نیاز می سازد در ۱۲ جلد و در دست تنظیم و آماده سازیست و بخواست خدا، بتدریج به چاپ خواهد رسید.

۳- رحمت واسعه - در باره رحمت عالمگیر و فراگیر خدای متعال و آوردن آیات و روایات متنوع و جریان های توبه کنندگان و شمول غفران الهی در باره آنها. این کتاب امید دهنده گناهکاران و دور ساختن آنان از یأس و نومیدی و جذب دور شدگان از خدا را به سوی پروردگار بخشنده و مهربان.

۴- شب - کتابیست در باره برکات و فضایل و امتیازات شب و اینکه شب مردان خدا روز جهان افروز است و شب خود مورد توجه بزرگان عالم و خلوتگه راز و نیاز آنان با معبودشان و مطالب فراوان در این موارد.

۵- عتبات قرآن - در باره این که چرا خداوند متعال بعضی از انبیاء علیهم السلام را، مورد عتاب قرار داده و آیا این عتاب ها با عصمت آنها منافات دارد؟ مانند (عفا الله عنک لم اذنت لهم) یا مسئله چیز دیگر است.

۶- خاطرات زندگی یا سرگذشت تلخ و شیرین من - این نوشته حاوی شرح حال دوران زندگی از بدو تولد تا امروز ۱۳۹۳/۶/۳۰ که به ۴۰۰ صفحه رسیده است و هنوز هم خلاصه و امهات اوضاع و زوایای زندگی ام را می نویسم.

۷- دعای عرشیان بفرشیان - درباره استغفار فرشتگان و حاملان عرش خدا برای بنی آدم به استناد آیه ۷ سوره غافر و سایر آیات، نزدیک به اتمام .

۸- نشانه هائی از او - کتابیست در باره آیات بیان کننده نشانه های خدا شناسی و روایات پیرامون آن.

۹- مرزهای زندگی - از دید آیات و روایات و سیره پیشوایان.

۱۰- مرزخوراکی ها و نوشیدنی ها -از منظر آیات و احادیث و پزشکی.

۱۱- نوادر -روایات و سرگذشت ها و نوادر جریان های گوناگون به صورت کَشکول در ۷ جلد.

۱۲ - شیطان: علت وجودی او و پرسش و پاسخهایی درباره وی.

۱۳ -مادران ۱۴ معصوم علیهم السلام، هنگام ازدواج هیچکدام بیوه نبودند.

۱۴ -یاد داشتهای انترنتی ام در سایت «امینی گلستانی» در دو جلد که وسیله (مؤسسه مرکز تحقیقات علوم اسلامی «نور» حوزه علمیه قم) پخش می شود و هنوز هم ادامه دارد ۱۵ - متفرقات مطالب گلچینی شده از کتاب های فراوان گوناگون.

و چندین کتاب دیگر ناتمام و در دست تألیف و مقاله های زیاد.

ص: ۴۹۴

## منابع كتاب

۱-قرآن كريم.

۲-نهج البلاغه.

الف:

۳-«آنگاه هدايت شدم» تأليف دكتور سيد محمد تيجانى سماوى ص ۲.

۴-آثار الصادقين

۵-آل محمد العلامه المردى الحنفى

۶-أعلام الدين: حسن بن ابى الحسن ديلمى، يك جلد،

۷-احقاق الحق قاضى نور الله شوشترى

ص: ۴۹۵

۸- اخبار اصبهان:

۹- اسباب النزول ابو الحسن واحدى نيشابورى .

۱۰- اسدالغابه: لابن أثير جزرى

۱۱- أرجح المطالب الأمر تسرى

۱۲- التمهيد:

۱۳- الخصائص)

۱۴- ايضاح دفتان النواصب :

۱۵- ارشاد مفيد:

۱۶- ارشاد سارى

۱۷- اسنى المطالب جزرى

۱۸- استدراك سيف بن عميره

۱۹- امام على عليه السلام خورشيد بى غروب: سراج ، محمد ابراهيم.

۲۰- اندیشه قم.

۲۱- امام على بن ابى طالب عليه السلام عبد الفتاح عبد المقصود.

۲۲- امام على بن ابى طالب عليه السلام (روزگار عثمان) تأليف: عبد الفتاح عبد المقصود

۲۳- امام على عليه السلام خورشيد بى غروب: سراج ، محمد ابراهيم.

۲۴- امالى عبدالرزاق

۲۵- انساب الاشراف، بلاذرى.

ص: ۴۹۶



٢٦- الأئمة الاربعه،

٢٧- الاربعين المنتقى احمد بن اسماعيل طالقانی

٢٨- الإحتجاج: ابو منصور احمد بن علی طبرسی، یک جلد،

٢٩- الأمالی: شیخ صدوق، یک جلد،

٣٠- الأمام امیر المومنین علی علیها السلام از دیدگاه خلفا فقیه ایمانی ، مهدی ،

٣١- الأمالی: شیخ طوسی، ، یک جلد،

٣٢- الأمالی: شیخ مفید، یک جلد،

٣٣- الامالی ابن الشیخ :

٣٤- الأمامه و السياسه:ابن قتیبه.

٣٥- الإصابه، ابن حجر العسقلانی، محقق: معوض، ناشر: دار الکتب العلمیه، بیروت،

٣٦- الإمام المهاجر العلامه عبدالله الجیایخوری

٣٧- السیره النبویه ابن کثیر دمشقی

٣٨- المصنف عبدالرزاق،

٣٩- الخصال، شیخ صدوق، دو جلد در یک مجلد،

٤٠- الجامع لاحکام القرآن

٤١- المعیار و الموازنه،

٤٢- السنه ابن ابی عاصم،

ص: ٤٩٧

۴۳- الطرائف: سيد علي بن موسى بن طاوس، يك جلد،

۴۴- العقده:

۴۵- الفتوح نوشته ابو محمد احمد بن علي اعثم كوفي كندی، ترجمه محمد بن احمد مستوفي هروی

۴۶- الموافقه: ابان السمان.

۴۷- الصواعق المحرقة: ابن حجر ص ۱۲۶

۴۸- المناقب: الموفق بن أحمد بن محمد الخوارزمي،

۴۹- المناقب علي عليه السلام ابن مغازلي شافعي ص ۱۱۹

۵۰- الاستيعاب ابن عبدالبر،

۵۱- المسند الجامع،

۵۲- المجروحين لابن حبان،

۵۳- الموضوعات لابن جوزي

۵۴- العقد الفريد: ابن عبدربه،

۵۵- الغدير، علامه اميني، يازده مجلد.

۵۶- الغيبه: شيخ طوسي، يك جلد، مؤسسه معارف اسلامي، قم، ۱۴۱۱ق.

۵۷- الغيبه، محمد بن ابراهيم النعماني،

۵۸- الفضائل: شاذان بن جبرئيل قمي، يك جلد، .

۵۹- الكافي: ثقة الاسلام كليني، هشت جلد، .

ص: ۴۹۸

٦٠-المراجعات، السيد عبدالحسين شرف الدين، يك مجلد،

٦١-المحتصر: الشيخ الجليل حسن بن سليمان الحلبي، الطبعة الاولى،

٦٢-الولاية: حافظ ابو سعيد سجستاني ( )

٦٣-الدَّرُّ الْمَنْثُورُ فِي التَّفْسِيرِ الْمَأْثُورِ: نوشته جلال الدين سيوطي در گذشته به سال ٩١١هـ.ق.

٦٤-المعجم الكبير: طبراني. مكتبه الزهراء؛

٦٥-المعجم الوسط : طبراني.

٦٦-المعجم الصغير: طبراني.

٦٧-المستدرک علی الصحیحین: حاکم دار الکتب العلمیه؛

٦٨-البدایه و النهایه: ابن کثیر.

٦٩-الروضه :

٧٠-الرياض النضرة في مناقب العشرة طبری،

٧١-المجالس للمفيد

٧٢-الْمَنَاقِبِ، لِابْنِ شَادَانَ

٧٣-الْمُحْتَصِرِ، لِلْحَسَنِ بْنِ سُلَيْمَانَ:

٧٤-الملل و نحل شهرستاني

٧٥-الاختصاص: شيخ مفيد.

٧٦-الخصال: شيخ صدوق، جامعه مدرسين.

٧٧-الغارات، ابراهيم محمد الثقفي.

٧٨- الفِرْدَوْسُ ابْنُ شَيْرَوَيْه.

٧٩- الفضائل: سمعاني.

٨٠- الكنى و الاسماء دولابى

٨١- الكامل فى التاريخ ابن اثير،

٨٢- المستطرف ابشيهمى

٨٣- الطبقات الشعرانى

٨٤- الطبقات الكبرى ابن سعد،

٨٥- المسترشد طبرى

٨٦- المصنف عبدالرزاق،

٨٧- المعارف ابن قتيبه

٨٨- المواقف قاضى ايجى

٨٩- المهمه ابن صباغ،

ب:

٩٠- بحار الأنوار: علامه مجلسى، ١١٠ جلد، مؤسسه الوفاء بيروت لبنان، ١٤٠٤ ق.

٩١- بحر المناقب العلامه درويش برهان، مخطوط؛

٩٢- بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد: ابى جعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار قمى، م ٢٩٠ منشورات مكتبه مرعشى نجفى قم ١٤٠٤ ق.

٩٣- بيان الأئمه: شيخ محمد مهدي نجفى، نشر مكتبه الاسلاميه بيروت.

ص: ٥٠٠

۹۴-بشاره المصطفی لشيعه المرتضى : أبی جعفر محمد بن ابی القاسم محمد بن علی الطّبری (از علمای قرن ۶).

۹۵-بیست و پنج سال سکوت علی علیه السلام: فؤاد فاروقی.

۹۶-بوستان معرفت تألیف سید هاشم حسینی تهرانی

ت

۹۷-تاریخ عمر ابن خطاب: ابن جوزی

۹۸-تاریخ المدینه المنوره:

۹۹-تاریخ الخلفاء سیوطی : مطبعه السعاده.

۱۰۰-تاریخ الامم و الملوك طبری .

۱۰۱-تاریخ یعقوبی،

۱۰۲-تاریخ بغداد للخطیب البغدادی

۱۰۳-تاریخ کبیر،

۱۰۴-تاریخ مدینه لابن شبه النُمیری،

۱۰۵-تاریخ ابن کثیر

۱۰۶-تاریخ جرجان،

۱۰۷-تاریخ دمشق: ابن عساکر.

۱۰۸-تاریخ اندیشه های کلامی،

۱۰۹-تاج العروس: الزبیدی

۱۱۰-تیبیا User Name

ص: ۵۰۱

۱۱۱- تحفه الاحوذی

۱۱۲- تذکره الخواص: سبط ابن جوزی

۱۱۳- ترجمه علی بن ابیطالب

۱۱۴- تفسیر الاتقان،

۱۱۵- تفسیر نیشابوری

۱۱۶- تفسیر کشف و البیان: تالیف ثعلبی چاپ دار احیاء التراث العربی بیروت

۱۱۷- تفسیر کشف: زمخشری

۱۱۸- تفسیر نمونه: جمعی از نویسندگان، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی

۱۱۹- تفسیر فرات، ۳۳- فرات بن ابراهیم کوفی، یک جلد.

۱۲۰- تفسیر القمی: علی بن ابراهیم، دو مجلد، تصحیح سید طیب الجزائری، ۱۲۲۱۲۱- تفسیر العیاشی: محمد بن مسعود عیاشی، دو جلد.

۱۲۳- تفسیر منسوب به امام حسن العسکری علیه السلام.

۱۲۴- تفسیر کبیر: فخر رازی.

۱۲۵- تفسیر المنار شیخ محمد عبده مصری.

۱۲۶- تفسیر ابن کثیر،

۱۲۷- توضیح الدلائل، علامه شهاب الدین الشافعی النسخه المصوره من مخطوطه مکتبه الملی بفارس.

۱۲۸- تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، دار صادر، بیروت، لبنان.

ص: ۵۰۲

١٢٩- تهذيب الكمال،

ث:

١٣٠- ثواب الاعمال:

ج:

١٣١- جامع الصغير،

١٣٢- جامع الاخبار:

١٣٣- جامع الفوائد:

١٣٤- جلوه ي ولايت: عذرا انصاري، .

ج:

١٣٥- چهارده معصوم ، مظاهري ، حسين .

١٣٦- چرا شيعه شدم «تأليف محمد رازي، ص ٢١٨،

ح: تاريخ ابن كثير.

١٣٧- حاشيه مسند احمد

١٣٨- حاشيه اصابه رياض النضره

١٣٩- حاشيه شرح عزيزي

١٤٠- حاشيه سراج المنير،

١٤١- حديقه الشيعه: مقدس اردبيلي.

١٤٢- حيوه الحيوان الكبرى: الدميري.

١٤٣- حليه الاولياء حافظ ابونعيم اصفهاني

خ:

١٤٤- خصائص الوحي المبين، الحافظ ابن البطريق

١٤٥- خصائص امير المؤمنين عليه السلام

د:

١٤٦- درّ السحابه في مناقب القرابه و الصحابه،

١٤٧- دلائل الصدق محمد حسن مظفر.

١٤٨- دانش نامه اميرالمومنين (عليه السلام)، محمد محمدى رى شهرى، ناشر:

دارالحدیث، چاپ اول.

١٤٩- دانشنامه ی امام على عليه السلام رشاد ، على اكبر.

١٥٠- دلائل النبوه بیهقی

ذ:

١٥١- ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی

ر:

١٥٢- رجال الكشى

١٥٣- ربیع الابرار: زمخشری.

١٥٤- روح المعانی شهاب الدین آلوسی شافعی.

١٥٥- ریاض النضره طبری.

س:

١٥٦- سایت جامع سربازان اسلام

ص: ٥٠٤



۱۵۷-سایت جامع سربازان اسلام

۱۵۸-سایت التوحید

۱۵۹-سایت علی (علیه السلام) غلام غلامان امیرمؤمنان علیه السلام

۱۶۰-سِرِّالعالمین: غزالی.

۱۶۱-سنن کبری نسائی:

۱۶۲-سنن ابن ابی داوود،

۱۶۳-سنن کبری بیهقی،

۱۶۴-سنن ابن ماجه

۱۶۵-سیری در صحیحین «تألیف محمد صادق نجمی

ش:

۱۶۶-شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

۱۶۷-شرح الأخبار: .

۱۶۸-شرح حال امام علی علیه السلام: ابن عساکر.

۱۶۹-شرح محمودی برینابیع الموده.

۱۷۰-شرح جامع صغیر شیخ محمد حنفی

۱۷۱-شرح السنه بغوی

۱۷۲-شواهد التنزیل حاکم حسکانی

ص:

۱۷۳-صحیح مسلم،

ص: ۵۰۵

۱۷۴- صحیح بخاری

۱۷۵- صحیح ابن حیان،

۱۷۶- صَفْوَةُ الْأَخْبَارِ

۱۷۷- صحیفه الرضا:

ط:

۱۷۸- طبقات ابن سعد ۴۵۹، ۴۶۰،

۱۷۹- طبقات المحدثین،

۱۸۰- طبقات شافعیه شیرازی

ع:

۱۸۱- علل الشرائع، شیخ صدوق یک جلد، انتشارات مکتبه الداوری، قم.

۱۸۲- عیون أخبار الرضا(علیه السلام): دو جلد در یک مجلد، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.

۱۸۳- عمدہ القاری فی شرح صحیح البخاری بدر الدین حنفی.

۱۸۴- عدہ الداعی: ابن بطریق.

۱۸۵- علی از زبان دیگران . /س

۱۸۶- علی علیه السلام ابر مرد مظلوم.

ف:

۱۸۷- فرائد السمطین . ابو اسحاق حموینی

۱۸۸- فرائد السمطین شیخ الاسلام حموئی

ص: ۵۰۶

١٨٩- فردوس الأخبار، شيرويه، طبعه طهران؛

١٩٠- فردوس الاخبار: ديلمى،

١٩١- فصول المهمه: ابن صباغ مالكى .

١٩٢-فتح القدير: قاضى شوكانى.

١٩٣-فتح البارى فى شرح صحيح البخارى:

١٩٤-فتح الملك العلى: احمد بن صديق مغربى

١٩٥- فضائل الشيعة صدوق رحمه الله عليه:

١٩٦- فضائل الخمسه: رهبر ، محمد تقى ،

١٩٧- فضائل صحابه لابن حنبل:

١٩٨- فيض القدير: الشوكانى.

ق:

١٩٩- قصص الانبياء: جزايرى .

٢٠٠- قرب الإسناد

ك:

٢٠١- كامل ابن عدى:

٢٠٢- كشف الغمه: على بن عيسى إربلى، دو جلد،

٢٠٣- كشف الغمه عز الدين عبدالرزاق الحنبلى

٢٠٤- كشف الاستار:

٢٠٥- كتاب السنه:

ص: ٥٠٧

- ٢٠٦- كتر جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره: ابي الفتح محمد بن علي الكراجكي،
- ٢٠٧- كشف اليقين:
- ٢٠٨- كتر الدقائق
- ٢٠٩- كفايه الطالب: تاليف كنجي شافعي الكرخي چاپ نجف اشرف
- ٢١٠- كفايه الخصال:
- ٢١١- كفايه الخصام أبو نعيم الإصبهاني
- ٢١٢- كامل ابن اثير، ج ٣، ص ١٩٧
- ٢١٣- كتر العمال: متقى هندی مؤسسہ الرسالہ بيروت، چاپ پنجم (،
- ل:
- ٢١٤- لسان الميزان،
- ٢١٥- لسان العرب، ابن منظور، ؛
- م:
- ٢١٦- ما نزل من القرآن في علي عليه السلام حافظ ابي نعيم اصبهاني،
- ٢١٧- مصنف ابن ابي شيبه:
- ٢١٨- معاني الاخبار: شيخ صدوق .
- ٢١٩- ما نزل من القرآن في علي: حافظ ابو نعيم اصفهاني .
- ٢٢٠- منهاج السنه: ابن تيميه
- ٢٢١- مجمع الزوائد: هيثمي .
- ص: ٥٠٨

۲۲۲- مستدرک حاکم،

۲۲۳- مسند احمد حنبل:

۲۲۴- مسند ابو یعلیٰ موصلی

۲۲۵- مسند رویانی

۲۲۶- مسند شمس الاخبار قرشی،

۲۲۷- مسند بزار،

۲۲۸- مشکل الآثار،

۲۲۹- محاسن برقی:

۲۳۰- مصباح الظلام

۲۳۱- مقالات الاسلامیین،

۲۳۲- معجم کبیر طبرانی:

۲۳۳- معرفه الصحابه ابو نعیم،

۲۳۴- مناقب عمر:

۲۳۵- مناقب الخوارزمی

۲۳۶- مناقب ابن مغزلی.

۲۳۷- مناقب علی، علامه العینی الحیدر آبادی طبعه بریش چهار منار؛

۲۳۸- مناقب ابن شهر آشوب،

۲۳۹- مناقب شافعی،

۲۴۰- مناقب کوفی:

٢٤١- معانى القرآن

٢٤٢- معالم العترة النبويه

٢٤٣- منتخب البصائر

٢٤٤- منتخب كنز العمال

٢٤٥- مشارق الانوار: برسى .

٢٤٦- مقاله «محمد ابراهيم سراج».

٢٤٧- مختصر بصائر الدرجات: حسن بن سليمان الحلى، الطبعة الاولى

٢٤٨- مقتل الحسين خوارزمى

٢٤٩- مقدمه شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد

٢٥٠- مقدمه شرح نهج البلاغه صبحى صالح،

٢٥١- مقاله «محمد ابراهيم سراج».

٢٥٢- مطالب السؤل، محمد بن طلحه،

٢٥٣- موده القربى ابن مغازلى شافعى

٢٥٤- موده القربى مير سيد على شافعى،

٢٥٥- موده القربى مير سيد على همدانى.

ن :

٢٥٦- نزاهه المجالس صفورى

٢٥٧- نورالابصار:

٢٥٨- نظم درر السمطين، الزرندى الحنفى

ص: ٥١٠

۲۵۹- نهاییه العقول: فخر رازی.

و:

۲۶۰- وسیله المأل باکثیر حضر می

ی:

۲۶۱- ینابیع الموده لدوی القربی: نوشته شیخ سلیمان ابن شیخ ابراهیم قندوزی بلخی معروف بخواجه کلان.

ص: ۵۱۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

